



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# ظہور حضرت مہدی

از دیدگاه اسلام، تاجیب و نقل عجمان



سید امجد اللہ ہاشمی شہیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان

نویسنده:

اسدالله هاشمی شهیدی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۶	ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۰	فهرست
۲۸	پیشگفتار
۳۰	بخش اول: مسأله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام
۳۰	مسأله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام
۳۴	۱ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه جامعه اسلامی
۴۴	۲ - اصالت مهدویت و انکار ظهور حضرت مهدی علیه السلام از سوی برخی از مغرضان و متعصبان
۴۶	۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه صحابه و تابعین
۵۲	۴ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از نظر اقوام و ادیان
۵۲	اشاره
۵۴	اصالت اعتقاد به ظهور منجی
۵۵	انتظار ظهور منجی» در بین یهود و نصاری
۵۶	مسیح های دروغین
۵۸	۴ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از نظر اقوام و ادیان
۵۹	اصالت اعتقاد به ظهور منجی
۶۰	انتظار ظهور «منجی» در بین یهود و نصاری
۶۰	مسیح های دروغین
۶۱	۵ - عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود
۶۵	۶ - اسامی مقدّس حضرت مهدی علیه السلام در کتب مذهبی اهل ادیان
۶۹	۷ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک مسأله عقلی و منطقی است
۷۲	۸ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک مسأله فطری است

- ۷۵ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک اعتقاد اصیل مذهبی است
- ۷۸ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اختصاص به اسلام ندارد
- ۸۰ - بخش دوم: نوید اسلام درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۸۰ - اشاره
- ۸۳ - ۱ - مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اسلام
- ۸۴ - ۲ - مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه شیعه
- ۸۹ - ۳ - مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اهل سنت
- ۹۸ - ۴ - ویژگی های حضرت مهدی در روایات
- ۱۰۱ - ۵ - تعداد روایات وارده درباره حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۰۶ - بخش سوم: شناخت مهدی موعود علیه السلام
- ۱۰۶ - اشاره
- ۱۱۰ - ۱ - مهدی موعود اسلام از عرب است
- ۱۱۰ - ۲ - مهدی علیه السلام از اولاد «کنانه» است
- ۱۱۲ - ۳ - مهدی علیه السلام از «قریش» است
- ۱۱۳ - ۴ - مهدی علیه السلام از «بنی هاشم» است
- ۱۱۴ - ۵ - مهدی علیه السلام از فرزندان عبدالمطلب است
- ۱۱۴ - ۶ - مهدی علیه السلام از فرزندان ابو طالب است
- ۱۱۵ - ۷ - مهدی علیه السلام از عترت پیامبر است
- ۱۱۶ - ۸ - مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر است
- ۱۱۹ - ۹ - مهدی علیه السلام هم نام پیامبر است
- ۱۲۰ - ۱۰ - مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر است
- ۱۲۳ - ۱۱ - مهدی علیه السلام از فرزندان حضرت علی علیه السلام است
- ۱۲۴ - ۱۲ - مهدی علیه السلام از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام است
- ۱۲۵ - ۱۳ - مهدی علیه السلام از فرزندان حسنین علیهما السلام است
- ۱۲۷ - ۱۴ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است
- ۱۲۸ - ۱۵ - مهدی علیه السلام نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است

- ۱۶ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام است ..... ۱۲۹
- ۱۷ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام باقر علیه السلام است ..... ۱۳۰
- ۱۸ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام صادق علیه السلام است ..... ۱۳۱
- ۱۹ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام کاظم علیه السلام است ..... ۱۳۲
- ۲۰ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام رضا علیه السلام است ..... ۱۳۵
- ۲۱ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام جواد علیه السلام است ..... ۱۳۶
- ۲۲ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام هادی علیه السلام است ..... ۱۳۶
- ۲۳ - مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است ..... ۱۴۰
- ۲۴ - مهدی علیه السلام از ذوی القربی است ..... ۱۴۲
- ۲۵ - مهدی علیه السلام از ذریه پیامبر است ..... ۱۴۳
- بخش چهارم: اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحت احادیث مهدی علیه السلام ..... ۱۴۵
- اشاره ..... ۱۴۵
- ۱ - محمد شبلنجی ..... ۱۴۷
- ۲ - شیخ محمد صبان ..... ۱۴۷
- ۳ - ابن حجر عسقلانی ..... ۱۴۸
- ۴ - ابن حجر هیثمی مکی ..... ۱۴۸
- ۵ - ابو الطیب سید محمد صدیق حسینی بخاری قنوجی هندی ..... ۱۴۸
- ۶ - شیخ منصور علی ناصف ..... ۱۵۰
- ۷ - احمد زینی دحلان ..... ۱۵۱
- ۸ - وهابیان ..... ۱۵۲
- اشاره ..... ۱۵۲
- ۱ - یک سند تاریخی و مدرک زنده ..... ۱۵۲
- متن کامل بیانیه علمای حجاز ..... ۱۵۳
- ۲ - توضیح مختصری پیرامون بیانیه علمای حجاز ..... ۱۵۶
- ۳ - مخالفان وجود حضرت مهدی علیه السلام چه می گویند؟ ..... ۱۶۰
- اشاره ..... ۱۶۰

- ۱ - ابن حزم اندلسی و گمراهی عجیب! ----- ۱۶۱
- ۲ - خطیب بغدادی ..... ۱۶۲
- ۳ - ابن کثیر شامی ..... ۱۶۲
- رسوائی تا کجا؟ ----- ۱۶۳
- بخش پنجم: مهدی موعود علیه السلام در گفتار دانشمندان بزرگ اهل سنت ----- ۱۶۵
- اشاره ----- ۱۶۵
- اشاره ----- ۱۶۵
- ابن ابی الحدید معتزلی می گوید ..... ۱۶۷
- محمد امین سویدی می گوید ----- ۱۶۷
- ابن منظور، نویسنده کتاب «لسان العرب» می گوید ..... ۱۶۷
- ابن اثیر می گوید ----- ۱۶۸
- زبیدی نویسنده کتاب «تاج العروس» می گوید ..... ۱۶۸
- ابن حجر مکی می گوید ..... ۱۶۸
- شمس الدین ذهبی می گوید ..... ۱۶۹
- شمس الدین قرطبی می گوید ..... ۱۶۹
- مقدسی شافعی ..... ۱۶۹
- بخاری (معروف به خواجه پارسای) می گوید ----- ۱۷۰
- محبی الدین عربی می گوید ----- ۱۷۱
- نویسنده کتاب «ارشاد المستهدی» می گوید ----- ۱۷۱
- ۱ - کسانی که مهدی علیه السلام را پسر امام حسن عسکری علیه السلام می دانند ----- ۱۷۲
- اشاره ..... ۱۷۲
- ۱ - ابن ابی تلج بغدادی ..... ۱۷۳
- ۲ - علی بن حسین مسعودی ----- ۱۷۴
- ۳ - احمد بن حسین بیهقی شافعی ..... ۱۷۴
- ۴ - شیخ احمد جامی ..... ۱۷۵
- ۵ - فخر الدین رازی ..... ۱۷۷



- ۶ - یاقوت حموی ..... ۱۷۸
- ۷ - شیخ فرید الدین عطار نیشابوری ..... ۱۷۸
- ۸ - محی الدین عربی ..... ۱۸۰
- ۹ - شیخ عبدالرحمان صوفی ..... ۱۸۲
- ۱۰ - شیخ سعد الدین حموی ..... ۱۸۳
- ۱۱ - کمال الدین محمد بن طلحه شافعی ..... ۱۸۳
- ۱۲ - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی ..... ۱۸۴
- ۱۳ - مولانا جلال الدین رومی بلخی ..... ۱۸۵
- ۱۴ - ابن خلکان اشعری شافعی ..... ۱۸۷
- ۱۵ - حمد الله مستوفی قزوینی ..... ۱۸۸
- ۱۶ - حافظ شمس الدین محمد ذهبی ..... ۱۸۸
- ۱۷ - محمد خاوند شاه، مشهور به میر خاوند ..... ۱۹۲
- ۱۸ - ملا حسین کاشفی ..... ۱۹۲
- ۱۹ - خاوند میر ..... ۱۹۴
- ۲۰ - شمس الدین محمد بن طولون دمشقی ..... ۱۹۴
- ۲۱ - شیخ عبدالله شبرای شافعی ..... ۱۹۴
- ۲۲ - قاضی جواد ساباطی حنفی بصری ..... ۱۹۵
- ۲۳ - شیخ سلیمان قندوزی حنفی بلخی ..... ۱۹۶
- ۲۴ - سید مؤمن شبلنجی مصری ..... ۱۹۷
- ۲۵ - خیرالدین زرکلی معاصر ..... ۱۹۷
- ۲ - افسانه سرداب ..... ۲۰۱
- بخش ششم: قضاوت های نادرست و داوری های حساب نشده ..... ۲۰۷
- اشاره ..... ۲۰۷
- ۱ - نظر مارگلی یوت اسلام شناس اروپایی در باره حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۰۹
- ۱ - نظر مارگلی یوت اسلام شناس اروپایی در باره حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۰۹
- ردّ نظریه مارگلی یوت ..... ۲۱۰

- نکته ای که بر همه پوشیده مانده است ..... ۲۱۱
- ۲ - نظر سید امیر علی دانشمند اسلامی هندوستان ..... ۲۱۳
- ۲ - نظر سید امیر علی دانشمند اسلامی هندوستان ..... ۲۱۳
- آیا نا کامی و ستم، علت عقیده به ظهور مهدی علیه السلام است؟ ..... ۲۱۴
- ۳ - محمد احمد سودانی و ادعای مهدویت ..... ۲۱۶
- ۴ - اعتراف «جیمز دارمستتر» به اصالت مهدویت ..... ۲۱۷
- ۵ - مدعیان مهدویت و سوء استفاده از عنوان مهدی موعود ..... ۲۱۸
- بخش هفتم: مسأله انتظار ..... ۲۲۱
- اشاره ..... ۲۲۱
- ۱ - علت پی جویی مفاهیم اسلامی ..... ۲۲۳
- ۲ - انتظار از نظر لغت ..... ۲۲۵
- ۳ - انتظار در نگاه مذهب ..... ۲۲۵
- ۴ - انتظار فرج در اسلام ..... ۲۲۷
- ۴ - انتظار فرج در اسلام ..... ۲۲۷
- الف) انتظار فرج در قرآن ..... ۲۲۸
- ب) انتظار فرج در روایات اسلامی ..... ۲۳۲
- ۵ - انتظار فرج از دیدگاه نظام های سلطه گر ..... ۲۳۵
- ۵ - انتظار فرج از دیدگاه نظام های سلطه گر ..... ۲۳۵
- آیا انتظار عامل رکود است؟ ..... ۲۳۶
- ۶ - مفهوم صحیح انتظار ..... ۲۳۶
- ۷ - انتظار مؤثرترین عامل تحرک ..... ۲۳۸
- ۷ - انتظار مؤثرترین عامل تحرک ..... ۲۳۸
- ارزش و اهمیت انتظار در روایات اسلامی ..... ۲۳۸
- ۸ - آثار سازنده انتظار و نقش آن در ساختن اجتماع ..... ۲۴۳
- ۸ - آثار سازنده انتظار و نقش آن در ساختن اجتماع ..... ۲۴۳
- انتظار و مسئولیت منتظران مؤمن ..... ۲۴۴

۲۴۴	انتظار و مسئولیت منتظران مؤمن
۲۴۵	۱ - خود سازی
۲۵۶	۲ - دگر سازی
۲۵۸	۳ - زمینه سازی
۲۶۰	انتظار عامل مقاومت و پایداری
۲۷۴	انتظار عامل بقای جامعه تشیع
۲۷۵	اعتراف دشمنان اسلام به سازندگی انتظار
۲۸۱	بخش هشتم: حضرت مهدی علیه السلام و نویدهای ظهورش در قرآن کریم
۲۸۱	اشاره
۲۸۳	۱ - سوره بقره
۲۸۷	۲ - سوره آل عمران
۲۸۸	۳ - سوره نساء
۲۹۰	۴ - سوره انفال
۲۹۲	۵ - سوره توبه
۲۹۵	۶ - سوره هود
۲۹۶	۷ - سوره ابراهیم
۲۹۷	۸ - سوره حجر
۲۹۸	۹ - سوره اسراء
۳۰۱	۱۰ - سوره مریم
۳۰۱	۱۱ - سوره نور
۳۰۲	۱۲ - سوره قصص
۳۰۳	۱۳ - سوره سجده
۳۰۳	۱۴ - سوره فتح
۳۰۵	بخش نهم: نویدهای ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام در کتاب های مقدس ادیان و اخبار اهل بیت علیهم السلام
۳۰۵	اشاره
۳۰۹	۱ - مهدی موعود علیه السلام در کتب مقدسه هندیان

- ۱ - مهدی موعود علیه السلام در کتب مقدسه هندیان ..... ۳۰۹
- الف) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب اوپانیشاد ..... ۳۰۹
- الف) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب اوپانیشاد ..... ۳۰۹
- ۱ - مهدی علیه السلام در آخر الزمان ظاهر می شود ..... ۳۱۰
- ۲ - مهدی علیه السلام بر اسب دست و پا سفیدی سوار است ..... ۳۱۱
- ۳ - مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می کند ..... ۳۱۳
- ۴ - مهدی علیه السلام پاکی را به جهان بر می گرداند ..... ۳۱۶
- ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «باسک» ..... ۳۲۱
- ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «باسک» ..... ۳۲۱
- منظور از پادشاه عادل مهدی موعود علیه السلام است ..... ۳۲۲
- ۱ - مهدی علیه السلام زمین را پر از عدل و داد می نماید ..... ۳۲۲
- ۲ - مهدی علیه السلام در پایان همه دولتها می آید ..... ۳۲۳
- ۳ - حق و راستی با مهدی علیه السلام و او با حق همراه است ..... ۳۲۴
- ۴ - تمامی گنجهای عالم در اختیار مهدی علیه السلام است ..... ۳۲۵
- ۵ - مهدی علیه السلام از آسمان و زمین خبر می دهد ..... ۳۲۹
- ۶ - در همه عالم کسی بزرگتر از مهدی علیه السلام به دنیا نیاید ..... ۳۳۵
- ج) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «پاتیکل» ..... ۳۳۵
- د) بشارت ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام در کتاب «وشن جوک» ..... ۳۳۷
- ه) بشارت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در کتاب «دید» ..... ۳۳۸
- و) بشارت ظهور حضرت قائم علیه السلام در کتاب «دادتگ» ..... ۳۳۹
- ز) بشارت ظهور حضرت حجه الله علیه السلام در کتاب «ریگ ودا» ..... ۳۴۰
- ج) بشارت ظهور آخرین حجت خدا علیه السلام در کتاب «شاکمونی» ..... ۳۴۴
- ۲ - بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «تورات» ..... ۳۴۶
- ۲ - بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «تورات» ..... ۳۴۶
- الف) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در «زبور داوود» ..... ۳۴۷
- ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «اشعیای نبی» ..... ۳۵۲

- چند بشارت دیگر از کتاب اشعیا ..... ۳۵۹
- چند بشارت دیگر از کتاب اشعیا ..... ۳۵۹
- ۱ - تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی ..... ۳۵۹
- ۲ - تأمین رفاه همگانی و آباد ساختن جهان ..... ۳۶۲
- ج) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب بوئیل نبی ..... ۳۶۹
- د) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «زکریای نبی» ..... ۳۷۰
- د) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «زکریای نبی» ..... ۳۷۰
- ۱ - سرنوشت یهودیان مغرور ..... ۳۷۱
- ۲ - اخراج یهود از سرزمینهای اسلامی ..... ۳۷۲
- ۳ - صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام اسرائیل ..... ۳۷۳
- ه) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «حزقیال نبی» ..... ۳۷۵
- و) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب حجّی نبی ..... ۳۷۶
- ز) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «صفینای نبی» ..... ۳۷۸
- ح) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «دانیال نبی» ..... ۳۷۹
- ۳ - بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «انجیل» ..... ۳۸۰
- ۳ - بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «انجیل» ..... ۳۸۰
- الف) انجیل متی ..... ۳۸۱
- ب) انجیل مَرْقُس ..... ۳۸۳
- ج) انجیل لوقا ..... ۳۸۴
- ه) انجیل یوحنا ..... ۳۸۵
- ه) انجیل یوحنا ..... ۳۸۵
- مکاشفه یوحنا ..... ۳۸۵
- و) رساله پولس به رومیان ..... ۳۸۹
- ز) اعمال رسولان ..... ۳۸۹
- ز) اعمال رسولان ..... ۳۸۹
- فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان ..... ۳۹۱

- ۴ - بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در منابع «زرتشتیان» ..... ۳۹۵
- بخش دهم: دین آینده جهان ..... ۴۰۲
- اشاره ..... ۴۰۲
- ۱ - قرآن و دین آینده جهان ..... ۴۰۴
- ۲ - روایات اسلامی و دین آینده جهان ..... ۴۰۵
- ۳ - اسلام، دین همیشگی خدا ..... ۴۰۷
- ۴ - دعوت پیامبر اسلام، عمومی و جهانی است ..... ۴۱۲
- ۵ - رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم خاتم پیامبران است ..... ۴۱۳
- ۵ - رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم خاتم پیامبران است ..... ۴۱۳
- دلایل خاتمیت پیامبر اسلام در روایات ..... ۴۱۷
- ۶ - قرآن کریم، خاتم کتب آسمانی است ..... ۴۲۰
- ۶ - قرآن کریم، خاتم کتب آسمانی است ..... ۴۲۰
- خاتمیت قرآن در روایات ..... ۴۲۳
- ۷ - دین اسلام، خاتم ادیان است ..... ۴۲۶
- بخش یازدهم: جهان پیش از ظهور ..... ۴۳۱
- اشاره ..... ۴۳۱
- ۱ - عوارض شوم تمدن صنعتی ..... ۴۳۵
- ۱ - عوارض شوم تمدن صنعتی ..... ۴۳۵
- ۱ - یأس و ناامیدی ..... ۴۳۵
- ۲ - گسترش فساد اخلاقی و ازدیاد بزهکاری ..... ۴۴۰
- ۳ - مسابقه تسلیحاتی و رقابت خطرناک قدرتهای جهانی ..... ۴۴۳
- ۲ - انتقاد دانشمندان غربی از تمدن کنونی ..... ۴۴۷
- ۳ - اختراع سلاح های مرگبار و هزینة های سنگین ..... ۴۵۲
- ۴ - جنگ جهانی سوم، ارمغان تمدن صنعتی ..... ۴۵۴
- ۵ - ضرورت تشکیل حکومت جهانی ..... ۴۵۸
- ۶ - اعتراف دانشمندان به لزوم حکومت جهانی ..... ۴۵۹

- ۴۵۹ ..... ۶ - اعتراف دانشمندان به لزوم حکومت جهانی
- ۴۵۹ ..... ۱ - اینشتین
- ۴۶۰ ..... ۲ - برتراند راسل
- ۴۶۱ ..... ۳ - فولیتر فرانسوی
- ۴۶۱ ..... ۴ - پروفیسور آرنولدتوین پی
- ۴۶۱ ..... ۵ - ویلیام لوکا اریسون، فیلسوف آمریکایی
- ۴۶۱ ..... ۶ - دانت، ادیب شهیر ایتالیایی
- ۴۶۱ ..... ۷ - کانت، فیلسوف مشهور آلمانی
- ۴۶۴ ..... ۷ - خبر سطح کاهن در باره مصلح موعود
- ۴۶۸ ..... بخش دوازدهم: سیمای راستین ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۶۸ ..... اشاره
- ۴۷۳ ..... ۱ - برخی از ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۷۳ ..... حضرت مهدی علیه السلام با میراث های گرانبهای پیامبران می آید
- ۴۷۶ ..... حضرت مهدی علیه السلام با ملائکه یاری می شود
- ۴۸۱ ..... ۲ - یاران حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۸۱ ..... قرآن و یاران حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۸۵ ..... روایات و یاران حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۸۹ ..... ۳ - وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۸۹ ..... ۳ - وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۹۷ ..... الف) تورات
- ۴۹۷ ..... ب) انجیل
- ۴۹۸ ..... ۴ - مدت حکومت حقه
- ۵۰۳ ..... درباره مرکز

## ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان

### مشخصات کتاب

سرشناسه: هاشمی شهیدی اسدالله ۱۳۲۱

عنوان و نام پدیدآور: ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان / اسدالله هاشمی شهیدی

مشخصات نشر: قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۴

مشخصات ظاهری: ۴۵۲ ص

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال ۹۶۴-۶۷۰۵-۵۵-۳؛ ۰۰۰۸۳ ریال چاپ چهارم ۸۷۹-۴۶۹-۵۰۷۶-۵۵-۵

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ سوم.

یادداشت: چاپ چهارم: بهار ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق

موضوع: مهدویت در ادیان

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۲ / ۱۳۸۴ ۹ظ۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۵۴۸۴

ص: ۱

اشاره





ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان

اسدالله هاشمی شهیدی

ص: ۳



## فهرست

تصویر

□

ص: ۵

تصوير

□

ص: ٦

تصوير

□

ص: ٧

تصوير

□

ص: ٨

تصوير

□

ص: ٩



تصوير

□

ص: ١٠

تصوير

□

ص: ۱۱

تصوير

□

ص: ١٢

مطالعه سرگذشت جامعه های مختلف بشری و بررسی مکتب های فکری در طول تاریخ، نشان می دهد که انسان ها همواره به یک سلسله مسائل بنیادی، اعتقاد راسخ داشته اند تا جایی که با گذشت قرن ها و ظهور مکتب های جدید فکری و پدیدار شدن تحول های شگرف در علم و صنعت، این گرایش ها تغییر نکرده و به اصالت خود باقی مانده است.

یکی از این مسائل، اعتقاد به ظهور یک منجی و مصلح جهانی است. گرچه اعتقاد به ظهور این منجی در آخرالزمان، در میان پیروان ادیان الهی، فروغ بیشتری دارد، ولی بشر همواره در انتظار این مصلح به سر برده است و عقیده دارد که روزی، این منجی خواهد آمد و به نابسامانی ها و بی عدالتی ها خاتمه خواهد داد و انسان را بسر منزل مقصود و سعادت و کمال که خواسته دیرینه او بوده، خواهد رساند.

در این کتاب، مؤلف محترم تلاش کرده تا عقیده به منجی و مصلح جهانی را، در ادیان الهی و مکتب های مختلف فکری پی گیرد و دیدگاه هر کدام را ارائه دهد که با این بررسی، اصالت اعتقاد به ظهور منجی و انتظار او، ثابت می شود.

ایشان با ارائه شواهد، ثابت می کند که تمام این دیدگاه ها به یک نفر اشاره دارند و او همان مهدی موعود اسلام است.

سپس به نویدهای اسلام درباره ظهور آن حضرت می پردازد و روایاتی را از طریق شیعه و اهل سنت می آورد تا قطعیت این اعتقاد را بنمایاند. روایاتی را نیز برای شناخت نسب آن حضرت نقل می کند. آرای جمعی از دانشمندان اهل سنت را درباره صحت روایات وارده درباره مهدی علیه السلام، و تواتر آنها می آورد و شبهات برخی از اهل سنت را مطرح کرده، آن ها را پاسخ می دهد.

سپس دیدگاه جمعی از اهل سنت را که تصریح کرده اند که آن حضرت، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است، ذکر می کند.

اشاره ای نیز به دیدگاه تنی چند از مستشرقین و نقد آنها و اعترافات برخی از آنها دارد. در بخشی از کتاب، مسأله انتظار را ریشه یابی کرده، آثار سازنده آن را در فرد و اجتماع باز می گوید. در قسمتی دیگر از کتاب، آیاتی را که راجع به آن حضرت و ظهورش رسیده است، نقل می کند.

بخش عظیمی از کتاب را به نقل نویدهای ظهور منجی، در کتاب های مقدّس تورات و انجیل و کتاب های هندوها و زرتشتیان اختصاص می دهد.

درباره دین آینده جهان با استمداد از آیات و روایات بحث می کند و از زاویه های گوناگون به این مسأله می نگرد و ثابت می کند که دین آینده جهان، اسلام است.

در بخشی نیز به بررسی وضع جهان پیش از ظهور و آثار منفی تمدن صنعتی می پردازد و اعترافات تنی چند از دانشمندان را که بر لزوم حکومت واحد جهانی تأکید دارند، ذکر می کند.

در آخرین بخش کتاب، به برخی از ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام و یاران آن حضرت می پردازد و به چند سؤال پاسخ می دهد.

واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران، ضمن قدردانی از زحمات محقق گرانقدر حجه الاسلام و المسلمین سید اسد الله هاشمی شهیدی، افتخار دارد که تحقیق و تصحیح مصادر و ویرایش متن کتاب را انجام داده و آن را آماده چاپ و نشر نموده است.

بدان امید که این اثر مورد قبول قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه قرار گیرد و در شناسایی آن حضرت نزد شیفتگان عدالت مؤثر افتد و الطاف آن جان جهان را شامل حالمان گرداند.

واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران

بهار ۱۳۸۰

ص: ۱۴

## بخش اول: مسأله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام

### مسأله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام

شامل:

- ۱- ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه جامعه اسلامی
- ۲- اصالت مهدویت و انکار ظهور حضرت مهدی علیه السلام از سوی برخی معترضان
- ۳- ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه صحابه و تابعین
- ۴- عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از نظر اقوام و ادیان
- ۵- عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود
- ۶- اسامی مقدّس حضرت مهدی علیه السلام در کتب مذهبی ادیان
- ۷- عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک مسأله عقلی و منطقی است
- ۸- عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک مسأله فطری است
- ۹- عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک اعتقاد اصیل مذهبی است
- ۱۰- عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اختصاص به اسلام ندارد

ص: ۱۵



مسأله مهدویت و اندیشه ظهور مهدی موعود علیه السلام در آخر الزمان، در آیین مبین اسلام، مسأله ای اصیل، ریشه دار و با سابقه است که هرگز با گذشت زمان کهنه و فرسوده نمی گردد، و با آن که از زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تاکنون، مدت چهارده قرن از آن می گذرد، نه تنها از فروغ این عقیده کهن و باستانی کاسته نشده است، بلکه با پیشرفت سریع صنعتی، و انحطاط اخلاقی جوامع بشری، و احساس یأس و نومیدی، و زندگی سراسر رنج زا و درد آلود، هر آن و هر لحظه، عشق سوزان بشریت نسبت به وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام بیشتر، و نور امید و آرزو در دل های خداپرستان افروخته تر، و اشتیاق توده های محروم و دردمند، برای ظهور آن خورشید فروزان شعله ور تر می گردد.

در آیین مقدس اسلام کمتر مسأله ای را می توان یافت که به اندازه مسأله مهدویت بدان اهمیت داده شده باشد، و شاید بتوان گفت: در مورد هیچ مسأله ای از مسائل حیاتی اسلام به اندازه مسأله «مهدویت» روایت نرسیده است.

زیرا علاوه بر آیات متعددی از «قرآن کریم» که پیشوایان معصوم علیهم السلام، آنها را به وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام تفسیر و تأویل کرده اند، روایات فراوانی از طریق اهل سنت نیز از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و صحابه و تابعین و ائمه معصومین علیهم السلام در باره ظهور مبارک آن یکتا بازمانده حجج الهی وارد شده است، در این روایات، ویژگی های



شخصی و اوصاف و جزئیات زندگی آن یگانه مظهر قدرت خداوندی بیان گردیده، و هم اکنون بیش از شش هزار حدیث از منابع و مدارک معتبر شیعه و سنی در باره آن وجود مقدس در دسترس ما قرار دارد.<sup>(۱)</sup>

مسأله مهدویت، و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام که به عنوان یک شخصیت ممتاز الهی، و رهبر آسمانی، و «خاتم اوصیا» و آخرین سفیر خداوند، در پایان جهان ظهور خواهد کرد، و بر سرتاسر کره خاکی استیلا خواهد یافت، و به وسیله آن وجود مقدس، همه مکتبهای موجود زمان، و حکومت های مقتدر جهان، و تمام نیروهای تخریبی، و قدرت های اهریمنی، نابود خواهند شد، و در تمام جهان، صلح و صفا و عدالت و امتیّت بر اساس حکومت حقّ و عدل، برقرار خواهد گردید، اندیشه ای است که کلیه فرق اسلامی آن را پذیرفته و سرسختانه از آن دفاع می نمایند.<sup>(۲)</sup>

مسأله مهدویت، و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام و گسترش جهانی ایمان اسلامی، و پیروزی نهایی حق بر باطل، و استقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی، و بالاخره تشکیل «مدینه فاضله» و حکومت جهانی واحد، در میان «مسلمانان» ریشه قرآنی دارد. قرآن کریم، با قاطعیت هرچه تمامتر، پیروزی نهایی ایمان اسلامی، و غلبه قطعی «صالحان و پرهیزکاران» بر مستکبران و زورمداران، و کوتاه شدن دست جباران و ستمکاران از دامان محرومان و مستضعفان، و آینده درخشان فرزندان انسان را، در پرتو حکومت حقّ و عدل الهی به همه مسلمانان و پیروان ادیان وعده داده است.<sup>(۳)</sup>

آنچه در رابطه با مسأله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام گفته شد، حقایقی است که سابقه ای بس طولانی داشته، و در نخستین روزهای طلوع اسلام بر سر زبانها بوده است. و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام آنها را به عنوان

ص: ۱۸

---

۱- ۱. متن ۶۰۰۰ حدیثی که یاد آور شده ایم در کتاب نفیس «منتخب الاثر» نوشته دانشمند گرانقدر، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی، جمع آوری شده است. در این کتاب جمعاً ۶۲۰۷ حدیث با ذکر مأخذ از ۱۵۴ کتاب معتبر شیعه و سنی نقل شده است.

۲- ۲. برای اطلاع بیشتر به بخش چهارم کتاب که تحت عنوان: اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحّت احادیث مهدی علیه السلام آورده ایم، مراجعه فرمایید.

۳- ۳. در زمینه غلبه قطعی صالحان و پرهیزکاران بر مستکبران، و وعده های نویدبخش قرآن به مسلمانان، در بخش هشتم تحت عنوان: «نویدهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در قرآن کریم» به تفصیل سخن گفته ایم، به آنجا رجوع شود.

نویده‌های ظهور مهدی موعود علیه السلام برای اُمت اسلامی بازگو نموده، و در کمال صراحت از ظهور مردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که با فرمان مدبّر جهان هستی در پایان جهان ظهور خواهد نمود سخن گفته اند.

گرچه ما در آینده در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت، ولی در عین حال، در اینجا نیز برای این که تصویر روشنی از مسأله مهدویت داشته باشیم، نخست مسأله عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را از دیدگاه مسلمانان و جامعه اسلامی به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم، سپس آنچه در کتب روایی شیعه و سنی آمده است از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم تا حقیقت و واقعیت مسأله مهدویت بر همگان روشن شود.

### ۱ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه جامعه اسلامی

بر پژوهشگران، صاحب نظران و ارباب دانش پوشیده نیست که مسأله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان، یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام، و از اعتقادات قطعی عموم مسلمانان است، که شیعه و سنی در طی قرون و اعصار متمادی همه بر این عقیده اتفاق نظر داشته و آن را جزء عقاید قطعی خود می‌دانند.

گرچه وجود این عقیده در اسلام به خصوص در میان شیعیان، از مسایل بسیار حایز اهمیت، و از اعتقادات بنیادی محسوب می‌شود، و از این رهگذر در میان همه مذاهب اسلامی، شیعیان بیش از همه با این عقیده شناخته شده اند، لذا برخی از افراد نا آگاه و بی اطلاع، یا لجوج و معاند پیوسته کوشیده و می‌کوشند تا این عقیده را در مذهب شیعه محصور کنند، ولی هرگز عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در اسلام اختصاص به شیعه ندارد. بلکه عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام مورد اتفاق و اجماع همه مسلمین بوده، و کلیه فرق اسلامی در این عقیده باهم اتفاق نظر دارند، و حتی فرقه ساخته شده «وهابیت» نیز آن را جزء عقاید قطعی و مسلم خود می‌دانند و به طور جدی از آن دفاع می‌نمایند، و معتقدند که: اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بر هر مسلمانی واجب است، و جز افراد

نادان و بی اطلاع و بدعت گزار، منکر آن نخواهند بود.<sup>(۱)</sup>

به طور خلاصه، آنچه از مجموع منابع معتبر حدیثی و تاریخی شیعه و سنی استفاده می شود این است که: مسأله مهدویت و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یکی از ضروریات دین مقدس اسلام است که منکر آن از آیین اسلام بیرون است. از این رو، کلیه مسلمانان از شیعه و سنی - و به طور کلی عموم اُمت اسلامی - عقیده دارند، که بر اساس روایات وارده، ناچار باید در آخر الزمان (و تاریک ترین دوران تاریخ بشر) مردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به نام حضرت مهدی علیه السلام ظهور کرده، بر همه کشورها مسلط شود، و دین را تأیید بخشد، و سراسر روی زمین را پر از عدل و داد کند، و او از دودمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و از نسل حضرت فاطمه علیها السلام است.

از نظر مسلمانان، مسأله «مهدویت» و عقیده به ظهور مهدی موعود علیه السلام یک اعتقاد عمیق دینی و مذهبی، و یکی از مهمترین و حساس ترین فرازهای عقیدتی اسلامی است.

این عقیده در اسلام و به خصوص در میان شیعیان، از اعتقادات بنیادی و تردید ناپذیری است که هیچ گونه شک و تردید در آن وجود ندارد.

عموم مسلمانان و به ویژه شیعیان عقیده دارند که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از ضروریات مذهب است، و اخبار و روایات مربوط به آن حضرت، از طریق شیعه و سنی به حد «تواتر» رسیده است.<sup>(۲)</sup>

عموم مسلمانان عقیده دارند که ظهور مبارک مهدی موعود علیه السلام که در روایات متواتر اسلامی با اوصاف: «قرشی، هاشمی، فاطمی، علوی، حسنی، و حسینی» معرفی گردیده، و نویدهای ظهور مبارک آن حضرت سالها پیش از ولادت با سعادتش از زبان مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و خاندان پاکش علیهم السلام برای اُمت اسلامی بازگو شده، یک امر قطعی و مسلم است.

ص: ۲۰

---

۱- ۴. ر ک: بخش چهارم (اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحت احادیث مهدی علیه السلام).

۲- ۵. خبر «متواتر» خبری است که جماعتی آن را نقل کنند که راویان آن در کثرت و فراوانی به حدی باشند که عادتاً اتفاق و توطئه آنها بر دروغ محال باشد، و از اخبار آنها علم به صحت خبر حاصل شود، و این گونه روایت حجت است. ابن حجر عسقلانی در کتاب «نزهة النواظر»، صفحه ۱۲ می نویسد: خبر متواتر، مفید یقین است، و عمل کردن به آن نیاز به بحث ندارد.

عموم مسلمانان عقیده دارند که ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان، وعده قطعی خداوند است، و نویدهای ظهور آن موعود جهانی در قرآن کریم و روایات اسلامی به صورتی گسترده در نهایت وضوح و روشنی بیان شده است.

عموم مسلمانان عقیده دارند که طبق وعده های قرآن کریم و روایات اسلامی، در آینده تاریخ و در آخر الزمان، مردی از اهل بیت به نام حضرت مهدی علیه السلام ظهور خواهد کرد که دین را تأیید، و عدل و داد را آشکار خواهد نمود، و دشمنان دین و انسانیت چه بخواهند و چه نخواهند، سرانجام او ظاهر می شود، و بر همه کشورها و ممالک اسلامی مسلط می گردد.

در زمان او اسلام جهانگیر می شود، سراسر روی زمین پر از عدل و داد می شود، پرچم توحید و یکتاپرستی در همه جهان به اهتزاز در می آید، دینی جز دین مبین اسلام باقی نمی ماند، نظام جهانی بر اساس ایمان به خدا و احکام اسلام استوار می گردد، بر تمام جهان دین واحد، قانون واحد، نظام واحد، و رهبر واحد حکومت می کند، و در همه جا صلح و صفا ایجاد می شود، و حق و عدالت پیروز، و ظلم و ستم یکسره از بین می رود.

عموم مسلمانان عقیده دارند که با جهانی شدن ظلم و ستم، فساد و تبهکاری و وجود حکومت های ظالمانه با معیارهای غیر عادلانه در سطح جهان، از نقطه نظر رحمت الهی، ظهور مهدی موعود علیه السلام یک ضرورت اجتناب ناپذیر است که طبق وعده های صریح اسلامی آنچنان که در قرآن کریم و اخبار اهل بیت علیهم السلام آمده است، سرانجام باید ظاهر شود؛ کاخهای ستمگران را بر سرشان فرو ریزد، پرچم حق و عدالت را بر فراز گیتی به اهتزاز در آورد، ریشه ظلم و بیداد را از بیخ و بن برکند، و بر ویرانه های کاخ جباران و ستمکاران، جهانی آباد و آزاد بنیان نهد، و انسانها را از زیر یوغ استعباد، استثمار و استعمار رهایی بخشد.

آری خواننده گرامی! عموم مسلمانان و به ویژه شیعیان، عقیده دارند که ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک امر محتوم و مسلم است که بدون تردید واقع خواهد شد، و کفر کافران، لجاجت منکران و سرسختی معاندان، در تحقق اراده و مشیت الهی، و ظهور منجی آسمانی، کمترین اثری نخواهد داشت، و از این رو همه منتظر و چشم به راهند، و

همه انتظار روزی را می کشند که ندای نوید ظهور «منجی موعود» در سرتاسر جهان طنین انداز شده، همه ساکنان روی زمین، طنین آن ندای آسمانی را با گوش خود بشنوند، و از جان و دل اجابت کنند، و سر از پا نشناخته شتابان به سویش روان گردند.

اینک برای این که مهدی موعود اسلام را بشناسیم، و بدانیم که اسلام در زمینه ظهور آن یکتا بازمانده حجج الهی چه نوید هایی را به مسلمانان و مردم جهان داده است، فشرده مطالبی را که در دریای ژرف و ناپیدا کرانه متون اصیل اسلامی آمده است در اینجا می آوریم.

آنچه در مقام معرّفی مهدی موعود علیه السلام، در منابع معتبر شیعه و سنی آمده، بدین قرار است:

«او، حجّت خدا، خاتم اوصیا، رهایی بخش اُمت، مهدی، منتظر، قائم آل محمّد صلی الله علیه وآله وسلم، صاحب الأمر، صاحب الزمان، عدالت گستر، بقیه الله، صاحب شمشیر، ظاهر کننده دین، خلف صالح، باعث، وارث، صاحب، خالص، صاحب الدار (صاحب خانه) مأمول، مؤمل، (امید آینده) نایب، برهان، باسط (گسترنده)، ثائر (انقلابی)، منتقم، سید، جابر (ترمیم کننده دین)، خازن (خزینة دار علوم الهی)، امیر امیران، قاتل تبهکاران، آقای دو جهان، و امام منتظر برای تأسیس حکومت عدل الهی است»<sup>(۱)</sup>.

پدرش گنج دانش ایزدی، امام حسن عسکری علیه السلام، و مادر بزرگوارش نرجس خاتون بانوی کنیزان جهان از بیتی رفیع و خاندانی جلیل است که از امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی جز آن آخرین حجّت خدا از این بانوی بزرگوار نمانده است.<sup>(۲)</sup>

در سال ۲۵۵ هجری قمری، در سپیده دم پانزدهم ماه شعبان در شهر «سامرا» پایتخت عباسیان چشم به جهان گشود.<sup>(۳)</sup> نامش، نام پیامبر - محمّد صلی الله علیه وآله وسلم - و کنیه اش کنیه

ص: ۲۲

---

۱- ۶. دلائل الامامه، ص ۵۰۲، منتخب الأثر، ص ۲۵۶، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۴۵، ۳۴۶ و ۴۶۷؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۷؛ بشاره الاسلام، ص ۴۹ و ۶۶، نور الابصار، ص ۳۴۲؛ ینابيع الموده، ج ۳، ص ۱۰۹؛ و بسیاری از کتابهای روایی دیگر.

۲- ۷. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳، ینابيع الموده، ج ۳، باب ۷۹، ص ۳۰۲؛ مشارق الانوار، ص ۱۰۱ و کمال الدین صدوق، ج ۱، ص ۳۰۷، باب ۲۷، ح ۱.

۳- ۸. فصول المهمه، ص ۲۹۲؛ ینابيع الموده، ج ۳، ص ۱۳۸، الاتحاف، ص ۱۷۹، الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۱۴۳، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، و غیبت طوسی، ص ۱۳۷.

«ولادت با سعادتش از دشمنان پنهان ماند، و نام و نشانش از بدخواهان در نهان؛ زیرا حکومت خون آشام وقت و دستگاه ستمگر خلافت، سخت در پی او و مشتاق یافتن و نابود ساختنش بود، و تمام نیروی خود را در اطراف خانه امام حسن عسکری علیه السلام متمرکز کرده و دهها جاسوس به کار گرفته بود، و بر هر جاسوسی، جاسوسی دیگر گمارده بود تا از ولادت ولی خدا حضرت بقیه الله علیه السلام آگاه شده، نور خدا را خاموش کند، ولی مشیت خداوند بر آن تعلق گرفته بود که حجت خود را از گزند دشمنان حفظ کند»<sup>(۱)</sup>.

با شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام در شب هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری، بار دشوار و توان فرسای امامت بر دوش او نهاده شد، و به فرمان حکمت آمیز پروردگار، از مردم «غیبت» اختیار فرمود.<sup>(۲)</sup>

دوران غیبت آن حضرت دو بخش متمایز دارد:

۱ - غیبت صغری یا کوتاه مدّت - سال ۲۵۵ تا ۳۲۹ هجری - که در این دوره شیعیان می توانستند توسط سفیران چهار گانه اش با آن حضرت تماس بگیرند و با وی ارتباط برقرار کنند.

این چهار تن نایب خاص، که شیعیان می توانستند در دوران غیبت صغری توسط آنها با حضرت مهدی علیه السلام تماس بگیرند و مشکلات خود را به ناحیه مقدّسه برسانند و پاسخ های لازم را دریافت نمایند، عبارتند از: جناب عثمان بن سعید عمروی، محمّد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمّد سمّری، که با رحلت او باب «نیابت خاص» بسته شد.

۲ - غیبت کبری یا بلند مدّت که تا امروز ادامه یافته است. در این دوره سفیر و نایب خاصّی برای آن حضرت نیست، و راه تماس رسمی و آشکار برای مردم وجود ندارد. و

ص: ۲۳

---

۱ - ۹. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۴، و ج ۵۱، ص ۱۳، ۲۵، ۳۰ و ۳۲؛ کافی، ج ۱، ص ۵۰۵؛ منتخب الاثر، ص ۲۸۶ و ۲۸۸، فصول المهمّه، ص ۲۹۰ و الاتحاف بحبّ الاشراف، ص ۱۷۹.

۲ - ۱۰. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۴، ح ۹؛ کافی، ج ۱، ص ۵۰۳، محبّه البیضاء، ج ۴، ص ۳۳۵؛ ارشاد مفید، جزء دوم، ص ۳۳۶؛ وفيات الاعیان، ج ۴.

بر آنهاست که از نواب عام امام علیه السلام - یعنی از فقهای پارسا و خویشان دار - پیروی کنند. (۱)

غیبت صغری از همان لحظه ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام آغاز می شود (۲) و تا روز وفات چهارمین سفیر حضرتش ادامه می یابد (۳) ولی دوران سفارت، از رحلت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آغاز شده و تا وفات علی بن محمد سمری، امتداد می یابد. (۴)

بنابراین، طول غیبت صغری ۷۴ سال تمام، و مدت سفارت سفیران چهارگانه ۶۹ سال و شش ماه و پانزده روز است.

به هر حال، نهان زیستی آن حضرت بدین معناست که دور از چشم مردمان ولی زیر همین آسمان کبود بسر می برد. اگر برخوردی هم برایش پیشامد کند، اغلب ناشناخته می ماند و دیدار هایش با شیعیان تنها به اذن خداست.

هم اکنون - سال ۱۴۱۴ هجری قمری - نزدیک به ۱۱۵۹ سال از عمر شریفش می گذرد و بنا به اراده و مشیت حکیمانه الهی، هنوز شاداب، جوان و نیرومند است. (۵) و این حالت کهنسالی و نافرودگی او، بهترین محک برای رسوایی و سیه رویی دروغگویان و دروغ پردازان «مهدی نما» و مدعیان مهدویت است.

مهدی قائم علیه السلام وارث نهایی فضایل و کمالات انبیاء و اولیاء خداست. در خرد و دانش از همه پیشتر است، و در طاعت و عبادت و بندگی از همه پیشرو تر، و در کرم و بخشش از همه پیشگام تر، و در شجاعت و شهامت و رشادت از همه پیشتاز تر است. (۶)

از کنار خانه کعبه - مکه مکرمه - قیام شکوهمند خود را آغاز می کند، نخبه ترین پارسایان دلیر، و برگزیده ترین جنگاوران پرهیزکار آن زمان که ۳۱۳ نفرند - هم شمار

ص: ۲۴

---

۱- ۱۱. در مورد لزوم تقلید از مراجع عالیقدر و فقهای عالی مقام، مرحوم شیخ حرّ عاملی رضی الله عنه ۴۸ روایت با ذکر سند در کتاب شریف و سائل الشیعه جلد ۱۸، صفحه ۹۸، ۱۱۱، آورده است.

۲- ۱۲. نیمه شعبان، ۲۵۵ هجری قمری.

۳- ۱۳. نیمه شعبان ۳۲۹ هجری قمری، به غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۲ و کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۲۰، در مورد رحلت علی بن محمد سمری که با رحلت او باب سفارت بسته شد، و همچنین به کتاب شریف بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰، باب احوال السفراء مراجعه فرمایید.

۴- ۱۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۶ و ج ۵۳، ص ۶.

۵- ۱۵. منتخب الاثر، ص ۲۸۵ و ۲۲۱، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۳۱، بیروت؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۶، باب ۵۷، ح ۱۲؛ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵ و ۳۲۲.

۶- ۱۶. در این زمینه در بخش های مختلف این کتاب به تفصیل سخن رفته است.

یاران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در جنگ بدر - به دورش حلقه می زنند، و چون دژی محکم و استوار او را در میان می گیرند.

خبر ظهور او به سرتاسر جهان می رسد، و چون ده هزار نفر از مردمان دیندار و یکدل و نیرومند - هم شمار یاران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در فتح عظیم مکه - به یاریش بشتابند و فرمانش را گردن نهند از مکه بیرون می آید (۱) و با نبردی آزادی بخش و سخت خونین، ملت های اسیر و به دام افتاده را رهایی می بخشد.

سپاه پیروزمند آن یگانه منجی عالم که در هیچ برخوردی شکست نمی خورد (۲) سراسر گیتی را تسخیر می کند، تمامی دولت های ستمگر و باطل را از روی صفحه زمین، بر می اندازد، و حکومت واحد جهانی را بر اساس موازین عدالت اسلامی تشکیل می دهد (۳)، فرمانروایی زمین به بندگان صالح، شایسته و نیک کردار خدا می رسد، و ستمدیدگان و مستضعفان، وارث ثروتها، نعمت ها و قدرت ها در پهنه گیتی می شوند چنان که خداوند متعال می فرماید:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ، وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۴)

«وما اراده کرده ایم که بر کسانی که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند، منت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».

در سایه چنین حکومتی، ظلم، جور، جفا، تعدی و تجاوز، و جنایت و خیانت ریشه کن می گردد (۵) و برادری و برابری و عدالت و محبت، همه جا را فرا می گیرد (۶).

ص: ۲۵

۱- ۱۷. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۷؛ کمال الدین، باب ۳۶، ح ۲.

۲- ۱۸. کمال الدین، باب ۳۲، حدیث ۷. «إِنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ».

۳- ۱۹. منتخب الاثر، ص ۲۹۲، ۴۳۶، ۴۷۰ و ۴۷۱.

۴- ۲۰. سوره قصص، آیه ۵. در رابطه با این آیه شریفه، در مجمع البحرین می نویسد: این آیه در حق حضرت قائم علیه السلام نازل شده، و ابن ابی الحدید معتزلی در «شرح نهج البلاغه» نوشته است: اصحاب ما (معتزله) معتقدند که این آیه در حق امام غایبی است که ظهور خواهد کرد، و بر سرتاسر جهان حکومت خواهد نمود. (مجمع البحرین، ج ۵، ص ۸۵، ماده «ضعف»، و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۹، بخش کلمات قصار، شماره ۲۰۵).

۵- ۲۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۴، ح ۸؛ و کمال الدین، باب ۳۳، ح ۷.

۶- ۲۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱.



تعالیم سعادت بخش اسلام به بهترین شکل به اجرا در می آید، و آئین جاوید رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بر همه سرزمینها سایه گستر می شود. (۱)

در تمام معابدی که غیر خدا پرستش می شد تنها خدا را می پرستند، و همگان به کیش توحید می گرایند (۲)، و آنها که به هیچ رو در برابر منطق و برهان سر فرود نمی آورند و هنوز به وسوسه نفس و ابلیس، به بتها و طاغوتها دلبستگی تام و تمام دارند و به حکومت «الله» به هیچ وجه گردن نمی نهند، نابود می گردند. (۳) و جانیان، زورگویان، آشوبگران و گردنکشان همگی از بین می روند.

انتقام خون شهیدان راه حق - بویژه سرور آزادگان حضرت حسین بن علی علیه السلام - از جلادان و خون خواران گرفته می شود. (۴)

زمین، برکات بی شمار خود را نثار مقدم مبارک حضرتش می نماید، و گنجهای پر بهایش را برای او آشکار و پدیدار می سازد. همه جا سبز، خرم، شاداب و شکوفا می گردد، آسمان نیز نعمت های بی ماندش را بر زمین فرو می بارد. فراوانی نعمت و برکت، به گونه ای زندگی را برای مردم شیرین و دلپذیر می سازد که مردگان آرزوی برگشت به دنیا و زندگی دوباره را می کنند. (۵)

حضرت مهدی علیه السلام دست عنایت خود را بر سر مردم می گذارد، و با پرتوی از ولایت، به آنان رشد عقلانی و کمال اخلاقی می بخشد. (۶) و زمین به نور پروردگار جهان، پر فروغ و درخشان می گردد.

هر کجا ویرانه ای باشد، به فرمان حضرتش آباد می شود. امن و آمان بر همه جا سایه افکن شده، و ترس، هراس و نگرانی از میان می رود تا حدی که زنی تنها، با زیب و زیور، مسافتی طولانی را می پیماید بدون آن که هراسی از راهزنان یا درندگان به دل راه

ص: ۲۶

۱- ۲۳. منتخب الاثر، ص ۱۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۲- ۲۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴؛ کمال الدین، باب ۳۳، ح ۳۱.

۳- ۲۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰، ح ۲؛ کمال الدین، باب ۳۴، ح ۶.

۴- ۲۶. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۳، ح ۱۲۰؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۸، ح ۷.

۵- ۲۷. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۶۵؛ و منتخب الاثر، ص ۱۴۶، فصل ۲، باب اول، ح ۱۳.

۶- ۲۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۱.

اموال عمومی و ثروت های همگانی را میان مردم یکسان بخش و پخش می نماید،<sup>(۲)</sup> و مردم آنچنان دست گشاده و سخاوتمند و مهربان خواهند شد که انسان حاجتمند، بدون آن که لازم باشد تمنّایی کند یا تقاضایی بر زبان آورد یا دست نیاز به سوی این و آن دراز کند، از جیب برادر ایمانی خود به اندازه نیاز بر می دارد، و پس از فراغ و گشایش، آن را باز می گرداند.<sup>(۳)</sup>

تعلیم و تربیت در زمان آن حضرت گسترش می یابد؛ حضرتش چندین برابر علوم و معارفی را که فرستادگان الهی برای بشر آورده اند، آشکار می سازد.<sup>(۴)</sup>

سطح دانش مردم آنچنان بالا می رود که زنان، در خانه یارای آن را دارند که بر پایه کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قضاوت کنند.<sup>(۵)</sup>

خلاصه مطلب آن که، روزگار زرّین تاریخ بشر، که مصلحان و اندیشمندان جهان به نام های گوناگون چون: «مدینه فاضله»، «شهر آفتاب»، و سرزمین «الدورادو» از آن یاد کرده اند<sup>(۶)</sup> همین دوران است که نوید تحقق حتمی و قطعی آن در یک آیه از آیات قرآن مجید به اجمال آمده است آنجا که خدای عزوجل می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ، وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».<sup>(۷)</sup>

«خداوند به کسانی از شما، که ایمان آورده و عمل نیک و شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنها را خلیفه روی زمین خواهد گرداند، همان گونه که مردم پیشین را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آیینی را که

ص: ۲۷

۱- ۲۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۲۲۸.

۲- ۳۰. عقد الدرر، ص ۴۰، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷، و منتخب الاثر، ص ۱۴۷.

۳- ۳۱. اختصاص مفید، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۴- ۳۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۳.

۵- ۳۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۶.

۶- ۳۴. مدینه فاضله» تعبیر افلاطون است، و سرزمین «الدورادو» تعبیر «ولتر»، و «شهر آفتاب» تعبیر «توماس کامپانلا».

۷- ۳۵. سوره قصص، آیه ۵.

برایشان پسندیده در سراسر جهان گسترده و پابرجا خواهد ساخت، و ترس و هراس شان را به آرامش و امتیّت مبدّل خواهد نمود، آنچنان که همگان تنها مرا پرستش نمایند، و چیزی را شریک من قرار ندهند و بعد از آن هر کس که کافر شود از پلیدان و بدکاران خواهد بود».

در این آیه قرآن، چهار نوید اساسی به مؤمنان صالح داده شده است:

۱ - حکومت واحد جهانی با رهبری آخرین حجّت خدا حضرت مهدی علیه السلام به وسیله مردمان صالح و با ایمان اداره خواهد شد.

۲ - نظام کامل و عالی اسلامی در سراسر گیتی، برقرار خواهد شد و قوانین نجات بخش و سعادت آفرین اسلام دقیقاً به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۳ - بیم و هراس توده مردم به آسایش و امتیّت مبدّل خواهد گشت.

۴ - همگان، خدای یکتای بی همتا را خواهند پرستید، و هرگونه شرک، کفر و بت پرستی ریشه کن خواهد گردید.

چکیده و عصاره این چهار برنامه، همان جمله معروف و مشهوری است که شیعه و سنی در کتاب های معتبر خود نقل کرده اند، و بیش از هر عبارت دیگری در مورد خروج قائم آل محمّد علیه السلام بر زبان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و دودمان پاکش علیهم السلام جاری گشته که فرموده اند:

«يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (۱)

«سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است».

زمان ظهور منجی عالم تعیین نشده است. (۲) سبب این «نامعینی»، وابستگی مستقیم زمان ظهور به پندار و گفتار و کردار آزادانه مردم است.

این بود فشرده آن چیزی که جامعه اسلامی و به خصوص شیعیان دوازده امامی

ص: ۲۸

---

۱- ۳۶. منتخب الاثر، ص ۲۴۷ - ۲۴۹، فصل ۲، باب ۲۵. کتاب بسیار نفیس و پر ارزش «منتخب الاثر» آکنده از این تعبیر است، و کتب حدیث شیعه و سنی به وفور آن را روایت کرده اند.

۲- ۳۷. منتخب الاثر، ص ۳۰، ح ۴۱، و کفایه الاثر، ص ۱۶۸، باب ما روی عن الحسن بن علی علیهما السلام حدیث آخر و باب ما جاء عن علی بن الحسین علیهما السلام.

درباره مهدی موعود علیه السلام و ظهور او، بدان عقیده دارند، و چشم به راه هستند، و از همه منادیان آزادی و مدعیان بشر دوستی که به دروغ، هر روز در گوشه ای از جهان ندای آزادی سر می دهند ولی خود در فرصت های مناسب آزادی را از ریشه و بن بر می کنند، بیزارند، و تنها در انتظار ظهور آن یگانه منجی آسمانی و مصلح الهی بسر می برند.

و این بود خلاصه آن اخبار و احادیثی که علماء، دانشمندان و حدیث نگاران اسلام - از شیعه و سنی - از عصر معصومین علیهم السلام تا به امروز، آنها را در کتاب های معتبر و پر ارزش خود درباره مهدی موعود علیه السلام روایت نموده اند، و در گردآوری آنها از زبان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام و صحابه و تابعین تلاشها کرده اند، و در تدوین و تألیف آنها رنجها کشیده اند. و در این راه، جانبازی ها و فداکاریها کرده اند تا آنها را دست نخورده و بدون هیچ گونه دخل و تصرفی در نهایت رعایت امانت، به دست ما بسپارند.

## ۲ - اصالت مهدویت و انکار ظهور حضرت مهدی علیه السلام از سوی برخی از مغرضان و متعصبان

مسأله مهدویت و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، یکی از مسائل بسیار مهم و مشهور اسلامی است که ریشه های ثابت آن در کتاب و سنت - آیات و روایات - قرار داشته، و در منابع و مدارک اهل سنت نیز درباره آن از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه معصومین علیهم السلام، و صحابه و تابعین روایت شده است، و حتی در معروفترین و معتبرترین و اصولی ترین منابع حدیثی اهل سنت مانند «مسند احمد حنبل» (۱) و «صحاح سته» (۲) روایات مربوط به آن حضرت به فراوانی آمده است.

با این حال، برخی از متعصبان، مغرضان و کج اندیشان، و یا افراد عنود و لجوج، و یا بالاتر از آن، تحصیل کرده های از خود راضی - از اهل سنت - که علم و دانش خود را بالاتر از حق و حقیقت می پندارند، و همه چیز را با معلومات ناقص خود می سنجند، و به هر چه با معلومات ناقص شان سازگار نباشد با دیده تردید و انکار می نگرند، و زبان به

ص: ۲۹

---

۱- ۳۸. این احادیث را می توانید به خصوص، در کتاب «مسند احمد بن حنبل» جلد یکم صفحه ۸۴، ۹۹، ۳۷۶، و جلد دوم صفحه ۳۳۶، و جلد سوم صفحه ۱۷، ۲۶، ۲۸، ۳۶، ۹۸، ۳۱۷، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۸۴، و جلد پنجم صفحه ۵۷۷، و جلد ششم صفحه ۳۱۶ ملاحظه کنید.

۲- ۳۹. صحاح سته «معتبرترین کتب روایتی اهل سنت می باشد که عبارتند از: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن ترمذی، سنن نسائی، و سنن ابن ماجه.

ایراد و اعتراض می‌کشایند، موضوع بدین روشنی را مخدوش نموده، و پس از گذشت چهارده قرن از این واقعیت - در عصر تمدن و فرهنگ - تمام مطالب کتابهای خودشان را نادیده گرفته، و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را افسانه‌ای پنداشته‌اند که فقط شیعه معتقد به آن است!!<sup>(۱)</sup>

غافل از این که مسأله مهدویت و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در اسلام، مسأله‌ای اصیل و ریشه‌دار است، و اختصاص به «شیع» ندارد، و قبل از این که یک عقیده «شیعی» باشد، یک عقیده اسلامی ثابت و خالص است که مدت چهارده قرن از عمر آن می‌گذرد، و در طول این مدت پیوسته مورد اتفاق و اجماع عموم مسلمانان بوده، و علما، دانشمندان، نویسندگان، محققان و محدثان - از شیعه و سنی - در این باره کتابها، رساله‌ها و مقاله‌ها نوشته‌اند، تا آنجا که هم اکنون بیش از پنجاه جلد کتاب معتبر مستقل درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام از علمای اهل سنت<sup>(۲)</sup> و متجاوز از یکهزار جلد کتاب مستقل در مسأله مهدویت در دست است<sup>(۳)</sup> که این خود دلیل قاطعی بر اصالت مسأله مهدویت و ریشه‌دار بودن این عقیده است.

البته ما در اینجا در مقام پاسخگویی به افتراهای ناروای این گونه افراد عنود و ماجراجو نیستیم. و پیش از این، دانشوران، پژوهشگران و اندیشمندان آزاد اندیش و منصف جهان در این باره حق مطلب را ادا کرده، و پاسخ یابنده‌گویی‌های آنان را داده‌اند، ولی آنچه گفتن و نوشتن آن بر یک انسان مسلمان با ایمان لازم است و به صراحت باید اعلام نماید این است که، مهدی موعود علیه السلام یک انسان عادی و یا قهرمان خیالی نیست، بلکه او حجت خدا، و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، و مردی الهی و آسمانی، و مظهر قدرت خداوند است که پذیرش و انکار او از سوی شخصی یا گروهی، ذره‌ای از شکوه و عظمت او نمی‌کاهد، زیرا او چون مهر تابان و خورشید فروزانی است که سرانجام به هر خانه‌ای خواهد تابید، و از هر روزنه‌ای خواهد درخشید، و هرگز تیرگی اندیشه جاهلان

ص: ۳۰

۱- ۴۰. به کتاب «دانشمندان عامه و مهدی موعود علیه السلام» مراجعه فرمایید.

۲- ۴۱. اسامی آنها را در کتاب «الامام المهدی»، علی محمد علی دخیل، صفحه ۲۶۰، و کتاب «او خواهد آمد» صفحه ۷۹ - ۸۴ بخوانید.

۳- ۴۲. انتظار بذر انقلاب، ص ۱۶، و روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۶.

و تنگ نظری خفاشان، از نور افشانی آن آفتاب عالمتاب مانع نخواهد شد.

شب پره گر وصل آفتاب نخواهد

رونق بازار آفتاب نکاهد

آری! ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام از وعده های حتمی پروردگار است، و خداوند در وعده هایش تخلف نمی ورزد، و بی شک قیام شکوهمند آن مصلح پیروز تحقق خواهد یافت، و دنیا را آن چنان که پر از ظلم و جور شده، از عدل و داد پر خواهد نمود و انکار منکران، لحظه ای آن را به تأخیر نخواهد انداخت.

همچنین اعتراض معترضان، که بدون توجه به دلایل روشن و براهین آشکار، بی مهابا به پیش می تازند، و از شنیدن حق و پذیرفتن آن امتناع می ورزند، در تحقق ظهور آن مصلح الهی هیچ گونه اثری نخواهد داشت، و ظهورش بدون تردید به وقوع خواهد پیوست، و کسی را یارای مقاومت در برابر آن نخواهد بود.

«وَيَسْتَنْبِؤْكَ أَهَقُّ هُوَ قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ» (۱)

«از تو می پرسند آیا به راستی آن حق است؟ بگو: آری! به پروردگارم سوگند، که آن حق است و شما هرگز راه فراری ندارید» (۲)

«فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ» (۳)

«به پروردگار آسمان و زمین سوگند، که این وعده، همانند این که شما با یکدیگر سخن می گوید حق و حقیقت است».

### ۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه صحابه و تابعین

اگر ما از این قرن خودمان - که قرن چهاردهم هجری، و عصر برخوردها، تضادها، و ستیز مکتب ها و تمدن ها است - بگذریم، و بخواهیم این مسأله را تا عصر رسالت

ص: ۳۱

۱- ۴۳. سوره یونس، آیه ۵۳.

۲- ۴۴. گفته شده است: این آیه از مدتها و مهلت های توده ها و غایب شدن پیامبران و تکذیب آنها از سوی ملتها، و نزول عذاب بر آنها سخن گفته، نوید ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام را به هنگام انحراف امت اسلامی از راه هدایت، مژده می دهد. (غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۰ به نقل از روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۱).

۳- ۴۵. سوره الذاریات، آیه ۲۳. در مورد تفسیر این آیه از ابن عباس و حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت شده است که منظور از آن، قیام قائم علیه السلام است (غیبت شیخ طوسی رحمه الله، ص ۱۱۰، و ینابیع الموده، ص ۵۱۱، باب ۷۱).

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم مورد بررسی قرار دهیم، می بینیم که اصل مسأله مهدویت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در چهارده قرن گذشته، بین تمام مسلمانان مطرح بوده است، و صحابه بزرگ رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و تابعین، و سپس تابعین تابعین، و سایر طبقات روات، از آن زمان تا به امروز، روایات مربوط به آن حضرت را با تمام مشخصات، اوصاف و نشانه ها روایت نموده، و علما و محدثان بزرگ اسلامی نیز آنها را در کتابهای خود گردآوری نموده، و حتی برخی از آنان در این خصوص کتابهای مستقلی تألیف کرده اند.

بسیاری از شخصیت‌های سرشناس علمی، ادبی و سیاسی نیز ایمان و عقیده خود را نسبت به این موضوع، در اشعار و کتاب‌ها اظهار داشته اند و در موارد متعددی اصالت این عقیده را مورد تأیید قرار داده، و در فرصت‌های مناسب سخنانی در این رابطه ابراز داشته اند که در کتب تاریخ ثبت گردیده تا در اختیار آیندگان قرار بگیرد.

در این زمینه، شواهد بسیار زیادی از کتب حدیث، تاریخ، تفسیر، لغت، جغرافی، رجال، عقاید، کلام، و حتی شعر و ادب - از عربی و فارسی - در دست داریم که نشانه اصالت مهدویت و حقیقت این اعتقاد بزرگ اسلامی است. اینک قسمتی از آنچه که در این زمینه از شخصیت‌های علمی، ادبی و سیاسی نقل شده، می آوریم:

ابن عباس می گوید:

«شبهها و روزها سپری نمی شود - جهان به پایان نمی رسد - جز این که جوانی از ما اهل بیت زمام امور را به دست می گیرد که دستخوش فتنه ها نمی شود و خود فتنه بر نمی انگیزد.

گفته شد: چگونه است که پیر مردان شما از آن محروم می شوند و جوانان شما به آن می رسند؟!

گفت: آری! این امانت خدا است، به هر کس بخواهد عطا می فرماید».(۱)

ممکن است کسی خیال کند که ابن عباس، شخص دیگری غیر از حضرت مهدی علیه السلام را قصد کرده است، ولی روایات صریحی که مکرراً از او نقل شده، آن را توضیح می دهد که منظور، همان مهدی موعود علیه السلام است.(۲)

ص: ۳۲

---

۱- ۴۶. الملاحم والفتن، ص ۳۴۳ و ۳۴۴، ح ۵۰۷؛ الحاوی و الفتاوی، ج ۲، ص ۴۸ و ۵۸؛ منتخب الاثر، ص ۱۶۳.

۲- ۴۷. رجوع شود به کتاب «الملاحم و الفتن سید ابن طاووس»، ص ۹۶ و ۹۷، ح ۶۴ و ص ۱۳۵، ح ۱۵۳ و ص ۱۶۱، ح ۲۱۱ و ص ۱۷۷، ح ۲۳۹ و ۲۴۰، ح ۴۶۰ و ص ۳۴۵، ح ۵۰۹.

عبدالله بن عمر می گوید:

«مهدی علیه السلام کسی است که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان بر او نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند».(۱)

عثمان بن عفان می گوید:

«از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند که نه نفر آنها از فرزندان حسین علیه السلام هستند. و مهدی این اُمت از ما - اهل بیت - است.

هر کس که بعد از من به آنها تمسک جوید، به ریسمان الهی تمسک جسته، و هر کس از آنها دوری گزیند، از خدای تعالی دوری گزیده است».(۲)

حذیفه بن یمان می گوید:

«از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود: وای بر این اُمت از دست پادشاهان ستمگری که بندگان خدا را می کشند و آنها را می ترسانند ... هنگامی که خداوند اراده کند که عظمت و عزت اسلام را باز گرداند همه ستمگران سرکش و عنود را هلاک می سازد که او بر هر چه بخواهد، قادر است. او این اُمت را پس از آن که تباه شده اند، اصلاح می کند. ای حذیفه! اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می سازد تا این که مردی از اهل بیت من جهان را مالک شود، و اسلام را آشکار و ظاهر گرداند، و خداوند هرگز در وعده خود تخلف نمی ورزد».(۳)

طاووس یمانی می گوید:

«بسیار دوست داشتم که نمیرم تا آن که زمان حضرت مهدی علیه السلام را درک کنم، زیرا در آن زمان به پاداش نیکوکاران افزوده می شود، و از گناه گنه کاران جلوگیری می شود، و آن حضرت مال را به فراوانی بخشش می کند، و بر مسئولین کشوری بسیار سخت می گیرد، و بر بی نوایان بسیار رؤوف و مهربان است».(۴)

ص: ۳۳

۱- ۴۸. الملاحم والفتن، ص ۱۸۰، باب ۱۹۷، ح ۲۴۵.

۲- ۴۹. کفایه الاثر، ص ۹۳.

۳- ۵۰. بشاره الاسلام، ص ۳۲، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳، ح ۲۸، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۹۸، غایه المرام، ص ۷۰۰، و منتخب الاثر، ص ۱۴۹.

۴- ۵۱. عقد الدرر، ص ۱۴۳؛ و الملاحم والفتن، ص ۱۴۸، باب ۱۵۱، ح ۱۸۰.



ابن سیرین می گوید:

«به طور قطع، حضرت مهدی علیه السلام بر بسیاری از پیامبران برتری دارد».<sup>(۱)</sup>

کعب الاحبار می گوید:

«من مهدی علیه السلام را در اسفار - کتابهای - همه پیامبران می یابم، که در داوری او هیچ ستم و تباهی وجود ندارد».<sup>(۲)</sup>

همو در جای دیگری می گوید:

«مهدی قائم علیه السلام که از نسل علی بن ابی طالب علیهما السلام است در اخلاق و اوصاف، شکل و سیما، هیبت و شکوه چون عیسی بن مریم علیه السلام است. خدای تعالی آنچه به پیامبران داده، به او نیز با اضافات بیشتری خواهد داد».<sup>(۳)</sup>

صعصعه بن صوحان می گوید:

«آن شخص بزرگواری که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می گزارد، دوازدهمین نفر از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و نهمین نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام است. اوست خورشید فروزانی که از مغرب طلوع می نماید، در بین رکن و مقام - در کنار کعبه - ظاهر می شود، و زمین را - از وجود ستمگران - پاک می سازد، و ترازوی عدل را برقرار می نماید، به طوری که هیچ فردی به فرد دیگری ستم نخواهد کرد».<sup>(۴)</sup>

زید شهید رضی الله عنه می فرماید:

«خداوند به وسیله ما شناخته می شود، و به وسیله ما پرستیده می شود، و ما ییم راهنمایان به سوی خدا. محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم از ماست. علی مرتضی از ماست. و مهدی، قائم این اُمت، از ماست ... خداوند او را بعد از امامت امامان معصوم علیهم السلام ظاهر می گرداند، و او دنیا را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است».<sup>(۵)</sup>

شعر حکیم بن عیاش کلبی، شاعر بنی اُمیّه:

ص: ۳۴

---

۱- ۵۲. عقد الدرر، ص ۱۴۹.

۲- ۵۳. همان، ص ۴۱.

۳- ۵۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶، ح ۸۹، و غیبت نعمانی، ص ۱۴۶، باب ۱۰، ح ۴.

۴- ۵۵. الامام المهدی علیه السلام، ص ۸۵، ح ۱۲.

۵- ۵۶. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۱، ذیل حدیث ۷۷، والامام المهدی، ص ۸۷، ح ۲۲.

در بیشتر منابع تاریخی که توسط مورخان عامه تألیف شده نوشته اند که: وقتی جناب زید فرزند رشید امام چهارم، بر ضد حکومت جبار هشام بن عبدالملک قیام کرد و سرانجام به شهادت رسید و پس از مرگ، بدنش را در کوفه به دار آویختند، حکیم بن عیاش کلبی که از دشمنان سرسخت خاندان نبوت بود، این شعر را خطاب به بنی هاشم گفت:

صَلَبْنَا لَكُمْ زَيْدًا عَلَى جَذَعِ نَخْلِهِ  
وَلَمْ أَرْ مَهْدِيًّا عَلَى الْجَذَعِ يُضَلُّ

«زید انقلابی شما را بر تنه نخلی به دار آویختیم، و من فکر نمی کنم که مهدی بر تنه نخل آویخته شود».

مقصود شاعر این است که آن مهدی که ظهور می کند، فاتح همه کشورها می شود و بر تمام ممالک مستولی می گردد، پس چگونه ممکن است جناب زید که بر تنه نخل به دار آویخته شد، مهدی موعود باشد؟!!

بعضی از مورخان عامه و برخی از هم فکran شان از منحرفان و روشن فکرها، این شعر را دلیل بر افسانه بودن مسأله مهدویت گرفته اند، در صورتی که همین شعر دلیل بر واقعیت داشتن مسأله مهدویت است، زیرا همین شعر که در اوایل قرن دوم هجری گفته شده است به خوبی گواه بر این مطلب است که حتی متعصیان بنی امیه نیز می دانستند که مهدی موعود علیه السلام از دودمان رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و از نسل مطهر علی و فاطمه علیهما السلام است و همان گونه که در روایات آمده است او بر ضد دولت های جبار و خودکامه قیام می کند و پیروز می شود، و لذا این شاعر می گوید: اگر شما جناب زید را «مهدی» و نجات دهنده می دانید نمی بایست شکست بخورد و کشته شود، یعنی آنچه ما درباره مهدی علیه السلام شنیده ایم این نیست که او مصلوب می شود.

بنابراین، آیا این شعر دلیل بر سابقه ذهنی مردم نسبت به مسأله مهدویت است، یا نشانه افسانه بودن ظهور مهدی موعود؟ قضاوت با خواننده است. (۱)

ص: ۳۵

۱ - ۵۷. ابن حجر عسقلانی شافعی در کتاب «الاصابه» ذیل ترجمه حکیم بن عیاش کلبی جلد ۱، صفحه ۳۹۵، از «فوائد» کوکبی روایت نموده، که همین حکیم بن عیاش کلبی به سبب نفرین امام صادق علیه السلام با وضع عجیبی به هلاکت رسید، و داستان هلاکت او از این قرار است: موقعی که امام صادق علیه السلام شنید که این شاعر اموی این گونه سخن سرایی کرده است، سخت منقلب شد، در حالی که دستهایش از شدت ناراحتی می لرزید، آنها را به طرف آسمان بلند نموده، عرض کرد: پروردگارا! اگر گوینده این شعر دروغگوست، کلب خود را بر او مسلط گردان. طولی نکشید که دعای امام علیه السلام مستجاب شد، و موقعی که این شاعر بی ایمان عازم کوفه بود در بین راه شیری به او حمله ور شد و او را از پای درآورد.

گفتار منصور خلیفه عباسی:

سیف بن عمیره نقل می کند: روزی در نزد ابوجعفر منصور - خلیفه عباسی - بودم که خود آغاز سخن کرد و به من گفت: ای سیف! به ناچار ندا کننده ای از آسمان به نام مردی از فرزندان ابوطالب ندا خواهد کرد.

گفتم: ای امیر! شما هم این مطلب را روایت می کنی؟ گفت: آری! به خدایی که جان من در دست قدرت اوست که من این موضوع را با دو گوش خود شنیده ام.

گفتم: من این حدیث را پیش از این نشنیده بودم.

گفت: ای سیف! این حدیث حق است، و چون چنین است ما سزاوارتریم که آن را اجابت نماییم. بدان که منادی به نام مردی از عمو زادگان ما ندا خواهد کرد.

گفتم: مردی از فرزندان فاطمه؟ گفت: آری، ای سیف اگر این مطلب را از محمّد بن علی - امام باقر علیه السلام - نشنیده بودم، آن را برای تو بازگو نمی نمودم، ولی گوینده محمّد بن علی علیهما السلام است، و در همه روی زمین کجا می توان کسی را مانند او پیدا کرد؟<sup>(۱)</sup>

گفتار هارون الرشید:

سلیمان بن اسحاق - که خود از بنی عباس و از نواده های عبدالله بن عباس است - گوید: پدرم برای من نقل کرد که روزی نزد هارون الرشید بودم که از «مهدی» و عدالت او سخن به میان آمد، و سخن در این باره به درازا کشید.

آنگاه هارون الرشید گفت: گمان من این است که شماها چنین می پندارید که پدر من - مهدی عباسی - همان مهدی موعود است!! ولی من به شما می گویم که پدرم از پدران من، از ابن عباس، و او از پدرش عباس بن عبدالمطلب برای من نقل کرد که پیامبر خطاب به عباس فرمود:

ای عمو! دوازده نفر از فرزندان من امام خواهند بود. حوادث ناگواری روی

ص: ۳۶

---

۱- ۵۸. عقد الدرر، ص ۱۱۰، ارشاد مفید، ص ۳۳۷، کافی، ج ۸، ص ۲۰۹، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸؛ والمهدی، ص ۵۱.

خواهد داد، و روزگار بسیار سختی فراخواهد رسید، آنگاه مهدی علیه السلام که از فرزندان من است ظاهر می شود، و خداوند امر او را در یک شب اصلاح می نماید، او سراسر زمین را پر از عدل می کند همان گونه که پر از ستم شده است، آنگاه هر چه خدا بخواهد در زمین حکومت می کند. (۱)

#### ۴ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از نظر اقوام و ادیان

##### اشاره

انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی، و امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد.

از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسانها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و از نابسامانی و ناامنی و تیره روزی خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای که شایسته مقام انسان است، نایل آیند.

به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان از مصلحی که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود و به جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد، سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویدهایی داده اند.

در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف چنین می نویسد:

موضوع ظهور و علایم ظهور، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است. صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت، و طالب تکامل معنوی وقتی که از همه نا امید می شود، و می بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز

ص: ۳۷

متأسفانه، بشریت غافل و بی خبر، روز به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید، و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند؛ بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می شود، و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید.

از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خداپرستان وجود داشته است. و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند: زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان، سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب‌های قدیم چینیان و در عقاید هندیان، و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتی مکزیکی و نظایر آنها نیز می توان یافت.<sup>(۱)</sup>

آری! عقیده به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی در پایان جهان، یکی از مسایل بسیار مهم و حساسی است که نه تنها در آیین مبین اسلام، بلکه در همه ادیان آسمانی، و نه تنها در میان پیروان ادیان و مذاهب بلکه در نزد بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد، و تمامی پیروان ادیان بزرگ عالم از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان گرفته تا پیروان مکتب‌های الحادی، همه و همه بدان عقیده دارند.

ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار با هم اختلاف نظر دارند، مسلمانان او را «مهدی موعود منتظر مالی، و پیروان سایر ادیان و مکتبها و ملتها و توده‌های محروم، وی را مصلح جهانی» یا «مصلح غیبی، یا «رهاننده بزرگ» با «نجات بخش آسمانی» و با المنجی اعظم» می نامند؛ ولی درباره اوصاف کلی، برنامه‌های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخرالزمان اتفاق نظر دارند.

جالب توجه این که حتی در این اواخر نیز، این عقیده در بین گروهی از دانشمندان و فلاسفه بزرگ جهان به عنوان: «لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی در سطح وسیعی مطرح گردیده است.

در عصر اخیر دوشادوش پیشرفت همه جانبه‌ای که در تمام مسائل علمی نصیب

ص: ۳۸

---

۱- ۶۰. مقدمه کتاب «مهدی موعود» ترجمه سیزدهم بحار، ص ۱۷۷، و مهدی انقلابی بزرگ، ص ۵۷، به نقل از کتاب علائم الظهور.

بشریت شده، این ایده و عقیده نیز از مرز ادیان و مذاهب قدم فراتر نهاده و به عنوان یکی از مهمترین مسایل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است»<sup>(۱)</sup>.

آری خواننده گرامی! امروز بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه مشهور جهان نسب عقیده دارند که با پیشرفت سریع صنعت و تکنولوژی، زندگی ماشینی، رقابت های ناسالمنظمی، بازیهای خطرناک سیاسی، و احساس یأس و ناامیدی در بین جوامع بشری برای رهایی از اوضاع نابسامان کنونی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی لازم و ضروری است.<sup>(۲)</sup>

بنابر این، برغم افکار بیمارگونه کوتاه نظران کج اندیش که می پندارند مسأله مهدویت و انتظار ظهور یک رهبر بزرگ آسمانی در پایان جهان، از مختصات مسلمانان و یا از عقاید خاص شیعیان است و می کوشند تا با تلاش مذبحخانه خود آن را در یک مکتب خاص محصور کنند، این مسأله اختصاص به مسلمانان و شیعیان ندارد؛ بلکه یک اعتقاد عمومی مشترک است که همه اُمتهای و ملتها و پیروان ادیان و حتی مکاتب مختلف، فلاسفه، دانشمندان و اندیشمندان واقع بین جهان نیز در این عقیده و مرام باهم شریک اند.<sup>(۳)</sup>

### اصالت اعتقاد به ظهور منجی

عقیده به ظهور یک نجات دهنده بزرگ آسمانی و امید به یک آینده روشن که در آن، نگرانیها و هراسها مرتفع گردد، و به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی هسمه تاریکیها از پهنه گیتی برچیده شود، و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت، در همه جا، و در همه زمانها بین تمام ملتها شایع و رایج بوده است.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسانها پیوسته در میان همه ملتها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده، و حتی اقوام مختلف

ص: ۳۹

---

۱- ۶۱. او خواهد آمد، ص ۷۵.

۲- ۶۲. به بخش یازدهم، تحت عنوان: «نظریات فلاسفه و دانشمندان درباره آینده جهان» مراجعه فرمایید.

۳- ۶۳. در مورد این که همه اُمتهای و ملتها درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام باهم، هم عقیده اند در بخش نهم، تحت عنوان: «نویدهای ظهور مهدی موعود علیه السلام در کتب مقدّسه» به تفصیل سخن رفته است.

جهان چون: اسلاوها، ژرمنها، اسنها و سلتها، نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، بی عدالتی ها را از بین برده، حکومت واحد جهانی تشکیل داده، و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

آنچه از تاریخ اُمتها استفاده می شود این است که: مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخر الزمان به نام منجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل ملتها و پیروان همه ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسانها در فراز و نشیب های زندگی، با یاد آوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و نا امیدي نجات داده، و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می کنند.

برای اثبات این مطلب، کافی است بدانیم که عقیده به ظهور یک «نجات دهنده» حتی از نظر یهود و نصاری نیز قطعی است. و حتی این که در میان همه طوایف یهود و همه شاخه های مسیحیت وجود این عقیده قطعی و مسلم است.

اینک برای توضیح بیشتر به مطالبی که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید.

### انتظار ظهور منجی» در بین یهود و نصاری

نویسنده آمریکایی کتاب «قاموس مقدس، درباره شیوع اعتقاد به ظهور، و انتظار پیدایش یک «منجی بزرگ جهانی» در میان قوم یهود چنین می نویسد:

«عبرانیان منتظر قدوم مبارک «مسیح» نسلا بعد نسل بودند، و وعده آن وجود مبارک ... مکر را در «زبور» و کتب انبیاء علی الخصوص، در کتاب «اشعیا» داده شده است. تا وقتی که «یحیای تعمید دهنده» آمده، به قدوم مبارک وی بشارت داد، لیکن «یهود» آن نبوآت (پیشگوییها) را نفهمیده با خود همی اندیشیدند که «مسیح» (سلطان زمان) خواهد شد، و ایشان را از دست جور پیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد، و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد».<sup>(۱)</sup>

نویسنده کتاب «قاموس کتاب مقدس» در کتاب خود از یهودیان، زبان به شکایت

ص: ۴۰

---

۱- ۶۴. قاموس مقدس، ص ۸۰۶، به نقل از کتاب «او خواهد آمد»، ص ۳۲.

می گشاید که دعوت عیسای مسیح را بعد از آن همه اشتیاق و انتظار، سرانجام نپذیرفتند و او را مسیح واقعی نپنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان خواهد بود و منجی واپسین و مژده اش را کتاب مقدسشان داده بود و سالها در انتظارش در التهاب سوزان لحظه شماری می کردند، مطابق نیافتند. از این رو، با او به دشمنی بسر خاستند، حتی وی را جنایتکار به ملت اسرائیل، و تعالیمش را، ضد آرمان اساسی کتب مقدس «عهد عتیق» (تورات و ملحقات آن) دانستند، ناچار به محاکمه اش فراخواندند و به اعدام محکومش کردند، و همچنان با احساس غیبی جانکاه مجددا در انتظار «مسیح موعود» و رهایی بخش از رنج و ستم، نشستند.

مسیحیان، با این که حضرت عیسی علی را مسیح موعود» یهودیان می دانستند، چون نسبت به پیروی او احساس ناتمامی کردند، یکباره امیدشان از زمان حال» برکنده شد؛ حماسه انتظار را از سر گرفتند و در انتظار مسیح و بازگشت وی از آسمان، در پایان جهان نشستند.

طبق نوشته «مستر ها کس» آمریکایی، در کتاب خود «قاموس کتاب مقدس کلمه پسر انسان» ۸۰ بار در «انجیل» و ملحقات آن (عهد جدید) به کار رفته که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی قابل تطبیق است، و ۵۰ مورد دیگر از مصلح» و نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر زمان ظهور خواهد کرد (۱)!

### مسیح های دروغین

اعتقاد به ظهور یک منجی بزرگ جهانی» و اشتیاق، به ظهور یک رهبر آسمانی در میان یهود و نصاری، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این دو ملت، مدعیان شگفتی را پدید آورده، و افراد زیادی پیدا شده اند که خود را به دروغ «مسیح موعود» معرفی کرده اند. به طوری که صاحب کتاب قاموس کتاب مقدس» درباره شماره مدعیان دروغین «مسیح موعود» می نویسد: |

۲۴ نفر مسیحیان (مسیح های دروغگو در میان بنی اسرائیل ظاهر گشتند که

ص: ۴۱



مشهورترین و معروفترین آنها «برکوکبه» است که در اوایل قرن ثانی می زیست. و آن دجال معروف ادعا می نمود که رأس و رئیس و پادشاه قوم یهود است.

و در مائه دوازدهم تخمین ده نفر از مسیحیان، یعنی: مسیح های دروغگو - ظاهر گردیده، جمعی را به خود گروانیده، و این مطلب اسباب فتنه و جنگ شده، و جمعی کثیر نیز در آن معرکه، طعمه شمشیر گردیدند. و آخرین مسیحیان - مسیح های دروغگو - مردخای» است. او شخصی بود آلمانی که در سال ۱۶۸۲ میلادی ظهور کرده، اسباب اشتداد فتنه، و اشتعال نائره فساد گشت، و چون آتش فتنه بالا گرفت، فراری گردیده معدوم الاثر شد.

نویسنده کتاب «دیباجه ای بر رهبری» بعد از نقل این جریان از کتاب «قاموس کتاب مقدس» می نویسد:

متأسفانه اطلاع مؤلف آمریکایی - کتاب «قاموس کتاب مقدس» به زبان فارسی، که سالها نیز ساکن همدان» بوده است. درباره شماره مدعیان «مسیحائی» و همچنین درباره آخرین کسی که به عنوان «مسیح موعود» قیام کرده است، نارساست. |

شماره این مدعیان، به مراتب بیشتر از آن است که وی یادآور شده است، همچنین قیام «مردخای» آلمانی در قرن هفدهم، واپسین قیامی نیست که تاریخ مسیحیت آن را به یاد می آورد. تنها طی دو قرن هیجده و نوزده در انگلستان، بالغ بر شش تن، به نام «مسیح موعود» ظهور کرده اند، و اغتشاشهایی را هم دامن زده اند، و پاره ای از آنان نیز به کیفر رسیده اند. (۱)

البته به موازات دین مسیح، در دین یهود نیز، مسیح های دروغین مستعد ظهور کرده اند. از جمله، یکی از مسیح های یهودی، «داود آل روی» از یهودیان ایران است. او در اواسط قرن دوازدهم در میان یهودیان ایران، مدعی شد که او «مسیح موعود» است. (۲)

۵ - عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود

ص: ۴۲

۱ - ۶۶.

۲ - ۶۷. دیباجه ای بر رهبری، ص ۹۵ - ۹۶.

انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی، و امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد.

از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسانها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و از نابسامانی و ناامنی و تیره روزی خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای که شایسته مقام انسان است، نایل آیند.

به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان از مصلحی که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود و به جنایتها و خیانت‌های انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد، سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نوید‌هایی داده اند.

در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف چنین می نویسد:

«موضوع ظهور و علائیم ظهور، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است. صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت، و طالب تکامل معنوی وقتی که از همه نا امید می شود، و می بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز متأسفانه، بشریت غافل و بی خبر، روز به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید، و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند؛ بنا به فطرت ذاتی خود متوجه در گاه خداوند بزرگ می شود، و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید.

از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خداپرستان وجود داشته است. و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند: زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان، سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب‌های قدیم چینیان و در عقاید هندیان، و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتی مکزیکیک و نظایر آنها نیز می توان یافت» (۱).

آری! عقیده به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی در پایان جهان، یکی از مسایل بسیار مهم و حساسی است که نه تنها در آیین مبین اسلام، بلکه در همه ادیان آسمانی، و نه تنها در میان پیروان ادیان و مذاهب بلکه در نزد بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد، و تمامی پیروان ادیان بزرگ عالم از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان گرفته تا پیروان مکتب‌های الحادی، همه و همه بدان عقیده دارند.

ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار باهم اختلاف نظر دارند، مسلمانان او را «مهدی موعود منتظر علیه السلام»، و پیروان سایر ادیان و مکتب‌ها و ملت‌ها و توده‌های

محروم، وی را «مصلح جهانی» یا «مصلح غیبی»، یا «رهاننده بزرگ» یا «نجات بخش آسمانی» و یا «منجی اعظم» می نامند؛ ولی در باره اوصاف کلی، برنامه های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخرالزمان اتفاق نظر دارند.

جالب توجه این که حتی در این اواخر نیز، این عقیده در بین گروهی از دانشمندان و فلاسفه بزرگ جهان به عنوان: «لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی» در سطح وسیعی مطرح گردیده است:

«در عصر اخیر دوشادوش پیشرفت همه جانبه ای که در تمام مسایل علمی نصیب بشریت شده، این ایده و عقیده نیز از مرز ادیان و مذاهب قدم فراتر نهاده و به عنوان یکی از مهمترین مسایل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.» (۲)

آری خواننده گرامی! امروز بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه مشهور جهان نیز عقیده دارند که با پیشرفت سریع صنعت و تکنولوژی، زندگی ماشینی، رقابت های نا سالم نظامی، بازیهای خطرناک سیاسی، و احساس یأس و ناامیدی در بین جوامع بشری برای رهایی از اوضاع نا بسامان کنونی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی لازم و ضروری است. (۳)

بنابراین، بر غم افکار بیمارگونه کوتاه نظران کج اندیش که می پندارند مسأله مهدویت و انتظار ظهور یک رهبر بزرگ آسمانی در پایان جهان، از مختصات مسلمانان و یا از عقاید خاص شیعیان است و می کوشند تا با تلاش مذبحخانه خود آن را در یک مکتب خاص محصور کنند، این مسأله اختصاص به مسلمانان و شیعیان ندارد؛ بلکه یک اعتقاد عمومی مشترک است که همه اُمّت‌ها و ملت‌ها و پیروان ادیان - و حتی مکاتب مختلف، فلاسفه، دانشمندان و اندیشمندان واقع بین جهان نیز - در این عقیده و مرام باهم شریک اند. (۴)

### اصالت اعتقاد به ظهور منجی

عقیده به ظهور یک نجات دهنده بزرگ آسمانی و امید به یک آینده روشن که در آن، نگرانیها و هراسها مرتفع گردد، و به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی همه تاریکیها از پهنه گیتی برچیده شود، و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت، در همه جا، و در همه زمانها بین تمام ملت‌ها شایع و رایج بوده است.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسانها پیوسته در میان همه ملت‌ها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده، و حتی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها، ژرمنها، اسنها و سلتها، نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، بی عدالتی ها را از بین برده، حکومت واحد جهانی تشکیل داده، و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

آنچه از تاریخ اُمّت‌ها استفاده می شود این است که: مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخر الزمان به نام منجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل ملت‌ها و پیروان همه ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل

جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسانها در فراز و نشیب های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات داده، و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می کنند.

برای اثبات این مطلب، کافی است بدانیم که عقیده به ظهور یک «نجات دهنده» حتی از نظر یهود و نصاری نیز قطعی است. و حتی این که در میان همه طوایف یهود و همه شاخه های مسیحیت وجود این عقیده قطعی و مسلم است.

اینک برای توضیح بیشتر به مطالبی که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید.

### انتظار ظهور «منجی» در بین یهود و نصاری

نویسنده آمریکایی کتاب «قاموس مقدس»، درباره شیوع اعتقاد به ظهور، و انتظار پیدایش یک «منجی بزرگ جهانی» در میان قوم «یهود» چنین می نویسد:

«عبرانیان منتظر قدوم مبارک «مسیح» نسلاً بعد نسل بودند، و وعده آن وجود مبارک ... مکرراً در «زبور» و کتب انبیا، علی الخصوص، در کتاب «اشعیا» داده شده است. تا وقتی که «یحیای تعمید دهنده» آمده، به قدوم مبارک وی بشارت داد، لیکن «یهود» آن نبوات (پیشگویی ها) را نفهمیده با خود همی اندیشیدند که «مسیح» (سلطان زمان) خواهد شد، و ایشان را از دست جور پیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد، و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد».<sup>(۵)</sup>

نویسنده کتاب «قاموس کتاب مقدس» در کتاب خود از یهودیان، زبان به شکایت می گشاید که دعوت عیسی مسیح را بعد از آن همه اشتیاق و انتظار، سرانجام نپذیرفتند و او را مسیح واقعی نپنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان خواهد بود و منجی واپسین و مژده اش را کتاب مقدسشان داده بود و سالها در انتظارش در التهاب سوزان لحظه شماری می کردند، مطابق نیافتند. از این رو، با او به دشمنی برخاستند، حتی وی را جنایتکار به ملت اسرائیل، و تعالیمش را، ضد آرمان اساسی کتب مقدس «عهد عتیق» (تورات و ملحقات آن) دانستند، ناچار به محاکمه اش فراخواندند و به اعدام محکومش کردند، و همچنان با احساس غبنی جانکاه مجدداً در انتظار «مسیح موعود» و رهایی بخش از رنج و ستم، نشستند.

مسیحیان، با این که حضرت عیسی علیه السلام را «مسیح موعود» یهودیان می دانستند، چون نسبت به پیروی او احساس نا تمامی کردند، یکباره امیدشان از «زمان حال» برکنده شد؛ حماسه انتظار را از سر گرفتند و در انتظار «مسیح» و بازگشت وی از آسمان، در پایان جهان نشستند.

طبق نوشته «مستر هاکس» آمریکایی، در کتاب خود «قاموس کتاب مقدس» کلمه «پسر انسان» ۸۰ بار در «انجیل» و ملحقات آن (عهد جدید) به کار رفته که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق است<sup>(۶)</sup>، و ۵۰ مورد دیگر از «مصلح» و نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر زمان ظهور خواهد کرد<sup>(۷)</sup>!

اعتقاد به ظهور یک «منجی بزرگ جهانی» و اشتیاق، به ظهور یک رهبر آسمانی در میان یهود و نصاری، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این دو ملت، مدعیان شگفتی را پدید آورده، و افراد زیادی پیدا شده اند که خود را به دروغ «مسیح موعود» معرفی کرده اند. به طوری که صاحب کتاب «قاموس کتاب مقدس» در باره شماره مدعیان دروغین «مسیح موعود» می نویسد:

«۲۴ نفر مسیحیان (مسیح های) دروغگو در میان بنی اسرائیل ظاهر گشتند که مشهورترین و معروفترین آنها «برکوکبه» است که در اوایل قرن ثانی می زیست. و آن دجال معروف ادعا می نمود که رأس و رئیس و پادشاه قوم یهود است.

و در مائه دوازدهم تخمیناً ده نفر از مسیحیان، - یعنی: مسیح های دروغگو - ظاهر گردیده، جمعی را به خود گروانیده، و این مطلب اسباب فتنه و جنگ شده، و جمعی کثیر نیز در آن معرکه، طعمه شمشیر گردیدند. و آخرین مسیحیان - مسیح های دروغگو - «مردخای» است. او شخصی بود آلمانی که در سال ۱۶۸۲ میلادی ظهور کرده، اسباب اشتداد فتنه، و اشتعال نائره فساد گشت، و چون آتش فتنه بالا گرفت، فراری گردیده معدوم الاثر شد.

نویسنده کتاب «دبیاچه ای بر رهبری» بعد از نقل این جریان از کتاب «قاموس کتاب مقدس» می نویسد:

«متأسفانه اطلاع مؤلف آمریکایی - کتاب «قاموس کتاب مقدس» به زبان فارسی، که سالها نیز ساکن «همدان» بوده است - درباره شماره مدعیان «مسیحانی» و همچنین درباره آخرین کسی که به عنوان «مسیح موعود» قیام کرده است، نارساست.

شماره این مدعیان، به مراتب بیشتر از آن است که وی یاد آور شده است، همچنین قیام «مردخای» آلمانی در قرن هفدهم، واپسین قیامی نیست که تاریخ مسیحیت آن را به یاد می آورد. تنها طی دو قرن هیجده و نوزده در انگلستان، بالغ بر شش تن، به نام «مسیح موعود» ظهور کرده اند، و اغتشاش هایی را هم دامن زده اند، و پاره ای از آنان نیز به کیفر رسیده اند.» (۸)

«البته به موازات دین مسیح، در دین یهود نیز، مسیح های دروغین متعدّد ظهور کرده اند. از جمله، یکی از مسیح های یهودی، «داود آل روی» از یهودیان ایران است. او در اواسط قرن دوازدهم در میان یهودیان ایران، مدعی شد که او «مسیح موعود» است.» (۹)

## ۵ - عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود

مسأله عقیده به ظهور مصلحی جهانی در پایان دنیا امری عمومی و همگانی است، و اختصاص به هیچ قوم و ملتی ندارد. سر منشأ این اعتقاد کهن و ریشه دار، علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی هر انسان - که به طور طبیعی خواهان حکومت حق و عدل، و برقراری نظام صلح و امتیّت در سرتاسر جهان است - نویدهای بی شائبه پیامبران الهی در طول تاریخ بشریت به مردم مؤمن و آزادی خواه جهان است.

تمام پیامبران بزرگ الهی در دوران مأموریت الهی خود به عنوان جزیی از رسالت خویش به مردم وعده داده اند که در آخر الزمان و در پایان روزگار، یک مصلح بزرگ جهانی ظهور خواهد نمود و مردمان جهان را از ظلم ظالمان و ستم ستمگران

نجات خواهد داد و فساد، بی دینی و بی عدالتی را در تمام جهان ریشه کن خواهد ساخت و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف جهان مانند: مصر باستان، هند، چین، ایران و یونان و نگرش به افسانه های دیگر اقوام مختلف بشری، این حقیقت را به خوبی روشن و مسلم می سازد که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف آرا، عقاید و اندیشه های متضادی که با یکدیگر دارند، در انتظار مصلح موعود جهانی، بسر می برند.

اینک برای این که در باره این موضوع سخنی به گزاف نگفته باشیم فهرست مختصری از بازتاب این عقیده را در میان اقوام و ملل مختلف جهان در اینجا می آوریم:

۱ - ایرانیان باستان معتقد بودند که: «گرزا سپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده، و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

۲ - گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که: «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

۳ - نژاد اسلاو بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.

۴ - نژاد ژرمن معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.

ص: ۴۳

---

۱ - ۶۰. مقدمه کتاب «مهدی موعود» ترجمه سیزدهم بحار، ص ۱۷۷، و مهدی انقلابی بزرگ، ص ۵۷، به نقل از کتاب علائم الظهور.

۲ - ۶۱. او خواهد آمد، ص ۷۵.

۳ - ۶۲. به بخش یازدهم، تحت عنوان: «نظریات فلاسفه و دانشمندان درباره آینده جهان» مراجعه فرمایید.

۴ - ۶۳. در مورد این که همه امتها و ملتها درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام باهم، هم عقیده اند در بخش نهم، تحت عنوان: «نویدهای ظهور مهدی موعود علیه السلام در کتب مقدسه» به تفصیل سخن رفته است.

۵ - ۶۴. قاموس مقدس، ص ۸۰۶، به نقل از کتاب «او خواهد آمد»، ص ۳۲.

۶ - ۶۵. و ۲ - او خواهد آمد، ص ۳۳، به نقل از قاموس مقدس، ص ۲۱۹.

۷ - ۶۶.

۸ - ۶۷. دیباچه ای بر رهبری، ص ۹۵ - ۹۶.

۹ - ۶۸. دیباچه ای بر رهبری، ص ۱۰۱ - ۱۰۲.

۵ - اهالی صربستان انتظار ظهور «مارکو کراویویچ» را داشتند.

۶ - برهمنیان از دیر زمانی برای عقیده بودند که در آخر زمان «ویشنو» ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته و مخالفین را خواهد کشت، و تمام دنیا «برهن» گردد و به این سعادت برسد.

۷ - ساکنان جزایر انگلستان، از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که: «ارتور» روزی از جزیره «آوالون» ظهور نماید و نژاد «ساکسون» را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.

۸ - اسن ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

۹ - سلت ها می گویند: پس از بروز آشوب هایی در جهان، «بوریان بور ویهیم» قیام کرده، دنیا را به تصرف خود در خواهد آورد.

۱۰ - اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد، جنگهای جهانی اقوام را نابود می سازد، آنگاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می شود.

۱۱ - اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می باشند.

۱۲ - اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که: «کوتزلکوتل» نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان، پیروز خواهد شد.

۱۳ - چینی ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می دهد.

۱۴ - زرتشتیان معتقدند که: «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را در جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.

۱۵ - قبایل «ای پوور» معتقدند که: روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.

۱۶ - گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، در شهر «ممفیس» زندگی می کردند، معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می شود، اختلاف طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می رساند.

۱۷ - گروهی دیگر از مصریان باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخر الزمان، در کنار خانه خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می کند.

۱۸ - ملل و اقوام مختلف هند، مطابق کتاب های مقدّس خود، در انتظار مصلحی هستند که ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد.

۱۹ - یونانیان می گویند: «کالویرگ» نجات دهنده بزرگ، ظهور خواهد کرد، و جهان را نجات خواهد داد.

۲۰ - یهودیان معتقدند که در آخر زمان «ماشیح» (مهدی بزرگ) ظهور می کند و ابد الآباد در جهان حکومت می کند، او را از اولاد حضرت اسحاق می پندارند، در صورتی که «تورات»، کتاب مقدّس یهود، او را صریحاً از اولاد حضرت اسماعیل دانسته است.

۲۱ - نصارا نیز به وجود حضرت مهدی علیه السلام قایلند و می گویند: او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عالم را خواهد گرفت، ولی در اوصافش اختلاف دارند.<sup>(۱)</sup>

آنچه از نظر خوانندگان گرامی گذشت - گرچه همه آنها با حضرت مهدی علیه السلام کاملاً تطبیق نمی کند و حتی برخی از آنها اصلاً با مهدی موعود اسلام وفق نمی دهد. - از یک حقیقت مسلم حکایت می کند و آن این که:

این افکار و عقاید و آرا که همه آنها با مضمون های مختلف، از آینده ای درخشان و آمدن مصلحی جهانی در آخر الزمان خبر می دهند، نشانگر این واقعیت است که همه آنها در واقع از منبع پر فیض وحی سرچشمه گرفته است، و لکن در برخی از مناطق دور دست که شعاع حقیقت در آنجا کمتر تابیده است در طول تاریخ به تدریج از فروغ آن کاسته شده، و فقط کلیاتی از نویدهای مهدی موعود و «مصلح جهانی» در میان ملتها به جای مانده است.

البته سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، خود بر اهمیت موضوع می افزاید، و مسأله «مهدویت» و ظهور مصلح جهانی را قطعی تر می کند.

بنابراین، عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان یک عقیده

ص: ۴۵



عمومی است و اگر کلمه «مهدی» و واژه های دیگر را - که پیروان سایر ادیان و مذاهب مختلف جهان بر آن حضرت اطلاق می کنند - از قالب اصطلاح اختصاصی آنها در آوریم، و آن حضرت را «نجات بخش بزرگ آسمانی» یا «مصلح جهانی» و یا «رهایی بخش غیبی» بنامیم، اختلاف اسمی هم رفع می شود.

## ۶- اسامی مقدس حضرت مهدی علیه السلام در کتب مذهبی اهل ادیان

اینک قسمتی از اسامی مبارک آن حضرت را که با الفاظ مختلفی در بسیاری از کتب مذهبی اهل ادیان و ملل مختلف جهان آمده است، از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم.

۱- «صاحب» در صحف ابراهیم علیه السلام؛

۲- «قائم» در زبور سیزدهم؛

۳- «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم؛

۴- «ماشیع» (مهدی بزرگ) در تورات عبرانی؛

۵- «مهمید آخر» در انجیل؛

۶- «سروش ایزد» در زمزم زرتشت؛

۷- «بهرام» در ابستاق زند و پازند؛

۸- «بنده یزدان» هم در زند و پازند؛

۹- «لند بطاوا» در هزار نامه هندیان؛

۱۰- «شماخیل» در ارماطس؛

۱۱- «خوراند» در جاویدان؛

۱۲- «خجسته» (احمد) در کند رال فرنگیان؛

۱۳- «خسرو» در کتاب مجوس؛

۱۴- «میزان الحق» در کتاب اثری پیغمبر؛

۱۵- «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان؛

۱۶ - «فردوس اکبر» در کتاب قبروس رومیان؛

۱۷ - «کلمه الحق» در صحیفه آسمانی؛

۱۸ - «لسان صدق» هم در صحیفه آسمانی؛

ص: ۴۶

۱۹ - «صمصام الاکبر» در کتاب کند رال؛

۲۰ - «بقیه الله» در کتاب دوهر؛

۲۱ - «قاطع» در کتاب قنطره؛

۲۲ - «منصور» در کتاب دید براهمه؛

۲۳ - «ایستاده» (قائم) در کتاب شاکمونی؛

۲۴ - «ویشنو» در کتاب ریگ ودا؛

۲۵ - «فرخنده» (محمد) در کتاب وشن جوک؛

۲۶ - «راهنما» (هادی و مهدی) در کتاب پاتیکل؛

۲۷ - «پسر انسان» در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)؛

۲۸ - «سوشیانس» در کتاب زند و هومو من یسن، از کتب زردشتیان؛

۲۹ - در کتاب «شاپوهرگان» کتاب مقدس «مانویه» ترجمه «مولر» نام «خود شهر ایزد» آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند، و عدالت را در جهان آشکار سازد؛

۳۰ - «فیروز» (منصور) در کتاب شعیای پیامبر. (۱)

علاوه بر این ها اسامی دیگری نیز برای حضرت مهدی علیه السلام در کتب مقدسه اهل ادیان ذکر شده است که ما به جهت اختصار از نقل آنها خودداری نمودیم. (۲)

اسامی مقدسی چون: «صاحب، قائم، قاطع، منصور و بقیه الله» که در کتب مذهبی ملل مختلف آمده است، از القاب خاص وجود مقدس حضرت حجّت بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که در بیشتر روایات اسلامی، به آنها

ص: ۴۷

---

۱ - ۷۰. اسامی مقدس حضرت مهدی علیه السلام در کتابهای مربوطه به تفصیل آمده است، و ما اسامی مذکوره را از این کتابها نقل کرده ایم: النجم الثاقب، ص ۳۱ - ۷۰، کتاب یاتی علی الناس زمان، ص ۷۰۸ - ۷۱۱، اقوال الائمة، ج ۱، ص ۳۲۹، او خواهد آمد، ص ۶۴ - ۷۰ و الزام الناصب ج ۱، ص ۴۸۱ - ۴۹۱

۲- ۷۱. ناگفته نماند که نامها، کنیه ها و لقب های حضرت مهدی علیه السلام، در دو کتاب پر محتوای «الزام الناصب»، تألیف مرحوم حائری یزدی، و کتاب بسیار نفیس «نجم الثاقب» تألیف محدّث نوری - طاب ثراه - به تفصیل ذکر شده است. در کتاب «الزام الناصب»، ۱۸۶ نام، و در کتاب «نجم الثاقب» هم ۱۸۲ نام برای آن حضرت ذکر گردیده است. کسانی که طالب شرح و معانی الفاظ یاد شده و اسامی مبارک آن حضرت می باشند، می توانند به کتاب «نجم الثاقب» از صفحه ۳۱ تا ۷۰ و جلد اول کتاب «الزام الناصب» از صفحه ۴۸۱ تا ۴۹۱ مراجعه فرمایند.

تصریح شده و ائمه معصومین علیهم السلام در اکثر روایات، از آن حضرت به عنوان «صاحب»، «قائم» و «بقیه الله» یاد کرده اند. و این خود بیانگر این واقعیت است که موعود همه اُمّت‌ها و ملّت‌ها همان وجود مقدّس منتظر غایب، حضرت حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام است.

## ۷ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک مسأله عقلی و منطقی است

هنگامی که به وضع کنونی جهان نظر می افکنیم و سیر صعودی جنایتها، جنگ‌ها و خونریزی‌ها، کشمکش‌ها، و اختلافات بین المللی و گسترش روز افزون مفسد اخلاقی و اجتماعی را مشاهده می کنیم، پرسشهایی برایمان مطرح می شود که:

آیا اوضاع کنونی جهان به همین منوال پیش خواهد رفت؟

آیا دامنه این جنایتها، خیانتها و کشتارها همچنان گسترش خواهد یافت؟

آیا این کشور گشایی‌ها، توسعه طلبی‌ها و ظلم و ستم‌های بی حد و مرز همچنان ادامه خواهد داشت؟

آیا این همه انحرافات عقیدتی و مفسد اخلاقی و ظلم‌های اجتماعی همچون باتلاق متعفن، بشریت را در کام خود فرو خواهد برد؟ یا این که روزنه امیدی برای نجات بشر و اصلاح جامعه وجود خواهد داشت؟

در پاسخ این سؤالات مهم باید گفت: از نظر عقل و اندیشه سالم، روزنه امیدی برای نجات و اصلاح بشر وجود دارد و سرانجام روزی فرا خواهد رسید که این ابرهای سیاه و تاریک و طوفان‌های مرگبار و سیل‌های ویرانگر فتنه و فساد از میان خواهد رفت، آسمان صاف و روشن و آفتاب تابنده و درخشان به دنبال خواهد آورد، و این گرداب‌های مخوف و هولناک برای همیشه در برابر بشر نخواهد بود، و در افقی نه چندان دور نشانه‌های ساحل نجات به چشم می خورد، چه آن که جهان در انتظار یک مصلح بزرگ الهی است که با یک قیام عظیم و گسترده همه عالم را به نفع حق و عدالت دگرگون خواهد نمود، و بشریت را از تیرگی، ظلم، فساد، ستم و تباهی نجات خواهد داد.

برای روشن شدن مطلب، به دو دلیل عقلی توجه فرماید:

الف: نظام آفرینش به ما این درس را می دهد که جهان بشریت سرانجام باید به قانون عدالت تن در دهد، و خواه ناخواه تسلیم یک نظم عادلانه و پایدار گردد.

توضیح مطلب این که: جهان هستی تا آنجا که می دانیم مجموعه ای از نظام های عالم است، وجود قوانین منظم در سرتاسر این جهان، دلیل بر یکپارچگی و به هم پیوستگی این نظام است و مسأله نظم و قانون، یکی از جدی ترین و اساسی ترین مسایل این جهان محسوب می شود.

از منظومه های بزرگ جهان گرفته تا یک ذره «اتم» - که میلیونها از آن را می توان بر روی نوک سوزنی جای داد - همه و همه تابع یک نظام دقیق و معین و برنامه حساب شده ای می باشند.

دستگاه های مختلف بدن انسان نیز از ساختمان یک سلول کوچک گرفته تا مغز، اعصاب، قلب، ششها و سایر اعضا و جوارح آدمی همه و همه دارای آنچنان نظم دقیقی هستند که هر کدام از آنها مانند یک ساعت بسیار دقیق در بدن انسان کار می کند، و ساختمان منظم دقیق ترین کامپیوترهای جهان در برابر آنها بسیار ناچیز و کم ارزش می نماید.

به طور خلاصه، با یک نگاه ساده به جهانی که در آن زندگی می کنیم به این حقیقت می رسیم که جهان هستی در هم و برهم نیست، بلکه تمام پدیده ها بر یک خط سیر معینی حرکت می کنند، و همه دستگاههای جهان هستی همچون لشکر انبوهی که به واحدهای منظمی تقسیم شده باشند به سوی مقصد معینی به پیش می روند.

بنابراین، آیا در جهانی این چنین که انسان «جزء» این «کل» است، می تواند به صورت یک وصله نامنظم و نا هم رنگ، با جنگ و خونریزی و ظلم و ستم اجتماعی زندگی کند؟!

آیا بی عدالتی ها و فسادهای اخلاقی و اجتماعی که نوعی بی نظمی است می تواند برای همیشه بر جامعه بشریت حاکم باشد؟!

آیا خدایی که در نظام شگفت انگیز جهان هیچ یک از نیازهای موجودات عالم را از نظر لطف و عنایتش دور نداشته، و به انسان چشم بینا، گوش شنوا و عقل و هوش کافی عنایت فرموده است می توان گفت که: بشریت را به حال خود رها ساخته است تا همچنان در وادی ضلالت و گمراهی گام بردارد، و با بی نظمی و بی عدالتی به زندگی خود ادامه دهد؟!

آیا ممکن است خداوندی که این چنین نیازمندیهای انسان را تأمین می کند او را از وجود یک راهنمای دانا و توانا و معصوم که با غیب این عالم در ارتباط بوده و بشریت را به راه سعادت و خوشبختی رهنمون شود، محروم سازد؟!

تردیدی نیست که از نظر عقل و اندیشه، برای برقراری نظم و قانون و جلوگیری از هرج و مرج و ریشه کن شدن فتنه و فساد، و اجرای قسط و عدالت، وجود رهبری الهی و آسمانی لازم و ضروری است.

به همین دلیل است که امیرمؤمنان علیه السلام در یکی از سخنان خود در «نهج البلاغه» می فرماید:

«اللهم بلی، لا تخلو الأرض من قائم لله بحجّهٍ إِمّا ظاهراً مشهوراً، و إِمّا خائفاً مغموراً، لئلا تبطل حجج الله و بیناته» (۱).

«آری بار خدایا! زمین هرگز از حجت خدا خالی نخواهد بود که یا ظاهراً آشکار، و یا ترسان و نهان خواهد بود، تا حجتها و دلایل روشن پروردگار باطل نگردد».

بنابراین، نتیجه ای که از این بحث به دست می آید این است که مشاهده نظام هستی و جهان آفرینش ما را به این حقیقت متوجه می سازد که سرانجام جهان بشریت و جامعه انسانیّت نیز در برابر نظم و عدالت سر تسلیم فرود خواهد آورد، و به مسیر اصلی آفرینش باز خواهد گشت.

ب: سیر تکاملی جامعه ها نیز دلیل دیگری بر آینده روشن جهان بشریت است؛ زیرا ما هرگز نمی توانیم این حقیقت را انکار کنیم که جامعه بشریت از روزی که خود را شناخته است پیوسته در حال پیشرفت بوده و رو به کمال و ترقی حرکت نموده و هیچ گاه در یک مرحله توقّف نکرده است.

در جنبه های مادی، از نظر خوراک، پوشاک و مسکن، و تهیّه سایر لوازم زندگی، روزی در ابتدایی ترین شرایط زندگی قرار داشته، و امروز بر خلاف زمان های گذشته، به مرحله ای رسیده است که عقل ها را حیران و چشمها را خیره ساخته، و به طور مسلم این

ص: ۵۰

---

۱- ۷۲. نهج البلاغه فیض، کلمات قصار، شماره ۱۳۹، ص ۱۱۵۸؛ منتخب الأثر، ص ۲۷۰؛ و قریب به این مضمون بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲ از امام صادق علیه السلام.

سیر صعودی باز همچنان ادامه خواهد یافت.

از نظر علوم و دانش و فرهنگ نیز پیوسته رو به سمت جلو حرکت نموده، به اختراعات و اکتشافات جدید و مدرنی دست یافته، و روز به روز کشف تازه و تحقیق جدید و مطلب نوی را در این زمینه به دست آورده است.

این «قانون تکامل» سرانجام شامل جنبه های اخلاقی و معنوی و اجتماعی نیز می شود، و انسانیت را به سوی یک قانون عادلانه، و صلح و عدالت پایدار، و فضایل اخلاقی و معنوی به پیش می برد، و اگر امروز می بینیم که مفسد اخلاقی در دنیای کنونی رو به فزونی است و بشریت در گرداب فساد و تباهی دست و پا می زند، این خود نیز زمینه را برای یک انقلاب تکاملی، سرانجام آماده می کند.

البته ناگفته پیداست که هرگز نمی گوئیم که فساد را باید تشویق کرد، ولی می گوئیم: فساد وقتی که از حدّ گذشت عکس العمل آن یک انقلاب تکاملی معنوی خواهد بود که بشریت را به جهان انسانیت باز خواهد گرداند؛ زیرا هنگامی که انسانها در دام بلا گرفتار شدند، و به بن بست رسیدند، و عواقب نامطلوب گناهان خویش را دیدند، و سرهای آنها به سنگ خورد، و جان هایشان به لب رسید، حدّ اقل آماده پذیرش اصول سعادت آفرینی که از ناحیه یک رهبر الهی و دینی ارائه می شود، خواهند گردید.

پس باتوجه به آنچه گذشت، به این نتیجه می رسیم که: عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، یک مسأله عقلی و منطقی است که نیازی به هیچ بیان ندارد؛ زیرا هر انسان عاقلی آن را تصدیق، و هر خردمندی آن را تأیید می نماید.

## **۸ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک مسأله فطری است**

از دیدگاه مذاهب و ادیان، عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، یک مسأله ای کاملاً فطری و طبیعی است که با سرشت آدمی آمیخته شده، و عمری به درازای عمر آفرینش انسان دارد.

برای اثبات این مطلب، نیاز چندانی به دلیل و برهان نیست و همین قدر کافی است که بدانیم با همه اختلافاتی که در میان ملت‌ها و اُمّت‌ها در طرز فکر، آداب و رسوم، عقاید و آراء و تمایلات و خواسته های باطنی آنها وجود دارد، عشق و علاقه به صلح و عدالت و



زندگی مسالمت آمیز، مطلوب کلیه جوامع بشری و خواست طبیعی همه انسانهاست.

این که ما می بینیم همه انسان ها در همه زمانها می جوشند و می خروشدند و به دنبال روزی بهتر و زندگی مرفه تر می گردند و در انتظار تحقق پیروزی نهایی بسر می برند و با دیدن ظلم و ستم فریاد برمی آورند و بر ضدّ جباران و طاغوت های زمان طغیان می نمایند و فریادرسی را به یاری می طلبند، خود دلیل قاطعی بر ریشه دار بودن این تمایل باطنی و خواست درونی و فطری بودن مسأله «مهدویّت» است.

زیرا فطرت، همان الهام و درک درونی و خواست طبیعی و تمایل باطنی انسان است که نیاز به دلیل ندارد و هر انسانی بدون دلیل و برهان آن را می پذیرد و به آن ایمان دارد.

به عنوان مثال: وجود تشنگی و گرسنگی در نهاد آدمی، یک امر فطری و طبیعی است و نیاز به دلیل ندارد، پس اگر تشنه می شویم و احساس گرسنگی می کنیم و علاقه به آب و غذا داریم، دلیل بر آن است که آب و غذایی وجود دارد که دستگاه آفرینش، تشنگی و گرسنگی و میل به آن را در وجود بشر قرار داده است.

از اینجا به آسانی می توان نتیجه گرفت که اگر انسان ها در انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی بسر می برند و شبانه روز انتظارش را می کشند که بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند و ریشه ظلم و ستم را از بیخ و بن برکند، دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی امکان پذیر، و عشق و علاقه به ظهور آن یگانه ولیّ مطلق خداوند در درون جان یکایک افراد بشر نهفته است.

به راستی اگر صلح و عدالت، آرامش و امتیّت و صفا فطری بشر نبود، آیا زورمداران و تجاوزگران و سلطه جویان می توانستند مقاصد شوم خود را زیر پوشش عدل و صلح و همزیستی مسالمت آمیز به مردم عرضه کنند، و به ظلم و باطل، لباس حقّ و عدل بپوشانند و با اسمهای تو خالی مردمان را فریب دهند و عدّه ای را به استضعاف بکشند و بر آنها فرمان روایی کنند؟!

آیا خود این موضوع دلیل بر این مطلب نیست که چون فطرت بشر، حقّ و عدل را می خواهد و از ظلم و باطل نفرت دارد، اینان به این گونه مسائل متوسّل می شوند؟!

آری خواننده عزیز!

«... انتظار فرج و اعتقاد به «مهدی موعود» یا «واپسین منجی»، یک اشتیاق و میل

باطنی است. اسلام و ادیان دیگر نیز با وعده ظهور «رهاننده بزرگ»، این خواسته و شوق درونی را بی پاسخ نگذاشته است. و این خواسته نیز مانند دیگر خواسته ها در شرایط گوناگون کم و زیاد و شدت و ضعف پیدا می کند.

آشفته‌گی اوضاع، ناامنی حاصل از آن و فشار و تبعیض و ستم در جامعه، عقیده به «منجی بزرگ» را تشدید می نماید، آن چنان که این شوق دیرین و انتظار، در لحظات فشار و اختناق، ضعف و تنگدستی، تبدیل به التهاب سوزان و نیاز شدید می شود، و این شرایط، خرمن اشتیاق توده ها را برای ظهور «واپسین منجی» و مهدی موعود علیه السلام شعله ور می سازد. (۱)

آری! حقیقت مهدویت در واقع منتهی شدن سیر جوامع بشری به سوی جامعه واحد، سعادت عمومی، تعاون و همکاری، امتیت و رفاه همگانی، حکومت حق و عدل، نجات مستضعفان، نابودی مستکبران، پیروزی جنود «الله» بر جنود «شیطان» و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری موعود پیامبران و ادیان است، و این همان چیزی است که مطلوب هر فطرت پاک و خواست طبیعی هر انسان سالم و وجدان بیدار است.

کدام انسان با شرف و با فضیلتی است که با ظلم و ستم موافق باشد؟ و کدام انسان عاقل و آزاد اندیش سالمی است که از طاغوت و طاغوتچه ها و رژیم های ضد مردمی حمایت کند؟ و کدام انسان با وجدان و منصفی است که با دیدن ظلم و ستم های بی حد و مرز و تقسیم ملت‌های جهان به غالب و مغلوب، ظالم و مظلوم، سلطه گر و سلطه پذیر و پیشرفته و عقب مانده، ساکت و آرام بنشیند و فریاد بر نیاورد و ناله سر ندهد و وجدان خود را راضی نگه دارد و با فطرت انسانی خویش به نبرد بر نخیزد و همه آن مظاهر نفرت انگیز را وجداناً قبول داشته باشد؟!!

سرانجام قیام جهانی مهدی علیه السلام به وقوع خواهد پیوست، و وعده خداوند تحقق خواهد یافت، و عالم انسانیت از فسادها و تباهی ها و نابسامانی ها خلاص خواهد گردید. و عاقبت، بشریت نجات پیدا خواهد کرد، و طرفداران ظلم و ستم شکست خواهند خورد،

ص: ۵۳

و بلندگو هایشان خاموش خواهد شد، و قلم های نویسندگان شان درهم خواهد شکست.

## ۹- عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک اعتقاد اصیل مذهبی است

تردیدی نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، یک اعتقاد اصیل دینی و مذهبی می باشد که ریشه های محکم و استوار آن، در تمام ادیان الهی و کتاب های آسمانی قرار داشته و جزء عقاید قطعی و دیرین مسلمانان و همه پیروان ادیان عالم است.

بر خلاف تصوّر برخی از بیمار دلان که می پندارند مسأله «مهدویت» و انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای مرهم نهادن بر زخم های جانکاه بشریت و اختلافات جهان اسلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، یا ساخته و پرداخته «شیعیان» است، این مسأله اختصاص به اسلام و تشیع ندارد؛ بلکه مسأله «مهدویت» که در واقع همان عقیده به ظهور یک منجی بزرگ آسمانی است، یک عقیده مشترک جهانی و یکی از حسیّاس ترین فرازهای عقیدتی ادیان و مذاهب و از آمال و آرزوهای دیرین بشریت است که در تاریخ خلقت بشر، عمری به درازای عمر آفرینش انسان و در اسلام، عمری به درازای عمر اسلام دارد.

بر اساس نویدهای فراوانی که در رابطه با ظهور یک «منجی بزرگ» در کتب مذهبی اهل ادیان آمده، و تمام انبیای بزرگ الهی به عنوان جزیی از رسالت خود در هر زمان، ظهور یک مصلح جهانی را در پایان جهان به مردم وعده داده اند، جای هیچ گونه شکّ و تردید نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک مسأله اعتقادی اصیل و ریشه داری است که از اعماق وجود انسانها سرچشمه گرفته و توسط پیامبران و سفیران الهی به مردم با ایمان جهان ابلاغ گردیده و نشانه های ظهورش به روشنی بازگو شده است.

«در جای خود ثابت شده است که اعتقادات دینی در فطرت بشر ریشه قطعی دارند و از این لحاظ، میان تعالیم دینی و خواسته های درونی انسان هماهنگی کامل وجود دارد، و در حقیقت تعالیم دینی، تعیین کننده و تأمین کننده خواسته های بشر و تکمیل کننده خلقت انسان است.

به این معنی، عقیده دینی در ژرفای فطرت بشر جا دارد و در درون بشر یک خواسته و میل باطنی است، گرچه این میل باطنی و خواسته درونی، همانند امیال دیگر

انسان، در شرایط گوناگون، کم و زیاد می شود و شدت و ضعف پیدا می کند، ولی اصل خواسته ممکن نیست به کلی از بین برود» (۱).

آنچه از آیات شریفه قرآن کریم و روایات اسلامی استفاده می شود این است که «دین»، جزء نهاد بشر و خمیر مایه ذات و وجود اوست که خداوند عالم، بشر را توأم با آن آفریده و از او قابل انفکاک نیست، ولی انسان ها فقط کلیات آن را - از قبیل توحید، پی بردن از علت به معلول و شکر منعم - درک می کنند و درک جزئیات آن، نیاز به بعثت انبیا و آمدن پیامبران الهی دارد که با توضیح، تبیین و تبلیغ آنها انسان به فطری بودن دین بیش از پیش متوجه می شود.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (۲)

«به دین خالص پروردگار که بدان مایلی روی آور، به آن فطرت پاکی که خداوند تمام بشر را از آن آفریده است، دگرگونی در آفرینش خدا نیست، این است دین محکم و آیین استوار».

از این آیه شریفه به خوبی استفاده می شود که دین و آیین به طور کلی، یک امر فطری و طبیعی بوده و جزء ذات و نهاد بشر است که خداوند آدمی را توأم با آن آفریده و هرگز از او جدا نمی شود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نیز در حدیثی می فرماید:

«كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنَصْرَانِهِ» (۳)

«هر مولودی با فطرت اسلام - از مادر - متولد می شود، و این پدر و مادر است که او را یهودی یا نصرانی می کند».

از این حدیث شریف استفاده می شود که اساس اولیه پذیرش دین، در فطرت تمام کودکان بشر وجود دارد، و پدران و مادران که مرئیان اصلی فرزندان هستند، از این

ص: ۵۵

۱- ۷۴. او خواهد آمد، ص ۴۶.

۲- ۷۵. سوره روم، آیه ۳۰.

۳- ۷۶. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۸۱، ح ۲۲.

سرمایه فطری استفاده می کنند و فرزندان خود را به آیینی که مایلند متدین و به راهی که در نظر دارند سوق می دهند.

اگر اصل تقاضای مذهب در فطرت بشر نبود و سرشت آدمی درخواست آن را نداشت، عرضه مذهب های مختلف از طرف پدران و مادران بی فایده بود و بشر هرگز یک عمر، دین و آیینی را با عشق و علاقه نمی پذیرفت، و بدون چون و چرا از آن پیروی نمی نمود.

به هر حال، یکی از وظایف بزرگ پیامبران الهی بیدار کردن فطرت های بشر و به کار انداختن سرمایه های معنوی انسان است. آنها آمده اند تا بشر را به ادای پیمان فطرت وا دارند و نعمت های فراموش شده خدا را به مردم یادآوری کنند و با فعالیت های تبلیغی خود، نیروهای نهفته عقل مردم را برانگیخته و به کار اندازند، چنان که امیرمؤمنان علیه السلام ضمن خطبه ای درباره بعثت انبیاء علیهم السلام می فرماید:

«فبعث (الله) فیهم رسله، وواتر إلیهم أنبیاءه، لیستأدوهم میثاق فطرته، ویذکروهم منسی نعمته، ویحتجوا علیهم بالتبلیغ، ویشیروا لهم دفائن العقول ...» (۱)

«خداوند تبارک و تعالی، پیغمبران خود را در بین مردم برانگیخت و آنان را پی در پی فرستاد تا عهد و پیمان خداوند را که جزء ذات و جبلی آنان بود از آنها بخواهند، و نعمت فراموش شده الهی - توحید فطری - را به آنان یادآور شوند، و از راه تبلیغ با مردمان گفت و گو نمایند، و افکار و عقول پنهانی آنها را که بر اثر ضلالت و گمراهی در زیر غبار کفر و جهل پوشیده و مستور گردیده، به کار اندازند».

بنابراین، از آنجایی که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و یا به تعبیر دیگر، عقیده به ظهور یک «منجی بزرگ آسمانی»، از مسایل قدیم ادیان و اسلام است و در تمام کتب مقدسه اهل ادیان و مذاهب مختلف جهان و به ویژه در اسلام به صورت گسترده ای عنوان گردیده و دامنه آن به حدی است که حتی شعاع آن در بین «مکاتب» و مردم غیر مذهبی نیز دیده می شود، معلوم می شود که این مسأله مهم و حیاتی همانند مسأله عقیده به ذات اقدس حضرت احدیت، یک عقیده اصیل دینی و مذهبی، و یک میل باطنی و

ص: ۵۶

درونی است که در ژرفنای فطرت بشر جا دارد و هر زمان که بشریت بر اثر ظلم و ستم ستمکاران به ستوه آید و جاننش به لب رسد و راه نجاتی نیابد، انتظار ظهور آن یگانه مصلح الهی در دلش زنده می شود و او را به جست و جوی رهبر و راهنما بر می انگیزد.

به همین جهت است که هم ادیان و مذاهب مختلف و هم دین مبین اسلام به این میل باطنی و خواسته درونی توجه خاصی مبذول داشته و ظهور یک رهبر الهی و منجی آسمانی را در پایان جهان به پیروان خود وعده داده اند.

نویدهای ظهور «منجی موعود» که در روایات اسلامی به عنوان «مهدی موعود» آمده است، قرن‌ها پیش از اسلام، از زبان پیامبران «اولوا العزم علیهم السلام» بازگو شده، و حدّ اقل در حدود ۶۰ قرن - ۶۰۰۰ سال پیش - این نویدها دست به دست گشته تا امروز به دست ما رسیده است.

نویدهای «منجی موعود» و یا به تعبیر دیگر: «مصلح جهانی موعود»، مربوط به امروز و دیروز و ده قرن قبل و بیست قرن قبل و یا مخصوص این دین و آن دین و این ملت و آن ملت نیست؛ بلکه از زمان های خیلی دور، بین ملّتها و پیروان ادیان شایع بوده است.

نکته شایان توجهی که در اینجا لازم است تذکر دهیم این است که تا کنون تعداد زیادی از این نویدها که به عنوان نشانه های ظهور از زبان پیامبران الهی بازگو شده، دقیقاً طبق وعده های انبیا تحقق یافته، و در عصر ما نیز برخی از آنها در حال تحقق یافتن است.

جالب توجه این که ده ها نشانه از نشانه های فراوانی که توسط رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و امامان اهل بیت علیهم السلام در چهارده قرن قبل به عنوان مقدمه ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای اُمت اسلامی بیان شده است، یکی پس از دیگری، در روزگار ما تحقق می یابد، و ما امروز تحقق تعدادی از آنها را با چشم خود می بینیم.

## ۱۰ - عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اختصاص به اسلام ندارد

اسناد و مدارک موجود تاریخی نشان می دهد که این اعتقاد، یک اعتقاد جهانی و همگانی و عالم گیر است و منحصر به اسلام و مذهب تشیع و یا حتی منحصر به مذاهب شرقی و غربی نیست. برای اثبات این مدّعا کافی است تنها به یک نمونه از اعترافات یکی از خاورشناسان متعصب یهودی اشاره کنیم:

گلدزیهر، خاور شناس و یهودی متعصب، درباره جهانی بودن مسأله انتظار و عمومیت انتظار اقوام مختلف برای ظهور یک «منجی بزرگ» می گوید:

«اعتقاد به بازگشت و ظهور «منجی موعود»، اختصاص به اسلام ندارد ... پندارهای مشابهی را می توان در میان اقوام دیگری نیز، به فراوانی یافت ...

بنابر اعتقاد «هندوایسم»، «ویشنو» در حالی که بر اسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله آتش به دست دارد، در پایان دوره کنونی جهان، به عنوان «کال کی» ظاهر خواهد شد و سرزمین «آریا» را از دست ستمگران غاصب - که منظور اقوام فاتح مسلمانند - رهایی خواهد بخشید.

در میان اقوام مغول، تا امروز (۱۹۱۰م) این عقیده شایع است که «چنگیز خان» پیش از مرگ خود، وعده کرده است که در هشت - یا نه قرن دیگر از نو، باز در زمین ظاهر خواهد شد و مغولان را از زیر یوغ «چینیان» نجات خواهد داد.

در میان اقوام شرقی و غربی، حتی در میان سرخ پوستان آمریکا، پندارهای مشابهی درباره بازگشت یا ظهور «منجی موعود» پدید آمده است» (۱).

عقیده به ظهور یک «مصلح بزرگ جهانی»، در نزد بسیاری از جوامع قدیمی دیده می شود. این عقیده که در واقع همان «انتظار فرج» مسلمانان است، دارای ابعاد گوناگون فلسفی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی است که در زمینه آن، صاحبان ادیان و مذاهب، فیلسوفان و جامعه شناسان، روانکاوان و روانشناسان و طرفداران احزاب و مکاتب، بحث بسیار کرده اند. و از این رو:

«یهودی، از همه فرقه هایش، در انتظار ظهور مسیح موعود است که عدالت واقعی را در آخر الزمان در سرتاسر جهان برقرار نماید.

مسیحی، از همه گروه هایش، در انتظار بازگشت مسیح پاک است که شالوده عدالت را در آخر الزمان در پهنه گیتی استوار سازد.

مسلمان، از همه مذاهب مختلفش، در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام و بازگشت حضرت عیسی علیه السلام است که حکومت عدل واقعی را در آخر الزمان در سراسر جهان از کران تا کران بنیان نهند» (۲).

به امید آن روز.

ص: ۵۸

---

۱- ۷۸. او خواهد آمد، ص ۳۰ و ۳۱.

۲- ۷۹. روزگار رهائی، ج ۱، ص ۵۹.

## بخش دوّم: نوید اسلام درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام

### اشاره

نوید اسلام درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام

شامل:

۱- مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اسلام

۲- مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه شیعه

۳- مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

۴- ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام در روایات

۵- تعداد روایات وارده درباره حضرت مهدی علیه السلام

ص: ۵۹





در بحث های گذشته از ظهور یک مصلح بزرگ جهانی برای ریشه کن ساختن ظلم و فساد سخن گفتیم و به اینجا رسیدیم که پیش بینی چنین قیامی چه از نظر دین و مذهب و چه از نظر فطرت و طبیعت و چه از نظر عقل و منطق کاملاً امکان پذیر است.

اکنون می خواهیم ببینیم آن شخصیت بی نظیری که تحقق بخش اهداف دیرینه همه انبیا و اولیای الهی است، و با ظهور مبارک خود همه جهان را نورانی می کند، چگونه شخصیتی است؟ برای دانستن و پی بردن به حقیقت این موضوع لازم است مقدمه کوتاهی را بیان نماییم و آن این که:

برای تحقق بخشیدن به یک نظام جامع و کامل - و حتی اداره امور یک خانواده چند نفری - نخستین چیزی که لازم است «مدیریت و رهبری» صحیح است؛ زیرا مسلم است که هیچ جامعه ای بدون رهبر و هیچ کاروانی بدون کاروان سالار و هیچ لشکری بدون فرمانده، دوام و بقا نخواهد داشت و همه چیز در گرو وجود مدیریت و رهبری صحیح است. بنابراین، شکی نیست که برای ایجاد نظم کامل جهانی و تسلط بر قدرتهای کوچک و بزرگ استکباری و برقراری عدالت و امنیت عمومی، وجود رهبری آگاه و دانا و توانا و مصون از خطا و گناه که از هر نظر احاطه کاملی بر کل جهان داشته و به یک قدرت بی نهایت متکی باشد، لازم است.

با توجه به این مقدمه، از آنجایی که نظام «امامت و رهبری» در اسلام، یک نظام الهی و دارنده مقام امامت، دارای یک مقام و منصب الهی است و «امام»، رهبر دینی، فکری و سیاسی مسلمانان و خلیفه خدا در زمین و ولی امر مسلمین است، تردیدی نیست که ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام برای به ثمر رساندن اهداف توحیدی اسلام و تحقق بخشیدن به تمام وعده های قرآن و تشکیل حکومت واحد جهانی، یک امر کاملاً ضروری

و منطقی است؛ زیرا او آخرین حجت خدا و تنها امام معصومی است که نوید ظهور مبارکش در قرآن و روایات اسلامی و کتاب های آسمانی به مردم داده شده است.

اینک برای این که این موضوع کاملاً مشخص شود و معلوم گردد که اسلام برای احراز مقام رهبری در حکومت الهی، چگونه شخصیتی را معرفی کرده است، مسأله مهدویت و عقیده به ظهور آن یگانه مصلح بزرگ جهانی را از دیدگاه اسلام و مسلمانان و منابع اسلامی - منابع شیعه و اهل سنت - بررسی می کنیم.

## ۱ - مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اسلام

دین مبین اسلام به عنوان دین خاتم و آخرین دین جامع و کامل آسمانی، از نخستین روزهای طلوع که غریبانه سر از افق مکه بیرون آورد و نمی توانست در زیر بار گران شکنجه های طاقت فرسای کفار قریش و مشرکان مکه کمر راست کند، با دیدی وسیع، عمیق و جدی به مسأله «مهدویت» و آینده بشر نگریسته و به مسلمانان نوید «نیک فرجامی» در آینده تاریخ داده است.

طبق متون اصیل اسلامی، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در همان عصر غربت و دوران تنهایی خویش و در روزگاری که هیچ کس باور نداشت که آئین توحید و یکتاپرستی از مرز جزیره العرب فراتر رود، از پیروزی اسلام و آینده جهان و سرانجام بشر سخن می راند.

شاهد صادق این گفتار، آیات متعددی است که در قرآن کریم وارد شده و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و پیشوایان معصوم علیهم السلام آنها را به وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام و زمان ظهور مبارک آن حضرت تفسیر و تأویل نموده اند.

علاوه بر این، در ضمن صدها حدیث معتبر و متواتر که بزرگان و محدثان شیعه و سنی در منابع موثق خود آورده اند، به معرفی مهدی موعود علیه السلام و پایه گذار حکومت واحد جهانی پرداخته اند.

اینک برای این که معلوم شود مسأله مهدویت در اسلام تا چه اندازه اهمیت دارد پیرامون عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه شیعه و سنی توضیح می دهیم و به برخی از روایاتی که درباره اهمیت این موضوع در منابع موثق شیعه و سنی آمده است

اشاره می کنیم؛ آنگاه درباره ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام در روایات و تعداد روایات رسیده در موضوع ظهور، مطالبی را به طور اختصار تحت چند عنوان می نگاریم.

## ۲ - مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه شیعه

از نظر «شیعه»، مسأله مهدویت و نوید ظهور مهدی موعود علیه السلام یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام به شمار می رود و به اندازه ای اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در ردیف وقوع «قیامت» و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم می باشد.

در این باره روایات فراوانی از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است که قسمتی از آنها از نظر خوانندگان می گذرد: پیامبر اکرم می فرماید:

«من أنکر القائم من ولدی فقد أنکرنی» (۱)

«هر کس که قائم علیه السلام از فرزندان مرا انکار کند به راستی که مرا انکار کرده است».

و در حدیث دیگر می فرماید:

«من أنکر القائم من ولدی فی زمان غیبتہ مات میتة جاهلیة» (۲)

«هر کس که مهدی قائم علیه السلام از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است».

و در حدیث دیگری آمده است که فرمود:

«من أطاعه أطاقنی، و من عصاه عصانی، و من أنکره فی غیبتہ فقد أنکرنی، و من کذبه فقد کذبنی، و من صدقه فقد صدقنی» (۳)

«آن کس که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است و آن کس که با او مخالفت ورزد با من مخالفت ورزیده است و آن کس که در دوران غیبتش او

ص: ۶۳

۱- ۸۰. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۲۰.

۲- ۸۱. همان، ح ۲۱.

۳- ۸۲. همان، ح ۱۹.

را انکار کند مرا انکار کرده است و آن کس که او را تکذیب نماید مرا تکذیب نموده است و آن کس که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است».

و در حدیثی دیگر می فرمایند:

«لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم الحقّ منّا وذلك حين يأذن الله عزّ وجلّ له و من تبعه نجا، و من تخلف عنه هلك، الله الله عباد الله! فأتوه ولو على الثلج، فإنّه خليفه الله عزّ وجلّ وخليفتي» (۱).

«قیامت برپا نمی شود تا هنگامی که قائمی از ما به حقّ قیام کند. و این هنگامی است که خدای تعالی اذن ظهورش دهد، کسی که از او پیروی کند نجات می یابد، و کسی که از او تخلف کند هلاک می شود، از خدا بترسید، ای بندگان خدا! هر کجا باشید او را دریابید، اگرچه مجبور شوید بر روی برف حرکت کنید، که او خلیفه خدای تبارک و تعالی و جانشین من است».

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«لاتخلو الأرض من قائم لله بحجّه، إمّا ظاهراً مشهوراً، و إمّا خائفاً مغموراً، لئلا تبطل حجج الله و بیناته» (۲).

«زمین هرگز از وجود قائمی که برای خدا قیام کند و حجّت حقّ را بر پا دارد خالی نخواهد بود، که یا ظاهر و آشکار است و یا ترسان و نهان، تا حجّتها و دلایل روشن حضرت پروردگار باطل نشود».

امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

«إنّ الأئمّه منّا، و إنّ الخلافه لاتصلح إلّا فینا، و إنّ الله جعلنا أهلها فی کتابه و سنّه نبیه» (۳).

«امامان - دوازده گانه - از ما هستند، و خلافت جز برای ما شایسته نیست، و خدای تعالی ما را در کتاب خود و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اهل خلافت قرار داده است».

ص: ۶۴

۱- ۸۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵، منتخب الاثر، ص ۲۰۴ و کفایه الاثر، ص ۱۰۶.

۲- ۸۴. نهج البلاغه، ص ۱۱۵۸ و صبحی صالح، ص ۶۳۵، کلمات قصار، شماره ۱۳۹.

۳- ۸۵. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶.

امام حسین علیه السلام می فرماید:

«قائم هذه الأمة هو التاسع من ولدي، وهو صاحب الغيبة، وهو الذي يقسم ميراثه وهو حي» (۱).

«قائم این اُمت نهمین فرزند منست؛ اوست که از دیده ها غایب می شود و در حالی که زنده است میراثش تقسیم می شود».

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«... لاتخلو الأرض إلى أن يقوم الساعة من حجّه ولولا ذلك لم يُعبد الله ...» (۲)

«... تا روزی که قیامت برپا شود هرگز روی زمین از حجّت خالی نخواهد بود، و اگر حجّت خدا روی زمین نباشد، خدا پرستیده نمی شود ...».

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«من المحتوم الذي حتمه الله قيام قائمنا، فمن شكّ فيما أقول، لقي الله وهو به كافر وله جاحد» (۳).

«قیام قائم ما از وعده های حتمی خداوند است. هر کس در این گفتار که می گویم شکّ و تردید به خود راه دهد، خدا را به حال کفر و انکار ملاقات خواهد کرد».

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«من أقرّ بجميع الأئمة وجد المهدى كان كمن أقرّ بجميع الأنبياء وجد محمدًا صلى الله عليه وآله وسلم نبوته» (۴).

«هر کس به همه امامان اعتراف کند ولی حضرت مهدی علیه السلام را انکار نماید، مانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف کند ولی نبوت حضرت

ص: ۶۵

۱- ۸۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۳؛ منتخب الاثر، ص ۲۰۷، ح ۸؛ کمال الدین صدوق با ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۴۳۴.

۲- ۸۷. منتخب الاثر، ص ۲۷۱، ح ۳؛ عربی باب ۳۰، ح ۲، ص ۳۱۷؛ اثبات الهداه، ج ۱، ص ۱۳۳؛ ینایع الموده، ج ۳، ص ۳۶۱، باب ۸۹.

۳- ۸۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۹؛ منتخب الاثر، ص ۲۱۲ و غیبت نعمانی، ص ۸۶، ح ۱۷.

۴- ۸۹. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۴، و ص ۱۴۵، ح ۱۰؛ منتخب الاثر، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.

محمدصلی الله علیه وآله وسلم را انکار نماید».

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«من أنکر واحداً من الأحياء فقد أنکر الأموات» (۱)

«هر کس یکی از امامان زنده را انکار نماید، امامان قبلی را نیز انکار نموده است».

امام جواد علیه السلام می فرماید:

«إذا مات إبنی علی بدا سراج بعده، ثم خفی، فویل للمرتاب، وطوبی للغریب الفارّ بدینه» (۲)

«هنگامی که پسر علی - امام هادی - از دنیا برود چراغی بعد از او آشکار می شود، و سپس مخفی می گردد. وای بر کسی که در باره او شک و تردید به خود راه دهد، و خوشا به حال شخص غریبی که دین خود را برداشته - برای حفظ آن - از شهری به شهر دیگر فرار کند».

در فرمایش امام جواد علیه السلام منظور از چراغ آشکار، امام حسن عسکری علیه السلام و منظور از چراغ مخفی، حضرت مهدی علیه السلام است.

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

«أما إنَّ المقرَّ بالأئمّه بعد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم المنکر لولدی کمن أقرّ بجميع أنبياء الله ورسله ثم أنکر نبوه محمد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، والمنکر لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم کمن أنکر جميع الأنبياء، لأنّ طاعه آخرنا كطاعه أولنا، والمنکر لآخرنا كالمنکر لأولنا» (۳)

«آگاه باشید که هر کس به همه امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اعتراف کند ولی پسر را انکار نماید همانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف نموده ولی رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را انکار نماید، و هر کس که رسالت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را انکار کند همانند کسی است که همه پیامبران را انکار نماید؛ زیرا اطاعت

ص: ۶۶

۱- ۹۰. کافی، ج ۱، ص ۳۷۳، وغیبت نعمانی، ص ۱۲۹.

۲- ۹۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، و بشاره الاسلام، باب العاشر، ص ۱۶۴.

۳- ۹۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶، منتخب الاثر، ص ۲۲۶، اعلام الوری، ص ۴۴۲.

آخرین ما، اطاعت اوّل ماست، و انکار آخرین ما چون انکار اوّل ماست».

حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«من أنكرني فليس منّي، و سيّله سيّيلُ ابن نوح» (۱).

«کسی که مرا انکار نماید از من نیست، و راه او راه فرزند حضرت نوح علیه السلام است».

از نظر شیعه، مسأله مهدویت و نوید ظهور آن مصلح الهی، یک مسأله کهن و ریشه دار است و سابقه آن به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام و دوران شخص نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بر می گردد.

به اعتقاد شیعه، علاوه بر آیات متعددی که در «قرآن کریم» وارد شده و پیشوایان دینی آنها را به وجود مقدّس «مهدی موعود» تفسیر و تأویل کرده اند، صدها حدیث معتبر و متواتر از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم جانشینان آن حضرت صادر شده که در آنها کلیه صفات، خصوصیات و جزئیات زندگی آن منتظر موعود و این که پس از تولّد دو بار غیبت خواهد داشت و پس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد، و با تشکیل حکومت واحد جهانی، جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود بیان شده است.

شیعیان بر اساس روایات عقیده دارند که مهدی موعود علیه السلام سرّی از اسرار حقّ و رازی از رازهای نهفته خداوند و آخرین برگزیده الهی است که پس از تولّد از نظرها غایب شده است و بعد از مدّت زمانی طولانی ظهور می نماید و او حجّه الله، خلیفه الله و بقیه الله است.

مهدی موعود علیه السلام از نسل پاک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم و از علی و زهرا علیهما السلام و نهمین نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام و فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است.

شیعیان دوازده امامی عقیده دارند که حضرت مهدی علیه السلام همانم و هم کنیه پیامبر و هم اکنون زنده است و هنگامی که خداوند اذن ظهورش دهد قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید.

شیعیان، طبق وعده های انبیای سلف علیهم السلام و نویدهای کتب مذهبی، و وعده های

ص: ۶۷

---

۱- ۹۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۶، احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۸۳ و کمال الدین با ترجمه فارسی، ج ۲، ص ۱۶۰.



صریح قرآن کریم عقیده دارند که:

آنگاه که اخلاق و معنویت از میان بشر رخت بر بندد و ظلم و ستم فراگیر شود و اسباب ظهور مهیا گردد، حضرت مهدی علیه السلام به فرمان حق قیام می کند و دنیا را پر از عدل و داد می نماید و به همه رنج ها پایان می دهد.

شیعیان بر اساس عقل، وجدان، کتاب و سنت عقیده دارند که با ظهور ولی خدا و آمدن موعود مکتب ها و رهایی بخش انسانها هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی ماند؛ بلکه همه مکتب های موجود و حکومت های مقتدر زمان یکی پس از دیگری از بین رفته و متلاشی می گردند، مرزهای جغرافیایی بین کشورها برداشته می شوند؛ مظاهر شرک، کفر، الحاد و بی عدالتی از بین می روند، عدالت اجتماعی تأمین می گردد، هر حقی به صاحب حق می رسد، همگان در رفاه و آسایش زندگی می کنند، از ظلم و ستم و بی عدالتی خبری نیست، و در سرتاسر جهان هستی، تنها یک نظام حکومت می کند که آن هم نظام عادلانه اسلام و احکام نجات بخش آسمانی قرآن کریم است.

جعلنا الله من أنصاره و الفائزين بلقائه.

### ۳ - مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

ممکن است بعضی از افراد ناآگاه تصور کنند که عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام از مختصات شیعه و تمام منابع و مدارک آن هم مربوط به شیعه و راویان روایات مربوط به ظهور نیز همه دانشمندان و بزرگان و علمای شیعه می باشند، ولی باید توجه داشت که:

عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام از مختصات شیعه و منحصر به شیعه نیست و بسیاری از فرقه های اسلامی در این عقیده و مرام با هم اتفاق نظر دارند و آن را جزء عقاید قطعی و مسلم خود می دانند.

ایمان و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در اسلام به قدری اصیل و ریشه دار و با اهمیت است که از دیدگاه دانشمندان و بزرگان اهل سنت نیز - مانند شیعیان - یکی از ضروریات دین مبین اسلام به شمار می رود و منکر آن از آیین اسلام بیرون است.

در این باره علمای اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده اند که آن

«من کذب بالمهدی فقد کفر» (۱)

«هر کس مهدی علیه السلام را انکار کند به راستی کافر است».

گروهی از علمای اهل سنت به مضمون این حدیث فتوا داده اند، و در این باب، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، در کتاب «ینابیع الموده» از کتاب «فرائد السمطین»، از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که پیامبر اکرم فرمود:

«من أنکر خروج المهدی فقد کفر بما أنزل علی محمد صلی الله علیه وآله وسلم» (۲)

«هر که ظهور مهدی علیه السلام را انکار کند، به آنچه بر محمد صلی الله علیه وآله وسلم نازل شده، کفر ورزیده است».

احادیث حضرت مهدی علیه السلام علاوه بر کتب شیعه در بسیاری از کتب معروف اهل سنت نیز آمده است. در اکثر این کتابها، از اوصاف و خصوصیات نسبی و زندگی حضرت مهدی علیه السلام، علایم ظهور، محل بیعت، تعداد اصحاب، مکان ظهور و دیگر ابعاد مربوط به آن حضرت نیز سخن رفته است.

به علاوه، در ۳۵ کتاب از کتب این دانشمندان تصریح شده که مهدی علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است و حتی عدّه زیادی از آنها نیز اعتراف کرده اند که این احادیث - یعنی احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام - از احادیث مشهور یا از احادیث متواتر است.

اینک ما وجدان پاک افراد منصف را «حکم» قرار داده، به طور اختصار دور نمایی از این اعتقاد را که در منابع و مدارک معتبر اهل سنت و حتی در «صحاح سته» - که معروف ترین و معتبرترین کتب روایی آنها است - نیز آمده است، از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم:

یکی از کتاب های معتبر اهل سنت، کتاب «مسند احمد بن حنبل» (۳) می باشد. کتاب

ص: ۶۹

۱- ۹۴. عقد الدرر، ص ۱۵۷؛ منتخب الاثر، ص ۱۴۹؛ البرهان، ص ۱۷۰، باب ۱۲، ح ۲.

۲- ۹۵. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۸، باب ۷۸، ح ۱؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، جهت اطلاع بیشتر از فتاوی علمای عامه در این باره به کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» ص ۱۷۷ - ۱۸۳ مراجعه فرمایید.

۳- ۹۶. امام احمد بن حنبل، پیشوای فرقه حنبلی اهل سنت، متوفای سال ۲۴۱ هجری، و معاصر امام نهم و دهم، بوده است.

«مسند أحمد حنبل» کهن ترین و معتبرترین مدرک حدیث اهل سنت می باشد. در این کتاب مجموعاً ۱۳۶ حدیث درباره حضرت مهدی علیه السلام روایت شده است.

پس از او، محمد بن اسماعیل بخاری،<sup>(۱)</sup> - با همه تعصبی که نسبت به امامان اهل بیت علیهم السلام داشته است - در کتاب «صحیح» خود (کتاب الاحکام) احادیث دوازده جانشین پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را که همگی از قریش خواهند بود و عزت و سربلندی اسلام به وجود آنها بستگی خواهد داشت، نقل کرده است.

به علاوه، بخاری در همان کتاب خود، در «کتاب الانبیاء»، باب نزول عیسی بن مریم علیه السلام، از همکاری حضرت عیسی علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته است.

در همان عصر، مسلم بن حجاج نیشابوری (متوفای سال ۲۶۱ هجری) با این که مانند «بخاری» اصرار دارد که نامی از حضرت مهدی علیه السلام نبرد، در کتاب «الفتن و اشراف الساعه» و باب نزول عیسی علیه السلام از کتاب صحیح خود، که دومین کتاب «صحاح» اهل سنت به شمار می رود، قسمتی از روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را نقل کرده است.

بعد از او، ابن ماجه قزوینی (متوفای سال ۲۷۵ هجری) در کتاب «سنن» خود - که آن کتاب نیز یکی از کتب صحاح اهل سنت است - احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در بخش مخصوصی به نام «باب خروج المهدی علیه السلام» آورده است.

در همین عصر، ابو داوود سیستانی (متوفای سال ۲۷۵ هجری) نیز در کتاب «سنن» خود - که از کتب «صحاح سته» می باشد - روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در بخشی از آن کتاب به عنوان: «کتاب المهدی علیه السلام» بیان داشته است.

باز در همین عصر، محمد بن عیسی ترمذی (متوفای سال ۲۷۹ هجری) در کتاب «سنن» خود - که آن هم یکی از کتب صحاح است - در کتاب «الفتن، باب ما جاء فی المهدی رضی الله عنه» روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را روایت نموده است.

این شش محدث نامی اهل سنت که سرآمد همه محدثان و دانشمندان آنها می باشند، روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را از: عمر بن خطاب، عبدالله بن

ص: ۷۰

---

۱- ۹۷. محمد بن اسماعیل بخاری، نامی ترین محدث اهل سنت و معاصر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که یک سال پس از ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام (سال ۲۵۶ هجری) از دنیا رفته است.

مسعود، عبدالله بن عباس، ثوبان، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن سمره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، انس بن مالک، ابوسعید خدری، ام سلمه - همسر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم - و غیر اینها نقل کرده اند. (۱)

به هر حال، آنچه از مجموع منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت استفاده می شود این است که: مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام مورد اتفاق و اجماع مسلمین است؛ از این رو، در هر عصری کتاب هایی در مسائل مختلف مهدویت نوشته شده، به طوری که هم اکنون بیش از پنجاه جلد کتاب مستقل از علمای اهل سنت درباره حضرت ولی عصر علیه السلام در دسترس قرار دارد که این خود نشانه اهمیت مسأله مهدویت در نزد مسلمانان است.

استاد «علی محمد علی دخیل» اسامی ۲۰۵ کتاب از بزرگان علمای سنتی را در کتاب نفیس خود «الامام المهدی علیه السلام» آورده است که سی نفر از آنها مستقلاً در باره حضرت ولی عصر علیه السلام کتاب نوشته اند، و ۳۱ نفرشان فصلی را در کتاب های خود به روایات حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده اند، و ۱۴۴ نفرشان به تناسب های مختلف، روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در کتاب های خود آورده اند. (۲)

اکنون نمونه هایی از این احادیث را که در معتبرترین کتب روایتی اهل سنت و حتی در برخی از «صحاح ششگانه» آمده است، در اینجا نقل می نمایم.

۱ - امام احمد حنبل، در کتاب «مسند» خود، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل می کند که فرمود:

«أبشركم بالمهدی، یبعث فی أمتی علی اختلاف من الناس و زلازل، فیملا الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً یرضی عنه ساکن السماء والأرض، یقسم المال صحاحاً».

فقال له رجل: ما صحاحاً؟

قال صلی الله علیه وآله وسلم: بالسویة بین الناس.

قال: ویملا الله قلوب أمة محمد صلی الله علیه وآله وسلم غنی، ویسعهم عدله حتی یأمر منادياً

ص: ۷۱

---

۱- ۹۸. اقتباس از کتاب «دانشمندان عامه و مهدی موعود علیه السلام». ص ۱۳ - ۱۵.

۲- ۹۹. اسامی آنها را در کتاب «الامام المهدی علیه السلام»، ص ۲۶۰ - ۲۷۵، و کتاب «او خواهد آمد»، ص ۷۹ - ۸۵ و «موعودی که جهان در انتظار اوست»، ص ۵۱ - ۶۸ بخوانید.

فیقول: من له فی مالٍ حاجه؟ فما یقوم من الناس إلا رجلاً، فیقول: إئتِ السادن - یعنی الخازن - فقل له: إنَّ المهدی یأمرک أن تعطینی مالاً، فیقول له: احث حتّی إذا جعله فی حجره وأبرزه ندم فیقول: کنت أجشع أمّه محمّد صلی الله علیه وآله وسلم نفساً أو عجز عنّی ما وسعهم.

قال: فیردّه فلا یقبلُ منه فیقال له: إنا لا نأخذ شیئاً أعطیناه» (۱).

«شما را به ظهور مهدی علیه السلام بشارت می دهم، او در میان اُمت من برانگیخته می شود، ظهور وی پس از اختلاف زیاد و تزلزل و عدم امتیت خواهد بود. پس از ظهور، زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است. ساکنان آسمانها و زمین از او راضی می شوند، و اموال را به طور صحیح تقسیم می کند.

مردی پرسید: معنی صحیح چیست؟

فرمود: مال را به طور مساوی در میان مردم تقسیم می نماید.

سپس فرمود: خداوند دل‌های پیروان محمّد صلی الله علیه وآله وسلم را پر از بی‌نیازی می کند، و عدالت مهدی علیه السلام همه جا را فرا می گیرد، تا آنجا که دستور می دهد کسی با صدای بلند اعلام کند: هر کس نیاز مالی دارد برخیزد. هیچ کس اظهار نیاز نمی نماید جز یک نفر.

امام دستور می دهد نزد خزینه دار برود و به او بگوید: مهدی علیه السلام به تو فرمان می دهد که مالی در اختیار من قرار دهی.

خزینه دار می گوید: بگیر، و دامن او را پر می کند. چون در اختیار او قرار می گیرد پشیمان می شود که چرا آزمند و حریص شده است. لذا مال را بر می گرداند، ولی خزینه دار نمی پذیرد و می گوید: ما آنچه را که بخشیدیم پس نمی گیریم».

همچنین امام احمد حنبل، در کتاب «مسند» خود از ابوسعید خدری نقل می کند:

«قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: تملأ الارضُ ظلماً و جوراً، ثمّ یرج رجل من عترتی

ص: ۷۲

يملك سبعا - أو تسعاً - فيملاً الأرض قسطاً و عدلاً» (۱).

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هنگامی فرا می رسد که زمین پر از ظلم و جور شود، آن وقت مردی از خاندان من قیام می کند هفت - یا نه - سال در روی زمین حکومت می کند، و زمین را پر از عدل و داد می نماید».

۲ - محمد بن اسماعیل بخاری، نامی ترین محدث اهل سنت در کتاب «صحیح» خود از ابوهریره نقل می کند:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: كيف أنتم إذا نزل ابن مريم فيكم وإمامكم منكم؟» (۲).

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم علیه السلام در میان شما نازل شود و امام شما از میان خود شما باشد؟».

همچنین «بخاری» در کتاب «صحیح» خود، از سعید بن مسیب، از ابوهریره نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«واللهي نفسي بيده! ليوشكن أن ينزل فيكم ابن مريم حكماً عدلاً، فيكسر الصليب ويقتل الخنزير ويضع الجزية ويفيض المال حتى لا يقبله أحد حتى تكون السجدة الواحدة خيراً من الدنيا وما فيها».

«به خدای بزرگ سوگند! به یقین پسر مریم به عنوان داوری دادگر در میان شما نازل خواهد شد. صلیب را خواهد شکست، و خوک را از میان خواهد برد، و جزیه را کنار خواهد گذاشت، و به قدری ثروت خواهد بخشید که دیگر کسی نپذیرد. در آن روزگار، یک سجده برای خدا بهتر از همه دنیا و هرچه در آن است خواهد بود».

۳ - مسلم بن حجاج نیشابوری در کتاب «صحیح» خود - که دومین کتاب معروف از کتب «صحاح» اهل سنت است - از ابو سعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«يكون في آخر الزمان خليفة يقسم المال ولا يعده» (۳).

ص: ۷۳

۱- ۱۰۱. مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۲۸.

۲- ۱۰۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۳۳، باب ۹۴۵، ح ۱۶۰۱.

۳- ۱۰۳. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۲، کتاب الفتن، ح ۶۹.

«در آخر الزمان خلیفه ای می آید که مال را - به طور مساوی - تقسیم می کند و آن را نمی شمارد».

همچنین «مسلم» در کتاب «صحیح» خود، از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«یکون فی آخر اُمتی خلیفه یحیی المال حیثاً، لایعدّه عدداً».<sup>(۱)</sup>

«در پایان روزگار اُمت من، خلیفه ای می آید که مانند سیل بخشش می کند و آن را نمی شمارد».

۴ - ابن ماجه در کتاب «سنن» خود، فصل «ابواب الفتن»، باب خروج المهدي عليه السلام از قول علی بن ابی طالب علیهما السلام آورده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«المهدی منّا أهل البیت، یصلحه الله فی لیله»<sup>(۲)</sup>

«مهدی از ما اهل بیت است، و خداوند یک شبه او را آماده قیام می کند»

و نیز ابن ماجه در «سنن» خود آورده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«ما اهل بیتی هستیم که خداوند به جای این دنیا، آخرت را برای ما برگزیده است. همانا اهل بیتم پس از من دچار آوارگی، سختی و گرفتاری خواهند گردید، تا این که گروهی از مشرق برخیزند که با خود پرچم های سیاه دارند، آنها حقّ (و یا خیر) رامی طلبند که به آنها داده نمی شود، پس می جنگند و پیروز می شوند و هرچه بخواهند به آنها داده می شود ولی آنها نمی پذیرند - و زیر بار نمی روند - تا این که حکومت را به دست مردی از اهل بیتم بسپارند که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد. پس هر که آن زمان را دریابد به سوی آنان بشتابد، هر چند چهار دست و پا بر روی برف و یا یخ به سوی آنان برود».<sup>(۳)</sup>

۵ - ابو داوود سیستانی در کتاب «سنن» خود - که یکی از کتب «صحاح ششگانه» است - از ابی الطفیل از علی علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

ص: ۷۴

۱- ۱۰۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۲، کتاب الفتن و اشراف الساعه، ح ۶۷.

۲- ۱۰۵. سنن ابن ماجه، ج ۲، باب خروج المهدي عليه السلام، ح ۴۰۸۵.

۳- ۱۰۶. سنن ابن ماجه، ج ۲، باب خروج المهدي عليه السلام، ح ۴۰۸۲ و ۴۰۸۷.

«لو لم يبق من الدهر إلا يوم لبعث الله رجلاً من أهل بيتي، يملأها عدلاً كما ملئت جوراً»<sup>(۱)</sup>.

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند مردی از اهل بیت مرا بر انگیزد تا زمین را پر از عدل و داد کند بعد از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد».

همچنین ابو داوود در کتاب «سنن» خود، از ابوسعید خدری نقل می کند:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: المهديُّ منِّي، أجلى الجبهه، أقنى الأنف، يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، يملك سبع سنين».

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مهدی از من است. پیشانی‌ش باز و نورانی، و بینی اش کشیده و باریک است. زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است، هفت سال حکومت می کند».

۶- ابو عیسیٰ محمّد بن عیسیٰ بن سوره ترمذی، در کتاب «الجامع الصحیح» معروف به «سنن ترمذی» از عبدالله بن عمر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که فرمود:

«لا تذهب الدنيا حتّى يملك العرب رجل من أهل بيتي، يواطىء اسمه اسمي»<sup>(۲)</sup>.

«دنیا به آخر نمی رسد، تا این که مردی از اهل بیت من عرب را مالک شود او همنام من است».

همچنین ترمذی در کتاب «سنن» خود، از ابو هریره نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله ذلك اليوم حتّى يلى رجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي»<sup>(۳)</sup>.

«اگر به پایان دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به حدی طولانی می سازد تا مردی از اهل بیت من که هم نام من است، زمام امور را به دست

ص: ۷۵

۱- ۱۰۷. سنن ابو داوود، ج ۲، ص ۲۰۷.

۲- ۱۰۸. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، باب ۵۲، باب ما جاء في المهدي عليه السلام، كتاب الفتن، ح ۲۲۳۰.

۳- ۱۰۹. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، كتاب الفتن، باب ما جاء في المهدي عليه السلام، ح ۲۲۳۱.



۷- ابو عبدالرحمان احمد بن شعیب، معروف به نسائی در کتاب «سنن» خود - که یکی از کتب «صحاح ششگانه» به شمار می رود - در کتاب جهاد «غزوه هند»، از ثوبان، غلام رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«عصابتان من أمتی أحرزهما الله من النار، عصابه تغزو الهند، و عصابه تكون مع عیسی بن مریم علیهما السلام».(۱)

«دو گروه از ائمت هستند که خداوند آنها را از آتش دوزخ حفظ خواهد نمود؛ گروهی که برای فتح هندوستان عزیمت می کنند، و گروهی دیگر که با عیسی بن مریم علیه السلام همراه خواهند بود».

و نیز نسائی در کتاب «سنن» خود - بنابر نقل «غایه المرام» و «ینابیع الموده» - در باب: «ما جاء فی العرب و العجم» در جلد سوم، از مسعده نقل کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«ابشروا و بشروا، إنما أمتی کالغیث لا یتدری آخره خیر أم أوله، أو کحدیقہ أطعم منها فوج عاماً، ثم أطعم منها فوج عاماً، لعلّ آخرها فوجاً یكون أعرضها عرضاً وأعمقها عمقاً، وأحسنها حسناً، کیف تهلك أمه أنا أولها، والمهدی أوسطها، والمسیح آخرها، ولكن بین ذلك ثیح أعوج لیسوا منی ولا أنا منهم».(۲)

«مژده باد شما را و به دیگران نیز مژده دهید که مثل ائمت من چون باران است که معلوم نیست، آخر آن بهتر است یا اول آن و مانند بوستانی است که گروهی در مدت یک سال از آن استفاده کنند و سپس گروهی دیگر از آن بهره برداری نمایند، (کسی چه می داند) شاید آخرین گروه مردمی داناتر، کنجکاو تر، و نیکوتر باشند. چگونه هلاک می شود ائمتی که من در اول آن، و مهدی علیه السلام در وسط آن، و مسیح علیه السلام در آخر آن باشد، و لکن در این میان مردمانی کج و

ص: ۷۶

۱- ۱۱۰. سنن نسائی، باب ۴۱ غزوه الهند، ص ۳۲، ح ۳۱۷۵.

۲- ۱۱۱. غایه المرام، ص ۶۹۷، ح ۴۳؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۸۸، ح ۲۱. و در چاپ دیگر، ص ۴۸۹، الامام المهدی علیه السلام، ص ۲۵۷، کمال الدین صدوق با ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۳۸۵ و بسیاری از منابع دیگر.

گمراه خواهند بود که نه آنها از منند و نه من از آنها هستم» (۱).

آنچه تا اینجا نقل نمودیم نمونه ای از انبوه روایاتی است که نامی ترین محدثان اهل سنت آنها را در معتبرترین کتب روایتی خود، آورده اند و ما نیز آنها را به عنوان پاسخی برای کسانی که تحت تأثیر عواطف شخصی و تعصب خاص مذهبی قرار گرفته و به مبارزه با شیعه برخاسته و مسأله «مهدویت» را افسانه ای پنداشته اند که تنها «شیعه» معتقد به آن است در اینجا آوردیم، باشد که روزی به خود آیند و بر میراث پیامبر خویش (عترت و اهل بیت آن حضرت) بیش از این ظلم و ستم روا ندارند.

در روایاتی که شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امامان اهل بیت علیهم السلام نقل کرده اند، تنها به ذکر کلیات اکتفا نشده است، بلکه از اوصاف، خصوصیات و ویژگی های آن حضرت نیز سخن رفته است که برای مزید اطلاع، فهرست قسمتی از آنها را از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم.

#### ۴- ویژگی های حضرت مهدی در روایات

در روایات گوناگونی که شیعه و سنی درباره مهدی موعود علیه السلام و ریشه خانوادگی و نسب عالی و اصالت آن حضرت از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و سایر ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل کرده اند، چنین آمده است:

مهدی علیه السلام از عرب است.

مهدی علیه السلام از اُمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است.

مهدی علیه السلام از فرزندان «کنانه» جد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است.

مهدی علیه السلام از «قریش» است.

ص: ۷۷

---

۱- ۱۱۲. این حدیث را مرحوم سید هاشم بحرانی، متوفای سال ۱۱۰۷ در کتاب معروف «غایه المرام» از جزء سوم «صحیح نسائی» نقل نموده، و شیخ سلیمان قندوزی حنفی، متوفای سال ۱۲۹۴ نیز در کتاب «ینایع الموده» آن را از کتاب «غایه المرام» مرحوم بحرانی نقل کرده است، در حالی که این حدیث در نسخه های چاپهای فعلی دیده نمی شود و معلوم نیست که چرا حدیث مزبور در کتاب مذکور وجود ندارد، در صورتی که صاحب «مفتاح کنوز السنّه» می گوید: «حدیث نزول حضرت عیسی علیه السلام را بخاری، مسلم، نسائی، ابن ماجه، احمد حنبل، ابی داود و طیالسی در روایات متعددی نقل کرده اند». منتخب الاثر، ص ۴۷۹، ص ۶۰۰، فصل ۷، باب ۸.

مهدی علیه السلام از «بنی هاشم» است.

مهدی علیه السلام از فرزندان «عبدالمطلب» است.

مهدی علیه السلام از فرزندان «ابوطالب» است.

مهدی علیه السلام از آل محمدعلیهم السلام است.

مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است.

مهدی علیه السلام از عترت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است.

مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است.

مهدی علیه السلام از «ذوی القربی» است.

مهدی علیه السلام از ذریه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است.

مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است.

مهدی علیه السلام نامش، نام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است.

مهدی علیه السلام کنیه اش، کنیه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است.

مهدی علیه السلام از فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

مهدی علیه السلام نهمین نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام محمد باقر علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام صادق علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام رضا علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام محمد تقی علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام هادی علیه السلام است.

مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

مهدی علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است.

ص: ۷۸

مهدی علیه السلام شبیه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است.

مهدی علیه السلام پیشوای شایسته است.

مهدی علیه السلام یکی از سروران اهل بهشت است.

مهدی علیه السلام بعد از پادشاهان ستمگر می آید.

مهدی علیه السلام خلیفه الله است.

مهدی علیه السلام بقیه الله است.

مهدی علیه السلام دو غیبت دارد.

مهدی علیه السلام در همه عالم یکی است.

مهدی علیه السلام تمام روی زمین را از عدل پر می کند.

پس از مهدی علیه السلام زندگی سودی نخواهد داشت. (۱)

خواننده گرامی! هریک از این ویژگی ها، روایت جداگانه ای دارد و در کتب روایتی شیعه و سنی درج گردیده است.

## ۵ - تعداد روایات وارده درباره حضرت مهدی علیه السلام

روایاتی که درباره مهدی موعود علیه السلام و صفات و جزئیات زندگی آن مصلح جهانی، از پیامبر و سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده است و علمای شیعه و سنی آنها را در منابع معتبر خود آورده اند، بیرون از شمار است، از این رو، فقط فهرست قسمتی از آنها را از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم:

۱ - در مورد این که حضرت مهدی علیه السلام نامش، نام مبارک پیامبر (محمد صلی الله علیه وآله وسلم) و کنیه اش، کنیه شریف پیامبر (ابوالقاسم) است، ۴۸ حدیث نقل شده است.

۲ - در باره این که حضرت مهدی علیه السلام دوازدهمین امام و آخرین پیشواست، ۱۳۶ حدیث آمده است.

۳ - در مورد این که حضرتش دهمین فرزند امیر مؤمنان علی علیه السلام است، ۲۱۴ حدیث

ص: ۷۹

صافی و کتاب «البيان» گنجی شافعی و کتاب «المهدی الموعود المنتظر» تحقیق نجم الدین عسکری و سایر کتاب های مربوطه  
مراجعه فرمایید.

وارد شده است.

- ۴ - در مورد این که آن حضرت از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام است، ۱۹۲ حدیث ذکر شده است.
- ۵ - در مورد این که وی، نهمین فرزند حضرت امام حسین علیه السلام است، ۳۰۸ حدیث بیان شده است.
- ۶ - در مورد این که او، هشتمین فرزند امام سجاد علیه السلام است، ۱۸۵ حدیث نقل شده است.
- ۷ - در مورد این که او، هفتمین فرزند امام باقر علیه السلام است، ۱۰۳ حدیث آمده است
- ۸ - در مورد این که او، ششمین فرزند امام صادق علیه السلام است، ۲۰۲ حدیث وارد شده است.
- ۹ - در مورد این که او، پنجمین فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است، ۱۹۹ حدیث بیان شده است.
- ۱۰ - در مورد این که او، چهارمین فرزند حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است، ۹۵ حدیث آمده است.
- ۱۱ - در مورد این که او، سومین فرزند محمد بن علی (حضرت جواد الائمه علیه السلام) است، ۹۰ حدیث نقل شده است.
- ۱۲ - در مورد این که او، دومین فرزند امام علی النقی الهادی علیه السلام است، ۹۰ حدیث آمده است.
- ۱۳ - در مورد این که او، فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام و از صلب آن حضرت است، ۲۹۳ حدیث نقل شده است.
- ۱۴ - در باب ولادت با سعادت حضرتش، ۲۹۳ حدیث آمده است.
- ۱۵ - در باره این که آن حضرت، در خفا و پنهانی متولد گردید، ۱۴ حدیث بیان شده است.
- ۱۶ - راجع به این که عمر شریفش بسیار طولانی خواهد شد، ۳۱۸ حدیث نقل شده است.
- ۱۷ - در مورد این که مدت زیادی از انظار غایب و پنهان خواهد بود، ۹۱ حدیث آمده است.

ص: ۸۰

- ۱۸ - در مورد این که غیبت حضرتش به دو غیبت صغری و کبری منقسم می گردد، ۱۰ حدیث ذکر شده است.
- ۱۹ - در مورد این که آیین وی، همان آیین مبین اسلام، و کتابش قرآن است، ۱۵ حدیث آمده است.
- ۲۰ - در مورد این که وی جهانیان را به دین مبین اسلام دعوت می نماید و در تمامی روی زمین حکومت واحد جهانی بر اساس قانون اسلام تشکیل می دهد، ۴۷ حدیث نقل شده است.
- ۲۱ - در مورد این که شخصاً عدالت اجتماعی را در روی کره زمین برقرار می کند و در دولت با سعادت آن حضرت، عدالت واقعی بر تمامی شؤون اجتماع حکومت می نماید و جهان انسانی پس از ظلم و جور و انحراف، از عدل و داد و خداشناسی پر می گردد، ۱۲۳ حدیث آمده است.
- ۲۲ - در مورد این که وی زمین را از کفر و شرک پاک می نماید، ۱۹ حدیث وارد شده است.
- ۲۳ - در مورد این که: ایمان و امتیّت واقعی در حکومت عادلانه اش حکم فرما خواهد گردید، ۷ حدیث آمده است.
- ۲۴ - در مورد این که اسلام، شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت، ۱۲ حدیث نقل شده است.
- ۲۵ - در مورد این که بشر پیرو یک آیین خواهد گردید، و جمیع ملل عالم در تحت لوای اسلام در خواهند آمد، ۷ حدیث آمده است.
- ۲۶ - در مورد این که با شمشیر قیام خواهد کرد، ۷ حدیث ذکر شده است.
- ۲۷ - در مورد این که در دوران حکومت عدالت پیشه او، جهان، آباد خواهد گردید و عقول مردمان کاملتر خواهد شد، ۵ حدیث نقل شده است.
- ۲۸ - در مورد این که معجزات و امتیازات پیامبران در او جمع است و به دست توانای حضرتش ظاهر می گردد، ۲۳ حدیث نقل شده است.
- ۲۹ - در مورد این که وقت ظهورش بر احدی از آحاد مردم معلوم نیست و هر کس



وقت تعیین کند دروغگوست، ۷ حدیث آمده است.

۳۰- در مورد این که اصحاب خاص آن حضرت ۳۱۳ نفرند و از اطراف و اکناف عالم به سرعت، به اندازه یک چشم به هم زدن، نزدش جمع می شوند، ۲۵ حدیث نقل شده است.

۳۱- در مورد این که حضرت عیسی علیه السلام در نماز به وی اقتدا می نماید، ۲۹ حدیث بیان شده است.

۳۲- در مورد این که منادی آسمانی حضرتش را به نام و نشان به جهانیان معرفی می کند، ۲۷ حدیث آمده است.

۳۳- و در مورد این که برای ظهور مبارک آن حضرت، علایم و نشانه هایی خواهد بود که پیش از ظهور مبارکش به وقوع خواهد پیوست، ۶۵۷ حدیث آمده است.

ص: ۸۲

اشاره

شناخت مهدی موعود علیه السلام

شامل:

- ۱- مهدی موعود اسلام از عرب است
- ۲- مهدی علیه السلام از اولاد کنانه است
- ۳- مهدی علیه السلام از قریش است
- ۴- مهدی علیه السلام از بنی هاشم
- ۵- مهدی علیه السلام از فرزندان عبدالمطلب است
- ۶- مهدی علیه السلام از فرزندان ابوطالب
- ۷- مهدی علیه السلام از عترت پیامبر است
- ۸- مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر است
- ۹- مهدی علیه السلام همانام پیامبر است
- ۱۰- مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر است
- ۱۱- مهدی علیه السلام از فرزندان حضرت علی علیه السلام است
- ۱۲- مهدی علیه السلام از فرزندان حضرت فاطمه علیه السلام است
- ۱۳- مهدی علیه السلام از فرزندان حسنین علیه السلام است
- ۱۴- مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است
- ۱۵- مهدی علیه السلام نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است
- ۱۶- مهدی علیه السلام امام زین العابدین علیه السلام است



- ۱۷- مهدی علیه السلام از فرزندان امام باقر علیه السلام است
- ۱۸- مهدی علیه السلام از فرزندان امام صادق علیه السلام است
- ۱۹- مهدی علیه السلام از فرزندان امام کاظم علیه السلام است
- ۲۰- مهدی علیه السلام از فرزندان امام رضا علیه السلام است
- ۲۱- مهدی علیه السلام از فرزندان امام جواد علیه السلام است
- ۲۲- مهدی علیه السلام از فرزندان امام هادی علیه السلام است
- ۲۳- مهدی علیه السلام از فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است
- ۲۴- مهدی علیه السلام از ذوی القربی است
- ۲۵- مهدی علیه السلام از ذریه پیامبر است

نام مبارک حضرتش - چنان که در روایات شیعه و سنی آمده است - نام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می باشد. این نام - محمد - نامی است که خدای تعالی و جدش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم، سالها قبل از ولادت، برای او انتخاب نمودند و همه مسلمانان او را به این نام می شناسند.

آن حضرت دارای چند کنیه می باشد. و کنیه مسلم آن حضرت همان کنیه جدش رسول خدا «ابو القاسم» است. برخی از دیگر کنیه هایش، ابو عبدالله، ابو جعفر و ابو صالح می باشد.

اوصاف و القاب برجسته و معروف آن حضرت که حاکی از مقام والا و عظمت و شخصیت بی نظیر آن یگانه بازمانده حجج الهی است، در روایات شیعه و سنی و نویدهای کتب مذهبی اهل ادیان، چنین آمده است:

«امام، امام دوازدهم، امام منتظر، امیر امیران، برگزیده ابراهیم، برهان، بقیه الله، بقیه حجت های خدا، بقیه حضرت آدم، بقیه حضرت ابراهیم، پسر انسان، تقی، ثائر (انقلابی)، خونخواه و انتقام گیرنده، حجت، حجت خدا، حجت آل محمد علیهم السلام، خاتم اوصیا، خازن (خزانه دار) علوم الهی، خالص، خلف صالح، خلیفه الله، خیر امت محمد صلی الله علیه وآله وسلم، خیر الناس، ذخیره نوح، ذو الخلل، ذو الشامتین «خال»، ذو الغیبه، رهایی بخش امت، زکی، سلطان، سید، شریک (آواره)، صاحب، صاحب الامر، صاحب پرچم محمدی صلی الله علیه وآله وسلم، صاحب الدار، صاحب الزمان، صاحب السیف، صاحب الغیبه، طاهر، طریک (تبعید شده)، طیب (پاک و پاکیزه)، عادل، عدالت گستر، غریب، قائم، قائم آل محمد علیهم السلام، قائم اهل بیت، قائم به حق، قائم به شمشیر، قائم منتظر، قائم مهدی، مأمول، مبارک، مجهول، مظهر دین، منتقم،

منصور، مهدی، مهدی آل محمد علیهم السلام، مهدی اُمت، و مهدی منتظر» (۱).

اینک برای این که این آخرین پیشوای بر حق، را بهتر بشناسیم، بخشی از انبوه روایاتی را که درباره معرفت آن حضرت از زبان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و پدران بزرگوارش بازگو شده، در اینجا می آوریم:

## ۱ - مهدی موعود اسلام از عرب است

بر اساس روایات «متواتر»، مهدی موعود اسلام از «عرب» است.

تمام روایاتی که درباره نسب آن حضرت رسیده است، دلالت دارد که حضرت از «عرب» می باشد؛ ولی در عین حال برای اثبات این مطلب، روایتی نقل می کنیم.

مردی حضور امیرمؤمنان علیه السلام شرفیاب گردید و عرضه داشت:

یا امیرالمؤمنین! ما را از مهدی خودتان آگاه کنید!

حضرت فرمود:

هنگامی که رفتنی ها رفتند و منقرض شدند، و مؤمنین اندک گردیدند و طرفداران حق از میان رفتند، پس آن وقت است آن وقت.

عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! مهدی علیه السلام از چه طایفه ای است؟

فرمود: مهدی علیه السلام از «بنی هاشم، قله شامخ نژاد عرب است ...» (۲)

## ۲ - مهدی علیه السلام از اولاد «کنانه» است

مقدسی شافعی در کتاب عقد الدرر نقل کرده که «قتاده» گوید:

«قلت لسعيد بن المسيب: المهديّ حقّ؟»

قال: حقّ. قلت: ممّن؟ قال: من کنانه. قلت: ثمّ ممّن؟ قال: من قريش. قلت: ثمّ ممّن؟ قال: من بنی هاشم. قلت: ثمّ ممّن؟ قال: من ولد فاطمه عليها السلام» (۳).

ص: ۸۶

---

۱-۱۱۴. این اوصاف و القاب که برخی از آنها را بر شمردیم، در روایات شیعه و سنی و نویدهای کتب مقدسه اهل ادیان آمده است که هر کدام از آنها در ضمن یک یا چند حدیث در منابع مختلف از تفسیر و حدیث و تاریخ به دست آمده است.

٢-١١٥. غيبت نعماني، باب ١٣، ج ١، ص ٢١٢؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ١١٥.

٣-١١٦. عقد الدرر، ص ٤٢.

«از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی علیه السلام بر حق است؟ گفت: آری. گفتم: مهدی علیه السلام از چه طایفه ای است؟ گفت: از کنانه. گفتم: بعد از آن؟ گفت: از قریش. گفتم: بعد از آن؟ گفت: از بنی هاشم. گفتم: بعد از آن؟ گفت: از فرزندان فاطمه علیها السلام است.»

مقصود از «کنانه»، کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان (جدّ پیامبر اسلام علیه السلام) است. مرحوم آیه الله سید صدر الدین صدر، در کتاب «المهدی علیه السلام» در این باره می نویسد:

«در کتاب «سبائك الذهب» می گوید: «بنی کنانه» گروهی از «مضر» هستند. مضر، دارای فرزندان بود که پدران و اجداد پیامبر بودند تا به «نضر» منتهی می شود.»

### ۳ - مهدی علیه السلام از «قریش» است

ابن حجر هیتمی مکی، در کتاب «الصواعق المحرقة» از دو تن از دانشمندان بزرگ اهل سنت (احمد و ماوردی) روایت کرده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم درباره بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«ابشروا بالمهدی، رجل من قریش من عترتی، یخرج فی اختلاف من الناس و زلزال، فیملاً الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً، و یرضی عنه ساکن الأرض و السماء، و یقسّم المال صحاحاً بالسویه»<sup>(۱)</sup>.

«بشارت باد شما را به مهدی علیه السلام! او مردی از «قریش» و از عترت من است که پس از اختلاف زیاد و عدم امتیّت ظهور خواهد نمود. زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد. ساکنان زمین و آسمان از او راضی و خشنود می گردند و اموال را به طور مساوی در بین مردم تقسیم می کند.»

در این باب گروهی از دانشمندان شیعه و سنی مانند مرحوم سید بن طاووس رحمه الله در

ص: ۸۷

---

۱- ۱۱۷. الصواعق المحرقة، ج ۲، باب ۱۱، فضائل اهل البيت النبوی، ص ۱۶۶، مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۷؛ اسعاف الراغبین، حاشیه نور الابصار، ص ۱۴۸، و فصول المهمّه، ص ۲۹۷، باب ۱۲.



کتاب «الملاحم والفتن» و یوسف بن یحییٰ مقدّسی شافعی در کتاب «عقد الدرر» و علی متقی هندی در کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» از اسحاق بن یحییٰ بن طلحه تمیمی از طاووس روایت کرده اند که گفت:

«وَدَعَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ الْبَيْتَ، ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ! مَا أَدْرِي أَدْعُ خَزَائِنَ الْبَيْتِ، وَ مَا فِيهِ مِنَ السَّلَاحِ وَالْمَالِ، أَمْ أُقَسِّمُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟

فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: امْضِ فَلَسْتُ بِصَاحِبِهِ، إِنَّمَا صَاحِبُهُ مَنْنَا، شَابٌُّ مِنْ قَرِيْشٍ، يَقْسِمُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى فِي آخِرِ الزَّمَانِ».(۱)

«عمر بن خطاب در هنگام وداع با کعبه، گفت: به خدا قسم! نمی دانم با آنچه در خزانه بیت است چه کنم؟ آیا این همه سلاح و اموال را به حال خود واگذارم یا آنها را در راه خدا قسمت کنم؟

امیرمؤمنان علیه السلام به او فرمود:

از آنها بگذر که تو صاحب آنها نیستی؛ صاحب آنها جوانی از ما (اهل بیت) و از «قریش» است که آنها را در آخرالزمان در راه خدا تقسیم می کند».

مقصود از قریش، نضر بن کنانه است. علامه دهخدا، در کتاب «لغت نامه» می نویسد: «قریش، نام قبیله ای است. پدر این قبیله، نضر بن کنانه است. این قبیله را قریش نامند از آن جهت که گرد حرم (یعنی: در اطراف خانه خدا و سرزمین مکه) فراهم آمده اند».(۲)

#### ۴ - مهدی علیه السلام از «بنی هاشم» است

«قتاده» گوید:

«قلت لسعيد بن المسيّب: أحقّ المهدي؟ قال: نعم، هو حقّ. قلت: ممّن هو؟ قال: من قريش. قلت: من أيّ قريش؟ قال: من بني هاشم.

ص: ۸۸

۱- ۱۱۸. الملاحم والفتن، ص ۱۵۲، باب ۱۵۷؛ عقد الدرر، ص ۱۵۴، باب ۷؛ البرهان، ص ۸۶، باب ۱، ح ۳۸؛ و منتخب الاثر، ص ۱۶۲، ح ۶۵.

۲- ۱۱۹. در این باره اقوال فراوان دیگری نیز هست که ما نیاز چندانی به ذکر همه آنها نمی بینیم و خوانندگان گرامی می توانند برای اطلاع بیشتر به کتاب «لغت نامه دهخدا» و کتاب «المهدی» علیه السلام نوشته مرحوم آیه الله سید صدر الدین صدر، مراجعه فرمایند.

«از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی بر حق است؟ گفت: آری، او حق است. گفتم: مهدی از چه طایفه ای است؟ گفت: از قریش است. گفتم: از کدام تیره قریش؟ گفت: از بنی هاشم است»

### ۵ - مهدی علیه السلام از فرزندان عبدالمطلب است

مقدسی در کتاب «عقد الدرر»، از جماعتی از اهل حدیث - مانند ابن ماجه در کتاب «سنن»، حافظ طبرانی در کتاب «معجم» و ابو نعیم اصفهانی، - از انس بن مالک، از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده است که فرمود:

نحن سبعة بنو عبدالمطلب ساداتُ أهل الجنة: أنا و أخي علي و عمي حمزة و جعفر و الحسن و الحسين و المهدي. (۱)

«ما هفت تن فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشتیم؛ من، برادرم علی، عمویم حمزه، جعفر، حسن، حسین و مهدی».

### ۶ - مهدی علیه السلام از فرزندان ابو طالب است

در کتاب «عقد الدرر»، «روضه کافی»، «ارشاد» مفید و «بحار الانوار» از سیف بن عمیره روایت کرده اند که گفت:

«نزد ابو جعفر منصور - دومین خلیفه عباسی - بودم که خود آغاز به سخن کرد و گفت: ای سیف! به ناچار ندا کننده ای از آسمان به نام مردی از «فرزندان ابوطالب» ندا خواهد کرد.

گفتم: ای امیر... شما هم این مطلب را روایت می کنی؟!!

گفت: آری، به خدایی که جان من در دست قدرت اوست! من این موضوع را با دو گوش خود شنیده ام... این ندا متوجه مردی از عمو زادگان ماست

ص: ۸۹

---

۱- ۱۲۰. عقد الدرر، ص ۱۹۴، باب ۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۶۹، باب خروج المهدي، کتاب الفتن؛ ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۹۱؛ مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۲۱۱، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵، الصواعق المحرقة، ص ۲۳۵؛ منتخب الاثر، ص ۱۴۵، بشاره الاسلام، ص ۲۸۶ و ۲۹۰؛ ذخائر العقبی، ص ۱۵، و غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۳.

گفتم: مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام گفت آری، ای یوسف» (۱).

## ۷ - مهدی علیه السلام از عترت پیامبر است

در کتاب «عقد الدرر»، از ابوسعید خدری روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«لا تقوم الساعة حتى تُملأ الأرض ظلماً وعدواناً ثم يخرج من عترتي - أو من أهل بيتي - من يملأها قسطاً و عدلاً، كما مُلئت ظلماً وعدواناً» (۲).

«رستاخیز به پا نمی شود تا این که زمین پر از ظلم و دشمنی گردد، در آن هنگام مردی از عترت - یا از اهل بیت - من قیام می کند و آن را پر از عدل و داد می نماید همان گونه که پر از ظلم و دشمنی شده است».

ابن حجر مکی نیز، از احمد حنبل و ماوردی نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«ابشروا بالمهدی، رجل من قریش من عترتی» (۳).

«مژده باد شما را به مهدی! او مردی از قریش و از عترت من است».

در «مسند» احمد بن حنبل نیز از قول ابوسعید خدری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«يُملأ الأرض ظلماً وجوراً، ثم يخرج رجل من عترتي يملك سبعا - أو تسعاً - فيملأ الأرض قسطاً و عدلاً» (۴).

«زمین پر از ظلم و جور خواهد شد؛ در آن موقع، مردی از عترت من قیام می کند، هفت - یا نه - سال در روی زمین حکومت می نماید و سراسر زمین را پر از عدل و داد می سازد».

در کتاب «مطالب السؤل» درباره معنای «عترت» چنین می نویسد:

ص: ۹۰

---

۱- ۱۲۱. عقد الدرر، ص ۱۴۹، فصل ۳، کافی، ج ۸، ص ۲۰۹، ارشاد مفید، ص ۳۳۷، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸ و المهدی، ص ۵۱.

۲- ۱۲۲. عقد الدرر، ص ۳۶، باب ۱، ح ۳.

۳- ۱۲۳. الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۷۹.

۴- ۱۲۴. مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸.

«گفته شده: معنای کلمه «عترت» عشیره، - یعنی طایفه، فامیل و خویشان نزدیک - است. قول دیگر آن است که: عترت به معنای ذریه - یعنی نسل و فرزند - است، و این هر دو معنا درباره آل پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم صدق می کند؛ زیرا آنان هم طایفه، فامیل و خویشان نزدیک، و هم نسل و فرزند آن حضرت هستند.

امّا عشیره، اهل و عیال نزدیک هستند که آنان چنین بودند، و امّا ذریه، اولاد دختر انسان را گویند، و قول خدای تعالی در رابطه با حضرت ابراهیم علیه السلام بر این معنا دلالت می کند، چنان که می فرماید:

«وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ ... وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ» (۱)

«از فرزندان ابراهیم است: داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون ... و زکریّا و یحیی و عیسی و الیاس که همگی آنها از مردمان شایسته بودند».

در این آیات، خداوند پیامبرانی را نام برده و آنها را از ذریه و فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام شمرده است؛ از جمله این پیامبران، حضرت عیسی علیه السلام است که نسب شریفش از طرف مادرش، حضرت مریم علیها السلام، به حضرت ابراهیم علیه السلام می رسد» (۲).

## ۸ - مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر است

در «سنن» ترمذی از قول عبدالله بن مسعود آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً مني - أو من أهل بيتي - يواطىء اسمه اسمي، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً» (۳).

«اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به حدی

ص: ۹۱

۱- ۱۲۵. سوره انعام، آیه ۸۴ و ۸۵.

۲- ۱۲۶. المهدی، ص ۵۶.

۳- ۱۲۷. التاج، ج ۵، ص ۳۴۳ رواه ابو داوود ترمذی؛ کتاب الفتن و علامات الساعة؛ الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۱۱ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۲.

طولانی می سازد تا این که در آن روز، مردی را که از فرزندان من - یا از اهل بیت من - و هم نام من است برانگیزاند که زمین را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد».

در کتاب «کنز العمال» از قول ابوهریره آمده است:

«لو لم یبق من الدنیا إلا لیلہ لطوّل اللّٰه تعالیٰ تلک اللیلہ حتّٰی ینزل رجلٌ من اهل بیتی» (۱).

«اگر از عمر دنیا به جز یک شب باقی نمانده باشد، خدای تعالی آن شب را طولانی می گرداند تا این که مردی از اهل بیت من زمام امور را به دست گیرد».

در «سنن» ابو داوود آمده که پیامبر فرمود:

«لو لم یبق من الدهر إلا یوم لبعث اللّٰه رجلاً من اهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً» (۲).

«اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا برانگیزد که دنیا را پر از عدل نماید چنان که پر از ستم شده باشد».

در «سنن» ابن ماجه، از قول ابوهریره آمده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«لو لم یبق من الدنیا إلا یومٌ، لطوّله اللّٰه تعالیٰ حتّٰی یملک رجل من اهل بیتی ...» (۳).

«اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را طولانی کند تا این که مردی از اهل بیت من حکومت را به دست گیرد».

در «سنن» ابن ماجه، و مصادر دیگر از قول علی بن ابی طالب علیه السلام آمده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«المهدی منّا اهل البیت، یصلحه اللّٰه فی لیلہ» (۴).

«مهدی از ما اهل بیت است و خداوند یک شبه امر او را به سامان می آورد».

ص: ۹۲

۱- ۱۲۸. کنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۷.

۲- ۱۲۹. سنن ابو داوود، ج ۲، ص ۲۰۷.

۳- ۱۳۰. سنن ابن ماجه، باب الجهاد، ج ۲، ص ۹۲۸، ح ۲۷۷۹.

۴- ۱۳۱. سنن ابن ماجه، باب خروج المهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۹، ح ۴۰۸۵، منتخب کنز العمال، ص ۵۴۹.

در «مستدرک حاکم» از قول ابو سعید خدری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«مهدی، از ما اهل بیت است.»

سپس حاکم می نویسد: این حدیث بنا به شرط مسلم، صحیح است، اما بخاری و مسلم آن را نیاورده اند. (۱)

در کتاب «مطالب السؤل» درباره معنای «اهل بیت» چنین می نویسد:

«گفته شده: اهل بیت پیغمبر خدا افرادی هستند که نَسَب آنان به جدّ آن حضرت منتهی می شود. قول دیگر آن است که: اهل بیت آن بزرگوار اشخاصی هستند که از یک «رَجْم» باشند. قول دیگر آن است که اهل بیت آن حضرت، آنهایی هستند که به واسطه نسب یا سبب به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم متصل شوند.

کلّیه این معانی درباره اهل بیت آن بزرگوار صدق می کند؛ زیرا نسب آنان به جدّ پیغمبر خدا که عبدالمطلب باشد منتهی می گردد، و اهل بیت پیغمبر با خود آن حضرت از یک رَجْم هستند، و به وسیله نسب و سبب هم به پیغمبر خدا متصل می شوند، پس ایشان حقیقتاً اهل بیت پیغمبر اکرم می باشند، و معنای آل و اهل بیت هم یکی است ... پس معنای حقیقی کلمه آل و اهل برای اهل بیت رسول خدا ثابت است.

مسلم در کتاب صحیح خود از یزید بن حیان روایت کرده که گفت:

«من و حصین بن سبره و عمر بن مسلم نزد زید بن ارقم رفتیم. وقتی پیش او نشستیم، حصین گفت: ای زید! تو خیر زیادی دیدی، تو رسول خدا را دیدی، حدیث آن حضرت را شنیدی، با آن بزرگوار در راه خدا جنگ کردی، پشت سر آن حضرت نماز خواندی، حقّاً که تو خیر زیادی دیدی، بگو ببینیم که از پیغمبر خدا چه شنیدی؟»

زید بن ارقم گفت: ای برادر زاده! پیر شده ام و بعید العهد، بعضی از چیزهایی را که از رسول خدا یاد گرفتم فراموش کرده ام، آنچه را که برای شما می گویم قبول کنید و آنچه را که نمی گویم مرا به گفتن آن مجبور ننمایید. سپس گفت:

یک روز پیغمبر اکرم کنار برکه آبی که بین مکه و مدینه است و آن را «خَم» می گویند،

ص: ۹۳

بیا خاست و خطبه خواند؛ حمد و ثنای خدای را به جا آورد و موعظه کرد آنگاه فرمود:

ای مردم! من هم بشری - مثل شما - هستم که نزدیک است قاصد پروردگارم (ملک الموت) بیاید و من او را اجابت نمایم. من در میان شما دو چیز گرانها را به جا می گذارم؛ یکی کتاب خدای که مشتمل بر هدایت و نور است، پس کتاب خدا را بگیریید و به آن چنگ زنید... و دیگری اهل بیت من است؛ من خدا را درباره اهل بیتم به شما یادآور می شوم، خدا را در نظر آورید در رفتار با اهل بیتم.

حصین بن سبره به زید بن ارقم گفت: ای زید! اهل بیت پیغمبر خدا کیانند؟ مگر زنان آن حضرت از اهل بیتش نبودند؟

زید گفت: زنان پیامبر خانواده او بودند، ولی اهل بیت پیغمبر اکرم کسانی هستند که گرفتن صدقه بر آنها حرام است». (۱)

همچنین مسلم در کتاب «صحیح» خود در حدیث دیگری از زید بن ارقم آورده است که راویان حدیث مزبور گفتند:

«... پس ما با همدیگر گفتیم: اهل بیت پیغمبر چه کسانی می باشند؟ زنانش؟!»

زید گفت: نه، به خدا قسم! زن مدتی از زمان را با شوهرش می باشد، سپس ممکن است طلاقش دهد و به سوی پدر و قومش

بازگردد؛ ولی اهل بیت پیامبر کسانی هستند که گرفتن صدقه، بر آنان حرام است». (۲)

## ۹ - مهدی علیه السلام هم نام پیامبر است

در «سنن» ترمذی و «سنن» ابوداود و بسیاری از منابع دیگر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«لا تذهب الدنيا، حتی یملک العرب رجل من أهل بیتی، یواطیء اسمه اسمی». (۳)

ص: ۹۴

۱- ۱۳۳. به کتاب «المهدی» نوشته مرحوم آیه الله سید صدرالدین صدر، ص ۵۸ - ۵۹، و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۵۰، کتاب فضائل الصحابه، باب فضائل علی علیه السلام، ح ۳۶، و همچنین ترجمه کتاب «المهدی علیه السلام» به قلم دانشمند محترم آقای محمد جواد نجفی، ص ۶۲، مراجعه فرمائید.

۲- ۱۳۴. صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب فضائل علی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۵۱، ح ۳۷.

۳- ۱۳۵. سنن ترمذی، ج ۹، ص ۷۴، سنن ابوداود، ج ۴، ص ۱۰۶ - ۱۰۷، عقد الدرر، ص ۲۷، باب ۲، حلیه الاولیاء، ج ۵، ص ۷۵.

«دنیا به آخر نمی رسد تا اینکه مردی از اهل بیت من، زمام امور عرب را به دست گیرد، او هم نام من است».

در «مسند» احمد بن حنبل، از عاصم، از زر، از عبدالله بن مسعود روایت کرده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«لاتنقضی الأيام ولا یذهب الدهر، حتّی یملک العرب رجل من اهل بیتی اسمه یواطی ء اسمی»<sup>(۱)</sup>.

«روزها سپری نمی شود و دنیا به آخر نمی رسد، تا اینکه مردی از اهل بیت من، عرب را مالک شود؛ نام او، نام من باشد».

در کتاب «ارشاد» شیخ مفید رحمه الله نیز در حدیثی آمده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«لن تنقضی الأيام واللیالی حتّی یبعث الله رجلاً من اهل بیتی، یواطی ء اسمه اسمی، یملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً»<sup>(۲)</sup>.

«روزها و شبها نمی گذرد (دنیا به پایان نمی رسد) تا این که خداوند، مردی از خاندان مرا برانگیزد که هم نام من است؛ او زمین را پر از عدل و داد کند همچنان که پر از ستم شده باشد».

### ۱۰ - مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر است

در کتاب «عقد الدرر» و «تذکره الخواص» از قول عبد الله عمر آمده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی، اسمه کاسمی، و کنیته ککنیتی، یملأ-الأرض عدلاً، كما ملئت جوراً، فذلک المهدی»<sup>(۳)</sup>.

«در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می نماید؛ نام او همانند نام من و

ص: ۹۵

۱- ۱۳۶. مسند احمد، ج ۱، ص ۷۶، تفسیر سیوطی، ج ۶، ص ۵۸.

۲- ۱۳۷. ارشاد مفید، ص ۳۲۶، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰ و فصول المهمه فصل دوازدهم، ص ۲۹۱، حلیه الاولیاء، ج ۵.

۳- ۱۳۸. عقد الدرر، ص ۳۲، باب ۲؛ تذکره الخواص، ص ۳۶۳.



کنیه او همانند کنیه من می باشد. او زمین را پر از عدل می نماید همان گونه که پر از ستم شده باشد، و او همان «مهدی» است».

در روایت دیگری از قول جابر بن عبدالله آمده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«المهدی من وُلدی، اسمه اسمی، و کنیته کنیتی، أشبه الناس بی خلقاً و خُلُقاً».(۱)

«مهدی از فرزندان من است؛ نام او نام من و کنیه اش کنیه من، از نظر سیرت و صورت شبیه ترین مردمان به من است».

در حدیث مفصّلی که جلال الدین سیوطی در کتاب «الحاوی للفتاوی» از حدیث نقل کرده، آمده است:

هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم درباره خروج سفیانی و ظهور حضرت مهدی علیه السلام سخن می گفت، مردی به نام «عمران بن حصین» برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! ما چگونه مهدی علیه السلام را بشناسیم؟

«قال صلی الله علیه وآله وسلم: هو رجل من ولدی کأَنه من رجال بنی اسرائیل، علیه عباءتان قَطَوَاتِینان، کَأَنَّ وجهه الکوکب الدرّی، فی خدّه الأيمن خال أسود، ابن أربعین سنه... فیبايع له بین الرکن والمقام، ثم یرج متوجّهاً إلی الشام، وجبریل علی مقدّمته و میکائیل علی ساقته، فیفرح به أهل السماء وأهل الأرض، والطیر والوحوش والحیتان فی البحر».(۲)

«رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: مهدی، مردی از فرزندان من است. او شبیه مردان بنی اسرائیل است. (راست قامت تا حدی بلند قد) ... صورتش چون ستاره درخشان و بر گونه راستش خال سیاهی است. چهل ساله می نماید ... مسلمانان بین «رکن و مقام» (کنار خانه خدا) با او بیعت می کنند. سپس در حالی که جبرئیل پیشاپیش او، و میکائیل پشت سر او است متوجه سرزمین شام می گردد. ساکنان آسمان و زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه از او خوشنود می شوند».

ص: ۹۶

---

۱- ۱۳۹. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱، ح ۱۳  
۲- ۱۴۰. الحاوی للفتاوی، ج ۲، باب آثار الواردة فی المهدی علیه السلام، ص ۸۲؛ عقد الدرر، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

و در روایت دیگری که مرحوم سید بن طاووس آن را در کتاب «الملاحم والفتن» از قول حذیفه از جابر بن عبدالله انصاری نقل نموده، چنین آمده است که جابر گفت:

«روزی رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در بین اصحاب خود نشسته بود که جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و عرضه داشت: ... این پنج نهر (سیحون، جیحون، دجله، فرات و رود نیل مصر) برای تو و اهل بیت تو و شیعیانت می باشد.

خداوند می فرماید: به عزّت و جلال خودم سوگند! هر کس یک قطره از این پنج نهر بیاشامد، در روز حساب به بهشت نخواهد رفت مگر این که تو از او راضی شوی و او را حلال کنی.

در آن موقع، چهره رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم باز شد و فرمود: برادرم جبرئیل! من بر این نعمت خدا را شکر و سپاس می گویم.

«فقال له جبرئیل علیه السلام: أبشرك يا رسول الله! بالقائم من ولدك، لا يظهر حتى يملك الكفار الخمسة الأنهر، فعند ذلك ينصر الله أهل بيتك على أهل الضلال، ولم ترفع لهم راية أبداً إلى يوم القيامة».

«جبرئیل عرضه داشت: یا رسول الله! تو را به ظهور «قائم» که از فرزندان تو می باشد بشارت می دهم! او ظهور نخواهد کرد تا این که کافران این رودها را به تصرف خود درآورند(۱)، در آن وقت است که خداوند اهل بیت تو را بر گمراهان پیروز گرداند و پس از آن، دیگر هیچ پرچمی از پرچمهای کفر تا روز قیامت برافراشته نخواهد شد».

آنگاه رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم به خاطر شکر این نعمت، برای خدا سجده کرد و ... (۲)

ص: ۹۷

---

۱- ۱۴۱. لازم به تذکر است که رودهای یاد شده چون: دجله، فرات و رود نیل، هم اکنون در دست ایادی استعمار و دست نشانندگان آنهاست و در واقع غربی ها بر این رودها سیطره دارند، و رودهای سیحون و جیحون رسماً در دست کفار است. زیرا این دو رودخانه معروف در «روسیه» قرار دارند، و هر دو از کوه های «تیان شان» سرچشمه می گیرند و پس از سیراب کردن ترکمنستان و ازبکستان در جمهوری قزاقستان به دریاچه «آرال» می ریزند. سیحون را امروز «سیرداریا» و جیحون را «آموداریا» می نامند. (نقل از پاورقی روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۵۸ و ۹۸۵).

۲- ۱۴۲. الملاحم والفتن، ص ۳۶۸، ح ۵۴۰، و صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸، و الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۵، به طور خلاصه، و الكتاب المبين، ج ۲، ص ۱۲۹.

در کتاب «ینابیع المودّه»، از ابن عباس روایت کرده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«إِنَّ عَلِيًّا وَصِيِّي، وَمَنْ وَلَدَهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ الْمَهْدِيَّ، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا، إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لِأَعَزَّ مِنَ الْكَبْرِيتِ الْأَحْمَرِ»<sup>(۱)</sup>.

«علی علیه السلام وصی من است و از فرزندان اوست قائم منتظر، حضرت مهدی علیه السلام که زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد؛ قسم به پروردگاری که به حق مرا بشارت دهنده و بیم دهنده مبعوث نمود! کسانی که در زمان غیبت او بر امامت او ثابت قدم بمانند، از کبریت احمر، کیمیا ترند ...»

باز در «ینابیع المودّه» از علی علیه السلام روایت کرده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصِيِّي، حَرْبُكَ حَرْبِي، وَسَلْمُكَ سَلْمِي، وَأَنْتَ الْإِمَامُ وَأَبُو الْأَثَمَةِ الْإِحْدَى عَشَرَ الَّذِينَ هُمُ الْمُطَهَّرُونَ الْمَعْصُومُونَ، وَمِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، فَوَيْلٌ لِمُبْغِضِيهِمْ»<sup>(۲)</sup>.

«ای علی! تو وصی منی؛ جنگ با تو، جنگ با من است؛ سازش با تو سازش با من است. تو امام و پدر یازده امام هستی که از هر پلیدی پاک و پاکیزه، و از هر خطا و لغزشی مصون و محفوظ هستند. از جمله آنها مهدی علیه السلام است که روی زمین را از عدل و داد پر می کند. پس وای بر دشمنان آنها!»

و در کتاب «بحار الانوار»، از عبدالله بن عمرو بن عاص روایت کرده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«المهدى هو رجل من ولد هذا - وأشار بيده إلى علي بن أبي طالب عليه السلام - به يمحق الله الكذب، ويذهب الزمان الكلب، (و) به يخرج ذل الرق من

ص: ۹۸

۱- ۱۴۳. ینابیع المودّه، ج ۳، باب ۸۷، ص ۱۰۹ و در چاپ دیگر، ص ۴۴۸.

۲- ۱۴۴. همان، ج ۱، باب ۱۶، ص ۲۵۳ و منتخب الاثر، ص ۵۶، ح ۱.

«مهدی (قائم) علیه السلام مردی از فرزندان این است - و با دست مبارک خود به علی علیه السلام اشاره فرمود - خداوند به وسیله او دروغ را محو می کند و سختی روزگار را برطرف می گرداند و طوق بندگی را از گردن های شما بیرون می آورد».

همچنین در کتاب «بحار الانوار»، در حدیثی آمده است که علی علیه السلام فرمود:

«... آگاه باشید، به خدا سوگند که من و این دو پسر، حسن و حسین علیهما السلام، کشته می شویم و خداوند در آخرالزمان و پایان روزگار، مردی از فرزندان مرا بر می انگیزد که خون ما را مطالبه کرده، انتقام ما را بگیرد. او از دیده ها پنهان خواهد شد تا گمراهان شناخته شوند». (۲).

## ۱۲ - مهدی علیه السلام از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام است

در «سنن» ابو داوود از قول اُم سلمه آمده است که گفت: شنیدم که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرمود:

«المهدی من عترتی، من ولد فاطمه علیها السلام» (۳).

«مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

در کتاب «ینابیع المودّه» از قول ابو ایوب انصاری آمده است:

هنگامی که پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم بیمار شد، فاطمه علیها السلام به دیدار او آمد و چون رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم را بدان حال دید، گریه کرد. رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم خطاب به وی فرمود:

«... سوگند به خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست که مهدی این اُمت از ماست و او از نسل تو می باشد». (۴).

در «کنز العمال» آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود:

ص: ۹۹

۱- ۱۴۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۵، ح ۲۹؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

۲- ۱۴۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲، ح ۷، غیبت نعمانی، ص ۱۴۰، ح ۱.

۳- ۱۴۷. سنن ابو داوود، ج ۴، ص ۸۷ و بسیاری دیگر از منابع معتبر حدیث.

۴- ۱۴۸. ینابیع المودّه، ج ۳، باب ۷۳، ص ۲۶۹، و در چاپ دیگر، ص ۴۶۳.

«المهدیّ رجل منّا، من ولد فاطمه».(۱)

«مهدی، مردی از ما و از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

ابن ابی الحدید معتزلی در «شرح نهج البلاغه»، ذیل خطبه ۱۶ می نویسد:

«اکثر محدّثان عقیده دارند که مهدی موعود علیه السلام از نسل فاطمه علیها السلام است».(۲)

و در ذیل خطبه ۹۲ می نویسد:

«... امامیه عقیده دارند که او - یعنی حضرت مهدی علیه السلام - امام دوازدهم آنها است و فرزند کنیزی به نام «نرجس» است. ولی ما معتزله عقیده داریم که او از فرزندان فاطمه علیها السلام است که در آینده تاریخ (آخرالزمان) از کنیزی متولد خواهد شد و اکنون موجود نیست».(۳)

علاوه بر این، احادیث منقوله در کتب اهل سنت، عقیده شیعه را تأیید و تثبیت می نماید؛ زیرا در این احادیث آمده است که حضرت مهدی علیه السلام، دوازدهمین امام و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام و چهارمین فرزند امام رضاعیه السلام و فرزند بلافضل امام حسن عسکری علیه السلام است.

در بسیاری از منابع تاریخی اهل سنت نیز آمده است که حضرت مهدی علیه السلام، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و در سال ۲۵۵ هجری در نیمه شعبان، در شهر «سامرا» از مادری به نام «نرجس» به دنیا آمده است.(۴)

بنابراین، جای هیچ تردید نیست که مهدی علیه السلام متولّد گردیده و هم اکنون موجود و زنده و از نظرها غایب است تا روزی که به اذن خدا ظاهر شود و جهان را از عدل و داد پر نماید.

### ۱۳ - مهدی علیه السلام از فرزندان حسنین علیهما السلام است

در کتاب «فرائد السمطین»، در حدیثی طولانی از قول علی بن علی هلالی از پدرش روایت کرده است که گفت:

در حال احتضار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم محضر آن جناب شرفیاب شدم؛ فاطمه زهرا علیها السلام

ص: ۱۰۰

۱- ۱۴۹. کنز العمّال، ج ۷، ص ۲۶۱.

۲- ۱۵۰. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۸۱، ذیل خطبه ۱۶.

۳- ۱۵۱. همان، ج ۷، ص ۵۹، ذیل خطبه ۹۲.

۴- ۱۵۲. جهت اطلاع بیشتر، به کتاب های: المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۱۸۲، باب ۱۶؛ الامام المهدی علیه السلام، ص ۲۷۹؛ دانشمندان عامّه و مهدی موعود و بخش پنجم همین کتاب مراجعه فرماید.

بالای سر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم نشسته، با صدای بلند گریه می کرد. در این هنگام رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم دیدگان خود را به سوی او دوخت و فرمود:

دخترم! چه چیز تو را به گریه در آورد؟

فرمود: می ترسم پس از تو تباه و نابود گردم.

آنگاه رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم برای تسلای دختر شان، فضایل اهل بیت را ذکر کردند، از آن جمله فرمودند:

«دو سبط این اُمت از ما هستند و آن دو، پسران تو، حسن و حسین علیهما السلام، هستند که سرور جوانان اهل بهشت می باشند و قسم به پروردگاری که مرا به حقّ مبعوث نمود! مهدی این اُمت از نسل این دو تن [حسن و حسین علیهما السلام] خواهد بود».(۱)

در کتاب «ذخائر العقبی» از قول ابو ایوب انصاری آمده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«یولد منهما [الحسن و الحسین علیهما السلام] مهدی هذه الأمة».(۲)

«مهدی این اُمت از این دو تن [حسن و حسین علیهما السلام] به دنیا خواهد آمد».

در کتاب «ینایع الموده»، به نقل از کتاب «جواهر العقیدین» می گوید:

«برکات دعای رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در وقت تزویج فاطمه به علی - رضی الله عنهما - در نسل حسن و حسین علیهما السلام ظاهر شد؛ بعضی از نسل آن دو بزرگوار آمدند و رفتند و بعضی از آنان بعداً می آیند و اگر در بین آیندگان کسی غیر از حضرت مهدی علیه السلام نباشد، برای برکت دعای پیامبر کفایت می کند».(۳)

جهت این که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان حسنین علیهما السلام به شمار آمده است این

ص: ۱۰۱

---

۱- ۱۵۳. این حدیث شریف را عدّه زیادی از علمای اهل سنت و امامیه به صورت مختصر و مفصل نقل کرده اند. برای دستیابی به منابع فراوان آن می توانید به این کتابها مراجعه فرمائید: عقد الدرر، ص ۲۷۵؛ ذخائر العقبی، ص ۱۳۵؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۵؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۸۴؛ ینایع الموده، ج ۳، ص ۹۰ و در چاپ دیگر، ص ۴۳۴، باب ۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸ - ۷۹؛ غایه المرام، ص ۶۹۹؛ بشاره الاسلام، ص ۳۳.

۲- ۱۵۴. ذخائر العقبی، ص ۱۴۶.

۳- ۱۵۵. ینایع الموده، ج ۳، ص ۲۶۱، باب ۷۳، ح ۲.

است که «فاطمه»، مادر امام باقر علیه السلام - همسر امام زین العابدین علیه السلام - دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است، از این رو امام محمد باقر علیه السلام و امامان بعدی حسنی و حسینی هستند و حضرت مهدی علیه السلام نیز، نوه دختری امام حسن مجتبی علیه السلام و نوه پسری امام حسین علیه السلام است.

#### ۱۴ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است

در کتاب «عقد الدرر»، از حذیفه بن یمان روایت کرده است که گفت: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برای ما خطبه خواند و آنچه تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد برای ما بیان نمود، بعد از آن فرمود:

«اگر از عمر دنیا بیشتر از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی می کند تا مردی از فرزندان مرا برانگیزاند که نام او نام من است.

سلمان رضی الله عنه برخاست و گفت: یا رسول الله! از کدام فرزند تو به دنیا خواهد آمد؟

فرمود: از این فرزندم، و دست خود را به حسین علیه السلام زد». (۱)

ابوالقاسم اسماعیل بن عبّاد با سند متصل به حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که علی علیه السلام از مهدی علیه السلام سخن به میان آورد و فرمود:

«مهدی علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام است»

سپس اوصاف او را برشمرد و فرمود:

«او مردی است که پیشانی اش باز و درخشان، بینی اش کشیده و باریک ... و دارای اندامی متناسب است و میان دندانهایش فاصله دارد ...» (۲)

ابن ابی الحدید پس از نقل این حدیث، می نویسد: این حدیث را عبدالله بن قتیبه در کتاب «غریب الحدیث» آورده است.

ص: ۱۰۲

---

۱- ۱۵۶. عقد الدرر، ص ۴۶، باب ۱، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۲۵، و غایه المرام، ص ۶۹۹.

۲- ۱۵۷. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۸۱.

## ۱۵ - مهدی علیه السلام نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است

سلمان فارسی گوید: خدمت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم شرفیاب شدم، دیدم حسین علیه السلام روی زانوی آن حضرت است و پیغمبر خداصلی الله علیه وآله وسلم دیدگان او را می بوسد، و لبهایش را می مکد و می فرماید:

«تو آقایی. تو آقا زاده ای. تو برادر شخص آقایی هستی. تو امامی. پسر امامی و برادر امامی. تو حجّتی. پسر حجّتی. و برادر حجّتی. تو پدر نه نفر حجّتی که نهمی آنها، قائم ایشان است».<sup>(۱)</sup>

در کتاب «کمال الدین» از حضرت زین العابدین علیه السلام و او از پدر بزرگوارش حسین بن علی علیهما السلام روایت کرده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به وی فرمود:

«التاسع من ولدك يا حسين! هو القائم بالحقّ، والمظهر للدين، والباسط للعدل ...»<sup>(۲)</sup>

«ای حسین! نهمین فرزند تو، قائم به حقّ است. او آشکار کننده دین و گستراننده عدل است ...»

در کتاب «ینایع الموده»، از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«بر جدّم رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم وارد شدم؛ آن حضرت مرا روی زانوی خود نشانید و فرمود: ای حسین! خداوند از صلب تو نه امام را اختیار نموده که نهمی آنها قائم ایشان است و منزلت همه، نزد خدا یکسان است».<sup>(۳)</sup>

و در کتاب «کفایه الاثر» از قول عبدالرحمان بن سلیط از حضرت امام حسین علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«دوازده امام از ما هستند؛ اوّل آنها، امیرمؤمنان علی علیه السلام و آخر آنها، نهمین فرزند من است. همو که به حق قیام می کند و خداوند به برکت وجود او، زمین مرده را زنده و آباد می کند و دین حقّ را بر تمام ادیان پیروز می گرداند اگرچه مشرکان کراهت داشته باشند ...»<sup>(۴)</sup>

ص: ۱۰۳

۱- ۱۵۸. ینایع الموده، ج ۳، باب ۹۴، ص ۳۹۴، ح ۴۴؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، فصل ۷، ص ۱۴۶.

۲- ۱۵۹. کمال الدین، صدوق با ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۲۶، باب ۲۷، و عربی باب ۲۵، ص ۳۰۴، ح ۱۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴، اعلام الوری، ص ۴۲۶ و بشاره الاسلام، ص ۵۲.

۳- ۱۶۰. ینایع الموده، ج ۳، باب ۹۴، ص ۳۹۵، ح ۴۵ و در چاپ دیگر ص ۴۹۲.

۴- ۱۶۱. کفایه الاثر، ص ۲۳۲؛ منتخب الاثر، ص ۲۰۵، ح ۴؛ اعلام الوری، ص ۴۰۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷.



## ۱۶ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام است

در کتاب «ینایع المودّه»، از جابر بن عبداللّه انصاری روایت کرده است که گفت: جندل بن جناده بن جبیر یهودی، محضر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: یا محمّد! ... شب گذشته حضرت موسی علیه السلام را در خواب دیدم که فرمود: ای جندل! به دست محمّد، خاتم انبیا، اسلام بیاور و به اوصیایی که بعد از او خواهند بود چنگ بزن.

گفتم: اسلام می آورم، و حمد خدای را که اسلام آوردم و خداوند مرا به وسیله تو هدایت کرد.

سپس گفت: یا رسول الله! از اوصیای خودت به من خبر ده تا به آنها تمسک جویم.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: اوصیای من دوازده نفرند.

گفت: ما نیز در کتاب تورات چنین یافته ایم. یا رسول الله! آنها را برایم نام ببرید.

حضرت فرمود:

«أولهم سيّد الأوصياء أبو الائمه علي، ثمّ ابناه الحسن والحسين فاستمسك بهم ولا يغرنك جهل الجاهلين، فإذا ولد علي بن الحسين زين العابدين يقضى الله عليك ويكون آخر زادك من الدنيا شربه لبن تشربه».

«أول آنها، سيّد اوصيا و پدر امامان، علي است؛ سپس دو پسر او حسن و حسين اند. به آنها تمسک جوی و جهالت جاهلان، تو را فریب ندهد. هنگامی که فرزند حسين، علي، زینت عابدان به دنیا آمد، پایان عمر تو است و آخرین توشه تو از دنیا، شیری خواهد بود که می نوشی».

جندل گفت: ما در تورات و در کتب انبیاءعلیهم السلام یافته ایم که «ایلیا و شبر و شبیر»، اسامی علی، حسن و حسین علیهم السلام است. نام امامان پس از حسین چیست؟ حضرت فرمود:

«إذا انقضت مدّة الحسين فالإمام ابنه علي، ويلقب بزین العابدين، فبعده ابنه محمّد يلقب بالباقر، فبعده ابنه جعفر يدعى بالصادق، فبعده ابنه موسى يدعى بالكاظم، فبعده ابنه علي يدعى بالرضا، فبعده ابنه محمّد يدعى بالتقي والزكي، فبعده ابنه علي يدعى بالنقي والهادي، فبعده ابنه الحسن يدعى بالعسكري، فبعده ابنه محمّد يدعى بالمهدي والقائم والحجّه، فيغيب ثمّ يخرج، فإذا خرج يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً»

«وظلماً...»

«وقتی که مدّت حسین علیه السلام به سر رسید، امام، فرزندش علی خواهد بود که ملقب به زین العابدین است. بعد از او فرزندش محمّد است که ملقب به باقر خواهد بود. بعد از او فرزندش جعفر است، که صادق خوانده می شود. بعد از او فرزندش موسی که کاظم خوانده می شود. بعد از او فرزندش علی که رضا خوانده می شود. بعد از او فرزندش محمّد، که تقی و زکی خوانده می شود. بعد از او فرزندش علی، که نقی و هادی خوانده می شود. بعد از او فرزندش حسن، که عسکری خوانده می شود. بعد از او فرزندش محمّد است که به مهدی، قائم و حجت خوانده می شود. او از دیده ها پنهان می شود و سپس ظاهر می گردد هنگامی که ظهور کند زمین را از عدل و داد پر خواهد نمود همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد...»

سپس فرمود:

«خوشا به حال آنان که در زمان غیبت او صبر کنند و خوشا به حال کسانی که بر محبت آنها ثابت و پابرجا مانند...» (۱)

از این حدیث شریف که حاوی اسامی مبارکه همه معصومین علیهم السلام است، به خوبی ظاهر می شود که مهدی موعود علیه السلام از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام است.

البته روایات در این زمینه از طریق شیعه و سنی فراوان است و منحصر به حدیث یاد شده نیست؛ بلکه مجموع آنها - طبق شمارش برخی از پژوهشگران - ۱۸۵ حدیث است. (۲)

## ۱۷ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام باقر علیه السلام است

در کتاب «ینابیع المودّه»، از جابر بن یزید جعفی نقل کرده است که گفت: از جابر بن عبداللّه انصاری شنیدم که می گفت: رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم به من فرمود:

«ای جابر! اوصیای من و امامان مسلمین بعد از من، اول آنها علی بن ابی طالب

ص: ۱۰۵

---

۱- ۱۶۲. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵، باب ۷۶، ح ۲.

۲- ۱۶۳. منتخب الاثر، ص ۲۱۰.

است. بعد از او حسن و بعد از او حسین، سپس علی بن الحسین و بعد از او محمد بن علی است که معروف به باقر است. ای جابر! تو او را درک خواهی کرد و چون او را دیدی، سلام مرا به او برسان. بعد از او جعفر بن محمد، بعد از او موسی بن جعفر، بعد از او علی بن موسی، بعد از او محمد بن علی، بعد از او علی بن محمد، بعد از او حسن بن علی و بعد از او «قائم» است که نامش نام من و کنیه اش کنیه من است. او همان کسی است که خدا به دست او، شرق و غرب جهان را می گشاید. او همان کسی است که از دوستان خود غایب می شود...» (۱)

## ۱۸ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام صادق علیه السلام است

در کتاب «ینایع الموده» از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

«خلف صالح از فرزندان من است و او همان مهدی است.» (۲)

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «کمال الدین» روایت کرده است که حبان سراج گوید: از سید اسماعیل بن محمد حمیری شنیدم که می گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! برای ما اخباری از پدران علیهم السلام درباره غیبت رسیده و به صحت پیوسته است. بفرمایید کدام امام غایب می شود؟

حضرت فرمود:

ششمین فرزند من که دوازدهمین امام هدایتگر پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است؛ غایب می شود (۳)

باز در کتاب «کمال الدین»، از عبدالله بن ابی یعفر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«هر کس به امامت پدرانم و فرزندانم اعتراف کند و امامت فرزندانم «مهدی» را منکر شود مانند کسی است که به همه پیغمبران عقیده داشته باشد و نبوت

ص: ۱۰۶

۱- ۱۶۴. ینایع الموده، ج ۳، ص ۳۹۸ و ۳۹۹، آخر باب ۹۴، ح ۵۴.

۲- ۱۶۵. همان، ج ۳، ص ۳۹۲، باب ۹۴، ح ۳۷؛ غایه المرام، ص ۷۰۱.

۳- ۱۶۶. کمال الدین صدوق، با ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۱۱۲، و عربی ص ۳۳.

حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم را انکار نماید.

عرض کردم: ای آقای من! مهدی، کدام یک از فرزندان شماست؟

فرمود: پنجمین نفر از فرزندان امام هفتم (موسی بن جعفر) است که شخص او از شما پنهان می شود و نام بردنش برایتان جایز نیست» (۱).

## ۱۹ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام کاظم علیه السلام است

در کتاب «فرائد السمطین» و «ینابیع المودّه» از ابن عیّاس نقل شده که گفت: شخصی یهودی به نام «نعل» محضر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: یا محمد! من از تو چیزهایی می پرسم که مدّتی است ذهن مرا به خود مشغول کرده است. اگر جواب قانع کننده ای دادی به دست تو مسلمان خواهم شد.

حضرت فرمود: پرس ای ابا عماره!

نعل پس از پرسش از صفات خدا و جواب آن حضرت، گفت: به من خبر ده که وصی و جانشین تو کیست؟ که هیچ پیامبری نیست مگر آن که وصی و جانشینی دارد و پیامبر ما موسی بن عمران به یوشع بن نون وصیت کرد و او را جانشین خود قرار داد.

حضرت فرمود:

«نعم، إنّ وصیّی و الخلیفه من بعدی علی بن ابی طالب، وبعده سبطای الحسن، ثمّ الحسین یتلوه تسعه من صلب الحسین ائمه أبرار.

قال: یا محمد! فسّمهم لی؟

قال: نعم، إذا مضی الحسین فابنه علی، فإذا مضی علی فابنه محمد، فإذا مضی محمد فابنه جعفر، فإذا مضی جعفر فابنه موسی، فإذا مضی موسی فابنه علی، فإذا مضی علی فابنه محمد، ثمّ ابنه علی، ثمّ ابنه الحسن، ثمّ الحجّه بن الحسن، فهذه اثنا عشر ائمه عدد نقباء بنی اسرائیل».

آری! وصی و جانشین من علی بن ابی طالب است؛ پس از او دو نوه من، حسن و حسین؛ سپس نه امام پاک سرشت از نسل حسین جانشین من خواهند بود.

ص: ۱۰۷

گفت: یا محمد! نام آنها را بگو.

فرمود: چون حسین از دنیا برود، فرزندش علی بن الحسین امام است؛ وقتی علی از دنیا رود پسرش محمد و چون محمد (باقر) از دنیا برود، پسرش جعفر (صادق) و چون جعفر از دنیا درگذرد پسرش موسی و هنگامی که موسی وفات کند، پسرش علی (رضا) و وقتی علی رحلت نمود پسرش محمد و چون محمد از دنیا برود پسرش علی و پس از او پسرش حسن و سپس حجت بن الحسن، یکی پس از دیگری امام خواهند بود؛ اینها دوازده نفر به عدد نقبای بنی اسرائیل هستند».

نعثل گفت: جای آنها در بهشت کجاست؟

فرمود: در رتبه من هستند.

نعثل گفت: «اشهد أن لا إله إلا الله وأنتك رسول الله وأشهد أنهم الأوصياء من بعدك».

من در کتاب های گذشته همینطور یافته ام و در عهد و وصیت موسی بن عمران آمده است که:

چون آخر الزمان شود پیامبری به نام «احمد» مبعوث می شود. او خاتم پیامبران است و پس از او پیامبری نخواهد آمد و از صلب او، امامان ابرار به عدد اسباط به دنیا می آیند. (۱)

حضرت فرمود: ای ابا عماره! آیا اسباط را می شناسی؟

گفت: آری یا رسول الله! آنها دوازده نفر بودند؛ اولشان «لاوی بن برخیا» بود که مدتی طولانی از بنی اسرائیل غایب شد و بعد ظاهر گردید و خداوند به وسیله او شریعت را پس از کهنه شدن و محو شدن، آشکار کرد و او با «قرسطیای» پادشاه جنگید و او را کشت.

ص: ۱۰۸

---

۱-۱۶۸. در کتاب ینابیع الموده عبارت فوق چنین آمده است: «و اوصیای او بعد از او دوازده نفر خواهند بود»، و این عبارت صحیح تر است، زیرا که علی علیه السلام از صلب آن حضرت نیست، مگر این که گفته شود: جمله مذکور از باب تغلیب است، چنان که در بعضی از روایات «اثنا عشر من ولدی»؛ «آنها دوازده نفر از فرزندان من هستند»، آمده است.

حضرت فرمود: آنچه در بنی اسرائیل اتفاق افتاد، در اُمت من نیز اتفاق می افتد؛ دوازدهمین نفر از نسل من غایب خواهد شد و بر اُمت من، زمانی خواهد آمد که از اسلام جز نامی و از قرآن جز نوشته ای باقی نمی ماند. در آن وقت، خداوند به او اجازه خروج می دهد و او اسلام را آشکار و دین را تجدید می نماید.

سپس فرمود: خوشا به حال کسی که آنها را دوست بدارد! وای به حال کسی که آنها را دشمن بدارد! خوشا به حال کسی که به آنها تمسک جوید و دنباله رو آنها باشد!

نعثل پس از شنیدن این سخنان، بپاخاست و اشعاری چند در مدح پیامبر وائمه علیهم السلام سرود ...» (۱)

این حدیث مبارک، نمایانگر این واقعیت است که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام و پنجمین فرزند آن حضرت است.

در کتاب «غیبت» شیخ طوسی، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت در ضمن حدیث مفصّلی فرمود:

«صاحب ما ظهور می نماید و او از صلب این است - و با دست خود اشاره به موسی بن جعفر علیهما السلام نمود - آنگاه فرمود: زمین را از عدل پر می کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد و دنیا برای او هموار می گردد.» (۲)

و در کتاب «کمال الدین»، از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است که گفت: حضور حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! قائم به حقّ شما هستید؟ فرمود:

من قائم به حقّ هستم، ولی آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می گرداند و آن را از عدل و داد پر می نماید، فرزند پنجمی من است که برای حفظ جانش مدّتی طولانی از انظار غایب می شود و در آن مدّت، مردم بسیاری از دین بر می گردند و عدّه ای ثابت قدم می مانند.

سپس فرمود: خوشا به حال شیعیان ما که در دوران غیبت قائم ما، به دوستی ما چنگ می زنند و در ولایت ما ثابت و استوار می مانند و از دشمنان ما بیزاری

ص: ۱۰۹

۱- ۱۶۹. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۳؛ ینابیع المودّه، ج ۳، باب ۷۶، ص ۲۸۱، ح ۱.

۲- ۱۷۰. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸.

می جویند! آنان از ما هستند و ما از آنها هستیم. آنها ما را به امامت پذیرفته اند و ما آنها را به عنوان «شیعه» پسندیده ایم. خوشا به حال آنها، بازهم خوشا به حال آنها! به خدا سوگند! که آنها در روز قیامت، در رتبه ما هستند» (۱).

## ۲۰ - مهدی علیه السلام از فرزندان امام رضاعلیه السلام است

در کتاب «فرائد السمطین» از دعبل بن علی خزاعی - شاعر اهل بیت - روایت شده است که گفت:

قصیده معروف خود را که اول آن «مدارس آیات خلت من تلاوه ...» است برای مولایم امام رضاعلیه السلام خواندم؛ هنگامی که به این دو بیت رسیدم:

خروج إمام لا محاله واقع

يقوم علی اسم الله والبركات

یَمیزُ فینا کلَّ حقّ و باطل

ویجزی علی النعماء والنقمات

آن حضرت گریه شدیدی کرد، سپس رو به من کرده، فرمود:

«ای دعبل! روح القدس این دو بیت را به زبان تو جاری کرده است. آیا این امام را که خروج می کند، می شناسی؟»

گفتم: نه، مولای من؛ همین قدر شنیده ام که امامی از شما اهل بیت قیام خواهد کرد تا زمین را از ظلم و فساد پاک کند و از عدل و داد پر گرداند.

فرمود:

«ای دعبل! امام بعد از من، پسر محمد و بعد از محمد، پسرش علی و بعد از علی، پسرش حسن است و بعد از حسن پسرش حجّت قائم است که در دوران غیبتش، چشم به راهش باشند و در زمان ظهورش، اطاعتش نمایند. اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نماند خداوند آن روز را به حدی طولانی می سازد تا او ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پر نماید چنان که از ظلم و جور پر شده باشد ...» (۲)

ص: ۱۱۰

---

۱- ۱۷۱. کمال الدین، صدوق، با ترجمه فارسی، ج ۲، ص ۳۰، ح ۵، و عربی ص ۳۶۱، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵؛ کفایه الاثر، ص ۲۶۵؛ منتخب الاثر، ص ۲۱۹، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶.

۲- ۱۷۲. فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۷.

در کتاب «فرائد السمطين» نقل شده است که از امام رضا عليه السلام سؤال شد که کدام يك از شما اهل بيت، «قائم» است؟  
آن حضرت فرمود:

«قائم» چهارمين فرزند من است. او پسر بانوي کنيزان است و خداوند به دست او، زمين را از هرگونه ظلم و ستم پاک و پاکيزه مي گرداند ...» (۱)

## ۲۱ - مهدي عليه السلام از فرزندان امام جواد عليه السلام است

حضرت جواد عليه السلام به عبد العظيم حسني فرمود:

«ای ابو القاسم! قائم ما اهل بيت، همان «مهدي» موعودی است که همه بايد در زمان غيبت او منتظرش باشند، و در زمان ظهورش، از او فرمان برداری نمايند.

او فرزند سومي من است ...» (۲)

## ۲۲ - مهدي عليه السلام از فرزندان امام هادي عليه السلام است

در کتاب «كمال الدين»، از صقر بن ابي دلف روايت کرده است که گفت: از حضرت ابوجعفر، محمد بن علي (امام جواد عليه السلام) شنيدم که می فرمود:

امام بعد از من، پسر من علی است؛ فرمان او فرمان من و گفتار او گفتار من و اطاعت او اطاعت من است. سپس خاموش شد.

من عرض کردم: ای پسر رسول خدا! امام بعد از علی عليه السلام کیست؟

فرمود: امام بعد از او فرزندش حسن است.

عرض کردم: ای پسر پیامبر! امام بعد از حسن عليه السلام کیست؟

آن حضرت به سختی گریست و فرمود: بعد از حسن، پسرش، قائم به حق و منتظر، امام است.

عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چرا او را «قائم» می گویند؟

ص: ۱۱۱

۱- ۱۷۳. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲- ۱۷۴. كمال الدين، ص ۳۷۷؛ كفايه الاثر، ص ۲۷۷.



فرمود: زیرا پس از آن که از یادها رفته باشد و بیشتر معتقدان به امامتش از عقیده خود برگشته باشند، قیام می کند.

عرض کردم: چرا او را «منتظر» می نامند؟

فرمود:

«زیرا غیبتی طولانی خواهد داشت که مخلصان، ظهورش را انتظار برند و بیمار دلان، منکر او گردند معاندان، یاد او را مسخره کنند کسانی که وقت ظهور او را تعیین کنند دروغ بگویند و شتاب کنندگان در امر ظهور او، هلاک گردند و آنهایی که تسلیم امر خدا هستند نجات یابند»<sup>(۱)</sup>.

و نیز در کتاب «اعلام الوری» از مفضل بن عمر روایت کرده است که گفت:

محضر مقدّس مولایم امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: ای مولای من! چه می شد اگر جانشین خودتان را به ما معرفی می فرمودید؟

فرمود: ای مفضل! امام بعد از من «موسی» است؛ اما جانشینی که چشم به راهش باشند و آرزویش کشند، «م ح م د» فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی بن موسی الرضا علیهم السلام است»<sup>(۲)</sup>.

در کتاب «کفایه الاثر»، از مسعده روایت کرده است که گفت:

محضر امام صادق علیه السلام بودم که ناگاه پیر مردی قد خمیده بر آن حضرت وارد شد و در حالی که بر عصای خود تکیه داشت، سلام کرد. امام علیه السلام جواب سلام او را داد.

سپس گفت: ای پسر رسول خدا! دستت را بده تا ببوسم.

آن حضرت دستش را به او داد و پیر مرد دست حضرتش را بوسید و گریه کرد.

امام علیه السلام فرمود: ای پیر مرد! چه چیز تو را به گریه در آورد؟

جواب داد: جانم به فدایت! سالهاست که در انتظار قائم شما بسر می برم؛ با خود می گویم این ماه می آید و این سال ظاهر می شود. و اینک سنم زیاد شده و استخوانم

ص: ۱۱۲

۱- ۱۷۵. کمال الدین (عربی)، ج ۲، ص ۳۷۸، باب ۳۶، ح ۳؛ کفایه الاثر، ص ۲۷۹؛ منتخب الاثر، ص ۲۲۳، ح ۲؛ اعلام الوری، ص ۴۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵.

۲- ۱۷۶. اعلام الوری، ص ۴۲۹؛ و کمال الدین صدوق با ترجمه فارسی، ج ۲، ص ۳، ح ۴. و عربی، ج ۲، ص ۳۳۴، باب ۳۳،



پوسیده و اجلم نزدیک گردیده و به آنچه دوست دارم نرسیده ام، و می بینم که شما کشته می شوید، آواره و در به در می گردید در حالی که دشمنان شما در کمال سرور و شادمانی زندگی می کنند! پس چرا گریه نکنم؟!

در این هنگام دیدگان امام صادق علیه السلام پر از اشک گردید، آنگاه فرمود:

ای پیر مرد! اگر خداوند تو را حیات بخشید تا قائم ما را ببینی، با ما خواهی بود؛ و اگر اجل تو فرا رسد در روز رستاخیز با ذخیره گرانهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهی آمد و آن ذخیره گرانها ما هستیم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «من در میان شما دو چیز نفیس می گذارم که اگر به آن دو تمسک جویند هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی کتاب خدای عزوجل و دیگری عترت و اهل بیت» (۱).

پیر مرد گفت: پس از شنیدن این خبر دیگر مرا باکی نیست.

آنگاه امام صادق علیه السلام به او فرمود:

ای شیخ! بدان که قائم ما اهل بیت از صلب حسن (عسکری) است و حسن از صلب علی (هادی) است و علی از صلب محمد (جواد) است و محمد از صلب علی (رضا) است و علی از صلب این فرزند من است - و با دست خود به موسای کاظم علیه السلام اشاره نمود - و فرمود: این نیز از صلب من است. ما دوازده امام، معصوم و از گناه و آلودگی پاک و پاکیزه ایم.

بعد از آن فرمود:

«ای پیر مرد! به خدا سوگند! اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به حدی طولانی می کند تا قائم ما اهل بیت خروج نماید» (۲).

آگاه باش که شیعیان ما در دوران غیبت او دچار فتنه و سرگردانی خواهند گردید و در آن موقع، خداوند هدایت یافتگان مخلص را بر اعتقاد به او ثابت و استوار نگه خواهد

ص: ۱۱۳

---

۱- ۱۷۷. این حدیث از احادیث مشهور و متواتری است که مورد قبول شیعه و سنی است، و در همه منابع معتبر طرفین نقل شده، و از طریق شیعه و سنی اسناد فراوان دارد. برای دیدن آن اسناد به کتاب پیر ارج الغدیر، عباقات الانوار، مراجعات مرحوم شرف الدین و سایر کتب حدیث مراجعه فرمایید.

۲- ۱۷۸. این حدیث نیز از احادیث بسیار معروف و مشهوری است که با الفاظ و عبارات مختلف و گوناگون در معتبرترین منابع تاریخی و حدیثی شیعه و سنی نقل شده و مورد قبول همگان است.

داشت. خداوندا! آنها را بر این امر یاری فرما». (۱)

اکثر احادیث گذشته نیز دلالت دارند که حضرت مهدی منتظر ( ) از فرزندان امام علی النقی هادی بالا است. و حضرت آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی نیز در کتاب ارزشمند منتخب الاثر» به این موضوع اشاره نموده که حضرت مهدی بل از فرزندان امام دهم علی بن محمد هادی ع است، و احادیثی که از آنها این مطلب استفاده می شود ۹۰ حدیث است که از جمله آنها حدیث مذکور می باشد و به بقیه احادیث به نحو اجمال اشاره نموده اند. (۲)

### ۲۳ - مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است

موفق بن احمد خوارزمی حنفی - که اهل سنت او را صدر الأئمه خوانده اند - در کتاب «مقتل الحسین علیه السلام» از ابی سلمی - شتربان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم - روایت کرده است که گفت: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود:

«شبی که مرا به آسمانها سیر دادند، خداوند عزیز - جل ثناؤه - فرمود: پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش به او فرو فرستاده شد، ایمان آورد.

من گفتم: و مؤمنان (نیز ایمان آوردند).

خدای متعال فرمود: راست گفتی ای محمد! چه کسی را به جانشینی خود در میان امت گذاشتی؟

گفتم: بهترین آنها را.

خطاب رسید: علی بن ابی طالب را؟

گفتم: آری پروردگارا!

فرمود: ای محمد! من نظری به زمین افکندم و از میان اهل زمین تو را برگزیدم و نامی از نام های خود برای تو برگرفتم؛ پس من در جایی یاد نمی شوم مگر آن که تو هم با من یاد شوی، من محمودم و تویی محمد. بار دیگر نظری به زمین افکندم و «علی» را برگزیدم و نامی از نامهای خود را برای او برگرفتم؛ پس من

اعلا هستم و او علی است.

ای محمّد! من تو را و علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان حسین را از نور خود آفریدم و ولایت شما را بر اهل آسمانها و زمین ها عرضه داشتم، هر که آن را پذیرفت در نزد من از مؤمنان است و هر که نپذیرفت در نزد من از کافران است.

ای محمّد! اگر بنده ای از بندگان من، مرا آن قدر عبادت کند تا از پای در افتد و یا بدنش مانند مشکی خشکیده گردد، سپس در حالی که منکر ولایت شماست نزد من آید، او را نمی آمرزم مگر آن که اقرار به ولایت شما نماید.

ای محمّد! آیا دوست داری که آنها را ببینی؟

گفتم: آری پروردگارا!

فرمود: به طرف راست عرش توجه نما.

چون به طرف راست عرش خدا نگریستم، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن حسین، محمّد بن علی، جعفر بن محمّد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمّد بن علی، علی بن محمّد، حسن بن علی و مهدی علیهم السلام را دیدم که هاله ای از نور آنها را احاطه کرده است و آنها ایستاده، نماز می خوانند و او - یعنی حضرت مهدی علیه السلام - در وسط آنها مانند ستاره درخشان بود.

پس خداوند فرمود: ای محمّد! اینها حجتهای من هستند و مهدی انتقام گیرنده عترت تو است. به عزّت و جلال خودم سوگند! او حجّتی است که ولایتش بر اولیای من واجب است و اوست که از دشمنان من انتقام خواهد گرفت» (۱).

آری خواننده گرامی! مهدی موعود منتظرعلیه السلام فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام است و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نیز در ضمن حدیث مفصّلی که شیخ الاسلام حموینی شافعی و گروهی از علمای امامیه آن را نقل کرده اند، نسب شریف او را به طور صریح و روشن این گونه بیان فرموده است:

ص: ۱۱۵

خداوند تبارک و تعالی در صلب امام حسن (عسکری علیه السلام) نطفه ای مبارک، میمون، پاک و پاکیزه قرار داده که هر مؤمنی که خداوند از او پیمان ولایت اهل بیت علیهم السلام گرفته، از او خشنود می شود و هر کس که درباره او تردید داشته و منکر وجودش گردد از او روی می گرداند.

او امامی پارسا، پاکیزه، هادی و مهدی است که مورد پسند درگاه خداوند است. آغاز و انجامش عدالت است؛ به عدالت حکومت می کند و به عدالت فرمان می دهد، او خدای تعالی را تصدیق می کند و خداوند هم او را در فرمانی که صادر می کند تصدیق می نماید... همراه او صحیفه و نوشته مهر شده ای هست که شماره اصحاب و کلیه خصوصیات و ویژگی های یارانش، با اسم، نسب، شهر، شغل، زبان و القاب در آن نوشته شده است...» (۱)

## ۲۴ - مهدی علیه السلام از ذوی القربی است

در کتاب «ینایع المودّه»، از بخاری و مسلم روایت کرده که ابن عباس درباره تفسیر این آیه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۲) از سعید بن جبیر پرسش نمود؟

سعید بن جبیر گفت: منظور از «ذوی القربی» آل محمد علیهم السلام است. (۳)

همچنین در همان کتاب، از احمد حنبل - در کتاب مسندش - از سعید بن جبیر، از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

«موقعی که آیه «ذوی القربی» نازل شد، گفتند: یا رسول الله! آنان که خداوند ما را به دوست داشتن ایشان مأمور کرده کیانند؟

فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام. (۴)

ابن حجر هیثمی مکی نیز در کتاب «الصواعق المحرقة» و برخی دیگر از مفسران و

ص: ۱۱۶

---

۱- ۱۸۲. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۵۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰ و ج ۳۶، ص ۲۰۷؛ اعلام الوری، ص ۳۸۱؛ منتخب الاثر، ص ۱۳۱؛ بشاره الاسلام، ص ۸.

۲- ۱۸۳. سوره شوری، آیه ۲۳ (بگو - ای پیامبر! - من در برابر رسالتم هیچ مزدی از شما نمی خواهم، جز این که خویشاوندانم را دوست بدارید).

۳- ۱۸۴. ینایع المودّه، ج ۱، ص ۳۱۵، باب ۳۲، ح ۲.

۴- ۱۸۵. همان، ح ۱ و در چاپ دیگر، ص ۱۲۳، ط ۷.

محدّثان در حدیثی آورده اند که:

هنگامی که حضرت سجاد را به اسارت شام آوردند و بر دروازه دمشق نگه داشتند، مردی از اهل شام گفت: شکر خدای را که شما را کشت و ریشه کن ساخت. حضرتش خطاب به او فرمود: «آیا قرآن خوانده ای؟»  
گفت: آری.

فرمود: این آیه را نخوانده ای که می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؟»

مرد شامی گفت: آیا شما همانها هستید؟

فرمود: آری. (۱)

از آنجا که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهم السلام می باشد، داخل در خویشان نزدیک پیامبر است و این آیه، آن حضرت را شامل می شود.

## ۲۵ - مهدی علیه السلام از ذریه پیامبر است

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ ذُرِّيَّهَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.» (۲)

«خداوند ذریه هر پیغمبری را در صلب خودش قرار داد ولی ذریه مرا در صلب علی بن ابی طالب قرار داده است.»

در کتاب «تحف العقول» در ضمن یک خبر طولانی چنین آمده است:

«هارون به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام گفت: چرا شما به علی علیه السلام که پدر شماست نسبت داده نمی شوید و به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که جدّ مادری شماست نسبت داده می شوید در حالی که فرزند به پدرش نسبت داده می شود؟»

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

ص: ۱۱۷

۱- ۱۸۶. الصواعق المحرقة، ص ۱۷۰، تفسیر درالمنثور، ج ۶، ص ۷ و تفسیر طبری، جزء ۲۵، ص ۲۵.

۲- ۱۸۷. ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۹۰، باب ۵۶، ح ۱۹۱؛ صواعق المحرقة، ص ۱۵۶، و مناقب خوارزمی، فصل ۱۹، ص ۳۲۸، ح

خدای تعالی حضرت عیسی بن مریم علیه السلام را به واسطه مادرش به حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت داده چنان که در قرآن آمده است:

«وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ» (۱)

«و از نسل او (ابراهیم) داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این گونه، نیکو کاران را پادشاه می دهیم. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند».

ما نیز به واسطه مادرمان، فاطمه به رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم نسبت داده می شویم. (۲)

این دو حدیث شریف، در کمال صراحت دلالت دارد بر این که اولاد علی علیه السلام که از فرزندان فاطمه علیها السلام بودند، ذریه رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم محسوب می شوند. پس مهدی منتظر که از آل محمّد و ذوی القربی و از فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام است، جزو ذریه پیامبر می باشد.

ص: ۱۱۸

---

۱- ۱۸۸. سوره انعام، آیه ۸۴ و ۸۵.

۲- ۱۸۹. تحف العقول، ص ۴۷۳، با ترجمه فارسی، البته ناگفته نماند که حدیث مزبور در بسیاری از منابع معتبر شیعه به صورت مختصر و مفصّل آمده است، از جمله: در کتاب عیون الاخبار، ج ۱، ص ۸۱، احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۱۶۱، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۲۵ و نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۴۳.



## بخش چهارم: اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحت احادیث مهدی علیه السلام

### اشاره

شامل:

۱- یک سند تاریخی مدرک زنده

۲- توضیح مختصری پیرامون بیانیه علمای حجاز

۳- مخالفان وجود حضرت مهدی علیه السلام چه می گویند؟

ص: ۱۱۹



علمای اهل سنت، فقط به نقل روایات راجع به حضرت مهدی علیه السلام در صحاح خود و دیگر کتب معتبر دیگر اکتفا نکرده اند، بلکه گروه زیادی از شخصیت های برجسته ایشان اعتراف کرده اند که این احادیث، «مشهور» یا «متواتر» است.

اینک برای مزید اطلاع، نمونه هایی از اعتراف برخی از این دانشمندان را در این جا نقل می کنیم:

## ۱ - محمد شبلنجی

دانشمند معروف مصری، در کتاب «نور الابصار» چنین می نویسد:

«تواترت الأخبار عن النبى صلى الله عليه وآله وسلم على أنّ المهدي من أهل بيته وأنه يملأ الأرض عدلاً» (۱).

«اخبار متواتری از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم رسیده است که مهدی علیه السلام از خاندان اوست و زمین را از عدل پر می کند».

## ۲ - شیخ محمد صبان

در کتاب «اسعاف الراغبین» چنین می گوید:

وقد تواترت الأخبار عن النبى صلى الله عليه وآله وسلم بخروجه، وأنه من أهل بيته، وأنه يملأ الأرض عدلاً، وأنه يساعد عيسى عليه السلام على قتل الدجال باب لد بأرض فلسطين، وأنه يؤم هذه الأمة ويصلي عيسى خلفه» (۲).

«اخبار متواتری از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده است که مهدی علیه السلام قیام خواهد کرد و این که او از خاندان پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم است و زمین را پر از عدل می کند و حضرت عیسی علیه السلام را بر کشتن دجال در سرزمین فلسطین دم دروازه «لد» یاری می دهد و بر این اُمت امامت

ص: ۱۲۱

---

۱- ۱۹۰. نور الابصار، ص ۱۸۹.

۲- ۱۹۱. اسعاف الراغبین، حاشیه نور الابصار، ص ۱۵۲.

می کند و حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می گزارد.

### ۳- ابن حجر عسقلانی

در کتاب «فتح الباری» درباره اخبار و احادیث راجع به حضرت مهدی علیه السلام می گوید:

«اخبار به تواتر رسیده است که مهدی علیه السلام از این اُمت است، و عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند» (۱)

### ۴- ابن حجر هیثمی مکی

در کتاب «الصواعق المحرقة» از ابوالحسن آبری، چنین نقل می کند:

«قد تواترت الأخبار و استفاضت بكثره رواتها عن المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم بخروجه و أنه من أهل بيته و أنه يملأ الأرض عدلاً» (۲)

«اخبار متواتری از پیامبر اکرم نقل شده است که «مهدی» ظهور خواهد کرد و اینکه او از اهل بیت پیامبر است و زمین را از عدل و داد پر خواهد نمود».

### ۵- ابو الطیب سید محمد صدیق حسینی بخاری قنوجی هندی

در کتاب «الاذاعه لما كان و ما يكون بين يدي الساعة»، چنین می نویسد:

«... برخی از احادیث حضرت مهدی علیه السلام صحیح، برخی حسن و برخی ضعیف است و جریان ظهور حضرت مهدی علیه السلام بین تمام مسلمانان مشهور و در طول تاریخ اسلام شهرت یافته است که ناگزیر باید در آخر الزمان مردی از اهل بیت پیامبر ظهور کند و دین را تأیید بخشد و عدل و داد را ظاهر نماید و همه مسلمانان از او پیروی نمایند و بر تمام ممالک اسلامی مستولی گردد و او «مهدی» نامیده می شود و پس از ظهور او، «دجال» خروج می نماید و طبق روایات وارده خروج دجال از علایم قیامت است و حضرت عیسی علیه السلام بعد از ظهور او از آسمان فرود می آید و در مورد قتل دجال به او کمک می کند - یا این که همراه او نازل می شود و او را در کشتن دجال یاری می دهد - و به هنگام ادای نماز صبح به او اقتدا می نماید و پشت سر آن حضرت نماز می گزارد... و روایات مربوط به دجال و حضرت عیسی علیه السلام به حدّ تواتر رسیده است» (۳)

ص: ۱۲۲

۱- ۱۹۲. فتح الباری، ج ۷، ص ۱۶۹، کتاب احادیث الانبیاء، باب نزول عیسی علیه السلام.

۲- ۱۹۳. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۸۰.

٣-١٩٤. الاذاعه لما كان و يكون بين يدى الساعه، ص ٥٣ و ص ١٢٦.

از دانشمندان معروف جامع «الانزهر» مصر و نویسنده کتاب «التاج الجامع للأصول» که در این کتاب معروف خود، احادیث قابل اطمینان کتب حدیث اهل سنت را جمع آوری نموده است، و شش نفر از علمای برجسته مصر بر آن تقریظ نوشته اند، و آن را با شرحی به نام «غایه المأمول» به منظور بیان و توضیح احادیث آن توأم نموده اند. او در جلد پنجم یعنی در «کتاب الفتن و علامات الساعة» چنین می نویسد:

«الباب السابع فی الخلیفه المهدی - رضی الله عنه - اشتهر بین العلماء - سلفاً وخلفاً - أنه فی آخر الزمان لابد من ظهور رجل من أهل البيت یسمی «المهدی» یتولی علی الممالک الإسلامیه، یتبعه المسلمون، و یعدل بینهم، ویؤید الدین ...»

و قد روی أحادیث المهدی جماعه من خیار الصحابه، وخزجها أكابر المحدّثین كأبی داوود والترمذی وابن ماجه و الطبرانی وأبی یعلی والبزاز والإمام أحمد والحاكم - رضی الله عنهم أجمعین - ولقد أخطأ من ضَعَف أحادیث المهدی کلّها کابن خلدون وغیره ...»

«در میان دانشمندان امروز و گذشته اهل تسنن، مشهور است که سرانجام باید در آخر الزمان مردی از اهل بیت پیامبر به نام «مهدی علیه السلام» ظهور کند. او بر کشورهای اسلامی مسلط شود و مسلمانان نیز از او پیروی کنند و مهدی علیه السلام در میان آنان به عدالت رفتار کند و دین اسلام را تأیید بخشد.

احادیث راجع به مهدی علیه السلام را گروهی از برگزیدگان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند و محدّثان بزرگ مانند: ابی داوود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابو یعلی، بزاز، امام احمد حنبل و حاکم نیشابوری، در کتب خود آورده اند.

کسانی که تمام احادیث مهدی علیه السلام را ضعیف شمرده اند مانند «ابن خلدون» و دیگران، راه خطا پیموده اند و این حدیث که «ابن خلدون» نقل کرده است که «مهدی، همان عیسی بن مریم است» ضعیف است چنان که بیهقی و حاکم نیشابوری و غیر اینان به این معنا تصریح کرده اند.

منصور علی ناصف پس از اشاره به کتاب «شوکانی»، عالم معروف اهل سنت، که درباره تواتر احادیث مربوط به «مهدی علیه السلام» و خروج دجال و بازگشت حضرت عیسی

است، چنین می گوید:

«هذا يكفى لمن كان عنده ذرّه من إيمان وقليل من انصاف» (۱)

«آنچه گفته شد برای کسانی که ذره ای ایمان و اندکی انصاف داشته باشند، کفایت می کند».

## ۷- احمد زینی دحلان

دانشمند معروف حجاز و مفتی بزرگ مکه، در کتاب «الفتوحات الاسلامیه» چنین می نویسد:

«احادیثی که در آن از «مهدی» سخن رفته است بسیار زیاد و «متواتر» است و البته در میان آن همه احادیث صحیح، روایات ضعیف هم زیاد است؛ ولی به واسطه کثرت این احادیث و فزونی روایان آنها و محدّثان فراوانی که این روایات را در کتب خود آورده اند، جمعاً مفید قطع و یقین است».

سپس این دانشمند می نویسد:

«محمّد بن عبدالرسول برزنجی، در آخر کتاب «الاشاعه فی اشراط الساعه» یاد آور شده است که اخبار مهدی موعود علیه السلام متواتر می باشد و امری مسلم است».

از این احادیث به یقین باید دانست که «مهدی» از فرزندان فاطمه علیها السلام است و زمین را از عدل و داد پر می کند» (۲).

ص: ۱۲۴

---

۱- ۱۹۵. به کتاب «التاج، الجامع للاصول» ج ۵، ص ۳۴۱ و ۳۶۰ مراجعه فرمایید.

۲- ۱۹۶. الفتوحات الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۹۹ - ۳۰۰.

نیز که از تندرو ترین گروه های اسلامی اهل تسنن به شمار می روند، مسأله «مهدویت» و تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را پذیرفته اند و با سایر فرقی مسلمین اتفاق نظر دارند و به طور جدی از آن دفاع می کنند و آن را از عقاید قطعی و مسلم اسلامی می دانند.

#### ۱ - یک سند تاریخی و مدرک زنده

هم اکنون به منظور تأیید این گفتار، بیانیه مهمی را می آوریم که از طرف رابطه العالم الاسلامی، مرکز مهم دینی وهابیها، در پاسخ سؤال یک نفر مسلمان از اهالی «کنیا» صادر شده است.



«جواباً عما يسأل عنه المسلم الكيني، في شأن المهدي المنتظر، عن موعد ظهوره، و عن المكان الذي يظهر منه و عن ما يطمئنه عن المهدي عليه السلام:

هو: محمد بن عبدالله، الحسنی العلوی الفاطمی المهدي الموعود المنتظر. موعد خروجه في آخر الزمان، و هو من علامات الساعة الكبرى، يخرج من المغرب ويبيع له في الحجاز في مكة المكرمة بين الركن والمقام، بين باب الكعبة المشرفة والحجر الأسود عند الملتزم.

ويظهر عند فساد الزمان وانتشار الكفر وظلم الناس، يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً. يحكم العالم كله و تخضع له الرقاب بالاقناع تاره و بالحرب أخرى. و سيملك الأرض سبع سنين، و ينزل عيسى عليه السلام من بعده فيقتل الدجال، أو ينزل معه فيساعده على قتله بباب لُد بأرض فلسطين. و هو آخر الخلفاء الراشدين الاثني عشر الذين أخبر عنهم النبي - صلوات الله وسلامه عليه - في الصحاح. و احاديث المهدي و ارده عن الكثير من الصحابه يرفعونها الى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و

...

وقد نصّ على أنّ أحاديث المهدي، أنّها متواتره، جمع من الأعلام قديماً و حديثاً، منهم السخاوي في «فتح المغيث» ... و نصّ الحفاظ و المحدّثون على أنّ أحاديث المهدي فيها الصحيح و الحسن. و مجموعها متواتر مقطوع بتواتره و صحّته. و أنّ الاعتقاد بخروج المهدي واجب، و أنّه من عقائد أهل السنّه و الجماعه، و لا ينكرها إلا جاهل بالسنّه، و مبتدع في العقيدة» (1).

### متن کامل بیاتیه علمای حجاز

«پس از ادای سلام. این پاسخ سؤال مسلمان «کنیایی» است که از «مهدی منتظر» و هنگام ظهور او و محل ظهورش پرسش نموده است.

«مهدی»، محمد بن عبدالله حسنی، علوی و فاطمی است و او مهدی موعود منتظر

ص: ۱۲۵

---

۱- ۱۹۷. به آخر کتاب «البيان» گنجی شافعی، که همراه با «احاديث المهدي من مسند احمد بن حنبل» در سال ۱۴۱۵ ه.ق - چاپ پنجم - توسط مؤسسه نشر اسلامی در قم چاپ شده است، مراجعه فرمائید.

است. موقع ظهور وی در آخر الزمان است و ظهورش از نشانه های قیامت می باشد. از غرب ظاهر می شود، و در حجاز در مکه مکرمه بین «رکن و مقام» با آن حضرت بیعت می نمایند.

هنگامی که کفر و ظلم و فساد، عالم را فرا گرفته باشد، او ظهور می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد. بر همه جهان حکومت خواهد کرد و همه جهانیان در برابر او سر تعظیم فرود خواهند آورد و همگی تسلیم وی خواهند شد، یا به میل و دلخواه یا با نبرد.

او تمام روی زمین را مالک خواهد شد، و حضرت عیسی علیه السلام بعد از ظهور او، از آسمان فرود می آید و «دجال» را می کشد و یا همراه با ظهورش از آسمان فرود می آید و حضرت مهدی علیه السلام را بر کشتن «دجال» بر در دروازه «لد» در سرزمین فلسطین، یاری می دهد.

مهدی علیه السلام آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر از آنها خبر داده است و در صحاح اهل سنت آمده است.

احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را بسیاری از «صحابه» از شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده اند که از جمله آنهاست: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب علیه السلام، طلحه بن عبیدالله، عبدالرحمان بن عوف، عبدالله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابو سعید خدری، ثوبان، قزه بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و أم سلمه.

اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات راجع به مهدی علیه السلام را نقل کرده اند و غیر از اینها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود «صحابه» نقل شده است که در آنها به ظهور حضرت مهدی علیه السلام تصریح گردیده است، و آنها را نیز می توان در ردیف روایات پیامبر قرار داد؛ زیرا مسأله ظهور مهدی علیه السلام از مسایلی نیست که بتوان در آن اجتهاد کرد.

روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر علیه السلام از شخص رسول اکرم نقل شده و آنچه را که صحابه پیامبر با اعتماد به گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیان کرده اند - و شهادت و گواهی آنان

نیز در حکم حدیث است - در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اعم از سنن، معاجم و مسانید آمده است که از آن جمله است: سنن ابو داود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابی عمرو الدانی، مسند احمد و ابن یعلی، و بزار، صحیح حاکم، معاجم طبرانی، و رویانی، و دارقطنی، و ابو نعیم در کتاب «اخبار المهدی»، و خطیب در «تاریخ بغداد»، و ابن عساکر در «تاریخ دمشق» و غیر اینها.

و بعضی از دانشمندان اسلامی درباره «مهدی علیه السلام» کتاب های ویژه ای نوشته اند که از آن جمله است:

ابو نعیم در کتاب «اخبار المهدی»، ابن حجر هیثمی در کتاب «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر»، شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، ادیس عراقی مغربی در کتاب «المهدی»، ابو العباس بن عبدالمؤمن المغربی در کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون». و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عده ای از بزرگان و دانشمندان متقدم و متأخر نیز در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام متواتر است. (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از آن جمله است:

سخاوی در کتاب «فتح المغیث»، محمّد بن احمد سفارینی در کتاب «شرح العقیده»، ابو الحسن آبری در کتاب «مناقب الشافعی»، ابن تیمیه در کتاب فتاویش، سیوطی در کتاب «الحاوی»، ادیس عراقی در تألیفی که درباره «مهدی» دارد، شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، محمّد بن جعفر کنانی در «نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر» و ابو العباس بن عبدالمؤمن در کتاب «الوهم المکنون من کلام ابن خلدون».

و این تنها ابن خلدون است که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را با حدیثی مجعول و ساختگی و بی اساس که می گوید: «لامهدیّ إلاّ عیسی؛ مهدی جز عیسی علیه السلام نیست» مورد ایراد قرار داده است. و لکن بزرگان، پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده اند. و به خصوص، ابن عبدالمؤمن که در ردّ گفتار او کتاب ویژه ای به نام «الوهم المکنون من

کلام ابن خلدون» نوشته است که از ۳۰ سال قبل، در شرق و غرب منتشر شده است.

حافظان، بزرگان و دانشمندان علم حدیث نیز تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام شامل احادیث «صحیح» و «حسن» است و مجموع آنها متواتر و صحت آنها قطعی است. بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام بر هر مسلمانی واجب است و جزء عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی اطلاع از اسلام و بدعت گزار، منکر آن نخواهند بود».

## ۲ - توضیح مختصری پیرامون بیاتیه علمای حجاز

به نظر ما، مطالب بیانیه مزبور آن چنان صریح، گویا، روشن و آشکار است که نیازی به توضیح اضافی ندارد؛ زیرا مدارک لازم در این «بیاتیه» آن چنان گردآوری شده که هیچ کس را یارای انکار آن نیست.

تنها تفاوت مهمی که این «بیاتیه» با عقیده «شیعه» دارد این است که در این بیاتیه، نام پدر حضرت مهدی علیه السلام «عبدالله» ذکر شده است در حالی که در کتب شیعه، نام پدر بزرگوار آن حضرت به طور مسلم «امام حسن عسکری علیه السلام» است. و سرچشمه این اختلاف آن است که در بعضی از روایات اهل سنت، مانند روایتی که «ابو داوود» در کتاب «سنن» خود از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده است جمله «اسم ابیه اسم ابی نام پدر حضرت مهدی علیه السلام نام پدر من است» آمده است.

در حالی که قراین نشان می دهد که این جمله در اصل، «اسم ابیه اسم ابنی؛ اسم پدرش اسم فرزند من است» بوده است که منظور امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد و بر اثر اشتباه در نقطه گذاری به این صورت در آمده است. این احتمال را «گنجی شافعی» نیز در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» تأیید کرده است.

در این زمینه، دانشمندان و نویسندگان اسلامی از شیعه و سنی، سخن بسیار گفته اند که ما در اینجا نیازی به ذکر سخنان آنها نمی بینیم. و در هر حال، آن جمله که درباره نام پدر حضرت مهدی علیه السلام در بیاتیه علمای حجاز و در بعضی از روایات اهل سنت آمده است، قابل اعتماد نیست؛ زیرا:

نخست آن که در اکثر روایات و کتب معتبره اهل سنت این جمله وجود ندارد.

دوم آن که در روایت معروف ابن ابی لیلی آمده است: «اسمه اسمی و اسمُ أبیه اسمُ أبنی؛ نام حضرت مهدی علیه السلام نام من، و نام پدرش، نام فرزند من است». که منظور امام حسن مجتبی علیه السلام است.

سوم آن که روایات قطعی و متواتر از طرق اهل بیت علیهم السلام، گواهی می دهند که نام پدر حضرت مهدی علیه السلام «حسن» است.

چهارم آن که در بعضی از روایات اهل سنت نیز تصریح شده که مهدی موعود اسلام علیه السلام، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و بعضی از بزرگان آنها هم مانند محمد بن یوسف گنجی در کتاب «البيان» و محیی الدین عربی در «فتوحات مکيه» - به نقل شعرانی - و عبدالوهاب شعرانی در کتاب «یواقیت و جواهر» مبحث (1)، و محمد بن طلحه شافعی در کتاب «مطالب السؤل»، و ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمه» و افراد دیگری، این معنی را تأیید نموده و به مهدی موعود پسر امام حسن عسکری علیه السلام اعتراف کرده اند.

پنجم آن که نام پدر حضرت مهدی علیه السلام که در بیاتیه علمای حجاز به عنوان «عبدالله» آمده است ظاهراً مدرک و مستند آن همان جمله اخیر روایت ابو داوود است که نقل آن منحصر به ابو داوود و راوی آن هم «زائده» است، که بنا به نوشته گنجی شافعی وی در حدیث تصرّف می نموده و به آن می افزوده است و چنین حدیثی که او واسطه نقل آن باشد فاقد اعتبار است.

ششم آن که روایت ابو داوود با اضافه جمله «و اسم أبیه اسم أبی» که به قول گنجی شافعی «زائده» به آخر آن افزوده است و در عین حال مورد استناد قرار گرفته، و در واقع همان جمله سبب بروز اختلاف در نام پدر حضرت مهدی علیه السلام گردیده است، دارای زمینه جعل و ساختگی است که ما به منظور توضیح این موضوع، توجه خوانندگان گرامی را به دو جریان تاریخی جلب می کنیم تا بی اعتباری قسمت آخر این روایت بر اهل تحقیق روشن شده، و خود بی پرده و منصفانه در این باره به داوری بنشینند.

اینک دو جریان تاریخی:

۱ - ابن طقطقی، مورّخ مشهور و نکته سنج در کتاب تاریخ خود چنین می نویسد:

«محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام معروف به «نفس

ص: ۱۲۹

۱- ۶۵ و ۲ - او خواهد آمد، ص ۳۳، به نقل از قاموس مقدس، ص ۲۱۹.

زکیه» مدعی مهدویت در اسلام گردید و گروههایی از شیعه و حتی بنی عباس مانند منصور دوانیقی قبل از تکیه زدن بر مسند خلافت خود و برادرش سفّاح برای رویارویی با بنی امیه و قیام علیه آنان، با وی به عنوان خلیفه بیعت نمودند. او در آغاز امر، بین مردم شایع کرده بود که مهدی موعود مورد بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اوست، و پدرش «عبدالله» نیز این مطلب را همواره در نفوس گروههایی از مردم تزریق و تثبیت می نمود، و روایت می کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

«لو بقی من الدنیا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ مهدینا - أو قائمنا - اسمہ کاسمی و اسم أبیه کاسم أبی». (۱)

«اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند آن روز را به قدری طولانی می گرداند تا این که «مهدی» ما یا قائم ما را برانگیزاند که نام او همانند نام من، و نام پدرش همانند نام پدر من باشد».

بنابراین، دور نیست که جمله: «واسم أبیه اسم أبی» را، این پدر و پسر یا اطرافیان و هواخواهان آنها به حدیث مزبور افزوده باشند تا از این رهگذر بتوانند مردم عوام را فریب داده و مهدی دروغین (یعنی نفس زکیه) را به جای مهدی موعود واقعی معرفی نمایند، و البته این کار هم تا حدی عملی گردید، اما دیری نگذشت که قضیه کشف، و دروغ او آشکار گشت.

۲ - ابو الفرج اصفهانی می نویسد:

«هنگامی که منصور دوانیقی در صدد برآمد برای فرزندش مهدی بیعت بگیرد، فرزند دیگرش «جعفر» در این باره به او اعتراض داشت. پس امر به احضار مردم کرد و چون حاضر شدند و خطبا خطبه خواندند و شعرا به مدیحه سرایی و توصیف مهدی و فضایلش پرداختند، مطیع بن ایاس که یکی از شعرای عیاش و متهم به زندقه بود پیاخاست و شعر و خطبه خواند و وقتی که از شعر و خطبه فارغ شد رو به منصور نموده و گفت: ای امیرمؤمنان!! فلان از فلان از پیامبر نقل کرد که پیامبر فرمود:

«المهدی منّا محمد بن عبدالله وأمه من غیرنا، یملأها عدلاً کما ملئت جوراً»؛

ص: ۱۳۰

۱- ۱۹۸. تاریخ فخری، با ترجمه فارسی، ص ۲۲۴؛ الفخری، ص ۱۶۵ - ۱۶۶.

«مهدی از ماست و او محمد بن عبدالله است و مادرش از غیر ما است، دنیا را پر از عدل می کند همان طور که پر از ظلم شده است».

سپس گفت: و ابن عباس بن محمد، برادر تو، بدین حدیث گواهی می دهد؛ آنگاه رو به عباس نموده و گفت: تو را به خدا سوگند! آیا این حدیث را شنیده ای؟

عباس گفت: آری.

پس منصور دستور داد تا حاضرین با پسرش مهدی بر امر خلافت بیعت کنند.

چون مجلس به پایان رسید عباس بن محمد رو به حاضرین کرد و گفت: آیا متوجه شدید که این زندیق چگونه به خدا و رسولش نسبت دروغ داد و حتی مرا نیز بر دروغش به شهادت طلبید؟ و من از ترس منصور ناگزیر به دروغ شهادت دادم...»  
[\(۱\)](#)

به هر حال، با مراجعه به تاریخ و شرح و توضیحی که ابو الفرج اصفهانی<sup>(۲)</sup> و دکتر سمیره مختار لیشی<sup>(۳)</sup> درباره محمد بن عبدالله، معروف به «نفس زکیه» و دعوی مهدویت و خلافت او، و هم چنین در مورد برخوردها و عکس العمل های منصور دوانیقی، و دعوی مهدویت برای فرزند خود (مهدی عباسی) نوشته اند، این موضوع به خوبی روشن می شود که هر یک از آنان در صدد بودند تا با عنوان «محمد بن عبدالله» مسأله مهدویت در اسلام را درباره خود یا فرزند خود بر مردم تحمیل نمایند، و با افزودن به حدیث مسلمی که صحابه و تابعین و بزرگان اسلام درباره مهدی موعود علیه السلام از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل نموده و برای همگان ثابت و محرز بوده است. سوء استفاده نموده و مردم را فریب دهند تا بدین وسیله بتوانند سهل تر و آسان تر به مقصود خود برسند.

بنابراین، بی تردید می توان ادعا کرد که جمله «واسم ایه اسم ابی» که در آخر روایت ابو داوود آمده، و در مورد نام پدر حضرت مهدی علیه السلام مدرک بی چون و چرای علما و دانشمندان اهل سنت قرار گرفته، ساخته و پرداخته نامبردگان و عوامل دست نشانده آنان و هواخواهان آنها بوده است.

در اینجا برای اثبات مطلب، روایتی را که ابو الفرج اصفهانی درباره مهدی عباسی از

ص: ۱۳۱

۱- ۱۹۹. اغانی، ج ۱۳، ص ۲۸۷، لسان المیزان، ج ۶، ص ۶۸.

۲- ۲۰۰. مقاتل الطالیین، ص ۲۰۶ - ۲۶۲.

۳- ۲۰۱. جهاد الشیعه، ص ۱۱۱ - ۱۴۶.

منصور دوانیقی نقل کرده است، می آوریم تا حقیقت گفته های پیشین روشنتر شود.

ابوالفرج در کتاب «مقاتل الطالبیین» می نویسد:

«مسلم بن قتیبه روایت کرده که گفت: روزی بر منصور دوانیقی وارد شدم به من گفت: محمد بن عبدالله خروج کرده و خودش را «مهدی» می پندارد، ولی به خدا قسم! او مهدی - موعود - نیست. من در این باره می خواهم موضوعی را به تو بگویم که به کسی دیگر نگفته ام و نخواهم گفت و آن این است که در واقع، فرزند من هم، مهدی موعود روایات - وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم - نیست، لکن من او را از باب تفأل مهدی نامیده ام» (۱).

اما این که در بیانیه علمای حجاز، از حضرت مهدی علیه السلام به عنوان «حسنی» یاد شده است، به این جهت است که مادر امام باقر علیه السلام، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است و از این رهگذر امامان بعدی حسنی و حسینی هستند و حضرت مهدی علیه السلام نوه پسری امام حسین علیه السلام و نوه دختری امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد؛ پس حسنی بودن حضرت مهدی علیه السلام نیز صحیح است و ایجاد مشکلی نمی نماید.

آنچه تا اینجا از نظر خوانندگان گرامی گذشت، چند نمونه کوتاه و گویا از اعتراف های دانشمندان بزرگ اهل سنت بود که همگی آنها به آمدن مردی از دودمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به نام «مهدی» علیه السلام اعتراف نموده و احادیث مربوط به مهدی موعود علیه السلام را پذیرفته اند.

اینک باید ببینیم مخالفان وجود مقدس مهدی علیه السلام چه می گویند؟ و منطوق آنها چیست؟

### ۳ - مخالفان وجود حضرت مهدی علیه السلام چه می گویند؟

#### اشاره

با این که مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام در میان دانشمندان اهل سنت، مشهور و معروف است و عدّه زیادی از بزرگان آنها، اعتراف کرده اند که احادیث مزبور از احادیث مشهور و متواتر است، برخی از متعصّبان ایشان، موضوع بدین روشنی را مخدوش نموده، و تعداد بسیار معدودی از آنها مانند احمد امین مصری در کتاب «المهدی و المهدویّه فی الإسلام»، سعد محمد حسن در کتاب «المهدیّه فی الإسلام»، فرید وجدی

ص: ۱۳۲



در کتاب «دائرة المعارف» ماده «سلم» و طنطاوی در «تفسیر الجواهر» و محمد عبدالله عنان در کتاب «مواقف حاسمه» به مسأله مهدویت با دیده تردید و انکار نگریده و تمام مطالب کتاب های بزرگان و مفاخر خود را نادیده گرفته اند تا جایی که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را افسانه ای پنداشته اند که تنها «شیعه» به آن معتقد است، و گویی اصلاً اهل سنت در این باره نظری ندارند!!

اینک برای روشن شدن اذهان خوانندگان عزیز، گفتار تنی چند از پیش قدمان مخالفان و منکران وجود حضرت مهدی علیه السلام را در اینجا می آوریم تا معلوم شود که این عده معدود تا چه اندازه از حق و حقیقت دور، و حتی از ضروریات مذهب و روش هم مسلکان خود نیز، بیگانه اند.

### ۱ - ابن حزم اندلسی و گمراهی عجیب!

نخستین کسی که در این راه پیش قدم شده است، ابن حزم اندلسی (متوفای سال ۴۵۶ هجری) است. افکار این مرد سنی عالم نما، نسبت به وجود مقدس مهدی منتظرعلیه السلام و آنچه وی در کتاب «الفصل» خود نگاشته، و تهمت هایی که به پسر امام حسن عسکری علیه السلام وارد ساخته است، منشأ انحراف گروهی دیگر، به خصوص نویسندگان سنی معاصر، از قبیل احمد امین مصری گردیده است.

ابن حجر عسقلانی، در کتاب «لسان المیزان» ذیل نام «ابن حزم» می نویسد:

کلیه دانشمندان اهل سنت که در عصر «ابن حزم» می زیسته اند، او را تکفیر کردند. با این وصف، «ابن حزم» که مطرود هم مذهبان خود بوده است در کتاب «جمهره انساب العرب» با گستاخی خاصی راجع به امام حسن عسکری علیه السلام می نویسد:

«حسن عسکری، آخرین امام رافضیان است و او اولاد نداشت!! رافضیان ادعا کردند که وی کنیزی به نام «صیقل» داشت، که بعد از مرگ وی پسری آورد؛ ولی این دروغ است!!» (۱).

ص: ۱۳۳

## ۲ - خطیب بغدادی

دومین نفری که از ذکر نام حضرت مهدی علیه السلام خودداری نموده و از او نامی نمی برد، خطیب بغدادی (متوفای سال ۴۶۳ هجری) است. وی در «تاریخ بغداد»، آنجا که از امام حسن عسکری علیه السلام نام می برد بدون این که متذکر شود آن حضرت فرزندی داشته است، فقط می نویسد: «ابومحمد» الحسن بن علی. (۱)

## ۳ - ابن کثیر شامی

ابن کثیر شامی (متوفای سال ۷۷۴ هجری) در تاریخ معروف خود «البدایه والنهایه» در جلد یازدهم، ذیل حوادث سال ۲۵۴ هجری، فقط از امام دهم حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام نام می برد و می گوید: وی پدر حسن بن علی العسکری است. (۲) و حتی از خود «امام حسن عسکری علیه السلام» نیز مانند سایر علمای عصر، جداگانه نام نمی برد.

شگفت انگیزتر از گفتارهای بی اساس و افکار بیمارگونه «ابن حزم» و همفکران وی، گفتار علامه سمنانی است که به قول جامی در کتاب «شواهد النبوه» و قاضی حسین «دیار بکری» در تاریخ «خمیس» می گوید: محمد بن الحسن العسکری علیه السلام متولد شد، و به مقام قطیبت رسید و سپس وفات یافت!! (۳)

شگفت انگیزتر از گفتار علامه سمنانی، سخن حافظ ذهبی در «تاریخ اسلام» است که می نویسد: محمد بن الحسن، در سال ۲۵۸ - یا ۲۵۶ - هجری متولد شد، و دو سال بعد از پدرش زنده بود و بعد معدوم الاثر شد و معلوم نیست چگونه وفات یافت! (۴)

و شگفت انگیزتر از گفتار این دو تن، گفتار «ابن حجر هیثمی مکی» است. وی با این که در کتاب «الصواعق المحرقة» در آنجایی که از ائمه اهل بیت علیهم السلام نام می برد، بعد از شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام می نویسد:

باقی نگذاشت مگر پرسش «ابوالقاسم محمد الحجه» و سنّ او هنگام وفات پدرش

ص: ۱۳۴

۱- ۲۰۴. تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۳۶۶.

۲- ۲۰۵. البدایه والنهایه، ج ۱۱، ص ۱۷.

۳- ۲۰۶. تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۲۸۹.

۴- ۲۰۷. تاریخ الاسلام، ج ۱۹، ص ۱۱۳، حوادث ۵۱ - ۶۰.

پنج سال بود و در این سن، خداوند به او حکمت بخشید، و او «قائم منتظر» نامیده می شود.

با این حال در دنباله سخنان خود در همان کتاب می گوید: گفته شده که وی در مدینه پنهان شد و از نظرها غایب گردید و معلوم نشد به کجا رفت!<sup>(۱)</sup>

### رسوائی تا کجا؟

رسوائی این گروه به جایی رسیده است که محدث بزرگ اهل سنت «ملا علی قاری» کتاب ویژه ای در رد آنها نوشته است، و کتابش را «الرد علی من حکم و قضی بأن المهدی الموعود جاء و مضی»<sup>(۲)</sup> نامیده است.

ای کاش این متعصبان گرفتار و عنود های لجوج، اندکی می اندیشیدند و لااقل به روایاتی که درباره مهدی موعود علیه السلام، در کتب معتبر اهل سنت وارد شده و ظهور مهدی موعود منتظر علیه السلام را در آخر الزمان دانسته است و نظریات گروهی از مشاهیر دانشمندان شان که در کتاب های خود از شخص محمد بن الحسن العسکری علیه السلام به عنوان حجت قائم و مهدی نام برده و به وجود مقدس امام زمان شیعه اعتراف نموده اند، مراجعه می کردند تا این که در برابر محکمه تاریخ و وجدان های بیدار، و آزاد اندیشان منصف جهان، تا این اندازه سرافکننده و شرمسار و بی حیثیت نمی شدند.

ص: ۱۳۵

---

۱- ۲۰۸. الامام المهدی عند اهل السنه، ص ۳۷۱.

۲- ۲۰۹. یعنی بطلان قول کسانی که گفته اند مهدی موعود آمده و رفته است.



## بخش پنجم: مهدی موعود علیه السلام در گفتار دانشمندان بزرگ اهل سنت

اشاره

اشاره

شامل:

۱- کسانی که مهدی علیه السلام را پسر امام حسن عسکری علیه السلام می دانند

۲- افسانه سرداب

ص: ۱۳۷



گفته آمد که یکی از مسایل مورد اتفاق شیعه و سنی مسأله مهدویت و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. همچنین اعتراف جمعی از علمای اهل سنت به صحت و تواتر احادیث راجع به حضرت مهدی علیه السلام گذشت. در این بخش، آرای گروهی از علمای ایشان را درباره آن حضرت می آوریم تا اتفاق مسلمانان در این قضیه، روشن تر شود.

### ابن ابی الحدید معتزلی می گوید

«وقد وقع اتفاق الفِرَق من المسلمین أجمعین علی أنّ الدنیا والتکلیف لاینقضی إلاّ علیه» (۱)

«تمام فرقه های مسلمانان اتفاق دارند که دنیا و تکلیف به پایان نمی رسد مگر این که مهدی علیه السلام ظهور نماید».

### محمّد امین سویدی می گوید

«الذی اتّفق علیه العلماء أنّ المهديّ هو القائم فی آخر الوقت، وأنّه یملأ الأرض عدلاً، والأحادیث فیهِ وفي ظهوره کثیره» (۲)

«آنچه مورد اتفاق همه دانشمندان است این است که مهدی علیه السلام کسی است که در آخر الزمان قیام می کند، و زمین را از عدل پر می نماید، و روایات درباره مهدی علیه السلام و ظهور او فراوان است».

### ابن منظور، نویسنده کتاب «لسان العرب» می گوید

«المهدی الذی قد هداه الله الی الحقّ، وقد استعمل فی الأسماء حتّی صار کالأسماء الغالبه، وبه سُمی المهديّ الذی بشر به النبی - صلی الله علیه [وآله وسلّم] -

ص: ۱۳۹

۱- ۲۱۰. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۹۶.

۲- ۲۱۱. سبائك الذهب، ص ۷۸؛ منتخب الأثر، ص ۳۴؛ پاورقی؛ الامام المهدي، ص ۳۰۰.

آنه یجی ء فی آخر الزمان» (۱).

«مهدی یعنی کسی که خدا او را به سوی حق هدایت کرده باشد. کلمه مهدی به قدری در نام گذاری اشخاص به کار رفته است که به صورت اسم در آمده است. و مهدی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم ظهور او را در آخر الزمان، بشارت داده است، به همین نام، نامیده شده است».

### ابن اثیر می گوید

«المهدی الذی بشر به رسول الله - صلی الله و علیه و آله و سلم - إنه یجی ء فی آخر الزمان» (۲).

«آن مهدی موعود علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ظهور او را بشارت داده است، در آخر الزمان خواهد آمد».

### زبیدی نویسنده کتاب «تاج العروس» می گوید

«المهدی الذی بشر به، إنه یجی ء فی آخر الزمان، جعلنا الله من أنصاره» (۳).

«مهدی موعودی که بشارت ظهور او را داده اند، در آخر الزمان می آید. خداوند ما را از جمله یارانش قرار دهد».

### ابن حجر مکی می گوید

«وقد ظهرت برکه دعائه - صلی الله علیه و آله و سلم - فی نسلهما (یعنی علیاً و فاطمه علیهما السلام) فکان منه من مضی و من یأتی، و لو لم یکن فی الآتین إلا الإمام المهدی علیه السلام لکفی» (۴).

«برکت دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در موقع ازدواج علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در نسل آن دو بزرگوار ظاهر شد و از نسل علی و فاطمه علیهما السلام، عدّه ای آمدند که از این دنیا رفتند و عدّه ای هم خواهند آمد که اگر در میان آیندگان از نسل علی و فاطمه علیهما السلام کسی جز مهدی موعود علیه السلام نبود، برای ظهور برکت دعای پیامبر بس بود».

ص: ۱۴۰

۱- ۲۱۲. لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۵۴، ماده «هدی».

۲- ۲۱۳. نهاییه ابن اثیر، ج ۵، ص ۲۵۴، ماده «هدی».

۳- ۲۱۴. تاج العروس، ج ۱۰، ص ۴۰۸.

۴- ۲۱۵. الصواعق المحرقة، ص ۱۶۳.



همین ابن حجر در جای دیگر می گوید:

«مهدی منتظر علیه السلام یک تن بیشتر نیست و هرگز تعددی در آن وجود ندارد».<sup>(۱)</sup>

### شمس الدین ذهبی می گوید

«إِنَّ الإمام المهدى من أولاد الإمام الحسن العسكري عليه السلام و هو باق إلى أن يأذن الله له بالخروج، فيملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».<sup>(۲)</sup>

«حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است و او موجود و حاضر است تا روزی که خداوند اذن ظهورش دهد و زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد».

### شمس الدین قرطبی می گوید

«إِنَّ جميع ملوك الدنيا كلها أربعة: مؤمنان و كافرين، فالمؤمنان سليمان بن داوود والإسكندر، و الكافران نمرود و بخت النصر، و سيملكها من هذه الأمة خامس و هو المهدى عجل الله تعالى فرجه».<sup>(۳)</sup>

«پادشاهانی که بر سراسر دنیا حکومت نمودند چهار نفرند؛ دو نفر مؤمن و دو نفر کافر. دو نفر مؤمن حضرت سلیمان علیه السلام و اسکندر (ذوالقرنین) بودند و دو نفر کافر نمرود و بخت النصر، و در آینده نفر پنجمی هم از این امت تمام جهان را مالک خواهد شد و او حضرت مهدی علیه السلام است».

### مقدسی شافعی

که از علمای قرن هفتم هجری است - در دیباچه کتاب «عقد الدرر فی اخبار المنتظر» پس از آن که مقداری از دست زمانه و کثرت فتنه ها شکایت می کند، می گوید:

«برخی به قرینه ظاهر بعضی از اخبار، گمان کرده اند که حال روزگار پیوسته به همین وضع باقی خواهد ماند. من گفتم: ما صحت این احادیث را قبول داریم، و آنها را به گوش جان می شنویم و به چشم اطاعت می نگریم، ولی در اخبار دلیلی وجود ندارد که آن فتنه ها تا قیام قیامت دوام داشته باشد. شاید آن فتنه ها در موقع ظهور حضرت مهدی علیه السلام از

ص: ۱۴۱

۱- ۲۱۶. المهدی، ص ۸۷.

۲- ۲۱۷. المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۱۹۷.

۳- ۲۱۸. تذکره قرطبی، ص ۶۰۷؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۰۵، المهدی، ص ۸۵؛ عقد الدرر، ص ۱۹ - ۲۰.

بین بروند، و نابودی آنها منوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد؛ زیرا احادیث زیادی که علمای این امت آنها را در کتاب های خود نوشته اند به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بشارت می دهند، و مژده می دهند که خداوند شخصی را بر می انگیزد که زمینه حکومت او را آماده می نماید که کوههای بلند در برابر او خراب خواهد شد، از دور و نزدیک او را یاری می دهند، و او مالک کوه و دشت و تمام کره زمین می گردد، و سراسر زمین را پر از عدل و داد می کند»<sup>(۱)</sup>.

### بخاری (معروف به خواجه پارسای) می گوید

«ومناقب المهدي - رضی الله عنه - صاحب الزمان، الغائب عن الأعيان، الموجود في كل زمان، كثيره. وقد تظاهرت الأخبار على ظهوره وإشراق نوره، يجدد الشريعة المحمديّة، و يجاهد في الله حقّ جهاده، و يطهر من الأدناس أقطار بلاده، زمانه زمان المتّقين، و أصحابه خلصوا من الريب، و سلموا من العيب، و أخذوا بهديه و طريقه و اهتدوا من الحقّ إلى تحقيقه، به ختمت الخلافة و الإمامه، وهو الإمام من لدن مات أبوه إلى يوم القيامة، و عيسى عليه السلام يصلّي خلفه، و يصدّقه على دعواه و يدعو إلى ملته التي هو عليها، و النبي صلى الله عليه وآله وسلم صاحب الملّه»<sup>(۲)</sup>.

«مناقب حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام که از دیده ها پنهان و در هر زمانی حاضر است، فراوان است. احادیث بسیار زیادی رسیده است که مهدی علیه السلام ظاهر می شود و نور وجودش همه جا را روشن می کند، و دین اسلام و شریعت محمّدی صلی الله علیه و آله وسلم را تجدید می نماید، و آن گونه که باید، در راه خدا جهاد می کند، و سراسر مملکت اسلامی را در زمان خود از آلودگیها پاک می سازد. روزگار او روزگار پرهیزکاران است. کسانی که به امامت او معتقدند از هر نکوهش و سرزنشی پیراسته اند که راه حقّ را پیموده اند و به روش او گام برداشته اند و به راهنمایی او به شاهراه هدایت رسیده اند. امامت و پیشوایی اُمت اسلامی به وسیله او پایان می یابد. او از روز وفات پدر بزرگوارش تا روز رستاخیز امام است. حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می گزارد، و او را در امامتش تصدیق می نماید

ص: ۱۴۲

۱- ۲۱۹. عقد الدرر، ص ۵.

۲- ۲۲۰. کشف الاستار، ص ۵۹، البرهان علی وجود صاحب الزمان، ص ۶۷، الامام المهدي، ص ۳۰۳، و المجالس السنیّه، ج ۵، ص ۵۸۰، به نقل از الامام المهدي علیه السلام.

و مردمان را به دین و شریعت او که همان شریعت پاک محمدی است دعوت می کند».

### محبی الدین عربی می گوید

«واعلموا أنه لا بد من خروج المهدي عليه السلام لكن لا يخرج حتى تمتلىء الأرض جوراً و ظلماً فيملأها قسماً وعدلاً ... وهو من عتره رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من ولد فاطمه - رضی الله تعالی عنها - جدّه الحسين بن علی بن أبی طالب ووالده الإمام حسن العسكري عليهم السلام».(۱)

«بدانید و آگاه باشید که مهدی موعود علیه السلام قطعاً ظهور خواهد کرد، ولی او ظاهر نمی شود مگر این که زمین پر از ظلم و ستم شده باشد که آنگاه او بیاید و آن را پر از عدل و داد کند. او از عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از نسل حضرت فاطمه علیها السلام است. جدش امام حسین علیه السلام و پدرش امام حسن عسکری علیه السلام است».

### نویسنده کتاب «ارشاد المستهدی» می گوید

«ببرهیز ای خردمند از هر شبهه و شکی در ظهور حضرت مهدی علیه السلام، زیرا عقیده به ظهور آن حضرت، اتمام ایمان به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آنچه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده و از آن خبر داده است، می باشد. و پیغمبر، صادق و مصدق است».

همچنین شبهه ای نداشته باش در این که مهدی موعود علیه السلام تا حال ظاهر نشده و هر کس این ادعا را کرد دروغگو و کذاب است، به جهت این که علامات و نشانی هایی که در روایات شریف ذکر شده در آن اشخاص موجود نیست، و ظهور مهدی علیه السلام و راه شناسایی او مشهور و روشن است، و ظهور او پیش از نزول حضرت عیسی علیه السلام خواهد بود و اجتماع او با حضرت عیسی علیه السلام بر حسب اخبار ثابت، امری ضروری و بدیهی است. هر کس بخواهد به طور مبسوط اطلاع پیدا کند به کتابهایی که در این موضوع تألیف شده رجوع نمایید، مقصود ما در این کتاب (ارشاد المستهدی) اثبات تواتر روایات ظهور آن حضرت به اختصار است».(۲)

و در جای دیگر در رابطه با احادیث ظهور چنین می گوید:

ص: ۱۴۳

۱- ۲۲۱. البیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۵۶۲، المبحث الخامس والستون؛ اسعاف الراغبین، حاشیه نور الابصار، ص ۱۵۴.

۲- ۲۲۲. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.

«این احادیث و آثار را، عموم محدّثین و غیر محدّثین در کتابهایشان نقل کرده اند، و ایمان به ظهور مهدی - رضی الله عنه - (این تعبیر از خود اوست) مشهور و شایع در بین صحابه بوده است و اصحاب، این عقیده و ایمان را از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم اخذ کرده اند، و همچنین است آثار و مراسیلی که از تابعین رسیده؛ زیرا آنها در این گونه از مسایل به رأی (خود) و از پیش خود چیزی نمی گفتند» (۱).

## ۱ - کسانی که مهدی علیه السلام را پسر امام حسن عسکری علیه السلام می دانند

### اشاره

چنان که پیش از این اشاره کردیم، بیشتر دانشمندان بزرگ اهل سنت و بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، عقیده دارند که «مهدی موعود» واقعیت دارد، و می گویند: او از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و فاطمی و علوی و از نسل امام حسین علیه السلام است؛ ولی در آخر الزمان متولّد می گردد و در سنین جوانی دنیا را پر از عدل و داد می نماید.

در میان این عده که حضرت مهدی علیه السلام را از نسل امام حسین علیه السلام می دانند، کسانی بوده و هستند که با وجدانی پاک و بیدار یا به ملاحظه رعایت امانت در نقل حدیث و تاریخ، در کمال صراحت گفته اند: این مهدی موعودی که از دودمان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و از نسل امام حسین علیه السلام است، کسی جز فرزند برومند امام حسن عسکری علیه السلام نیست.

این عده، بدون توجه به وابستگی هایی که معمولاً علمای عامّه به حکومت های طاغوتی بنی امیه و بنی عباس داشته اند و به دور از هرگونه تعصب، صریحاً اعلام داشته اند که: ابوالقاسم، محمّد بن الحسن العسکری علیه السلام همان که در سال ۲۵۵ هجری (یا سنوات دیگر به قول آنها) در شهر «سامرا» و در خانه امام حسن عسکری علیه السلام متولّد شد و به عقیده شیعه، امام دوازدهم است، همان «مهدی موعود» است؛ زیرا مجموع روایات صحیح و معتبری که بزرگان اهل سنت درباره «مهدی منتظر» نقل کرده اند تنها با او قابل تطبیق است، و نمی تواند شخصی غیر از او باشد.

البته در میان این عده، کسانی هم پیدا می شوند که فقط از پسر امام حسن عسکری علیه السلام نام برده، و یا از ولادت او خبر داده اند، ولی نگفته اند که او «مهدی موعود»

ص: ۱۴۴

است.

شگفت آور اینجاست که حتی آن عده معدود و تعداد انگشت شماری هم که گفته اند: «مهدی، پس از ولادت وفات یافت» مانند علاء الدوله سمنانی، حافظ ذهبی و ابن حجر مکی نیز، در شمار کسانی هستند که حضرت مهدی علیه السلام را، پسر امام حسن عسکری علیه السلام می دانند!

زیرا اغلب کسانی که از ولادت محمد بن الحسن العسکری علیه السلام خبر داده اند نگفته اند که: او دیگر چه شد؟ و به کجا رفت؟ وجه سرنوشتی پیدا کرد؟ ولی این چند نفر متعصب عنود، برای انحراف افکار شیعیان از پیش خود گفته اند که «مهدی علیه السلام وفات یافت» تا به خیال خام آنها، دیگر شیعیان در انتظار نمانند و مسأله مهدویت و انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام در بین شیعیان، فراموش گردد.

به هر حال، عده زیادی از دانشمندان بزرگ اهل سنت، از مورخان، محدثان و حافظان حدیث، به وجود مقدس مهدی موعود که فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است اعتراف نموده اند که برای نمونه فشرده گفتار برخی از آنان را در اینجا می آوریم.

#### ۱ - ابن ابی تلج بغدادی

(متوفای سال ۳۲۶ هجری) که در بغداد می زیسته و معاصر نواب حضرت ولی عصر علیه السلام بوده و به گفته خطیب بغدادی در «تاریخ بغداد»، استاد ابوالحسن دارقطنی معروف بوده است، در کتاب «موالید و وفیات الائمه» (۱) آنجا که از فرزندان ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام نام می برد، چنین می نویسد:

«فرزندان او محمد، موسی، فاطمه و عایشه است (۲) ... هنگام ولادت محمد بن الحسن - حضرت حجت علیه السلام - امام حسن عسکری علیه السلام سخنان بسیاری فرمود از آن جمله: ستمگران گمان کردند که مرا به قتل می رسانند تا این دودمان را ریشه کن سازند؛ ولی آنها قدرت خداوند را دیدند. و او را - حضرت مهدی علیه السلام - مؤمل خواند (یعنی کسی که مورد امید آینده و آرزوی مردم است). و در باب مادران ائمه علیهم السلام می نویسد:

ص: ۱۴۵

---

۱- ۲۲۴. کتاب موالید الائمه ابن ابی الثلج، به ضمیمه کتاب غیبت شیخ مفید و نوادر راوندی در سال ۱۳۷۰ هجری در نجف اشرف چاپ شده است.

۲- ۲۲۵. نام فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام را به نام های محمد، موسی، فاطمه و عایشه، فقط در اینجا می بینیم. سایر علمای سنی این اسامی را از وی گرفته اند، ولی همان گونه که می دانیم، مشهور این است که حضرت مهدی یعنی محمد بن الحسن الحجّه تنها فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

«مادر امام قائم علیه السلام نامش حکیمه است، و گویند: نرجس، و هم گویند: سوسن».

سپس می گویند: «محمد بن همام گفت که حکیمه، عمه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است و اوست که حدیث ولادت حضرت صاحب الزمان علیه السلام را نقل کرده و گفته است که نام مادرش نرجس می باشد»<sup>(۱)</sup>.

## ۲ - علی بن حسین مسعودی

(متوفای سال ۳۴۶ هجری) مورخ نامی و جغرافی دان مشهور که اهل سنت به طور قطع او را از دانشمندان بنام خود می دانند، در جزء چهارم تاریخ خود «مروج الذهب» - که در سال ۳۳۶ هجری از تألیف آن فراغت یافته - درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین می نویسد:

«در سال ۲۶۰ هجری ابو محمد حسن بن علی ... ابن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام در زمان خلافت معتمد عباسی به سن ۲۹ سالگی وفات یافت و او پدر حضرت مهدی منتظر، امام دوازدهم شیعه امامیه، است»<sup>(۲)</sup>.

مسعودی در کتاب خود «التبیه والاشراف» که یک سال پیش از درگذشت خود یعنی در سال ۳۴۵ در شهر فسطاط مصر آن را به اتمام رسانیده است، چنین می نویسد:

«امام شیعیان که ظهورش را انتظار برند، در هنگام تألیف این کتاب، محمد بن الحسن ... ابن علی بن ابی طالب - رضوان الله علیهم أجمعین - است»<sup>(۳)</sup>.

## ۳ - احمد بن حسین بیهقی شافعی

(متوفای سال ۴۵۸ هجری) - که به گفته ابن خلکان، امام الحرمین عبدالملک جوینی گفته است: «هیچ فرد شافعی یافت نمی شود مگر این که شافعی بر او منت دارد جز احمد بیهقی که او بر شافعی منت دارد» - در کتاب «شعب الایمان» درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین می نویسد:

«مردم درباره حضرت مهدی علیه السلام اختلاف نظر دارند، گروهی مردد مانده و علم آن را به خدای عالم محول نموده اند، و عقیده دارند که مهدی علیه السلام فردی از فرزندان فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است که هرگاه خدا بخواهد او را می آفریند و برای یاری دینش وی را برانگیخته می سازد. گروهی دیگر می گویند: مهدی موعود، در روز جمعه نیمه ماه

ص: ۱۴۶

۱- ۲۲۶. موالید الاثمه، ص ۹ - ۱۰.

۲- ۲۲۷. مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲.

۳- ۲۲۸. التبیه والاشراف، ص ۱۹۸ - ۱۹۹.

شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری متولد شده و او امام ملقب به حجت، و قائم منتظر محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است که به سرداب سامرا (۱) داخل شد و از انظار مردم پنهان گردید و منتظر خروج او هستند و می گویند: زنده است و در آینده تاریخ ظاهر می شود و جهان را پر از عدل و داد می نماید همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است ...» سپس می گوید:

«و طول عمر او و باقی ماندن وی در این مدّت طولانی، منع عقلی ندارد مانند بقای عیسی و خضر علیهما السلام، و اینان شیعیان امامیه می باشند و گروهی از اهل کشف نیز در این عقیده با ایشان موافقت دارند.» (۲)

#### ۴ - شیخ احمد جامی

(متوفای سال ۵۳۶ هجری) عارف معروف و مشهور - که عبدالرحمان جامی در کتاب «نفحات الأنس»، ضمن شمارش مشایخ صوفیه از وی ستایش فراوان نموده - از جمله کسانی است که مهدی موعود علیه السلام را پسر امام حسن عسکری علیه السلام می داند.

نامبرده در اشعاری که بنا به قول صاحب «ینابیع المودّه» درباره دوازده امام و مهدی موعود علیه السلام سروده است، چنین می گوید:

من ز مهر حیدرم هر لحظه در دل صد صفاست

از پس حیدر حسن ما را امام و رهنماست

همچو کلب افتاده ام بر آستان بوالحسن

خاک نعلین حسین اندر دو چشمم توتیاست

عابدین تاج سر و باقر دو چشم روشنم

دین جعفر بر حق است و مذهب موسی رواست

ای موالی وصف سلطان خراسان را شنو

ذره ای از خاک قبرش دردمندان را دواست

ص: ۱۴۷

در آخر همین فصل به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۲- ۲۳۰. المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۱۸۲، باب ۱۶؛ کشف الاستار، ص ۹۸.



پیشوای مؤمنان است ای مسلمانان تقی

گر نقی را دوست داری بر همه مذهب رواست

عسکری نور دو چشم عالم است و آدم است

همچو یک مهدی سپهسالار، در عالم کجاست

شاعران از بهر سیم و زر سخنها گفته اند

احمد جامی غلام خاص شاه اولیاست (۱)

## ۵ - فخر الدین رازی

(متوفای سال ۶۰۶ هجری) دانشمند متفکر، فیلسوف، مفسر و محقق عالی مقام اهل سنت، در کتاب «الفرق» ضمن شمارش فرقه های شیعه، چنین می نویسد:

«سیزدهم منتظران اند. اینان چنان عقیده دارند که امامت بعد از امام حسن عسکری علیه السلام ویژه فرزند اوست که از نظرها غایب است و روزی ظهور کند و حاضر شود، امامیه زمان ما، بر این مذهب اند و هم ایشان در دعا می گویند:

«اللهم صلّ علی محمد المصطفی وعلی المرتضی و خدیجه الکبری، وفاطمه الزهراء والحسن الزکی والحسین الشهید بکربلا وعلی بن الحسین زین العابدین و محمد بن علی الباقر وجعفر بن محمد الصادق و موسی بن جعفر الکاظم وعلی بن موسی الرضا ومحمد بن علی التقی وعلی بن محمد النقی والحسن بن علی ومحمد بن الحسن العسکری الإمام القائم المنتظر ...» (۲)

با این که می دانیم فخر رازی در موارد بسیاری از تفسیر کبیر خود و آثار دیگرش به شیعه تاخه است؛ ولی در عین حال، این موضوع مانع از آن نشده است که وی نیز مانند ابن حجر با همه تعصبی که داشته، حق و حقیقت بر قلمش جاری گردد و آنچه را به تعصب پنهان داشته، گاهی آشکار کند.

وی در تفسیر کبیر خود که راجع به جهر و اخفات «بسم الله» در نماز سخن گفته است، می گوید:

ص: ۱۴۸

۱- ۲۳۱. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۳۴۹ - ۳۵۰.

۲- ۲۳۲. این کتاب به ضمیمه چهارده مقاله دیگر از او و سایر دانشمندان توسط آقای سید محمد باقر سبزواری، استاد دانشکده الهیات تهران ترجمه و چاپ شده است.

«و اما مذهب علی بن ابی طالب علیه السلام، بلند گفتن «بسم الله» در نماز است و این به تواتر ثابت شده است و هر کس در دین تابع علی بن ابی طالب علیه السلام باشد و او را پیشوای خود قرار دهد و او را امام خود بداند و به او اقتدا کند، به طور حتم راه حق را یافته است. مگر کسی منکر آنست که پیامبر فرموده است: «اللهم أدر الحق مع علي».

تا آنجا که می گوید: دلایل عقلی با ما موافق و عمل ما با عمل علی علیه السلام مطابق است، و هر کس «علی علیه السلام» را امام بداند و او را به امامت دینی برگزیند، جان، دین و ایمان خود را به پناهگاهی محکم رسانیده است». (۱)

## ۶ - یاقوت حموی

(متوفای سال ۶۲۶ هجری) دانشمند جغرافی دان مشهور، در کتاب «معجم البلدان» در لفظ «سامرا» می نویسد:

«سرداب معروف که «شیعه» عقیده دارد مهدی آنها از آن بیرون می آید (۲) در مسجد جامع آن واقع است ... سامرا در زمان مستعین - خلیفه عباسی - رو به ویرانی گذاشت و در زمان معتضد به کلی ویران شد به طوری که جز زیارتگاهی که شیعه معتقد است سرداب قائم مهدی در آن است چیزی از آن باقی نماند ... و در سامرا قبر امام علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر و قبر پسرش حسن عسکری علیهم السلام قرار دارد، و هم در آنجا به عقیده شیعه امامیه، مهدی منتظر غایب شد». (۳)

## ۷ - شیخ فرید الدین عطار نیشابوری

، عارف نامی قرن هفتم هجری و مقتول در سال ۶۲۷ هجری قمری، که جلال الدین مولوی بلخی سراینده کتاب مشهور «مثنوی» با همه مقامی که در عرفان دارد درباره وی می گوید:

هفت شهر عشق را عطار گشت

ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم وی در کتاب «مظهر الصفات» می گوید:

مصطفی ختم رُسل شد در جهان

مرتضی ختم ولایت در عیان

جمله فرزندان حیدر اولیا

جمله یک نورند حق کرد این ندا

و بعد از آن که بقیه ائمه علیهم السلام را نام می برد، وقتی که به امام زمان حضرت بقیه الله علیه السلام

ص: ۱۴۹

- ۲-۲۳۴. باید توجه داشت که شیعه هرگز چنین عقیده ای ندارد، در این مورد مفصلاً سخن خواهیم گفت.
- ۳-۲۳۵. به کتاب «معجم البلدان»، ج ۳، ص ۲۰۰، ش ۶۲۰۲، لفظ «سامرا» مراجعه فرمایید.

می رسد، می گوید:

صد هزاران اولیا روی زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین

یا الهی مهدیم از غیب آر

تا جهان عدل گردد آشکار

مهدی هادی است تاج اتقیا

بهترین خلق بُرج اولیا

ای ولای تو معین آمده

بر دل و جانها همه روشن شده

ای تو ختم اولیای این زمان

و زهمه معنی نهانی جان جان

ای تو هم پیدا و پنهان آمده

بنده عطارَت ثنا خوان آمده (۱)

## ۸ - محی الدین عربی

(متوفای سال ۶۳۸ هجری) که دانشمندان عامه عموماً، و عرفای شیعه خصوصاً او را سرآمد عارفان واصل به حق و رئیس شریعت و طریقت و حقیقت می دانند، درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین می گوید:

«مهدی علیه السلام از عترت رسول اکرم و از نسل حضرت فاطمه علیها السلام است. جدش امام حسین و پدرش امام حسن عسکری، پسر امام علی نقی، پسر امام محمد تقی، پسر امام علی رضا، پسر امام موسای کاظم، پسر امام جعفر صادق، پسر امام محمد باقر، پسر امام زین العابدین علی، پسر امام حسین، پسر امام علی بن ابی طالب علیهم السلام است.

او هم نام رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم است، مسلمانان در بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. وی در آفرینش چون رسول اکرم و در اخلاق یک درجه پایین تر از اوست؛ زیرا بدیهی است که کسی نمی تواند در سطح پیامبر اکرم باشد چه آن که خدای تعالی درباره او فرموده است: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (۲).

مهدی، پیشانی گشاده و نورانی و بینی کشیده و باریک دارد. خوشبخت ترین مردمان بعد از ظهور او اهل کوفه می باشند. او مال را به طور مساوی در بین مردم تقسیم می کند و به عدالت رفتار می نماید، و قضایا را به سرعت فیصله می دهد ...

خداوند به وسیله او اسلام را پس از ذلت به عزت می رساند. او جزیه را کنار می گذارد و با شمشیر به سوی خدا دعوت می کند، هر کس نپذیرد کشته می شود و هر کس با او در افتد، زبون می شود.

ص: ۱۵۰

---

۱- ۲۳۶. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۳۵۰ - ۳۵۱.

۲- ۲۳۷. الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۵۶۲ - ۵۶۳، مبحث ۵۶.

از دین خدا آنچه را که در واقع و حقیقت دین بوده ظاهر می کند، مذاهب دیگر را از روی زمین بر می چیند، و در روی زمین چیزی جز دین خالص باقی نمی ماند»<sup>(۱)</sup>.

## ۹ - شیخ عبدالرحمان صوفی

، یکی از بزرگان مشایخ صوفیه، در «مرآت الاسرار» راجع به حضرت مهدی علیه السلام چنین می نویسد:

«ذکر آن آفتاب دین و دولت، آن هادی جمیع ملت و دولت، آن قائم مقام پاک احمدی، امام بر حق، ابوالقاسم محمّد بن الحسن رضی الله عنه.

وی امام دوازدهم است از ائمه اهل بیت. مادرش اُمّ ولد بود، نرجس نام داشت. ولادتش شب جمعه، پانزدهم ماه شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین (۲) ... در سرّ من رأی - سامرا - واقع شد.

و امام دوازدهم در کنیت و نام حضرت رسالت پناهی موافقت دارد، و القاب شریفش، مهدی، حجّت، قائم، منتظر، صاحب الزمان، و خاتم اثنا عشر است.

و صاحب الزمان در وقت وفات پدرش امام حسن عسکری علیه السلام پنج ساله بود که بر مسند امامت نشست چنانچه حقّ تعالی یحیی بن زکریّا علیه السلام را در حال طفولیت حکمت کرامت فرمود و عیسی بن مریم علیه السلام را در وقت صبا (هنگام کودکی) به مرتبه بلند رسانید، و همچنین او را در صغر سن، امام گردانید.

سپس می گوید: و خوارق عادات او نه چندان است که در این مختصر گنجایش شود ... و حضرت شیخ محی الدین عربی در کتاب «فتوحات» و حضرت مولانا عبدالرحمان جامی در کتاب «شواهد النبوه» تمام احوالات و کمالات و حقیقت ولادت و غیبت امام محمّد بن الحسن العسکری علیه السلام را مفصّلاً و به وجه احسن از ائمه اهل بیت عترت و ارباب سیرت روایت کرده اند.

و حضرت شیخ سعد الدین حموی درباره امام مهدی علیه السلام یک کتاب تصنیف و دیگر چیزهای بسیار با او همراه نموده است که دیگر هیچ آفریده ای را در آن اقوال و تصرّفات ممکن نیست، و در آن کتاب آورده است که چون مهدی علیه السلام ظاهر شود ولایت مطلقه آشکار گردد و ظلم و ستم برچیده شود و اختلاف مذاهب از بین برود، چنان که اوصاف

ص: ۱۵۱

۱- ۲۳۸. کشف الاستار، ص ۴۹ - ۵۰.

۲- ۲۵۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱ - ۷۷؛ مهدی موعود، ص ۷۱۹ - ۸۴۱.

حمیده او در احادیث نبوی وارد شده است که مهدی علیه السلام در آخر زمان آشکار گردد و تمام ربع مسکون در روی زمین را از ظلم و جور پاک سازد و یک مذهب پدید آید» (۱).

#### ۱۰ - شیخ سعد الدین حموی

(متوفای سال ۶۵۰ هجری قمری) دانشمند مشهور و عارف معروف و جانشین شیخ نجم الدین کبری، کتاب مستقلی در حالات و صفات حضرت صاحب الزمان علیه السلام نگاشته، و آن حضرت را چنان که عبدالرحمان صوفی در کتاب «مرآت الاسرار» نقل کرده است، مطابق عقیده شیعه، «صاحب الزمان» دانسته است.

شیخ عزیز الدین نسفی - بنا به گفته صاحب ینابیع المودّه - در رساله ای که به فارسی درباره نبوت و ولایت نوشته است می گوید: شیخ الشیوخ، سعد الدین حموی - قدس الله سره - می فرماید:

«پیش از پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله وسلم در ادیان سابق اسم ولی نبود و اسم نبی بود؛ و مقربان حضرت خدای سبحان را که وارثان صاحب شریعت اند، جمله را انبیا می گفتند و در هر دینی از یک صاحب شریعت زیاده نبود.

پس در دین آدم علیه السلام چندین پیغمبر بودند که وارثان او بودند، خلق را به دین او و شریعت او دعوت می کردند، و همچنین در دین نوح و در دین ابراهیم و در دین موسی و در دین عیسی علیهم السلام.

و چون دین جدید و شریعت جدیدی محمد صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد از جانب خدای تعالی، اسم ولی در دین محمد صلی الله علیه و آله وسلم پیدا آمد. حق تعالی دوازده کس از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را برگزیده و وارثان او گردانید و مقرب حضرت خود کرد و به ولایت خود مخصوص گردانید و ایشان را نایبان محمد صلی الله علیه و آله وسلم و وارثان او گردانید، که حدیث «العلماء ورثة الأنبياء» در حق این دوازده کس فرمود و حدیث «علماء أمتی کأنبياء بنی اسرائیل» در حق ایشان فرمود؛ امّا ولی آخرین که نایب آخرین است ولی دوازدهم و نایب دوازدهم می باشد. خاتم اولیا و مهدی صاحب الزمان اوست و شیخ می فرماید که: اولیاء در عالم بیش از دوازده نفر نیستند» (۲).

#### ۱۱ - کمال الدین محمد بن طلحه شافعی

(متوفای سال ۶۵۰ هجری) که از اجله علما و

ص: ۱۵۲

۱- ۲۳۹. کشف الاستار، ص ۴۹ و در چاپ دیگر، ص ۸۱ - ۸۳؛ و المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲- ۲۴۰. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۳۵۳، باب ۸۷، چاپ اسوه، قم.

فقه‌های معروف و مشهور أهل سنت به شمار می‌آید، در کتاب «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» باب دوازدهم درباره حجّت بن الحسن حضرت مهدی علیه السلام می‌نویسد:

«ابو محمّد حسن عسکری متولّد در سال ۲۳۱... منقبت و مزیت بسیار بزرگی که خداوند به وی اختصاص داده... این است که مهدی علیه السلام از نسل او و فرزند اوست» (۱).

«ابوالقاسم محمّد بن الحسن الخالص بن علی المتوکّل بن محمّد القانع بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمّد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الزکّی بن علی المرتضی امیرالمؤمنین بن ابی طالب علیهم السلام، المهدی، الحجّه، الخلف الصالح المنتظر علیهم السلام ورحمه الله وبرکاته» (۲).

و بنا به گفته شیخ سلیمان حنفی در «ینابیع المودّه»، ابن طلحه در کتاب «الدر المنظّم» نیز نوشته است:

«خداوند متعال را خلیفه ای است که در آخر الزمان هنگامی که سراسر روی زمین پر از ظلم و ستم شده باشد، ظهور می‌کند و آن را پر از عدل و داد می‌نماید و اگر حتّی بیش از یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد این خلیفه زمام امور را به دست می‌گیرد. او از فرزندان فاطمه زهرا - رضی الله عنها - است که دارای بینی کشیده و باریک، و دیدگانی سرمه کشیده می‌باشد، و بر گونه راست او خالی جذّاب قرار دارد و نامش محمّد است...»

این خلیفه همان امام به حقّ مهدی قائم علیه السلام است که به امر خدا قیام می‌کند و همه مذاهب باطل را از میان می‌برد و جز دین خالص که اسلام باشد باقی نمی‌ماند...» (۳).

## ۱۲ - حافظ محمّد بن یوسف گنجی شافعی

(متوفای سال ۶۵۸ هجری) - که ابن صباغ مالکی در کتاب «فصول المهمّه» از وی به «امام حافظ» تعبیر می‌کند، و ابن حجر عسقلانی نیز در «فتح الباری فی شرح صحیح البخاری» به روایات او استناد می‌جوید - در کتاب معروف «کفایه الطالب» در مورد امام حسن عسکری علیه السلام می‌نویسد:

«ابو محمّد حسن العسکری... در خانه اش واقع در شهر سامرا مدفون گردید، یک پسر از خود باقی گذاشت و او «امام منتظر» - صلوات الله علیه - است، ما کتاب خود را با

ص: ۱۵۳

۱- ۲۴۱. مطالب السؤل، ص ۳۰۹ - ۳۱۱.

۲- ۲۴۲. همان.

۳- ۲۴۳. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۱۴، باب ۶۸.



نام او به پایان می‌بریم و جداگانه راجع به وی بحث می‌نماییم» (۱).

سپس در کتاب

معروف دیگرش به نام «البيان في اخبار صاحب الزمان» به تفصیل درباره آن حضرت سخن می‌گوید، و روایات وارده در مورد حضرتش را تحت عناوین مختلفی دسته‌بندی کرده و در باب ۲۵ تحت عنوان: «فی الدلالة علی جواز بقاء المهدي علیه السلام حیاً باقیاً» می‌نویسد:

«از هنگامی که غیبت نموده تا کنون زنده است و بقای او از نظر عقلی مانعی ندارد» (۲).

### ۱۳ - مولانا جلال‌الدین رومی بلخی

(متوفای سال ۶۷۲ هجری) سراینده کتاب «مثنوی»، در دیوان شمس تبریزی با همان شور و شوق مخصوص به خود می‌گوید:

ای سرور مردان علی، مردان سلامت می‌کنند

وی صفدر مردان علی، مردان سلامت می‌کنند

با قاتل کفار گو، با دین و با دیندار گو

با حیدر کزار گو، مستان سلامت می‌کنند

با دُرّج دو گوهر بگو، با بُرج دو اختر بگو

با شَبَر و شبیر گو، مستان سلامت می‌کنند

با زین دین عابد بگو، با نور دین باقر بگو

با جعفر صادق بگو، مستان سلامت می‌کنند

با موسی کاظم بگو، با طوسی عالم بگو

با تقی قائم بگو، مستان سلامت می‌کنند

با میر دین هادی بگو، با عسکری مهدی بگو

با آن ولی مهدی بگو، مستان سلامت می‌کنند

۱- ۲۴۴. کفایه الطالب، ص ۴۵۸.

۲- ۲۴۵. استدلال های مشروح و مفصل و منطقی این دانشمند را در باب ۲۵ کتاب «البيان في أخبار صاحب الزمان» بخوانید تا به حقیقت عقیده شیعه درباره مهدی موعود علیه السلام به خوبی آگاه شوید.

با باد نوروژی بگو، با بخت فیروزی بگو

با شمس تبریزی بگو، مستان سلامت می کنند(۱)

#### ۱۴ - ابن خلکان اشعری شافعی

(متوفای سال ۶۸۱ هجری قمری) دانشمند مشهور و مورخ نامی، معروف به «قاضی القضاة» در تاریخ مشهورش «وفیات الأعیان» در پایان شرح حال آن حضرت می نویسد:

«... ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری دوازدهمین امام - به اعتقاد امامیه - و معروف به «حجت» است. او همان کسی است که شیعه عقیده دارد او «منتظر»، «قائم» و «مهدی» است. وی صاحب سرداب است! آرای شیعه درباره او زیاد است. شیعیان انتظار دارند که او در آخر الزمان از سرداب سامرا بیرون آید! ولادتش در سال ۲۵۵ هجری قمری است. هنگام وفات پدرش پنج ساله بود.»(۲)

در این گفتار، هرچند که خود ابن خلکان نمی گوید که این ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری همان مهدی موعود است، و می گوید: «دوازدهمین امام به اعتقاد امامیه و معروف به «حجت» است؛ ولی جای آن دارد که بپرسیم؟ این ابو القاسم محمد بن الحسن العسکری علیه السلام که هم نام و هم کنیه رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و نهمین فرزند برگزیده حسین بن علی علیه السلام است، و خود قاضی القضاة هم تاریخ ولادت او را نقل کرده و می گوید: شیعه عقیده دارد که او «منتظر، قائم و مهدی» است، چه کسی است؟

چرا قاضی القضاة از سرنوشت او چیزی نمی گوید؟ و چرا به مهدی موعود بودنش اعتراف نمی کند؟

مگر پیامبر اکرم نفرموده است: «مهدی» از فرزندان من، از فرزندان علی و زهرا علیهما السلام، و از فرزندان امام حسین علیه السلام است؟ مگر خود علمای اهل سنت پدرانش را تا امام حسن عسکری علیه السلام نام نبرده اند؟ و مگر هر کدام از آنان را بهترین فرد عصر خویش و شاخه زیبای درخت نبوت ندانسته اند؟

بنابراین محمد بن الحسن، به اعتراف کسانی که نام او را ذکر نموده و تولدش را

ص: ۱۵۵

---

۱- ۲۴۶. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۵۱، صاحب ینابیع الموده شیخ سلیمان قندوزی حنفی می گوید: این ابیات را ملای رومی در دیوان بزرگش که به ترتیب حروف هجا سروده، آورده است.

۲- ۲۴۷. وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، ش ۵۶۲.

پذیرفته و او را پسر امام حسن عسکری علیه السلام معرفی کرده اند، چه کسی است؟

## ۱۵ - حمد الله مستوفی قزوینی

(متوفای سال ۷۳۰ هجری قمری) نویسنده کتاب «نزهة القلوب» در جغرافی و صاحب کتاب «تاریخ گزیده» که هر دو کتاب را به زبان فارسی سلیس نگاشته است و خود او از منشیان و نویسندگان بنام اهل سنت است، در کتاب اخیرش، یعنی «تاریخ گزیده» ضمن شرح تاریخ زندگانی ائمه معصومین علیهم السلام درباره امام دوازدهم می نویسد:

«المهدی محمد بن حسن العسکری ... بن علی المرتضی، دوازدهمین امام است و خاتم معصومین، چهار سال و نیم امام بود، و شب پنجشنبه منتصف شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین ۲۵۵ به سامره متولد شد، چون ۹ سال گذشت در رمضان اربع و ستین و مأتین (۱) غایب شد (۲)». (۳)

## ۱۶ - حافظ شمس الدین محمد ذهبی

(متوفای سال ۷۴۸ هجری قمری) مورخ مشهور و دانشمند متعصب معروف در کتاب «دول الاسلام» می نویسد:

«در این سال (یعنی سال ۲۶۰ هجری)، وفات یافت حسن بن علی بن الجواد بن رضا علوی، یکی از امامان اثنا عشر که رافضیان عقیده به عصمت آنها دارند، و او پدر منتظر ایشان محمد بن الحسن است». (۴)

و در کتاب «العبر فی خبر من غیر» نیز در ذیل حوادث سال ۲۶۰ هجری می نویسد:

«در این سال، حسن بن علی بن محمد بن ... جعفر الصادق، یکی از ائمه اثنی عشر که رافضیان آنها را معصوم می دانند وفات یافت، و او پدر «محمد منتظر» صاحب سرداب است». (۵)

علاوه بر اینها، ذهبی در کتاب «تاریخ الاسلام» می نویسد:

«محمد بن الحسن العسکری ... ابوالقاسم علوی حسینی، آخرین امام شیعه و منتظر

ص: ۱۵۶

---

۱- ۲۶۴. این که نام پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام عبدالله است در حدیث صحیح و معتبر نیامده است، و نگارنده در این باره توضیحی دارد که در پایان بیانیه معروف علمای حجاز آمده است. جهت اطلاع به آنجا مراجعه فرمایید.

۲- ۲۴۸. قول صحیح و مشهور این است که حضرت بقیه الله علیه السلام در شب جمعه نیمه ماه شعبان متولد شده و در سال ۲۶۰ هجری هنگام رحلت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام پس از آخرین دیدار عمومی که بر جنازه پدرش نماز خواند، ناپدید و غایب شد.

۳- ۲۴۹. تاریخ گزیده، ص ۲۰۶.

٤- ٢٥٠. تاريخ الاسلام، ج ١٩، ص ١١٣، حوادث ٥١ - ٦٠.

٥- ٢٥١. العبر في خبر من غير، ج ١، ص ٣٧٣.

آنهاست که عقیده دارند مهدی و صاحب الزمان و خلف حجّت و صاحب سرداب سامرا است.»

سپس ذهبی به طعنه می گوید:

«۴۵۰ سال است که شیعه منتظر ظهور او می باشند و ادّعا می کنند که وی داخل سرداب خانه پدرش شد و مادرش به او نگاه می کرد، و هنوز از آنجا بیرون نیامده است. او وارد سرداب شد و در آنجا معدوم گردید و در آن وقت ۹ ساله بود.»

و در ضمن شرح حال حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نیز پس از این که می گوید: وی پدر حجّت است، می نویسد:

«رافضیان ادّعا می کنند که او ۴۵۰ سال است که در سرداب به سر می برد! او صاحب الزمان و زنده است و دانش اوّلین و آخرین را می داند، و اعتراف می کنند که هیچ کس او را ندیده است.»<sup>(۱)</sup>

در سخنان ذهبی نکات چندی وجود دارد که خلاف حقیقت است، و ما ناگزیریم در همین جا به پاسخ برخی از آنها اشاره کنیم.

(۱) هرگز شیعه عقیده ندارد که امام زمان علیه السلام در سرداب سامرا بسر می برد، و در هیچ جا و هیچ تاریخی هم نداریم که او داخل سرداب شده و مادرش به وی نگاه می کرد، مگر در گفتار کسانی چون ذهبی و هم مسلکان او.

(۲) طبق عقیده شیعه، حضرت مهدی علیه السلام از سرداب سامرا بیرون نمی آید، بلکه ظهور مبارک او از مکه مکرمه و در کنار خانه خدا خواهد بود، و خانه پدرش تنها محلّ غیبت آن بزرگوار است.

(۳) هیچ کس و هیچ یک از مورّخان نامی در آثار قلمی خود نگفته و ننوشته اند که مهدی موعود شیعه در سرداب سامرا معدوم شد؛ بلکه شیعیان به حیات او عقیده دارند و می گویند: او زنده است و زمانی که خدا به وی اجازه دهد، ظهور می نماید.

بنابراین، کسی جز علاء الدوله سمنانی و ذهبی و ابن حجر و افراد متعصّب و عنود، قایل به وفات آن حضرت نیست.

ص: ۱۵۷

۴) حضرتش به هنگام غیبت ۵ ساله بود نه ۹ ساله، چنان که اکثر دانشمندان بزرگ و منصف اهل سنت به این موضوع تصریح کرده اند.

۵) ذهبی که مانند سایر علمای اهل سنت عقیده دارد حضرت عیسی، خضر، الیاس و دجال و شیطان زنده هستند و تا پایان روزگار هم زنده خواهند بود، چرا از اعتقاد شیعه نسبت به زنده بودن آخرین امام معصوم از دودمان پیامبر اکرم تردید می کند، یا آن را مورد طعن و استهزا قرار می دهد؟

۶) طبق عقیده شیعه و نص قرآن کریم، امامت عهد و پیمان الهی است و امام خلیفه خدا و جانشین خدا و برگزیده خداوند است. (۱) از این رو، امام علیه السلام علم اولین و آخرین را می داند، و حضرت مهدی علیه السلام نیز - به شهادت سایر علمای سنی چنان که گذشت و خواهد آمد - مانند حضرت عیسی و یحیی علیهما السلام که خداوند در کودکی به آنها حکمت آموخت و به مقام نبوت برگزید، برگزیده خداوند است که در کودکی به او علم و حکمت آموخته و عالم بما کان و ما یکون است.»

۷) هرگز و هیچ گاه و هیچ زمان شیعه اعتراف نکرده و نمی کند که کسی حضرت مهدی علیه السلام را ندیده است، بلکه قبل از غیبت در دوران طفولیت و در زمان پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام حدود ۵۰ نفر او را دیده اند، و در مجلسی که مرکب از چهل تن از خواص شیعه امام حسن عسکری علیه السلام بوده، امام فرزند برومندش را به آنها نشان داده و بر امامت او تأکید نموده است، (۲) و همچنین در دوران غیبت کوتاه مدّت و طولانی هم صدها نفر او را دیده اند که داستانهای آنها در کتابهای شیعه از جمله در جلد سیزدهم کتاب شریف «بحار الانوار» و ترجمه آن به نام «مهدی موعود»، آمده است. (۳)

۸) از همه اینها گذشته، خود ذهبی پذیرفته است که امام حسن عسکری علیه السلام پسری به نام «محمد» داشته است، و همین پذیرش او منظور ما را تأمین می کند که او مهدی موعود علیه السلام است؛ زیرا طبق نصوص متواتری که از پیامبر اکرم به ما رسیده و شیعه و سنی

ص: ۱۵۸

۱- ۲۵۳. چنان که در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲- ۲۵۴. ينابيع الموده، ج ۳، ص ۳۲۳ - ۳۲۸، باب ۸۲ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶، ح ۱۹.

۳- ۲۵۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱ - ۷۷؛ مهدی موعود، ص ۷۱۹ - ۸۴۱.

روایت کرده اند، پیامبر فرموده است:

«اسمه اسمی و کنیته کنیتی» (۱).

«نام او نام من و کنیه او کنیه من است».

#### ۱۷ - محمد خواند شاه، مشهور به میر خواند

(متوفای سال ۹۰۳ هجری قمری) که در مذهب تسنن تعصب خاصی دارد و حتی از معاویه تعریف می کند، در کتاب تاریخ «روضه الصفا» تحت عنوان «ذکر احوال محمد بن الحسن بن علی رضی الله عنهم» چنین می نویسد:

«کنیت او ابوالقاسم است، و امامیه وی را حجت قائم و مهدی منتظر و صاحب الزمان گویند.

ولادت امام مهدی - رضی الله عنه - مسمی به اسم رسول و مکنی به کنیت آن حضرت در سرّ من رأی (یعنی در سامرا) بود. در شب نصف شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین (۲) و در وقت وفات پدر پنج ساله بود، و حق سبحانه او را در صغر سن (در کودکی) حکمت داد، چنانچه یحیای پیغمبر را، و او را در حال طفولیت امام گردانید، چنان که عیسی علیه السلام را در ایام کودکی نبی مرسل گردانید ...» (۳)

#### ۱۸ - ملا حسین کاشفی

(متوفای سال ۹۱۰ هجری) دانشمند مشهور، مؤلف کتاب «جواهر التفسیر» و داماد عبدالرحمان جامی، در آخر کتاب «روضه الشهداء» (۴) درباره حضرت حجت بن الحسن علیه السلام می نویسد:

«... در ذکر محمد بن الحسن؛ وی امام دوازدهم است و کنیت وی ابوالقاسم و لقبش - به قول امامیه - حجت و قائم مهدی و منتظر و صاحب الزمان، و به مذهب ایشان خاتم ائمه اثنی عشر است.

ولادت وی در سرّ من رأی (سامرا) بوده، به سرداب در آمد و در سرای خود مخفی شد. در «شواهد» مذکور است که چون متولد شد بر ذراع ایمن وی (بازوی راست او)

ص: ۱۵۹

۱- ۲۵۶. تذکره الخواص، ص ۳۶۳؛ کفایه الاثر، ص ۶۷؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۲؛ ینایع الموده، ج ۳، ص ۳۹۵، باب ۹۴.

۲- ۲۵۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱-۷۷؛ مهدی موعود، ص ۷۱۹-۸۴۱.

۳- ۲۵۷. تاریخ روضه الصفا، ج ۳، ص ۵۹.

۴- ۲۵۸. با وجود این که معروف است که ملا حسین کاشفی یک فرد سنی است، و از آثار قلمی او نیز چنین پیداست. با این حال، نخستین کتابی که راجع به مصایب شهدای کربلا به زبان فارسی نگاشته شده، همین کتاب روضه الشهداء است که کلمه



«روضه خوان» هم از آن گرفته شده است.

نوشته بود که: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (۱)(۲)

## ۱۹ - خواند میر

مورخ مشهور، مؤلف تاریخ فارسی «حبيب السیر» و متوفای سال ۹۴۲ که خود دختر زاده «میر خواند» مؤلف کتاب «روضه الصفا» است، در جلد دوم «حبيب السیر» ضمن شرح حال ائمه معصومین علیهم السلام چنین می نویسد:

«ذکر امام مؤتمن ابوالقاسم محمد بن الحسن علیهما السلام؛ تولد همایون آن در درج ولایت و جوهر معدن هدایت به قول اکثر اهل روایت، در منتصف شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین (۳) در سامرا اتفاق افتاد ... و آن امام ذو الاحترام در کنیت و نام با حضرت خیر الانام - علیه و آله تحف الصلاه والسلام إلى يوم القيام - موافقت دارد، و مهدی و منتظر و خلف صالح و صاحب الزمان و حجت و قائم، از جمله القاب آن جناب است ...

و صاحب الزمان - علیه سلام الله المنان - در زمان معتمد خلیفه - عباسی - در سنه خمس و ستین و مأتین (۴) در سردابه سر من رأی (سامرا) از نظر فرق برایا غایب شده ... و بنا بر زعم شیعه اثنی عشریه، کالشمس فی وسط السماء ظاهر و هویدا می گردد که مهدی از اولاد امجاد امام حسین علیه السلام خواهد بود، بلکه به ثبوت می پیوندد که صاحب الزمان حضرت محمد بن الحسن عسکری علیه السلام است.

و بعد از انقضای زمان غیبت طولانی ظهور خواهد نمود و عیسی بن مریم علیهما السلام چون از آسمان فرود آید، در نماز به آن جناب اقتدا خواهد کرد، و لوازم اطاعت و شرایط متابعتش به جای خواهد آورد ...» (۵)

## ۲۰ - شمس الدین محمد بن طولون دمشقی

(متوفای سال ۹۵۳ هجری قمری) در کتاب «الائمه الاثنی عشر» در شرح حال حضرت مهدی علیه السلام چنین می نویسد:

«الحجّه المهدی: ابوالقاسم محمد بن الحسن بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب - رضی الله عنهم - امام دوازدهم به عقیده شیعه و معروف به حجت است. شیعه او را امام منتظر و قائم و مهدی می دانند.

ولادت او - رضی الله عنه - روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری بوده است. سنش بعد از پدر پنج سال بود» (۶)

## ۲۱ - شیخ عبدالله شبرای شافعی

(متوفای سال ۱۱۷۲ هجری) که یکی از بزرگترین علما و دانشمندان بنام مصر بوده و در نزد عوام، خواص، رجال دولت و فرمانروایان آن دیار، با مهابت و مقام عالی می زیسته و در سال ۱۱۳۷ به ریاست جامع «الازهر» رسیده است، در کتاب معروف خود «الاتحاف بحب الاشراف» درباره مهدی موعود علیه السلام چنین می نویسد:

«دوازدهمین امام از امامان، ابوالقاسم محمد حجت است. گویند: مهدی منتظر اوست. امام محمد حجت بن الحسن در نیمه

شعبان سال ۲۵۵ متولّد گردید و هم اوست که ملقّب به مهدی و قائم و منتظر و خلف صالح و صاحب الزمان است و مشهورترین لقب او همان مهدی علیه السلام است» (۷).

## ۲۲ - قاضی جواد ساباطی حنفی بصری

(متوفای سال حدود ۱۲۵۰ هجری) که نصرانی بوده و اسلام اختیار نموده و مسلمان سنی شده و از اهل بحرین و در بصره می زیسته است، در کتاب «براهین ساباطیه» پس از آن که عبارتی را از کتاب اشعای نبی به زبان عبری نقل کرده و آن را به عربی ترجمه نموده است، در ردّ گفتار علمای یهود و نصاری در تأویل آن عبارت چنین می نویسد:

«این عبارت نصّ صریح در وجود حضرت مهدی - رضی الله عنه - است؛ زیرا مسلمانان اتفاق دارند که مهدی - رضی الله عنه - نگاه به باطن افراد می کند و حکم را صادر می نماید و به مجرد اظهار شاهد و ظاهر امر، حکم صادر نمی کند.

سپس می گوید: مسلمانان درباره وجود حضرت مهدی علیه السلام اختلاف نظر دارند. اصحاب ما - اهل سنت و جماعت - عقیده دارند که او مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است. نام او محمد و نام پدرش عبدالله است (۸) و نام مادرش آمنه (۹) می باشد.

ص: ۱۶۱

- 
- ۱- ۲۵۹. سوره اسراء (بنی اسرائیل)، آیه ۸۱.
  - ۲- ۲۶۰. روضه الشهداء، ص ۵۱۹.
  - ۳- ۲۵۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱ - ۷۷؛ مهدی موعود، ص ۷۱۹ - ۸۴۱.
  - ۴- ۲۶۵. طبق روایات شیعه، همان گونه که در متن نیز آمده نام مادر آن حضرت «نرجس خاتون» است.
  - ۵- ۲۶۱. حبیب السیر، ج ۲، ص ۱۰۰ - ۱۱۳.
  - ۶- ۲۶۲. الاثمه الاثنی عشر، ص ۱۱۷.
  - ۷- ۲۶۳. الاتحاف بحبّ الاشراف، ص ۱۷۹، نقل به اختصار.
  - ۸- ۲۶۴. این که نام پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام عبدالله است در حدیث صحیح و معتبر نیامده است، و نگارنده در این باره توضیحی دارد که در پایان بیانیه معروف علمای حجاز آمده است. جهت اطلاع به آنجا مراجعه فرمایید.
  - ۹- ۲۶۵. طبق روایات شیعه، همان گونه که در متن نیز آمده نام مادر آن حضرت «نرجس خاتون» است.

و امامیه می گویند: وی محمّد بن الحسن العسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ هجری از کنیزی به نام «نرجس» در سامرا در زمان خلافت معتمد عباسی متولّد شده است؛ سپس غایب گردید، بعد آشکار شد و دوباره غایب گردید، و این غیبت، غیبت کبری است و تا روزی که خدا بخواهد ظهور می کند.

از آنجا که نظر شیعه امامیه به نصّ صریح پیامبر نزدیکتر است و منظور من نیز دفاع از ملت محمّد صلی الله علیه و آله وسلم بدون تعصّب می باشد، لذا آن را برای شما خوانندگان نقل نمودم، تا بدانید که آنچه شیعه امامیه راجع به حضرت مهدی علیه السلام می گویند، با گفتار پیامبر مطابقت دارد». (۱)

## ۲۳ - شیخ سلیمان قندوزی حنفی بلخی

(متوفای سال ۱۲۹۴ هجری) از دانشمندان بزرگ و عرفای نامی اهل سنت و صاحب کتاب پر ارزش «ینایع المودّه» که مشتمل بر فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت است، در چندین باب راجع به مهدی موعود اسلام علیه السلام، به عنوان امام دوازدهم و پسر امام حسن عسکری علیه السلام سخن گفته است، در پایان باب ۷۹ در رابطه با ولادت حضرت مهدی علیه السلام چنین می نویسد:

«آنچه میان دانشمندان موثق و مورد اعتماد، محقق و مسلم است این است که ولادت حضرت قائم علیه السلام در شب پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا اتفاق افتاده است». (۲)

و در پایان باب ۸۶ نیز در همین رابطه می نویسد:

«شیخ مشایخ عظام، حضرت شیخ الاسلام احمد جامی و عطار نیشابوری و شمس الدین تبریزی و جلال الدین رومی و سید نعمه الله ولی و سید نسیمی و غیر از اینها - (که همگی سنی بوده اند) - در اشعار خود که به مناسبت مدایح اهل بیت سروده اند، همگی آنها این اشعار را به حضرت مهدی علیه السلام ختم کرده اند و همین خود دلیل بر این است که «مهدی» متولّد شده، و هر کس آثار این عرفا را بررسی کند به وضوح خواهد دید که

ص: ۱۶۲

۱- ۲۶۶. به کشف الاستار، ص ۵۲، و در چاپ دیگر به ص ۸۴ - ۸۵ مراجعه فرمایید.

۲- ۲۶۷. ینایع المودّه، ج ۳، ص ۳۰۶.

موضوع، بسیار روشن است»<sup>(۱)</sup>.

## ۲۴ - سید مؤمن شبلنجی مصری

(از علمای اواخر قرن سیزدهم) در کتاب نور الابصار - که در سال ۱۲۹۰ هجری قمری از تألیف آن فراغت یافته است - به مناسبت معرفی و شناساندن مهدی موعود علیه السلام چنین می نویسد:

«... در ذکر مناقب محمّد بن الحسن الخالص بن علی الهادی بن محمّد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمّد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب - رضی الله عنهم -

مادرش کنیزی بود که به وی نرجس - یا صیقل و یا سوسن - می گفتند. کنیه او ابوالقاسم است و شیعه به او حضرت حجّت و مهدی و خلف صالح و قائم و منتظر و صاحب الزمان می گویند، و مشهورترین لقب آن حضرت، مهدی علیه السلام است.

او جوانی چهارشانه، خوش صورت، دارای موهایی جاذب است که بر دو طرف شانۀ او فرو ریخته، و پیشانی باز و نورانی و بینی کشیده و باریک دارد، دربانش محمّد بن عثمان بوده و او آخرین امامان اثنا عشریه به مذهب امامیه است».

سپس می نویسد:

«در کتاب «فصول المهمّه» گوید: وی در سرداب سامرا غایب شد، در حالی که نگهبانان فراوانی بر آن گماشته بودند، و در صواعق می گوید: او همان است که قائم منتظر نامیده می شود...»<sup>(۲)</sup>

## ۲۵ - خیرالدین زرکلی معاصر

در کتاب «الاعلام» که آن را در ده جلد مشتمل بر شرح حال مختصر مشاهیر و دانشمندان، رجال و شخصیت‌های نامدار به زبان عربی نگاشته، و به عکس اغلب نویسندگان اهل سنّت بسیاری از رجال برجسته شیعه و همه امامان عالی مقام را نام برده، و طبق معمول آنها را به طور اجمال می شناساند، تحت عنوان «مهدی منتظر» چنین می نویسد:

«محمّد بن الحسن العسکری بن علی الهادی، ابوالقاسم و صاحب الزمان و منتظر و حجّت و صاحب سرداب است. در سامرا متولّد شد. هنگامی که پدرش وفات یافت او پنج

ص: ۱۶۳

۱- ۲۶۸. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۹، و در چاپ دیگر، ص ۴۷۲.

۲- ۲۶۹. نور الابصار، ص ۱۸۵، طبع اجنو، دار الفکر، ۱۳۹۹ و ص ۳۴۲، طبع دار الجیل بیروت.

سال داشت. وقتی به سن ۹ یا ۱۰ و یا ۱۹ سالگی رسید، وارد سردابی در خانه پدرش در سامرا گردید و دیگر از آن بیرون نیامد»<sup>(۱)</sup>.

این عده از دانشمندان و عده زیاد دیگری از آنها - که ما به جهت اختصار از ذکر نام و گفتار آنان خودداری می‌نمایم - از جمله کسانی هستند که به ولادت حضرت مهدی علیه السلام اعتراف نموده و او را پسر امام حسن عسکری علیه السلام می‌دانند.

جالب توجه آن که علاوه بر آنچه گفتیم، اسامی مبارک امامان معصوم شیعه، از جمله نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام در کتیبه‌های دور تا دور مسجد النبی صلی الله علیه وآله وسلم در مدینه منوره نوشته شده، که این خود بهترین دلیل و گواه صادقی است که مهدی موعود اسلام، کسی جز محمّد بن الحسن العسکری علیهما السلام و قائم منتظر و حضرت صاحب الزمان علیه السلام به عقیده شیعه امامیه نیست.

در این زمینه دانشمند گرانقدر حضرت آیه الله لطف الله صافی در کتاب «امامت و مهدویت»، می‌نویسد:

«از حسن موافقات که دلیل بر امکان حصول تفاهم ... بین شیعه و اهل سنت است، این است که اسامی ائمه اثنی عشر علیهم السلام در کتیبه‌های مسجد مقدّس پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در مدینه طیبه در قسمتی که در زمان ملک سعود بن عبدالعزیز و فیصل تجدید بنا شده، ثبت گردیده است.

و بر حسب آنچه که زمانی در یکی از کتب تاریخی معتبر دیده‌ام، سابق بر این هم، این اسامی طیبه در کتیبه‌های مسجد ثبت بوده با این تفاوت که در کتیبه‌هایی که قبل از تعمیر و تجدید بوده، اسامی ائمه علیهم السلام متصل به هم بود، و در کتیبه‌های فعلی به تفریق و - با فاصله - در بین اسامی صحابه و ائمه اربعه (اهل سنت) نوشته شده و نام (مبارک) حضرت مهدی علیه السلام به این عبارت: «محمّد المهدی رضی الله عنه»، رو به روی کسی است که از باب مجیدی به صحن مقدّس اول مشرف می‌شود، در وسط قرار گرفته است»<sup>(۲)</sup>.

ص: ۱۶۴

۱- ۲۷۰. این جمله را فقط در اینجا می‌بینیم، در صورتی که اکثر اهل سنت نوشته‌اند که امام عصر علیه السلام وقتی به سن پنج سالگی رسید، پدرش وفات یافت، و او در همان سال (۲۶۰ هجری) در خانه اش غایب شد، و او به هنگام وفات پدرش پنج ساله بود.

۲- ۲۷۱. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۹۸، پاورقی.

و در همین رابطه، نویسنده محترم کتاب «دانشمندان عامّه و مهدی موعود» نیز می نویسد:

«سر سلسله سلاطین حجاز در عصر ما که در تعصّب دینی و غلوّ در تسنّن مشهورند، طبق صلاحدید و به فرمان وی، علمای بزرگ، اسامی خلفای چهارگانه و عشره مبشّره و فقهای اربعه را با حروف طلایی برجسته هر کدام در دایره بزرگی در بلندی دور تا دور بنای جدید مسجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم نوشته، و از جمله اسامی دوازده امام، هر کدام با لقب مخصوص به خود همان طور که شیعه معتقد است، نوشته شده است، بدینگونه:

علی المرتضی رضی الله عنه، حسن المجتبی رضی الله عنه، حسین الشهیدرضی الله عنه، علی زین العابدین رضی الله عنه، محمّد الباقررضی الله عنه، جعفر الصادق رضی الله عنه، موسی الکاظم رضی الله عنه، علی الرضارضی الله عنه، محمّد التقی رضی الله عنه، علی النقی رضی الله عنه، حسن العسکری رضی الله عنه، محمّد المهدی رضی الله عنه».<sup>(۱)</sup>

و برای آگاهی بیش تر یادآور می شویم که احمد بن مستضی ء بنور الله، خلیفه عباسی نیز که یکی از بهترین و داناترین خلفای آل عباس بوده است، در سال ۶۰۶ هجری قمری دستور داد تا سرداب منسوب به امام زمان علیه السلام را تعمیر کنند، و میان صّفه و سرداب دری از چوب ساج بسیار عالی و زیبا کار گذارند.

بر روی این در نوشته است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* قُلْ لَا- أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا- الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسِينَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسَيْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ».<sup>(۲)</sup>

«هذا ما أمر بعمله سيّدنا ومولانا الإمام المفترض الطاعة على جميع الأنام، أبو العباس أحمد الناصر لدين الله أمير المؤمنين و خليفه ربّ العالمين الّذى طيّق البلاد إحسانه وعدله ... وحسبنا الله ونعم الوكيل، وصلى الله على سيّدنا خاتم النبيين وعلى آله الطاهرين وعترته وسلّم تسليمًا».

و در داخل صّفه بر پشت چوب ساج نوشته است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، محمّد رسول الله، أمير المؤمنين عليّ وليّ الله، فاطمه، الحسن بن عليّ، الحسين بن عليّ، علي بن الحسين، محمّد بن عليّ، جعفر بن محمّد،

ص: ۱۶۵

۱- ۲۷۲. دانشمندان عامّه و مهدی موعود، ص ۱۵۸.

۲- ۲۷۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمّد بن علی، علی بن محمّد، الحسن بن علی و محمّد بن الحسن القائم بالحقّ علیهم السلام». (۱)

مرحوم محدّث قمی رحمه الله در کتاب «تمه المنتهی» درباره این درب می نویسد:

«در زمان ما که سنه ۱۳۳۵ هجری است، آن در موجود است، و به اعلا درجه امتیاز متبّت کاری شده، و الحقّ در صناعت نجّاری از نفایس روزگار است. و با آن که این همه زمان بر آن گذشته و در مرور دهور به حفظ و نگاهداری آن اعتنا نشده و بعضی جاهای آن را شمع و چراغ سوخته اند، هنوز مثل بهترین جواهر جلوه گر است». (۲)

عالم بزرگوار محدّث نوری رحمه الله نیز در کتاب «کشف الاستار» پس از نقل تعمیر سرداب شریف به دستور الناصر لدین الله، می نویسد:

«اگر ناصر عقیده نداشت که سرداب مزبور، منسوب به حضرت مهدی علیه السلام است و یا محلّ ولادت ویا موضع غیبت و یا مقام بروز کرامت آن بزرگوار است، هرگز دستور نمی داد تا آن را تعمیر و بازسازی کنند و با مخارج گزافی آن را تزیین نمایند.

و اگر تمام علمای عهد ناصر در انکار وجود حضرت مهدی علیه السلام و متولّد شدن آن حضرت متفق بودند، بر حسب عادت انجام چنین کاری دشوار و بلکه اقدام او به تعمیر سرداب با این کیفیت محال بود.

بنابراین، تردیدی نیست که در میان علمای آن عصر، کسانی بوده اند که مانند گروهی دیگر از پیشینیان ایشان، دور از هرگونه تعصّب و بد نظری عقیده داشته اند که مهدی موعود علیه السلام جز بر پسر امام حسن عسکری علیه السلام که در سرداب سامرا غایب شده، قابل تطبیق نیست و ناصر هم به همین جهت اقدام به تعمیر و تزیین سرداب سامرا - یعنی محلّ غیبت حضرت مهدی علیه السلام - نموده است».

سپس محدّث نوری قدس سره در دنباله سخنان خود می گوید:

«علّت این که ما ناصر خلیفه عباسی را در شمار دانشمندان معتقد به وجود حضرت مهدی علیه السلام آوردیم، این است که ناصر از لحاظ فضل و دانش در میان محدّثان عصر خود ممتاز بوده است؛ زیرا ابن سکینه و ابن اخضر و ابن نجّار و ابن دامغانی از وی روایت

ص: ۱۶۶

۱- ۲۷۴. کشف الاستار، ص ۴۳ و در چاپ دیگر، ص ۷۵ - ۷۶.

۲- ۲۷۵. تمه المنتهی، جلد سوّم منتهی الآمال، ص ۳۶۸ - ۳۶۹.



از آنچه نقل نمودیم، این معنا به خوبی روشن می شود که از نظر اکثریت علمای عامه، مهدی موعود اسلام همان «ابوالقاسم محمد بن الحسن علیهما السلام» فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمی و علوی و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است.

زیرا اکثریت قریب به اتفاق ایشان گفته اند که ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری علیه السلام در سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا متولد شده، و او هم نام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و خلف صالح و مهدی و حجت و قائم منتظر و غایب از دیده ها خوانده می شود، و این گفتار با شخص دیگری غیر از پسر امام حسن عسکری علیه السلام تطبیق نمی کند. چون این اسم و کنیه و لقب، نه با آنها که پیش از ولادت وی دعوی مهدویت کرده اند قابل تطبیق است، و نه با آنها که پس از ولادت او چنین ادعایی کرده اند.

## ۲- افسانه سرداب

غالب علمای متعصب اهل سنت و حتی برخی از افراد منصف آنها ضمن بیان اوصاف مهدی صاحب الزمان علیه السلام، او را «صاحب سرداب» نامیده و گفته اند: شیعه می گوید که امام آنها در سرداب غایب شده، و در آنجا بسر می برد، و از سرداب بیرون می آید، یا از آنجا ظاهر می شود، و یا موقع رفتن به سرداب مادرش به او نگاه می کرد؛ ولی او دیگر برنگشت. اکنون به بحث و بررسی این موضوع می پردازیم.

«... این که حضرت بقیه الله علیه السلام کجا، کی و چگونه غایب شد؟! مطلبی است که جهان تشیع در معرض تهمت های فراوان از طرف دشمنان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است.

آخرین دیدار عمومی حضرت بقیه الله علیه السلام با شیعیان، روز هشتم ربیع الاول ۲۶۰ هجری بود که در مراسم تشیع جنازه پدرش برای آنان ظاهر شده، بر جنازه پدر بزرگوارش نماز خوانده، ناپدید شد؛ دیگر ملاقات رسمی و عمومی نداشت. این دیدار

ص: ۱۶۷

در «سامرا» درخانه پدرش امام حسن عسکری علیه السلام انجام یافت.

خانه امام حسن عسکری علیه السلام همانند دیگر خانه های اشراف عراق، شامل غرفه ای برای مردان و غرفه ای برای زنان و سرداب زیر زمین بود که سرداب نیز شامل غرفه هایی برای مردان و زنان می شد و در تابستان از شدت گرما به این سرداب پناه می بردند.

این سرداب محل زندگی و عبادت امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت بقیه الله علیه السلام بود و تمام دیدارها با حضرت ولی عصر علیه السلام در عهد پدر در همین منزل و در همین سرداب انجام یافته بود. از این رهگذر، شیعیانی که بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام برای زیارت قبر عسکرین علیهما السلام وارد سامرا می شدند، بعد از زیارت قبر آن بزرگواران، در محلّ عبادت سه امام بزرگوار نیز تَبَرُّکاً نماز می خواندند و آنجا را زیارت می کردند.

مقدّس شمردن آن سرداب از طرف شیعیان موجب شد که دشمنان اهل بیت، شیعیان را متّهم کنند بر این که آنها می گویند: امام زمان علیه السلام در سرداب مخفی شده است

ولی شیعیان از چنین اعتقادی پاک و منزّه هستند آنها سرداب را به این دلیل مقدّس می شمارند که محلّ زندگی و پرستش و نیایش سه امام معصوم علیهم السلام بوده است، محلّ زندگی حضرت حکیمه - عمّه امام حسن عسکری علیه السلام - و جناب نرجس خاتون - مادر والا گهر امام زمان علیه السلام - بوده است؛ و به خصوص محلّ رؤیت حضرت ولیّ عصر علیه السلام در عهد پدر بزرگوارش می باشد و بس.

ما هرگز چنین اعتقادی نداریم. ما فقط از دشمنان شیعه می شنویم که به ما نسبت می دهند که ما معتقدیم حضرت ولیّ عصر در چاهی در سرداب مقدّس مخفی است و تا روز ظهور در همانجا خواهد بود!

برای اثبات چنین مطلبی، مدرکی از کتاب های شیعه، از احادیث شیعه، از اقوال علمای شیعه لازم است که چنین مدرکی وجود ندارد و به صرف اتّهام از طرف دشمنان چنین مطلبی ثابت نمی شود»<sup>(۱)</sup>.

محدّث عالی مقام مرحوم حاج میرزا حسین نوری رحمه الله در خاتمه کتاب «کشف

ص: ۱۶۸

الاستار» درباره سرداب سامرا می نویسد.

«ما هرچه مراجعه کردیم و تفحص نمودیم از آنچه درباره سرداب گفته اند، در کتابهای علمای شیعه هیچ گونه اثری ندیدیم؛ بلکه اصلاً ذکری از سرداب به عنوان «سرداب غیبت» به میان نیامده است»<sup>(۱)</sup>.

مرحوم آیت الله صدر رحمه الله نیز در کتاب «المهدی علیه السلام» در این باره می نویسد:

«مسأله غیبت ابوالقاسم محمّد بن الحسن علیه السلام نزد ما شیعیان امامیه صحیح است؛ اما آنچه را که در این باره بعضی از عوام شیعه می گویند و بسیاری از خواص اهل سنت نیز به ما نسبت می دهند، من نه برای آن مدرکی می شناسم و نه سندی یافته ام»<sup>(۲)</sup>.

اکنون ببینید دانشمند بزرگ اهل سنت، ابن خلدون در کتاب مشهور خود به نام «مقدمه» چگونه در افشانی می کند؛ زیرا آنجا که از «اثنا عشریه» سخن می گوید می نویسد:

«شیعیان عقیده دارند که دوازدهمین امام از امامان ایشان، یعنی محمّد بن الحسن العسکری که او را مهدی می خوانند وارد سرداب خانه خود در «حله»<sup>(۳)</sup> شد و هنگامی که مادرش بازداشت شد، همانجا غایب گردید و تا کنون منتظر او هستند. هر شب بعد از نماز مغرب اسبی را می آورند جلو در سرداب مزبور می ایستند و او را به نامش صدا می زنند و از وی می خواهند که خروج کند تا این که ستارگان به در آیند، آنگاه پراکنده می شوند و موکول به شب آینده می کنند و تا کنون آنها چنین اند»<sup>(۴)</sup>.

دانشمند بزرگوار فقید، علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی رحمه الله در کتاب گرانقدر «الغدیر» آنجا که تهمت های «قصیمی» مؤلف کتاب «الصراع بین الإسلام و الوثئیة» را پاسخ می دهد، می نویسد:

«داستان عجیب سرداب، زشت ترین چیزی است که دشمنان و مخالفان به ما نسبت داده اند. هرچند که قصیمی در این نسبت ناروا تنها نیست، ولی او اضافه بر گذشتگان

ص: ۱۶۹

۱- ۲۷۸. کشف الاستار، ص ۲۱۲، ط ۳.

۲- ۲۷۹. المهدی، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.

۳- ۲۸۰. حله، یکی از شهرهای بزرگ عراق است که میان بغداد و کوفه واقع شده است، (لغتنامه دهخدا).

۴- ۲۸۱. مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۴۹، فصل ۲۷، چاپ دار الفکر بیروت.

نوشته است که «افزون از هزار سال است که شیعیان هر شب در مقابل سرداب می ایستند و منتظر ظهور هستند» در صورتی که شیعه نمی گوید غیبت امام زمان علیه السلام در سرداب انجام گرفته، یا از آنجا ظهور می کند، بلکه شیعه مطابق احادیث رسیده معتقدند که امام غایب آنها در مکه معظمه مقابل خانه کعبه ظهور می کند، و هیچ کس نگفته است وی در سرداب بسر می برد یا سرداب محلّ غیبت آن حضرت است. بلکه سرداب سامرا جزء خانه امامان معصوم علیهم السلام بوده و مانند سایر قسمت های خانه احترام دارد و این احترام بدین جهت است که سرداب محلّ زندگی سه امام معصوم علیهم السلام بوده است».

آنگاه علامه امینی رحمه الله می افزاید:

«ای کاش این افترا زندگان درباره سرداب نظر واحدی ابراز می داشتند تا دروغ آنها موجب آن همه رسوایی نشود. مثلاً «ابن بطوطه» در سفر نامه اش می نویسد: این سرداب در «حله» است، و قرمانی در «اخبار الدول» می گوید: در بغداد است، و دیگران گفته اند: در «سامرا» است، و قصیمی آمده و متحیر گردیده که بگوید این سرداب در کجاست؟ ولذا به ذکر «سرداب» اکتفا نموده تا منظور پلید خود را بیوشاند».<sup>(۱)</sup>

همچنین دانشمند فقید سید محمّد سعید هندی رحمه الله مؤلف کتاب «الامام الثانی عشر» در آغاز تخطئه تهمت سرداب به شیعه، می نویسد:

«موضوع سرداب از نسبت های ناروا و شگفت آوری است که به ما نسبت داده اند، زیرا نه یک حدیث از طریق شیعه در این خصوص وارد شده است، و نه مخالفان نام کتابی از شیعه می برند که در آن نوشته باشد، و نه دانشمندی از ما را ذکر می کنند که گفته باشد و از وی نقل نمایند. از اینها گذشته، غیبت در سرداب و بقای حضرت در آنجا در هیچ کتاب شیعه نیست».<sup>(۲)</sup>

البته باید توجه داشت که در بعضی از کتب ادعیه و غیر آن نام سرداب سامرا به میان آمده است و برخی از دعاها و زیارات در آنجا خوانده می شود؛ ولی این بدان معنا نیست که سرداب محلّ غیبت امام زمان علیه السلام است و حضرتش در سرداب باقی مانده است؛ بلکه همان گونه که قبلاً یادآور شدیم چون سرداب محلّ زندگی سه امام معصوم علیهم السلام از

ص: ۱۷۰

۱- ۲۸۲. الغدير، ج ۳، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۲- ۲۸۳. دانشمندان عامّه و مهدی موعود علیه السلام، ص ۳۹.

جمله امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت ولی عصر علیه السلام بوده است، از این رو دعاها و زیارت ها را در آنجا می خوانند.

آری خواننده گرامی! داستان سرداب سامرا افسانه ای است که ساخته و پرداخته دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت است، و ما هرگز چنین اعتقادی نداریم که سرداب، محلّ غیبت حضرت ولیّ عصر علیه السلام بوده و یا از آنجا ظهور می نماید، بلکه «... ما مثل همه شیعیان در طول تاریخ معتقدیم که حضرت ولیّ عصر علیه السلام در تحت عنایات خاصّ پروردگار در اقطار و اکناف جهان در گردش است؛ همه ساله در مراسم حجّ شرکت می جوید و قبر اجداد طاهرینش را در مدینه، عراق و طوس زیارت می کند و با خدم و حشم - که تعداد آنها سی نفر است - به اقامتگاه خود در نقاط دور دست جهان و به دور از تیر رس دشمنان باز می گردد.

ما به صراحت اعلام می کنیم که مقدّس شمردن سرداب به همین دلیل است، و این تقدیس اختصاص به این مکان ندارد، بلکه هر کجا که مشخصاً معلوم باشد که محلّ عبادت یکی از امامان معصوم بوده است، از آنجا هم تبرّک می جوئیم، و هر کجا بدانیم که حتّی یک بار و یک لحظه حضرت ولیّ عصر علیه السلام دیده شده، آنجا را هم زیارت کرده و تبرّک می جوئیم - همچون مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در قم و جز آنها - و هرگز راز دیگری در آن معتقد نیستیم.

ما اگر زادگاه حضرت بقیه الله علیه السلام را زیارت می کنیم، در مکه نیز علیرغم فشار شرطه سعودی زادگاه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را زیارت می کنیم و تبرّک می جوئیم که حبّ محمّد و آل محمّد صلی الله علیه وآله وسلم با آب و گل ما آمیخته است و چون اکنون دست ما به دامن مقدّس امام، حجّت، مولی، سرور و رهبرمان نمی رسد، هر کجا بدانیم گام نهاده، آنجا را زیارت می کنیم و هر کجا بدانیم که از هوای آنجا استنشاق نموده، از آنجا نیز تبرّک می جوئیم؛ کجا رسد به محلّی که به طور جزم مشخص است که سه تن از امامان معصوم علیهم السلام زندگی پر ثمر شان آنجا سپری شده، در آنجا شبها را تا به سحر به عبادت حقّ پرداخته اند. حجّت خدا در آنجا به دنیا آمده، نفس هایش بر در و دیوار آنجا نقش بسته است، و هر سال برای زیارت قبور شریفه پدر، جد، مادر و عمّه اش به آنجا تشریف فرما شده است» (۱).

ص: ۱۷۱



## بخش ششم: قضاوت های نادرست و داوری های حساب نشده

### اشاره

شامل:

- ۱- نظر «مارگلی یوت» اسلام شناس هندوستان
- ۲- نظر سید امیر علی دانشمند اسلامی هندوستان
- ۳- محمد احمد سودانی و ادعای مهدویت
- ۴- اعتراف «جیمز دار مستتر» به اصالت مهدویت
- ۵- مدعیان مهدویت و سوء استفاده از عنوان مهدی موعود

ص: ۱۷۳





اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان بزرگ اهل سنت، احادیث مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را پذیرفته، و عده زیادی از بزرگان آنها، این روایات را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بزرگان صحابه و تابعین در کتب خود نقل نموده، و به صحت و تواتر آنها گواهی داده و حتی گروه زیادی از آنان به میلاد مسعود پسر امام حسن عسکری علیه السلام به نام حضرت مهدی علیه السلام اعتراف کرده اند؛ ولی برخی از خاورشناسان مغرض غربی و تعداد معدودی از پژوهشگران شرقی و اسلامی که تحت تأثیر افکار غربی های اسلام شناس قرار گرفته اند، این اصل مسلم اسلامی را نپذیرفته و معتقدند که ایمان به وجود مهدی موعود علیه السلام، واکنشی از وضع نابسامان مسلمانان در دوران های تاریک تاریخ اسلام است. و حتی اصرار دارند که عقیده به ظهور یک «مصلح جهانی» را، یک فکر وارداتی که از یهود و نصاری گرفته شده است، تلقی کنند.

### ۱ - نظر مارگلی یوت اسلام شناس اروپایی در باره حضرت مهدی علیه السلام

#### ۱ - نظر مارگلی یوت اسلام شناس اروپایی در باره حضرت مهدی علیه السلام

بسیار شگفت انگیز است که جستجو گرانی از غرب همچون «مارگلی یوت» در مسأله مهدویت به کنکاش و تحقیق پرداخته و به انکار احادیث مربوط به مهدی علیه السلام برخاسته اند و پیدایش عقیده به ظهور مهدی موعود اسلام را، ناشی از ظلم، فشار و تبعیض در جامعه اسلامی، و پریشانی، و آشفتگی اوضاع نابسامان جهان اسلام پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ناشی از نا امنی حاصل از آن، دانسته است.

نویسنده کتاب «دیباچه ای بر رهبری» در این باره می نویسد:

«مارگلی یوت، اسلام شناس بزرگ اروپایی، در مقاله تحقیقی خود در باره «مهدی» که در سال ۱۹۱۵ میلادی برای دایره المعارف دین و اخلاق نگاشته است، پس از نقد

تفصیلی از احادیث مربوط به مهدی علیه السلام و ریشه شناسی واژه مهدی، در اصالت احادیث که از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم باشد تردید می ورزد و همچنان منشأ اعتقاد به مهدی علیه السلام را، در نابسامانی ها و اختلافات جهان اسلام پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جستجو می کند» (۱).

نویسنده در ادامه می نویسد: «مارگلی یوت» می گوید:

«احادیث را هرگونه تفسیر کنند، دلیلی قانع کننده در دست نیست که تصوّر کنیم پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ظهور یک «مهدی» را برای احیا، تحقق، اکمال و تقویت اسلام، لازم و حتمی شمرده باشد. لیکن درگیری آتش جنگ داخلی در میان یک نسل پس از وفات پیغمبر و درهمی و آشفتگی جهان اسلام که بر اثر اختلافات آنان با یکدیگر روی داد، موجب اقتباس فکر ظهور منجی از یهود یا مسیحیان گردید که به ترتیب در انتظار و بازگشت مسیح بسر می برند» (۲).

### ردّ نظریه مارگلی یوت

باتوجه به عدم صداقت خاورشناسان و غرض ورزی آنان و نداشتن اطلاعات کافی در باره اسلام و محدود بودن مطالعات آنان بر اثر مشکلات ناشی از زبان شناسی و جامعه شناسی، ما نمی دانیم که جناب مستر «مارگلی یوت» کدام یک از منابع اصیل اسلامی را مطالعه کرده و چه کتابهایی را خوانده که دلیل قانع کننده ای که او را قانع کند در منابع معتبر اسلامی نیافته است؟!!

چگونه است که همه دانشمندان و محققان اسلامی بدون استثناء، حتی ابن خلدون که به عنوان مخالف احادیث مربوط به ظهور مهدی علیه السلام شناخته شده، لا اقل به صحت و شهرت برخی از آن احادیث گواهی داده، و عدّه زیادی از بزرگان و دانشمندان اسلام در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام متواتر است و به هیچ وجه قابل انکار نیست، ولی جناب مستر مارگلی یوت، نتوانسته است قانع شود؟!!

چگونه است که آن همه حدیث شناسان اسلامی و دانشمندان شیعه و سنی و حتی تندروترین گروههای اسلامی مانند وهابیان، احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را در مهمترین

ص: ۱۷۶

۱- ۲۸۵. دیباچه ای بر رهبری، ص ۲۰۰.

۲- ۲۸۶. همان، ص ۲۰۱.

منابع روایتی خود نقل کرده و اعتراف نموده اند که در میان این احادیث، احادیث صریح و صحیحی وجود دارد که غیر قابل انکار است؛ ولی جناب مستر مارگلی یوت آنها را انکار می کند؟!!

آیا تعداد ۶۲۰۷ حدیث که از ۱۵۴ کتاب معتبر شیعه و سنی نقل شده است، با ذکر مشخصاتی که برای معرفی مهدی موعود آمده است و اعتراف آن همه حدیث شناس و دانشمند، نمی تواند دلیلی قانع کننده بر اصالت عقیده به ظهور مهدی موعود علیه السلام باشد، تا نیازی به اقتباس این فکر، از یهود و نصارا، نباشد؟!!

اینها سؤال هایی است که خود او باید پاسخگوی آن باشد. به عقیده ما ظاهراً خاورشناسان و اسلام شناسانی چون مارگلی یوت به دلیل محدود بودن مطالعات شان، تحت تأثیر نوشته های ابن خلدون قرار گرفته و به انکار احادیث مربوط به مهدی علیه السلام پرداخته اند؛ در صورتی که منطق ابن خلدون کاملاً نادرست و انگیزه مخالفت او با احادیث مزبور، تعصب های خاص مذهبی و پاره ای از مصلحت اندیشی های بی دلیل است.

### نکته ای که بر همه پوشیده مانده است

در اینجا بد نیست به نکته بسیار مهمی که بر همه نویسندگان شرقی و غربی و حتی بر بسیاری از پژوهشگران اسلامی پوشیده مانده است، اشاره کنیم و انگیزه مخالفت ابن خلدون را با احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام آشکار سازیم.

آنچه از منابع مهم و موثق تاریخی و حتی از نوشته های خود ابن خلدون در کتاب «مقدمه» استفاده می شود این است که:

از آنجا که ابن خلدون از مردم اندلس بوده و در مصر می زیسته و اصولاً میانه خوبی با خلفای فاطمی شیعی مصر نداشته است، سعی کرده است با ردّ و انکار احادیث مربوط به مهدی علیه السلام ثابت کند که «مهدی موعود اسلام» ربطی به «مهدی فاطمی» سر سلسله سلاطین فاطمی مصر که برخی پنداشته بودند او «مهدی موعود» است، ندارد.

به همین جهت، وی بحث خود را با آن شرح و تفصیل، تحت عنوان «گفتگو در باره خروج مردی فاطمی» آغاز نموده و برای اثبات این مطلب که عیب‌الله بن محمد

سرسلسله و جدّ سلاطین فاطمی مصر که در شمال آفریقا بر ضد امرای «سنّی اغلبی» قیام نمود، و شهر «مهدیه» را بنا نهاد، مهدی موعود نیست، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را با استدلال‌های واهی مورد انتقاد قرار داده است، تا بدین وسیله با خراب کردن احادیث مربوط به مهدی موعود علیه السلام، مهدی فاطمی را خراب کند، و او را تخطئه نماید، غافل از این که این کار نادرست و بیشتر احادیث مربوط به «مهدی موعود علیه السلام» را بی اعتبار می کند.

با توجه به آنچه گذشت، برخی چنین پنداشته اند که منظور ابن خلدون از مرد فاطمی، حضرت مهدی علیه السلام است، در صورتی که چنین نیست و همان گونه که توضیح دادیم مقصود او عبیدالله بن محمد، مهدی فاطمی جدّ سلاطین فاطمی مصر است، زیرا وی در آخر همان بحث وقتی با انبوه روایات مربوط به مهدی علیه السلام رو به رو می شود و می بیند که همه منابع معتبر اهل سنّت، این روایات را نقل کرده اند، گوید که قسمتی از احادیث مربوط به «مهدی» غیر قابل انتقاد است. و هر چند که این ابراز عقیده بسان ضرب المثل معروف «کوسه و ریش پهن» است، امّا در عین حال، از نتیجه گیری خود او در آخر بحث مذکور، معلوم می شود که وی عقیده داشته است که شخصی به نام «مهدی» از دودمان اهل بیت علیهم السلام در آخر الزمان قیام خواهد کرد.

اما بر اساس کدام روایات؟ ظاهرش آن است که بر اساس همان روایاتی که وی آنها را مردود، دانسته است.

به طور خلاصه، سخنان جنجال برانگیز ابن خلدون در باره مهدویت، هرگونه تفسیر شود، مسلم است که با توجه به زمینه تب مهدی پرستی و گرم بودن بازار مهدویت در عصر وی و شرایط خاصی که در زمان او در جهان اسلام پدید آمده بود و اینکه برخی از افراد فرصت طلب، برای پیشبرد اهداف خود از عنوان «مهدی موعود» استفاده می کردند، ابن خلدون به خاطر این سوء استفاده از حقیقت، به اصل حقیقت تا اندازه ای بی اعتقاد شده، و در واقع برای تخطئه کردن «مهدی فاطمی» سر دودمان سلاطین فاطمی مصر، در صحت برخی از احادیث مهدی موعود ایجاد شبهه نموده است.

او با این روش غیر علمی خود را در نظر علما، بزرگان، دانشمندان، تاریخ نویسان و دیگر طبقات مردم، و همچنین نسلهای آینده تاریخ بی اعتبار ساخته تا جایی که وی را به

عنوان مخالف احادیث مهدی موعود بشناسند، و اشخاصی هم مانند غربی‌های شرق شناس و اسلام شناس مغرض، امثال مارگلی یوت با تکیه و اعتماد به نوشته‌های او، به خود حق دهند که در باره اسلام و عقاید اسلام و احادیث اسلامی اظهار عقیده کنند و بگویند که دلیل قانع کننده‌ای بر اثبات وجود «مهدی» و صحت احادیث از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم که ظهور یک مهدی را برای تقویت اسلام، لازم و حتمی شمرده باشد، در دست نیست.

## ۲- نظر سید امیر علی دانشمند اسلامی هندوستان

### ۲- نظر سید امیر علی دانشمند اسلامی هندوستان

شگفت‌انگیزتر از نظریه اسلام شناس اروپایی، نظریه «سید امیر علی» دانشمند اسلامی هندوستان است.

وی در کتاب «روح اسلام» که در باره تاریخ تکوین عقاید اسلامی نوشته است، پس از بحث مختصری در مورد چگونگی اعتقاد به «مهدی موعود در اسلام» می نویسد:

«پژوهشگر فیلسوف مشرب ادیان، در ملاحظه همانندی میان پندار شیعه و سنی (در باره مهدی) و ادیان گذشته، دستخوش دشواری نخواهد شد. در میان زرتشتیان، کشتار و ستم بارگی «سلوکیان» سبب پیدایش این عقیده گشت که یک منجی مبعوث آسمانی به نام «سوسیوس» از خراسان خروج خواهد کرد تا آنان را از اسارت نکبت بار بیگانگان رهایی بخشد.

علل مشابهی موجب زایش اشتیاق سوزانی در میان یهود، هنگام طلوع ستاره «مسیح» گردید. یهودیان هنوز در انتظار «مسیح موعود» خود بسر می برند.

اهل سنت در اسلام نیز همانند یهود معتقدند که هنوز مهدی، واپسین منجی بزرگ اسلام، از مادر نزاییده است. ترسایان می گویند: مسیح آمده است و رفته است؛ ولی از نو باز خواهد آمد.

شیعیان اثنا عشری به مثابه ترسایان، در انتظار بازگشت و رجعت مهدی زنده غایب اند که به خاطر استقرار عدل و بهزیستی، قیام خواهد کرد».

سپس همین دانشمند، در باره سبب پیدایش این انتظار همانند، به ریشه یابی پرداخته، و علل اختلاف تفصیلی آن را نزد هر یک از ادیان، بر شمرده است و آنگاه

«شرایط عصری که در اسلام، عقیده «مهدی موعود» به دو صورت مشخص خود، میان سنی و شیعه، تکوین یافته است، همان شرایطی است که در تاریخ ادیان دیگر دیده می شود.

هر زمان که در اسلام دستها به سوی آسمان برافراشته می شود، همانند لبهای دعا گوی فرزندان اسرائیل و پیروان مسیح، ظهور مبعوث موعود آسمانی را التماس می کنند تا مگر هرچه زودتر، جهان را از رنج و گناه رهایی بخشد».<sup>(۱)</sup>

و بدین ترتیب پژوهشگر فیلسوف مشرب ادیان «سید امیر علی» نیز، در دام حيله های خاورشناسان غربی گرفتار آمده و همانند برخی از خاورشناسان، سبب پیدایش عقیده به ظهور مهدی علیه السلام را، پریشانی و آشفتگی اوضاع جهان اسلام دانسته است؛ غافل از این که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک عقیده اصیل دینی و مذهبی است که در تمام کتب مذهبی ملل مختلف جهان از آن سخن رفته است و در منابع و مدارک اسلامی، ادله آن به حدی زیاد است که به قول دانشمند معروف اهل سنت، مؤلف کتاب «التاج»: اگر کسی ذره ای ایمان و اندکی انصاف داشته باشد، هیچ گاه نمی تواند در اصالت احادیث و صحّت عقیده به ظهور مهدی موعود علیه السلام تردید نماید.

### آیا ناکامی و ستم، علت عقیده به ظهور مهدی علیه السلام است؟

بر خلاف تصوّر کسانی که می پندارند ناکامی و ستم، علت عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و می گویند که هر زمان که فشارها و محرومیت های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و غیره بالا-رود، عقیده به ظهور یک «نجات دهنده بزرگ» تشدید می شود، احساس ناکامی، ستم، فشار و تبعیض در جامعه، باعث پیدایش این عقیده دیرین در بین مردم نشده است.

عقیده به ظهور یک نجات دهنده بزرگ، عقیده ای اصیل و دینی است که در فطرت بشر، مانند ترس و خشم و تشنگی و سایر تمایلات ریشه قطعی دارد و وجود این عقیده

ص: ۱۸۰

در هر شرایطی، خواه در حال رفاه و آسایش و خواه در حال نا امنی و گرفتاری، حاکی از همین فطری بودن است. منتهی در موقعی که در یک جامعه، فشار و اختناق و زورگویی و احساس تبعیض و ستم به اوج خود می رسد، انگیزه روی آوردن مردم آن جامعه به یک «رهاننده بزرگ» شدت می یابد.

زیرا اشتیاق به بهروزی، و تحقق آرمانهای دیرپای انسانی، نیاز به رهبری را در وجود انسان ها تشدید می نماید و آنها را به جستجوی یک رهبر و راهنمای دلسوز و پیشوای قدرتمند، برای رهایی از ظلم و ستم بر می انگیزد.

روی این بیان، انسان ها در کشاکش این اشتیاق، بهروزی و امید به بهروزی، «برترین رهبری» را در وجود «برترین رهبران» جستجو می کنند، و این اشتیاق و امید به حدی در وجود آنها شعله ور می گردد که به اشتباه، به جای رهبر واقعی، به بدل از راهنما و یا رهبران انتزاعی روی می آورند و هنگامی که به صورت ظاهر، برترین رهبر خود را پیدا کردند، در راه او از هیچ کوششی دریغ نمی نمایند و در مقام ایثار و فداکاری سر از پا نمی شناسند.

به تعبیر نویسنده «دیباچه ای بر رهبری»:

«بدین ترتیب، در حقیقت بشریت در احلام زرین و رؤیاهای طلائی خود از حکومت ایده آل، در مدینه فاضله، در مسیح جویی ها، خضر خواهی ها و مهدی پرستی های خود، در اشتیاق سوزان و عمیق و دیرین خویش، برای یک قطب، یک پیر، یک مراد، یک امام، و بالاخره منجی بزرگ بشریت، در واقع خواهان همان «برترین رهبری» است.» (۱)

بنابراین، احساس نا امنی و شیوع فتنه و آشوب در جامعه، می تواند انگیزه تشدید گرایش به «برترین رهاننده» بشود؛ ولی نمی تواند عامل پیدایش اصل عقیده و ایمان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و گرایش به «منجی موعود» گردد. زیرا این عقیده، یک عقیده ثابت دینی است که با اعماق فطرت بشر سر و کار دارد.

اینک، برای شناخت کامل این موضوع، به یک جریان مهم تاریخی توجه فرمایید.

ص: ۱۸۱

قرن نوزدهم، قرن سیادت استعمار انگلستان بر نیمی از جهان بود. از آن میان سرزمین سودان، بیش از همه زجر و شکنجه می دید؛ زیرا گرفتار بهره کشی مضاعف شده بود که می بایست هم زور و آزار مصریان و هم تحقیر و فشار انگلستان را تحمل نماید. چه بسیار جوانان بی گناه سودانی را که به اجبار، به بازارهای جهانی «برده فروشی» کشانده و به عنوان غلام و کنیز فروخته بودند. مالیات های سنگین و کمرشکن، دیگر رمقی برای این توده رنجبر و فقیر به جا نگذاشته بود.

در چنین روزگاری در کشور همسایه، شیخی از اهالی «سنوس» مراکش، بینوایان را مژده می داد که به زودی «مهدی» منجی دادگر خواهد آمد. چیزی نگذشت که در سال ۱۲۹۷ هجری قمری، درویشی جوان به نام «محمد احمد بن عبدالله دنقلی» که گرد خویش مریدانی دیده بود، خود را «مهدی منتظر» خواند و یکباره دریایی از هیجان در سودان پدید آورد.

مردم ستم دیده به او پیوستند. او به وسیله نیروی انتظار، از همان سر و پا برهنگان، سپاهی جنگاور ساخت که نه فقط نیروهای مصری را شکست دادند، بلکه نظامیان مجهز و کارآموده انگلیسی را نیز تار و مار نمودند. روحیه آنها به حدی قوی شده بود که با یک دست، گلوی سربازان تفنگدار را می گرفتند و با دست دیگر، به یک ضربت شمشیر سر از بدنشان جدا می ساختند.

چند تن از فرماندهان ارشد انگلیسی همچون «کلنل هیکس» و «ژنرال استوارت» و «ژنرال گوردن» در نبرد با او نابود شدند. در نبرد با «هیکس» نزدیک به دوازده هزار نظامی تفنگ به دوش، با هزاران شتر و اسب و بیست توپ، به جنگ درویشان آمدند، اما در نهایت امر، تنها سیصد سرباز زخمی و نیمه جان، بجا ماندند.

با مرگ ژنرال گوردن، «خارطوم» به تصرف محمد احمد در آمد. «گلاستون» نخست وزیر وقت انگلستان در پارلمان انگلیس، به خاطر این شکست افتضاح آمیز از یک مشت درویش بی ساز و برگ، استیضاح شد و بناچار در برابر نمایندگان پارلمان، قرآنی به دست گرفت و چنین گفت:

«تا وقتی این کتاب، بر افکار انسان های مشرق زمین حکومت می کند، نفوذ ما و



حکومت ما بر این کشورها امکان ناپذیر، و تحقق افکار ما غیر ممکن خواهد بود»<sup>(۱)</sup>.

آری! از نقل همین یک نمونه مختصر، اصالت مسأله مهدویت آفتابی می شود و روشن می گردد که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک اعتقاد عمیق دینی و مذهبی است. لذا تا هنگامی که «مهدی موعود» برترین رهایی بخش، ظهور نکرده است، قلب توده های محروم از عشق به برترین رهبر، ملامت و هنگام یأس و نومیدی، به خصوص در لحظات فشار و اختناق، دستها به سوی آسمان برافراشته می شود و ظهور مبعوث آسمانی را التماس می کنند. این یک حقیقت است که دروغ در آن راه ندارد.

#### ۴ - اعتراف «جیمز دارمستر» به اصالت مهدویت

در سال ۱۸۸۵ میلادی، به هنگام شکست قوای انگلیس از محمد احمد سودانی، دانشگاه «سوربن» فرانسه کنفرانسی از استادان و پژوهشگران ترتیب داد و «دارمستر» خاورشناس و زبان‌دان فرانسوی را پشت تریبون فرستاد تا اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را از ریشه بی اعتبار وانمود سازد و مستعمرات مسلمان نشین فرانسه، کمتر در خطر انقلاب ناشی از این عقیده انگیزنده قرار گیرند.

دارمستر، خاورشناس فرانسوی پشت تریبون رفت و هنگام بحث در باره ظهور و قیام «محمد احمد» (متمهدی سودانی) چهار ماه قبل از مرگ مرموز و نابهنگام متمهدی مزبور، ضمن اعتراف به اصالت مهدویت و عقیده به ظهور «منجی بزرگ» در بحث طولانی خود در پاریس، چنین گفت:

در این دنیا به ویژه در جهان اسلام، تاریخ با چنان وضع غریبی تکرار می شود که اگر سرگذشت متمهدی های گذشته را برای شما نقل کنند، مثل این است که تاریخ ماضی و حال و آینده مهدی امروزی را بیان کرده باشند. متمهدی امروزی، در نوع خود، نمونه نخستین نیست که ظهور کرده است و مسلماً آخرین نفر هم نخواهد بود. مدعیان مهدویت بسیار بوده اند و بعد از او نیز خواهند بود. تاریخچه و نفوذ سحر آسای این مردمان و نوید دادن و کامیابی آنان و نومیدی که ناچار در آخر کار رخ می دهد، مکرر در

ص: ۱۸۳

---

۱- ۲۸۹. انتظار بذر انقلاب، ص ۱۷۰ - ۱۷۲، به نقل از مجله قانون، سال ۱۳۳۱ سری مقالات عبدالهادی حائری.

عالم اسلام صورت گرفته و بعد از این هم مکرر صورت خواهد گرفت. ظهور مهدی را از نخستین ایام پیدایش اسلام انتظار داشته اند. و تا زمانی که یک نفر مسلمان باقی باشد، مهدی ها ظهور خواهند کرد» (۱).

آری! همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه نمودند، با این که دار مستتر، خاورشناس و زبان‌دان فرانسوی، مأموریت پیدا می کند تا در سخنرانی خود، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را از ریشه بی اعتبار وانمود سازد، با این همه وی در ضمن سخنرانی خود، به اصالت مسأله مهدویت اعتراف می کند و می گوید: «ظهور مهدی را از نخستین ایام پیدایش اسلام انتظار داشته اند».

از اینجا معلوم می شود که دلایل عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام تا چه اندازه قوی و محکم و قانع کننده است که حتی یک نفر غیر مسلمان نیز، جرأت انکار اصل مسأله مهدویت را ندارد و آن را از مسایل اعتقادی مسلمانان به شمار می آورد و یادآور می شود که عقیده به ظهور مهدی موعود از نخستین دوران پیدایش اسلام در بین مسلمانان وجود داشته است.

جداً جای بسی تأسف است که برخی از مسلمان نماها و به تعبیر دیگر، کاسه های داغ تر از آش و پژوهشگران فیلسوف مشرب، که تحت تأثیر افکار غربی های مغرض قرار گرفته اند، می کوشند تا با استدلال های احمقانه، عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را یک فکر وارداتی تلقی کنند.

## ۵ - مدعیان مهدویت و سوء استفاده از عنوان مهدی موعود

یکی از دلایل مخالفان مسأله مهدویت و ایراد های بنی اسرائیلی آنان در عدم پذیرش احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام این است که می گویند: این اخبار و احادیث، مورد سوء استفاده «مدعیان مهدویت» قرار گرفته و در طول تاریخ اسلام، مدعیان فراوانی را که به دروغ ادعای مهدویت نموده، و خود را به عنوان «مهدی موعود» معرفی کرده اند، برانگیخته است.

ص: ۱۸۴

پاسخ ما به این کوتاه نظران ساده لوح کج اندیش یا در حقیقت غرض ورزان بی منطق، این است که یکی از دلایل روشن اصالت مسأله مهدویت خود همین موضوع مدعیان مهدویت است؛ زیرا اگر چیزی اصالت نداشته باشد تقلبی آن یافت نمی شود.

دلیل ما بر اثبات این مدعا آن است که در طول تاریخ بشر، فرعون ها ادعای خدایی کرده اند؛ چون وجود «خدا» اصالت دارد و اصالتش برای همگان ثابت و روشن است. و از این رو، عده ای خواسته اند خود را به جای آن حقیقت و واقعیت جا بزنند.

«مسئله ها» ادعای نبوت کرده اند، چون نبوت اصالت دارد و عده ای خواسته اند که خود را به جای انبیا قالب کنند.

مهدویت نیز، اصالت دارد و لذا عده ای چون ابو محمد عبیدالله (مهدی فاطمی، سر سلسله سلاطین فاطمی مصر) و محمد احمد سودانی و علی محمد باب شیرازی و دیگران خواسته اند خود را به جای مهدی واقعی جا بزنند. پس وجود متمهدی ها (یعنی مدعیان دروغین مهدویت) خود یکی از دلایل اصالت و واقعیت مهدویت است.

اگر بخواهیم اندکی عمیق تر در باره این مسأله گفتگو کنیم، باید بگوییم: سیری کوتاه در مسأله مهدویت، ما را به این حقیقت آشنا می سازد که هر موقع در میان ملت‌ها، زور، فشار و تبعیض و احساس ظلم و ستم و بی عدالتی رو به فزونی رفته است و مردم وجود چنین وضعی را از نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته و طبق فطرت ذاتی خود متوجه درگاه حضرت احدیت گردیده و با الحاح و نیایش برای رفع جنایتها و خیانت ها و رهایی از ظلم و ستم، از ذات مقدس باری تعالی یاری طلبیده اند تا به چنین وضع نکبت باری خاتمه دهد، فرصت طلبان ریاکار که زمینه مساعدی برای تحقق اهداف نامشروع خود آماده و مهیا دیده اند، بی درنگ از عقاید پاک مردم سوء استفاده نموده، خود را «مهدی موعود» معرفی کرده اند و برخی از ساده اندیشان هم که در باره مهدی موعود علیه السلام، دچار اشتباه گردیده به آنها گرویده و به دعوت آنان پاسخ مثبت داده اند.

باری، هر چند در طول تاریخ از این حقیقت، یعنی: مهدویت سوء استفاده شده است؛ ولی کدام حقیقت است که در جهان مورد سوء استفاده قرار نگرفته است؟ آیا مدعیان دروغین الوهیت و یا نبوت و یا سایر مقامات معنوی در دنیا کم بوده اند؟! آیا ادیان ساختگی و قلابی در جهان کم است؟! آیا باید همه حقایق را به خاطر سوء استفاده

یک مشت گمراه و منحرف و ریاست طلب کنار بگذاریم و یکسره منکر خداپرستی و نبوت انبیا بشویم؟! آیا در طول تاریخ از وجود نیروهای مادی کم سوء استفاده شده است؟ آیا ما باید همه آن نیروها را از بین ببریم و نابودشان سازیم؟!

در قرن دوازدهم میلادی - آن گونه که صاحب «قاموس کتاب مقدس» می نویسد - حدود ده نفر «مسیح های دروغگو» ظاهر شدند و جمعی را به خود گروانیدند و این مطلب، اسباب فتنه و جنگ شد و گروه زیادی در آن معرکه، طعمه شمشیر شدند. بنابراین، آیا ما باید وجود حضرت مسیح علیه السلام را به طور کلی انکار کنیم؟ چراکه از نام و عنوان حضرت مسیح علیه السلام سوء استفاده شده است!!

کوتاه سخن آن که، سوء استفاده از یک حقیقت، دلیل بر بطلان آن حقیقت نمی شود؛ بلکه خود این موضوع دلیل بر اصالت و واقعیت آن حقیقت است. و دیگر اینکه برای پیش گیری از این سوء استفاده ها، مسلمانان باید مهدی موعود را با مراجعه به منابع خویش بشناسند و نشانه ها و ویژگی های او را بدانند تا دچار چنین اشتباهاتی نگردند، نه اینکه به جهت جلوگیری از این سوء استفاده، اصل این اعتقاد، انکار شود.

اشاره

شامل:

- ۱- علت پی جویی مفاهیم اسلامی
- ۲- انتظار از نظر لغت
- ۳- انتظار در نگاه مذهب
- ۴- انتظار فرج در اسلام
- ۵- انتظار فرج از دیدگاه نظام های سلطه گر
- ۶- مفهوم انتظار
- ۷- انتظار مؤثرترین عامل تحرّک
- ۸- آثار سازنده انتظار و نقش آن در ساختن اجتماع

ص: ۱۸۷



مطابق بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات فراوانی که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است بشر در طول دوران زندگی فردی و اجتماعی خود، مرهون نعمت انتظار است، و اگر از حالت انتظار خارج شود و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت. آنچه انسان را به زندگی امیدوار می سازد و نگرانی ها و ناراحتی ها را برای او آسان می نماید، انتظار و امید به آینده است. آدمی در پرتو همین انتظار، رنجها و گرفتاریها را تحمل می کند و با کشتی امید و آرزو در دریای متلاطم و طوفان زای زندگی به سیر خود ادامه می دهد.

اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی در زمین نمی کاشت و هیچ صاحب خانه ای تشکیل خانواده نمی داد و هیچ پدری به تربیت فرزندان خود همت نمی گماشت و هیچ کشاورزی بیل نمی زد و هیچ تاجری تجارت نمی کرد و هیچ زمامداری اداره امور کشوری را به دست نمی گرفت. بنابراین، اگر آرزو از انسان گرفته شود و انتظار از میان جامعه رخت بربندد، ادامه حیات و زندگی برای بشر بی روح و بی لذت و بی معنا خواهد بود. این انتظار است که به زندگی صفا و جلا می بخشد و زندگی را برای آدمی لذت بخش می کند و او را به حرکت و جنبش وامی دارد و دلش را به ادامه زندگی، علاقه مند می سازد.

## ۱ - علت پی جویی مفاهیم اسلامی

در این روزگار آشفته و بی سامان که تمام امکانات مادی جهان در دست ابرقدرتها و زمامداران خود سر و سیاستمداران فریب کار و مسئولان بی اعتقاد تمرکز یافته است، و عقاید، آرا و اندیشه های غلط و ضدّ مذهبی آنها به عناوین مختلف، به زور تبلیغات عمومی و به وسیله ارتباطات جمعی جهان، بر پیروان مکاتب و مذاهب دنیا تحمیل می گردد بر هر فرد مسلمان و هر کس که بخواهد با روح تعالیم عالیّه اسلام و حقیقت

برنامه های تربیتی این مکتب انسان ساز آشنا شود، قبل از هر چیز، درک صحیح و شناخت درست مفاهیم واقعی واژه ها و اصطلاحات اسلامی لازم و ضروری است.

زیرا در این دوران پر غوغای مسلک ها که همه نظامها و گروه ها، در جهت ضدیت با خدا و مذهب و بخصوص در جهت مخالفت با اسلام و تشیع شکل گرفته است و باطل گرایان و نظام های فاسد و مفسد کنونی جهان نیز، با اعمال رویه های ضد انسانی به تبلیغ افکار و اندیشه های ضدّ دین پرداخته و سخت می کوشند تا با انواع دسیسه ها، تحریف واقعیت ها و قلب مفاهیم واقعی اصطلاحات اسلامی، مرام های باطل خود را با طرح شعارهای زیبا و دلپذیر و الفاظ فریبنده، به عنوان تنها فلسفه علمی و جهان بینی مترقی به خورد مردم دنیا بدهند و مسلمانان را از آگاهی های کافی درباره اصطلاحات و شعایر دینی محروم نمایند و آیین پاک محمدی صلی الله علیه و آله وسلم را به سرنوشت آیین های وابسته به «تورات» و «انجیل» دچار سازند، اگر مفاهیم واقعی واژه های اسلامی و معانی حقیقی آنها به درستی درک شود، برداشت های غلط که برای گروهی از ره گم گشتگان در شناخت واقعی دین و مذهب پیش آمده است، مرتفع می گردد.

و اگر مفاهیم واقعی اصطلاحات اسلامی به گونه ای که هست، معرفی نشود و سیاست بازان کهنه کار، افراد مغرض و دزدان عقیده، آنها را به صورت دیگری جلوه دهند، زیان و ضرر آن برای مسلمانان کمتر از گمراهی صریح، نخواهد بود.

بنابراین، در چنین هنگامه ای، بر یکایک ما مسلمانان واجب است که برای حفظ آثار اصیل اسلامی، به پاسداری از میراث کهن اسلامی خود برخیزیم و در نگهداری فرهنگ غنی اسلامی خویش، بیش از پیش سعی و کوشا باشیم و نگذاریم که هویت تاریخی، و اصالت ملی و میراث فرهنگی مان دستخوش آفت تحریف، و مورد دست برد دزدان عقیده قرار گیرد.

به هر حال، در آیین مقدّس اسلام واژه های فراوانی چون قسط، عدل، زهد، قناعت، توکل، تسلیم، خلافت، ولایت، امامت، مهدویت، دعا و زیارت یافت می شوند که مفاهیمی مخصوص به خود دارند و انحراف از درک معانی حقیقی آنها، مساوی با گمراهی در اصل دین و یا یکی از رشته ها و پایه های اساسی دین است.

از جمله این واژه ها، واژه «انتظار» است که مربوط به ظهور آخرین حجّت خداوند و مصلح



آخرالزمان حضرت مهدی علیه السلام است که بیگانگان با تلقینات و تبلیغات سوء و غرض آلود، کوشیده اند تا آن را عامل انحطاط و عقب ماندگی معرفی نمایند؛ در حالی که «انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام» یکی از حساس ترین و تاریخ سازترین فرازهای عقیدتی اسلام است.

اینک برای شناخت کامل انتظار، نخست در باره معنا و مفهوم کلمه «انتظار» از نظر لغت و مذهب بحث می کنیم؛ سپس در باره انتظار فرج در اسلام و دلایل آن در قرآن و حدیث، سخن می گوئیم؛ آنگاه در باره «انتظار فرج از دیدگاه نظامهای سلطه گر» و برداشت های غلطی که برخی از احزاب و مکاتب از این عقیده اصیل کرده اند، به بحث و بررسی می پردازیم و در پایان قسمتی از روایات مربوط به انتظار را - که حاکی از سازندگی این اصل حیات بخش و تلاش انگیز است - متذکر می شویم.

چنان که پیش تر روشن ساختیم، انتظار فرج از آمال و آرزوهای دیرین بشر و همه ملت‌ها و مذاهب بزرگ جهان است که خمیر مایه اصلی آن در اعماق وجود همه انسانها و جوامع مختلف بشری وجود دارد.

## ۲- انتظار از نظر لغت

«انتظار» در لغت، به معنای چشم داشت و چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است؛ آینده ای خوب یا بد، زشت یا زیبا، مطلوب یا منفور.

نتیجه ای که از معنای لغوی «انتظار» به دست می آید این است که، کسی که عمل زشت و ناهنجاری انجام داده، منتظر کیفر آن است. و کسی که بذری را در زمین پاشیده، منتظر است که محصولش از زمین سر بر آورد و سر سبز شود و بالاخره کسی که کار خیر و عمل شایسته ای انجام داده، منتظر است تا روزی فرا رسد و او پاداش کار خیر و عمل شایسته خود را دریافت نماید.

## ۳- انتظار در نگاه مذهب

از نظر مذهب، «انتظار» حالتی است که از ترکیب ایمان به خدا و اعتقاد کامل و راسخ به مبانی دین و اشتیاق و علاقه به ظهور رهبری الهی و آسمانی - که بتواند با مدد خداوند، مردمان جهان را تحت فرمان یک آیین در آورد و ستمگران را سر جای خود بنشانند و آیین توحید و یکتاپرستی را رواج دهد و حکومت قسط و عدل را در تمام زمین

برقرار نماید - به وجود می آید و در درون آدمی شعله می کشد و آمل و آرزوهای انسانی و رفتار فردی و اجتماعی وی را دگرگون می کند.

انتظار از نظر دین و مذهب، به معنای «امید و آرزو» است؛ امید به آینده ای نوید بخش و سعادت آفرین، امید به آینده ای که در آن جهانیان از مفسد و بدبختی ها رهایی یافته، و بشر راه خیر و صلاح را در پیش گیرد و دنیا در پرتو تحقق عدل الهی، مدینه فاضله ای گردد.

این معنای «انتظار فرج» از نظر دین است که در حقیقت به معنی چشم به راهی برای تحقق حق و عدل و پیروزی دین و برقراری نظام عدل الهی، می باشد.

بر این اساس، شکی نیست که انتظار فرج، حدیث نفس همه انسانها و خواسته مشترک تمامی ملل دنیاست و زمان و مکان نمی شناسد و به قوم و گروهی اختصاص ندارد.

به قول یکی از نویسندگان معروف:

«اعتقاد به وجود یک «قائم» که در آخر دنیا باید به نحوی خارق عادت و معجزه آسا ظهور کند و دنیا را پس از آن که پر از ظلم و جور شده از عدل و داد پر نماید و پایه ایمان را مستحکم سازد، در اغلب مذاهب، حتی در مصر قدیم نیز وجود داشته است.

این عقیده، یکی از آرزوهای مهم و دیرین بشر است. و عجیبی نخواهد بود اگر می بینیم در هر زمان، انسان امیدوار به آینده بهتری بوده است ... عامل عمده این عقیده ایمان است»<sup>(۱)</sup>.

آری خواننده گرامی! عامل اصلی عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و انتظار فرج آخرین حجت خدا، ایمان است. ایمان عامل بسیار قوی و نیرومندی است که با وجود آن، پیوسته آدمی خود را خوشبخت و کامروا می بیند و هرگز با فشار روزگار و تراکم ناملایمات و گرفتاریهای زندگی، روحیه خود را نمی بازد و امید نجات و رستگاری را از دست نمی دهد. پیوسته می کوشد و می جوشد و می خروشد و از خدای خود امید پاداش دارد، و از او درخواست می کند که:

ص: ۱۹۲

«خدایا! بر امام ما «مهدی علیه السلام» درود فرست و دوریش را نزدیک گردان ... و به وسیله ظهور او دلها را پایدار ساز و پیکار سرنوشت ساز را برپا دار» (۱).

اینک برای این که این موضوع کاملاً روشن شود به بحث و بررسی انتظار فرج و دلایل آن در قرآن و حدیث، می پردازیم.

#### ۴ - انتظار فرج در اسلام

#### ۴ - انتظار فرج در اسلام

انتظار فرج در اسلام و به ویژه در مذهب حقه تشیع، عبارت از ایمان استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر علیه السلام و امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت خداوند، و آرزوی فرا رسیدن روزگار رهایی مستضعفان از چنگال مستکبران، و تمام شدن دوران داعیه «لمن الملکی» طاغوتیان، و فتح و پیروزی نهایی مؤمنان، و آغاز حکومت صالحان، تا پایان جهان است که همه اعتقادهای اساسی اسلام را - از یکتایی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامت امامان معصوم علیهم السلام و تحقق وعده تخلف ناپذیر خداوند - در بر دارد.

انتظار فرج در اسلام، در واقع نوعی آمادگی است. آمادگی برای پاک شدن، پاک زیستن، و دور ماندن از زشتیها و وصول به تزکیه نفس. آمادگی برای حرکتی مستمر و دائم، با تلاش و کوشش پی گیر و خستگی ناپذیر توأم با خودسازی و دگرسازی و زمینه سازی. و سرانجام آمادگی برای تهیه قوا برای شرکت در نهضت عظیم آسمانی حضرت مهدی علیه السلام که آغاز آن، ظهور مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام و فرجام آن، شکست تاریکیها، ظلمها، فسادها، جهل ها، جنایتها، قدرت طاغوتها، و نتیجه آن، برپایی حکومت عدل «الله» و تحقق قول و پیمان خداوند به عزت بخشی مؤمنان است.

پس از روشن شدن اهمیت انتظار در زندگی بشر، به بررسی انتظار فرج در اسلام می پردازیم تا مفهوم صحیح آن را دریابیم.

اینک برای روشن شدن مطلب به سراغ متون اصیل اسلامی و روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام می رویم، و لحن گوناگون آیات و روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام در باره مسأله انتظار و ارزش و اهمیت این عقیده اصیل رسیده است، مورد بررسی قرار می دهیم.

ص: ۱۹۳

مسأله مهمی که همیشه در طول تاریخ پر افتخار اسلام مایه امید مسلمانان و به ویژه «شیعیان» منتظر بوده است، وعده های تخلف ناپذیر الهی در مورد آینده اسلام و پیروزی نهایی مؤمنان و مستضعفان و محرومان می باشد.

آیین مبین اسلام از همان آغاز پیدایش خود و حتی از همان نخستین سال های ظهور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم پیوسته مسلمانان را به آینده ای درخشان امیدوار ساخته است.

مسلمانان و به خصوص شیعیان نیز از همان روزگار بعثت رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم تا به امروز بر اثر همان وعده هایی که پیامبر بزرگوار اسلام به وسیله آیات روحبخش و دلنواز قرآن کریم بدانها داده است، با اعتقادی عمیق و راسخ تمامی آن وعده ها را جدی گرفته، و علی رغم همه مشکلات و مصایبی که در دوران های مختلف تاریخ اسلام دیده اند، هرگز امید خویش را از دست نداده و همواره این اعتقاد اصیل اسلامی را نصب العین خود قرار داده اند.

مسلمانان بر اساس وعده های صریحی که قرآن کریم بدانها داده است، عقیده دارند که طبق قانون خلقت و سنت آفرینش، تاریخ بر مبنای سنتهای الهی و وعده های خدایی به پیش می رود، و اگر چند روزی دنیا به نفع ستمگران و تجاوزگران و بی اعتقادات تمام شود، ولی سرانجام، حکومت مطلق جهان به دست صالحان و حق پرستان خواهد افتاد و ستمکاران و طاغوتیان و زورمداران نابود خواهند شد و بالاخره عدالت و امیت واقعی بر اساس قانون خدا در سرتاسر جهان برقرار خواهد گردید.

مسلمانان و تمام شیعیان بر اساس این عقیده سازنده، ایمان راسخ دارند که «حق» امری اصیل، و باطل امری عارضی است، و هر عارضه ای دیر یا زود، سهل یا دشوار، از بین می رود و خواه ناخواه، در آینده ای دور یا نزدیک، حق در همه جا حاکم و پیروز می شود، و باطل و باطل گرایان محو و نابود می گردند؛ زیرا تحقق حق و عدل، سنت خدا، و خواست خدا و وعده قطعی خداوند است و خداوند در وعده ای که به بندگان صالح خود داده است، تخلف نخواهد نمود.

به هر حال، از نظر اسلام، قرآن و مسلمانان، مسأله «انتظار» و امید به آینده، و حاکمیت مطلق حق در تمام جهان در آخر زمان، یکی از مسایل حیاتی اسلام است، و

قرآن کریم با قاطعیت هرچه تمامتر این مسأله را به عنوان یک وعده تخلف ناپذیر الهی مطرح نموده، و در کمال صراحت، پیروزی نهایی ایمان اسلامی و آینده درخشان آیین پاک محمدی صلی الله علیه و آله وسلم را به مسلمانان نوید داده، و جای هیچ گونه شک و تردید و ابهام برای احدی باقی نگذاشته است.

در این زمینه، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده که برای نمونه برخی از آنها را در اینجا می آوریم.

۱ - در سوره «توبه» آیه ۳۳ در مورد جهانی شدن آیین اسلام و غلبه این دین مبین بر همه ادیان جهان، چنین آمده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

«او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا دین حق را بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند، اگرچه مشرکان کراهت داشته باشند».

۲ - در همان سوره آیه ۳۲، در مورد اراده خداوند بر تکامل نور اسلام، چنین آمده است:

«يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

«دشمنان می خواهند نور خدا را با دهانهای خود خاموش کنند، ولی خدا می خواهد نور خود را کامل گرداند، اگرچه کافران کراهت داشته باشند».

۳ - در سوره «نور» آیه ۵۵ در مورد وعده خداوند به صالحان و شایستگان و مواد مورد وعده چنین آمده است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، وعده داده است که آنها را خلیفه و جانشین خود در روی زمین قرار خواهد داد. همان گونه که پیشینیان ایشان را خلافت روی زمین مرحمت فرمود. و آیینی را که بر ایشان پسندیده در سراسر گیتی خواهد گسترده، و ترس و هراس شان را به

آرامش و امتیّت مبدّل خواهد نمود آنچنان که همگان تنها مرا پرستش کنند و هیچ چیزی را شریک من قرار ندهند. و کسانی که بعد از آن کافر شوند از پلیدان و بدکاران خواهند بود».

۴ - در سوره «غافر» آیه ۵۱ در مورد این که خداوند قطعاً فرستادگان خود را یاری خواهد نمود، چنین آمده است:

«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ».

«به طور قطع و یقین، ما پیامبران مان و کسانی را که ایمان آوردند در زندگی دنیا و روزی که شاهدان (حضرات معصومین علیهم السلام) بپاخیزند، یاری می نمایم».

۵ - در سوره «انبیاء» آیات ۱۰۵ - ۱۰۶ در رابطه با وعده ای که خداوند به بندگان صالح و شایسته خود در مورد فرمان روایی آنان بر تمام جهان داده است، چنین آمده است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

«ما پس از «تورات» در کتاب «زبور» چنین نوشتیم، که در آینده، صالحان و پاکان وارثان زمین خواهند بود».

۶ - در سوره «قصص» آیه ۴، در مورد آینده مستضعفان و حکومت آنان بر سرتاسر کره خاکی، چنین آمده است:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

«و ما اراده کرده ایم بر آنها که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند منت نهاده، آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».

۷ - در سوره «سجده» آیات ۲۸ - ۲۹، در مورد روز قیام منجی بشریت، و سرنوشت کافران، چنین آمده است:

«وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ».

«و ناباوران می گویند: پس کی این پیروزی بزرگ فرا می رسد اگر شما راست می گوید؟ بگو (ای پیامبر) روزی که فتح و پیروزی فرا رسد، دیگر ایمان آوردن برای کسانی که قبلاً ایمان نداشتند سودی ندارد، و به آنان مهلت و

فرصتی داده نمی شود».

۸- در سوره «صافات» آیات ۱۷۱ - ۱۷۳ در مورد این که خداوند به انبیا و فرستادگان خود، و عده نصرت و غلبه همه جانبه داده است، چنین آمده است:

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ \* وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ».

«ولی (وقتی قرآن آمد) به آن کافر شدند، و زود که بدانند، و قطعاً فرمان ما درباره بندگان فرستاده ما از پیش (چنین) رفته است، که آنان (بر دشمنان خودشان) حتماً پیروز خواهند شد».

۹- در سوره «حجج» آیه ۴۱- در مورد مؤمنانی که زمامداری و حکومتشان بر اساس پرستش حق، و نظام اجتماعی، و اقتصادی و سیاسی دین حق است، و خداوند بدانها وعده داده است که آنان را یاری خواهد نمود، چنین آمده است:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

«آنها (مؤمنان به خداوند) کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنان قدرت دادیم (و آنها را زمامدار مردم گردانیدیم) نماز به پا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف می کنند، و نهی از منکر می نمایند، و پایان همه کارها از آن خداوند است».

از مجموع آیات یاد شده به خوبی استفاده می شود که جهان روزی را در پیش دارد که حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان و افراد با ایمان خواهد افتاد، و طبق روایات و نویدهای تمام انبیای الهی، آن عصر درخشان و روزگار طلایی که مورد انتظار بشر و همه مسلمانان و شیعیان جهان است، همان روز قیام منجی عالم بشر، و دوران پر شکوه ظهور مبارک مهدی موعود علیه السلام خواهد بود.

در این نویدها چهار رکن اساسی برای کارنامه قیام مصلح جهانی و «موعود قرآن کریم» بیان شده است که ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:

۱- حکومت واحد جهانی بر اساس توحید و خداپرستی به رهبری موعود قرآن، تشکیل خواهد شد و اداره آن حکومت عادلانه به دست مردم صالح و با ایمان واگذار

ص: ۱۹۷

خواهد گردید.

۲ - برنامه های عالی اسلامی و نظام کامل حکومت «الله» در سرتاسر جهان بدون کم و کاست اجرا، و همه احکام الهی به خود جامه عمل خواهد پوشید.

۳ - بیم و هراس توده مردم از بین خواهد رفت، و آرامش و امنیت کامل در سراسر گیتی برقرار خواهد گردید.

۴ - همگان، خدای یکتا را پرستش خواهند نمود، و هرگونه استعباد و بندگی و بت پرستی ریشه کن خواهد شد.

### ب) انتظار فرج در روایات اسلامی

امید و آرزو و دل بستن به آینده بهتر و زندگی مرفه تر که شامل عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده روشن تر، و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است، در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده می شود.

اصل انتظار فرج، از یک اصل کلی اسلامی و آیات کریمه قرآن مجید مایه می گیرد، و آن اصل حرمت یأس و نومیدی از لطف و رحمت خداوند است.

مسلمانان بر اثر نویدهای قرآن کریم و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و جانشینان معصوم آن حضرت عقیده دارند که در پایان روزگار، خداوند مردی را از دودمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بر می انگیزاند که به وسیله او «دین اسلام» را آشکار می سازد.

این موعود عزیز، بر اساس صحیح ترین و استوارترین مصادر اسلامی و بشارت های انبیای الهی، و نویدهای کتب مذهبی اهل ادیان، دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و از فرزندان پاک و معصوم علی و زهرا علیهما السلام و هم نام و هم کنیه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم است که در بین مسلمانان به عناوین مختلفی چون: «مهدی»، «قائم»، «منتظر»، «صاحب الامر»، «صاحب الزمان»، «حججه الله»، «بقیه الله» و «خلف صالح» شهرت دارد.

اینک به قسمتی از این روایات که ما آنها را به عنوان نمونه در اینجا می آوریم، توجه فرمایید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«لو لم یبق من الدنیا إلا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث رجلاً منی - أو



من أهل بيتي - يواطيء اسمه اسمي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً ...».

«اگر از دوام دنیا به جز یک روز بیشتر نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می گرداند تا مردی از دودمان من - و یا از اهل بیت مرا - برانگیزد که هم نام من است ... او زمین را پر از عدل و داد می نماید همچنان که پر از ظلم و جور شده است.»<sup>(۱)</sup>

همچنین در حدیث دیگری می فرماید:

«أبشركم بالمهدى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض.»

«شما را به حضرت مهدی علیه السلام مژده می دهم که او زمین را پر از عدل و داد می کند همان طوری که پر از ظلم و ستم شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می شوند.»<sup>(۲)</sup>

و نیز در یک حدیث دیگر می فرماید:

«لا تنقضى الساعة حتى يملك الأرض رجلٌ من أهل بيتي، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً.»<sup>(۳)</sup>

«دنیا به آخر نمی رسد مگر این که مردی از اهل بیت من، تمام جهان را مالک شود؛ او سراسر روی زمین را پر از عدل کند همچنان که پر از ستم شده باشد.»

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«المهدى منّا فى آخر الزمان، لم يكن فى أمّة من الأمم مهدى ينتظر غيره.»<sup>(۴)</sup>

«مهدی علیه السلام مردی از دودمان ماست که در آخرالزمان ظاهر می شود. در همه عالم شخصی به نام مهدی منتظر که مردم انتظارش را می کشند جز او وجود

ص: ۱۹۹

۱- ۲۹۳. کتاب التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۳ و بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۷ و بسیاری از کتب حدیث.

۲- ۲۹۴. فصول المهمّة، ص ۲۹۷ و مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷، و منابع دیگر حدیث. التاج الجامع للاصول، ج ۵، کتاب الفتن و علامات الساعة، ص ۳۴۳.

۳- ۲۹۵. المهدى الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۹۴، ح ۹۰، و بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

۴- ۲۹۶. منتخب الاثر، ص ۱۷۱، ح ۹۰، دلائل الامامة طبری، ص ۲۵۶.

ندارد. (او یک تن بیشتر نیست).».

از این حدیث شریف استفاده می شود که مهدی موعود منتظرعلیه السلام در سراسر عالم یکی است و از دودمان رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و فاطمه زهراعلیها السلام و علی مرتضی علیه السلام است که در آخر زمان ظهور می نماید، و هرگز تعددی در آن وجود ندارد، و به قول معروف، «مهدی شخصی است نه نوعی».

امام حسین علیه السلام می فرماید:

«مَئِثًا عَشْرَ مَهْدِيًّا، أَوْلَهُمُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يَحْيَى اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». (۱)

«امامان دوازده گانه از ما هستند که اول آنها امیرمؤمنان علی علیه السلام و آخرینشان نهمین فرزند من امام قائم به حق است. خداوند به وسیله او زمین مرده را زنده و آباد گرداند، و دین حق را بر همه ادیان پیروز گرداند گرچه مشرکان خوش ندارند».

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بَكْتَابِ اللَّهِ، لَا يَرَى فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ». (۲)

«دنیا به پایان نمی رسد تا این که خدای تعالی مردی از خاندان مرا برانگیزد که به کتاب خدا (قرآن) عمل کند، و در میان شما کار زشتی را نبیند جز آنکه از آن جلوگیری نماید».

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ الْمَهْدِيُّ، اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ». (۳)

ص: ۲۰۰

---

۱- ۲۹۷. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴، منتخب الاثر، ص ۲۰۵، ح ۴؛ کفایه الاثر، ص ۲۳۲ و کمال الدین صدوق با ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۴۳۴، باب ۳۰، ح ۳.

۲- ۲۹۸. کافی، ج ۸، ص ۳۹۶، ح ۵۹۷؛ و بشاره الاسلام، ص ۲۴۶.

۳- ۲۹۹. ينابيع الموده، باب ۹۴، ص ۵۸۹؛ منتخب الاثر، باب ۱۳، ص ۲۱۴، ح ۱.

«خلف صالح از فرزندان من همان مهدی است که نام او «محمد» و کنیه اش ابوالقاسم است و در آخر زمان ظاهر می شود».

احمد بن زیاد از امام کاظم علیه السلام پرسید:

آیا در میان شما امامان کسی هست که از انتظار مردم غایب شود؟

امام علیه السلام فرمود:

«آری، او کسی است که شخصاً از دیدگان مردم غایب می شود ولی یادش از دل‌های مؤمنان نمی رود؛ او دوازدهمی ما امامان است که خداوند هر مشکلی را برای او آسان می کند و هر سختی و نا همواری را برای او هموار می نماید. گنجها و معادن زمین را برای او ظاهر می گرداند و هر دور و درازی را برای او نزدیک و کوتاه می کند و هر ستمگر گردن کشی را به وسیله او نابود می سازد و هر شیطان سرکش را به هلاکت می رساند. او پسر بانوی کنیزان است که ولادتش بر مردم پوشیده می ماند ... تا زمانی که خداوند او را ظاهر گرداند و به وسیله او زمین را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد».<sup>(۱)</sup>

آنچه تا بدین جا گفته شد نمونه ای از روایات فراوانی است که در باره آینده تاریخ و انتظار فرج آخرین حجت خدا از پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده است.

## ۵- انتظار فرج از دیدگاه نظام های سلطه گر

### ۵- انتظار فرج از دیدگاه نظام های سلطه گر

بر اساس تعالیم تمام مکاتب آسمانی، «انتظار» در همه انسانها وجود دارد و زمینه آن در همه جوامع بشری از متمدن و غیر متمدن به چشم می خورد؛ ولی استکبار پیشگان، پیوسته کوشیده و می کوشند تا مبانی اعتقادی جامعه ها را سست و بی اعتبار سازند، چنین تبلیغ می کنند که، «انتظار» عامل رکود و سستی است و ایمان به وجود یک آینده روشن، بازتابی از محرومیت های طبقه شکست خورده و یک آرامش موقت است که در لباس مذهب خودنمایی می کند.

ص: ۲۰۱

---

۱- ۳۰۰. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰، ح ۲؛ و کمال الدین، ج ۳، ص ۴۰، ح ۷، باب ۳۴.

به نظر ما یکی از مسایل مهم اعتقادی اسلام که در طول چهارده قرن تاریخ اسلام بی رحمانه مورد هجوم دزدان عقیده قرار گرفته است، همین مسأله «انتظار» و عقیده به ظهور آخرین حجّت خدا حضرت مهدی علیه السلام است؛ زیرا استعمارگران و شکم بارگان استثمارگر که این عقیده زیربنایی را سدّ راه استعماری خود دیده اند، پیوسته کوشیده اند تا با انواع دسیسه ها، آن را از کار انداخته و بی ثمر سازند و گروهی هم ندانسته به پیروی از آنان پنداشته اند که انتظار فرج و عقیده به ظهور امام غایب، عامل رکود و عقب ماندگی است. در حالی که بررسی این آرمان اصیل و سازنده و انگیزنده، نادرستی بینش و روش هر دو دسته را به خوبی روشن می سازد.

### آیا انتظار عامل رکود است؟

حال برای این که میزان صداقت و راستگویی این گمراهان هادی نما که به دروغ سنگ غمخواری مردم را به سینه می زنند، به خوبی روشن شود و چهره حقیقی این فریب کاران از پشت پرده نفاق و نیرنگ به وضوح آشکار گردد، نخست اندکی در باره مفهوم صحیح انتظار توضیح می دهیم و سپس به سراغ انتظار فرج و ارزش و اهمّیت آن در اسلام می رویم تا معلوم کنیم که آیا انتظار فرج و ایمان و عقیده به ظهور، انسان را در بی خبری و افکار رؤیایی آن چنانی فرو می برد که از همه چیز غافل و بی خبر می ماند؟ یا این که بر خلاف گفتار آنان، ایمان و عقیده به ظهور، یک نوع دعوت به قیام و مبارزه و سازندگی فرد و اجتماع است؟ آیا انتظار، و عقیده به ظهور مصلح آخر زمان، دعوت به سکون، سکوت و سستی است، یا تحرّک بخشی و مسئولیت آفرینی است؟ و بالاخره، آیا ایمان و عقیده به ظهور، عامل رکود، انزوا و عقب ماندگی است، یا این که عامل حرکت، مقاومت، پیشرفت و مبارزه است؟

### ۶ - مفهوم صحیح انتظار

انتظار به مفهوم مذهبی اش، امید به آینده است، آینده ای که در آن مردم جهان، از زور و فشار و استبداد و تسلّط نظامهای غلط، نجات پیدا کنند و رژیم های ضدّ انسانی از میان بروند و زندگی پر نشیب و فراز انسانها که از آغاز با نبرد و کشتارهای فجیع همراه بوده است، پر از صلح و صفا و آرامش و امّیت گردد و حقّ پرستان پیروز، و باطل گرایان

اینک بحث ما در باره مفهوم چنین انتظاری است که در اینجا به طور اختصار به توضیح آن می پردازیم:

آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم خود کلمه «انتظار» استفاده می شود این است که انتظار، در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح، عامل مقاومت و پیشرفت، عامل بیداری و بقای جامعه، و بالاخره عامل حرکت و جنبش و قیام و از عقاید تاریخ ساز و انقلاب آفرین اسلامی و بذر اصلی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام است.

ولی چنان که گفتیم، متأسفانه دشمنان اسلام و گروهی از انسان های فریب خورده و بی اطلاع یا اشخاص کج اندیش و سست عنصر، این انتظار و چشم به راهی را عامل رکود و عقب ماندگی دانسته و چنین می پندارند که آدمی باید از هر تلاش و کوشش اصلاحی دست بشوید و در برابر زور و فشار و ظلم و فساد راه خاموشی و سکوت در پیش گیرد و بسان مردگان زنده نما، در تابوت انتظار دراز کشیده و دست روی دست گذارد و به خواب دایمی فرو رود و اگر می خواهد که موعود جهانی و مصلح غیبی زودتر از راه فرا رسد و به ظلم و جنایتها پایان دهد، می بایست به گسترش جور و فساد کمک کند تا گیتی پر از ستم و تباهی گردد و ظهور مهدی موعود علیه السلام نزدیک شود، در صورتی که چنین برداشتی از مفهوم «انتظار» بدترین و نادرست ترین و گمراه کننده ترین مفهومی است که می توان به «انتظار» نسبت داد. زیرا: این مفهوم انتظار نیست، بلکه تحریف حقیقت و واقعیت است. چرا که:

«لازمه چشم به راهی، مهیا شدن و مهیا ساختن برای ظهور است. تنبل ترین و بی حال ترین آدمها، وقتی منتظر میهمان عزیزی باشد، از پیش، وسایل راحتی و پذیرایی او را از همه جهت آماده و فراهم می سازد، به سر و وضع خود، خانه و اهل خانه، رسیدگی می کند. حتی مسیر او را آب (می پاشد) و جارو می کشد. و بالاتر از این، اگر بداند که به محض ورود میهمان دچار هجوم بدخواهان خواهد شد، به ترمیم و تحکیم خانه و کاشانه، و تجهیز و تسلیح خود و خانواده می پردازد»<sup>(۱)</sup>.

ص: ۲۰۳

## ۷ - انتظار مؤثرترین عامل تحرک

### ۷ - انتظار مؤثرترین عامل تحرک

اگر ما به مفهوم واقعی انتظار بنگریم دور از انصاف است که «انتظار» را عامل رکود و سستی بدانیم، زیرا چنان که گفتیم، «انتظار» به معنای امید و آرزو است. و تردیدی نیست که «امید و آرزو» در زندگی انسان یکی از مؤثرترین عوامل تحرک بشر است که ایجاد جاذبه می کند و انسان را به راه می اندازد و او را به سوی خود می کشاند. جوهره این امیدواری، همان «خوشبینی» نسبت به آینده بشر، و پشتوانه آن، نوید حتمی و مژده قطعی خداوند به پیروزی مستضعفان و فرمان روایی صالحان و نیک فرجامی پرهیزکاران است.

حال، برای این که این موضوع کاملاً روشن شود، مسأله انتظار را تحت چند عنوان دنبال می کنیم:

۱ - ارزش و اهمیت انتظار در روایات اسلامی.

۲ - آثار سازنده انتظار و نقش آن در ساختن اجتماع.

۳ - انتظار عامل مقاومت و پایداری.

۴ - انتظار عامل بقای جامعه تشیع.

### ارزش و اهمیت انتظار در روایات اسلامی

طبق روایات فراوانی که از پیشوایان معصوم علیهم السلام در باره «انتظار فرج امام زمان علیه السلام» رسیده است، «انتظار فرج» به آرمانهای بلند و عالی انسانی مرتبط می شود و آدمی را در طول تاریخ زندگی، به عمل صالح، انجام کارهای نیک، رعایت حقوق انسان ها و طرد قدرت های ناصالح وامی دارد و او را بر صحیح ترین اعتقادات دینی و مذهبی ثابت و پابرجا نگه می دارد.

علاوه بر این مؤمنان و منتظران را برای جهاد و مبارزه، فداکاری و از خود گذشتگی، مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و بیدادگری و تلاش و کوشش برای برقراری نظام عدل، حق و حقیقت و ایجاد نظم و آرامش و آسایش عمومی آماده و مهیا می سازد. و از این رو، این اصل تلاش انگیز در اسلام عبادت شمرده شده و در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام از بزرگترین عبادات به شمار آمده است.

در این زمینه، روایات شوق انگیز فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید:

«... انتظار الفرج عباده. وفي رواية اخرى أفضل أعمال أمتي انتظار فرج الله عزوجل» (۱).

«انتظار فرج عبادت است. برترین و با ارزش ترین عمل اُمت من، انتظار فرج از خدای تبارک و تعالی است».

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

«أفضل العبادة الصمتُ وانتظار الفرج» (۲).

«برترین عبادت، سکوت و انتظار فرج است».

و در باب مواعظ آن حضرت آمده است که کسی از آن حضرت پرسید:

«أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؟»

قال: انتظار الفرج» (۳).

«کدام یک از اعمال نزد خدا محبوب تر است؟»

فرمود: انتظار فرج».

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«إنتظار الفرج من أعظم العمل» (۴).

«انتظار فرج از برترین اعمال است».

و در حدیث دیگری می‌فرماید:

«ما ضرَّ من مات مُنتظراً لأمرنا ألا يموت في وسط فسطاط المهدي و عسكرة» (۵).

«بر کسی که در حال انتظار امر ما بسر می‌برد باکی نیست که - آن عصر را درک

- ۱-۳۰۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۲ و ۳.
- ۲-۳۰۳. کشکول شیخ بهائی، ص ۱۵۱.
- ۳-۳۰۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۳.
- ۴-۳۰۵. منتخب الاثر، ص ۲۴۴، ح ۱، به نقل از کمال الدین صدوق.
- ۵-۳۰۶. کافی، ج ۸، ص ۳۷، ح ۷.



نکند - و در میان خیمه حضرت مهدی علیه السلام و در لشکر آن حضرت نباشد».

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إعلموا أنّ المُنتظر لهذا الأمر له مثل أجر الصائم القائم».(۱)

«بدانید کسی که منتظر ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد پاداش کسی را دارد که شبها را برای انجام عبادت بیدار و روزها روزه دار باشد».

و در ضمن حدیث مفصّلی آمده است که آن حضرت فرمود:

«... أنّ من انتظر أمرنا وصبر على ما يرى من الأذى والخوف هو غداً في زمرةنا».(۲)

«هر کس که منتظر امر ما باشد و بر ترس و آزاری که از دشمنان ما می بیند صبر کند فردای قیامت با ما خواهد بود».

و در حدیث دیگری آمده است که در همین زمینه فرمود:

«من مات منكم و هو منتظر لهذا الأمر كمن هو مع القائم في فسطاطه».

قال: ثمّ مكث هنيهة ثمّ قال: لا، بل كمن قارع معه بسيفه. ثمّ قال: لا- واللّه إلاّ- كمن استشهد مع رسول صلی الله علیه وآله وسلم».(۳)

«هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه او باشد».

آن حضرت لحظه ای سکوت کرد و سپس فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که همراه او با دشمن بجنگد».

سپس فرمود: نه به خدا سوگند! بلکه مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به فیض شهادت برسد».

از آنجا که حالت انتظار امامی که گستراننده عدل است، آدمی را خواهان قسط و عدالت و دشمن ستم و ستمگر می سازد، دارای نقش تربیتی سازنده ای است که منتظران را در جریان زمان، در برابر تمام صدمات و لطماتی که بر آنها وارد می شود،

ص: ۲۰۶

۱- ۳۰۷. کافی، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۴.

۲- ۳۰۸. کافی، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۶.

۳-۳۰۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸، به نقل از محاسن برقی و منتخب الاثر، ص ۴۹۸، ح ۱۳.

پرورش می دهد و آنان را محکم و مقاوم، با اراده و نفوذ ناپذیر، مستقل و شجاع، بلند نظر و عالی همّت بار می آورد، و با آن همه راههای انحرافی و دام های شیطانی که گمراهان و ستمگران و دشمنان دین و انسانیت در پیش رویشان گسترده اند، آنها را بر صحیح ترین اعتقادات دینی ثابت و استوار نگه می دارد.

بنابراین، انتظار به خودی خود، آدمی را متعهد و مسئول می سازد که برای تحقق هدف های اسلامی و آرمان های انسانی و عملی شدن برنامه های دینی، بدون هیچ گونه ضعف و سستی و یأس و ناامیدی، تلاش و کوشش نماید و به سوی مقاصد متعالی اسلام گام بردارد و پیوسته مقاوم و استوار به وظایف دینی و اسلامی خود عمل نماید. و از همین جهت است که «انتظار» در این روایات، عبادت شمرده شده و از برترین و با ارزش ترین عبادات به شمار آمده و بدین پایه از ارزش و اهمیّت رسیده است.

## ۸ - آثار سازنده انتظار و نقش آن در ساختن اجتماع

### ۸ - آثار سازنده انتظار و نقش آن در ساختن اجتماع

بر خلاف تصوّر کسانی که می پندارند «انتظار» عامل رکود و سستی است، انتظار عامل حرکت و جنبش است. و از آن جهت که آدمی را به آمادگی وامی دارد و او را در مسیر حقّ و عدالت قرار داده و برای از بین بردن باطل، تشویق و ترغیب می نماید، دارای نقش تربیتی مهم و سازنده ای است.

مطابق آیات کریمه قرآن مجید و روایات بی شماری که از امامان اهل بیت علیهم السلام رسیده است «انتظار فرج» یکی از عقاید انسان ساز و انقلاب آفرین و از مهم ترین منابع الهام و شوق دهی برای زمینه سازی جهت ایجاد تحوّل و تکامل و سوق دادن انسانها به سوی حکومت عدل و ایمان است.

از دیدگاه اسلام و به خصوص مذهب حقّه «تشیّع» انتظار همه گاه برانگیزنده، تحرّک بخش، جنبش آفرین و سرچشمه شور مقاومت، ایثار و قیام و حرکت مستمر است.

روی این بیان، نخستین نکته ای که با عنایت به مفهوم انتظار باید بدان توجه نمود، «شناخت و آگاهی» از محتوای انتظار، و «گرایش و دل بستگی» نسبت به محتوای آن است.

بنابراین، در این زمینه باید دید اولیای دین چه خصلت ها و فضایی را برای منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام و یاران پاکباز آن حضرت برشمرده اند، تا آنها را در خود ایجاد نماید.

اینک ما در اینجا برای روشن شدن اذهان، به نمونه هایی از آن اوصاف اشاره می کنیم:

«پرهیزکاران، که به امام غایب می گروند، نماز به پا می دارند و از دارایی خود میبخشند، به قرآن و کتابهای آسمانی پیش، ایمان آورده، و به جهان ابدی یقین دارند.»<sup>(۱)</sup>

[مردمان] فرمانبردار، اخلاص کیش، نیکوکار، عزتمند، قناعت پیشه، دین باور، ستمدیده، بردبار، پاک زاد، نیک سرشت، پاک دل، و خوش قلب (می باشند)<sup>(۲)</sup> که دلهایی سخت تر از فولاد دارند، و اگر بر کوهساری آهنین بگذرند از هم می پاشد،<sup>(۳)</sup> همچون مشک، همواره خوش بویند، و همچون ماه تابان، پیوسته فروزان،<sup>(۴)</sup> از سرنیزه تیز ترند، و از شیر بیشه دلیر تر.<sup>(۵)</sup> آری! آنان، پارسایان شب و شیر مردان روزند.<sup>(۶)</sup>

[هر کس بخواهد که به هنگام رستاخیز حضرت مهدی علیه السلام از یاران او باشد، باید به خصایص فوق خود را بیاراید و] در ایام غیبت، به آداب و عقاید دینی خویش تمسک جوید، و نگذارد شیطان در او شک و تردید راه دهد<sup>(۷)</sup>، شناخت و معرفت خویش را راست و درست گرداند، بر ایمان و یقین خویش بیفزاید، و تسلیم خاندان پیامبر شود به حدی که در دلش چیزی نیابد که او را از فرمان آنها باز دارد.<sup>(۸)</sup>

### انتظار و مسئولیت منتظران مؤمن

### انتظار و مسئولیت منتظران مؤمن

باتوجه به مجموع آیات، روایات، دعاها و زیاراتی که در باره مسأله انتظار وارد شده، و همچنین با دقت و تأمل در مفهوم واقعی کلمه «انتظار» این معنا به خوبی روشن می شود که منتظر راستین ظهور حضرت مهدی علیه السلام بار سنگین و مسئولیت خطیری به عهده دارد. چرا که هم باید خود را بسازد، و هم دیگران را توجیه و ارشاد کند، و هم ابزار

ص: ۲۰۸

۱- ۳۱۰. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۱، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.

۲- ۳۱۱. مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

۳- ۳۱۲. الزام الناصب، ج ۱، ص ۶۷.

۴- ۳۱۳. کمال الدین، باب ۲۴، ح ۱۱، با ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۳۸۴. و عربی، ج ۱، باب ۲۴، ص ۲۶۸، ح ۱۲.

۵- ۳۱۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، ح ۱۸، باب ۲۷.

۶- ۳۱۵. منتخب الاثر، ص ۴۹۰، ح ۱.

۷- ۳۱۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸، ح ۱۰ و اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۵۹، ح ۹۷.

۸- ۳۱۷. کمال الدین، باب ۳۱، ص ۳۲۴، ح ۸ و با ترجمه فارسی ج ۱، ص ۴۴۰.

و امکانات لازمه ظهور را فراهم آورد. و اینها سه برنامه و مسئولیت مشخص، به نام: «خودسازی»، «دگرسازی» و «زمینه سازی» است، که توجّه بدان لازم، و موجب اصلاح فرد و جامعه و جلوگیری از مفسد اجتماع، و باعث نجات و رستگاری، و مایه دلگرمی و آمادگی برای ظهور منجی بشریت، و پذیرش امام معصوم غایب است.

اینک برای روشن شدن یکایک این برنامه ها تا بدانجا که نیاز به بحث و بررسی است، به تفصیل سخن می گوئیم.

## ۱ - خود سازی

نخستین وظیفه انسان منتظر، خودسازی و تربیت جسم و جان و آمادگی برای ظهور امام غایب است. زیرا شوق دیدار امام علیه السلام آدمی را می سازد، و او را برای درک ظهورش آماده می کند، و آمادگی نیز، جز در سایه انجام فرامین حقّ و دستورات پیشوایان معصوم علیهم السلام به دست نمی آید. چرا که «آمادگی»، تنها صرف ادّعا نیست، بلکه ایمان و عمل است که آمادگی را جلوه می دهد.

قرآن کریم، یاوران حضرت مهدی علیه السلام و منتظران واقعی آن حضرت را بندگان صالح و شایسته خدا، و افراد پرهیزکاری می داند که ایمان به خدا دارند و کارهای نیک و شایسته انجام می دهند.

روایات اسلامی نیز، آنها را کسانی معرفی می کند که خدا را آن گونه که باید بشناسند، شناخته اند. و پرهیزکارانه عمل می کنند، و به ولایت ائمه معصومین علیهم السلام معترفند، و به امامت امام غایب از انظار عقیده دارند، و خود را به اخلاق نیکو متخلّق می سازند، و به آداب و عقاید دینی تمسّک می جویند، و بر ایمان و یقین خود می افزایند، و تسلیم دستورات دین و فرمان خاندان پیامبر می شوند.

اینک به نمونه ای چند از احادیثی که در این زمینه می آوریم، توجّه فرمایید.

پیامبر اکرم می فرماید:

«ثلاثٌ من كنّ فيه وجد حلاوة الإيمان: أن يكون الله ورسوله أحبّ إليه ممّا سواهما، و أن يحبّ المرء لا يحبه إلاّ لله، و أن يكره أن يعود في الكفر بعد إذ

أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ، كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يَلْقَى فِي النَّارِ» (۱)

«سه خصلت است که در هر کس باشد، شیرینی ایمان را چشیده است:

۱ - خدا و پیامبر خدا در نزد او، از هر چیز و هر کس محبوب تر باشد.

۲ - هر کس را که دوست می دارد، برای خدا دوست داشته باشد.

۳ - بعد از نعمت اسلام که خداوند او را از گمراهی نجات داده است، از بازگشت به کفر، کراهت داشته باشد همان گونه که از افکنده شدن در آتش کراهت دارد».

آن حضرت در رابطه با عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و ایمان و اعتقاد به ولایت و امامت آن حضرت، و اوصاف مؤمنان و منتظران واقعی ظهور، و عشق و علاقه و محبت آنان نسبت به حضرت ولی عصر علیه السلام و بردباری و شکیبایی شان در ثابت ماندن بر حق و حقیقت در روزگار بسیار سخت و دشوار عصر غیبت، چنین می فرماید:

«طوبى للصابرين فى غيبته! طوبى للمقيمين على محبته! أولئك الذين وصفهم الله فى كتابه و قال: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (۲)، (۳)

«خوشا به حال شکیبایان در غیبت او، خوشا به حال پابرجایان در محبت او، که خدای تبارک و تعالی آنها را در کتاب خود چنین توصیف فرموده است: (این قرآن هدایت است برای پرهیزکاران، آنها که به غیب ایمان می آورند)».

و در همین رابطه در حدیث دیگری در مورد غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام و مسئولیت منتظران مؤمن در عصر غیبت می فرماید:

«سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، قائم اولاد من بر اساس پیمانی که خدا به وسیله من با او بسته است، از دیده ها غایب می شود، تا جایی که بیشتر مردمان بگویند: خدا نیازی به آل محمد علیهم السلام ندارد، و گروهی در نشانه های او دچار شک و تردید شوند».

هر کس آن زمان را درک کند باید محکم به دین خود چنگ زند، و برای

ص: ۲۱۰

۱- ۳۱۸. الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۳۵، حرف التاء، ح ۳۴۱۵.

۲- ۳۱۹. سوره بقره، آیه ۲ و ۳.

۳- ۳۲۰. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۱، و در چاپ دیگر، ص ۴۴۳.

شیطان راه شک را ببندد، تا شیطان نتواند او را به شک انداخته و از دین و آیین من بیرون ببرد چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون برد. خداوند شیطان را دوست و ولی کسانی قرار داده است که به خدا ایمان نمی آورند» (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

«انتظروا الفرج ولا تياسوا من روح الله، فإن أحب الأعمال إلى الله عزوجل انتظار الفرج. الآخذ بأمرنا معنا غداً في حظيره القدس، والمنتظر لأمرنا كالمتمشطح بدمه في سبيل الله!» (۲).

«منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مأیوس و نومید نشوید که محبوبترین اعمال در نزد خدای تبارک و تعالی انتظار فرج است. کسی که پذیرای امر ما باشد، فردا در «حظیره القدس» (در بهشت) با ماست، و کسی که منتظر امر ما باشد مانند کسی است که در راه خدا به خون خود آغشته گردد».

و در مورد غیبت حضرت بقیه الله علیه السلام می فرماید:

«... المهدى الذى يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، تكون له حيره و غيبه يضل فيها أقوامٌ و يهتدى فيها آخرون ...، أولئك خيار هذه الأمة مع أبرار هذه العتره» (۳).

«... مهدی موعود زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد، برای او غیبتی است که گروههایی در آن گمراه می شوند، و گروهی بر هدایت استوار می مانند ... که آنها بهترین این اُمت هستند که با نیکان و بزرگان عترت همراهند».

و در همین رابطه، در بخشی از سخنان خود در «نهج البلاغه» که در مورد سختیها و دشواریهای زمان غیبت ایراد نموده، می فرماید:

«و آن زمانی است که در آن نجات نمی یابد مگر مؤمن گمنام، که اگر حضور

ص: ۲۱۱

---

۱- ۳۲۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸، ح ۱۰، منتخب الاثر، ص ۲۶۲، بشاره الاسلام، ص ۲۳؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۶۵ و اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۵۹، ح ۹۷.

۲- ۳۲۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

۳- ۳۲۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۰۴، و اعلام الوری، ص ۴۲۵.

داشته باشد شناخته نمی شود و اگر غایب باشد کسی از او سراغ نمی گیرد. آنها مشعل های هدایت و نشانه های روشن روی زمین اند که از سخن چینی، تفرقه افکنی، اشاعه فساد و بیهوده گویی به دور هستند، خداوند درهای رحمتش را به روی آنها می گشاید، و غمهای نغمتش را از آنها برطرف می سازد»<sup>(۱)</sup>.

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«برای قائم ما اهل بیت دو غیبت است، یکی کوتاه مدّت و دیگری طولانی ... و غیبت دوّم به قدری طول خواهد کشید که بیشتر معتقدان به آن برگردند و بر آن ثابت و باقی نماند مگر کسی که ایمان و یقین او قوی و شناخت او درست باشد و در دل شک و تردیدی (نسبت به ما) به خود راه ندهد و تسلیم امر ما اهل بیت باشد»<sup>(۲)</sup>.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا»<sup>(۳)</sup>

به یزید بن معاویه عجلی فرمود:

«اصْبِرُوا، یعنی صبر کنید بر ادای واجبات.

وَصَابِرُوا، یعنی شکبیا باشید بر اذیت دشمنان.

وَرَابِطُوا، یعنی رابطه ناگسستنی داشته باشید با امام خود مهدی منتظر علیه السلام»<sup>(۴)</sup>.

حضرت به هنگام تلخیص عقاید اسلامی که آن را برای «ابی الجارود» بیان می نمود، خطاب به وی فرمود:

«دین من و دین پدران من - که تو نیز باید بدان معتقد شوی - شهادت به یکتایی خدا و رسالت پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، و اعتراف به آنچه او از جانب خدا آورده، و دوستی دوستان ما و دشمنی دشمنان ما، و تسلیم در

ص: ۲۱۲

۱- ۳۲۴. نهج البلاغه، ص ۳۰۵، ح ۱۰۲، و صبحی صالح، ص ۱۴۹، ح ۱۰۳.

۲- ۳۲۵. کمال الدین صدوق، باب ۳۱، حدیث ۸، و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴، ح ۱.

۳- ۳۲۶. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۴- ۳۲۷. منتخب الاثر، ص ۵۱۵، ح ۸، به نقل از ینابیع الموده.



برابر فرمان ما، و انتظار قائم ما، و تلاش و کوشش - در امر واجب و حلال - و تقوا و پرهیزکاری - از محرمات - است» (۱).

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«بدون تردید برای ما دولتی است که هرگاه خدا بخواهد آن را می آورد، پس هر کس که دوست دارد که از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید انتظار او را بکشد و به نیکویی و پرهیزکاری عمل نماید و با این حال منتظر او باشد. پس اگر در این حال بمیرد و پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام از دنیا برود، پاداش او همانند پاداش یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. پس بکوشید و تلاش و جدیت کنید، و چشم به راه باشید که بر شما گوارا باد» (۲).

و نیز در حدیث دیگری می فرماید:

«من دین الأئمة الورع والعفة والصلاح ... و انتظار الفرج بالصبر».

«از آیین امامان علیهم السلام: تقوا، عفت، صالح بودن در گفتار خود ... و انتظار فرج با صبر و شکیبایی است» (۳).

همچنین در حدیث دیگری آمده است که وقتی حضرتش دید گروهی از یاران وی در باره ظهور دولت حق سخن می گویند، خطاب به آنها فرمود:

«شما در باره چه سخن می گوید؟ هرگز چنین نیست، نه به خدا سوگند! آنچه شما چشم به سوی آن دوخته اید هرگز واقع نمی شود مگر این که بیخته و غربال شوید. نه به خدا سوگند! آنچه شما چشم به راه و در انتظارش هستید واقع نمی شود مگر این که شما تصفیه و پاک گردید. نه به خدا سوگند! نمی شود مگر این که نیک و بدتان از هم جدا شوید. نه به خدا سوگند! این امر واقع نمی شود مگر بعد از آن که همه مایوس و نومید شوند. نه به خدا سوگند! نمی شود تا آن که اشخاص شقی، شقاوت خود را ظاهر سازند و سعادت‌مندان راه سعادت را در

ص: ۲۱۳

۱- ۳۲۸. کافی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۱۰، و منتخب الاثر، ص ۴۹۸ - ۴۹۹، ح ۱۵.

۲- ۳۲۹. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰، باب ۱۱، ح ۱۶، منتخب الاثر، ص ۴۹۷، ح ۹، و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

۳- ۳۳۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۱ و منتخب الاثر، ص ۴۹۸، ح ۱۰.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«هنگامی که پنجمین فرزند من، از دیده ها ناپدید شد، در مورد دین و آیین خود به خدا پناه ببرید - مواظب باشید - کسی شما را از دینتان بیرون نبرد؛ زیرا برای صاحب این امر، به ناچار غیبتی هست که حتی بیشتر معتقدان به او، از اعتقاد خود بر می گردند... و آن امتحان بزرگی است که خداوند بندگان خود را با آن می آزماید. اگر پدران و نیاکان شما صحیح تر از این دین راهی را می یافتند، از آن پیروی می کردند» (۲).

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«به خدا سوگند! آنچه شما انتظار آن را می کشید و گردن هایتان را به سوی آن دراز می کنید واقع نمی شود مگر بعد از آن که امتحان و آزمایش شوید تا اینکه باقی نماند از شما جز اندکی (۳) سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود:  
(آیا شما چنین پنداشته اید که شما را بدون امتحان رها می کنند؟ در حالی که هنوز خداوند شما را نیازموده است که چه کسی از شما در راه خدا مجاهده می کند؟) (۴)».

و در یک حدیث دیگر از معمر بن خلاد نقل شده است که گفت:

از حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«الم \* أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (۵)

آنگاه خطاب به من فرمود: فتنه چیست؟

عرض کردم: جانم به فدایت! آنچه ما می دانیم این است که امتحانی در دین

ص: ۲۱۴

۱- ۳۳۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۶، و الزام الناصب، ح ۱، ص ۲۶۱.

۲- ۳۳۲. منتخب الاثر، ص ۲۱۸، ح ۱، کفایه الاثر، ص ۲۶۴، بشاره الاسلام، ص ۱۵۷، غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۴ و غیبت نعمانی، ص ۱۵۴، ح ۱۱.

۳- ۳۳۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳، ح ۲۴، غیبت شیخ طوسی، ص ۲۰۴.

۴- ۳۳۴. سوره توبه، آیه ۱۶.

۵- ۳۳۵. سوره عنکبوت، آیه ۱ و ۲. (الف، لام، میم، آیا مردم چنین پنداشته اند که تنها با گفتن این که ما ایمان آورده ایم رها می شوند و مورد فتنه و آزمایش قرار نمی گیرند؟).

واقع شود.

فرمود: [آری] امتحان می شوند همان طوری که طلا محک زده می شود؛ همگی باید همچون طلای ناب از ناخالصی ها پاک شوند». (۱)

امام جواد علیه السلام می فرماید:

«هنگامی که پسر علی (یعنی امام هادی علیه السلام) از دنیا برود چراغی بعد از او آشکار شود و چراغ بعد از او، مخفی می گردد. وای به حال کسی که در حق او شک و تردید به خود راه دهد، و خوشا به حال غریبی که دین خود را برداشته از شهری به شهری فرار کند. آنگاه بعد از آن - دوران غیبت - حوادثی به وجود می آید که بسیار سخت و طاقت فرسا است و گروهی از عقیده خود بر می گردند». (۲)

منظور از چراغ آشکار در این حدیث امام حسن عسکری علیه السلام، و منظور از چراغ مخفی وجود مقدس امام زمان علیه السلام می باشد.

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» از حضرت عبدالعظیم حسنی رضی الله عنه نقل کرده که گفت:

محضر آقای خود حضرت امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم، همین که مرا مشاهده نمود فرمود:

«مرحبا به تو ای ابوالقاسم! به راستی که تو دوست ما هستی.

عرضه داشتیم: ای پسر رسول خدا! من می خواهم دین خود را خدمت شما عرضه بدارم، اگر رضای خداست بر همان ثابت بمانم تا مرگ مرا دریابد.

فرمود: آنچه عقیده داری بگو.

عرض کردم: من اعتقاد دارم که خداوند تبارک و تعالی یکی است، و مانند او چیزی نیست ... و حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم بنده و فرستاده او و خاتم پیامبران است، و بعد از او تا روز قیامت پیامبری نیست و شریعت او ختم کننده همه

ص: ۲۱۵

---

۱- ۳۳۶. غیبت نعمانی، ص ۲۰۲، باب ۱۲، ح ۲، ارشاد مفید، ص ۳۲۹، کافی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۴، منتخب الاثر، ص ۳۱۵، و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵.

۲- ۳۳۷. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷ و بشاره الاسلام، ص ۱۶۴.

ادیان و شرایع است، و بعد از شریعت او تا روز قیامت شریعتی نیست، و امام و خلیفه و ولیّ امر بعد از او، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، پس از او حسن علیه السلام، بعد از او حسین علیه السلام، و بعد از او علی بن الحسین - زین العابدین علیه السلام - سپس محمّد بن علی - امام باقر علیه السلام - پس از او جعفر بن محمّد - امام صادق علیه السلام - بعد از او موسی بن جعفر - امام کاظم علیه السلام - بعد از ایشان علی بن موسی الرضاعیه السلام، بعد از او محمّد بن علی - امام جواد علیه السلام - و بعد از ایشان شما هستید.

فرمود: «و بعد از من، پسر من حسن - عسکری - امام خواهد بود، و چگونه باشند مردم با جانشین پس از او؟».

عبدالعظیم گوید: عرض کردم برای چه ای فرزند رسول خدا؟

فرمود: «زیرا او دیده نمی شود و بردن نامش حرام است تا این که ظهور نماید و دنیا را پر از عدل و داد کند بعد از آن که پر از ظلم و جور شده باشد».

گوید: عرض کردم: به امامت آنها هم اقرار می نمایم و معتقدم که دوست شما، دوست خدا، و دشمن شما، دشمن خدا، و پیروی شما، پیروی خدا، و نافرمانی شما، نافرمانی خداست. و نیز می گویم: معراج و سؤال در قبر، و بهشت و جهنّم و صراط و میزان حقّ است و واقعیت دارد، و روز قیامت خواهد آمد و هیچ شکی در آن نیست ... و اعتقاد دارم که امور واجب و لازم بعد از دوستی و ولایت شما خاندان، نماز، روزه، زکاه، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر است.

در این موقع حضرت فرمود:

«یا أبا القاسم! هذا والله! دين الله الذي ارتضاه لعباده فاثبت عليه ثبتك الله بالقول الثابت في الحياة الدنيا والآخرة».

«ای ابا القاسم! به خدا سوگند! این همان دینی است که خداوند آن را برای بندگان خود پسندیده است؛ بر این اعتقاد ثابت باش که خداوند تو را در این

گفتارت در دنیا و آخرت استوار و محکم باقی بدارد»<sup>(۱)</sup>.

هنگامی که احمد بن اسحاق، یار وفادار امام حسن عسکری علیه السلام و نماینده وی در قم، به محضر آن جناب شرفیاب گردید و از امام و جانشین پس از وی پرسش نمود و آن حضرت فرزند برومند خود حضرت مهدی علیه السلام را به او نشان داد و از دوران سخت و دشوار غیبت با وی سخن گفت، خطاب به او فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! مَثَلِ او در میان این اُمَّتِ مَثَلِ حضرت «خضر» و «ذی القرنین» است. به خدا سوگند! آن چنان از دیده ها غایب می شود که از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسی که خدا او را در اعتقاد به امامت او ثابت و استوار نگه دارد، و او را برای دعا به تعجیل فرجش موفّق بدارد».

احمد بن اسحاق پرسید:

«ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم! آیا غیبت او به طول خواهد انجامید؟»

فرمود: آری، سوگند به پروردگارم! آنقدر طول می کشد تا آنجا که اکثر آنها که به این امر اعتقاد داشتند، از اعتقاد خود بر می گردند. بر اعتقاد خود ثابت نمی ماند جز کسی که خدا از او بر ولایت ما پیمان گرفته، و در دل او ایمان را نوشته، و او را با روحی از رحمت خودش تأیید فرموده باشد»<sup>(۲)</sup>.

حضرت ولی عصر علیه السلام در نامه شریفی که به افتخار شیخ مفید رحمه الله صادر نموده چنین مرقوم فرموده اند:

«ای دوست با اخلاص ما، که همواره در راه ما با ستمگران در ستیز هستی، خداوند تو را تأیید کند آن چنان که دوستان شایسته پیشین ما را تأیید کرده است؛ ما با تو پیمان می بندیم که هر کس از برادران دینی تو تقوا پیشه کند و از حالتی که هست بیرون آمده، به حالتی که باید باشد، در آید، از فتنه آشوبگر و گرفتاریهای اندوهبار در امان خواهد بود»<sup>(۳)</sup>.

و در نامه جانبخش دیگری خطاب به وی چنین می فرماید:

ص: ۲۱۷

۱- ۳۳۸. کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۳۷۹، باب ۳۷، ح ۱.

۲- ۳۳۹. بشاره الاسلام، ص ۱۶۸، منتخب الاثر، ص ۲۲۸، ح ۵، و کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۵، باب ۳۸، ح ۱.

۳- ۳۴۰. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، توفیق هشتم، به نقل از احتجاج طبرسی.

«هریک از شما باید آن گونه عمل کند که به دوستی ما نزدیک شود و از آنچه مقام او را پست می گرداند و او را به خشم و ناخشنودی ما می کشاند پرهیز نماید؛ زیرا امر خداوند به طور ناگهانی فرا می رسد، آن هم در حالی که دیگر توبه سودی به حال کسی ندارد و پشیمانی، او را از کیفر ما نجات نمی دهد»<sup>(۱)</sup>.

از این کلام دلنشین روشن می شود که اگر ما در اعتقاد خود ثابت قدم باشیم و در وضع کنونی خود تجدید نظر نماییم و آن چنان که پیشوایان معصوم علیهم السلام دستور داده اند رفتار نماییم، از فتنه ها در امان خواهیم بود.

همچنین اگر بخواهیم در ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام تعجیل شود باید به سلاح تقوا مسلح شویم و رابطه خود را با امام حی و حاضر و غایب از دیده ها، حفظ کنیم و در فکر اصلاح خویشتن باشیم و خود را آن چنان که شایسته یک انسان مؤمن است بسازیم و منتظر ظهور حضرتش باشیم. زیرا برای غیبت آن حضرت، عاملی جز اعمال نکوهیده ما وجود ندارد چنان که خود حضرت ولی عصر علیه السلام در نامه ای که برای شیخ مفید رحمه الله مرقوم فرموده، به این حقیقت اشاره نموده و می فرماید:

«... اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به اطاعت خود موقت بدارد - دلهایشان در راه وفا کردن به پیمانی که بر عهده آنهاست یکی بود، هرگز سعادت دیدار ما از آنها به تأخیر نمی افتاد، و سعادت پشتیبانی ما از ایشان به خاطر معرفت راستینی که به ما دارند، زودتر دست می داد؛ پس ما را چیزی جز اعمال نکوهیده آنها دور نمی سازد، که اعمال آنها به ما می رسد و ما را اندوهگین می سازد و ما چنین انتظاری از آنها نداریم»<sup>(۲)</sup>.

آری! نخستین گام انتظار، خود سازی است؛ باید خود را ساخت و به تربیت جسم و روح پرداخت و در ولایت و دوستی امامان ثابت قدم ماند، و چندان دشوار هم نیست؛ زیرا شوق دیدار امام آدمی را می سازد و او را برای درک حضورش آماده می کند.

اینک به این داستان شورانگیز که از جوانی خام و ناپخته، شخصیتی برازنده و نیک نام ساخته است توجه کنید و داستان را از زبان خودش بشنوید.

ص: ۲۱۸

۱- ۳۴۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، توفیق هفتم، و احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲- ۳۴۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، توفیق هشتم.

«من جوانی بودم تازه سال و نیک رخسار که به کار عبا بافی در دمشق روزگار می گذراندم. به پیروی از نفس سرکش، زیاده روی ها داشتم، تا روزی به مسجد اموی رفتم. گوینده ای بر فراز منبر در زمینه قیام حضرت مهدی علیه السلام و برنامه ظهور او سخن می راند.

پس دوستی و محبت او با دل و جانم آمیخت. از آن پس هرگاه به مسجد می رفتم، از خدا می خواستم مرا به او برساند. یک سال بر این منوال گذشت و من پیوسته دعا می کردم، تا این که شبی پس از نماز مغرب، مردی در مسجد به سویم آمد که عمّامه ای همچون دستار ایرانیان و نیم پوشی از پشم شتران در برداشت، پس دست بر شانه ام نهاد و گفت: تو را چه شده که می خواهی در کنار من باشی؟

گفتم: شما کیستید؟

گفت: من «مهدی» هستم.

بر دستش بوسه زدم و درخواست کردم که به خانه رویم. پذیرفت و فرمود: برایم جایی فراهم ساز که جز تو هیچ کس بدان در نیاید.

پس برایش آماده ساختم. آنگاه یک هفته نزد من ماند و در آن روزها، مرا آموزشها داد و سفارش ها نمود و چون خواست از پیش من برود، فرمود:

آنچه از من آموختی تو را کافی است. دنبال دیگری مرو که هرچه پیش او باشد، از آنچه تو یافتی کم بها تر است؛ پس منت بی فایده از کسی مکش. شنیدم و پذیرفتم.

پس خواستم برای بدرقه اش بیرون روم، مرا در کنار درِ خانه نگهداشت و فرمود: تا همینجا بس است ... در آن روزها از مهدی علیه السلام سنّش را پرسیده بودم، گفت: فرزندم! اینک ششصد و بیست سال دارم».(۱)

این سرگذشت دل انگیز «شیخ حسن عراقی» است که به تصدیق «شیخ عبدالوهاب شعرانی» عالم مشهور سنّی - که راوی این داستان می باشد - نیک مردی عابد و زاهد و برخوردار از معنویت و روحانیت بوده است.(۲)

ص: ۲۱۹

---

۱- ۳۴۳. الامام الثانی عشر، ص ۴۰ - ۴۱ به نقل از شیخ عبدالوهاب شعرانی در «لوائح الانوار فی طبقات الاخبار»، ج ۲، ص ۱۳۹؛ نجم الثاقب، ص ۶۶۲.

۲- ۳۴۴. همان مدرک.

بر اساس تعالیم عالیه اسلام و دستورات پیشوایان دین، تلاش برای فراهم آوردن انگیزه ها و وسایلی که موجب شناخت معارف اسلامی و پراکندن آنها می شود، بزرگترین خدمت انسانی و عالی ترین عمل اجتماعی و والاترین گام اصلاحی و مهمترین تکلیف واجب الهی است که هر انسان هوشیار و بیدار که توانایی کشیدن بار آن را به دوش دارد، بایستی بدون آن که در آن کار سستی روا بدارد، بدان قیام کند.

بنابراین، تردیدی نیست که تنها پرداختن به خود کافی نیست و دردی را دوا نمی کند، بلکه بر هر انسان مسلمان منتظر لازم است که در عین «خود سازی» تا آنجا که برای او امکان دارد به دیگران هم برسد تا آنها نیز به مقام شامخ آخرین حجّت خدا، و شکوه روز ظهور و لزوم انتظار فرج، آشنا شوند. زیرا:

«رسالت عظیم انتظار، به مدد اصل «دگر سازی»، همچون آتشی که در نيزار افتد، از هر کس به اطرافیان و حتی آیندگان سرایت می کند. هر قلب فروزان، هزاران قلب دیگر را شعله ور می سازد تا این رسالت انسانی، سینه به سینه، در تاریخ پیش رود، و سرانجام به روزگار ظهور پیوندد»<sup>(۱)</sup>.

اینک برای این که اهمیت دگر سازی معلوم شود به سه حدیثی که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید.

۱ - جابر جعفی می گوید:

بعد از خاتمه اعمال حج، با گروهی حضور امام محمد باقر علیه السلام شرفیاب شدیم و با آن حضرت وداع نمودیم و عرض کردیم: یا بن رسول الله! به ما سفارشی بفرمایید.

فرمود:

«باید قدرتمندان شما به ضعیف های شما کمک کنند. و ثروتمندان شما از فقرا دلجویی نمایند، و هر فردی از شما برادر دینی خودش را نصیحت نماید (خیرخواه برادر دینی خودش باشد و آنچه برای خود می خواهد برای او نیز همان را بخواهد) و اسرار ما را از نا اهلان مخفی بدارید، و مردم را بر

ص: ۲۲۰



گردن های ما مسلط نسازید. به گفته های ما و آنچه از ما به شما می رسانند توجه کنید، اگر دیدید موافق با قرآن است آن را بپذیرید، و اگر آن را موافق قرآن نیافتید، از نظر بیاندازید. (یعنی: اگر موافق قرآن بود سخن ما است و گرنه از ما نیست)، و اگر مطلب بر شما مشتبه گشت در باره آن تصمیمی نگیرید و آن را به ما عرضه بدارید تا همان طور که برای شما بیان کرده اند، تشریح کنیم».

«فإذا كنتم كما أوصيناكم ولم تعدوا الي غيره فمات منكم ميت قبل أن يخرج قائمنا كان شهيداً، و من أدرك قائمنا فقتل معه، كان له أجر شهيدين، و من قتل بين يديه عدواً لنا كان له أجر عشرين شهيداً».

«پس اگر شما به دستورها و سفارشهای ما بدون کم و کاست رفتار نمودید و همان گونه که به شما توصیه کردیم عمل کردید، و از این حدود تجاوز ننمودید، هر کس از شما پیش از ظهور قائم ما در این حال بمیرد، شهید از دنیا رفته است. و هر کس از شما قائم ما را درک کند و در رکاب او کشته شود، ثواب دو شهید دارد، و هر کس در رکاب او یکی از دشمنان ما را به قتل برساند ثواب بیست شهید خواهد داشت».(۱)

۲ - حماد سمندی می گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: من به سرزمین مشرکان سفر می کنم، بعضی می گویند، اگر در آنجا بمیری با آنان محشور می شوی!

فرمود: ای حماد! هنگامی که در آنجا هستی، به یاد امر ما (حاکمیت حق) هستی و آن را تبلیغ می کنی؟

گفتم: آری.

فرمود: هنگامی که در این شهرها - که شهرهای اسلام است - هستی چطور، آیا امر ما را مطرح می سازی و تبلیغ می کنی؟

گفتم: نه.

فرمود: تو اگر در آنجاها بمیری، خود به تنهایی همچون پیشوایی (از این امت) محشور می شوی، و در روز رستاخیز نور تو، در پیشاپیش تو حرکت

ص: ۲۲۱

می کند، و راه تو را (در تاریکی های محشر) روشن می سازد».(۱)

۳ - امام هادی علیه السلام می فرماید:

«لو لم يبق بعد غيبه قائمنا من العلماء الداعين إليه، والدالّين عليه، والذاتين عن دينه بحجج الله، والمنقذين لضعفاء عباد الله من شباك إبليس و مردته، لما بقى أحد إلا ارتدّ عن دين الله. ولكنهم العذّين يمسكون أزّمه قلوب ضعفاء الشيعة كما يمسك صاحب السفينه سكاّنها أولئك هم الأفضلون عند الله عزّوجلّ».(۲)

«اگر نبودند دانشمندانی که بعد از غیبت قائم ما، به سوی او دعوت می نمودند و به سوی او رهنمون می شدند و از دین او دفاع می کردند و بندگان ناتوان را از دام های شیطان - لعنه الله - و مرید های شیطان نجات می دادند، احدی باقی نمی ماند جز این که از دین خدا بر می گشت و مرتد می شد. ولی این دانشمندان زمام دلهای ضعیفای شیعه را به دست با کفایت خود می گیرند، چنان که ملوان ها زمام کشتی را به دست می گیرند و سرنشین های کشتی را از خطر مرگ حفظ می کنند. اینها در نزد خدای تبارک و تعالی برترین بندگان خدا هستند».

آری! همین علما و دانشمندان ربّانی اسلام هستند که در طول چهارده قرن، دین مقدس اسلام را از انحراف و دگرگونی حفظ نموده، مسایل سخت و پیچیده و ابهام آمیز را برای مسلمانان تشریح کرده، بندگان خدا را از دام و فریب شیطان و شیطان نماها نجات داده و دلهای شیعیان را بر اساس عقاید صحیح اسلامی ثابت و استوار نموده اند.

### ۳ - زمینه سازی

آنچه در روایات اسلامی به نام قیام سید حسنی، نهضت هاشمی خراسانی یا قیام یمانی، قبل از ظهور امام زمان علیه السلام بیان شده است، نمونه ای از قیام هایی است که جهت آمادگی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام انجام می پذیرد.

البته شکی نیست که این جریانها ابتداء به ساکن و بدون زمینه قبلی رخ نمی دهد؛ بلکه بعضی از پیش آمدها و حوادثی که قبل از ظهور اتفاق می افتد، منتظران مؤمن را بر

ص: ۲۲۲

۱- ۳۴۷. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۷۷، ح ۶.

۲- ۳۴۸. محجّه البیضاء، ج ۱، ص ۳۲.

آن می دارد تا بکوشند و تلاش کنند و برای پاسداری از دین و ادامه حیات با سختیها دست و پنجه نرم کنند و دشواریها را از پیش پای خود بردارند و ناگزیر به انگیزه ای طبیعی برای دفاع از خود، به تهیه نیرو و ابزار و آلات جنگی بپردازند و لوازم و امکانات را فراهم آورند، چنان که خداوند در قرآن کریم به این امر فرمان داده و فرموده است:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسِيْتَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ، لَاتَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (۱)

«برای نبرد با کافران و بدخواهان آنچه می توانید از هرگونه نیرو فراهم آورید، و نیز از اسبان زین بسته و آماده - مهیا کنید - تا دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگرانی که شما آنها را نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد، به هراس افکنید و (بدانید) آنچه را که در راه خدا می دهید بی کم و کاست به شما پرداخت می شود و هرگز ستمی نخواهید دید».

بنابراین، یکی از ابعاد دیگر انتظار، آمادگی و زمینه سازی و تهیه ابزار و آلات جنگی مورد نیاز برای قیام شکوهمند امام غایب است چنان که حدیث ذیل نیز اشاره به همین معناست.

ابو عبدالله، عمرو بن شمر جعفی می گوید:

«امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس برای یاری ما مرکبی را آماده نگهدارد تا زمانی که آن مرکب نزد اوست به اندازه وزن آن و دو برابر وزن آن پاداش دارد، و هر کس اسلحه ای را به همین هدف نگاه دارد تا موقعی که آن اسلحه پیش اوست هم وزن آن پاداش دارد» (۲)

آری خواننده گرامی! انسان منتظر که میان دو قطب «یأس و امید» قرار گرفته، پیوسته در حال حرکت و پویایی است و نمی تواند آرام بگیرد. و از این رو، منتظران واقعی نیز مانند جهاد گرانی که در جبهه جنگ و میدان نبرد در انتظار فرمان حمله بسر می برند، در حال آماده باش کامل اند.

ص: ۲۲۳

۱- ۳۴۹. سوره انفال، آیه ۶۰.

۲- ۳۵۰. کافی، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

بر اساس روایات انتظار فرج یکی از بزرگترین عوامل مقاومت و پایداری است. و از آن جهت که مسلمانان و به ویژه شیعیان را در برابر ظلمها، فسادها، زورگویی ها، و انواع بلاها و سختیها، ثابت و پابرجا نگه می دارد و به آنان دل و جرأت می دهد تا در برابر تهدیدها، تطمیع ها و سختگیری های دشمنان اسلام خود را نوازند، و از هیچ چیز و هیچ کس نترسند و نهراسند، و مقاومت و ایستادگی خود را از دست ندهند، و در عقیده خود همچنان محکم و مستحکم استوار و ثابت قدم بمانند، سرمایه روحی بزرگی برای مؤمنان و منتظران و مستضعفان است.

انتظار از دیدگاه اسلام و به خصوص مکتب حرکت بخش و تلاش آفرین تشیع، مشوق مردم به استقامت، مقاومت و پایداری، و جهاد و مبارزه است، و از آنجا که چشم داشتی به ظهور یک قیام الهی و روحانی و اجتماعی در سطح جهان است، به منتظران دید وسیعی می بخشد و به آنها دلگرمی می دهد و صفوف حق را در برابر ناحق فشرده تر می کند و حق طلبان و مصلحان و مؤمنان را به ادامه راه حق و عدل، در برابر فسادها و بی عدالتی ها مقاوم می نماید، و سرانجام از آنها انسان هایی پولادین و آبدیده می سازد.

بنابراین، بیهوده نیست که در روایات اسلامی «انتظار فرج» عبادت شمرده شده، و حتی از بزرگترین عبادات به شمار آمده است.

آری! انتظار فرج در اسلام عبادت است. و از آن رو که انسان منتظر، میان دو قطب «یأس و امید» قرار گرفته، و در برابر امواج کوه پیکر تاریکی ها که فضای زندگی انسانها را تیره و تار ساخته، هرگز دچار شک و تردید نمی شود و انواع و اقسام آزارها و اهانت های بی دینان را به جان و دل می خرد و در عین حال، همچون کوه در عقیده خود ثابت و استوار می ماند و کوچکترین تردیدی در حقانیت عقیده خویش به خود راه نمی دهد، از برترین عبادتهاست.

زیرا با آن همه راههای انحرافی و دامهای شیطانی، که استکبار پیشگان در طول تاریخ حیات اسلام در برابر منتظران با ایمان گشوده اند، اعتراف به حق، و حفظ همه عقایدی که منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام از مبدء تا معاد، از روی اخبار وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام آموخته اند، و به مرگب سیاهی روی کاغذی سفید

ایمان آورده اند، در قلمرو حکومت های باطل، کار ساده و آسانی نیست.

اینک به قسمتی از روایاتی که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«المهدی من ولدی الذی یفتح الله به مشارق الأرض و مغاربها، ذاک الذی یغیب عن أولیائه غیباً لایثبت علی القول بإمامته إلا من امتحن الله قلبه للإیمان.

فقلت: یارسول الله! هل لأولیائه الانتفاع به فی غیبه؟

فقال: والذی بعثنی بالحق نبیاً إنهم یتضییون بنوره وینتفعون بولایته فی غیبه کانتفاع الناس بالشمس إذا سترها سحاب. یا جابر! هذا من مکنون سرّ الله، و مخزون علمه، فاکتمه إلا عن أهله» (۱).

«مهدی علیه السلام از فرزندان من است. خداوند به وسیله او مشرق ها و مغرب های زمین را فتح می کند. مهدی کسی است که از دوستان خود پنهان می شود پنهان شدنی طولانی که بر اعتقاد خود در امامت او استوار نمی ماند مگر کسی که خداوند دلش را برای ایمان آزموده است.

راوی گوید: من عرض کردم: یارسول الله! آیا دوستان او در زمان غیبت حضرتش از وی نفعی می برند؟

فرمود: قسم به پروردگاری که به حق مرا به پیغمبری مبعوث نمود! دوستان مهدی از پرتو نور او کسب روشنایی می کنند و در زمان غیبت آن حضرت از ولایتش بهره مند می گردند، همان گونه که مردم از خورشید بهره می برند ولو این که ابر آن را پنهان کرده باشد. ای جابر! این امر از رازهای پنهانی خدا است، پس آن را جز از اهلش پوشیده مدار.»

رسول گرامی اسلام در یک حدیث دیگر که در باره ایمان و اعتقاد شیعیان آخرالزمان، با امیرمؤمنان علیه السلام سخن گفته است در حالی که آن حضرت را مورد خطاب قرار داده و ایمان استوار این گروه مقاوم را مورد ستایش قرار داده است، چنین می فرماید:

ص: ۲۲۵

«یا علی! واعلم أنّ أعجب الناس إيماناً وأعظمهم يقيناً قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي، وحُجِب عنهم الحجة، فأمنوا بسوادٍ في بياض» (۱).

«یا علی! شگفت انگیزترین مردمان از نظر ایمان و والاترین آنان از نظر یقین، قومی هستند در آخر الزمان، که پیامبر را درک نکرده اند و حجت خدا از آنها پنهان گردیده و آنان به مرکب سیاه روی کاغذ سفید ایمان آورده اند».

در حدیث دیگری که در همین رابطه، در باره استقامت مؤمنین منتظر از آن حضرت نقل شده، چنین آمده است: روزی پیامبر اکرم در محضر اصحاب خود راجع به وضع شیعیان در آخر الزمان دستها را به سوی آسمان بلند نموده و فرمود:

«اللهم لئنني إخواني - مرتين -

فقال من حوله من أصحابه: أما نحن إخوانك يا رسول الله؟

فقال: لا، إنكم أصحابي، و إخواني قومٌ في آخر الزمان، آمنوا بي ولم يروني، لقد عرفنيهم الله بأسمائهم وأسماء آبائهم من قبل أن يُخرجهم من أصلاب آبائهم و أرحام أمهاتهم، لأحدهم أشدُّ بقيَّةً على دينة من خرط القتاد في الليلة الظلماء، أو كالقابض على جمر الغضا! أولئك مصابيح الدُّجى، يُنجيهم الله من كلِّ فتنهٍ غبراءٍ مظلِمةٍ! (۲)

«خداوندا! برادرانم را به من بنمایان. - و این جمله را دوبار تکرار نمود -.

یکی از اصحاب گفت: مگر ما برادران شما نیستیم، ای رسول گرامی خدا!

فرمود: نه، شما یاران و اصحاب من هستید. برادران من کسانی هستند که در آخر الزمان می آیند و مرا ندیده، به من ایمان می آورند. خداوند آنها را پیش از آن که از صلب پدرانشان به رحم مادرانشان در آیند، با نام خود و نام پدرانشان به من معرفی نموده است. استقامت هریک از آنها در دین خود، از کندن خارهای «گون» در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته سخت تر است. آنها مشعل های هدایت اند که خداوند آنها را از فتنه های تیره و تاریک نجات می بخشد».

ص: ۲۲۶

۱- ۳۵۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۲.

۲- ۳۵۳. همان، ص ۱۲۴، ح ۸.

در حدیث دیگری آمده است که پیامبر فرمود:

«سِأَتِي قَوْمٍ مِنْ بَعْدِكُمْ، الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ...»

قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَأُحُدٍ وَحُنَيْنٍ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ!

فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لَمَا حُمِّلُوا، لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ. (۱)

«بعد از شما قومی خواهند آمد که پاداش هر یک از آنها برابر پاداش پنجاه تن از شماست.

گفتند: یا رسول الله! مگر نه این است که ما در حضور شما در جنگ بدر و احد و حنین شرکت جستیم و قرآن در میان ما نازل شده است؟!»

فرمود: اگر آنچه بر آنها روی خواهد داد، بر شما روی می داد شما هرگز نمی توانستید چون آنها صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید.»

در این روایات چنان که ملاحظه می شود، رسول گرامی اسلام مؤمنان منتظر را برادران خود خوانده و از صبر و شکیبایی و مقاومت آنان در برابر مشکلات ستایش نموده و رمز آن را هم سختی و دشواری دوران غیبت و ثابت ماندن بر حق و حقیقت معرفی فرموده است.

امام حسین علیه السلام می فرماید:

«برای او غیبتی هست که گروهی در آن مرتد می شوند و گروهی دیگر در دین ثابت و استوار می مانند؛ پس اذیت و آزار می بینند - و از راه شتمات - به آنها گفته می شود: این وعده کی هست اگر شما راست می گوید؟! آگاه باشید آنها که در زمان غیبت او بر آزار و تکذیب، صبر می کنند مانند کسانی هستند که در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شمشیر زده اند.» (۲)

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«غیبت ولی خدا و دوازدهمین وصی پیامبر به درازا می کشد. اهل زمان غیبت او که قایل به امامت او و منتظر ظهور او هستند، برتر از مردمان هر زمان دیگر می باشند، زیرا خدای تبارک و تعالی به آنها آنقدر عقل و فهم و شناخت عطا

ص: ۲۲۷

۱- ۳۵۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶.

۲- ۳۵۵. همان، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴ و کمال الدین صدوق، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳.

فرموده است که غیبت امام در پیش آنها چون زمان حضور شده است. خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم شمشیر بزنند؛ آنها مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان می باشند» (۱).

و در حدیث دیگری که ابی خالد کابلی از آن حضرت روایت نموده آمده است که فرمود:

من دوست می داشتم که در سخن گفتن آزاد بودم و با مردم سه کلمه حرف می زدم و سپس خداوند هرگونه که خود مصلحت می دانست در باره من عمل می کرد. ولی چه کنیم که پیمانی است که با خدا بسته ایم که صابر و شکیبیا باشیم.

آنگاه این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» (۲)، «و خبرش را پس از گذشت زمانی خواهید دانست».

و سپس این آیه مبارکه را نیز تلاوت فرمود:

«وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (۳).

«و شما حتماً از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی بر آنها نازل شده، زخم زبان خواهید شنید و از آنها که راه شرک در پیش گرفتند آزار فراوان خواهید دید و اگر صبر کنید (و استقامت ورزید) و تقوا را پیشه سازید (البته پیروز خواهید شد) زیرا که صبر و تقوا سبب نیرومندی و قدرت اراده در کارهاست».

امام صادق علیه السلام می فرماید:

یکی از یاران با وفای امام صادق علیه السلام به نام «زراره» از آن حضرت نقل می کند که در حدیثی فرمود:

«برای حضرت قائم علیه السلام پیش از آن که قیام کند غیبتی هست».

ص: ۲۲۸

---

۱- ۳۵۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴ و منتخب الاثر، ص ۲۴۴، باب ۲۴، ح ۱.

۲- ۳۵۷. سوره ص، آیه ۸۸.

۳- ۳۵۸. سوره آل عمران، آیه ۱۸۶.



عرض کردم: چرا؟ فرمود: می ترسد - و با دست خود به شکمش اشاره کرد (یعنی او را می کشند) -

سپس فرمود: ای زراره! او همان کسی است که در انتظارش بسر می برند، و او همان کسی است که مردم در مورد ولادت او دچار تردید می شوند، برخی گویند: پدرش از دنیا رفت و فرزندش نداشت؛ برخی گویند: او (به آسمانها) برده شد؛ برخی گویند: او از دیده ها پنهان شده و غایب است. و برخی گویند: چند سال پیش از وفات پدرش دیده به جهان گشود و ما به انتظارش هستیم. ولی خداوند دوست دارد که دل‌های شیعیان را بیازماید، در این هنگام است - ای زراره - که باطل گرایان دچار تردید می شوند»<sup>(۱)</sup>.

در همین رابطه در یک حدیث دیگر آمده است:

یکبار گروهی از اصحاب امام صادق علیه السلام به خدمت آن حضرت شرفیاب شدند و آن حضرت را دیدند که روی زمین نشسته و در حالی که به شدت می گریست، می فرمود:

«سیدی! غیبتک نفت رقادی، وضیقت علی مهادی، وأسرت منی راحه فؤادی! سیدی! غیبتک أوصلت مصابی بفجائع الأبد! وفقد الواحد بعد الواحد یفنی الجمع والعدد! فما أحسُّ بدمعه ترقاً من عینی، وأنین یفتّر من صدري عن دوارج الرزایا وسوالف البلیا، إلا- مثل لعینی عن عواید أعظمها وأفظعها، وتراقی أشدّها وأنکرها، ونوایب مخلوطه بغضبک، ونوازل مجبونه بسخطک!!!»

«سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، خاطر من را پریشان ساخته، آرامش دلم را از من سلب نموده است.

سرور من! غیبت تو، مصیبتی جانکاه بر سراسر هستی ام فرو ریخته که هرگز تسلی نمی یابم، از دست دادن یاران، یکی بعد از دیگری اجتماعات را درهم می ریزد، بلاها و سختیها، رنجها و اندوهها، آنچه بر دلم سنگینی می کند که دیگر اشک دیده و فریادهای سینه ام را احساس نمی کنم. که هرچه بر اشک

ص: ۲۲۹

---

۱- ۳۵۹. غیبت نعمانی، ص ۱۶۶، ح ۶، باب ۱۰، منتخب الاثر، ص ۵۰۱، ط ۳، فصل ۱۰، باب ۳، ح ۱. و کافی ج ۱، ص ۳۳۷

دیده و فریاد سینه ام می نگرَم، مصیبت شدیدتر و جانکاه تری در نظرم مجسّم می گردد که از مصایب قبلی دشوارتر و شکننده تر است!»!

یکی از یاران عرضه نمود: ای مولای من! خدا دیدگانت را نگریاند، چه چیزی موجب شده که این چنین سیلاب اشک بر صورت مبارکت جاری شده؟ چه عاملی این چنین قلب عالم امکان را به لرزه در آورده و بر این ماتم نشانده؟

امام صادق علیه السلام آهی کشید که قفسه های سینه اش باز شد و لرزه بر اندامش افتاد و فرمود:

«وَيْلَكُمْ! ... نظرتُ في كتاب الجفرِ صبيحةَ هذا اليومِ ...، وتأمّلت مولد قائمنا وغيبته وإبطاءه وطول عمره وبلوى المؤمنين في ذلك الزمان، وتولد الشكوك في قلوبهم من طول غيبته، وارتداد أكثرهم عن دينهم، وخلعهم ربة الإسلام من أعناقهم التي قال الله تعالى جلّ ذكره: «وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» (۱) یعنی الولاية فأخذتني الرقة واستولت على الأحزان»

«وای بر شما! من امروز صبح کتاب «جفر» (۲) را مطالعه می کردم، در زندگی قائم ما می اندیشیدم که از دیده ها غائب می شود و غیبتش به طول می انجامد و عمرش بسیار طولانی می شود و مؤمنان در آن زمان به سختی آزموده می شوند و از طول غیبتش دچار شک و تردید شده، بیشترشان از دین خود مرتد می شوند و ریسمان اسلام را - که خدای متعال می فرماید: «و کارنامه هر انسانی را به گردن او بستیم» - از گردن خود می گشایند، یعنی همان رشته ولایت را از گردن خود دور می کنند. از مطالعه وضع آنها رشته افکارم گسست و کوه غم و اندوه بر تنم فرو ریخت.» (۳)

ص: ۲۳۰

۱- ۳۶۰. سوره اسراء، آیه ۱۳.

۲- ۳۶۱. جفر، کتابی است شامل علم منایا و بلایا و مرگ و میرها، آنچه در جهان اتفاق افتاده و آنچه در آینده روی خواهد داد. در این کتاب منعکس گردیده است. خداوند این کتاب را به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وائمه معصومین علیهم السلام عطا فرموده که هم اکنون در دست مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد. جهت آگاهی بیشتر در این زمینه به این منابع مراجعه شود: اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۹ و ینایع الموده، ج ۳، ص ۵۲، ۵۶، ۶۷ و الزام الناصب، ص ۷ - ۹ و ۷۲.

۳- ۳۶۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹، غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۵ بشاره الاسلام، ص ۱۴۵، منتخب الاثر، ص ۲۵۹ و منابع دیگر.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا عبادت پنهانی با امام معصوم از شما که در تحت ستم ستمگران مخفی باشد، برتر است یا عبادت آشکار در دولت حق با امام ظاهر از شما؟

حضرت علیه السلام فرمود:

«الصدقه فی السرِّ واللّه أفضل من الصدقه فی العلانیه، وكذلك واللّه! عبادتکم فی السرِّ مع إمامکم المستتر فی دوله الباطل وحال الهدنه أفضل ممّن یعبّد اللّه عزّوجلّ فی ظهور الحقّ مع الإمام الظاهر فی دوله الحقّ. ولیست العباده مع الخوف فی دوله الباطل، مثل العباده مع الأمن فی دوله الحقّ».

«به خدا سوگند! صدقه پنهانی برتر از صدقه آشکار است. همچنین به خدا سوگند! عبادت پنهانی با امام مخفی در حکومت ستمگران و در حال صلح، برتر و والاتر است از کسی که به هنگام ظهور دولت حق در محضر امام ظاهر خدای تبارک و تعالی را پرستش کند. هرگز عبادت توأم با ترس و وحشت در دولتهای باطل با عبادت توأم با امن و امان در دولت حق قابل مقایسه نیست ...».

این حدیث بسیار طولانی است. در پایان یکی از اصحاب سؤال نمود: چگونه ممکن است ما که در زیر ستم دولت باطل زندگی می کنیم، از کسانی که در دولت مقتدر حضرت مهدی علیه السلام زندگی خواهند کرد، برتر باشیم؟! فرمود:

«إنکم سبقتموهم إلى الدخول فی دین اللّه عزّوجلّ، وإلى الصلاه والصوم والحجّ وإلى کلّ فقهٍ وخیر، وإلى عباده اللّه جلّ وعزّ سراً من عدوّکم مع إمامکم المستتر مطیعین له، صابریین معه، منتظرین لدوله الحقّ، خائفین علی إمامکم وأنفسکم من الملوک الظلمه، تنظرون إلى حقّ إمامکم، وحقّوکم فی أیدی الظلمه، قد منعوکم ذلک واضطّروکم إلى حرث الدنیا وطلب المعاش مع الصبر علی دینکم وطاعه إمامکم والخوف من عدوّکم، فذلک ضاعف اللّه عزّوجلّ لکم الأعمال، فهنیئاً لکم».

قلت: جعلت فداک! فماتری إذاً أن نکون من أصحاب القائم ویظهر الحقّ، ونحن الیوم فی إمامتک وطاعتک أفضل أعمالاً من أصحاب دوله الحقّ

فقال عليه السلام: سبحان الله! أما تحبون أن يظهر الله تبارك و تعالی الحق والعدل في البلاد، ويجمع الله الكلمه، ويؤلف الله بين قلوب مختلفه، ولا يعصون الله عزوجل في أرضه، وتقام حدوده في خلقه، ويرد الله الحق إلى أهله، فيظهر حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافه أحد من الخلق؟

أما والله يا عمّار! لا يموت منكم ميت على الحال التي أنتم عليها إلّا- كان أفضل عند الله من كثير من شهداء بدرٍ وأحدٍ فأبشروا! (۱)

«شما در حالی اقدام به ایمان، نماز، روزه، حج و هر خیر و فقه و عبادت خدای تبارک و تعالی نموده اید که از دشمن در ترس و هراس هستید، و امام شما مخفی هست و شما از او فرمان می برید و در کنار او صبر می کنید و ظهور دولت حق را انتظار می کشید و بر خود و امامتان از پادشاهان ستمگر نگران هستید، می بینید که حق امامتان و حق خودتان در زیر پای ستمگران لگدمال شده، و شما را از حقوق خود محروم ساخته اند، و شما را ناگزیر کرده اند که با ترس و نگرانی بر جان و دین خود، به دنبال متاع دنیا و کسب معاش بروید و زیر ستم آنها از امام خود فرمان می برید و از دشمنان در امان نیستید. از این رهگذر، خداوند پاداش اعمال شما را چند برابر نموده است. گوارا باد بر شما.

یکی از اصحاب گفت: اکنون که ما در عهد امامت تو برتر از اصحاب قائم هستیم، پس چرا ظهور حق و عدالت را طلب کنیم؟!

فرمود: سبحان الله! مگر نمی خواهید که خدای تبارک و تعالی حق و حقیقت و عدالت را در شهرها ظاهر سازد و همگان را بر یک کلمه گرد آورد و دلهای پراکنده و پریشان را الفت عطا کند که دیگر در روی زمین، خدا را معصیت نکنند؟!

به خدا سوگند! هر کدام از شما در این حال که هستید، اگر از دنیا بروید در نزد حضرت پروردگار از بیشتر شهدای بدر و أحد برتر و پرارج تر خواهید بود.

امام صادق علیه السلام در لوح مادرش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یک حدیث طولانی مشاهده نمود که خدای تبارک و تعالی حال مؤمنان را در عهد غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام وصف نموده است که فرازی را از آن در اینجا می آوریم:

«سَيَذُلُّ أَوْلِيَاءِي فِي غَيْبَتِهِ، وَيَتَهَادُونَ بِرُؤُوسِهِمْ كَمَا تُتَهَادَى رُؤُوسُ التَّرِكِّ وَالِدَيْلِمِ، فَيُقْتَلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَجَلِينَ، تُصَبِّغُ الْأَرْضُ بدمائِهِمْ، وَيَفْشُو الْوَيْلُ وَالرَّيْنُ فِي نَسَائِهِمْ، أَوْلِيَاكَ أَوْلِيَاءِي حَقًّا، بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءٍ حُنْدَسٍ، وَبِهِمْ أَكْشَفُ الزَّلَازِلَ وَأَدْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ، «أَوْلِيَاكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلِيَاكَ هُمُ الْمُتَهْتَدُونَ» (۱)» (۲).

«... دوستان من در زمان غیبتش خوار و زبون می شوند؛ سرهای آنها چون سرهای ترک و دیلم هدیه فرستاده می شود، آنها کشته می شوند، سوزانیده می شوند و تا زنده هستند با ترس و وحشت و اضطراب زندگی می کنند. زمین از خون آنها گلگون می شود. ناله و فریاد در میان زنهای آنها آشکار می شود، آنها دوستان واقعی من هستند.

من به وسیله آنها امواج فتنه های تیره و تار را که چون تیرگی شب در افق زندگی ظاهر می شود، دفع می کنم. و به وسیله آنها اضطرابات را رفع می کنم و سختیها و گرفتاریها را کشف می کنم.

(بر آنهاست صلوات و رحمت از پروردگارشان، و آنها هستند هدایت یافتگان)».

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب «غیبت» خود در حدیثی از ابراهیم بن هلال روایت کرده است که گفت:

«به حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام عرض کردم: پدرم در انتظار این امر (دولت حق) از دنیا رفت، و من نیز به سنی رسیده ام که می بینی (آیا) بمیرم و در این باره

ص: ۲۳۳

۱- ۳۶۴. سوره بقره، آیه ۱۵۷.

۲- ۳۶۵. عیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۵، معانی الاخبار، ص ۳۷۳، بشاره الاسلام، ص ۱۳ و منتخب الاثر، ص ۱۳۵، فصل ۱، باب

چیزی به من خبر ندهی؟

حضرت علیه السلام فرمود: ای ابا اسحاق! تو نیز شتاب می کنی؟

عرض کردم: آری به خدا سوگند! شتابزده هستم، و چرا شتاب نکنم در حالی که می بینی سَنَم به کجا رسیده است؟

فرمود: به خدا سوگند ای ابا اسحاق! این امر واقع نمی شود مگر این که از هم دیگر جدا شوید و پاک و پاکیزه شوید و از شما باقی نماند مگر تعداد بسیار کمی ...» (۱).

و در یک حدیث دیگر آمده است که در همین رابطه به یونس بن عبدالرحمان فرمود:

«طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبنا فی غیبه قائمنا، الثابتین علی موالاتنا، والبراءه من أعدائنا، أولئک منّا ونحن منهم، قد رضوا بنا أئمة ورضینا بهم شیعة، وطوبی لهم، هم واللّه معنا فی درجتنا یوم القیامه».

«خوشا به حال شیعیان ما، که در دوران غیبت قائم ما به دوستی ما چنگ می زنند و در ولایت ما ثابت و استوار می مانند و از دشمنان ما براءت و بیزاری می جویند. آنان از ما هستند و ما نیز از آنها هستیم. آنها ما را به امامت پذیرفته اند و ما هم آنها را به عنوان «شیعه» پسندیده ایم. و خوشا به حال آنها. به خدا سوگند! آنها در روز قیامت با ما و در ردیف ما هستند» (۲).

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

امام حسن عسکری علیه السلام در نامه ای که به افتخار ابوالحسن، علی بن حسین بابویه (پدر شیخ صدوق) رحمهما الله نگاشته، چنین مرقوم فرموده اند:

«بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین، والعاقبه للموحدین، والنار للملحدین، ولاعدوان إلا علی الظالمین، ولا إله إلا الله أحسن الخالقین، والصلاه علی خیر خلقه محمد صلی الله علیه وآله وسلم وعترته الطاهرین».

اما بعد: ای دوست کهن سال و آگاه و مورد اعتماد من! ای ابوالحسن، علی

ص: ۲۳۴

۱- ۳۶۶. غیبه نعمانی، ص ۲۰۸، باب ۱۲، ح ۱۴.

۲- ۳۶۷. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶، منتخب الاثر، ص ۲۱۹، ح ۳، کفایه الاثر، ص ۲۶۵، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۴، اعلام الوری، ص ۴۰۷، و در چاپ دیگر، ص ۴۳۳ و الزام الناصب، ص ۶۸.

بن حسین بابویه قمی! که خداوند تو را در مورد آنچه موجب رضای اوست موفق بدارد و از اولاد تو فرزندان صالح و شایسته قرار دهد، تو را سفارش می‌کنم به تقوای الهی و اقامه نماز و پرداختن زکات، زیرا نماز بدون زکات پذیرفته نمی‌شود.

و سفارش می‌کنم تو را به عفو و گذشت، و فرو بردن خشم و غضب و به جا آوردن صله ارحام، و یاری رساندن به برادران دینی در حال فراخ و تنگدستی، و بردباری در وقت جهالت، و تفقه در دین، و ثبات قدم در کارها، و مواظبت داشتن بر قرآن، و حسن خلق، و امر به معروف و نهی از منکر ...

پس به سفارش عمل کن و همه شیعیانم را به آن وادار نما تا به آن عمل کنند.

و بر تو باد به صبر و شکیبایی و «انتظار فرج»، که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: «برترین اعمال امت من انتظار فرج است»، - و این را بدان - که شیعیان ما پیوسته در غم و اندوه بسر خواهند برد تا زمانی که فرزندم - مهدی علیه السلام - که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بشارت ظهور او را داده است، ظهور نماید، زیرا او - که درود خدا بر او باد - فرموده است: سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است.

پس ای دوست کهن سال و مورد اعتماد من! صبر را پیشه کن و همه شیعیان مرا نیز به شکیبایی و بردباری وادار نما که تمام زمین از آن خداست، آن را به هر کس که بخواهد میبخشاید و سرانجام، از آن پرهیزکاران خواهد بود، و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو و شیعیان ما باد. و حسبنا الله و نعم الوکیل، نعم المولی و نعم النصیر» (۱).

آنچه از این نامه مبارک استفاده می‌شود این است که، چون لازمه ظهور، مهیا شدن گروه بسیاری از شیر مردان پارسا و کار آزموده برای یاری دادن و نصرت حضرت مهدی علیه السلام است، پس ملت شیعه باید بیش از هر چیز و پیش از هر کار به فراهم ساختن این جنگاوران پاک و دلاور همت گمارد، و برای تربیت و پرورش آنان در آینده تاریخ

ص: ۲۳۵

تلاش و کوشش نماید.

پس شکیبایی، خود نوعی نبرد و مبارزه است که در کمین گاه صبر و انتظار انجام می شود، و گرچه به صورت ظاهر در جبهه جنگ به پیش نمی رود؛ اما چون از پیشروی دشمن جلوگیری می کند تلاش مثبت و مفید را دربردارد، و آن این که شخص منتظر در کمین گاه صبر و سنگر مقاومت و استقامت هم خود و هم دین خود را حفظ می کند و هم از این پناهگاه به دشمن یورش می برد و او را وادار به عقب نشینی می نماید و این خود، درنگ لازمی است تا قدرت لازم برای آینده فراهم آید و زمان مساعد فرا رسد.

به سبب همین اهمیت و حساسیت است که امام حسن عسکری علیه السلام در نامه خود به پدر شیخ صدوق رحمه الله از صبر و انتظار سخن می گوید و به او توصیه می نماید تا سفارش وی را به شیعیانش برساند، و آنان را برای بسیج نیروهای شیعی در نبرد سرنوشت ساز روز ظهور مبارک مهدی علیه السلام آماده و مهیا سازد.

حضرت ولی عصر علیه السلام می فرماید:

«اگر چه ما در سرزمین دور دستی که از جایگاه ستمگران دور است، سکنا گزیده ایم. زیرا خداوند مصلحت ما و شیعیان مؤمن ما را در این دیده است که تا حکومت دنیا در دست تبهکاران است در این نقطه دور دست مسکن گزینیم - ولی از اخبار و حالات شما آگاهیم و هرگز چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نمی ماند، و می دانیم که چه سختیها و گرفتاریها به شما رسیده است.

از آن وقت که بسیاری از شماها به کارهایی دست زدند که پیشینیان صالح شما از آن به دور بودند و پیمانی را که خداوند از آنها گرفته بود پشت سر انداختند، گویی که از آن بی خبر بودند، اما ما شما را رها نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم و گرنه سختیها و پریشانیها به شما روی می آورد و دشمنان، شما را از ریشه و بن بر می کنند»<sup>(۱)</sup>.

آری! انتظار عامل مقاومت و پایداری است و طرفداران حق و عدالت و اسلام خواهان را در برابر تمام فشارها، ظلم و ستم ها، ناهمواریها و مشکلات روزگار مقاوم و

ص: ۲۳۶

---

۱- ۳۶۹. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۲، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، و الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۶۵.



پایدار نگه می دارد، و پیوسته بر فروغ چراغ امیدواری منتظران و ثبات قدم و استواری آنها می افزاید، و آنان را در انجام وظایف دینی و تکالیف مذهبی تهییج و تحریک می نماید، و به ضمیر باطنشان شور و شوق و نشاط می بخشد.

این انتظار است که در مبارزه حقّ و باطل، صفوف طرفداران حقّ را فشرده تر می کند و به آنها امید و حرکت می دهد، و آنان را به نصرت خدا و فتح و پیروزی در آینده نوید می دهد، و گوش و جانشان را به آوای بلند و نوید بخش قرآن آشنا می سازد که: «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ (۱)؛ پس به انتظار باشید که من نیز همراه با شما از منتظران هستم».

این انتظار است که تمام نظامهای سلطه گر را واپس می زند، و همه رژیم های انحرافی را مطرود می سازد، و با ظلم و فساد و انحراف به مبارزه بر می خیزد، و منتظران را به حرکت و جنبش و خیزش وامی دارد، و از آنان مردانی مبارز، مقاوم و ضدّ سلطه می سازد، و آنان را همچون سدّی آهنین در برابر جنایتکاران، سلطه جویان و قدرت طلبان ثابت و استوار نگه می دارد.

این انتظار است که منتظران راستین ظهور را به سلاح عفت، تقوا، پاکی و پاکیزگی مسلّح می سازد که تحت هیچ شرایطی زیر بار ظلم نمی روند، و در برابر هیچ ستمکاری سر تعظیم و تسلیم فرود نمی آورند، و با قامتی بلند و افراشته در انتظار می مانند تا ندای روحبخش وحدت را از فراز خانه کعبه بشنوند و آن را لبیک گویند.

این است فلسفه بزرگ اجتماعی انتظار فرج، و این است یکی از اسرار مهمّ غیبت حضرت صاحب الأمر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و به همین دلیل است که پاداش منتظران ظهور مانند پاداش مجاهدان راه حقّ، و بلکه همانند پاداش شهدای بدر و اُحد می باشد.

بنابراین، آیا چنین انتظاری عامل حرکت و جنبش و عامل مقاومت و پایداری است یا این که عامل سقوط و رکود؟

آیا انسان را متعهد و مسئول، محکم و مستحکم، با اراده و نفوذناپذیر بار می آورد یا او را سست و زبون و بی اراده می سازد؟

ص: ۲۳۷

حال اگر دیگران آن را به گونه ای دیگر تفسیر می کنند و آن را عامل انحطاط و سقوط می دانند، برای این است که مردمان را بفریبند و به اهداف شوم خود نایل شوند که هرگز در این امر توفیق نخواهند یافت.

### انتظار عامل بقای جامعه تشیع

آنچه از بررسیهای دقیق و عمیق علمی در ابعاد گوناگون فلسفی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی «انتظار» در تاریخ، فلسفه ادیان، آیات کریمه قرآن و اخبار و احادیث اسلامی استفاده می شود این است که: «انتظار» در طرح کلی و عمومی و در سطحی جهانی، عامل بقای نسل بشر و رمز موجودیت تمام ادیان و مذاهب الهی و امروز نیز یکی از بزرگترین عوامل بقای جامعه اسلامی و «تشیع راستین» در میان جامعه بشریت است.

در طول تاریخ حیات پر افتخار «تشیع» - اگر نگوئیم یگانه عامل -، مهم ترین عاملی که شیعیان را در برابر تمام حکومت های جور و ستم و دستگاہهای ظلم و فساد حفظ نموده و آنها را در جریان زمان، با همه محرومیت ها، رنج و شکنجه ها و حبس و تبعید ها، در برابر تمام صدمات و لطماتی که از ناحیه زمامداران ستمکار بر آنان وارد شده است، از زوال و انقراض نگه داشته است، همین مسأله انتظار و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بوده است.

تاریخ پر فراز و نشیب اسلام هیچ دسته و گروهی را نشان نمی دهد که به اندازه «شیعه» از دست دوست و دشمن آن همه آسیب دیده باشد؛ اما همچنان با قامتی افراشته چون کوهی سر به فلک کشیده ثابت و استوار بماند، و روز به روز به رشد و ترقی خود ادامه دهد.

«پس از رحلت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و شهادت امیرالمؤمنین و سید الشهداء علیهما السلام تا امروز، ریشه تمام حرکات و نهضت های شیعه و مسلمین، علیه باطل و استثمار گران، همین فلسفه اجتماعی انتظار، عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل،

آری! جامعه تشیع، در طول تاریخ حیات سراسر رنج‌زا و درد آلود و در عین حال افتخار آفرین خود، که پیوسته با خون و شهادت‌ها و دست و پا بریدن‌ها، قتل و کشتارها، و زجر و شکنجه‌های طاقت فرسا و غیر قابل تحمل همراه بوده است با همین امید و انتظار، همواره با حکومت‌های جابرانه و سیاست‌های فریبکارانه و خدعه آمیز جنگیده و از خود، حرکت و جنبش بروز داده و مقاومت و استقامت نموده و زمینه را برای جاودانی ساختن خویش از هر حیث فراهم کرده است.

اگر انتظار و عقیده به ظهور نبود و مسلمانان و به ویژه «شیعیان»، منتظر آینده روشنی نبودند و عقیده به پیروزی نهایی حق و آینده قیام جهانی اسلام نداشتند، مسلماً تا امروز شکست خورده بودند و تسلیم حکومت‌های زور و قدرت‌های استعماری گشته بودند، و شاید کوچکترین اثری هم از آنان در تاریخ باقی نمانده بود.

«از بهترین رازهای نهفته بقای «تشیع» همین روح انتظاری است که کالبد هر شیعه را آکنده ساخته، و پیوسته او را به تلاش و کوشش و جنبش و جوشش وامی‌دارد و مانع از نومی‌دی و بی‌تابی و افسردگی و درماندگی او می‌گردد. به تعبیر «دکتر علی وردی» استاد جامعه‌شناسی دانشگاه بغداد: تشیع، «برکان خامد، آتشفشان خاموش» کوهسار اسلام است که گاه و بی‌گاه، دود و بخار و لرزه و تکان‌اندکی پدید می‌آورد، و همین تأثیر اندک، ریشه تمام انقلابات دنیای اسلام می‌باشد» (۲).

### اعتراف دشمنان اسلام به سازندگی انتظار

این حقیقت که انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام بذریعۀ تمام انقلاب‌های شیعی در طول تاریخ حیات اسلام است چنان مسلم و بدیهی است که حتی مخالفان شرقی و غربی اسلام نیز بدان معترفند و با همه عناد و لجاجی که با اسلام و قرآن و مسلمانان و مکتب انسان‌ساز تشیع دارند و از هیچ‌گونه تهمت و دروغ و افتراء خودداری نمی‌ورزند،

ص: ۲۳۹

۱- ۳۷۱. امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲- ۳۷۲. انتظار بذریعۀ انقلاب، ص ۱۶۴.

بی پرده از سازندگی انتظار سخن می گویند و آن را یکی از عقاید انقلاب آفرین کم نظیر «تشیع» می شمارند.

«ای.پ.پتروشفسکی» تاریخدان، و ایران شناس فرهنگستان علوم شوروی - که در توجیه تاریخ ما با معیارهای حزبی، گرچه به زور مسخ و تحریف، سخت استاد است - در این زمینه می نویسد:

«چشم به راه «مهدی» بودن، در عقاید مردمی که نهضت های قرن سیزدهم را در ایران به پا داشتند، مقام بلندی داشته است، ولی در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی، این عقیده راسخ تر و مشهود تر گشت ... داستانی که «یاقوت حموی» نقل می کند بسیار آموزنده است ... در شهر «کاشان»، سران شهر، هر روز هنگام سپیده دم از دروازه خارج می شدند و اسب زین کرده ای را «یَدَک» می بردند، تا قائم مهدی، در صورت ظهور، بر آن سوار شود. در زمان فرمانروایی «سربداران» نیز ... در سبزوار ... به طوری که «میر خواند» در «روضه الصفا» می گوید: هر بامداد و شب، به انتظار «صاحب الزمان» اسب کشیدندی»<sup>(۱)</sup>.

به عقیده ما هرچند که جناب «پتروشفسکی»، تاریخدان و ایران شناس فرهنگستان علوم شوروی، تمام آموخته های خود را از افسانه های ساخته و پرداخته دست دشمنان تشیع فرا گرفته، و در توجیه این افسانه ها سخت ماهر است؛ ولی در عین حال، جای بسی تعجب است که گویا به خاطر مبارک حضرت استاد نرسیده است که تمام عبارات و گفته هایشان حاکی از بیداری، آگاهی، روشندلی، آمادگی، و تلاش و کوشش ناشی از انتظار نهضت آفرین تشیع است، و چنین اقرار و اعتراف روشنی با مخدّر بودن «دین» و عامل انحطاط و عقب ماندگی بودن آن سازگار نمی باشد. و گرنه حتماً در این تعابیر رسا و گویا که حاکی از سازندگی عقیده نجات بخش و تحرّک آفرین انتظار است، تجدید نظر می نمودند.

«جیمز دار مستتر»، شرق شناس و زبان دان «معروف» فرانسوی نیز، که به شیوه

ص: ۲۴۰

غریبان، سخت می کوشد تا در اصالت اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام خدشه وارد کند، در این باره می گوید:

«در حله که نزدیک بغداد واقع است ... همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر سوار با شمشیر برهنه می رفتند و از حاکم شهر اسبی با زین و برگ می ستاندند و ... فریاد می زدند که: تو را به خدا، ای صاحب الزمان! تو را به خدا بیرون بیا.

... صفویّه هرچند «سید» بودند و از اولاد علی علیه السلام به شمار می آمدند، خود را فقط نایب امام و حکام موقتی محسوب می داشتند ... و مهدی غایب علیه السلام را بر خود مقدم می دانستند. پادشاهان صفوی، در کاخ خود در اصفهان، دو اسب با زین افزار مجلل، مجهز داشتند تا برای سواری مهدی حاضر باشد».<sup>(۱)</sup>

ما بدین جهت که سخنان این شرق شناس و زبانان یاهو سرای فرانسوی تا چه اندازه حقیقت دارد، کاری نداریم؛ ولی سخن ما در این است که این جناب مستشرق نیز، چون به خوبی دریافته است که چشم به راهی قیام قائم آل محمدعلیهم السلام مایه سرسختی، مقاومت و استقامت بی نظیر شیعیان در برابر استعمارگران و زورگویان چپاولگر است، از این رو به اروپائیان استعمار کننده و غارتگر هشدار می دهد که:

«قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است، می توان کشتار کرد؛ اما مطیع نمی توان ساخت».<sup>(۲)</sup>

آری خواننده عزیز! از دیدگاه مکتب تشیع، انتظار، لفظ نیست، گفتار نیست، توقع تنها نیست، امید و آرزوی خالی نیست؛ بلکه پندار و کردار است، عمل و حرکت است، نهضت و مبارزه است، تلاش و کوشش است، صبر و مقاومت است، جهاد و فداکاری است. و از این رو، ریشه تمام حرکتها و نهضت های اسلامی و جنبش ها و قیام های شیعی پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم تا کنون، همین روح حرکت بخشی انتظار است.

بنابراین، باتوجه به کلیه مطالبی که تا اینجا گفته شد روشن می گردد که:

«انتظار نه تنها آرامش موقت نیست، بلکه اعتراضی دایمی علیه

ص: ۲۴۱

---

۱- ۳۷۴. دار مستتر، مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۳ هجری، ترجمه محسن جهانسوز، ص ۳۸ و ۳۹.

۲- ۳۷۵. همان، ص ۷۹.

بی عدالتی هاست. و نه تنها تسلی دادن نیست؛ بلکه برافروختن و تحریک کردن برای احقاق حق و ابطال باطل است. انتظار، پذیرش نوعی انقلاب، تحوّل و تکامل، هدفداری و معنی داری است. موجبی برای دفاع جاودانه از هدف و مسلک است. سرمایه ای روحی برای تکامل و تعالی و حفظ جنبه های انسانی و ایدئولوژیکی است. انتظار، عامل تحرک است. اسلحه ای قوی و بزرگ علیه روح مردگی است. نجات از اعتزال و کناره گیری است. موجد تحوّل است. بر این اساس، انتظاری خلاف چنین جهت، از آن بی عرضه ها و بی شخصیت هاست» (۱).

اینک بنگرید که منتظر راستین ظهور در فضای حیات بخش انتظار، به چه میزان از رشد و کمال و فداکاری و از خود گذشتگی می رسد و در زادگاه امام معصوم خود، در شهر سامرا، به یاد قائم منتظر، که امر او روشن تر از خورشید فروزان است، چگونه حماسی و شورانگیز، لب به سخن می گشاید و با وی راز دل می گوید و پیمان فداکاری و از خود گذشتگی می بندد و خویشتن را برای جهاد و مبارزه در پیشگاه حضرتش، آماده می نماید.

«واشهدک یا مولای ... وهو عهدی إليك ... فلو تناولت الدهور وتمادت الأعمار لم أزدد فيك إلا يقيناً ولك إلا حباً وعلیک إلا متکلاً. ومعتمداً ولظهورک إلا متوقّعاً ومنتظراً ولجهادی بین یدیک مترقباً، فأبذل نفسي ومالی و ولدی وأهلی وجميع ما خوّلنی ربی بین یدیک والتصرّف بین أمرک» (۲).

«مولای من! شاهد باش ... این پیمان من با تو است ... که اگر روزگار غیبت تو به درازا کشد، از ایمان به تو برنگردم؛ بلکه بر یقینم بیفزاید و دوستیم به تو زیادتر شود و بیشتر به تو پشت گرم و قوی دل گردم و با اشتیاق فراوان تر انتظار ظهور تو را داشته باشم و برای جهاد در پیشگاه تو آماده تر شوم. پس اینک، جانم، مالم، فرزندانم، همسرم و هر آنچه خدای به من ارزانی داشته است به راه تو فدا می کنم و فرمان تو را بی چون و چرا گردن می نهم».

ص: ۲۴۲

۱- ۳۷۶. مسأله انتظار، ص ۱۰۳.

۲- ۳۷۷. مفاتیح الجنان، باب سوّم، زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان علیه السلام.

به راستی که این عشق و علاقه، عاطفه و محبت و مهر و مودت را نسبت به کدام یک از پیشوایان عادی دیده اید؟ که انسانی از راه صدق و صفا این گونه آشفته و جگر سوخته سخن بگوید و تنها در فضای حیات بخش انتظار، این گونه با محبوب خود راز و نیاز کند، و از درد فراق و دوری هجران زار زار بنالد و از پیمان و ایثار و انتظار و جهاد مشتاقانه سخن براند. با یک دنیا شوق و امید اعلام آمادگی کند و دردمندانه سر بر آستان محبوب خویش بساید و جان و تن را برای شرکت در نهضتی عظیم سرمایه بگذارد.

شما را به خدا! آیا سخنی از این انگیزنده تر، فریاد گریانه تر و ناله ای پر سوز و گداز تر دیده اید؟

اکنون ای خواننده فرزانه! به مطالبی که ما در ابتدای همین بحث، تحت عنوان «انتظار فرج از دیدگاه نظامهای سلطه گر» آوردیم، نظری دو باره بیفکن، تا دریابی که مدعیان دروغین «اندیشه علمی»، چگونه به دین خدا تهمت می زنند، و افترا می بندند، و می گویند: انتظار فرج امام زمان علیه السلام «عامل انحطاط و عقب ماندگی است»، در حالی که همه آن تهمتها و افتراها برازنده دامان خود آن آلوده دامنان رسوای تاریخ است.

از مجموع مطالبی که تا اینجا در باره «انتظار» گفتیم، نتایج ارزشمندی به دست می آید که اینک به آنها اشاره می کنیم:

- ۱ - انتظار فرج، وعده حتمی الهی است.
- ۲ - انتظار فرج، نوعی عبادت است.
- ۳ - انتظار فرج، ایمان به غیب است.
- ۴ - انتظار فرج، اقرار و اعتراف به یگانگی خدا، و رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و پیشوایی امامان معصوم علیهم السلام است.
- ۵ - انتظار فرج، تلاش و کوشش و سازندگی است.
- ۶ - انتظار فرج، عامل مقاومت، استقامت و پایداری است.
- ۷ - انتظار فرج، نوعی فریاد و خروشی از درون، و نوعی اعراض و اعتراض و روی گردانی و بی اعتنایی به نظامهای موجود، و عدم پذیرش سلطه ها، و اعراض از ابراز قدرت زمامداران خود سر، خودبین و خودپرست است.
- ۸ - انتظار فرج، با دو بُعد جاذبه و دافعه (یعنی امید و یأس) یکی از عامل های

اساسی تحرك در تاريخ بشر است كه، ابرهای تیره و تار یأس و بدبینی را از آسمان روح و فكر و اندیشه آدمی دور می سازد و منتظران واقعی را به پیش می راند و با شتابی شكفت انگیز آنان را به سوی ترقی و كمال سوق می دهد و از خود باختگی و تسلیم در برابر باطل باز شان می دارد و بدین وسیله، آنان را برای يك آینده روشن بسیج می نماید و نیروها را برای فداکاری و از خود گذشتگی و ایثار، در راه به پا داشتن حق، آماده تر، افكار را بیدارتر، آمادگی ها را افزون تر، عشق ها را آتشین تر، انقلابها را سریع تر و راه را برای رسیدن به يك جامعه اصیل كاملاً اسلامی به معنی واقعی كلمه، هموارتر می سازد.

بنابراین، «انتظار فرج» نه تنها عامل ركود و سستی و مایه انحطاط و عقب ماندگی نیست؛ بلکه یکی از بزرگترین و مهمترین عوامل پیشرفت به شمار می رود و از آن جایی كه دائماً احساسات را بر می انگیزاند، و منتظران را به آینده امیدوار می سازد و به آنان دلگرمی می دهد، تا در برابر زورگویان و مستكبران و ستم پیشگان، تسلیم نشوند، برای احیای حقوق از دست رفته خود به پاخیزند و پیوسته تلاش كنند و با سیاستهای فریبكارانه و خدعه آمیز حكومتهای زور و جور بجنگند، رزمی تدافعی، نبردی دایمی و پيكاری مستمر و جاودانه است كه به عنوان مقدمه «جنگ بزرگ» برای رهایی مظلومان از چنگال ظالمان تا قیام قائم آل محمدعلیهم السلام ادامه دارد و رزم آوران این نبرد جاودانه، منتظران با ایمانی هستند كه پیوسته هشیار و بیدار و آگاهانه، در درون كمينگاه صبر و انتظار، زیر پوشش كتمان و سكوت، به پيكار مقدس خود ادامه می دهند و شبانه روز در انتظار فرج آخرین حجت خدا، و ظهور آن امام غایبی كه با قیام مقدسش سراسر روی زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، به سر می برند.

و دلیل این انتظار و چشم براهی هم همان نویدههای صریح قرآن کریم و روایات معتبر و متواتری است كه مسأله ظهور مهدی موعود علیه السلام و امید به آینده را به عنوان يك وعده الهی تخلف ناپذیر مطرح نموده، و مسلمانان را به آینده ای روشن و درخشان امیدوار ساخته، و به آنان وعده فتح و پیروزی نهایی داده، و با صراحت و قاطعیت اعلام کرده اند كه در آینده، «صالحان و پاكان» وارثان زمین خواهند گردید، و بر همه جهان حكومت خواهند كرد، و برای همیشه بساط ظلم و ستم برچیده خواهد شد و جهان بشریت از لوث وجود افراد نا صالح پاك خواهد گردید.



## بخش هشتم: حضرت مهدی علیه السلام و نویدهای ظهورش در قرآن کریم

### اشاره

شامل:

۱-سوره بقره

۲-سوره آل عمران

۳-سوره نساء

۴-سوره انفال

۵-سوره توبه

۶-سوره هود

۷-سوره ابراهیم

۸-سوره حجر

۹-سوره اسرا

۱۰-سوره مریم

۱۱-سوره نور

۱۲-سوره قصص

۱۳-سوره سجده

۱۴-سوره فتح

ص: ۲۴۵



تردید نیست که از نظر جامعه اسلامی، کلیه مفاهیم و معتقدات اصیل اسلامی ریشه در کلام الهی دارد و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز که یکی از معتقدات اصیل اسلامی است، صورت کلی و مایه اساسی آن در کتاب خدا «قرآن کریم» تجلی یافته و این کتاب بزرگ آسمانی در این زمینه نیز مانند زمینه های دیگر، یک بحث کلی و اصولی مطرح نموده و فرا رسیدن آن روز فرخنده و مبارک را به تمام پیروان اسلام بشارت داده است.

در این زمینه، آیات متعددی در قرآن کریم وارد شده است که پیشوایان دینی آنها را به وجود مقدس مهدی علیه السلام و ظهور مبارک آن حضرت تفسیر و تأویل کرده اند. ما برای مزید اطلاع و اثبات مدّعی خود آنها را در اینجا می آوریم.

اینک آیاتی که به وجود مقدس مهدی علیه السلام تفسیر و یا تأویل شده است:

## ۱- سوره بقره

آیه اوّل:

«هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (۱)

«(قرآن) هدایت است برای پرهیزکاران، آنان که به غیب ایمان می آورند».

جابر بن عبدالله انصاری ضمن نقل حدیث مفصلی گوید:

جندل بن جناده بن جبیر یهودی نزد رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم آمد [و پس از دریافت پاسخ سؤالی که مطرح نمود، اسلام آورد] آنگاه درباره اوصیای رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم از آن

ص: ۲۴۷

حضرت پرسش نمود. پیامبر خدا در جواب او نام یکایک آنان را بر شمرد تا این که فرمود:

«... پس از او [یعنی بعد از امام حسن عسکری علیه السلام] فرزندش محمد است که مهدی، قائم و حجت خوانده می شود. او از دیده ها پنهان می شود و سپس ظاهر می گردد، و هنگامی که ظهور کند زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است.»

سپس فرمود:

«خوشا به حال آنان که در زمان غیبت او صبر می کنند و خوشا به حال کسانی که در محبت آنها ثابت قدم می مانند؛ آنها همان اهل تقوا هستند که خداوند در کتاب خود توصیف شان نموده و فرموده است:

«هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (۱)(۲)

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرموده است:

«مُتَّقِينَ، شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام هستند، و غیب، حجت غایب است.» (۳)

در حدیث دیگری در همین رابطه آمده است که فرمود:

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، در حق کسانی است که به قیام حضرت قائم علیه السلام ایمان بیاورند و آن را حق بدانند.» (۴)

آنچه از این احادیث استفاده می شود این است که:

«مقصود از متقین، همان مؤمنان به حضرت مهدی علیه السلام می باشند و غیب خود آن حضرت است. چرا که غیب چیزی است که از حواس پنجگانه پنهان باشد و همان گونه که خداوند و جهان آخرت غیب محسوب می شود - بدین دلیل که با حواس پنجگانه درک نمی شود - حضرت مهدی علیه السلام نیز غیب است. چرا که

ص: ۲۴۸

---

۱- ۳۷۹. سوره بقره، آیه ۲ و ۳

۲- ۳۸۰. ینابیع الموده، ج ۳ ص ۲۸۴، باب ۷۶.

۳- ۳۸۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲، ح ۲۹.

۴- ۳۸۲. همان، ح ۲۸.

آن حضرت در زمان غیبت با رؤیتی عمومی که به واسطه آن شناخته شود، دیده نمی شود. [یعنی یا کسی ایشان را نمی بیند و یا اگر هم [او را به بیند] نمی شناسد، و فقط عده ای محدود به زیارت ایشان مشرف می شوند].<sup>(۱)</sup>

آیه دوّم:

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ».<sup>(۲)</sup>

«هنگامی که حضرت ابراهیم را پروردگارش به وسیله کلماتی آزمود، پس آنها را به انجام رسانید».

مفضل بن عمر در تفسیر این آیه مبارکه گوید:

درباره این آیه مبارکه «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ ...»، از امام صادق علیه السلام پرسش نمودم، حضرت فرمود:

«این همان کلماتی است که حضرت آدم علیه السلام از پروردگار خود دریافت نمود. پس توسّیّت آن کلمات به پیشگاه پروردگار توبه نمود و خداوند توبه اش را پذیرفت».

و جریان توبه چنین بود که حضرت آدم علیه السلام عرض کرد:

«يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِلَّا تُبْتَ عَلَيَّ»

[ای خدای من! از تو می خواهم که به واسطه محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام توبه مرا بپذیری! پس خداوند توبه او را پذیرفت که او بسیار توبه پذیر و مهربان است].

گفتم: ای فرزند رسول خدا! مقصود از «فَأَتَمَّهُنَّ» در این آیه چیست؟

فرمود:

«مقصود این است که: خداوند آنها را تا قائم مهدی علیه السلام به اتمام رسانید و دوازده امام علیهم السلام را که ۹ تن آنان از فرزندان حسین علیه السلام می باشند، برای او بیان فرمود».<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۴۹

۱- ۳۸۳. موعود قرآن، ص ۱۰.

۲- ۳۸۴. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۳- ۳۸۵. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۳۳۸؛ الزام الناصب، ج ۱ ص ۱۷۹؛ معانی الأخبار، ص ۱۲۶؛ ینایع المودّه، ج ۱، ص ۲۹۰، باب ۲۴.

در توضیح این حدیث شریف باید به این نکته توجه داشت که:

«... ابتلاء به معنی امتحان و اختیار است و معنای حدیث این است که خداوند متعال، پیامبر خلیل خود حضرت ابراهیم علیه السلام را آزمایش نمود و او را با اسامی مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اثنی عشر علیهم السلام امتحان فرمود. و اما این که حقیقت آزمون چه بوده است؟ آیه کریمه در مورد آن سخنی نگفته؛ ولیکن احادیث شریفه آن را روشن نموده اند، و در آنها چنین آمده است که، آن امتحان، خضوع در برابر افضلیت و برتری آنان، یعنی برتری رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت او علیهم السلام و اعتقاد به متابعت (حضرت ابراهیم علیه السلام) از ایشان بوده است.» (۱)

آیه سوم:

«وَلَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (۲)

«ما شما را به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزمایشیم، و مژده بده به آنها که شکیبیا و ثابت قدم هستند.»

محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«پیش از آمدن قائم علیه السلام علامت هایی برای امتحان مؤمنین خواهد بود.»

عرض کردم: آن علامتها چیست؟ فرمود:

«بیماری های گوناگون که سبب ترس و دلهره است و بالا رفتن نرخها که سبب گرسنگی است و کاهش در اموال و جانها که قحطی و مرگ و میر فراوان است و نقص در محصولات که به نیامدن باران است. پس در آن موقع به آن ها که در عقیده به ما ثابت می مانند مژده بده.»

آن گاه فرمود:

«ای محمد! این تأویل آیه است، و هیچ کس جز آن ها که راسخ در علم اند، تأویل آن را نمی داند، و مائیم راسخان در علم.» (۳)

ص: ۲۵۰

۱- ۳۸۶. موعود قرآن، ص ۱۲

۲- ۳۸۷. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۳- ۳۸۸. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۳۵، ح ۲، باب ۷۱.

«أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (۱).

«آیا جز دین خدا را می جویند؟ با آن که آنچه در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم او هستند، و به سوی او باز گردانیده می شوند».

در تفسیر این آیه شریفه و جهانی شدن آیین توحید و حاکمیت آخرین دین خدا بر سرتاسر جهان، روایات چندی از حضرات معصومین علیهم السلام رسیده است که به قسمتی از آنها در اینجا تَبْرَک می جوئیم:

۱ - امام باقر علیه السلام در مورد ظهور حضرت قائم علیه السلام می فرماید:

«هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، هیچ آبادی و سرزمینی در روی کره زمین باقی نمی ماند مگر این که ندای «لا إله إلا الله و محمداً رسول الله» در آنجا بلند شود. و این همان گفتار خدای تعالی است که «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...» (۲) و حضرت صاحب الأمر علیه السلام «جزیه» را نمی پذیرد چنان که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می پذیرفت و این، همان قول خدای تعالی است که، با کافران بجنگید تا هیچ فتنه ای باقی نماند و دین تماماً از آن خدا باشد» (۳).

۲ - در تفسیر همین آیه شریفه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«هنگامی که حضرت قائم مهدی علیه السلام قیام کند هیچ نقطه ای در روی زمین باقی نمی ماند جز این که بانگ «لا اله الا الله و محمداً رسول الله» در آنجا بلند شود» (۴).

۳ - در مورد همین آیه مبارکه در حدیثی از امام کاظم علیه السلام در باره حضرت قائم علیه السلام چنین می خوانیم:

ابن بکثیر، گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه شریفه پرسیدم، حضرت فرمود:

«انزلت في القائم عليه السلام إذا خرج باليهود والنصارى والصابئين والزنادقة و

ص: ۲۵۱

۱- ۳۸۹. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲- ۳۹۰. سوره انفال، آیه ۳۹.

۳- ۳۹۱. المحجّه، ص ۵۰ و تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۵.

۴- ۳۹۲. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۳۶، باب ۷۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۸۱، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲، ح

أَهْلِ الرَّذَّةِ وَالْكَفَّارِ، فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ، فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعًا أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَيَجِبُ لَهُ عَلَيْهِ، وَمَنْ لَمْ يَسْلَمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ». (۱)

«این آیه، در باره حضرت قائم علیه السلام نازل شده است. هنگامی که ظاهر شود، آیین مقدس اسلام را در شرق و غرب جهان، به یهود و نصاری و صائبان و ملحدان و مرتدان و کافران عرضه می دارد، هر کس آن را از روی میل و رغبت بپذیرد، به نماز و زکات و دیگر فرائض اسلامی امر می فرماید و هر کس امتناع ورزد، گردنش را می زند تا در همه شرق و غرب جهان جز موحد و یکتا پرست باقی نماند».

### ۳- سوره نساء

«وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا». (۲)

«و هیچ یک از اهل کتاب نیست جز این که پیش از مرگ، به او [یعنی حضرت مهدی علیه السلام یا حضرت عیسی علیه السلام] ایمان می آورد».

پیش از آن که در باره تفسیر این آیه شریفه سخنی بگوییم، لازم است نکته ای را یاد آور شویم و آن این که، در مورد ضمیر «مَوْتِهِ» دو احتمال است؛ یکی این که به اهل کتاب بر گردد و دیگر این که به حضرت عیسی علیه السلام. بنابر احتمال اول، معنای آیه شریفه این است که «احدی از اهل کتاب نیست جز این که پیش از مرگ، به حضرت عیسی علیه السلام ایمان آورد» و بنابر احتمال دوم، معنای آیه چنین خواهد بود «احدی از اهل کتاب نیست جز این که پیش از مرگ حضرت عیسی علیه السلام به او ایمان خواهد آورد».

برخی از مفسران اهل سنت که احتمال اول را برگزیده اند ناچار شده اند که توجیهاات عجیب و غریبی را در مورد آیه شریفه ملتزم شوند؛ ولی بنابر احتمال دوم، معنای آیه بسیار روشن است. چون طبق عقیده قطعی ما مسلمانان، حضرت عیسی علیه السلام

ص: ۲۵۲

۱- ۳۹۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۸۲؛ المحججه، ص ۵۰، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۹، ح ۵۵۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۲۳۰.

۲- ۳۹۴. سوره نساء آیه ۱۵۹.



هنوز زنده است و بعد از ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام او نیز - از آسمان - نازل شده و از یاران و اصحاب آن حضرت خواهد بود» (۱).

و اینک در رابطه با تفسیر آیه شریفه به دو روایت که از طریق معصومین علیهم السلام رسیده است، تبرک می جوییم:

۱ - علامه قندوزی حنفی، در تفسیر آیه مزبور از محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«حضرت عیسی علیه السلام پیش از روز رستاخیز به دنیا فرود می آید؛ پس پیروان هیچ ملتی، نه یهودی و نه غیر یهودی، باقی نمی ماند مگر این که پیش از مرگشان، به او ایمان می آورند، و حضرت عیسی علیه السلام در پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می خواند» (۲).

و مانند این روایت را، علامه ابن صباغ مالکی (۳)، و نیز کسان دیگری غیر از او در کتابهای خود نقل کرده اند.

۲ - بسیاری از دانشمندان بزرگ شیعه در ذیل آیه مزبور، در کتب تفسیر و حدیث، از «شهر بن حوشب» روایت کرده اند که گفت:

روزی حجاج به من گفت: آیه ای در کتاب خدا هست که مرا ناتوان ساخته است.

گفتم: ای امیر! کدام آیه است؟

گفت: این آیه: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» (۴). این آیه به صراحت می گوید: احدی از اهل کتاب نیست جز این که پیش از مرگش به حضرت عیسی علیه السلام ایمان می آورد، در صورتی که من یهودی و نصرانی را می آورم و گردن می زنم و چشم به دهان او میدوزم و می بینم که دیده از جهان فرو می بندد و لبهایش را حرکت نمی دهد و اعترافی نمی کند.

گفتم: ای امیر! معنای آیه آن طور نیست که شما تصور کرده اید.

گفت: پس چگونه است؟

ص: ۲۵۳

---

۱- ۳۹۵. رجعت یا دولت کریمه، ص ۲۸، جهت اطلاع بیشتر به تفسیر درّ المنثور، ج ۲، ص ۴۲۷ مراجعه فرمایید.

۲- ۳۹۶. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۳۷، باب ۷۱.

۳- ۳۹۷. الفصول المهمّه، ص ۲۹۵، باب ۱۲.

۴- ۳۹۸. سوره نساء، آیه ۱۵۹.

گفتم: پیش از آن که قیامت بر پا شود حضرت عیسی علیه السلام به زمین باز می گردد و در روی زمین هیچ یهودی و مسیحی و غیر از آنها باقی نمی ماند جز این که به او ایمان می آورد و او در پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می خواند.

حجاج گفت: وای بر تو! این معنا را از کجا آورده ای؟

گفتم: آن را محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام به من فرموده است.

حجاج گفت: به خدا سوگند! آن را از چشمه زلال معرفت آورده ای. (۱)

این حدیث در کتب اهل سنت نیز نقل شده است، و در بسیاری از کتب حدیثی، تفسیری و کلامی آنها تصریح شده که ضمیر «موت» به حضرت عیسی علیه السلام بر می گردد. (۲)

به هر حال، که حضرت عیسی علیه السلام پیش از قیام قیامت، به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان فرود می آید و در پشت سر آن حضرت نماز می گزارد، و به حضرتش اقتدا می نماید، و در نتیجه نصاری به جهت اقتدای حضرت عیسی به حضرت صاحب الامر علیه السلام در نماز، به آن حضرت ایمان می آورند، و یهود نیز به حضرت مهدی علیه السلام می گروند. (۳)

زیرا حضرت مهدی علیه السلام الواح تورات را - که در آنها علامات حضرت مهدی علیه السلام و نشانه های امامت و رهبری او موجود است - از فلسطین یا غاری در انطاکیه بیرون می آورد، و پیروان سایر ادیان نیز به سبب معجزاتی که از آن حضرت می بینند به حضرتش ایمان می آورند.

#### ۴ - سوره انفال

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (۴)

«با کافران بجنگید تا فتنه ای باقی نماند و دین یک سره از آن خدا باشد».

محمد بن مسلم گوید:

ص: ۲۵۴

۱- ۳۹۹. تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۱، المحججه، ص ۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۶؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۵۰؛

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۷۱، ۶۶۲.

۲- ۴۰۰. تفسیر فخر رازی، ج ۳ ص ۵۰۵؛ درّ المنثور، ج ۲، ص ۲۴۱.

۳- ۴۰۱. در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام در بخش بعدی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۴- ۴۰۲. سوره انفال، آیه ۳۹.

محضر امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: تأویل قول خدای تعالی در سوره انفال که می فرماید: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً...» چیست؟ فرمود:

«تأویل این آیه هنوز نیامده است، و هنگامی که تأویل آن بیاید با مشرکان پیکار خواهد شد تا وقتی که یگانگی خدای تعالی را بپذیرند و شرکی در روی زمین باقی نماند، و این در زمان قیام «قائم» ما خواهد بود.» (۱)

و در یک روایت دیگر از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

«... تأویل این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ماعلیه السلام قیام کند، هر کس که زمان او را درک کند، تأویل این آیه را می بیند که، هر کجا را که تاریکی شب فرا گیرد آیین محمد صلی الله علیه و آله وسلم آنجا را فرا خواهد گرفت، تا این که دیگر شرکی در روی زمین باقی نباشد.» (۲)

نکته مهمی که در اینجا قابل ذکر است این که:

«تعبیر این حدیث بسیار جالب است [به] خصوص که تاریکی شب را مثال آورده و روشنایی روز را مثال زده است؛ زیرا شمول تاریکی بیش از روشنایی است چون ممکن است در روی زمین نقطه ای یافت شود که نور به آنجا راه پیدا نکند؛ ولی تاریکی همه جا را فرا می گیرد و هیچ نقطه ای مستثنی نیست.

هنگامی که آفتاب عالمتاب امامت ظهور کند همه جهان به نور پروردگار منور می شود و آثار قیام شکوهمند آن مهر تابان در تمام ذرات عالم آشکار می شود.» (۳)

آری! هنوز تأویل این آیه واقع نشده است؛ زیرا به طوری که می دانیم، نه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و نه در دوران احدی از خلفاء و نه هم در روزگار هیچ یک از اوصیاء، زمانی که در آن، جز دین حق، دین دیگری در روی زمین وجود نداشته باشد، به طور کامل در دنیا پدید نیامده است و بنابر این، شکی نیست که چنین وضعیتی فقط در زمان حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت.

ص: ۲۵۵

۱- ۴۰۳. ینابیع المودّه، ص ۲۳۹، باب ۷۱؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۳۴.

۲- ۴۰۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۰، ح ۴۸؛ تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۸۱، تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۴۰، و اثبات الهداه، ج ۳، باب ۳۲، ح ۵۸ و با ترجمه فارسی، ج ۷، ص ۹۹، ح ۵۵۸.

۳- ۴۰۵. جهان بعد از ظهور، ص ۷۵.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱)

«او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دینی حق فرستاد تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند اگر چه مشرکان ناخشنود باشند».

این آیه مبارکه در سه سوره از سوره های قرآن کریم تکرار شده که اهمیت این وعده الهی بخوبی روشن می شود؛ ولی مهم این است که، این وعده خداوند کی محقق می شود؟ زیرا مسلم است که تا کنون این وعده خداوند تحقق نیافته و هم اکنون ادیان باطل و ادیان آسمانی تحریف شده در روی زمین وجود دارند، و شکی نیست که وعده خداوند تخلف ناپذیر است. بنابر این، باید دید طبق روایات و مدارک معتبر اسلامی هنگام تحقق این وعده بزرگ که تحقق قول و پیمان خداوند است، چه وقت خواهد بود؟

آنچه از مجموع روایات معتبر و احادیث متواتر اسلامی که از طریق شیعه و سنی روایت شده استفاده می شود این است که این آیه مبارکه، مربوط به زمان ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام است؛ زیرا در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است که دین مقدس اسلام در سراسر زمین حاکم می شود و بشر پیرو یک آیین می گردد، و نشانی از ادیان باطل و تحریف شده در روی زمین باقی نمی ماند.

اینک برای اثبات این مطلب به احادیث چندی که در این باره می آوریم، توجه فرمایید:

۱ - مقداد بن اسود گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود:

«لَا يَبْقَىٰ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مِدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا أُدْخِلَهُ اللَّهُ (عَلَيْهِمْ) كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ، [إِمَّا] بِعِزِّ عَزِيزٍ و [إِمَّا] بِذُلِّ ذَلِيلٍ، [إِمَّا] يُعِزُّهُمْ فَيَجْعَلُهُمْ مِنْ أَهْلِهَا فَيُعِزُّوْا بِهِ، و [إِمَّا] يُذِلُّهُمْ فَيَدِينُونَ لَهُ» (۲)

«در روی زمین هیچ خانه خشت و گلی و خیمه موین نمی ماند مگر این که خداوند آیین اسلام را در آن خانه وارد می کند، یا با عزت و سر بلندی یا با

ص: ۲۵۶

۱- ۴۰۶. سوره توبه (برائت)، آیه ۳۳ - سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹

۲- ۴۰۷. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۷۶، ح ۸۳۲۴؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸.

ذلت و خواری، یا این که اسلام را می پذیرند و خداوند آنها را سر بلند می گرداند یا این که به ناچار در برابر اسلام سر تعظیم فرود می آورند».

۲ - مرحوم محدث بحرانی در ذیل همین آیه در کتاب «المحجّه»، حدیثی را از امیرمؤمنان علی علیه السلام بدین صورت نقل می کند:

«عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مَيْثَمٍ، عَنْ عَبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ، أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «هُوَ الْعَدَى أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدَيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» أَظْهَرَ بَعْدَ ذَلِكَ؟

قالوا: نَعَمْ.

قال: كَلَّا، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِِيَدِهِ! حَتَّى لَا تَبْقَى قُوَّةٌ إِلَّا وَيُنَادِي فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (۱).

«عمران بن میثم، از عبایه بن ربیع روایت می کند که امیر مؤمنان علی علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «او خداوندی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب و پیروز گرداند هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند».

سپس فرمود: آیا این غلبه و پیروزی تحقق یافته است؟

گفتند: آری!

فرمود: نه، هرگز! سوگند به خدایی که جان علی در قبضه قدرت اوست، این غلبه و پیروزی محقق نمی شود مگر هنگامی که هیچ آبادی در روی زمین باقی نماند جز این که هر صبح و شام در آن بانگ «لا إله إلا الله و محمد رسول الله» بلند شود».

۳ - «مجاهد» در تفسیر این آیه شریفه از قول ابن عباس نقل می کند که گفت:

«لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا صَاحِبُ مِلَّةٍ إِلَّا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ، حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاهُ وَالذُّئْبُ وَالْبَقْرَةُ وَالْأَسَدُ وَالْإِنْسَانُ وَالْحَيَّةُ، وَحَتَّى لَا تَقْرُضَ فَاةٌ جَرَبًا، وَحَتَّى تُوَضَعَ الْجَزِيَّةُ وَيُكْسَرَ الصَّلِيبُ وَيُقْتَلَ الْخَنْزِيرُ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ:

ص: ۲۵۷

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» وَ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

«این وعده محقق نمی شود مگر هنگامی که تمام یهود و نصاری و پیروان هر کیش به دین اسلام بگروند، و گرگ و میش و گاو و شیر و انسان و مار، بر جان خود ایمن باشند. و دیگر هیچ موشی انبانی را پاره نکند، و جزیه گرفتن از اهل کتاب ساقط شود، و «صلیب» شکسته شود، و خوکیها معدوم گردند، و این معنای قول خدای تعالی «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» است. و تحقق این وعده، به هنگام قیام قائم آل محمد علیهم السلام خواهد بود.»

۴ - امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۳۳ سوره توبه فرمود:

«این آیه مبارکه به هنگام خروج مهدی آل محمد - صلوات الله علیهم - تحقق می یابد. دیگر احدی در روی زمین باقی نمی ماند جز این که به رسالت محمد صلی الله علیه و آله وسلم اعتراف می کند.» (۲)

۵ - ابو بصیر می گوید:

«سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله تعالى في كتابه:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

فقال: واللَّهِ! ما أنزل تأويلها بعد!

قلت: جعلت فداك! و متى ينزل؟

قال: حتّى يقوم القائم إن شاء الله. فإذا خرج القائم لم يبق كافر ولا مشرك إلا كره خروجه، حتّى لو كان كافر أو مشرك في بطن صخره لقاتل الصخره: يا مؤمن! في بطنى كافر أو مشرك فاقتله، قال: فينحيه الله فيقتله.» (۳)

«از امام صادق علیه السلام در باره این آیه شریفه «او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر تمام ادیان پیروز گرداند اگر چه مشرکان آن را کراهت داشته باشند» پرسیدم؟

ص: ۲۵۸

۱- ۴۰۹. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۱.

۲- ۴۱۰. تفسیر مجمع البیان، ج ۵ ص ۳۸ و المحججه ص ۸۷.

۳- ۴۱۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰، ح ۵۸ - ینایع المودّه، ج ۳، باب ۷۱، ص ۲۳۹؛ منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۳۵، ص ۲۹۴، ح ۴ و کتاب المحججه، ص ۸۵.

امام در جواب فرمود:

«به خدا قسم! هنوز موقع تأویل این آیه نرسیده است.»

گفتم: قربانت گردم! چه وقت موقع آن فرا می رسد؟

فرمود:

«هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، موقع تأویل این آیه فرا می رسد، و چون حضرت قائم علیه السلام قیام کند هر کافر و مشرکی، ظهور او را ناخوش دارد؛ زیرا اگر کافر یا مشرک در دل سنگی پنهان شود آن سنگ صدا می زند: ای مؤمن! کافر یا مشرکی در دل من پنهان شده است بیا و او را به قتل برسان! و خداوند او را بیرون می آورد و یاران حضرت قائم علیه السلام او را به قتل می رسانند.»

## ۶- سوره هود

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱)

«یکتا بازمانده خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید.»

امام باقر علیه السلام در تأویل این آیه شریفه می فرماید:

«هنگامی که مهدی ما ظاهر شود به خانه کعبه تکیه می دهد و ۳۱۳ تن از یاران خاص او به دورش گرد می آیند. اولین سخنی که بر زبان مبارکش جاری می شود این آیه شریفه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ».

سپس می فرماید: «من بقیه الله، خلیفه الله و حجه الله هستم بر شما، آنگاه احدی بر آن حضرت سلام نمی کند جز این که می گوید: «السَّلامُ عَلَیْكَ یا بقیه الله فی الأرض»؛ سلام بر تو ای بازمانده خداوند در زمین.»

بعد از آن، چون یاران دیگر آن حضرت که یک گروه ده هزار نفری می باشند به دور او گرد آمدند، یهودی و نصرانی و کسی که غیر خدای تعالی را پرستش می نموده، باقی نمی ماند جز این که ایمان می آورد و او را تصدیق می نماید و همه ملت‌ها یکی می شود، و آن هم ملت اسلام است، و پس از آن، برای هر

ص: ۲۵۹

معبودی که به جز خدای تعالی مورد پرستش بوده، آتشی از آسمان می آید و او را می سوزاند».(۱)

## ۷- سوره ابراهیم

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ».(۲)

«همانا ما موسی را با آیات خود فرستادیم، که قوم خود را از تاریکی ها به سوی نور بیرون بیاور، و روزهای خدا «ایام الله» را به آنها یاد آوری کن که در این - یادآوری - برای هر انسان بسیار شکیبا و شکرگزار نشانه هایی است».

شیخ سلیمان قندوزی حنفی در کتاب «ینایع الموده» از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که در مورد این جمله از آیه شریفه «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ» فرمود:

«آيَاتِ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ يَوْمَ الْكَرْهَةِ، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«روزهای خداوند - تبارک و تعالی - سه روز است:

۱- روز قیام قائم علیه السلام

۲- روز رجعت

۳- روز قیامت.(۳)

این حدیث به همین تعبیر از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.(۴)

و در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز آمده که «ایام الله» سه روز است: روز قیام قائم علیه السلام، روز مرگ و روز رستاخیز.(۵)

همان گونه که خوانندگان عزیز ملاحظه نمودند، بر اساس روایات پیشوایان

ص: ۲۶۰

---

۱- ۴۱۳. نور الأبصار، ص ۳۴۹؛ المهدی فی القرآن، ص ۷۶؛ فصول المهمه، باب دوازدهم، ص ۳۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲ ح ۲۴.

۲- ۴۱۴. سوره ابراهیم، آیه ۵.

۳- ۴۱۵. ینایع الموده، ج ۳، ص ۲۴۲، باب ۷۱.

۴- ۴۱۶. همان؛ المحجه ص ۱۰۸.

۵- ۴۱۷. جهت آگاهی بیشتر به این کتابها مراجعه فرمایید: خصال شیخ صدوق، ص ۱۰۸؛ معانی الاخبار، ص ۳۶۶؛ تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۲۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۲۶ و تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۰۵.



معصوم علیهم السلام، سه روز به عنوان «یوم الله» شناخته شده که یاد آوری آن در سر لوحه برنامه های حضرت موسی علیه السلام قرار گرفته، که روز قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام اولین آنها معرفی شده است.

و به حق می توان گفت: آن روز یکی از روزهای بزرگ الهی است که شایسته است «یوم الله» خوانده شود، زیرا آن روز، سر آغاز حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، و روز بر چیده شدن بساط ظلم و ستم و استبداد و استعمار از سراسر جهان، و روز شکستن بتها و گسستن زنجیرها و فرو ریختن کاخهای ستمگران و در هم شکستن تمام قدرتهای اهریمنی در پهنه گیتی است.

دومین یوم الله، روز «رجعت» است که در آن روز بندگان شایسته خداوند که از دنیا رفته اند باز می گردند و بر سراسر جهان حکومت می کنند. (۱)

سومین یوم الله، روز رستاخیز عمومی و روز قیامت است، که همه مردمان از اولین و آخرین در آن روز پر ترس و هراس در صحنه قیامت جمع می شوند و سلطنت خداوند قهار را با دیدگان خود مشاهده می کنند و پاداش نیک و بد اعمال خود را درمی یابند.

## ۸ - سوره حجر

«قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ \* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ». (۲)

«ابلیس) گفت: ای خدای من! تا روزی که مردم بر انگیزته می شوند به من مهلت بده. [خداوند] فرمود: تو از مهلت داده شدگان هستی، تا روز وقت معین».

حسن بن خالد گوید: حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمود:

«هر کس که تقوا ندارد، دین ندارد. هر کس که تقیه نکند ایمان ندارد. گرامی ترین شما در نزد خدا کسی است که بیشتر از دیگران به تقیه عمل کند».

ص: ۲۶۱

---

۱- ۴۱۸. درباره رجعت - دومین یوم الله - و بازگشت گروهی از بندگان شایسته خدا به دنیا، به کتاب «رجعت یا دولت کریمه» و سایر کتاب های مربوطه، مراجعه فرمایید.

۲- ۴۱۹. سوره حجر، آیه ۳۶ - ۳۸.

گفته شد: ای پسر رسول خدا! تا به کی؟

فرمود:

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، وَهُوَ يَوْمٌ خُرُوجَ قَائِمِنَا؛ [تا روز وقت معین که روز قیام قائم ما است.

از آن حضرت پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟

فرمود:

چهارمین فرزند من، پسر بانوی کنیزان است که خداوند به وسیله او، زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می کند. (۱)

## ۹- سوره اسراء

«وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا». (۲)

«و آن کس که مظلوم کشته شده، ما به ولی او حکومت [و حق قصاص] دادیم، که در کشتن اسراف و زیاده روی نکند، که او از جانب ما «منصور» و مورد حمایت است.»

علامه قندوزی در کتاب «ینایع الموده»، در تفسیر این آیه مبارکه آورده است که این آیه در باره حسین بن علی و مهدی علیهم السلام نازل شده است. و از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«حسین علیه السلام مظلوم کشته شد و ما اولیا و وارث خون او هستیم، و قائم ما به خون خواهی حسین علیه السلام قیام خواهد کرد. پس هر کسی که به کشتن آن حضرت راضی بوده است به قتل می رساند تا آنجا که خواهند گفت: او در کشتار اسراف می کند.» (۳)

در تفسیر عیاشی نیز در همین رابطه از سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام با تفصیل

ص: ۲۶۲

---

۱- ۴۲۰. فرائد السمطين، ج ۲، باب ۶۱، من السمط الثانی، ص ۳۳۷ - ینایع الموده، ج ۳، ص ۳۸۷، باب ۹۴ - بشاره الاسلام، باب ۹، ص ۱۸۷ - منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱۷، ص ۲۲۰ - المهدي الموعود المنتظر، ج ۱ ص ۱۶۷ - کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۳۷۱، باب ۳۵، ح ۵.

۲- ۴۲۱. سوره اسراء (بنی اسرائیل)، آیه ۳۳.

۳- ۴۲۲. ینایع الموده، ج ۳، ص ۲۴۳، باب ۷۱، المحججه، ص ۱۲۸.

بیشتری نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

«منظور از این جمله «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً» حسین بن علی علیهما السلام است که مظلومانه کشته شد، و ما اولیا و خون خواهان او هستیم. هنگامی که قائم ما قیام کند به خون خواهی او و انتقام از دشمنان خدا بر می خیزد و به حدی دشمنان را به قتل می رساند که مردم گویند: او در کشتن اسراف و زیاده روی کرده است».

سپس فرمود:

«آن کس که واقعاً مظلوم کشته شده، حسین علیه السلام، و ولی او حضرت قائم علیه السلام است.

و اما منظور از «اسراف در کشتار»، این است که اشخاص دیگری غیر از قاتل اصلی او کشته شود. (۱)

و اما مقصود از این جمله «إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً» این است که، حضرت قائم علیه السلام که ولی حقیقی حسین علیه السلام و مردی از دودمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است، از دنیا نمی رود تا این که به پیروزی کامل برسد و بر همه دنیا تسلط یابد و سراسر زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. (۲)

در کتاب «کامل الزیارات» از محمد بن سنان روایت نموده است که:

مردی از تفسیر آیه شریفه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا، فَلَا يُشْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً» از امام صادق علیه السلام سؤال نمود. حضرت در پاسخ او فرمود:

«منصور، قائم آل محمد علیهم السلام است - که ولی خون حسین علیه السلام است - و چون ظهور نماید، اقدام به خون خواهی حسین علیه السلام کند و دشمنان را بکشد و اگر همه اهل زمین را به قتل برساند، اسراف نکرده است.

و معنای «فَلَا يُشْرِفُ فِي الْقَتْلِ» این است که او هرگز به کاری که اسراف محسوب شود دست نمی آید. سپس فرمود: به خدا سوگند! که حضرت قائم علیه السلام بازماندگان و ذراری کشتندگان حضرت حسین علیه السلام را به واسطه کردار

ص: ۲۶۳

---

۱- ۴۲۳. معنای این جمله از احادیث بعدی معلوم می شود که چرا حضرت ولی عصر علیه السلام فرزندان کشتندگان حسین علیه السلام را می کشد و از آنان انتقام می گیرد.

۲- ۴۲۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۶۷ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱۹ - تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۶۳، ح ۲۰۱ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۸، ح ۷.

در کتاب «عیون الاخبار» از عبد السلام بن صالح هروی روایت کرده است که گفت:

به امام رضاعلیه السلام عرض کردم که نظرتان در باره این حدیث «هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند فرزندان قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر کردار پدرانشان می کشد» که از امام صادق علیه السلام روایت شده است، چه می باشد؟ حضرت فرمود: «درست است».

گفتم: پس معنای این آیه که می فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (۲)» هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید [چه می شود؟

فرمود:

«خداوند در تمام گفتار هایش راست و درست فرموده است، لکن فرزندان قاتلان حسین علیه السلام کسانی هستند که از کردار پدرانشان راضی هستند و به آن افتخار می کنند و هر کس که از کاری راضی باشد، مثل آن کسی است که آن را انجام داده است، و اگر کسی در شرق عالم کشته شود و دیگری در غرب عالم، به این قتل راضی و خشنود باشد نزد خدای تعالی با قاتل شریک خواهد بود= از این رو، حضرت قائم علیه السلام آنها را به قتل می رساند» (۳).

مقصود از نقل این اخبار و احادیث این است که: حضرت امام حسین علیه السلام انسان ممتازی است که مظلوم کشته شده و تا کنون انتقام خون به ناحق ریخته وی گرفته نشده، و خداوند حضرت مهدی علیه السلام را که از فرزندان آن حضرت و وارث خون آن شهید مظلوم است، خون خواه حضرتش قرار داده و به وی قدرت و سلطنت عطا فرموده، و او را «منصور» نام نهاده، تا هنگامی که امر ظهور از طرف خدا امضاء شود، با قوت و قدرت و تأیید خداوند قیام کند و همه جباران و ستمگران و ستم پیشگان را طعمه شمشیر سازد.

ص: ۲۶۴

---

۱- ۴۲۵. کامل الزیارات، ص ۶۳، ح ۵، باب ۱۸.

۲- ۴۲۶. سوره انعام، آیه ۱۶۴.

۳- ۴۲۷. عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ص ۲۱۲، ب ۲۸، فیما جاء عن الامام علی بن موسی الرضاعلیهما السلام من الاخبار المتفرقه، ح ۵؛ الزام الناصب، م ج ۱، ص ۷۲.

«حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا \* وَيَزِيدَ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ...» (۱).

«تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می شود: یا عذاب یا قیامت را ببینند؛ پس به زودی می فهمند که چه کسی جایگاهش بدتر و چه کسی لشکرش ناتوان تر است و خداوند کسانی را که هدایت یافته اند بر هدایتشان می افزاید».

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

«منظور از قیامت، قیام قائم است. که گمراهان چون در آن روز، قائم و اطرافیانش را ببینند، می فهمند که جایگاه چه کسی در نزد قائم بدتر و سپاهش ناتوان تر است. و خداوند در آن روز، بر هدایت یافتگان که از قائم پیروی کرده، انکارش نکرده اند، می افزاید» (۲).

## ۱۱ - سوره نور

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (۳).

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دادند وعده داده است که آنها را در روی زمین جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که قبل از ایشان بودند، جانشین ساخته بود و دینی را که برای ایشان پسندیده - در جهان - استقرار خواهد بخشید و ترس و هراس شان را بعد از وحشت به آرامش و اطمینان مبدل خواهد ساخت، تا تنها مرا پرستند و شریکی برایم قرار ندهند».

علامه نیشابوری در تفسیر «غرائب القرآن» به هنگام تفسیر آیه شریفه: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، در سوره بقره، می گوید:

ص: ۲۶۵

۱- ۴۲۸. سوره مریم، آیه ۷۵.

۲- ۴۲۹. کافی، ج ۱، ص ۴۳۱؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۳؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۷۳.

۳- ۴۳۰. سوره نور، آیه ۵۵.

... منظور از «غیب» که در این آیه شریفه آمده است، همان مهدی منتظری است که خداوند در قرآن کریم به او وعده - خلافت و جانشینی - داده و فرموده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ».

و در خبری از رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم نیز وارد شده که فرموده است:

«اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را به قدری طولانی می کند تا این که مردی از اُمت من که نام او نام من و کنیه او کنیه من است ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد».<sup>(۱)</sup>

## ۱۲ - سوره قصص

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».<sup>(۲)</sup>

«و ما اراده کرده ایم بر آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند، مَنّت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».

از امام محمد باقرعلیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که آن دو بزرگوار فرموده اند:

«این آیه مبارکه مخصوص به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر می شود و فرعونیان و جبّاران را نابود می سازد و شرق و غرب جهان را به تصرف خود در می آورد، و آن را چنان که پر از ظلم و ستم شده است مالا مال از عدل می سازد».<sup>(۳)</sup>

علامه قندوزی نیز در ضمن حدیثی روایت کرده است که:

«ابو محمد حسن عسکری علیه السلام در هفتمین روز ولادت فرزندش مهدی علیه السلام بدو گفت: «سخن بگو، ای فرزند کوچکم!» پس شهادتین بر زبان جاری نمود و بر پدران

ص: ۲۶۶

---

۱- ۴۳۱. منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱، ص ۱۵۰، موعود قرآن ص ۸۵.

۲- ۴۳۲. سوره قصص، آیه ۵.

۳- ۴۳۳. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۲۰.

خویش یکی پس از دیگری صلوات فرستاد؛ سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۱).

### ۱۳ - سوره سجده

«قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ» (۲).

«بگو - ای پیامبر! - روز پیروزی، دیگر ایمان آوردن برای کافران سودی ندارد و به آنها هیچ مهلت داده نمی شود».

امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

«روز پیروزی، روزی است که دنیا به دست قائم علیه السلام فتح می شود. آن روز، دیگر ایمان آوردن برای کسی که قبلاً ایمان نداشته، سودی ندارد. اما کسی که پیش از فتح، ایمان آورده، انتظار ظهور او را می کشید، ایمانش او را سود خواهد بخشید و خداوند مقام و منزلت او را بالا خواهد برد. و این پاداش دوستداران اهل بیت علیهم السلام است» (۳).

### ۱۴ - سوره فتح

حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی در کتاب «البيان»، و علامه مؤمن بن حسن شبلنجی در تفسیر آیه شریفه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (۴) از سعید بن جبیر نقل کرده اند که گفته است: «منظور از این آیه، مهدی - موعود - از فرزندان فاطمه علیها السلام است» (۵).

در حدیث دیگری که در تفسیر همین آیه شریفه از امام صادق علیه السلام روایت شده چنین آمده است که آن حضرت فرمود:

«این آیه در حق قائم آل محمد علیهم السلام نازل شده است، و او امامی است که

ص: ۲۶۷

۱- ۴۳۴. ینابیع المودّه، ص ۳۰۲، باب ۷۹.

۲- ۴۳۵. سوره سجده، آیه ۲۹.

۳- ۴۳۶. ینابیع المودّه، ص ۲۴۶، باب ۷۱، منتخب الأثر، فصل ۷، باب ۱، ص ۴۷۰ والمحبّه، ص ۱۷۴.

۴- ۴۳۷. سوره فتح، آیه ۲۸.

۵- ۴۳۸. البیان گنجی شافعی، باب ۲۵ و استدلال به جواز بقاء مهدی، و نور الابصار ص ۱۸۶.

اسلام را بر همه ادیان پیروز می گردانند و زمین را پر از عدل و داد می کنند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد. این آیه از آیاتی است که تأویلش بعد از تنزیل آن تحقق خواهد یافت»<sup>(۱)</sup>.

با توجه به آیات شریفه مزبور و ده ها آیه دیگر، این معنا به خوبی روشن می شود که، دنیا روزی در پیش دارد که آیین مقدس اسلام بر تمام ادیان جهان غلبه خواهد کرد، و به جز اسلام، دینی در روی زمین باقی نخواهد ماند. آن عصر درخشان و روزگار طلایی که بشر در انتظار آن است، همان روز قیام پر شکوه منجی بشر، و دوران ظهور مبارک مهدی موعود علیه السلام می باشد.

ناگفته نماند، آیاتی که به وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام و ظهور مبارک آن حضرت تفسیر و تأویل شده و در منابع معتبر شیعه و سنی ثبت و ضبط گردیده، فراوان است و ما اگر بخواهیم همه آنها را یکجا گرد آوری نماییم به طول خواهد انجامید و از مقصد دور می شویم. از این رو، به همین مقدار بسنده نمودیم<sup>(۲)</sup>.

ص: ۲۶۸

---

۱- ۴۳۹. المحججه، ص ۲۰۸ - تفسیر قمی، ج ۲، ۳۱۷ - بحار الانوار ج ۵۱، ص ۵۰، ح ۲۲  
۲- ۴۴۰. کسانی که طالب تفصیل بیشتری هستند می توانند به کتابهای دیگری که در این زمینه نگاشته شده، مانند: بحار الانوار، ج ۵۱ باب آیات مأوله، الزام الناصب، ینایع الموده، موعود قرآن و کتب تفاسیر مراجعه فرمایند.



اشاره

شامل:

- ۱- مهدی موعود علیه السلام در کتب هندیان
- ۲- بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب تورات
- ۳- بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب انجیل
- ۴- بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در منابع زرتشتیان

ص: ۲۶۹



چنان که در بحث‌های گذشته آمد، مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان و پایان دادن به ظلم و ستمها از مسایل اساسی ادیان و اسلام است، و تمامی ادیان و مذاهب گوناگونی که در روی کره زمین حکومت می کنند، وقوع حتمی و قطعی آن را خبر داده اند.

بر اساس تعالیم انبیا و نویدهای کتب آسمانی، علیرغم عوامل بدینی بیشماری که نسبت به آینده بشر در جهان دیده می شود، اوضاع کنونی جهان قابل دوام نیست، و دیر یا زود گردونه زمان به نفع محرومان خواهد چرخید، و چهره جهان دگرگون خواهد شد، و مفاسد اجتماعی و کشمکشهای کنونی جای خود را به آرامش و امتیت خواهد داد. مطابق وعده های انبیا و نویدهای کتب آسمانی، چشم انداز آینده جهان و سرنوشت بشر روشن است.

نگاهی کوتاه به کتابهای مذهبی اهل ادیان این امر را به خوبی نشان می دهد که وقتی جهان دچار فتنه و آشوب گردد و آتش ظلم و بیدادگری همه جهان را فراگیرد، و جنگهای خانمان سوز و ویرانگر مردمان جهان را به ستوه آورد و زمامداران جهان از اداره امور کشورها عاجز و ناتوان گردند و برای خاموش کردن آتش فتنه ها و جنگها راه چاره ای نیابند، در چنین موقعیت حساس و بحرانی یک مصلح بزرگ جهانی، با اتکا به قدرت لایزال الهی قیام خواهد کرد، و به یک اصلاح عمومی در تمام جهان دست خواهد زد و زورگویان، زورمداران و قدرت طلبان افسار گسیخته عالم را سر جای خود خواهد نشاند و به همه بدبختی ها و تیره روزی ها و گرفتاری های بشریت خاتمه خواهد داد.

خوشبختانه هنگامی که به ادیان آسمانی مراجعه می کنیم، کتب آسمانی را سراسر مملو از امید، و سرشار از نویدهای بهروزی و وعده های ظهور آن «مصلح جهانی»

می بینیم، و شاید برای برخی کمی تعجیب آور باشد که در تمام ادیان و مذاهب بزرگ جهان، اعم از وثنیت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و آیین مبین اسلام... از مصلحی که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و به جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را، بر اساس عدالت و آزادی بنیان خواهد نهاد، گفتگو شده و برتر و بالاتر از همه، نوید ظهور آن مصلح بزرگ جهان، به خصوص در اسلام و قرآن نیز، به صورتی جامع تر، کامل تر، عمیق تر و جدی تر، مطرح شده است.

و جای بسی خرسندی است که اکثریت قریب به اتفاق نوید هایی که در رابطه با ظهور «مصلح بزرگ جهانی» در کتابهای آسمانی آمده است - اگر نگوییم همه آنها - تنها با وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام، آخرین بازمانده حجت الهی از امامان معصوم شیعه مطابقت دارد.

آری خواننده عزیز! نویدهای مصلح بزرگ جهانی و بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام علاوه بر قرآن مجید در تمام کتب مذهبی اهل ادیان مانند: کتاب زند، کتاب جاماسب، کتاب شاکمونی، کتاب جوک، کتاب دید براهمه، کتاب باسک، کتاب پاتیکل، کتاب دادنگ، کتاب ضفینای نبی، کتاب اشعیاء، کتاب وحی کودک، کتاب حُکی نبی، کتاب مکاشفات یوحنا ی لاهوتی، کتاب دانیال نبی، انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، و سایر کتابها و الواح ذکر شده، و در همه این کتابها نویدها و بشارت های ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عبارات و مضامینی که همه اصالت و حقیقت «مهدویت» را تأیید می کنند، و آن را یک عقیده عمومی مشترک بین همه امتهای و ملت‌ها می دانند، به روشنی بیان شده است.

اگر چه غیر از قرآن مجید، همه کتابهای دیگر آسمانی مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته است، ولی باز هم مطالبی در آنها دیده می شود که از دستبرد دگران مصون مانده، و در آنها عبارات و جملاتی از آمدن «مصلح جهانی» به چشم می خورد.

جالب توجه این که: در تمام کتابهای مقدسی که در میان اهل ادیان، به عنوان کتابهای آسمانی شناخته شده و آورندگان آن کتابها به عنوان پیامبر، شناخته می شوند، تصریحات زیادی به «مهدی موعود» شده است.

هر چند که ما این کتابها را به عنوان «کتاب آسمانی» نمی دانیم، و یقین نداریم که

آوردگان آنها پیامبر بوده اند، بلکه معتقدیم که آنها یا «پیامبر» بوده اند، یا این مطالب را از کتابها و تعلیم پیامبران گذشته اقتباس کرده اند، ولی شگفت آور است که در برخی از این کتابها، بعضی از القاب خاص و اسامی مبارک حضرت مهدی علیه السلام و حتی سلسله «نسبی» آن حضرت و این که وی از سلاله پاک پیغمبر آخر الزمان، و از فرزندان دختر آن پیغمبر، و آخرین جانشین آن حضرت است، نیز مشخص گردیده است.

اینک برای اثبات این مدعا قسمتی از نویدها و بشارت های ظهور مهدی موعود علیه السلام را که در کتب مذهبی اهل ادیان آمده است، از کتب مقدسه هندیان، یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و سایر کتابهایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده، نقل می کنیم، تا اصالت مسأله «مهدویت» و جهانی بودن اعتقاد به ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام به خوبی روشن شود.

## ۱ - مهدی موعود علیه السلام در کتب مقدسه هندیان

### ۱ - مهدی موعود علیه السلام در کتب مقدسه هندیان

در کتابهای مذهبی مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده و آوردگان این کتاب ها به عنوان پیامبر شناخته می شوند، تصریحات زیادی به وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی از آنها از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

### الف) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب اوپانیشاد

### الف) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب اوپانیشاد

در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از کتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می رود، بشارت ظهور مهدی موعود علیه السلام چنین آمده است:

«این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود، و شیران را تماماً هلاک می سازد، و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد».<sup>(۱)</sup>

ص: ۲۷۳

با اندک تأملی در جملات بشارت فوق، ظاهر می شود که مقصود از «مظهر ویشنو» همان وجود مقدس حجه بن الحسن العسکری علیه السلام است؛ زیرا طبق روایات متواتر اسلامی آن حضرت در آخر الزمان و در پایان جهان، ظهور خواهد نمود و با شمشیر قیام خواهد کرد، و تمامی جباران و ستمگران روی زمین را از بین خواهد برد، و در دوران حکومت آن مظهر قدرت خداوندی، جهان، آفرینش نوینی خواهد یافت.

در این زمینه اخبار و احادیث بسیار زیادی در کتب شیعه و سنی از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام روایت شده است که برخی از آنها را جهت توضیح فرازهای بشارت مزبور، تحت چند عنوان می آوریم.

### ۱ - مهدی علیه السلام در آخر الزمان ظاهر می شود

در کتاب «غیبت» شیخ طوسی رحمه الله از ابو سعید خدری روایت کرده است که گفت:

از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که بر فراز منبر می فرمود:

«مهدی از عترت و اهل بیت من است. او در آخر زمان ظهور می کند. در آن هنگام آسمان بارانش را فرو می فرستد، زمین گیاهان خود را می رویاند. و او سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می نماید، آن چنان که دیگران - ستمگران - آن را پر از ظلم و جور کرده باشند» (۱).

در کتاب «عقد الدرر»، باب سوم از قول ابو سعید خدری از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

«در آخر الزمان مردی جوان، با چهره ای زیبا و بینی کشیده، که از عترت من است قیام می کند، زمین را پر از عدل و داد می نماید، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد ...» (۲)

در کتاب «دلائل الامامه» از قول ابو سعید خدری آمده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«مژده باد شما را به ظهور مهدی که او در آخر الزمان به هنگام سختی روزگار و

ص: ۲۷۴

---

۱- ۴۴۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۱، ص ۱۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۷۴، ح ۲۵؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۰۲، ح ۲۹۴؛ منتخب الاثر، ص ۱۶۹، ح ۸۱. و در چاپ دیگر، ص ۲۲۲، ح ۸۱.  
۲- ۴۴۳. عقد الدرر، باب ۳، ص ۳۹.

فتنه و اختلاف و عدم امنیت می آید، و خداوند به وسیله او زمین را پر از قسط و عدل می نماید» (۱).

و در روایات اهل بیت علیهم السلام در ضمن روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«دولت ما آخرین دولتها است و هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن مقدر شده باشد، جز این که پیش از ما به حکومت می رسد تا وقتی که ما به حکومت رسیدیم کسی نگوید: اگر ما نیز به قدرت میرسیدیم، همانند اینان رفتار می کردیم، و این است معنای کلام خداوند که فرموده است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۲) [سرانجام از آن پرهیزکاران است]» (۳).

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا

وَدَوْلَتَنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَرُ «برای هر قومی دولتی هست که فرا رسیدن آن را انتظار می کشند، ولی دولت ما در آخر الزمان ظاهر می شود» (۴).

## ۲ - مهدی علیه السلام بر اسب دست و پا سفیدی سوار است

این عنوان که در دومین فراز بشارت کتاب «اوپانیشاد» آمده است، در اخبار معصومین علیهم السلام بدان اشاره شده که برای نمونه برخی از آنها را در اینجا می آوریم:

در حدیثی از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده که در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام و به هنگام حرکت آن حضرت از نجف به سوی مسجد سهله فرموده است:

«كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسْجِدِ السَّهْلَةِ عَلَى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ لَهُ

ص: ۲۷۵

---

۱- ۴۴۴. دلائل الامامه، ص ۲۵۰؛ منتخب الاثر، ص ۱۷۱، ح ۸۸ و در چاپ دیگر، ص ۴۶۸، ح ۴۵۴، باب الامام صاحب الزمان علیه السلام، ح ۵۸.

۲- ۴۴۵. سوره اعراف، آیه ۱۲۸ و سوره قصص، آیه ۸۳.

۳- ۴۴۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲، ح ۵۸؛ اثبات الهداه با ترجمه فارسی، ج ۷، باب ۳۲، ص ۳۵، ح ۳۶۹؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۱۶، ح ۳۶۹؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸۲، و در چاپ دیگر، ص ۴۷۲، و با ترجمه فارسی، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۷.

۴- ۴۴۷. بحار الانوار، ح ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۳؛ منتخب الاثر، ص ۱۶۹، ح ۸۴.

شَمْرَاخٌ يُرْهِرُ وَهُوَ يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دَعَائِهِ ...» (۱).

«گویی او را با چشم خود می بینم که در نزدیکی نجف از وادی السلام عبور کرده، به سوی مسجد سهله پیش می رود در حالی که بر اسب دست و پا سفیدی سوار است که پیشانی سفید و درخشانده ای دارد، و همه درخشندگی آن را چون چراغ و ستاره می بینند و او در آن حال دعا می خواند ...»

امام صادق علیه السلام در همین زمینه می فرماید:

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ رَبَّكَ فَرَسًا أَدْهَمَ أَبْلَقَ، بَيْنَ عَيْنَيْهِ شَمْرَاخٌ، ثُمَّ يَنْتَقِضُ بِهِ فَرَسُهُ، فَلَا يَبْقَى أَهْلُ بَلَدِهِ إِلَّا وَهُمْ يَظُنُّونَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ» (۲).

«گویی قائم علیه السلام را در پشت نجف به چشم خود می بینم که بر اسب تیره رنگی، سیاه و سفید که متمایل به مشکی است سوار است و در میان دو چشمش سفیدی خیره کننده ای است. سپس اسبش او را به حرکت در می آورد به طوری که مردم هر شهری خیال می کنند که آن حضرت در میان آنها و در شهر آنهاست.»

پیشوای ششم شیعیان در یک حدیث دیگر در همین مورد می فرماید:

«كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ لِبَسِ دِرْعِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَيَتَقَلَّصُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يَنْتَقِضُ بِهَا فَيَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يُعْشَى الدَّرْعَ بَثُوبِ إِسْتَبْرَقٍ، ثُمَّ يَرْكَبُ فَرَسًا لَهُ أَبْلَقٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شَمْرَاخٌ، يَنْتَقِضُ بِهِ لَا يَبْقَى أَهْلُ بَلَدٍ إِلَّا أَتَاهُمْ نُورٌ ذَلِكَ الشَّمْرَاخِ حَتَّى تَكُونَ آيَةٌ لَهُ» (۳).

«گویی قائم علیه السلام را در پشت نجف به چشم خود می بینم که زره رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را پوشیده و چون دامنش جمع شده است آن را تکان می دهد تا صاف شود پس به اندامش رسا می آید، و آنگاه آن را با جامه ای از دیباج

ص: ۲۷۶

۱- ۴۴۸. دلائل الامامه، ص ۲۴۴ - منتخب الاثر، ص ۵۱۹ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱، ح ۲۱۴.

۲- ۴۴۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵، ح ۴۰ و ص ۳۲۸ ح ۴۸ - غیبت نعمانی، ص ۳۰۹، ح ۴.

۳- ۴۵۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱، ح ۲۱۴؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۷؛ غیبت نعمانی، ص ۳۱۰، ح ۵؛ بشاره الاسلام، ص ۲۰۰.



می پوشاند، و سپس بر اسب سیاه و سفیدی که میان دو چشمش سفیدی درخشنده ای دارد سوار می شود، و طوری آن را به حرکت در می آورد که درخشندگی پیشانی اسبش از شهرهای دور دست دیده می شود و اهل هر شهری آن درخشندگی را می بینند و این خود یکی از معجزات آن حضرت است».

پیشوای هفتم شیعیان، امام کاظم علیه السلام نیز در همین باره می فرماید:

«وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام کند، بر بهترین، نیرومندترین، تندرو ترین وسیله سواری از چهار پایان سوار می شود».<sup>(۱)</sup>

### ۳ - مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می کند

بر اساس روایات فراوان، تنها کسی که از امامان معصوم علیهم السلام برای تأسیس خلافت اسلامی و حکومت واحد جهانی قیام می کند و شمشیر می کشد و مخالفان ستیزه جو را سرکوب می نماید و در مبارزه حق علیه باطل پیروز می شود، حضرت مهدی علیه السلام است که او با آن هیبت و شکوه الهی و شمشیر برنده ای که در دست دارد از طرف هر کس از ستمگران و سرکشان و طاغوتیان اطاعت می شود، و هیچ کس هر اندازه که قدرتمند و سرکش و یاغی باشد جرأت مخالفت با او را ندارد.

در این زمینه، روایات بسیار زیادی در منابع معتبر شیعه و سنی از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده که برای اثبات مطلب برخی از آنها را در اینجا می آوریم.

۱ - در کتاب «فرائد السمطين» در ضمن حدیث مفصّلی از ابی بن کعب روایت کرده است که پیامبر گرامی اسلام در توصیف قیام شکوهمند حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«لَهُ سَيْفٌ مُّعَمَّدٌ، فَإِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ أَقْتَلَعَ ذَلِكَ السَّيْفُ مِنْ عَمْدِهِ وَأَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَنَادَاهُ السَّيْفُ: أُخْرِجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ! فَلَا يَجِلُّ لَكَ أَنْ تَقْعُدَ عَنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، فَيَخْرُجُ وَيَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ تَقَفَهُمْ، وَيُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ، وَيَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ ...».<sup>(۲)</sup>

ص: ۲۷۷

۱- ۴۵۱. یأتی علی الناس زمان، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۹۵.

۲- ۴۵۲. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۵۹، باب ۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱، ح ۴ و ج ۳۶، ص ۲۰۸؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۰۴؛ کمال الدین صدوق با ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۳۸۴، بشاره الاسلام، ص ۱۲، اعلام الوری، ص ۴۰۳.

«او شمشیری دارد که در غلاف است و چون هنگام ظهورش فرا رسد شمشیرش از غلاف بیرون می آید و خدای تعالی آن را به سخن می آورد، و او مهدی علیه السلام را صدا می زند: ای ولی خدا! قیام کن که دیگر برای تو روا نیست که از دشمنان خدا دست برداری.»

پس او قیام می کند و دشمنان خدا را در هر کجا بیابد می کشد؛ و حدود خدا را بر پا می دارد، و به حکم خداوند حکم می نماید.»

۲ - در کتاب «کفایه الاثر» از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده است که روزی رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم خطاب به وی فرمود:

«يَا عَلِيُّ! إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا خَرَجَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ ثَلَاثُمَائِهِ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا عَمِدَدَ رِجَالٍ يَبْدُرُ، فَإِذَا كَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ، يَكُونُ لَهُ سَيْفٌ مَغْمُودٌ نَادَاهُ السَّيْفُ: قُمْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ! فَاقْتُلْ أَعْدَاءَ اللَّهِ.» (۱)

«ای علی! هنگامی که قائم ماعلیه السلام خروج کند ۳۱۳ نفر به تعداد مردان - جنگ - بدر، در اطراف او گرد آیند. چون زمان ظهور او فرا رسد شمشیرش که در غلاف است او را صدا می زند: ای ولی خدا! بر خیز و دشمنان خدا را طعمه شمشیر کن.»

۳ - علامه قندوزی حنفی در کتاب «ینایع الموده» و گروهی دیگر از محدثان عالی مقام شیعه از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده اند که در ضمن خطبه مفصلی در رابطه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«يُظْهِرُ صَاحِبُ الزَّايَةِ الْمُحَمَّيْدِيَّةِ، وَ الدَّوْلَةَ الْأَخْمِيْدِيَّةِ، الْقَائِمُ بِالسَّيْفِ وَ الْحَالِ، الصَّادِقُ فِي الْمَقَالِ، يُمَهِّدُ الْأَرْضَ وَيُحْيِي السَّنَةَ وَ الْفَرَضَ.» (۲)

«صاحب پرچم محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و بنیانگذار دولت احمدی ظهور می کند در حالی که شمشیر در دست دارد و جز راستی بر زبان نیارد، زمین را مهد زندگی

ص: ۲۷۸

۱- ۴۵۳. کفایه الاثر، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴، ح ۷۲.

۲- ۴۵۴. ینایع الموده، ج ۳، ص ۲۰۸، باب ۶۸؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۴۱؛ منتخب الاثر، ص ۱۵۸؛ بشاره الاسلام، ص ۸۵.

سازد، و احکام اسلام (اعم از سنت و فرض) را زنده گرداند».

۴- در کتاب «غیبت نعمانی» از بشر بن غالب اسدی نقل کرده است که وی گفت: حضرت حسین بن علی علیه السلام به من فرمود:

«ای بشر! چه می ماند از قریش هنگامی که مهدی قائم قیام کند؟ پانصد نفر از آنها را می آورد و دست بسته گردن می زند، سپس پانصد نفر دیگر می آورد و گردن می زند، آنگاه پانصد نفر دیگر می آورد و همه را گردن می زند.

بشر گوید: به حضرتش عرض کردم: خداوند حال شما را به صلاح گرداند! آیا آنها به این مقدار می رسند؟

فرمود: هم پیمان هر طایفه ای از آنها محسوب می شود...» (۱)

۵- در کتاب «کمال الدین» صدوق از سعید بن جبیر از حضرت زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«در قائم ما نشانه هایی از هفت پیامبر وجود دارد:

نشانه ای از پدر ما آدم، نشانه ای از حضرت نوح، نشانه ای از حضرت ابراهیم، نشانه ای از حضرت موسی، نشانه ای از حضرت عیسی، نشانه ای از حضرت ایوب و نشانه ای از حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم.

- اما نشانه اش از آدم و نوح طول عمر است.

- اما نشانه اش از حضرت ابراهیم، ولادت پنهانی و کناره گیری او از مردمان است.

- اما نشانه اش از حضرت موسی، استمرار ترس و غیبت است.

- اما نشانه اش از حضرت عیسی، اختلاف مردم در حق اوست.

- اما نشانه اش از حضرت ایوب، فرج بعد از شدت و گشایش بعد از گرفتاری است.

- و اما نشانه اش از حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم خروج او با شمشیر است» (۲).

۶- در کتاب «بحار الانوار»، از کتاب «غیبت نعمانی»، از قول زراره روایت کرده که گفته است:

ص: ۲۷۹

۱- ۴۵۵. غیبت نعمانی، ص ۲۳۵، باب ۱۳، ح ۲۳.

۲- ۴۵۶. کمال الدین صدوق با ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۴۳۸، باب ۳۱، ح ۵؛ منتخب الاثر، ص ۳۰۰، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۴.

خدمت ابی جعفر امام محمّد باقر علیه السلام عرض کردم: نام یکی از شایستگان را برای من بفرما، و مقصودم از این سخن حضرت قائم علیه السلام بود.

فرمود: «نام او نام من است».

گفتم: آیا او همچون حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم رفتار می کند؟

فرمود:

«هیئات، هیئات ای زراره! او طبق روش رسول اکرم رفتار نمی کند».

عرض کردم: فدایت شوم، چرا؟

فرمود:

«زیرا رسول اکرم در میان اُمّتش به نرمش و ملاطفت مأمور بود و با محبت و مودّت در میان آنها الفت ایجاد می کرد، ولی قائم (با زورمداران) با منطق شمشیر سخن می گوید. زیرا او در کتابی که به همراه دارد به چنین شیوه ای مأمور است و از کسی مطالبه توبه نمی نماید، وای به حال کسی که با او سر ستیز داشته باشد».<sup>(۱)</sup>

و در ضمن حدیث دیگری که محمد بن مسلم آن را از آن حضرت روایت نموده آمده است که فرمود:

«... مهدی علیه السلام از این لحاظ با جدّش رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم شباهت دارد که با شمشیر قیام کند و دشمنان خدا و رسول و ستمکاران و طاغوتیان را به قتل می رساند و به وسیله شمشیر و ترس - در دل دشمنان - نصرت می یابد و هیچ یک از پرچم هایش شکست خورده بر نمی گردد».<sup>(۲)</sup>

آنچه از این روایات استفاده می شود این است که: حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می کند، و این همان چیزی است که در کتاب «اوپانیشاد» آمده است.

#### ۴ - مهدی علیه السلام پاکی را به جهان بر می گرداند

در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می خوانیم که حضرتش فرمود:

«خداوند به زودی - در آینده - گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد،

ص: ۲۸۰



و آنها نیز خدا را دوست می دارند، کسی در بین آنان مالک جهان می شود که در بین آنان غریب است و او مهدی علیه السلام است که دارای صورت و موی سرخ خواهد بود، زمین را بدون سختی از عدل و داد پر خواهد کرد، در کودکی از پدر و مادر خود جدا می گردد، عزیز اهل خود می باشد و با امتیّت مالک شهرهای مسلمین می شود، زمان مطیع و فرمانبردار او می گردد و سخن او را می شنود، پیران و جوانان از او فرمانبرداری خواهند نمود، زمین را از عدل و داد پر می کند آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

آنگاه امامت او کامل و خلافتش ثابت و پا برجا می گردد، خداوند آن افرادی را که در قبرها هستند بر می انگیزد و جز مسکن آنان چیزی دیده نخواهد شد، زمینها آباد و به وسیله وجود مقدّس مهدی علیه السلام نورانی می شود، نهرهای زمین جاری می شوند و تمام فتنه ها و غارتگری ها از بین می روند و خیر و برکات فراوان خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

در همین رابطه، از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام فرمانروایان خود را به تمام کشورها می فرستد تا عدالت را در بین مردم پیاده کنند.

- [در آن زمان] گرگ و گوسفند در یک مکان میچرند.

- کودکان با مارها و عقرب ها بازی می کنند و هیچ آسیبی به آنها نمی رسد.

- شرّ و بدی از بین می رود و خیر و خوبی می ماند.

- انسان یک مدّ می کارد و ۷۰۰ مدّ<sup>(۲)</sup>، حاصل برداشت می کند چنان که قرآن کریم می فرماید: «همانند یک دانه که از آنها هفت خوشه بروید و در هر خوشه ای صد دانه داشته باشد، و خداوند به هر کس که بخواهد بیشتر هم عطا می فرماید».<sup>(۳)</sup>

- ربا برداشته می شود.

ص: ۲۸۱

---

۱- ۴۵۹. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۳۳۸، باب ۸۴.

۲- ۴۶۰. هر مدّ در حدود ۷۵۰ گرم می باشد.

۳- ۴۶۱. سوره بقره، آیه ۲۶۱.

- زنا برداشته می شود.

- شرابخواری از بین می رود.

- ریا و خود نمایی از بین می رود.

- مردم به اطاعت و عبادت رو می آورند.

- دین و آیین رونق می یابد.

- نمازها با جماعت خوانده می شود.

- عمرها طولانی می شود.

- امانتها رعایت می شود.

- درختان پر ثمر می شود.

- برکتها بسیار زیاد می گردد.

- اشرار به هلاکت می رسند.

- نیکان می مانند.

- از دشمنان اهل بیت کسی باقی نمی ماند.» (۱)

و از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است که در حدیثی در مورد دگرگون شدن جهان به هنگام ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در پرتو آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (۲)، فرمود:

«هنگامی که قائم ماعلیه السلام قیام کند:

- زمین با نور پروردگار خویش روشن می شود.

- مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند.

- تاریکی از بین می رود.

- یک فرد انسان به قدری عمر می کند که خداوند هزار پسر به او مرحمت می کند، بدون این که در میان آنها دختری باشد.

- گنجهای نهفته زمین برای مردم ظاهر می شود، و در برابر دیدگان آنها قرار می گیرد.

ص: ۲۸۲

---

۱- ۴۶۲. عقد الدرر، ص ۲۱۱، باب ۷.

۲- ۴۶۳. سوره زمر، آیه ۶۹.



- مردم به دنبال کسی می گردند که از آنها زکات و صدقات بپذیرد، ولی پیدا نمی کنند.

- مردم همگی به فضل پروردگارشان بی نیاز می شوند» (۱).

### **ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «باسک»**

### **ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «باسک»**

در کتاب «باسک» که از کتب مقدّسه آسمانی هندوها است، بشارت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است.

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین ها و کوه ها پنهان باشد همه را بدست آورد، و از آسمان ها و زمین و آنچه باشد خبر دهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید» (۲).

ناگفته پیداست که منظور از آن پادشاه عادل، موعود همه ملتها، وجود مقدّس حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام است؛ زیرا طبق روایات اسلامی و وعده های تمامی انبیا، تنها اوست که به عدل و داد قیام می کند و ریشه ظلم و بیداد را از بنیاد بر می کند، و جهان را پر از عدل و داد می نماید، و آنچه در دریا و زمین و کوه ها پنهان شده بدست می آورد، و تنها اوست که در آخر الزمان ظاهر می شود و تحول و دگرگونی عظیمی در دنیا به وجود می آورد، و زحمات همه پیامبران را که به منظور برقرار ساختن عدالت اجتماعی آمده اند به ثمر می رساند، و فرمانش بر همه موجودات جهان نافذ است.

به هر حال، در این بشارت و بشارت دیگری که در سایر کتب مقدّسه مذهبی اهل ادیان آمده، موضوع ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام به قدری واضح و روشن است که هیچ گونه نیازی به توجیه و تفسیر ندارد؛ ولی در عین حال، برای این که معلوم شود تمام مضامین بشارت مزبور در احادیث اسلامی نیز آمده است، پیرامون برخی از فرازهای آن توضیحاتی می دهیم.

ص: ۲۸۳

---

۱- ۴۶۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

۲- ۴۶۵. بشارت عهدین، ص ۲۴۶ - علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸ - لمعات النور فی کیفیه الظهور، ج ۱، ص ۱۹، نور الانوار، ص ۸۶، نور هفتم.

از بررسی آیات هدایتگر قرآن کریم استفاده می شود که هدف از آفرینش جهان و ارسال همه پیامبران الهی از حضرت آدم علیه السلام تا وجود مقدس رسول گرامی اسلام به منظور برقرار ساختن عدالت اجتماعی و آسایش و آرامش بندگان در سطح جهان بوده است.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (۱)

«ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه با آنها کتاب و ترازو نازل نمودیم تا مردم قسط و عدالت را به پا دارند».

در این آیه شریفه، هدف از فرستادن پیامبران و نزول کتاب و میزان، بر پا داشتن قسط و عدالت در روی زمین اعلام شده است. و می دانیم که بشر تاکنون، چنین روزگاری را ندیده است.

آیا ممکن است هدف آفرینش تحقق نیابد و ارسال رسل و نزول کتابهای آسمان که به همین منظور انجام شده، لغو و بیهوده تلقی گردد؟ و آیا ممکن است خداوند در وعده هایی که به پیامبران و وجود اقدس پیامبر اکرم داده است خلف وعده کند؟

به طور مسلم چنین چیزی ممکن نیست و هرگاه اراده خداوند بر وقوع چنین امری تعلق یابد، همه وعده ها عملی خواهد شد و خداوند به تمام خواسته های خود جامه عمل خواهد پوشاند.

به هر حال، رسول گرامی اسلام و امامان اهل بیت علیهم السلام روز تحقق تمام وعده های الهی را، «یوم الله ظهور» اعلام فرموده اند که برای نمونه به احادیث چندی که در این زمینه وارد شده، اشاره می کنیم.

### ۱ - مهدی علیه السلام زمین را پر از عدل و داد می نماید

یکی از ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام پر کردن زمین از عدل و داد است. این ویژگی، مکرر از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام با عبارت «یملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً

ص: ۲۸۴

## ۲ - مهدی علیه السلام در پایان همه دولتها می آید

مرحوم شیخ مفید رحمه الله، در کتاب «ارشاد» در باره این مطلب که قیام قائم آل محمد علیهم السلام و دولت اهل بیت علیهم السلام در پایان همه دولتها خواهد آمد، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ، وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَاخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَرَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ، وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينَ حَتَّى يُظْهِرُوا الْأِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: «وَلَهُ أَسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»؟ (۱) وَحَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا، وَتُبْدِي بَرَكَاتِهَا وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لَصَدَقَتِهِ وَلَا لِبِرِّهِ، لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ، وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لِنَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيِّرَتَنَا: إِذَا مَلَكْنَا سَيَّرْنَا بِمِثْلِ سَيِّرِهِ هَؤُلَاءِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۲)، (۳).

«زمانی که حضرت «قائم» علیه السلام قیام کند، به عدالت حکومت می کند، و در دوران حکومت او در روی کره زمین از ظلم و جور اثری یافت نمی شود، راهها امن می گردد، زمین برکات خود را خارج می سازد، هر حقی به صاحب حق بر می گردد، و هیچ پیرو دینی در روی زمین باقی نمی ماند مگر این که دین اسلام را می پذیرد و ایمان می آورد. آیا نشنیده اید که خداوند سبحان می فرماید: «هر کس در آسمانها و زمین است خواه ناخواه در برابر او تسلیم هستند، و همه به سوی او باز می گردند».

حضرت قائم علیه السلام در میان مردم به حکم حضرت داوود علیه السلام و حکم حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم حکومت می کند، و در آن زمان است که زمین گنجینه های خود را آشکار می سازد، و برکت هایش را بیرون می فرستد، دیگر انسان برای صدقه و بخشش محلی پیدا نمی کند، زیرا بی نیازی همه مؤمنان را در بر می گیرد.

ص: ۲۸۵

۱- ۴۶۷. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲- ۴۶۸. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۳- ۴۶۹. ارشاد مفید، ص ۳۶۴ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸، ح ۸۳.

سپس فرمود: دولت ما در پایان همه دولتها خواهد بود، (و همه قبل از ما به حکومت خواهند رسید) و هیچ خاندانی که بخواهند به حکومت برسند باقی نخواهند ماند مگر این که پیش از ما حکومت خواهند نمود، و این بدان جهت است که وقتی راه و روش ما را دیدند، نگویند: اگر ما هم به حکومت میرسیدیم مانند اینها به عدالت رفتار می نمودیم. و اینست معنای قول خدای تعالی که فرموده است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»: «سرانجام کار، از آن پرهیزکاران است».

### ۳ - حق و راستی با مهدی علیه السلام و او با حق همراه است

در مورد این عنوان که در فرازی از بشارت کتاب «باسک» در باره موعود ملتها آمده و از آن فهمیده می شود که منظور از او حضرت مهدی علیه السلام است که در آخر زمان می آید، روایات چندی از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است که برای مزید بصیرت برخی از آنها را در اینجا می آوریم:

۱ - عبدالله بن عمر در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که فرمود:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ غَمَامَةٌ فِيهَا مَلَكٌ يُنَادِي: هَذَا خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ فَاتَّبِعُوهُ».<sup>(۱)</sup>

«هنگامی که مهدی علیه السلام خروج کند، یک قطعه ابر بر سر او سایه می اندازد و بالای سرش حرکت می کند، و فرشته ای در میان آن قرار می گیرد و بانگ بر می آورد: این خلیفه خدا مهدی است از او پیروی کنید».

۲ - حذیفه یمانی در حدیثی از پیامبر اکرم نقل می کند که پس از شرح داستان سفیانی فرمود:

در آن هنگام منادی آسمانی بانگ بر می آورد:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَطَعَ عَنْكُمْ يَدَ الْجَبَّارِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَشْيَاعَهُمْ، وَوَلَّاكُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَالْحَقُّوا بِهِ بِمَكَهَ فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ».<sup>(۲)</sup>

«هان ای مردم! خداوند دست ستمکاران، منافقان و پیروان آنها را از شما کوتاه کرد، و بهترین فرد امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را بر شما فرمان روا قرار داد، اینک

ص: ۲۸۶

۱ - ۴۷۰. منتخب الاثر، ص ۴۴۸، ح ۴.

۲ - ۴۷۱. عقد الدرر، ص ۳۵ و منتخب الاثر، ص ۴۴۹، ح ۹.

به سوی او بشتابید که او هم اکنون در مکه معظمه است و او مهدی علیه السلام است».

۳ - شهر بن حوشب از رسول اکرم نقل می کند که فرمود:

«در ماه محرم منادی آسمانی ندا می کند: آگاه باشید که برگزیده خدا از میان بندگانش فلانی - یعنی حضرت مهدی علیه السلام - است، فرمانش را بشنوید و از او اطاعت کنید».(۱)

۴ - امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«هنگامی که منادی آسمانی بانگ برآورد که حق با آل محمدعلیهم السلام است، نام مقدس مهدی علیه السلام بر سر زبانها می افتد و محبت او در دلها جای می گیرد، و دیگر کاری جز یاد نام او نخواهند داشت».(۲)

۵ - امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«در آن روز منادی آسمانی به نام مهدی علیه السلام صدا می زند. هیچ خفته ای نمی ماند جز این که بیدار می شود و هیچ ایستاده ای نمی ماند جز این که می نشیند و هیچ نشسته ای نمی ماند جز این که روی دو پایش می ایستد؛ زیرا همه دچار وحشت و اضطراب می شوند. درود خدا بر کسی که آن صدای اولی را بشنود و پاسخ دهد که آن صدای جبرئیل امین است».(۳)

۶ - امام رضاعلیه السلام می فرماید:

«منادی از آسمان ندا سر می دهد؛ همه مردم روی زمین می شنوند که آنها را به سوی قائم علیه السلام فرا می خواند و می گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظاهر شده است؛ از او پیروی کنید که حق با او و او با حق همراه است».(۴)

#### ۴ - تمامی گنجهای عالم در اختیار مهدی علیه السلام است

این عنوان که مستفاد از روایات متواتره است و در فرازی از بشارت مورد بحث آمده است، گرچه حقیقت و واقعیت آن به نظر ما روشن است و نیاز چندانی به توضیح

ص: ۲۸۷

۱- ۴۷۲. عقد الدرر، ص ۱۵۶.

۲- ۴۷۳. بشاره الاسلام، ص ۱۸۳ و منتخب الاثر، ص ۱۶۳، ح ۶۶.

۳- ۴۷۴. منتخب الاثر، ص ۴۴۹، ح ۱۲.

۴- ۴۷۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۹، باب ۷۸ و ص ۱۶۴، باب ۹۴، منتخب الاثر، ص ۲۲۰، ح



ندارد. ولی در عین حال، در اینجا به این نکته اشاره می‌کنیم که بر اساس روایات مسلم اسلامی که از شیعه و سنی در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در کتابهای معتبر نقل شده است، «گنجهای نهفته در دل زمین و کوهها و دریاها» اختصاص به حضرت مهدی علیه السلام دارد، و این یکی از امتیازات زمان حکومت حقّه آن یکتا باز مانده حجج الهی است که کسی با او در این امتیاز شریک نیست. به هر حال، در این باره روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است که برای نمونه فزاهایی از آنها را در اینجا می‌آوریم.

۱ - در روایات فراوانی که در مورد روزگار شکوهمند آن یگانه پیشوای دادگر عدالت گستر به ما رسیده چنین آمده است: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم ضمن حدیثی راجع به زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَادَ كَبِدِهَا» (۱)

«زمین به برکت وجود او پاره های جگرش را آشکار می‌سازد».

۲ - در روایت دیگری است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در باره زمان ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«وَتُلْقِي الْأَرْضُ أَفْلَادَ كَبِدِهَا».

«زمین پاره های جگرش را بیرون می‌ریزد».

ابن عباس پرسید: پاره های جگر زمین چیست؟

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«أَمْثَالُ الْأَسْطُوَانَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» (۲)

«ستون هایی از طلا و نقره است».

۳ - در یک حدیث دیگر آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ، يَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرُكِ» (۳)

«گنجها را بیرون می‌آورد و شهرهای شرک را فتح می‌کند».

ص: ۲۸۸

٢-٤٧٧. مستدرک حاکم، ج ٤، ص ٥٥٩.

٣-٤٧٨. ینایع المودّه، ج ٣، ص ٢٩٦، باب ٧٨؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨٠ ح ١٢.



۴ - در یک روایت دیگر است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ»<sup>(۱)</sup>.

«تمام گنجهای عالم برای او آشکار می گردد».

۵ - و در همین زمینه در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«تُظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدَى بَرَكَاتِهَا»<sup>(۲)</sup>.

«زمین تمام گنجینه های خود را آشکار می سازد و برکاتش را بیرون می فرستد».

### ۵ - مهدی علیه السلام از آسمان و زمین خبر می دهد

با توجه به این که حضرت مهدی علیه السلام آخرین حجت خدا و بنیانگزار حکومت واحد جهانی و آخرین امام بر حق از ائمه دوازده گانه ای است که طبق نویدهای صریح قرآن کریم و روایات معتبره اسلامی و نویدهای کتب مقدسه آسمانی در آخر زمان ظاهر می شود و با تمام رژیم های ستمگر به مبارزه بر می خیزد و همه آنها را با اتکا به قدرت خداوندی سرنگون می سازد و سراسر کره خاکی را به یک امت و یک حکومت و یک کشور تبدیل می نماید. شایسته است پیش از آن که در مورد عنوان فوق سخنی به میان آوریم، اندکی در باره مقام امام و امامت توضیح دهیم تا مقام پر ارج حضرت «بقیه الله» علیه السلام بر ما روشن شود، و متوجه شویم که چگونه یک نفر می تواند بر همه جهان مسلط شود و جهانیان را از شر ظلم و ستم برهاند و همه مردمان را در زیر سیطره یک حکومت در آورد.

بر اساس روایات، مقام امامت مقام بسیار والایی است که خداوند آن را به بندگان خاص خود عطا می کند، و آنان را برای رهبری خلق انتخاب می نماید، و آنچه لازمه رهبری و پیشوایی است در اختیار آنان قرار می دهد، و آنها را با نیروی الهی خود تأیید می بخشد و به قدرت ناپیدا کرانه خود یاریشان می فرماید، و دین خود را به وسیله آنها تکمیل می نماید.

بنابراین، امامت، مقام انبیا و پیامبران و میراث اولیا و اوصیا است، و امام امین خدا در روی زمین، حجت خدا در بین مردم، خلیفه خدا در پهنه گیتی و حافظ و نگهبان دین و

ص: ۲۸۹

۱- ۴۷۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶.

۲- ۴۸۰. ارشاد مفید، ص ۳۶۴.

شریعت الهی است. و از این رو، دارای شرایط ویژه ای است از آن جمله:

۱ - امام باید معصوم باشد.

۲ - امام باید عادل باشد.

۳ - امام باید برگزیده خدا باشد.

۴ - امام باید اعلم افراد امت باشد.

بنابر این، لازم است امامی که برای تأمین سعادت مادی و معنوی مردم قیام می کند و به عنوان حَجَّه اللّٰه، خلیفه اللّٰه و بقیّه اللّٰه در بین مردم شناخته می شود، دارای شرایط فوق بوده و بر ما سوی اللّٰه احاطه علمی داشته باشد و گذشته و آینده جهان را بداند، و مؤمن و منافق را از هم باز شناسد، و در تدبیر سیاست امور و زمامداری دچار خطا و اشتباه نشود و تحت تأثیر عوامل شخصی قرار نگیرد، که وجود مقدّس «مهدی موعود علیه السلام» و بنیانگذار حکومت واحد جهانی - طبق روایات اسلامی و وعده های صریح قرآن و اظهار نظر همه دانشمندان بزرگ اسلام - دارای همه این ویژگیها می باشد؛ زیرا:

نخست این که، او برگزیده خداوند است.

دوم این که، تمام امکانات جهان هستی به فرمان خدا در اختیار اوست.

سوم این که، علوم اوّلین و آخرین در سینه اوست.

چهارم این که، او وارث همه صفات برجسته پیامبران الهی است.

پنجم این که، برقراری حکومت «اللّٰه» و بر چیده شدن بساط ظلم و ستم و ریشه کن شدن رژیم های کفر و الحاد، منحصرأ به دست با کفایت او تحقّق خواهد یافت.

اینک برای درک موقعیت علمی امام، و مقام پر ارج حضرت صاحب الامر علیه السلام که آخرین حجّت خداوند است به احادیث چندی در این زمینه اشاره می کنیم.

۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«إِنَّا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَعْطَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فَهْمِي وَعِلْمِي وَحِكْمَتِي وَخَلَقَهُمْ مِنْ طِينَتِي» (۱)

«دوازده نفر از اهل بیت من، خداوند علم و فهم و حکمت مرا به آنها عطا

١- ٤٨١. منتخب الاثر، ص ٣٢، ح ٤٨ - كشف الغمّه، ج ٢، ص ٥٠٧.

فرموده، و آنها را از خاک و گل من آفریده است».

۲ - امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«علم مرگ و میرها به ما داده شده، علم تأویل و تنزیل و حل و فصل خصومتها به ما عطا گردیده، علم حوادث و وقایع به ما داده شده و هرگز چیزی از ما پوشیده نمی ماند» (۱).

و در حدیث دیگری می فرماید:

«آسمانها و زمین در نزد امام، همچون کف دست اوست؛ ظاهر و باطن آنها را می فهمد و نیک و بد آنها را می شناسد» (۲).

۳ - امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

«علم و دانش در نزد ما - اهل بیت - است و ما اهل دانش هستیم. تمامی علوم در نزد ما جمع است، و چیزی تا روز قیامت رخ نمی دهد حتی دیه یک خراش مگر این که علمش پیش ماست ...» (۳)

۴ - امام حسین علیه السلام می فرماید:

«سر چشمه علم و دانش نزد ما - اهل بیت - است. آیا دیگران عالم و دانا هستند و ما نادان و جاهلیم؟ چنین چیزی نشدنی است» (۴).

۵ - امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«بین خدا و حجت خدا، حجاب و پرده ای نیست و خداوند، چیزی را از حجت خود پوشیده نمی دارد. ماییم درهای (رحمت) خدا، ماییم صراط مستقیم، ماییم رازداران علم خدا و مترجم وحی خدا و ماییم پایه و اساس توحید و گنجینه اسرار خداوند» (۵).

۶ - امام باقر علیه السلام می فرماید:

«... دیدگان امام به خواب فرو می رود ولی قلبش همیشه بیدار است ... از

ص: ۲۹۱

۱- ۴۸۲. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲- ۴۸۳. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۷۳، ح ۳۸.

۳- ۴۸۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶.

۴- ۴۸۵. کافی، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۲ و بصائر الدرجات، ص ۱۲، ح ۳.



پشت سر همچون پیش رو می بیند، و فرشتگان پیوسته با او سخن می گویند تا زمانی که روزگار او به سر آید» (۱).

و در یک حدیث دیگر می فرماید:

«ما خزانة دار علم خداییم، ما مترجم وحی خداییم، ما حجّت رسای الهی بر تمام موجودات آسمان و مخلوقات روی زمین هستیم» (۲).

و در همین رابطه، در باره علم و دانش حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«علم به کتاب خدا - قرآن - و سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در دل مهدی ما همچون زراعت می روید، پس اگر کسی از شما باقی بماند تا زمانی که آن حضرت را درک کند باید به هنگام سلام دادن به وی بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرَّسَالَةِ» (۳).

۷ - امام صادق علیه السلام می فرماید:

«همه دنیا همانند یک حبه گردو در برابر امام، نمایان می شود و چیزی از آن بر او پوشیده نمی ماند، از هر طرف بخواهد در آن تصرف می کند آنچنان که یکی از شما در سفره ای که در برابرتان گسترده است، از هر طرف بخواهد دست می برد و از آن بهره می گیرد» (۴).

و در حدیث دیگری می فرماید:

«امام هنگامی که در شکم مادر است می شنود ... و چون به امامت می رسد خداوند برای او عمودی از نور برافرازد که به وسیله آن اعمال مردم هر شهری را می بیند» (۵).

و در رابطه با علم حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ، رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلَّ

ص: ۲۹۲

۱- ۴۸۷. کافی، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۸؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۶۸.

۲- ۴۸۸. کافی، ج ۱، ص ۱۹۲.

۳- ۴۸۹. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

۴- ۴۹۰. اختصاص مفید، ص ۲۱۷ - بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۶۷، ح ۱۱.

۵- ۴۹۱. کافی، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۲.

مُنْخَفَضٍ مِّنَ الْأَرْضِ، وَخَفِضَ لَهُ كُلُّ مَرْتَفَعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلِهِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبَيِّنْهَا؟» (۱).

«هنگامی که امور به دست حضرت صاحب الامر علیه السلام برسد، خدای تبارک و تعالی هر زمین پستی را برای او بالا می برد، و هر زمین بلندی را پائین می آورد تا این که همه جهان همانند کف دست او برایش آشکار شود. آیا کدام یک از شما اگر کف دست او تار مویی باشد آن را نمی بیند؟».

پس با توجه به آنچه گذشت، به این نتیجه می رسیم که، آن شخصیت بی نظیر و بی مانندی که از آسمان و زمین خبر می دهد و حجت بر تمام مردم است و بر تمام جهان هستی احاطه علمی دارد، یگانه منجی عالم و تنها بازمانده از حجت های الهی، حضرت مهدی علیه السلام است که چیزی از اسرار عالم بر او پوشیده نیست.

## ۶ - در همه عالم کسی بزرگتر از مهدی علیه السلام به دنیا نیاید

صاحب کتاب «عقد الدرر» در مورد عظمت و بزرگواری حضرت مهدی علیه السلام و مقام و موقعیت آن امام والا مقام، حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«حضرت موسی علیه السلام برای بار اول، به آنچه که به قائم آل محمد علیهم السلام عطا خواهد شد نظر کرد و گفت: پروردگارا! مرا قائم آل محمد علیهم السلام قرار بده.

به آن حضرت گفته شد: قائم علیه السلام از ذریه احمد صلی الله علیه وآله وسلم است.

بار دوم نظر کرد همان عطا را دید و همان دعا را کرد و همان جواب را شنید، برای سومین بار نظر کرد، همان عطا را دید و همان در خواست را نمود و همان جواب را شنید» (۲).

## ج) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «پاتیکل»

در کتاب «پاتیکل» که از کتب مقدسه هندیان می باشد و صاحب این کتاب از اعظم کفره هند است و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است، بشارت ظهور مبارک

ص: ۲۹۳

---

۱- ۴۹۲. بشاره الاسلام، ص ۲۴۳.  
۲- ۴۹۳. عقد الدرر، ص ۲۶ و ۱۶۰، آخر باب اول و باب هشتم؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۷، ح ۳۵؛ غیبت نعمانی، ص ۲۴۰ ح ۳۴، باب ۱۳.

حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:

«چون مدّت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر».

یعنی وصی بزرگتر وی که «پشن» نام دارد. و نام آن صاحب ملک تازه، «راهنما» است، به حق، پادشاه شود، و خلیفه «رام» باشد، و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام».

و دولت او بسیار کشیده شود، و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاد باشد، و آخر دنیا به او تمام شود. و از ساحل دریای محیط و جزایر سرانندیب و قبر بابا آدم علیه السلام و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند، و بت خانه «سومنات» را خراب کند. و «جگرنات» (۱) به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هر جا باشد بشکند» (۲).

از آنجا که در این بشارت، الفاظ و تعبیری به کار رفته است که امکان دارد برای بعضی از خوانندگان نا مفهوم باشد بعضی از آنها را جهت روشن تر شدن مطلب توضیح می دهیم:

۱ - مقصود از «ناموس آخر الزمان»، ناموس اعظم الهی، پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم است.

۲ - پشن، نام هندی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۳ - صاحب ملک تازه، آخرین حجّت خداوند حضرت ولی عصر علیه السلام است و راهنما، نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام است که بزرگترین نماینده راهنمایان الهی و نام مقدّس وی نیز، هادی و مهدی و قائم به حق است.

۴ - کلمه «رام» به لغت «سانسکریتی» نام اقدس حضرت احدیت (خدا) است.

۵ - این جمله «هر که به او پناه برد، و دین پدران او اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی

ص: ۲۹۴

---

۱- ۴۹۴. جگرنات به لغت سانسکریت نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند.

۲- ۴۹۵. علائم الظهور کرمانی ص ۱۷؛ لمعات شیرازی، ج ۱، ص ۱۸؛ نور الانوار، نور هفتم؛ بشارات عهدین، ص ۲۴۶ به نقل از کتاب زبده المعارف، ذخیره الالباب و تذکره الاولیاء.



باشد» صریح است در این که، حضرت مهدی علیه السلام جهانیان را به دین اجداد بزرگوارش، اسلام، دعوت می کند.

۶ - سومنات - بنا به نوشته علامه دهخدا، در کتاب لغت نامه بت خانه ای بوده است در «گجرات». و گویند: سلطان محمود غزنوی آن را خراب کرد، و «منات» را که از بت های مشهور است و در آن بت خانه بود، شکست. و گویند: این لغت هندوی است که مفزس شده و آن نام بتی بود، و معنی ترکیبی آن «سوم، نات» است: نمونه قمر، زیرا «سوم» به لغت هندوی قمر را گویند، و نات، تعظیم است. برای اطلاع بیشتر به لغت نامه دهخدا، ماده «سومنات» مراجعه فرمایید.

۷ - و اما «جگرنات» به لغت سانسکریتی، نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند.

#### **د) بشارت ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام در کتاب «وشن جوک»**

در کتاب «جوک» که رهبر جوکیان هندو است و او را پیامبر می دانند، در باره بشارت ظهور حضرت «بقیه الله» علیه السلام و رجعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت، چنین آمده است:

«آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند، و عالم را نو گرداند، و هر بدی را سزا دهد، و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند».<sup>(۱)</sup>

دو کلمه «فرخنده» و «خجسته» در عربی به (محمّد و محمود) ترجمه می شود و این هر دو اسم، نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام می باشد، و شاید هم اشاره به «محمّد» و «احمد» باشد؛ زیرا در روایات اسلامی وارد شده است که حضرت مهدی علیه السلام دو نام دارد، یکی مخفی و دیگری ظاهر است، نامی که مخفی است «احمد» و آن که ظاهر است

ص: ۲۹۵

«محمّد» می باشد.

در این زمینه، در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که بر فراز منبر فرمود:

«مردی از دودمان من در آخر الزمان ظهور می کند که رنگش سفید مایل به سرخی - گندم گون - و شکمش کمی چاق و برآمده؛ رانهایش پهن، استخوان شانه هایش درشت، و در پشت وی دو خال است: یکی به رنگ پوست بدنش و دیگری شبیه خال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است. و نیز دو نام دارد: یکی مخفی و دیگری ظاهر، نامی که مخفی است «احمد» و آن که ظاهر است «محمّد» می باشد. چون پرچم خود را به اهتزاز در آورد، شرق و غرب جهان را روشن سازد و دست بر سر مردم گذارد، پس دل مؤمنان از آهن قوی تر گردد، خداوند، نیروی چهل مرد به آنان عطا فرماید، مرده ای نیست که (با ظهور او) شادی به دل و قبرش راه نیابد، ارواح آنها در قبور به دیدار یکدیگر می روند و قیام حضرت قائم علیه السلام را به همدیگر مژده می دهند»<sup>(۱)</sup>.

اما تعیین مدّت دولت مهدی علیه السلام و همچنین تفسیر «کرور» به چهار هزار سال با روایات اسلامی و اصطلاحات ریاضی توافق ندارد؛ زیرا در روایات اسلامی در مورد مدت حکومت حقّه به اختلاف سخن رفته و به طور قطع مدّت حکومت آن حضرت مشخص نیست، و کرور نیز طبق اصطلاحات ریاضی در زمان گذشته عبارت از پانصد هزار است که با تفسیر مذکور موافقت ندارد.

#### ه) بشارت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در کتاب «دید»

در کتاب «دید» که از کتب مقدسه هندیان است بشارت ظهور مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

«پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد، و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد، و به دین خود در آورد، و همه کس را از مؤمن و

ص: ۲۹۶

کافر بشناسد، و هر چه از خدا بخواهد بر آید» (۱).

در برخی از روایات اسلامی، ائمه معصومین علیهم السلام «منصور» را یکی از اسامی مبارک حضرت مهدی علیه السلام خوانده، و آیه شریفه: «وَمَنْ قَاتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (۲) را به آن حضرت تفسیر نموده اند که آن یگانه باز مانده حجج الهی، ولی خون مظلومان و منصور و مؤید من عند الله است.

و در همین رابطه در ضمن حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ، وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ» (۳).

«قائم ما به وسیله رعب (در دل دشمنان) یاری می شود، و با نصرت الهی تأیید می گردد، زمین زیر پایش پیچیده می شود، و گنجهای زمین برای او ظاهر می شود، و دولت او به شرق و غرب عالم می رسد».

ناگفته نماند که مضمون این بشارت و همچنین بشارت های دیگری که در کتب مقدسه اهل ادیان آمده است در بسیاری از روایات اسلامی به صورت گسترده ای وارد شده، و ما در فرصتهای مناسب برخی از آنها را ذکر خواهیم نمود، و آنچه در اینجا آوردیم فقط محض اطلاع است.

#### و) بشارت ظهور حضرت قائم علیه السلام در کتاب «دادتگ»

در کتاب «دادتگ» که از کتب مقدسه برهمنیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت «قائم علیه السلام» چنین آمده است:

«بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخر الزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی دیانتی امینان و حسد حاسدان بر طرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود، و پادشاهان، ظالم و بی رحم شوند، و رعیت بی انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و

ص: ۲۹۷

۱- ۴۹۸. بشارت عهدین، ص ۲۴۵؛ او خواهد آمد، ص ۶۶؛ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸.

۲- ۴۹۹. سوره اسراء، آیه ۳۳، جهت اطلاع بیشتر به کتاب المحجّه ص ۱۲۷ - ۱۲۹ مراجعه فرمایید.

۳- ۵۰۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴؛ بشاره الاسلام، ص ۹۹؛ و منتخب الاثر، ص ۲۹۲.

عالم را کفر و ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید، و جانشین آخر «ممتاطا» (۱) ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا (همه جهان را) و بسیار کسان را بکشد، و خلاق را هدایت کند، و آن در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و [او] غیر از حق و راستی از کسی قبول نکند» (۲).

آنچه در این بشارت و بشارت های قبلی در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام آمده است، اکثر آنها بدون کم و کاست با روایات اسلامی منطبق است، و ممکن است؛ برخی تصوّر کنند که شاید بعضی از مطالب این پیشگویی کمی اغراق آمیز باشد، ولی باید توجه داشت که همه فرازهای این پیشگویی که در ضمن، تعدادی از علایم ظهور را نیز بر شمرده است در بسیاری از روایات اسلامی آمده و حتّی در دو حدیث بسیار مفصّل و طولانی که از رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم و امام صادق علیه السلام در مورد حوادث قبل از ظهور از آن دو بزرگوار نقل شده به تفصیل سخن رفته است که ما به جهت اختصار از نقل آنها صرف نظر می نماییم، و علاقه مندان می توانند به منابعی که در پاورقی آورده ایم، مراجعه فرمایند. (۳)

### ز) بشارت ظهور حضرت حجه الله علیه السلام در کتاب «ریگ ودا»

در کتاب «ریگ ودا» که یکی از کتب مقدّسه هند است، بشارت ظهور حضرت حجه الله علیه السلام چنین آمده است:

«ویشنو، در میان مردم ظاهر می گردد ... او از همه کس قوی تر و نیرومندتر است ... در یک دست «ویشنو» (نجات دهنده) شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید» (۴).

در این بشارت، از ظهور انسانی ممتاز و با عظمت و برخی از نشانه های ظهور وی

ص: ۲۹۸

۱- ۵۰۱. ممتاطا: در زبان هندی به معنی «محمّد» است.

۲- ۵۰۲. علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸ - او خواهد آمد، ص ۸۰.

۳- ۵۰۳. بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۶ از رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم و ج ۵۲، ص ۲۵۴ از امام صادق علیه السلام - کافی، ج ۸، ص ۳۶، ۴۲ - مهدی موعود، ص ۱۰۳۶، ۱۰۴۵ و بسیاری از منابع دیگر از تفسیر و حدیث.

۴- ۵۰۴. او خواهد آمد، ص ۶۵ به نقل از کتاب ریگ ودا، ماندالای ۴ و ۱۶ و ۲۴.

سخن رفته است که در وقت ظهور با شمشیر آتشبار که بسان ستاره دنباله دار است، قیام می کند. و این تعبیر (یعنی: قیام با شمشیر) تعبیر دقیق و لطیفی است که مضمون آن در رابطه با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در احادیث اسلامی نیز آمده است.

زیرا بر اساس نصوص وارد و روایات متواتره اسلامی، ظهور مبارک آن یگانه منجی بشریت و مظهر قدرت خداوندی که برای نجات انسانها از شرک، کفر، بت پرستی، ظلم و بیدادگری، و انحراف از جاده حق و حقیقت قیام خواهد کرد، با شمشیر خواهد بود.

در این زمینه، در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در تفسیر آیه شریفه:

«وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ» (۱)

فرمود:

«الْأَدْنَى الْقَحْطُ وَالْجَدِبُ، وَالْأَكْبَرُ: خُرُوجُ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالسَّيْفِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ» (۲)

«عذاب پست تر، قحطی و خشکسالی است، و عذاب بزرگتر، قیام مهدی علیه السلام در آخر الزمان است».

بنابر این، شکی نیست که منظور از ظهور آن انسان ممتاز در بشارت مذکور، همان وجود مقدس قائم آل محمد علیه السلام است که با شمشیر قیام می کند.

و اما این که چگونه یک فرد می تواند بر سرتاسر گیتی غلبه پیدا کند و تمام کشورها را فتح نماید و همه ملتها را تحت فرمان خود در آورد بدون این که به سلاح روز مجهز بوده و ابزار و آلات جنگی مدرن در اختیار داشته باشد، سؤالی است که پاسخ آن در روایات اسلامی آمده است، و ما در اینجا برای آن که خوانندگان گرامی را در انتظار نگذاریم جهت تقریب اذهان فقط به نکاتی چند در این مورد اشاره می کنیم که پیش از جواب قطعی باید به دقت مورد مطالعه قرار گیرد.

۱ - باید توجه داشت که نبرد حضرت مهدی علیه السلام با کفار و ظلمه و طرفداران ظلم و

ص: ۲۹۹

۱- ۵۰۵. سوره سجده آیه ۲۱.

۲- ۵۰۶. المحججه، ص ۱۷۳.

بی عدالتی، نبرد حق و عقیده است، و کسانی که در هنگام ظهور گرد شمع وجودش جمع می شوند یاران فداکار و از جان گذشته ای هستند که با تمام وجود از روی ایمان و عقیده می جنگند، و با اراده ای آهنین و عقیده ای استوار در راه پیروزی حق پیکار می کنند، و بی باکانه به پیش می روند تا به یکی از دو هدف (یا پیروزی و یا شهادت) نایل گردند.

۲ - در هنگام ظهور در مکه مکرمه پیش از خروج، بیش از ۹۰۰۰ نفر با آن حضرت بیعت می نمایند و حضرتش با لشکری مجهز و مسلح به انواع سلاح های مدرن که بر تمام سلاحهای روز برتری خواهد داشت مکه را به قصد مدینه ترک می کند، و در مدت دو ماه بین مکه، مدینه، بیت المقدس، شام و کوفه را طی می کند، و همه اعراب در برابرش تسلیم می شوند و همه افراد با ایمان زیر پرچم او قرار می گیرند، و همه خاور میانه یک دل و یک جهت صف واحدی را تشکیل می دهند و سپاه نیرومندی به وجود می آورند که تا آن زمان بی سابقه بوده است.

۳ - در آستانه ظهور مبارکش، فتنه ها، شورش ها، جنگها و انقلابهای نظامی در همه جا مردم را خسته می کند، و زمینه برای ظهور یک مصلح الهی کاملاً هموار می شود، و مردمی که در زیر فشار جنگ و خفقان و اختناق و تبعیض و ستم به ستوه آمده اند با دمیدن امید فرج، سیل آسا به سوی آن مصلح الهی می شتابند و دست بیعت به دست با کفایت وی می دهند که برای آنها خیر دنیا و آخرت فراهم آورد، و آنها را از بلاها و تشویش ها و نگرانیها و گرفتاریها نجات دهد، و زور گویان، زورمداران، غارتگران و متجاوزان را با زور شمشیر و قدرت شکست ناپذیر الهی اش به جای خود بنشانند، و محرومان و مستضعفان و ستمدیدگان را از زیر یوغ زورمندان و سیطره جنایتکاران رهایی بخشد.

۴ - آن حضرت برای اثبات حقانیت خود میراثهای همه پیامبران الهی را از عهد یهود، مسیح و اسلام به همراه دارد. این میراثهای گرانبها ربطی به آلات و ابزار جنگی ندارد و دلیل قاطعی بر الهی بودن انقلاب جهانی مهدی علیه السلام است که ناگهان یک انقلاب فکری و عقیدتی در مغز مردم به وجود می آورد و استیلائی معنوی را در بردارد.

۵ - سلاح های مدرن توأم با سلاح ایمان و همراه با تابوت آرامش و تأیید و نصرت

الهی، در برابر بمبهای اتمی و نیدروژنی و نیتروژنی می ایستد، و بر همه سلاح ها فایق می آید. و بدین سان، لشکر حق پیروز و سپاه باطل نابود می گردد، و ستمگران با شمشیر عدالت الهی که در کف با کفایت یداللهی حضرت ولی عصر علیه السلام قرار گرفته به دیار نیستی فرستاده می شوند، و توده های مظلوم و ستم کشیده نفس راحتی می کشند، و پرچم توحید و یکتا پرستی و عدالت و آزادی واقعی در سرتاسر جهان به اهتزاز در می آید، و ریاست و دولت حقه الهیه و زمامداری جهان بشریت، به امر خالق یکتا ویژه آخرین خورشید ولایت و امامت قائم آل محمد حضرت حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام خواهد بود.

آری! طبق روایات وارده از پیشوایان معصوم علیهم السلام قیام آخرین حجّت خداوند با شمشیر است، شمشیر آتش باری که به امر حضرت حق از غلاف به در آمده و در کف با کفایت ولی مطلق حق قرار گرفته و بی مهابا فرق ظلم و بیداد را می شکافد، و طاغوتیان را رهسپار دیار عدم می گرداند، و ستمدیدگان را از سلطه ستم پیشگان رهایی می بخشد، و هیچ کس را هر چند قوی و نیرومند باشد یارای مقابله با آن نیست.

«برای دفع برخی از توهمات که: چگونه در عصر اتم و بمب نیدروژن و ترقّی روز افزون سلاح های اتمی می توان پذیرفت که یک فرد آدمی بتواند جهان را با شمشیر مسخر گرداند؟ باید گفت:

اولاً، استعمال این گونه سلاح هایی که نابود کننده نسل انسانی است و دوست و دشمن از هم نمی شناسد، در خور بزرگترین پرچمدار عدل جهانی که هدفش تنها بر افکندن ستم و ستمکاران است، نمی باشد.

و ثانیاً، چنان قیامی هر چند زمینه مساعد داشته باشد خالی از خرق عادت و نصرت خاصه الهی نیست ...

و ثالثاً، پیشرفت حیرت انگیز و مهیب سلاح های جنگی بالاخره برای یک روزی بشریت را وادار خواهد کرد که برای حفظ خود از نابودی آنی و همگانی، سلاح های اتمی و آتشین را قدغن و بر ترک استعمال آنها اجماع و پیمان عمومی گیرد.

و رابعاً، اکثریت ملل عالم در آن قیام به منظور نجات یافتن از شر و فساد و زندقه جهنمی غیر قابل تحمّل، با آن زمامدار بزرگ هماهنگ خواهند شد، و تنها گروهی اندک

به جنگ و مبارزه علیه آن حضرت خواهند پرداخت، و چنان که عموم مسیحیان جهان به پیروی از حضرت مسیح علیه السلام که به نماز حضرت مهدی علیه السلام اقتدا می کند، با آن حضرت بیعت و موافقت خواهند کرد.

آری! این مطلب مسلم است که [حضرت] مسیح علیه السلام در آن قیام جهانی از همکاران و پیروان حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود، چنان که روایات متواتره اسلام و همچنین آیاتی از انجیل که به نزول [حضرت] مسیح علیه السلام در زمان آخرین بشارت می دهد بر این دعوا گواه است» (۱).

خواننده گرامی! آنچه تا به اینجا گفته شد توضیح فرازی از بشارت کتاب «ریگ ودا» از کتب مقدس هند در مورد قیام منجی بشر حضرت ولی عصر علیه السلام بود که با استفاده از آیات و روایات اسلامی به صورت مختصر بیان گردید.

و آری سایر فرازهای بشارت مزبور، در ضمن روایاتی که در آینده از زبان مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام بازگو خواهیم نمود کم و بیش به تفصیل خواهد آمد، و از این رو، چیزی در اینجا به آن اضافه نمی کنیم و تفسیر آن را به دست روایاتی که بعداً خواهیم آورد، میسپاریم.

### ح) بشارت ظهور آخرین حجّت خدا علیه السلام در کتاب «شاکمونی»:

در کتاب «شاکمونی» که از کتب مقدسه هندیان می باشد و به اعتقاد کفره هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می گویند: وی بر اهل خطا و ختن مبعوث بوده است، بشارت ظهور آخرین حجّت خدا حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان «گشن» بزرگوار تمام شود، و او کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود، و فرشتگان کارکنان او باشند، و جنّ و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط «استوا» است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بحار و ماورای اقلیم هفتم و گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود و

ص: ۳۰۲



دین خدا زنده گردد، و نام او «ایستاده» باشد، و خداشناس باشد» (۱).

«گشن» در لغت هندی نام پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم است که در این بشارت فوق، فرزند برومند وی را به نام «ایستاده» و «خدا شناس» نامیده، چنان که شیعیان او را «قائم علیه السلام» و حضرت مهدی علیه السلام می خوانند.

و اما موضوع سوار شدن آن حضرت بر ابرهای آسمان که در این بشارت آمده است، یکی از بزرگترین امتیازات آن موعود مسعود است که نه تنها در بشارت فوق و مکرراً در بشارت های انجیل از آن سخن رفته است؛ بلکه در روایات متواتره اسلامی نیز به صورت یک امر جدی و خارق العاده مطرح گردیده است.

زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام در مواردی که از ظهور مبارک آن ولی مطلق الهی سخن رانده اند، سیر و حرکت آن مصلح بزرگ جهانی را در ایام ظهور خارق العاده دانسته، و به پیروان خود مژده داده اند که حضرت مهدی علیه السلام با قدرت و جلال در حالی که بر ابرهای آسمان سوار است، ظهور خواهد فرمود.

اینک برای اثبات این مدعا و دلگرمی منتظران ظهور آن یگانه منجی عالم، به چند نمونه از احادیث وارده اشاره می کنیم:

۱ - علامه مجلسی در ضمن حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده که آن حضرت فرمود: خداوند در شب معراج خطاب به من کرد و فرمود: ...

«... وَ لَمَّا طَهَّرْنَا الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْيَادِنَا، وَ لَمَّا مَلَكَتْهُ مَشَارِقُ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبُهَا، وَ لَأَسْبِخَنَّ لَهُ الرِّيحَ، وَ لَأُذَلِّلَنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ، وَ لَأُزِقِّيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ، وَ لَأُنْصِرَنَّهُ بِجَنْدِي، وَ لَأَمِدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي، حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي، وَ يَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي، ثُمَّ لَأُدِيمَنَّ مُلْكَهُ، وَ لَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۲).

«... و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می سازم؛ شرق و غرب جهان را به او تملیک می نمایم؛ بادهای را به تسخیر او در می آورم؛ ابرهای سخت و نا آرام را برای او رام می گردانم، برترین ابزارها را در اختیار او می گذارم، با سپاه خود

ص: ۳۰۳

۱- ۵۰۸. همان، ص ۲۴۲ - علائم الظهور کرمانی، ص ۱۷ - او خواهد آمد ص ۶۵.

۲- ۵۰۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲.

او را یاری نموده و با فرشتگانم او را مدد و تقویت می نمایم، تا دعوت مرا آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد. آنگاه دولت او را پایدار نموده و دوران حکومتش را تا پایان روزگار بین دوستانم جاودانه می سازم».

۲- در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«أما إنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خُيِّرَ السَّحَابَيْنِ، فَاخْتَارَ الدَّلُولَ وَ ذَخَرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّعْبَ.

فَقِيلَ لَهُ: وَ مَا الصَّعْبُ؟

فَقَالَ: مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعِيدٌ وَ صَاعِقَةٌ وَ بَرَقٌ، فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ! أما إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ، وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ» (۱).

«ذوالقرنین میان دو ابر مخیر شد: یکی ابر رام و دیگری ابر نا آرام، و او ابر رام را برای خود برگزید و ابر نا آرام را برای صاحب شما نگه داشت.

گفته شد: ابر نا آرام چیست؟

فرمود: ابری که با رعد و برق و غرّش باشد، که صاحب شما سوار بر آن خواهد شد. آری! صاحب شما سوار ابر می شود، همه اسباب ها و ابزارها را زیر پا می گذارد، اسباب های هفت آسمان و هفت زمین را».

## ۲- بشارات ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «تورات»

### ۲- بشارات ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «تورات»

در کتاب تورات که از کتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آنها است، بشارات زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخر الزمان آمده است که چون مضمون های آن بشارات در قرآن کریم و احادیث قطعی و متواتر اسلامی به صورت گسترده ای وارد شده و نشان می دهد که مسأله «مهدویت» اختصاص به اسلام ندارد، قسمتی از آن بشارات را در اینجا می آوریم، و برخی از نکات

ص: ۳۰۴

آنها را توضیح می دهیم تا موضوع تشکیل حکومت واحد جهانی، و تبدیل همه ادیان و مذاهب مختلف به یک دین و آیین مستقیم، بر همگان روشن شود.

گفتنی است که چون در کتاب «عهد عتیق» (یعنی: تورات و ملحقات آن) همچون کتاب انجیل، از بازگشت و رجعت حضرت عیسی علیه السلام سخن به میان آمده است و این مطلب، رابطه مستقیم با ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد، نگارنده نیز در ضمن بشارات ظهور حضرت مهدی علیه السلام، فزاهایی از «تورات» را آورده است تا دانسته شود که قوم یهود نیز بر اساس آنچه در کتابهای مذهبی خودشان آمده است همچون مسلمانان به «رجعت» و بازگشت حضرت مسیح علیه السلام معتقدند. و در این باره تردید ندارند که بالاخره روزی فرا می رسد که حضرت عیسی روح الله علیه السلام به زمین باز می گردد و برخی از آنها را تنبیه و از برخی دیگر انتقام می گیرد، هر چند که بسیاری از آنان بر اثر آیات و معجزاتی که از حضرت مهدی علیه السلام و عیسی مسیح علیه السلام می بینند ایمان آورده و تسلیم می شوند و در برابر حق خاضع و خاشع می گردند.

اینک به قسمتی از بشاراتی که در «تورات» و ملحقات آن آمده است، توجه فرمایید:

#### **الف) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در «زبور داوود»**

در زبور حضرت داود علیه السلام که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای کتب «عهد عتیق» آمده، نوید هایی در باره ظهور حضرت مهدی علیه السلام به بیان های گوناگون داده شده است و می توان گفت: در هر بخشی از «زبور» اشاره ای به ظهور مبارک آن حضرت، و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید و مستقیم، موجود است.

و جالب توجه این که، مطالبی که قرآن کریم در باره ظهور حضرت مهدی علیه السلام از «زبور» نقل کرده است عیناً در زبور فعلی موجود و از دستبرد تحریف و تفسیر مصون مانده است.

قرآن کریم چنین می فرماید:

ص: ۳۰۵

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۱).

«ما علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نوشتیم که [در آینده] بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

مقصود از «ذکر» در این آیه شریفه، تورات موسی علیه السلام است که زبور داود علیه السلام پیرو شریعت تورات بوده است.

این آیه مبارکه از آینده درخشانی بشارت می دهد که شرّ و فساد به کلی از عالم انسانی رخت بر بسته، و اشرار و ستمکاران نابود گشته اند، و وراثت زمین به افراد پاک و شایسته منتقل گردیده است. زیرا کلمه «وراثت و میراث» در لغت، در مواردی استعمال می شود که شخص و یا گروهی منقرض شوند و مال و مقام و همه هستی آنها به گروهی دیگر به وراثت منتقل شود.

به هر حال، طبق روایات متواتره اسلامی - از طریق شیعه و سنی - این آیه شریفه مربوط به ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام می باشد، و قرآن کریم این مطلب را از زبور حضرت داود علیه السلام نقل می کند، و عین همین عبارت در زبور موجود است. و اینک متن زبور:

«۹- زیرا که شیریان منقطع می شوند. امّا متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. ۱۰- و حال اندک است که شیریر نیست می شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود ۱۱- امّا متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد ۱۲- شیریر بخلاف صادق افکار مذمومه می نماید، و دندانهای خویش را بر او می فشارد ۱۳- خداوند به او متبسم است چون که می بیند که روز او می آید ۱۴- شیریران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آن که مظلوم و مسکین را بیندازند، و کمان های ایشان شکسته خواهد شد ۱۶- کمی صدیق از فراوانی شیریران بسیار بهتر است. ۱۷- چون که بازوهای شیریران شکسته می شود و خداوند صدیقان را تکیه گاه است ۱۸-».

خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود ۱۹- در زمان «بلا» خجل نخواهند شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود ۲۰- لکن شیریران هلاک

ص: ۳۰۶

خواهند شد، و دشمنان خداوند، مثل پیه بزه ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد؛ ۲۲- زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد ۲۹- صدیقان وارث زمین شده، ابدأ در آن ساکن خواهند شد ۳۴- به خداوند پناه برده، راهش را نگاهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید ۳۸- اما عاصیان، عاقبت مستأصل، و عاقبت شریران منقطع خواهند شد» (۱).

در فصل دیگر می فرماید:

«... قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هر چه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد. و قومها را به امانت خود» (۲).

و از جمله در مزمور ۷۲ در مورد پیامبر بزرگوار اسلام و فرزند داد گسترش حضرت مهدی علیه السلام، چنین می فرماید:

«۱- ای خدا! شرع و احکام خود را به «ملک»، و عدالت خود را به «ملک زاده» عطا فرما ۲- تا این که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به انصاف حکم نماید ۳- به قوم کوهها سلامت و کویرها عدالت برساند ۴- فقیران قوم را حکم نماید، و پسران مسکینان را نجات دهد، و ظالم را بشکند ۵- تا باقی ماندن ماه و آفتاب دور به دور از تو بترسند ۶- بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطار - که زمین را سیراب می گرداند - خواهد بارید ۷-».

و در روزهایش صدیقان شکوفه خواهد نمود، و زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه خواهد بود ۸- از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهد نمود ۹- صحرا نشینان در حضورش خم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند بوسید ۱۰- ملوک طریش و جزیره ها، هدیه ها خواهند آورد، و پادشاهان شبا و سبا پیش کشها تقریب خواهند نمود ۱۱- بلکه تمامی ملوک با او کرنش خواهند نمود، و تمامی امم او را

ص: ۳۰۷

۱- ۵۱۲. عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۹ - ۳۸.

۲- ۵۱۳. همان، مزمور ۹۶، بندهای ۱۰ - ۱۳، ص ۱۲۴۷، کتاب مقدس.

بندگی خواهند کرد ۱۲- زیرا فقیر را وقتی که فریاد می کند و مسکین که نصرت کننده ندارد، خلاصی خواهد داد ۱۳- و به دلیل و محتاج ترخم خواهد فرمود و جانهای مسکینان را نجات خواهد داد ۱۴- جان ایشان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد، و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود ۱۵- و زنده مانده از شبا به او بخشیده خواهد شد ۱۶- در زمین به سر کوهها مشت غله کاشته می شود که محصول آن مثل اسنان متحرک شده، اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه خواهند نمود ۱۷-.

اسم او ابدأ بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت ۱۹- بلکه اسم ذوالجلال او ابدأ مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود ۲۰- دعای داوود پسر یسی تمام شد. (۱)

توضیح مختصری پیرامون بشارت فوق:

در این بشارت - چنان که بر ارباب فضل و دانش و اهل علم و اطلاع و کسانی که با قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام سر و کار دارند، مخفی نیست پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم به عنوان «ملک» و فرزند گرامش حضرت مهدی علیه السلام که بزرگ ترین و کامل ترین مظهر عدل الهی است به عنوان «ملک زاده» معرفی گردیده، و به بعضی از امتیازات و مشخصات دیگر وی نیز اشاره شده است.

ولی برخی از علما و دانشمندان «یهود» چنین پنداشته اند که: منظور از «ملک» در این آیه، حضرت داود علیه السلام، و منظور از «ملک زاده» فرزند وی حضرت سلیمان علیه السلام است، و روی این پندار نا درست خواسته اند آیات مذکور را از بشارت دادن به بعثت حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله وسلم و نوید ظهور خاتم اوصیا حضرت حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام منصرف کنند، ولی این اندیشه از چند جهت نادرست و غیر قابل قبول است، زیرا:

نخست این که، حضرت داود علیه السلام از انبیای پیرو شریعت تورات بوده و خود او دارای شریعت و احکام نوینی نبوده است تا این که بگوید: «ای خدا! شرع و احکام خود را به «ملک» و عدالت خود را به «ملک زاده» عطا فرما»، و روی این اصل در خواست شریعت مستقل نوین در خور مقام آن حضرت نیست.

ص: ۳۰۸

---

۱- ۵۱۴. عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۷۲، بندهای ۱ - ۲، به نقل از بشارات عهدین، ص ۲۴۸ و أنیس الاعلام، ج ۵، ص ۹۲، ۹۳.

دوم: این که، در خواست شرع و احکام و عدالت که به صورت دعا بر زبان حضرت داوود علیه السلام جاری شده - چنان که از نحوه در خواست آشکار است - برای دو شخصیت عظیم آسمانی است که یکی دارای مقام سلطنت بر پیامبران و صاحب شرع و احکام جدید، و دیگری مظهر اتم عدالت، و صاحب مقام ولایت مطلقه، و مورد انتظار عموم ملل جهان است.

سوم: این که، عظمت، قدرت، شوکت و سلطنتی که در آیات مزبور برای «ملک زاده» ذکر گردیده است نه با حضرت سلیمان علیه السلام و نه با هیچ یک از انبیای الهی وفق نمی دهد؛ زیرا نه مملکت حضرت سلیمان علیه السلام از مملکت پدرش حضرت داوود علیه السلام - بنابر اعتقاد اهل کتاب - وسیع تر بوده، و نه هم ظلم و ستم در عهد او شکسته شده است.

چهارم: این که، بر حسب آنچه برخی از علمای عهدین - عهد عتیق و عهد جدید تورات و انجیل - احتمال داده و به وجوهی استدلال جسته اند، مزبور فوق کلام حضرت سلیمان علیه السلام است نه کلام حضرت داوود علیه السلام، و حضرت سلیمان علیه السلام که پس از مرگ پدر، صاحب مقام و کتاب گردیده است معقول نیست برای پدرش که از دنیا رفته است درخواست شرع جدید کند. و بر فرض این که بر خلاف احتمال آنان، مزبور فوق کلام حضرت داوود علیه السلام باشد - چنان که اشاره کردیم - دعا برای دو شخصیت والایی است که در آینده تاریخ بعد از او ظاهر خواهند شد.

پنجم: چنان که از آیه ۲۰- استفاده می شود تمامی آیات یاد شده به عنوان دعا بر زبان حضرت داوود علیه السلام جاری شده و شایسته مقام نبوت - که بالاترین مدارج کمال و عبودیت و بندگی است - این است که، در مقام دعا و استدعای از پروردگار، در کمال خضوع و خشوع و انکسار در برابر آفریدگار، زبان به تذلل و کوچکی بگشاید، و با زبان عجز و لابه و عاری از هر نوع خود بینی و خود پسندی مقاصد خویش را از خدای جهان بخواهد، نه این که در برابر سلطان واقعی و مالک الملوک جهان خود را «پادشاه» و فرزند خود را «شاهزاده» بخواند.

ششم: این که، در چند آیه از بشارت مزبور، سلطنت و دعوت «ملک زاده» را عمومی و جهانی خوانده، و قدرت و جبروت روحانی وی را شامل پادشاهان و قدرتمندان و سلاطین مقتدر جهان دانسته، و سراسر کره مسکون را قلمرو دولت حقّه

وی معرفی نموده، چنان که در اخبار وارده از ائمه معصومین علیهم السلام نیز در حق شخصیت بی نظیر حضرت مهدی علیه السلام، چنین سخن رفته است.

هفتم: این که، در آیه ۷- به اصحاب خاص آن حضرت اشاره نموده که با ظهور نور پر فروغ مهدوی علیه السلام آن خورشید جهانتاب عدل الهی، صدیقان شکوفه کنند، و رحم اجتماع بزرگ جهانی، مردانی پاک سیرت، راست گفتار و درست کردار از خود نمایان سازد، و سعادت و سلامت، رفاه و خوشبختی، بهروزی و بهزیستی که مولود تسلط آن یگانه منجی عالم و دولت عدالت پیشه آن حضرت است تا انقراض جهان پایدار خواهد بود، چنان که در روایات اسلامی نیز آمده است: «دولتنا آخر الدول».

و هشتم: این که، در آیه (۱۷ و ۱۸) خاطر نشان ساخته است که تا جهان باقی است و خورشید در آسمان نور افشانی می کند، اشعه خورشید فروزان قائم آل محمد علیهم السلام بر روح و جان جهانیان خواهد تابید، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت، و تمامی روی زمین از جلال و عظمتش پر خواهد شد (۱)، چنان که در روایات مستفیضه و متواتره اسلامی که در مورد ظهور آن مهر تابان رسیده است، کمتر حدیثی یافت می شود که در ضمن آن جمله «يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» نیامده باشد. (۲)

بنابر این، جای هیچ گونه شک و تردید نیست که مقصود از «ملک» در مزمور ۷۲ از زبور داوود علیه السلام همان نور قدوسی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم سید رسولان و خاتم پیغمبران، و مقصود از «ملک زاده» حضرت صاحب الزمان «مهدی موعود علیه السلام» دوازدهمین جانشین بر حق و فرزند دلبد آن بزرگوار است که به خواست خداوند در روز معین و موعود، ظهور خواهد نمود، و سراسر روی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آن که پر از ظلم و جور شده باشد، و گردن گردنکشان و گردن فرازان را خواهد شکست، و چون مهر و ماه بر روح و جان جهانیان خواهد تابید، و حکومت حقه الهیه وی تا ابد و تا قیام قیامت ادامه خواهد داشت. اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه.

ناگفته نماند که نویدهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در «زبور» فراوان است، و در

ص: ۳۱۰

---

۱- ۵۱۵. برای توضیح بیشتر به کتاب انیس الاعلام فی نصره الاسلام، ج ۵، ص ۹۲ الی ۹۶ و ج ۷ ص ۳۸۷ الی ۳۹۸ مراجعه فرمایید.

۲- ۵۱۶. به کتاب نفیس منتخب الاثر، ص ۲۴۷ - ۲۵۰ مراجعه فرمایید.



بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰-گانه، نوید ظهور آن موعود اُمم و منجی عالم موجود است، کسانی که طالب تفصیل بیشتری هستند می توانند به متن «مزامیر» در «عهد عتیق» مراجعه فرمایند.

### **(ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «اشعیای نبی»**

در کتاب «اشعیای نبی» که یکی از پیامبران پیرو تورات است، بشارت فراوانی در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام آمده است که جهت استدلال به کتاب مزبور، نخست فرازی از آن بشارت ها را نقل نموده، و برخی از نکات آن را توضیح می دهیم تا معلوم شود که مسلمانان در باره عقیده به ظهور یک مصلح جهانی تنها نیستند، بلکه همه اهل کتاب در این عقیده با مسلمانان اشتراک نظر دارند.

در فرازی از بشارت کتاب اشعیای چنین آمده است:

«و نهالی از تنه «یسی» (۱) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد نمود و بر وفق سمع گوشهای خویش، تنبیه نخواهد نمود؛ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود ... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت.

و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد، و طفل شیر خوره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد، و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت، و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از

ص: ۳۱۱

---

۱- ۵۱۷. یسی به معنای قوی، پدر حضرت داود و نوه «راعوت» است، و به طوری مشهور بود که داود را پسر «یسی» می نامیدند، در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیغمبران بزرگ «بنی اسرائیل» بوده است. (قاموس کتاب مقدس). و اما «راعوت» زنی است از «مؤاب» که سرزمینی است در شرق دریای لوط، که با «یوغی» وصلت کرد و از او صاحب فرزندی بنام عوید - عوید - شد که جدّ حضرت داود علیه السلام باشد. (لغت نامه دهخدا، حرف راء، ص ۸۶).

معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند» (۱).

منظور از «نهالی که از تنه یسعی خواهد روید» ممکن است یکی از چهار نفر از شخصیت های بزرگ روحانی و رهبران عالی قدر بشر، حضرت داود، حضرت سلیمان، حضرت عیسی و حضرت حجت بن الحسن العسکری علیهم السلام باشند؛ ولی دقت و بررسی کامل آیات فوق نشان می دهد که منظور از این نهال، هیچ یک از آن پیامبران نیست؛ بلکه همه آن بشارت ها ویژه قائم آل محمد علیهم السلام است؛ زیرا حضرت داود و سلیمان علیهما السلام فرزندان پسری یسعی، و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام نواده دختری وی، و قائم آل محمد علیه السلام نیز از جانب مادرش جناب نرجس خاتون - که دختر یسوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی علیه السلام بوده، و نسب شریفش به شمعون صفا، وصی حضرت عیسی علیه السلام می رسد - نواده دختری «یسعی» می باشد.

در فرازی از این بشارت چنین آمده است: «موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خود تنبیه نخواهد نمود» و این جمله، اشاره به حاکمیت مطلق و حکومت عادلانه آن حضرت دارد که وی بر اساس حق و واقع، حکم می کند و نیازی به شاهد و بینه ندارد و از کسی گواهی نمی طلبد چنان که در روایات اسلامی آمده است که: «یحکم بحکم داود و محمد صلی الله علیه وآله وسلم» یعنی به حکم حضرت داود و دستور پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم حکم می کند و با علم و دانش خدادادی خویش داوری می نماید.

و در فراز دیگری از آن بشارت آمده است که، در زمان حکومت حق و دوران حکومت عدالت پیشه او «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید ... و گوساله و شیر پرواری با هم، و ... ضرر و فساد نخواهند کرد»، این جمله نشان می دهد که در زمان ظهور مبارک آن موعود آسمانی، عدل و داد آن چنان گسترش می یابد که جانوران و درندگان با هم سازش می کنند و در کنار یکدیگر قرار می گیرند و خوی بهیمنیت و درندگی را از دست می دهند، و زیان و ضرر به هیچ یک از موجودات نمی رسانند چنان که در اخبار و احادیث آمده است:

ص: ۳۱۲

«وَتَضَطَّلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعَ، وَاضْطَلَحَتِ السَّبَاعَ، وَتَأْمَنُ الْبِهَائِمُ» (۱).

و در آخرین فراز از بشارت مزبور آمده است: «جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند»، این مطلب نشانگر این واقعیت است که در عهد با سعادت آن موعود آسمانی چنان تحوّل عظیم علمی و فرهنگی به وجود می آید که همه مردمان به خدای یگانه ایمان می آورند. درهای رشته های گوناگون علوم و دانش به روی انسانها گشوده می شود، سطح معلومات بشری بالا می رود، راهی را که بشریت در طول تاریخ در هزاران سال پیش به دنبال آن بوده در زمان کوتاه می پیماید، عقل ها کامل و اندیشه ها شکوفا می گردد، و کوه بینی ها و تنگ نظری ها از بین می رود، و انسانها به کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی و انسانی می رسند و به تمام ناکامی ها، شکست ها، ستمها، نادانی ها و بدبختی ها پایان می دهند، و زندگی شرافتمندانه تازه ای را آغاز می نمایند. چنان که در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ» (۲).

«هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می گذارد و خردهای آنها را گرد می آورد و اخلاقشان را کامل می گرداند، و به وسیله او به رشد و کمال می رسند».

و در ضمن حدیث دیگری از آن بزرگوار نقل شده که فرمود:

«... وَ تُوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضَى فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ» (۳).

«در زمان او آن قدر به شما دانش و فرهنگ داده می شود که زن خانه دار در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داوری می کند» (۴).

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۳۱۳

۱- ۵۱۹. بشاره الاسلام، ص ۱۹۷، ۲۴۷، منتخب الاثر، ص ۴۷۴، مستدرک حاکم، ج ۴ ص ۵۱۴ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶.

۲- ۵۲۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۱، منتخب الاثر، ص ۴۸۳ و روضه کافی.

۳- ۵۲۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۶؛ غیبت نعمانی، ص ۲۳۹، ح ۳۰؛ بشاره الاسلام، ص ۲۴۲.

۴- ۵۲۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۶ - غیبت نعمانی، ص ۲۳۹، ح ۳۰ - بشاره الاسلام، ص ۲۴۲.

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِسِّيَعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ، وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ».

«هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند آنچه‌ان گوشها و چشمهای شیعیان ما را تقویت می کند که میان آنها و حضرت قائم علیه السلام واسطه ای (۱) نخواهد بود، او با آنها سخن می گوید و آنان سخن او را می شنوند و او را می بینند، در حالی که او در مکان خودش می باشد [و آنها در نقاط دیگر]» (۲).

و در حدیث دیگری آمده است که فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ».

«در زمان حضرت قائم علیه السلام یک انسان مؤمن در حالی که در مشرق است برادر - دینی - خود را که در مغرب است می بیند، همچنین کسی که در غرب عالم است برادرش را که در شرق زمین است، می بیند» (۳).

و در یک حدیث دیگر آمده است که فرمود:

«الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حُرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسَ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا، فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْنِيَهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا».

«علم و دانش ۲۷ حرف [شاخه] است؛ تمام آنچه پیامبران برای مردم آوردند و آشکار ساختند تنها دو حرف بیش نبوده است و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته اند. ولی هنگامی که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر را نیز آشکار ساخته و آنها را در بین مردم منتشر می سازد و آن دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می کند تا ۲۷ حرف علم کامل شود» (۴).

ص: ۳۱۴

۱- ۵۲۳. در متن عربی حدیث کلمه «برید» آمده، که شامل پست، تلگراف، تلفن، تلویزیون و امثال آنها می شود.

۲- ۵۲۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۲ - کافی، ج ۸، ص ۲۴۱ - منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

۳- ۵۲۵. منتخب الاثر، ص ۴۸۳، ح ۳ - حق الیقین شبر، ص ۲۲۹ ج ۱.

۴- ۵۲۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۳، الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۰۷.

و در یک حدیث جالب دیگر که از آن حضرت در مورد فرمان روایی فرمانروایان حضرت حجّت بن الحسن علیه السلام وارد شده، چنین آمده است:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ، فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا، يَقُولُ: عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ، فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَأَنْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا».

«هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند برای هر کشوری از کشورهای جهان فرمانروایی می فرستد و [به او] می گوید: دستور العمل تو در کف دست تو می باشد(۱)، هر گاه حادثه ای برای تو روی دهد که حکم آن را نفهمی و ندانی چگونه در مورد آن داوری کنی، به کف دست نگاه کن و به آنچه در آنست عمل کن».(۲)

ما معنای واقعی این حدیث را درک نمی کنیم، و نمی دانیم که حکم رویدادها چگونه ممکن است در کف دست آنها منعکس شود. آیا گاهی از رویدادها از طریق معجزه صورت می گیرد که در کف دست آنها نوشته می شود یا کتابی در دستشان خواهد بود که حکم هر حادثه ای در آن خواهد بود، و یا وسیله مجهزی همچون دستگاه بی سیم یا مدرن تر و نیرومندتر و ظریفتر از آن در اختیار آنها قرار خواهد داشت که بدان وسیله با حجّت خدا تماس خواهند گرفت؟

ولی به هر حال، این حدیث نشانگر این واقعیت است که در آن عصر درخشان، علم و دانش ترقی فوق العاده ای خواهد داشت که برای ما قابل درک و فهم نیست.

علاوه بر این، از این روایات چند مطلب استفاده می شود که مختصراً آنها را توضیح می دهیم:

الف: هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند و حکومت واحد جهانی را تشکیل دهد و رهبری مردم را به عهده بگیرد، مردم از پرتو وجود آن مصلح جهانی تکامل عقلی و علمی پیدا می کنند. شرک و کفر و الحاد و نفاق از میان برچسبیده می شود، فساد اخلاقی و بی بند و باری ریشه کن می گردد، عدالت اجتماعی شامل همه طبقات مردم می شود، همه مردمان خود را با اخلاق حمیده اسلامی می آریند، فرهنگ و معارف اسلامی به

ص: ۳۱۵

۱- ۵۲۷. در بعضی از نسخه ها در هر دو مورد روایت که کلمه (کف دست) آمده، کلمه «کتف» نوشته شده است.

۲- ۵۲۸. غیبت نعمانی، ص ۳۱۹، باب ۲۱، ح ۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵، ح ۱۴۴.

نحو شایسته ای در بین مردم رواج پیدا می کند، و دین اسلام و کلمه توحید در همه جا حکم فرما می شود.

ب: وسایل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی به اندازه ای قوی و نیرومند و پیشرفته خواهد بود که چیزی بنام اداره پست، تلگراف و تلفن و امثال آنها وجود نخواهد داشت و همه مردم در هر جا که باشند و در هر شهری که زندگی کنند وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام را مشاهده خواهند کرد و صدای ملکوتی او را خواهند شنید. با او در ارتباط خواهند بود و تعالیم دینی و اسلامی را بدون واسطه از او دریافت خواهند نمود.

ج: ارتباط مستقیم نه تنها در سطح دولت، بلکه در سطح عموم، بین همه مردم جهان عملی خواهد شد، و همه مؤمنان در هر کجا که باشند با یکدیگر ارتباط مستقیم خواهند داشت، و این ارتباط شاید با دستگاهی که کاملتر از تلفن های تلویزیونی باشد صورت خواهد گرفت که طرفین در هر کجای دنیا باشند همدیگر را ببینند و صدای یکدیگر را بشنوند.

بنابر این، با توجه به آنچه گذشت به این نتیجه می رسیم که منظور از:

«نهالی از تنه یسعی خواهد روئید»، همان مهدی موعود علیه السلام است که نه تنها بر سراسر کره زمین و ربع مسکون، بلکه بر سرتاسر جهان هستی حکومت خواهد کرد، و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود، و بشر را به بالاترین مدارج کمال خواهد رساند.

بشارت دیگری از کتاب اشعیای نبی:

در بشارت دیگری نیز در کتاب «اشعیاء» در مورد ظهور قائم آل محمد علیه السلام چنین آمده است:

«و در ایام آخر واقع خواهد شد ... جمیع اُمّتها به سوی آن روان خواهند شد ... او امّتها را داوری خواهد نمود، و قوم های بسیاری را تنبیه خواهد کرد ... اُمّتی بر اُمّتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت».<sup>(۱)</sup>

آنچه از این بشارت فهمیده می شود این است که پس از قیام شکوهمند مهدی موعود علیه السلام جمیع اُمّتها به سوی او روی خواهند آورد. و او همه مردم جهان را از هر رنگ و نژادی که باشند و هر دین و مذهبی که داشته باشند در زیر یک پرچم که دین اسلام و توحید

ص: ۳۱۶

باشد گرد خواهد آورد، و گروه بسیاری را تنبیه خواهد نمود، و در پرتو اجرای عدالتش، و در میان مردم به قضاوت داودی داوری خواهد نمود، و بر اساس حق و واقع قضایا را حل و فصل خواهد کرد، که سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت دیگر اُمّتی بر اُمّتی شمشیر نخواهد کشید، و بار دیگر جنگ و خونریزی و ناامنی بر جهان حکمفرما نخواهد بود، و همه مردمان در صلح، صفا، صمیمیت و آسایش و آرامش در کنار هم زندگی خواهند نمود.

بنابر این، آنچه در فرازهای بشارت مزبور آمده، همگی از آمدن انسان فوق العاده ممتاز و با عظمت خبر می دهد که بر همه جهان سیطره پیدا می کند، و دنیا را پر از عدل و داد می نماید به گونه ای که کسی حتّی جرأت تجاوز و تعدّی به دیگری را در خود نمی بیند، زیرا بیم آن را دارد که اگر مرتکب خلافی گردد ممکن است علیه او گزارش شود و در چنگال عدالت گرفتار آید، چنان که در حدیثی از رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است که فرمود:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَكَلَّمَ السَّبَّاعُ الْإِنْسَانَ، وَ حَتَّى تَكَلَّمَ عَذْبُهُ سَوِطِهِ وَ شَرِكُ نَعْلِهِ وَ تُخْبِرُهُ بِمَا أُحْدِثَ أَهْلُهُ مِنْ بَعْدِهِ».

«رستاخیز برپا نمی شود مگر این که درندگان با انسان سخن بگویند، و تازیانه و بند کفش او با وی تکلم نماید و به آنچه خانواده اش بعد از خروج او از منزل انجام داده اند وی را با خبر سازند».<sup>(۱)</sup>

### چند بشارت دیگر از کتاب اشعیا

### چند بشارت دیگر از کتاب اشعیا

بشارت فراوانی که در باره منجی عالم در کتاب اشعیای نبی وارد شده به قسمت عمده ای از برنامه های آن مصلح جهانی اشاره دارد که برخی از آنها را می آوریم:

۱ - تأمین عدالت اجتماعی و امتیّت عمومی

۲ - تأمین رفاه همگانی و آباد ساختن جهان

### ۱ - تأمین عدالت اجتماعی و امتیّت عمومی

در فرازی از بشارت های کتاب اشعیا آمده که در زمان آن حضرت، عدالت اجتماعی برقرار خواهد گردید و امتیّت عمومی به وجود خواهد آمد به گونه ای که مردم در صلح و

ص: ۳۱۷

صفا و صمیمیت زندگی کنند و بهایم با هم سازش نمایند و در کنار هم با آسودگی بیاسایند:

«آنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد، و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید. و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابد الآباد. و قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزلهای آرامی ساکن خواهند شد.»<sup>(۱)</sup>

تردیدی نیست که این بشارت به زمان مهدی موعود علیه السلام اشاره دارد؛ زیرا فقط آن حضرت است که تمام جهان را پر از عدل و داد می کند، و ریشه ظلم و فساد را از بیخ و بن بر می کند، و صفا و صمیمیت را به عالم انسانیّت بر می گرداند.

و اینک برای این که روشن شود تمام فرازهای بشارت مزبور از دولت با سعادت آن یگانه منجی عالم خبر می دهد، به احادیث چندی که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید.

۱ - در احادیث متواتر از طریق شیعه و سنّی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده که در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

«فِيْمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.»<sup>(۲)</sup>

«زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که پر از ظلم و ستم شده است.»

۲ - ابو سعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده است که فرمود:

«تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّخْلُ إِلَى يَعْشُوبِهَا يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۳۱۸

۱- ۵۳۱. کتاب مقدّس، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۰۴۶، باب ۳۲، بندهای ۱۶ - ۱۸

۲- ۵۳۲. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۶۵ - عقد الدرر، ص ۲۱۹، باب ۸ - البیان کنجی شافعی، باب ۱، ص ۹۳، و بسیاری دیگر از منابع معتبر اهل سنّت. جهت آگاهی بیشتر به کتاب المهدی الموعود المنتظر عند علماء أهل السنّه والإمامیه، باب ۱، ص ۱۸، ح ۱۵. و کتاب نفیس منتخب الاثر، ص ۲۴۷، فصل ۲، باب ۲۵ مراجعه فرمایید.

۳- ۵۳۳. الملاحم و الفتن، ص ۱۴۷، باب ۱۴۹؛ منتخب الاثر، فصل ۷، ص ۴۷۸، باب ۷، ح ۲؛ البرهان متقی، باب ۱، ص ۷۸، ح



«أُمَّتِ اسْلَامِي بِه سَوِي اَوْ پِنَاه مِي بَرِنْد، اَنچِنَان كِه زَنبُورَان عَسَل بِه سَوِي مَلَكِه خُود پِنَاه مِي بَرِنْد. عَدَالَت رَا دَر سِرَاسِر گِيتِي مِي گِستَرَانْد هَمچِنَان كِه پَر اَز سَتَم شُدِه، تَا جَايِي كِه صَفَا وَ صَمِيمِيَّتِ صَدَرِ اسْلَام رَا بِه اَنهَا بَاز مِي گَرْدَانْد. خَفْتِه اِي رَا بِيهُودِه بِيَدَار نَمِي كِنْد (اَسَايش كَسِي رَا بَر هَم نَمِي زِنْد) وَ خُونِي رَا (بِه نَاحِق) نَمِي رِيَزْد».

۳ - هَمچِنِين اَبُو سَعِيد خَدْرِي اَز رَسُول اَكْرَم صَلِي اللهُ عَلِيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَوَايَت كَرْدِه اسْتِ كِه دَر تَوْصِيْفِ اَن حَضْرَتِ فَرْمُود:

«سَاكِنَان زَمِيْن وَ اَسْمَان بِه اَوْ عَشَق مِي وَرَزِنْد. اَسْمَان بَارَانَش رَا فَرُو مِي فَرَسْتَد، زَمِيْن گِيَاهَان خُود رَا مِي رَوِيَانْد، زِنْدِه هَا اَرَزُو مِي كِنْنْد كِه اِي كَاش نِيَاكَاْن شَان زِنْدِه بُوْدَنْد وَ اَن عَدَالَت وَ اَرَامَش رَا مَشَاهِدِه مِي كَرْدَنْد».<sup>(۱)</sup>

۴ - وَ نِيْز اَبُو سَعِيد خَدْرِي اَز اَن حَضْرَتِ رَوَايَت كَرْدِه اسْتِ كِه فَرْمُود:

«يَخْرُجُ فِي آخِرِ اُمَّتِي الْمُهَيْدِي، يَسْبِقِيْهِ اللهُ الْعَيْثَ، وَ تُخْرَجُ الْاَرْضُ نَبَاتِهَا، وَ يُعْطَى الْمَالَ صِيْحَاحًا، وَ تَكْثُرُ الْمَاشِيَّةُ، وَ تَعْظُمُ الْاُمَّةُ».<sup>(۲)</sup>

«دَر پَايَان رُوزگَارِ اُمَّتِ مَن، مَهْدِي عَلِيْهِ السَّلَام خُرُوج مِي كِنْد. خَدَاوَنْد دَر زَمَانِ اَوْ زَمِيْنِ رَا بَا بَارَانِ رَحْمَتَش سِيْرَاب مِي نَمَايْد وَ زَمِيْنِ گِيَاهَانَش رَا مِي رَوِيَانْد. اَوْ ثَرُوتِ رَا بِه طُورِ مَسَاوِي بِيْنِ مَرْدَمِ تَقْسِيْمِ مِي كِنْد. دَر اَن زَمَانِ چَهَارپَايَانِ دَر جِهَانِ فَرَاوَانِ شُود وَ اُمَّتِ بَسِيَارِ بَزْرُگِ وَ شَكُوْهَمَنْدِ گَرْدَد».

۵ - حَذِيْفَه يِمَانِي اَز اَن حَضْرَتِ رَوَايَتِ نَمُودِه كِه دَر ضَمْنِ حَدِيْثِي فَرْمُود:

«فَيَفْرَحُ بِه اَهْلُ السَّمَاءِ وَ اَهْلُ الْاَرْضِ وَ الطَّيْرِ وَ الْوَحُوشِ وَ الْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ».<sup>(۳)</sup>

«سَاكِنَانِ اَسْمَانِ، مَرْدَمِ رُويِ زَمِيْنِ، پَرَنْدِگَاْنِ هَوَا، دَرَنْدِگَاْنِ صَحْرَا، وَ مَاهِيَانِ دَرِيَا هَمِه وَ هَمِه اَز اَوْ خَشْنُودِ مِي شُونْد».

اَز اِيْنِ رَوَايَاتِ بِه خُوبِي اسْتِفَادِه مِي شُود كِه دَر دَوْلَتِ عَدَالَتِ پِيْشِه حَضْرَتِ

ص: ۳۱۹

۱- ۵۳۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴ - عقد الدرر، باب ۱، ص ۳۸.

۲- ۵۳۵. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۸۸ - منتخب الاثر، فصل ۷، ص ۴۷۳، باب ۴، ح ۱.

۳- ۵۳۶. منتخب الاثر، فصل ۷، ص ۴۷۳، باب ۳، ح ۳؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲.

مهدی علیه السلام همه مردم و موجودات از عدالت آن بزرگمرد الهی بهره مند خواهند شد، و همه انسانها، پرنده ها، چرنده ها و حیوانات اهلی و وحشی همگی در سایه دولت عدالت گستر آن حجت خدا در آسایش و امتیث زندگی خواهند نمود. و از این رو، همه موجودات و مخلوقات خدا از وجود پر خیر و برکت آن موعود آسمانی فرحناک و شادمان و از حکومت عادلانه آن حضرت راضی و خشنود می باشند.

## ۲ - تأمین رفاه همگانی و آباد ساختن جهان

در فراز دیگری از بشارت های کتاب اشعیای نبی آمده که در آن زمان، بساط ظلم و ستم برچیده خواهد شد، و عدالت گسترش خواهد یافت، و فقر اقتصادی از میان خواهد رفت و نیازمندیهای مادی و معنوی مردم تأمین خواهد گردید، و همگان به اخلاق حمیده اسلامی آراسته خواهند شد، و پرده های ظلمت و تاریکی به کنار خواهد رفت، و مردمان در ناز و نعمت زندگی خواهند کرد:

«برگزیدگان من، از عمل دستهای خود تمتع خواهند برد، زحمت بیجا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطراب نخواهند زایید؛ زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریت ایشان با ایشان اند. و قبل از آن که بخوانند من جواب خواهم داد، و پیش از آن که سخن گویند من خواهم شنید. گرگ و بزّه با هم خواهند چرید، و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد، و خوراک مار خاک خواهد بود، خداوند می گوید که در تمامی کوه مقدّس من، ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند کرد»<sup>(۱)</sup>.

در این بشارت نیز از ظهور شخصیت عظیم و بی نظیری خبر می دهد که در زمان حکومت حقّه او، همه تنگی ها و سختیها بر طرف شده و در پرتو اجرای احکام خدا و پیاده شدن حقّ و عدل و قانون، آسمان و زمین، آفرینش نوینی یافته که از آسمان جز خیر و برکت، و از زمین جز نعمت و منفعت دیده نشود، و مردمان همگی در رفاه و آسایش و راحتی زندگی خواهند کرد و فشارها و ناکامی ها و ستم های دوران گذشته را به یاد نخواهند آورد.

بنابراین، جای هیچ گونه شکّ و تردیدی نخواهد بود که آن شخصیت عظیم و بی

ص: ۳۲۰

---

۱- ۵۳۷. کتاب مقدّس، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۰۹۰، باب ۶۵، بندهای ۲۳ - ۲۵.

مانند که یکی از برنامه های الهی او تأمین رفاه همگانی و آباد ساختن جهان انسانی است، همان مهدی موعود علیه السلام خواهد بود که خداوند به برکت وجود او همه جمعیت روی زمین را از آن همه رفاه و نعمت و خوشی برخوردار خواهد ساخت.

در این زمینه روایات بسیار زیادی از وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است که ما در این جا به ذکر حدیثی چند بسنده می نمایم.

۱ - پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْتَعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، يُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ، وَ الْمَالُ يَوْمَئِذٍ كُدُوسٌ، يَقُومُ الرَّجُلُ يَقُولُ: يَا مَهْدِي! أَعْطِنِي، فَيَقُولُ: خذ.» (۱)

«اُمّت من در زمان حضرت مهدی علیه السلام آنچنان از نعمت الهی بهره مند می شوند که هرگز نظیر آن دیده نشده است. آسمان باران رحمتش را سیل آسا بر آنها فرو می ریزد، زمین چیزی از گیاهانش را باقی نمی گذارد جز این که آن را می رویاند. در آن روز ثروت بر روی هم انباشته می شود، هر کسی که بیاید و بگوید: ای مهدی! به من عطا کن، می فرماید: بگیر.»

۲ - رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم در ضمن حدیث دیگری می فرماید:

«ساکنان آسمان و زمین از او راضی و خشنود می شوند، مال را به طور مساوی بین آنها تقسیم می کند، قلوب اُمّت محمد صلی الله علیه وآله وسلم را پر از بی نیازی می نماید، و عدالتش همگان را فرا می گیرد.» (۲)

۳ - امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن خطبه مفصّلی که از آرامش و آسایش انسانها در آن روزگار پر از خیر و برکت سخن گفته در تفسیر آیه شریفه: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (۳) می فرماید:

ص: ۳۲۱

---

۱- ۵۳۸. الفتن، نعیم بن حمّاد، ص ۲۵۳، ح ۹۹۲، عقد الدرر، باب ۷، ص ۱۹۵؛ الملاحم و الفتن، باب ۱۵۳، قسمت ابن حماد، ص ۱۴۹.

۲- ۵۳۹. کنز العمّال، ج ۱۴، ص ۲۶۱؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۴۲۷؛ الملاحم و الفتن، باب ۲۵، قسمت فتن زکریا، ص ۳۲۳؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۵۸.

۳- ۵۴۰. سوره اسراء (بنی اسرائیل)، آیه ۶. «سپس شما را بر علیه آنها غالب می گردانیم و به وسیله اموال و فرزندان شما را یاری می کنیم و شما را از حیث نفرت افزون تر (از دشمن) قرار خواهیم داد.»

«سوگند به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید! در آن زمان، همگی در اوج قدرت و نعمت زندگی می کنند و از دنیا نمی روند جز این که یک هزار پسر برای آنها متولد می شود، و همگی به دور از هرگونه بدعت و انحراف زندگی می کنند، به کتاب خدا عمل می کنند و از سنت رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم پیروی می نمایند، و همه خطرات و نگرانیها از آنها دور می شود»<sup>(۱)</sup>.

۴ - حسن بن محبوب از عمرو بن شمر و او از جابر روایت کرده است که گفت:

مردی خدمت امام باقرعلیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: خداوند شما را به سلامت بدارد! این پانصد درهم را از من بگیر که زکات مال من است.

امام باقرعلیه السلام به او فرمود:

«نزد خودت باشد و به همسایه های مسلمان و درماندگان از برادران مؤمنت بده. آنگاه فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ، قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ، وَعَدَلَ فِي الرِّعْيَةِ، فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ».

«هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند، مال را به طور مساوی تقسیم می کند، و در میان رعیت به عدالت رفتار می نماید، پس هر کس که از او فرمان برداری کند از خدا فرمان برداری کرده و هر کس که او را نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده است».

و همانا مهدی را «مهدی» نامیده اند به خاطر این که او مردمان را به یک امر پوشیده و پنهانی راهنمایی می کند، و «تورات» و دیگر کتب آسمانی را از غاری که در «انطاکیه»<sup>(۲)</sup> است بیرون می آورد و در میان اهل تورات با تورات، و در میان اهل انجیل با انجیل و در میان اهل زبور با زبور، و در میان اهل قرآن با قرآن حکم می کند، و تمام ثروت دنیا از درون و بیرون زمین در دست او قرار

ص: ۳۲۲

---

۱- ۵۴۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۷، ح ۴۸؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳۹.

۲- ۵۴۲. انطاکیه: شهر معروفی است در جنوب ترکیه.

آنگاه اهل عالم را فرا می خواند و به آنها می فرماید: بیاید این همان چیزی است که شما به خاطر آن از خویشاوندان خود میبریدید، و در راه آن خون همدیگر را می ریختید، و حرمت احکام الهی را میشکستید، و آنچه را که خدای تعالی حرام کرده بود، مرتکب میشدید.

پس آن قدر ثروت به آنها عطا می کند که در دنیا سابقه نداشته، و هیچ کس پیش از او چنین ثروتی نبخشیده است، و زمین را پر از عدل و داد و روشنایی می کند چنان که پر از ظلم و جور و شرّ شده بود»<sup>(۱)</sup>.

البته ناگفته نماند که منظور از این که حضرت مهدی علیه السلام در بین اهل کتاب، با تورات و انجیل و زبور حکم می کند، این نیست که بر اساس قوانین این کتابها با اهل آنها داوری می کند؛ زیرا تردیدی نیست که آن حضرت پیرو دین اسلام و شریعت پاک محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و مأمور به اجرای احکام و حدود الهی و احیای سنت نبوی و قرآن کریم است، و تورات و انجیل و زبور فعلی هم خود گواهی می دهند که شریعت نبوی پایان دهنده همه ادیان و شرایع آسمانی است.

بنابر این، معنای حکم کردن آن حضرت بین اهل کتاب با تورات و انجیل و زبور این است که حضرتش به وسیله آن کتابها که از جاهای مخفی بیرون می آورد و این خود یکی از معجزات امام به شمار می رود، بر اساس اخباری که در آن کتابها در رابطه با شریعت پاک محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و خاتمیت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و ظهور مبارک حضرتش آمده است، با آنها احتجاج می کند، و آنان را با دلیل و برهان محکوم می سازد. و از این رو، تعداد بسیاری از آنها اسلام را می پذیرند و ایمان می آورند و به حضرتش می گروند.

البته این در صورتی است که منظور از «حکم»، استدلال و احتجاج باشد. و اما اگر مقصود از آن حکم و فرمان الهی باشد - چنان که در تورات و انجیل فعلی آمده است - معنای دیگری پیدا می کند که در بشارات بعدی به آن اشاره شده، و آن این که ممکن است منظور از آن، قلع و قمع یهود و محاکمه آنها به هنگام نزول حضرت عیسی علیه السلام و

ورود به بیت المقدس و داوری عیسی و مهدی علیهما السلام در باره آنان باشد، چنان که در روایات اسلامی به وضوح در این باره سخن رفته است.

به هر حال، ما در این مورد در جای خود به تفصیل سخن گفته ایم، و در بشارات ظهور حضرت مهدی علیه السلام در انجیل نیز به این معنا اشاره خواهیم کرد. اینک به اصل مطلب باز می گردیم و به روایات دیگری که در زمینه تأمین رفاه همگانی و آبادی جهان در دوران سلطنت حقه حضرت مهدی علیه السلام از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است، می پردازیم.

۵ - عبدالله ابن بکیر از حمران - ابن اعین - و او از حضرت امام باقر علیه السلام در حدیثی نقل کرده است که فرمود:

«گویی با چشم خود می بینم که این آیین شما (دین اسلام) هر روز کنار گذاشته می شود و به دنبال خونخواهی می گردد، آنگاه کسی آن را باز نمی گرداند به جز مردی از خاندان ما، که او هر سال دو بار به شما بخشش می کند و هر ماه دو بار به شما ماهیانه می دهد ...» (۱)

۶ - در روایت دیگری محمد بن مسلم ثقفی گوید: از حضرت امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«قائم ما به وسیله ترس در دل دشمنان یاری می شود، و با تأیید الهی پیروز می گردد، زمین برای او در هم پیچیده می شود، گنجهای نهفته برای او آشکار می گردد، سلطنت او به شرق و غرب جهان می رسد، خداوند به وسیله او دین خود را بر همه ادیان پیروز می گرداند، اگر چه مشرکان دوست نداشته باشند و هیچ خرابه ای در روی زمین باقی نمی ماند جز این که آباد می شود.» (۲)

از این روایت استفاده می شود که در دوران حکومت آن پیشوای دادگستر، زمینه ستم از ریشه می خشکد، و دیگر ستمگر و ستمکاری باقی نمی ماند، و جهان در پرتو عدالت واقعی آن مصلح الهی آباد و آزاد می گردد.

زیرا این همه خرابی که در جهان دیده می شود همه و همه در اثر بی عدالتی ها،

ص: ۳۲۴

---

۱- ۵۴۴. غیبت نعمانی، ص ۲۳۹؛ بشاره الاسلام، باب ۳، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۶.  
۲- ۵۴۵. اعلام الوری، ص ۴۶۳ و در یک چاپ دیگر، ص ۴۳۳؛ منتخب الاثر، فصل ۲، ب ۳۵، ص ۲۹۲؛ بشاره الاسلام، ص ۱۱۷.

ظلمها، زورگویی ها، استعمارگری ها و جنایت های جنایتکاران حرفه ای است، و اگر زمامداران خود سر و قدرت طلب بر رعیت خود و مردم کشورها ستم نکنند جهان آباد و آزاد می گردد و یکسره نور و سرور و شادمانی و گلستان می شود، و دیگر اثری از خرابه ها، ویرانه ها و بیغوله ها دیده نمی شود، اما چه می توان کرد که متأسفانه زر و زور و تزویر در دست ابر جنایتکاران قرار گرفته، و هر چه می خواهند انجام می دهند، و مردم جرأت نفس کشیدن ندارند.

آری! آبادی و آزادی، دو کلمه مقدّسی است که در طول تاریخ بیش از دیگر واژه ها مورد سوء استفاده قرار گرفته، و هر ستمگر و ستم پیشه ای به نام استقرار آزادی و آبادی زمام امور را به دست گرفته و حکومت را قبضه کرده است، ولی وقتی آن مصلح بزرگ الهی آمد و زمام امور را به دست با کفایت خویش گرفت واقعاً آزادی و آبادی را تحقّق خواهد بخشید، و جهان را به نور پروردگار روشن خواهد ساخت، چنان که در دهها حدیث نمونه هایی از این اقدامات اصلاحی بیان شده، و از آن جمله از امام باقر علیه السلام روایت شده است که در ضمن یک حدیث طولانی فرمود:

«وَوَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ، وَكَسَّرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ، وَأَبْطَلَ الْكَنْفَ وَالْمَيَازِبَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ، وَلَا يَثْرُكُ بَدْعَهُ إِلَّا أزالَهَا، وَ لَأَسْنَهُ إِلَّا أَقَامَهَا».(۱)

«راه های اصلی را توسعه می دهد، بالکن هایی که به داخل راهها آمده از بین می برد، ناودان هایی را که به کوچه ها می ریزد برمی دارد، هیچ بدعتی نمی ماند مگر این که آن را از بین می برد، و هیچ سنت نیکی نمی ماند جز این که آن را بر پا می دارد».(۲)

۷ - محمّد بن سنان از عبد الله بن یحیی کاهلی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«تَوَاصَلُوا وَتَبَارَّوْا وَتَرَاخَمُوا، قَوْلَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَّءَ النَّسَمَةَ، لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ

ص: ۳۲۵

---

۱- ۵۴۶. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۵؛ بشاره الاسلام، ص ۳۰۰، به نقل از کتاب غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹، ح ۸۴.

۲- ۵۴۷. ارشاد مفید، ص ۳۶۵ - بشاره الاسلام، ص ۲۵۸ - غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹، ح ۸۴.

وَقْتُ لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَدِرْهَمِهِ مَوْضِعًا» (۱).

«صله رحم به جای آورید و با همدیگر نیکی و مهربانی کنید که سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، روزی فرا خواهد رسید که یک نفر از شما نتواند محلی را پیدا کند که دینار یا درهمی از مال خودش را در آنجا به مصرف برساند».

یعنی در زمان ظهور امام قائم علیه السلام محلی یافت نمی شود که انسان پول خود را به مصرف فقرا و ضعفا برساند، زیرا همه مردم از فضل خدا و ولی خدا بی نیاز می شوند».

و در حدیث دیگری آمده است که فرمود:

«هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند به عدالت رفتار خواهد نمود ... و به حکم حضرت داوود و حضرت محمدصلی الله علیه و آله وسلم در بین مردم داوری خواهد کرد، در آن هنگام زمین گنجینه های خود را آشکار خواهد ساخت و برکات خود را بیرون خواهد فرستاد، در آن زمان انسان برای صدقات و مبرات خود جایی پیدا نمی کند؛ زیرا بی نیازی همه مؤمنان را فرا می گیرد» (۲).

از مجموع این احادیث استفاده می شود که در روزگار شکوهمند حضرت مهدی علیه السلام همگان از نعمتهای بیکران الهی بر خوردار می شوند، و حق هر صاحب حقی به او می رسد، و دیگر جایی برای حسد، کینه و دشمنی باقی نمی ماند و علاوه بر این که مردم بی نیاز می شوند دلهای آنها نیز بی نیاز می شود، و دلهایشان مالا مال از خوی آقایی و بزرگواری می گردد، و سرانجام امتیث و آرامش در تمام پهنه گیتی گسترده می شود، و جهانی آباد و آزاد به وجود می آید، و مردمان همگی در پرتو عدالت بی مانند آن عدالت گستر واقعی در رفاه و آسایش کامل زندگی می کنند، و رحمت بی پایان حضرت احدیت در عهد آن ولی الله الاعظم شامل همه موجودات عالم می شود، و همه جانداران از نعمت بی منتهای الهی بهره مند می گردند، و بدین گونه آزادی ها تأمین و کسی مزاحم

ص: ۳۲۶

- 
- ۱- ۵۴۸. غیبت نعمانی، ص ۱۵۰، باب ۱۰، ح ۸.  
۲- ۵۴۹. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۰؛ منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۴۳، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸ و ۳۳۹.



دیگری نخواهد بود و حتی دژندگان، جوندگان و خزندگان نیز به همدیگر اذیت و آزار نخواهند رسانید.

### ج) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب بوئیل نبی

در کتاب بوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز، چنین آمده است:

«آن گاه جمیع اُمّت ها را جمع کرده به وادی «یهوشافاظ» (۱) فرود خواهیم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش، اسرائیل [را] محاکمه خواهیم نمود، زیرا که ایشان را در میان اُمّت ها پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده اند و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند» (۲).

و در جای دیگر از همین کتاب چنین آمده است:

«ای همه اُمّت‌ها! بشتابید و بیایید و از هر طرف جمع شوید ای خداوند شجاعان! خود را به آنجا فرود آور. اُمّت‌ها بر انگیزته شوند. به «وادی یهوشافاظ» بر آیند؛ زیرا که من در آنجا خواهم نشست تا بر همه اُمّت‌هایی که به اطراف آن هستند داوری نمایم» (۳).

و در همین زمینه در کتاب «عاموس نبی» آمده است که می گوید:

«بنابر این، ای اسرائیل! به این طور با تو عمل خواهم نمود، و چون که به این طور با تو عمل نمود پس ای اسرائیل! خویشتن را مهیا ساز تا با خدای خود ملاقات نمایم» (۴).

این فرازاها - همچنان که ملاحظه می شود - از نزول حضرت عیسی علیه السلام و داوری آن حضرت در «یوم اللّه ظهور» خبر می دهند.

و در همین رابطه، در کتاب «هوشیع نبی» در مورد بازگشت حضرت عیسی علیه السلام

ص: ۳۲۷

---

۱- ۵۵۰. وادی یهوشافاظ، نام صحرائی در نزدیکی بیت المقدّس است که اکنون وادی «قدرون» نامیده می شود. (لغت نامه دهخدا، حرف قاف، قدرون، ص ۱۷۷).

۲- ۵۵۱. کتاب مقدّس، کتاب بوئیل نبی، ص ۱۳۲۷، باب ۳، بندهای ۲ و ۳.

۳- ۵۵۲. کتاب مقدّس، کتاب بوئیل نبی، ص ۱۳۲۸، باب ۳، بندهای ۱۲ و ۱۳.

۴- ۵۵۳. کتاب مقدّس، کتاب عاموس نبی، ص ۱۳۳۳، باب ۴، بندهای ۱۲ و ۱۳.

خطاب به قوم یهود آمده است:

«و من برای افرایم (۱) مثل شیر و برای خاندان یهودا (۲) مانند شیر ژیان خواهم بود. من خودم خواهم درید و رفته خواهم ربود و رهاننده نخواهد بود.»

من روانه شده به مکان خود خواهم برگشت تا ایشان به عصیان خود اعتراف نموده روی مرا بطلبند، در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید» (۳).

نگارنده گوید: از آنجایی که در روایات اسلامی به صورت گسترده ای از نزول حضرت عیسی علیه السلام گفتگو شده است و برخی از آیات قرآنی نیز بر این معنا دلالت دارد و همه طوایف اسلامی اعتقاد قاطع دارند که حضرت عیسی علیه السلام به روی زمین باز می گردد و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می گزارد و حضرتش را تأیید می نماید و در ردیف یکی از معاونان آن حضرت قرار می گیرد ما نیز به پیروی از قرآن و پیشوایان معصوم علیهم السلام، فزاهای مزبور را از کتاب تورات نقل نمودیم، و توضیح آنها نیز پس از نقل بشارات انجیل بر همگان روشن خواهد شد.

#### **د) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «زکریای نبی»**

#### **د) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «زکریای نبی»**

در کتاب زکریای نبی - که یکی از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور آن یگانه منجی عالم چنین آمده است:

«اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میان تقسیم خواهد شد. و جمیع اُمّتها را به ضدّ اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد، و شهر را خواهند گرفت و خانه ها را تاراج خواهند نمود، و زنان را بی عصمت خواهند کرد، و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت، و بقیه قوم از شهر منقطع خواهند شد.»

و خداوند بیرون آمده با آن قومها مقاتله خواهد نمود چنان که در روز جنگ مقاتله نمود، و در آخر آن روز پای های او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است

ص: ۳۲۸

---

۱- ۵۵۴. افرایم: نام پسر دوم حضرت یوسف علیه السلام است.

۲- ۵۵۵. یهودا: نام پسر یعقوب و برادر بزرگ یوسف از مادر دیگر به نام لیا - لایالیا - است، که حضرت داود و ملوک بنی اسرائیل و حضرت عیسی علیه السلام از نسل او می باشند. (لغت نامه دهخدا، حرف یاء، یهودا).

۳- ۵۵۶. تورات، کتاب هوشع نبی، ص ۱۳۱۴، باب ۵، بندهای ۱۴ و ۱۵.

خواهد ایستاد ... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود ... و یهوه (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. و در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد» (۱).

در اینجا لازم است این نکته را توضیح دهیم که در کتب عهدین (یعنی تورات و انجیل) کلمه «خداوند» بیشتر در مورد حضرت عیسی علیه السلام به کار می رود، که در اینجا نیز چنین شده است. و جالب این که در این فراز بشارت که از تورات نقل کردیم، محل فرود آمدن حضرت عیسی و یوم الله بودن آن روز (۲) و جهانی شدن اسلام و سقوط رژیم اشغالگر قدس دقیقاً با روایات اسلامی مطابقت دارد.

البته باید توجه داشت که طبق آیات کریمه قرآن مجید، مضمون این پیشگویی ها یکبار در دوران گذشته در زمان بخت النصر انجام گرفته و یکبار دیگر طبق وعده های صریح قرآن کریم و نویدهای ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام در «یوم الله ظهور»، انجام خواهد گرفت، و نخستین قبله مسلمانان برای همیشه از اشغال یهودیان رهایی خواهد یافت و در تمامی جهان خدای یکتا را پرستش خواهد نمود، و در تمامی نقاط زمین ندای دلنواز وحدت به گوش خواهد رسید.

به هر حال، آنچه در این فراز در مورد سرنوشت یهودیان مغرور آمده است دقیقاً با روایات اسلامی منطبق است؛ زیرا از احادیث چنین استفاده می شود که ملت یهود به علت طغیان و سرکشی و فساد که در زمین ایجاد می کنند سرانجام تار و مار خواهند شد به گونه ای که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند.

اینک برای آن که به سرنوشت شوم و ذلت باری که طبق وعده الهی در انتظار قوم یهود و غده سرطانی اسرائیل غاصب است واقف شویم به برخی از روایاتی که در زمینه طغیان و سرکشی قوم یهود، و هلاکت و نابودی آنها در «بیت المقدس» وارد شده، اشاره می کنیم:

### ۱ - سرنوشت یهودیان مغرور

ابن کثیر دمشقی در کتاب «البدایه و النهایه» در باره درگیری مسلمانان با یهود و

ص: ۳۲۹

۱- ۵۵۷. همان، کتاب زکریای نبی، ص ۱۳۸۲، باب ۱۴، بندهای ۱ - ۱۰.

۲- ۵۵۸. برای آگاهی بیشتر به بخش هشتم، تحت عنوان: «نویدهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در قرآن کریم» از سوره ابراهیم مراجعه فرمایید.

این که این درگیری هر روز شدید و شدیدتر خواهد شد تا جایی که به پیروزی مسلمین و نابودی یهود منجر شود، در حدیثی از پیغمبر اکرم نقل کرده است که فرمود:

«لا تقوم الساعة حتى يقاتل المسلمون اليهود، فيقتلهم المسلمون حتى يختبئ اليهودي من وراء الحجر والشجر فيقول الحجر - أو الشجر -: يا مسلم! يا عبدالله! هذا اليهودي من خلفي، فتعال فاقتله، إلا الغرقد، فإنه شجر اليهود»<sup>(۱)</sup>.

«قیامت بر پا نمی شود تا این که مسلمانان با یهود به مبارزه برخیزند و آنها را بکشند تا جایی که اگر یک نفر یهودی در پشت سنگ یا درختی پنهان شود، آن سنگ یا درخت - به قدرت خدای تعالی به زبان آمده - بگوید: ای مسلمان! ای بنده خدا! این که خود را پنهان کرده است یهودی است، بیا او را به قتل برسان. مگر درخت «غرقد» که درخت یهود است و از معرفی یهودی خودداری می کند».

## ۲ - اخراج یهود از سرزمینهای اسلامی

علاّمه مجلسی - اعلی الله مقامه - در کتاب نفیس «بحار الانوار» در باب رجعت، در این مورد که یهود و نصاری از سرزمینهای اسلامی اخراج خواهند شد در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین نقل کرده است:

«عن عبايه الأسدي قال: سمعت أمير المؤمنين عليه السلام وهو متكئ و أنا قائم عليه: لأبئین بمصر منبراً منيراً، ولأنقضنّ دمشق حجراً حجراً، ولأخرجنّ اليهود والنصارى من كلّ كور العرب، ولأسوقنّ العرب بعصای هذه.

قال: قلت له: يا أمير المؤمنين! كأنك تخبر أنك تحيي بعد ما تموت!

فقال: هيهات يا عبايه! ذهب في غير مذهب، يفعله رجل مني»<sup>(۲)</sup>.

«عبایه اسدی گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام تکیه داده بود و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم، در این هنگام شنیدم که فرمود: من در آینده در مصر منبری روشنی بخش بنیان خواهم نمود، و دمشق را ویران خواهم نمود، و یهود

ص: ۳۳۰

۱- ۵۵۹. البدایه والنهایه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲- ۵۶۰. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۹، ح ۴۷ - معانی الاخبار، ص ۴۰۷.

و نصاری را از سرزمینهای عرب بیرون خواهیم راند، و عرب را با این عصای خود - به طرف حق - سوق خواهیم داد.

عبایه می گوید: من عرض کردم: یا امیر المؤمنین! گویی شما خبر می دهید که بعد از مردن بار دیگر زنده می شوید و این کارها را انجام می دهید!

فرمود: هیئات ای عبایه! مقصود من از این سخنان آن گونه که تو خیال کردی نیست؛ مردی از دودمان من اینها را انجام خواهد داد».

از جمله آخر این حدیث که حضرت فرموده است: «این کارها را مردی از دودمان من انجام خواهد داد»، استفاده می شود که مقصود از او شخص امام قائم و حجّت منتظر علیه السلام است.

بنابر این، همه کارهای مزبور به وسیله وجود مقدّس آن حضرت بعد از ظهور انجام شود، و آن حضرت با قیام مقدس خود، کشور استعمار زده مصر را به یک کشور صد در صد اسلامی تبدیل نماید، و یهود و نصاری را از سرزمینهای اسلامی بیرون براند، و عرب را با تازیانه امیر المؤمنین علیه السلام که از موارث ائمه علیهم السلام می باشد و به دست مبارک آن حضرت می رسد، تأدیب نماید، و آنها را به پذیرش حق وادار سازد.

### ۳ - صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام اسرائیل

نویسنده کتاب «عقائد الامامیه» در مورد قیام یهود در خاور میانه و تشکیل دولتی به نام «اسرائیل» در سرزمین فلسطین، و بالاخره متلاشی شدن حکومت آنان، با شرکت اعراب و مسلمین به کمک یکدیگر، و به ویژه ارتش نیرومندی که از طریق عراق برای سرکوبی یهود عازم فلسطین می شود. در حدیث بسیار جامع و جالبی از امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین نقل کرده است:

«قال أمير المؤمنين عليه السلام: وستأتي اليهود من الغرب لإنشاء دولتهم بفلسطين.

قال النَّاس: يا أبا الحسن! أنى تكون العرب؟

أجاب عليه السلام: أنذاك تكون مفككة القوى، مفككة العرى، غير متكاتفه وغير مترادفه.

ثم سئل عليه السلام: أيطول هذا البلاء؟

قال: لا، حتى إذا أطلقت العرب أعتتها ورجعت إليها عوازم أحلامها، عندئذ

یفتح علی یدهم فلسطین، و تخرج العرب ظافره و موحده، وستاتی النجده من العراق، کتب علی رایاتها القوه، و تشرک العرب والإسلام کافه لتخلص فلسطین، معرکه و ائی معرکه فی جل البحر، تخوض الناس فی الدماء و یمشی الجریح علی القتل.

ثم قال علیه السلام: و ستفعل العرب ثلاثاً، و فی الرابعه یعلم الله ما فی نفوسهم من الثبات و الایمان، فیرفر علی رؤوسهم النصر.

ثم قال: و ایم الله یدبحون ذبح النعاج حتی لا یبقی یهودی فی فلسطین» (۱).

«امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: یهود برای تشکیل دولت خود در فلسطین، از غرب - به منطقه عربی خاور میانه - خواهند آمد.

عرضه داشتند: یا اباالحسن! پس عربها در آن موقع کجا خواهند بود؟

فرمود: در آن زمان عربها نیروهایشان از هم پاشیده و ارتباط آنها از هم گسیخته، و متحد و هماهنگ نیستند.

از آن حضرت سؤال شد: آیا این بلا و گرفتاری طولانی خواهد بود؟

فرمود: نه، تا زمانی که عربها زمام امور خودشان را از نفوذ دیگران رها ساخته و تصمیمهای جدی آنان دوباره تجدید شود آنگاه سرزمین فلسطین به دست آنها فتح خواهد شد، و عربها پیروز و متحد خواهند گردید، و نیروهای کمکی از - طریق - سرزمین عراق به آنان خواهد رسید که بر روی پرچم هایشان نوشته شده: «القوه» (۲) و عربها و سایر مسلمانان همگی مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد - و با یهودیان خواهند جنگید - و چه جنگ بسیار سختی که در وقت مقابله با یکدیگر در بخش عظیمی از دریا روی خواهد داد که در اثر آن مردمان در خون شناور شده و افراد مجروح بر روی اجساد کشته ها عبور کنند.

آنگاه فرمود: و عربها سه بار با یهود می جنگند، و در مرحله چهارم که خداوند ثبات قدم و ایمان و صداقت آنها را دانست همای پیروزی بر سرشان سایه

ص: ۳۳۲

۱- ۵۶۱. عقائد الامامیه، ج ۱ ص ۲۷۰.

۲- ۵۶۲. ظاهراً این کلمه اشاره به همان آیه شریفه: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» می باشد.

می افکند.

بعد از آن فرمود: به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند کشته می شوند تا جایی که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند».

با توجه به این جمله که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «و تشرک العرب والإسلام کافّة لتخلّص فلسطین»؛ «اسلام و عرب مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد»، مراد از «اسلام» مسلمانان غیر عرب و ایرانیان می باشد که در هنگامه ظهور به رهبری سید حسنی خراسانی و فرماندهی شعیب بن صالح از طریق عراق و سوریه برای نجات فلسطین به سوی قدس عزیز عزیمت خواهند نمود.

بنابر این، بر اساس روایات یاد شده به حسب ظاهر - و الله أعلم - شکست کامل دولت غیر قانونی اسرائیل و سقوط رژیم اشغالگر قدس، با نهضت جناب سید حسنی خراسانی مربوط، و فتح بیت المقدس با فراهم آمدن زمینه ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام و حرکت آن حضرت به سوی بیت المقدس صورت خواهد گرفت، ان شاء الله. (۱)

#### ه) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «حزقیال نبی»

در این کتاب در مورد ظهور حضرت حجّت بن الحسن العسکری علیهما السلام و سرنوشت رژیم اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید، و اجرای احکام و حدود الهی در آن عصر درخشان، چنین آمده است:

«... و اما تو ای پسر انسان! خداوند یَهُوَه چنین می فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آید. قربانی عظیمی که بر کوههای اسرائیل، تا گوشت بخورید و خون بنوشید.

و خداوند یَهُوَه می گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد. و من جلال خود را در میان اُمّتها قرار خواهم داد و جمیع اُمّتها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که برایشان فرود خواهم آورد،

ص: ۳۳۳

مشاهده خواهند نمود. و خاندان اسرائیل از آن روز و بعد، خواهند دانست که یَهُوَه خدای ایشان، من هستم. و اُمّت‌ها خواهند دانست که خاندان اسرائیل به سبب گناه خودشان جلای وطن گردیدند؛ زیرا که به من خیانت ورزیدند».(۱)

باید توجه داشت که منظور از «پسر انسان» مانند کلمه «مسیح»، حضرت عیسی علیه السلام نیست؛ بلکه مراد از آن، حضرت مهدی علیه السلام است، زیرا در انجیل بیش از ۸۰ بار کلمه «پسر انسان» آمده است که تنها در ۳۰ مورد آن حضرت مسیح علیه السلام اراده شده است.(۲)

### (و) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب حجّی نبی

در این کتاب نیز که یکی از کتابهای انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت «بقیه الله» علیه السلام بدین گونه آمده است:

«یَهُوَه صبايوت چنین می گوید: یک دفعه دیگر - و آن نیز بعد از اندک زمانی - آسمانها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت، و تمامی اُمّت‌ها را متزلزل خواهم ساخت، و فضیلت جمیع اُمّت‌ها خواهد آمد ... این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت ... جلال آخر این خانه از جلال نخستینش عظیمتر خواهد بود، و در این مکان سلامتی را خواهم بخشید».(۳)

این بشارت پس از آن که به برخی از نشانه های ظهور که در آسمان و زمین و دریا به وجود خواهد آمد، اشاره می کند، مانند سایر کتابهای انبیای گذشته، به تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره نموده و آن را جزء آخرین دولتها به حساب آورده که توسط یگانه منجی عالم ایجاد می شود، و قسط و عدالت و سعادت عمومی به دست با کفایت آن حضرت بر پا می شود، و اوست که مطلوب همه طوایف و ملل است؛ زیرا تعبیر «فضیلت جمیع اُمّت‌ها» که در فرازی از این بشارت آمده است، اشاره به بازگشت حضرت مسیح علیه السلام و نزول او به بیت المقدس، و همچنین اشاره به ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام است که در آنجا نماز خواهد گزارد، و حضرت عیسی علیه السلام به وی اقتدا خواهد نمود. علاوه بر آن، در

ص: ۳۳۴

۱- ۵۶۴. کتاب مقدس، کتاب حزقیال نبی، ص ۱۲۶۵، باب ۳۹، بند ۱۷ - ۲۳.

۲- ۵۶۵. قاموس کتاب مقدس، ماده «پسر خواهر»، ص ۲۱۹.

۳- ۵۶۶. کتاب مقدس، کتاب حجّی نبی، ص ۱۳۶۷، باب ۲، بندهای ۶ - ۹.



ترجمه های عربی و ترکی این فراز، «آرزوی جمیع اُمّت‌ها بر آورده خواهد شد» (۱) آمده است که این معنا کاملاً با روایات اسلامی مطابق است، زیرا در ضمن یک روایت مفصل که از امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام وارد شده، چنین آمده است که به فرزندش حضرت امام حسین علیه السلام فرمود:

«ثُمَّ يَظْهَرُ أَمِيرُ الْأَمْرَةِ وَقَاتِلُ الْكُفْرَةِ، السُّلْطَانُ الْمَأْمُولُ الَّذِي تَحَيَّرَ فِي غَيْبَتِهِ الْعُقُولُ، وَهُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ» (۲).

«سپس، امیر امیران، کشنده کافران و «پادشاهی که مورد آرزوی جمیع اُمّت‌ها است» در غیبتش همگان دچار حیرت می شوند، ظهور می کند و او نهمین فرزند تو است ای حسین!».

و در حدیث دیگری از امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده که به هنگام تولد آن آخرین حجت خدا فرمود:

«... ستمگران گمان کردند که مرا به قتل می رسانند تا این دودمان را ریشه کن سازند، ولی آنها قدرت خدا را دیدند، و او را «مؤمل»؛ - یعنی: امید آینده و کسی که مورد آرزوی مردم است - نامید» (۳).

و در فرازی از دعای معروف «افتتاح» - که مستحب است در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان خوانده شود، و بنا به درخواست برخی از شیعیان به دستور خود حضرت صاحب الامر علیه السلام به شیعیانش نوشته شده - چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكِ، الْقَائِمِ الْمُؤْمَلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ».

«خداوند! همچین درود و رحمت فرست بر ولی امر خودت، آن قیام کننده ای که «مورد امید و آرزوی همگان است» و عدالت پیشه ای که همه

ص: ۳۳۵

---

۱- ۵۶۷. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۶۴.

۲- ۵۶۸. منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۱۰، ص ۴۶۷ به نقل از کتاب کشف الاستار؛ الامام المهدی علیه السلام، ص ۱۹۱.

۳- ۵۶۹. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۳۴ - کتاب موالید و وفیات الائمة ابن ابی ثلج بغدادی به نقل از دانشمندان عامه و مهدی موعود، ص ۴۱. این کتاب به ضمیمه غیبت شیخ مفید و نوادر راوندی در سال «۱۳۷۰» هجری در نجف اشرف به چاپ رسیده است.

بنابر این، جای هیچ گونه تردید نیست که منظور از: «فضیلت جمیع اُمّتها» همان مهدی موعود علیه السلام است که همه اُمّتها و ملتها و طوایف بشری در انتظار ظهور مبارکش لحظه شماری می کنند، و او را مصلح غیبی و جهانی می نامند. و به طور خلاصه:

«بر حسب نصوص متواتره اسلامی و کتب مقدّسه انبیا حامل لوای انقلاب جهانی و پرچمدار نهضت بی سابقه ای که تمامی ملل جهان را به هیجان می آورد، و مرغوب و مورد انتظار جهانیان می باشد حضرت محمّد بن الحسن العسکری علیهما السلام «قائم» و مهدی آل محمّد صلی الله علیه و آله وسلم است که خانه خدا را پر از جلال کند، و آیین خدا را در سراسر جهان منتشر سازد، جز آن که اهل هر دیانت و ملّتی، مرغوب طوایف و منجی بشریت را به عنوان پیشوای خود معرفی نموده، و پیغمبر خود را حامل این لوا می پندارند، بلکه کسانی هم که پیرو هیچ یک از شرایع آسمانی نمی باشند، در ظلمات بیدادگری و بی امنی که روزنه امید از هر سو بسته به انتظار یک مصلح عمومی و جهانی بسر می برند» (۲).

و اما منظور از «خانه خدا» که در این بشارت آمده است:

«محمّل است مقصود از خانه خدا که در بشارت فوق مذکور است مکه معظّمه، یعنی مطلع شمس فروزان حضرت مهدی علیه السلام باشد که ندای اسلام را از آنجا آغاز کند، و نیز محتمل است مراد بیت المقدّس باشد که در عصر آن حضرت، از بزرگترین مراکز روحانی اسلام گردد، چنان که در خبر است که: «وینزل بیت المقدّس»؛ حضرت مهدی علیه السلام به بیت المقدّس وارد خواهد شد» (۳).

### ز) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «صفینای نبی»

در این کتاب که یکی از کتب انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

ص: ۳۳۶

- 
- ۱- ۵۷۰. اقبال الاعمال، ص ۳۲۴؛ زاد المعاد مجلسی با ترجمه فارسی، ص ۱۱۴؛ مفاتیح الجنان، اعمال شبهای ماه رمضان، دعای افتتاح و بسیاری از کتب ادعیه دیگر.
  - ۲- ۵۷۱. بشارت عهدین، ص ۲۳۹.
  - ۳- ۵۷۲. بشارت عهدین، ص ۲۳۹، پاورقی.

«... خداوند در اندرونش عادل است و بی انصافی نمی نماید. هر بامداد حکم خود را روشن می سازد و کوتاهی نمی کند، اما مرد ظالم حیا را نمی داند. اُمّت‌ها را منقطع ساخته ام که برج های ایشان خراب شده است و کوچه های ایشان را چنان ویران کرده ام که عبور کننده نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است. و گفتم: کاش که از من می ترسیدی و تأدیب را میپذیرفتی ...»

بنابر این، خداوند می گوید: برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت برخیزم؛ زیرا که قصد من این است که اُمّت‌ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدّت خشم خویش را بر ایشان بریزم، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد؛ زیرا که در آن زمان، زبان پاک به اُمّت‌ها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه - خدا - را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند.»(۱)

### ح) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «دانیال نبی»

در کتاب دانیال نبی نیز بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام مطابق بشارت انبیای گذشته، چنین آمده است:

«... امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است، خواهد برخاست. و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که اُمّتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هر یک از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید، و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد.»

اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید ... خوشا به حال آن که انتظار کشد.»(۲)

در این بشارت نکات چندی وجود دارد که برخی از آنها را به طور اختصار توضیح

ص: ۳۳۷

۱- ۵۷۳. کتاب مقدّس، کتاب صفینای نبی، ص ۱۳۶۳، باب ۳، بندهای ۵ - ۹.

۲- ۵۷۴. کتاب مقدّس، کتاب دانیال نبی، ص ۱۳۰۹، باب دوازدهم، بندهای ۱ - ۱۲.

۱ - شخص مورد بشارت که در نخستین فراز بشارت مزبور به عنوان «ایستاده» از او تعبیر شده است، قائم آل محمد علیهم السلام است که بزرگترین نماینده انبیای الهی است، و دعوت تمام پیامبران خدا را یکجا در حکومت حقّه خود آشکار ساخته، آیین الهی را بر سرتاسر کره خاکی حکم فرما می نماید.

۲ - منظور از «زمان تنگی»، زمان بیداد گریها، سختیها، فشارها، ظلم و ستم هایی است که قبل از ظهور آن حضرت در سراسر جهان پیدا می شود، چنان که در روایات اسلامی آمده است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِثَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

۳ - منظور از: «آنانی که در خاک زمین خوابیده اند»، گروهی از اموات می باشند که در دولت با سعادت حضرت مهدی علیه السلام زنده می شوند، و برخی از آنان از یاران آن حضرت می گردند و در رکاب حضرتش می جنگند و برخی دیگر به سزای اعمال ناشایست خود می رسند.

در این زمینه، روایات بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است که ما به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می نمایم، و طالبین می توانند به کتابهای مربوطه که در مورد «رجعت» نگاشته شده، مراجعه فرمایند.

### ۳ - بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «انجیل»

#### ۳ - بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «انجیل»

بر اساس بشارات فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح مل بسه دنبال قیام حضرت قائم ( ) در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگردند و حامی حضرت مهدی عل گردند. از این رو، در آخرین روزهای زندگی و شاید در طول دوران حیات - به یاران و شاگردان خود توصیه ها و سفارشهای اکیدی درباره بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گذارده و امر به بیداری و هوشیاری و آمادگی فرموده است که ما به جهت اثبات این مدعا و بیداری مسلمانان قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم.

اینک متن برخی از آن بشارات که در انجیل آمده است:

«پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا عمارت های هیکل را بدو نشان دهند. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این چیزها را نمی بینید؟ هر آینه به شما می گویم: در اینجا سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد که به زیر افکنده نشود. و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این امور کی واقع می شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟»

عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما را گمراه نکند. ز آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید، زنهار مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی ها و وبا ها و زلزله ها در جایها پدید آید ...

آنگاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید؛ زیرا که مسیحان کاذب و انبیای کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند. اینک شما را پیش خبر دادم.

پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن که در خلوت است باور مکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد.

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را نهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوت های افلاک متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید ...

پس از درخت انجیر مثلش را فرا گیرید که چون شاخه اش نازک شده بر گها می آورد می فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز چون این همه را ببینید بفهمید که نزدیک - بلکه بر در - است. هر آینه به شما می گویم ...

آسمان و زمین زایل خواهد شد؛ لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد.

اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس؛ لیکن چنان که ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود ...

پس بیدار باشید؛ زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست در چه پاس از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش نقب زند.

لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کار مشغول یابد». (۱)

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدّس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند و میش ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید». (۲)

«عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می گویم: شما که مرا متابعت نموده اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت». (۳)

ص: ۳۴۰

---

۱- ۵۷۵. کتاب مقدّس، انجیل متی، ص ۴۱، باب ۲۴، بندهای ۱ - ۸، ۲۳ - ۲۸، ۲۹ - ۳۷ و ۴۲ - ۴۶.

۲- ۵۷۶. کتاب مقدّس، انجیل متی، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۳۱ - ۳۴.

۳- ۵۷۷. انجیل متی، باب ۱۹، بندهای ۲۸ و ۲۹.

«و چون او - عیسی - از هیكل بیرون می رفت یکی از شاگردانش بدو گفت: ای استاد!

ص: ۳۴۰

ملاحظه فرما چه نوع سنگ ها و چه عمارتها است!

عیسی در جواب وی گفت: آیا این عمارت های عظیمه را می نگری. بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد مگر آن که به زیر افکنده شود.

و چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل نشسته بود ... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می شود؟ و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟

آنگاه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: زنهار کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت که: من هستم، و بسیاری را گمراه خواهند نمود. اما چون جنگها و اخبار جنگها را بشنوید مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که اُمّتی بر اُمّتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست، و زلزله ها در جایها حادث خواهد شد و قحطی ها و اغتشاش ها پدید می آید، و اینها ابتدای دردهای زه می باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید ...

ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.

مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید! زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. امّا آنچه به شما می گویم به همه می گویم بیدار باشید!». (۱)

### ج) انجیل لوقا

«کمر های خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد ... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر

ص: ۳۴۱



«و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای اُمّت‌ها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش. و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود، زیرا قوّت آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر، ابری سوار شده با قوّت و جلال عظیم می آید». (۲)

همان گونه که قبلاً توضیح دادیم مقصود از «پسر انسان» حضرت مسیح علیه السلام نیست، زیرا مطابق نوشته مستر هاکس آمریکایی در «قاموس کتاب مقدّس» این عبارت ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی مسیح علیه السلام قابل تطبیق است». و اما ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر زمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد، و او را جلال و عظمت خواهد داد، و از ساعت و روز ظهور او جز خداوند - تبارک و تعالی - کسی اطلاع ندارد، و او کسی جز حضرت مهدی علیه السلام آخرین حجّت خدا نخواهد بود.

## ه) انجیل یوحنا

## ه) انجیل یوحنا

«و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است. و از این تعجّب مکنید، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری». (۳)

## مکاشفه یوحنا

«و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پای هایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است. و آبستن بوده، از درد زه و عذاب

ص: ۳۴۲

۱- ۵۷۹. کتاب مقدّس، انجیل لوقا، ص ۱۱۶ باب ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ - ۴۰.

۲- ۵۸۰. انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۵ - ۲۷.

۳- ۵۸۱. کتاب مقدّس، انجیل یوحنا، ص ۱۵۲، باب ۵، بندهای ۲۶ - ۲۸.

زاییدن فریاد بر می آورد.

و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک ازدهای بزرگ آتش گون که او را هفت سرو ده شاخ بود و بر سر هایش هفت افسر. و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آنها را بر زمین ریخت و ازدها پیش آن زن - که می زاید - بایستاد تا چون بزاید فرزند او را بلعد. پس پسر نرینه را زاید که همه اُمتهای زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد، و فرزندش به نزد خدا و تخت او ر بوده شد ...

و در آسمان جنگ شد. میکائیل و فرشتگانش با ازدها جنگ کردند و ازدها و فرشتگانش جنگ کردند. ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. و ازدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مُسمی است که تمام ربع مسکون را میفرید. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند» (۱).

مفسّرین انجیل در مورد آیات فوق می گویند: شخص مورد بشارت در این آیات تاکنون قدم به عرصه وجود نهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آنها نیز موقوف به زمان آینده و نامعینی است که وی ظاهر گردد.

ولی با اندکی دقت و تأمل در آیات فوق این نتیجه به دست می آید که شخص مورد بشارت در مکاشفه یاد شده، بزرگترین مولود جهان انسانیت، و شخص ممتاز و بی نظیری است که به منظور ایجاد حکومت حقّه الهیه و بر افکندن بنیاد اهریمنان، به ناچار مدّتی از انظار مردمان غایب خواهد گردید، و خداوند عالم آن یگانه مظهر نور الهی و منجی انسانیت را از دیدگان اشرار و شیاطین جنّی و انسی مخفی و مستور نگه خواهد داشت تا در یک زمان نامعلومی - آنگاه که خواست خداوند است - از پشت پرده غیبت ظاهر شده، با «عصای آهنین» بر بشریت حکومت کند.

این نتیجه با تفصیلی که در نویدهای انبیای گذشته و قرآن کریم و روایات اسلامی آمده است روشن می سازد که مکاشفه یوحنا، لاهوتی در بشارت فوق، مربوط به موعود کلّ ملل حضرت محمّد بن الحسن العسکری علیهما السلام است که به هنگام ظهور با

ص: ۳۴۳

شمشیر قیام خواهد کرد و با عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود.

اینک برای روشن شدن مطلب به توضیحی که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید:

«مقصود از آن زن که در مکاشفه فوق، مادر شخص مورد بشارت معرفی شده که خورشید پوشیده، و ماه زیر پایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره بود، مادر پاک گهر حضرت مهدی علیه السلام، نرجس خاتون است و خورشید، پدر والا گهرش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که تمامی انوار درخشان آسمان نبوت و امامت را بر رحم پاک نرجس بتابید، تا برجسته ترین نماینده و آئینه تمام نمای آنان را از وی نمودار سازد. و فرزندی بیاورد که مجمع همگی آن انوار و حامل لوای انقلاب جهانی گردد.

و مقصود از ماه (که در زیر پای هایش بود)، حکیمه خاتون عمه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که به هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام قابل نرجس خاتون بوده و آماده گرفتن آن مولود مسعود بوده و بر این عمل دقیقه شماری می کرده است.

و دوازده کوب درخشان که بر تاج پر افتخار نرجس تلائم می نمودند حضرت خاتم الأنبياء صلی الله علیه وآله وسلم و دختر یگانه اش صدیقه طاهره علیها السلام و ده امام (علی بن ابی طالب علیه السلام تا علی بن محمد الهادی علیهم السلام) می باشند، که مقام شامخ سلطنت و زعامت روحانی و جهانی حضرت مهدی علیه السلام، مرکب از این انوار و مؤسس بر این بنیانهای رفیع آسمانی و ملکوتی است.

و آن اژدهای بزرگ آتشین، دستگاه شیطان و پیروان اوست که همیشه آماده ویران ساختن کاخ رفیع ادیان و نابود کردن انبیا و اولیای الهی بوده و می باشد. و چنان که در آیه ۴ اشاره شده وی پیش از ولادت آن موعود جهانی، با دمش یک سوم ستارگان آسمان را جاروب کرده بود و اکنون به هوس نابود ساختن پرچمدار عدل جهانی که مجمع تمامی ستارگان آسمان ولایت است، افتاده است.

آری! همین شیطان بود که پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم، با لباس خلافت و از مجرای حکومت اسلامی جلوه نمود، و به وسیله (دمش) نوکرش «قنفذ» که به شدت پهلوی دختر نازنین پیامبر را مضروب ساخته و طفل معصومش «محسن» را ساقط و نابود کرد «ثلث کواکب آسمان را جاروب نمود» و سومین فرزند ذکور وی را که بایستی در آینده پدر گروهی دیگر از ذریه پیامبر گردد، بکشت.

و همین شیطان در زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام در لباس خلفای عباسی، به ویژه

معتد و معتصم عباسی که در عصر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بودند، جلوه نموده، با کمال اهتمام به هوس نابود ساختن آن یگانه مولود مسعود جهانی افتاده بود.

چنانچه بر حسب شهادت تواریخ و آثار، نامبردگان جاسوس هایی بر حرم محترم آن حضرت گماشته بودند که اگر فرزند ذکوری از آن حضرت پدید شد حکومت وقت را آگاه سازند تا در نابود ساختن وی اقدام نماید.

ولی چنان که در آیات مکاشفه فوق اشاره شد اراده حتمی الهی، آن زن و طفلش را از هرگونه آسیب در امان داشت و دستگاه جاسوسی و کنجکاوی اهریمنان که همچون سیل به هر سو روان کرده و برای غافل گیر ساختن آن موعود جهانی شب و روز بکار بود، سودی نبخشید» (۱).

در قسمت دیگری از مکاشفه یوحنا ی لاهوتی بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:

«و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می نماید و چشمانش چون شعله آتش، و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی داند و جامه خون آلود - سرخ - در بر دارد و نام او را کلمه خدا می خوانند. و لشکریایی که در آسمانند بر اسبهای سفید، و به کتان سفید و پاک ملبوس از عقب او می آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید تا به آن اُمتهای را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود ... و دیدم فرشته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده می گوید: بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران ...» (۲)

با نظری دقیق و اجمالی در تمام احادیثی که در مورد ظهور یکتا بازمانده حجج الهی وارده شده است می توان گفت: همه فرازهای بالا در احادیث اسلامی آمده است.

ص: ۳۴۵

۱- ۵۸۳. بشارت عهدین، ص ۲۶۵ - ۲۶۷.

۲- ۵۸۴. کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا رسول، ص ۴۱۷، باب ۱۹، بندهای ۱۱ - ۱۸.

«زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد، هیچ است.» (۱)

«... و آن که برای حکمرانی اُمّتها مبعوث شود، امید اُمّتها بر وی خواهد بود.» (۲)

این تعبیر هم تعبیر دقیقی است که در احادیث اسلامی آمده است، و جالب توجه این که: همان گونه که در بشارات تورات تذکر دادیم در ترجمه عربی انجیل با تعبیر «قائم» آمده است، و تعبیر «حکمرانی اُمّتها» و «امید اُمّتها» جالب توجه است.

«زیرا این را به شما از کلام خدا می گوئیم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست؛ زیرا خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد، و مردگان در مسیح اول خواهند بر خاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم با ایشان در ابرها ر بوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود.» (۳)

به طوری که خوانندگان عزیز ملاحظه می کنند این فراز از عهد جدید با روایات اسلامی وجوه مشترک فراوانی دارد که از آن جمله است:

۱ - نزول حضرت عیسی علیه السلام

۲ - صیحه آسمانی.

۳ - زنده شدن گروهی از افراد صالح.

۴ - آمدن او بر فراز ابر.

۵ - ر بوده شدن یاران حضرت ولی عصر علیه السلام از محراب ها و رختخواب های خود، و انتقال یافتن آنها بر فراز ابرها، همه این موارد در احادیث اسلامی آمده، و با این فقرات انجیل دقیقاً منطبق است.

## (ز) اعمال رسولان

## (ز) اعمال رسولان

«و چون این را گفت، وقتی که ایشان همی نگریستند بالا برده شد، و ابری او را از

ص: ۳۴۶

۲-۵۸۶. رساله پولس رسول به رومیان، ص ۲۶۱، باب ۱۵، بند ۱۲.

۳-۵۸۷. رساله اول پولس به تسالونیکیان، ص ۳۳۰، باب ۴، بندهای ۱۵ - ۱۷

چشمان ایشان در ربود. و چون به سوی آسمان چشم دوخته می بودند، هنگامی که او می رفت ناگاه دو مرد سفید پوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: ای مردان جلیل! چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد، به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید»<sup>(۱)</sup>.

فراز دیگر از اناجیل را «عبدالله بن سلیمان» نقل کرده است که بسیار جالب است. او می گوید:

من در اناجیل خواندم که خداوند به عیسی علیه السلام فرمود: «من تو را به سوی خود بالا می برم، سپس تو را در آخر زمان فرو می فرستم تا از اُمت این پیامبر شگفتی ها ببینی، و آنها را در کشتن دجال یاری دهی، تو را در وقت نماز می فرستم، تا با آنها نماز بخوانی که آنها اُمت مرحومه هستند»<sup>(۲)</sup>.

### فرو آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان

یکی از عقاید قطعی همه مسلمانان و تمام طوایف اسلامی این است که: حضرت عیسی علیه السلام در زمان ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام به روی زمین باز می گردد، و برخی از آیات قرآنی نیز بر آن دلالت می کند، در این باره صدها حدیث از طریق شیعه و سنی روایت شده است که از بازگشت آن حضرت سخن می گوید، اگر برخی از متعصبین اهل سنت به دلایلی در مورد حضرت مهدی علیه السلام تردید می کنند، در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام هیچ تردید ندارند.

از نظر شیعه نیز این مطلب قطعی است که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل می شود، و در بیت المقدس پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می گزارد و او را تأیید می کند و در ردیف یکی از معاونان آن حضرت قرار می گیرد.

در این زمینه، روایات فراوانی در منابع حدیثی شیعه و سنی وارد شده است که برخی از آنها را در اینجا نقل می کنیم:

۱ - در حدیثی از ابو سعید خدری روایت شده است که پیامبر اکرم فرمود:

ص: ۳۴۷

---

۱- ۵۸۸. کتاب مقدس، اعمال رسولان، ص ۱۸۷، باب ۱، بندهای ۹ - ۱۱.

۲- ۵۸۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

«مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ» (۱).

«آن کسی که عیسی بن مریم علیه السلام در پشت سر او نماز می خواند، از ماست».

۲ - در حدیث دیگری از عبدالله بن عباس آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوْلِيَّهَا، وَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا، وَالْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهَا» (۲).

«اُمّتی که من در آغاز آن، عیسی بن مریم در پایان آن، و مهدی علیه السلام در میان آن است، هرگز هلاک نمی شود».

۳ - در کتاب «عقد الدرر» باب دهم، در حدیثی از ابو هریره نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ، وَ أَمَامَكُمْ مِنْكُمْ» (۳).

«چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما نازل شود و پیشوای شما از میان خود شما خواهد بود؟!».

۴ - در صحیح بخاری «باب نزول عیسی بن مریم» در حدیثی از ابو هریره نقل می کند که رسول اکرم فرمود:

«سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست! نزدیک است که پسر مریم به عنوان «داوری دادگر» در میان شما فرود آید، صلیب را بشکند، خوک را بکشد، جزیه را بگذارد و مال را آنقدر بریزد که دیگر کسی آن را نپذیرد» (۴).

۵ - در سنن ابن ماجه، از ابی امامه باهلی، روایت کرده است:

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در مورد فتنه دجال و خرابی های آن سخن می گفت، از آن حضرت پرسیدند: یا رسول الله! پس عربها در آن روز کجا هستند؟ فرمود:

«آنها در آن روز بسیار اندک اند، و بیشتر آنها در بیت المقدس می باشند، و

ص: ۳۴۸

۱- ۵۹۰. همان، ج ۵۱، ص ۸۴ - منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۴۸، ص ۳۱۶ - بشاره الاسلام، قسمت سیره، باب ۳۸، ص ۳۲۰.

۲- ۵۹۱. منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱، ص ۱۵۵، ح ۴۵ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۵.

۳- ۵۹۲. عقد الدرر، ص ۲۹۱، باب ۱۰.

۴- ۵۹۳. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۰۷۳ - کتاب الانبیاء، باب نزول عیسی بن مریم علیهما السلام.



امامشان «مهدی» آن مرد صالح است، که ناگهان به هنگامی که امامشان آماده نماز صبح شده حضرت عیسی علیه السلام نازل می شود. حضرت مهدی علیه السلام به احترام او عقب می رود. حضرت عیسی دست خود را بر شانه او می گذارد و می گوید: برو جلو و نماز را بخوان که این نماز برای تو تشکیل یافته است، پس حضرت مهدی علیه السلام جلو می رود و امامت می کند» (۱).

۶- در حدیث دیگری آمده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«حضرت عیسی علیه السلام نازل می شود، امیر مسلمانان حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: بفرما برای ما نماز بخوان.

عیسی علیه السلام می فرماید: برخی از شما بر برخی دیگر امیر هستید و این لطف و کرامت خداوند بر این اُمت است» (۲).

۷- در احادیث دیگری از طریق اهل سنت آمده است:

«حضرت مهدی و حضرت عیسی علیهما السلام اجتماع می کنند، چون وقت نماز فرا می رسد حضرت مهدی علیه السلام خطاب به حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: بفرماید جلو - برای اقامه نماز -.

حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: شما برای نماز شایسته تر هستید، آنگاه حضرت عیسی اقتدا می کند و نماز را پشت سر او می خواند» (۳).

۸- در یک حدیث دیگر جریان نزول حضرت عیسی علیه السلام چنین آمده است:

«عیسی علیه السلام در گردنه ای به نام «أفیق» در سرزمین مقدّس فرود می آید، وارد بیت المقدّس می شود، در حالی که مردم برای نماز صبح صف کشیده باشند. پس امام (حضرت مهدی علیه السلام) عقب می رود، ولی عیسی علیه السلام او را جلو می اندازد و خود به او اقتدا کرده، پشت سرش طبق شریعت محمّدی نماز می خواند و می فرماید: شما اهل بیتی هستید که احدی نمی تواند بر شما پیشی

ص: ۳۴۹

۱- ۵۹۴. سنن ابن ماجه، ج ۲ ص ۵۲۶؛ عقد الدرر، ص ۲۹۴ باب ۱۰.

۲- ۵۹۵. البرهان، ص ۱۵۸ - عقد الدرر، ص ۲۹۲، باب ۱۰.

۳- ۵۹۶. منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۸، ص ۴۷۹، ح ۲، به نقل از تذکره الخواص، ص ۳۷۷.

۹ - در حدیث دیگری که رسول اکرم از خروج دجال و کشته شدن او به دست حضرت عیسی علیه السلام خبر داده، چنین آمده است که آن حضرت فرمود:

«آنگاه خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را می فرستد، گویی به صورت عروه بن مسعود است، دجال را دنبال می کند و او را به هلاکت می رساند. مردم هفت سال بدین حال می مانند که حتی میان دو نفر کینه و عداوت یافت نمی شود» (۲).

۱۰ - و در یک حدیث دیگر آمده است که پیامبر اکرم فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام یک مرتبه متوجه می شود که حضرت عیسی علیه السلام نازل شده، گویی قطرات آب از موهایش می چکد، حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: بفرمایید و برای مردم نماز بخوانید.

حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: نماز برای شما بر پا شده است.

آنگاه حضرت عیسی علیه السلام پشت سر فرزندم نماز می خواند» (۳).

۱۱ - و در همین رابطه رسول اکرم می فرماید:

«خلفا و اوصیای من که حجت‌های پروردگار بر مردمانند دوازده تن می باشند، اول آنها علی - ابن ابی طالب - و آخر آنها پسر مهدی علیه السلام است که عیسی بن مریم علیه السلام نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند. در زمان او زمین با نور پروردگارش روشن می شود و سلطنت او شرق و غرب جهان را فرا می گیرد» (۴).

به طور خلاصه، روایات وارده از رسول گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم السلام در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام و نماز خواندن آن حضرت در پشت سر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - بسیار فراوان است، و ما به احادیث یاد شده اکتفا می کنیم، و فقط این مطلب را یاد آور می شویم که در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام به

ص: ۳۵۰

۱- ۵۹۷. یوم الخلاص، ص ۳۴۴.

۲- ۵۹۸. صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۷۵ - ۷۶.

۳- ۵۹۹. البرهان متقی، ص ۱۶۰، باب ۹، ح ۹.

۴- ۶۰۰. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۹۵، باب ۷۸.

برخی از آیات قرآن نیز می توان استشهاد نمود که در بحث «نویدهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در قرآن» آیه ۱۵۹ سوره نساء یاد آور شدیم، که در اینجا دیگر تکرار نمی کنیم. طالبین به آنجا مراجعه کنند.

#### ۴ - بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در منابع «زرتشتیان»

در منابع زرتشتیان تصریحات زیادی به ظهور حضرت مهدی علیه السلام شده است که قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم:

۱ - در کتاب «زند» که از کتب مقدسه زرتشتیان است در باره انقراض اشرار و وراثت «صلحا» که پس از درهم شکستن شوکت جباران و بیدادگران، زمام امور جامعه بشری را به دست خواهند گرفت، چنین می گوید:

«لشکر اهریمنان با ایزدان دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند، و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند؛ چه، در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد، آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست».<sup>(۱)</sup>

۲ - در بخش «گاتها» که یکی از بخشهای چهارگانه «اوستا» است (بندهای ۸ و ۹) نویدهائی در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام و سیطره جهانی آن حضرت که قیام شکوهمند او طبق وعده های انبیاء در آخر الزمان به وقوع خواهد پیوست، چنین آمده است:

«و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد پس آنگاه ای «مزدا»! کشورت را «بهمن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دستهای راستی سپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند».

ص: ۳۵۱

۳ - باز در همان بخش «گاتها» تحت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منجی بشریت که در پایان جهان خواهد آمد، چنین آمده است:

«کی ای «مзда»! بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد، با آموزشهای فزایش بخش پر خرد رهانندگان، کیانند آنانی که «بهمن» به یاریشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را بر گزیدم ای اهورا».

نویسنده کتاب «بشارات عهدین» پس از آن که این دو بشارت را از «گاتها» نقل کرده است چنین می نویسد:

«مترجم «گاتها»، در پاورقی، «بهمن» را - که در این دو بشارت پرچمدار نهضت آخرین معرفی شده - نماینده توانایی و منش نیک و راستی و پارسایی دادار اهور مزدا، تفسیر کرده، و روی این اصل، توضیح این دو فراز از «گاتها» زرتشت» از این قرار است:

در پایان جهان پیش از رستاخیز عمومی آغاز سزای گناهکاران است که به دست توانای نماینده قدرت و راستی و قدس و عدالت الهی - به سزای این جهانی خود خواهند رسید - این دولت با سعادت تنها برای کسانی است که دروغ را به دستهای راستی سپرده، و منش زشت را در بوته فراموشی نهاده اند.

حقاً آن زمان درخشان بامداد روز است که صبح دولت حقه الهیه دمیدن گیرد و دین راستین - آیین ابدی آخرین - سراسر جهان را فرا گیرد، آیینی که تمامی آموزشهای پیامبران الهی در آن نمودار است، و آن یگانه نماینده قدرت و عدالت الهی، تمامی آموزشهای صالح و پسندیده رهبران عالیقدر بشریت را در سراسر جهان منتشر و عملی سازد.

چنان که روشن است این دو جمله، بشارت از ظهور موعود اسلام حضرت قائم آل محمد علیهم السلام است، گر چه نامی از آن حضرت به میان نیآورده؛ ولی سلطنت عمومی و عدالت کلی جهانی که پیشگویی کرده بهترین نشانه آن بزرگمرد الهی است» (۱).

۴ - جاماسب، در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» که حوادث گذشته و آینده جهان در آن ثبت شده، و احوالات پادشاهان، انبیا، اوصیا و اولیا را بیان می کند ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران باز گو می نماید، در مورد پیامبر گرامی اسلام و دولت

ص: ۳۵۲

جاودانه حضرت مهدی علیه السلام و رجعت گروهی از اموات ... چنین می گوید:

«پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوههای مکه پیدا شود، و شتر سوار شود، و قوم او شتر سواران خواهند بود، و با بندگان خود چیز خورد، و به روش بندگان نشیند، و او را سایه نباشد و از پشت سر، مثل پیش رو ببیند. و دین او اشرف ادیان باشد، و کتاب او باطل گرداند همه کتابها را، و دولت او تازیک - یعنی پادشاهی - عجم را بر باد دهد، و دین مجوس و پهلوی را بر طرف کند، و نار سدیر و آتشکده ها را خراب کند، و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان».

آنگاه در باره ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام چنین می گوید:

«و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد، و دولت او تا به قیامت متصل باشد، و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود، و آسمان جفت گردد و زمین به آب فرو رود و کوهها برطرف شود، و اهریمن کلان را که ضد یزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند و او را بکشد».

و نام مذهب او برهان قاطع باشد و حق باشد و خلاق را به یزدان بخواند، و زنده گرداند خلق را از بدان و نیکان، و نیکان را جزا دهد، و بدان را سزا دهد و بسیاری از خوبان و پیغمبران زنده شوند، و از بدان گیتی و دشمنان خدا و کافران را زنده گرداند، و از پادشاهان اقوام خود را زنده کند که فتنه ها در دین کرده باشند و خوبان بندگان یزدان را کشته باشند، و همه متابعان اهریمن و تبه کاران را بکشد و نام این پادشاه بهرام باشد ...

و ظهور او در آخر دنیا باشد ... و خروج او در آن زمان شود که تازیان بر فارسیان غالب شوند، و شهرهای عمان خراب شود به دست سلطان تازیک، پس او خروج کند و جنگ کند و دجال را ... بکشد.

و برود و قسطنطیه را بگیرد و علم های ایمان و مسلمانی در آنجا برپا کند، و عصای سرخ شبانان با هودار (که موسی علیه السلام باشد) با او باشد، و انگشتر و دیهیم سلیمان با او باشد، و جنّ و انس و دیوان و مرغان و درندگان در فرمان او خواهند بود ...

و همه جهان را یک دین کند، و دین گبری و زرتشتی نماند، و پیغمبران خدا و حکیمان و پری زادان و دیوان و مرغان و همه اصناف جانوران و ابرها و بادها و مردان

«جاماسب» در ادبیات ایران و عرب به لقب «فرزانه» و «حکیم» خوانده شده است، و پیش گویی هایی نیز به او نسبت داده اند، و ظاهراً حکیمی ستاره شناس بوده است، و به قول مؤلف کتاب «حبیب السیر»: وی شاگرد لقمان و برادر «گشتاسب» است، و در علم نجوم مهارت کامل داشته است.

علامه دهخدا در کتاب «لغت نامه» راجع به وی می نویسد:

«نامه ای از او دیده شده که به پارسی قدیم است و نام آن فرهنگ ملوک و اسرار عجم است، و عنوان آن به نام گشتاسب شاه است، و نظرات کواکب را به رمز بیان نموده و مقارنات اختران را طالع وقت نهاده و بر آن زایچه حکم نموده.

گویند: پنج هزار سال از روزگار آینده را باز نموده، از سلاطین و انبیا خبر داده، در آنجا حضرت موسی علیه السلام سرخ شبان با هودار و حضرت مسیح علیه السلام را پیغمبر خر نشین که او را به نام مادر، باز خوانند. و از حضرت رسول عربی به «مهر آزما» تعبیر کرده، و بعضی سخنان وی موافق روزگار گذشته است و برخی مخالف، والله أعلم بالصواب» (۲).

مؤلف کتاب «بشارات عهدین» پس از آن که بشارتی را از کتاب «جاماسب» نقل می کند ذیل کلمه جاماسب در پاورقی چنین می نویسد:

«صاحبان سیر و تواریخ می نویسند: ظهور جاماسب برادر گشتاسب بن سهراب به سال ۴۹۹۶ پس از هبوط [حضرت] آدم علیه السلام بوده، وی مدتی در نزد زرتشت کسب معارف نموده و مدتی هم شاگرد (چنکر مکهاجه) هندی بوده است.

وی در کتاب «جاماسب نامه» از زمان خود تا پنج هزار سال [آینده را] پیش بینی نموده و قبرش در خفرک فارس است» (۳).

۵- باز در کتاب جاماسب، موافق برخی از مضامین بشارات گذشته در مورد دولت با سعادت حضرت مهدی علیه السلام و صلح بهائم و بر افکندن ریشه ظلم و فساد، و همچنین حکومت واحد جهانی و اجتماع عموم بشریت بر دین مبین اسلام، و این که حضرت

ص: ۳۵۴

۱- ۶۰۳. لمعات النور، ج ۱ ص ۲۳ - ۲۵.

۲- ۶۰۴. لغتنامه دهخدا، ص ۶۴۶۹، ستون ۱.

۳- ۶۰۵. بشارات عهدین، ص ۲۴۳.

مهدی علیه السلام پیرو اسلام و تابع دین جدش پیامبر اکرم می باشد، چنین می گوید:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جد خویش بود، با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند، و زمین پر داد کند، و از داد وی باشد که گرگ با میش آب خورد.

و مردم بسیار شوند، و عمر دیگر بار، به درازی کشد و باز گردد چنان که مردی بود که او را پنجاه فرزند بود نر و ماده، و کوه و دشت پر از مردم شود، و پر از حیوان شود، و همچون عروسی شود.

و همه کس به دین مهر آزمای (یعنی دین حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم) باز آیند، و جور و آشوب از جهان برخیزد، چنان که فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن، و اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم»<sup>(۱)</sup>.

۶- در «زند و هومن یسن» از ظهور شخصیت فوق العاده ای بنام «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ) خبر داده و در باره نشانه های ظهور وی چنین می گوید:

«نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند، و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند، و به همه دنیا پیام می فرستند»<sup>(۲)</sup>.

آنگاه به مقاومت شیران در برابر او اشاره کرده و نوید می دهد که سرانجام همگی در برابر او سر تعظیم فرود می آورند.

۷- هنگامی که «گشتاسب» در مورد کیفیت ظهور «سوشیانس» و چگونگی اداره جهان می پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می دهد:

«سوشیانس (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و هم گفتار و هم کردار گرداند»<sup>(۳)</sup>.

در اینجا لازم است این نکته را یادآور شویم که، اعتقاد به ظهور «سوشیانس» در

ص: ۳۵۵

۱- ۶۰۶. بشارات عهدین، ص ۲۵۸، به نقل از جاماسب نامه.

۲- ۶۰۷. او خواهد آمد، ص ۱۰۸.

۳- ۶۰۸. همان، به نقل از جاماسب نامه، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

میان ملت ایران باستان به اندازه ای رایج بوده است که حتی در موقع شکست های جنگی و فراز و نشیب های زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری، خود را از یأس و ناامیدی نجات می دادند.

شاهد صادق این گفتار این که، در جنگ قادسیه پس از درگذشت رستم فرخ زاد، سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، با افراد خانواده خود آماده فرار می شد، بهنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مدائن، ایوان مجلل خود را مورد خطاب قرار داده و گفت:

«هان ای ایوان! درود من بر تو باد، من هم اکنون از تو روی بر میتابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او نرسیده است به سوی تو برگردم».

سلیمان دیلمی می گوید: من به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و مقصود یزدگرد را از جمله «یکی از فرزندان خود» از آن حضرت پرسیدم، حضرت فرمود:

«او مهدی موعود علیه السلام و قائم آل محمد علیهم السلام است که به فرمان خداوند در آخر زمان ظهور می کند. او ششمین فرزند من، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد».<sup>(۱)</sup>

با توجه به این که «شاه زنان» معروف به «شهربانو»، مادر امام سجاد علیه السلام - بنابر مشهور - دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است، روشن می شود که او واقعاً پدر حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد.

آنچه تا بدینجا از نظر خوانندگان گرامی گذشت نمونه هایی از نویدها و بشارت های جاوید کتب مقدسه اهل ادیان بود که همه آنها با مضامین مختلف خود، آمدن یک مصلح بزرگ جهانی را به نام (مهدی موعود علیه السلام) در آخر الزمان نوید داده، و به روشنی گواهی می دادند که مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام اختصاص به اسلام ندارد، بلکه از نظر همه اُمّتها و ملّتها یک امر قطعی و مسلم است که بدون تردید تحقق خواهد یافت.

آری! مطابق وعده های انبیا و نویدهای کتب مقدسه آسمانی، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که نماینده قدرت و قدس و عدالت الهی، آخرین جانشین رسول گرامی

ص: ۳۵۶



بنیانگذار حکومت واحد جهانی مهدی موعود منتظر - عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ - از پشت پرده غیبت ظهور خواهد فرمود، و با ظهور مبارک آن ولیّ مطلق الهی، همه پرده های ظلمت به کنار خواهد رفت، تاریکیها برچیده خواهد شد، از پلیدیها و ناپاکیها اثری نخواهد ماند، و جهان یکسره نورانی خواهد گشت.

ص: ۳۵۷

شامل:

- ۱-قرآن و دین آینده ی جهان
- ۲-روایات اسلامی و دین آینده ی جهان
- ۳-اسلام ، دین همیشگی خدا
- ۴-دعوت پیامبر اسلام ، عمومی و جهانی است
- ۵-رسول خدا صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران است
- ۶-قرآن کریم ، خاتم کتب آسمانی است
- ۷-دین اسلام ، خاتم ادیان است

ص:۳۵۸



از آیات، روایات و کتب مقدّسه آسمانی، این مطلب استفاده شد که، جهان روزی را در پیش دارد که در آن روز، تمام کشورهای کوچک و بزرگ به یک کشور تبدیل می شود، مرزهای جغرافیایی کشورها برداشته می شود، و یک حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی تشکیل می شود، و بر تمام جهان یک دین و آئین، یک قانون اساسی و یک رهبر حکومت می کند.

اکنون این سؤال پیش می آید که در آن زمان، چه دین و آئینی بر جهان حاکم خواهد بود؟ قوانین کدام کتاب آسمانی اجرا خواهد شد؟ برای یافتن پاسخ، به سراغ قرآن و سنت می رویم و از زاویه های گوناگون، بدین پرسش جواب می دهیم.

## ۱- قرآن و دین آینده جهان

در سوره «توبه» آیه سی و سوم، در مورد جهانی شدن اسلام و غلبه این دین مبین بر سایر ادیان چنین می فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

«اوست خداوندی که پیامبرش را با هدایت، و دین حق فرستاد، تا او را بر همه ادیان غالب گرداند، هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند».

در سوره «نور» آیه پنجاه و پنجم، در مورد این که دین پسندیده خدا، در زمین مستقر و پابرجا خواهد شد و خلافت روی زمین به مؤمنان و کسانی که عمل صالح دارند، خواهد رسید، چنین می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَمَكَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ ...»

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که خلافت روی زمین را به آن ها خواهد بخشید همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و مستقر کند.»

می دانیم دینی که خدا پسندیده، اسلام است چنانکه در سوره مائده، آیه ۳ می فرماید:

«... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ...»

«... امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم ...»

آنچه از این آیات بر می آید این است که اسلام بر تمام ادیان غالب خواهد شد و در زمین مستقر و پابرجا می شود. این وعده خدا تاکنون محقق نشده است و در آینده به دست صالحان محقق می شود.

## ۲- روایات اسلامی و دین آینده جهان

روایاتی که در رابطه با آینده جهان و جهانی شدن اسلام، در منابع مختلف شیعه و سنی آمده، بسیار زیاد و از حدّ احصا و شماره بیرون است. گر چه ما در فرصتهای مناسب بخش عمده ای از آنها را در طيّّی مباحث آینده به تفصیل نقل خواهیم نمود؛ ولی در عین حال، در اینجا نیز برای روشن شدن اذهان، قسمتی از آنها را برای خوانندگان عزیز نقل می نمایم.

اینک به نمونه هایی از این روایات توجه فرمایید:

پیامبر اکرم در حدیثی در رابطه با دین آینده جهان می فرماید:

«... تُمَلَأُ الْأَرْضُ مِنَ الْإِسْلَامِ، وَيَسْلَبُ الْكُفَّارُ مُلْكَهُمْ، وَلَا يَكُونُ مُلْكُ إِلَّا الْإِسْلَامَ، وَ تَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاتُورِ الْفِضَّةِ».(۱)

ص: ۳۶۱

---

۱- ۶۱۰. الملاحم و الفتن، باب ۱۷۸، ص ۱۷۳ و در چاپ دیگر، ص ۸۳، باب ۱۸۶، ط بیروت.

«در آن روز، آیین مقدّس اسلام سراسر روی زمین را فرا می گیرد، حکومت از دست کفّار گرفته می شود، حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود، و سرتاسر زمین همانند ورق نقره از هرگونه تیرگی پیراسته خواهد بود».

در حدیث دیگری در مورد جهانی شدن اسلام در زمان حضرت مهدی علیه السلام با تأکید بیشتر می فرماید:

«لَيَدْخُلَنَّ هَذَا الدِّينُ عَلَى مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ» (۱).

«تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، این آیین مقدّس نفوذ خواهد کرد».

امام حسین علیه السلام می فرماید:

«التَّاسِعُ مَنْ وُلِدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۲).

«نهمین فرزند من، امام قائم به حق است. خداوند به وسیله او زمین مرده را زنده می کند، و دین حق را به دست او بر تمام ادیان پیروز می گرداند اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند».

امام سجّاد علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْإِسْلَامَ قَدْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۳).

«بدون تردید خداوند به هنگام قیام قائم علیه السلام، اسلام را بر همه ادیان پیروز می گرداند».

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«الْقَائِمُ مَنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالتَّصِيرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، وَيُظْهِرُ اللَّهُ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۴).

ص: ۳۶۲

۱- ۶۱۱. مجازات النبویه، ص ۴۱۹؛ منتخب الاثر، ص ۱۶۰، فصل ۲، باب ۱، ح ۵۷.

۲- ۶۱۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۲۰۵، ح ۴؛ کفایه الاثر، ص ۲۳۲.

۳- ۶۱۳. ينابيع الموده، ج ۳، ص ۷۸؛ منتخب الاثر، ص ۲۹۴، ح ۵.

۴- ۶۱۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴؛ منتخب الاثر، ص ۲۹۲.

«قائم ما به وسیله رعب (در دل دشمنان) یاری می شود، و با نصرت الهی تأیید می گردد. زمین برای او در هم پیچیده می شود، و گنجهای زمین برای او ظاهر می شود، و دولت او به شرق و غرب جهان می رسد، و خداوند به وسیله او دین خود را بر همه ادیان پیروز می گرداند هر چند که مشرکان دوست نداشته باشند».

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ: أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» (۱).

«هنگامی که قائم ما قیام کند، هیچ نقطه ای در زمین باقی نمی ماند مگر این که آواز شهادت به توحید و یگانگی خدا و رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در آنجا بلند می شود».

بنا بر این، آنچه از مجموع روایات گذشته استفاده می شود این است که: سرانجام دین اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه ادیان جهان پیروز خواهد گردید، و این در هنگامی است که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند و حکومت واحد جهانی را تشکیل دهد و برنامه جهانی شدن اسلام و وعده های خداوند را تحقق بخشد.

برای روشن تر شدن مطلب، بحث پیش گفته را از نگاهی دیگر پی می گیریم.

### ۳- اسلام، دین همیشگی خدا

از بررسی آیات هدایت گر قرآن کریم استفاده می شود که دین در تمام دوران تاریخ بشر همواره یکی بوده، و آن «اسلام» بوده، و همه شریعت ها در زمان هر صاحب شریعت به نام اسلام تشریح شده تا در زمان رسالت خاتم انبیا حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم به اوج کمال رسیده و نام مخصوص شریعت حضرت ختمی مرتبت گردیده است.

بنابر این، طبق این توضیح و دلایلی که از قرآن خواهیم آورد، ریشه همه ادیان یکی است، و همه پیامبران از حضرت آدم علیه السلام تا وجود مقدس خاتم انبیا مردم را به سوی

ص: ۳۶۳

خدای یکتا دعوت نموده اند، ولی در میان تمام ادیان آسمانی تنها دین جامع و کامل، و دین پسندیده و مورد رضای خدا، و دین تکامل یافته، دین مبین اسلام است که با بعثت خاتم انبیا، نبوت به وجود مبارک آن حضرت ختم گردیده، و دین حق کامل شده، و پس از او پیغمبری نخواهد آمد، و دین او ابدی و جاودانی و خاتم ادیان است. از این رو، از نظر قرآن، دین انحصار به اسلام دارد، و هر کس غیر از اسلام دین دیگری را برای خود اختیار کند از او پذیرفته نمی شود.

به هر حال، بر اساس آیاتی که بیانگر آثار و حقیقت اسلام است، اسلام تنها دین حق، و دین خدا، و دین توحید، و دین همه پیامبران است که به سوی او دعوت نموده اند، و دین حق غیر از اسلام به حق نخواهد بود، و هر تعبیر دیگری که از دین حق شود اگر مفهومی مفهوم اسلام نباشد دین حق نیست؛ زیرا نه برای دین حق اسمی بهتر از اسلام می توان یافت، و نه برای انسان، کمال و مرتبه ای بالاتر از آن می توان تصور نمود.

به همین جهت خداوند در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسماعیل علیه السلام، پیامبر اکرم، حواریون حضرت عیسی علیه السلام، فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام، بلقیس و فرعون، به هنگام بحث از گروندگان به آیین حق، با لفظ «اسلام»، «مسلم» و «مسلمین» یاد فرموده است. اینک به چند آیه در این زمینه توجه فرمایید:

۱ - «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ». (۱)

«همانا دین در نزد خدا اسلام است».

۲ - «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّيَكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ ...» (۲)

«آیین پدرتان حضرت ابراهیم، او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید».

۳ - «وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (۳)

«با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم». (از زبان بلقیس)

ص: ۳۶۴

۱- ۶۱۶. سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۲- ۶۱۷. سوره حج، آیه ۷۸.

۳- ۶۱۸. سوره نمل، آیه ۴۴.



۴ - «نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (۱).

«ما یاوران خداییم، به خدا ایمان آوردیم. و تو گواه باش که ما اسلام آورده ایم». (از زبان حواریون حضرت عیسی علیه السلام)

۵ - «لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ \* وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (۲).

«میان هیچ یک از آنان [پیامبران] فرق نمی گذاریم و ما برای او اسلام آورده ایم \* و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است».

۶ - «فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (۳).

«ولی در آنجا جز یک خانه از مسلمانان نیافتیم». (از زبان فرشتگان در مورد قوم حضرت لوط).

۷ - «قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَاللَّهُ آبَائُكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (۴).

«گفتند: معبود تو و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق - معبودی یگانه - را می پرستیم و برای او اسلام آورده ایم». (از زبان فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام، خطاب به او هنگام رحلتش).

۸ - «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (۵).

«گفتار چه کسی بهتر است از آن کس که به سوی خدا دعوت کند و عمل شایسته انجام دهد و بگوید من از مسلمانانم؟».

از این آیات استفاده می شود که همه شرایع آسمانی در زبان صاحب شریعت «اسلام» نام داشته است، اگر چه ما آنها را به نامهای دیگری چون یهودیت، مسیحیت و غیر آنها می شناسیم، و این نامها به تناسب های دیگری اتخاذ شده است. و هیچ منافاتی هم

ص: ۳۶۵

۱- ۶۱۹. سوره آل عمران، آیه ۵۲.

۲- ۶۲۰. سوره آل عمران، آیه ۸۴ و ۸۵.

۳- ۶۲۱. سوره الذاریات، آیه ۳۶.

۴- ۶۲۲. سوره بقره، آیه ۱۳۳.

۵- ۶۲۳. سوره فصلت، آیه ۳۳.

ندارد که نام کلی ادیان آسمانی در نزد خدای تعالی همان اسلام بوده باشد؛ زیرا - چنان که گفتیم - ریشه همه ادیان آسمانی یکی است، و آن رشته گسترده ای است که از زمان آدم ابوالبشر توسط پیک و وحی بر دل پیامبران درخشیده و با رسالت خاتم انبیا به اوج کمال و تمام رسیده است.

آری! دین در پیشگاه خدا، اسلام است، و آن تسلیم در برابر ندای فطرت، تسلیم در برابر وحدانیت و یکتایی خدا، و تسلیم در برابر قدرت و عظمت خداوند ازل و سرمدی است. و اگر دین حضرت خاتم الانبیاء به این نام نامگذاری شده برای این است که «اسلام» تسلیم محض است، و اسلام هیچ کس به جز تسلیم شدن در برابر این دین، و پذیرفتن احکام و مقررات آن پذیرفته نیست؛ زیرا خدا واحد است، و دین حق واحد، و آن اسلام است که در مفهومش دوگانه پرستی و دوگانه خواهی و شرک وجود ندارد.

به گفته دکتر «گوستاولوبون» فرانسوی: «عقیده توحید، تاج افتخاری است که در بین ادیان بر سر اسلام نهاده شده است».<sup>(۱)</sup>

اسلام، همه مردم جهان را به سوی یک خدا می خواند، و تمام بشریت را به سوی یک دین دعوت می نماید، و تعلیماتش همه افراد بشر را به سوی یک جامعه سوق می دهد، و هیچ یک از اعتبارات و امتیازاتی که از آن، جامعه های کوچک و بزرگ فعلی بر اثر جنس و رنگ و نژاد به وجود آمده است به رسمیت نمی شناسد، بلکه تمام جهان و زمین پهناور خدا را وطن انسان اعلام می دارد.

به گفته یکی از دانشمندان محقق: «فکر گنجاندن بشریت در وطن واحد، بدون توجه به جنس، رنگ، زبان، و حدود جغرافیایی، هدیه ای است که اسلام آن را به مدیّت بشر اهدا کرده است».<sup>(۲)</sup>

آری! اسلام تنها دین حق، و دین تمام مردم جهان، و دین جامعه بشری است، و دعوتش بر اساس ایمان به خدا، توحید خالص، و نفی هرگونه شرک و کفر و الحاد است.

اسلام یگانه راه نجات، و یگانه عامل وحدت، و تنها دین جامع و کاملی است که تمام احکام و مقررات و اهداف توحیدی آن چون: وحدت دین، وحدت جامعه، وحدت

ص: ۳۶۶

---

۱- ۶۲۴. تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۱۴۲، به نقل از امامت و مهدویت.

۲- ۶۲۵. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۶۲.

نظام، وحدت قانون، وحدت رهبری، همه و همه برای نجات نسل بشر و سعادت و خوشبختی عموم مردم آمده است.

اسلام دینی است که شالوده و اساس آن بر پایه عقیده توحید و ایمان و اعتقاد به خدای یگانه نهاده شده، و با این اعتقاد، طرز تفکر انسانها را عوض می کند، و افکار جامعه را بالا می برد، و بینش افراد را وسیع می گرداند، و ملیتهای مختلف را بدون توجه به جنس، رنگ و زبان به دور خود جمع می کند، و سعادت دنیا و آخرت انسانها را تأمین می نماید، و هدفش آزاد ساختن بشر از زیر یوغ عادات زشت، آداب ناپسند، استعمار، استثمار و استعباد است.

و به همین جهت، قرآن کریم بشریت را به سوی یک دین و آیین، و یک هدف و مقصد، و اتحاد و وحدت عمومی دعوت می نماید، و با صدای بلند و رسا فریاد بر می آورد که:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (۱)

«بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگوئید: شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما]».

اسلام، دینی است که می خواهد حاکم بر مردم و جامعه، تنها، خدا و احکام خدا باشد، و در بین مردم تنها کتاب خدا حکومت کند، و رهبری جامعه را تنها کسی که از جانب خدا تعیین شده به عهده بگیرد. و به همین سبب، با تمام مظاهر شرک و بت پرستی، و انواع و اقسام ظلم و فساد و ستم مبارزه می کند تا کسی خود را صاحب اختیار و مالک جامعه و حاکم بر سر نوشت مردم نداند، و همه در سایه حکومت خدا، و منطقه زیر نفوذ خدا، و تعالیم عالیه اسلام در آسایش و آرامش زندگی کنند.

اسلام آمده است تا همه اُمّت‌ها و ملت‌ها را متحد ساخته، آنها را به یک اُمّت و ملت

ص: ۳۶۷

تبدیل نموده، و اساس همه تضادها، برخوردها، اختلافها و جداییها را که از کفر و شرک و پرستش غیر خدا مایه می‌گیرد، از ریشه و بن بخشکاند، و تمام اختلافات قومی، نژادی، ملی، وطنی، جغرافیایی، حزبی، مسلکی، و حتی اختلافات دینی را از میان ببرد، تا جایی که همه در برابر خدای تعالی خاضع و خاشع شوند، و تنها خدای یگانه را بپرستند، و در سایه حکومت یک دین، و یک رهبر، و یک قانون اساسی زندگی کنند. اسلام قبل از آن که دین یک جامعه و یک ملت باشد، دین جامعه بشری و آیین جهانی و نظام جامعه جهانی است، و نظام جهانی اسلام با هیچ یک از نظامهای حاکم بر جهان قابل مقایسه نیست.

بنابر این، اسلام و نظامش را نمی‌توان به یک ملت و یک جامعه و اهل یک منطقه اختصاص داد؛ بلکه آن، یک دین جامع جهانی است که همه باید به آن بگروند، همه باید یک خدا را پرستش کنند، و در یک جامعه زندگی کنند، و با یک نظام و قانون الهی سیر «الی الله» داشته باشند، و اسلام را که عالی‌ترین و کامل‌ترین طرح وحدت است، بپذیرند. و در برابر آن سر تسلیم فرود بیاورند تا آنجا که غیر از دین خدا و مملکت خدا، دین و مملکت دیگری در عالم، وجود نداشته باشد، و دین تماماً از آن خدا باشد.

اینک برای تکمیل بحث، مسأله خاتمیت اسلام و قرآن و پیامبر اکرم را از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی تحت چند عنوان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۴ - دعوت پیامبر اسلام، عمومی و جهانی است

بر اساس دلایل فراوانی که در قرآن کریم و روایات اسلامی آمده است دعوت و رسالت رسول گرامی اسلام، عمومی و جهانی است، و نبوت آن حضرت محدود به زمان خاص و مدت معینی نیست؛ بلکه تا انقراض جهان، و زمانی که نسل بشر در روی کره زمین وجود دارد، رهبری بشریت به عهده آن یگانه پیامبر بزرگ الهی است.

در این زمینه آیات چندی به خصوص در قرآن کریم وارد شده است که برای نمونه به آنها اشاره می‌کنیم.

۱ - در سوره نساء، آیه ۷۹ می‌فرماید:

«وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا».

ص: ۳۶۸

«ما تو را برای همه مردم به پیامبری فرستادیم».

۲ - در سوره اعراف، آیه ۱۵۸ می فرماید:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا».

«ای پیامبر! - به همه جهانیان بگو که من فرستاده خدا به سوی همگی شما می باشم».

۳ - در سوره سبأ، آیه ۲۸ می فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ».

«ما تو را به پیامبری مبعوث نمودیم مگر برای عموم جهانیان».

۴ - در سوره انبیاء، آیه ۱۰۷ می فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ».

«ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

با توجه به وسعت معنا و مفهوم کلماتی چون: «عالمین»، «ناس»، «کافه» و «جمیعاً» که در آیات یاد شده در مورد رسالت رسول گرامی اسلام استعمال شده، مسأله عمومی بودن دعوت پیامبر اکرم و جهانی بودن آیین مقدس اسلام بر همگان روشن است و نیازی به توضیح و تفسیر ندارد.

## ۵ - رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم خاتم پیامبران است

## ۵ - رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم خاتم پیامبران است

در سوره احزاب، آیه ۴۰ می فرماید:

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ».

«محمدصلی الله علیه وآله وسلم پدر هیچ یک از مردان شما نیست، و لکن او رسول خدا و خاتم پیامبران است».

از آنجا که در این آیه، در معرفی وجود مقدس خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم کلمه «خاتم» به کار رفته است، و بعضی ها ندانسته و نفهمیده - و برخی هم از روی شیادی و افکار وسوسه آمیز شیطانی - گفته اند: «خاتم» به معنی انگشتر است و چون انگشتر زینت انگشت است به همین جهت، «خاتم النبیین» به معنی زینت پیامبران است، و از آیه شریفه آخرین پیامبر بودن آن حضرت استفاده نمی شود؛ از این رو، ناگزیریم



مقداری در باره کلمه «خاتم» توضیح دهیم تا معلوم شود آنهایی که در دلالت آیه مذکور بر خاتمیت پیامبر اسلام و سوسه کرده اند تا چه حد از معنای این کلمه بی اطلاع بوده و یا خود را به بی اطلاعی زده اند.

خاتم چیست؟

همان گونه که ارباب لغت گفته اند: «خاتم» به معنی چیزی است که به وسیله آن، پایان داده می شود، و نیز به معنی چیزی آمده است که با آن، اوراق و مانند آن را مهر می کنند.

در کتب لغت عربی، میان معنی خاتم - به فتح تاء و کسر آن - فرقی نهاده و هر دو را به معنی آخر و خاتمه چیزی ذکر کرده اند.

در «اقرّب الموارد» و «قاموس»، کلمه خاتم - به کسر تاء و فتح آن - به معنی انگشتر، و آخر قوم، و عاقبت شیء و غیره آمده است.

در «مجمع البحرین» می گوید: «خاتم النبیین، ای: آخرهم لیس بعده نبی»؛ یعنی آخرین پیامبران که پس از وی پیغمبری نخواهد بود.

ناگفته نماند که پایان دادن و به آخر رساندن یکی از معانی «ختم» است، چنان که راغب در «مفردات» می گوید: «خَتَمْتُ القرآن»؛ یعنی قرائت قرآن را به آخر رساندم.

و در «صحاح» می گوید: «خَتَمْتُ القرآن»؛ یعنی به آخرش رسیدم.

ابن منظور در «لسان العرب» می گوید: «ختم فلان القرآن، إذا قرأه إلى آخره»؛ «فلانی قرآن را ختم کرد، یعنی قرائت قرآن را به آخر رساند».

و نیز می گوید: خاتم هر چیزی «پایان» و آخر آن است، و خاتمه سوره، آخر سوره است.

و ابن اثیر در «نهایه» در باره «خاتم سلطان» می گوید: وی برای ختم نامه احتیاج به «خاتم» دارد.

اینها همه به خاطر این است که کلمه «خاتم» از ریشه و ماده «ختم» به معنای پایان گرفته شده، و انگشتر را نیز از آن جهت «خاتم» گفته اند که نامه ها را با آن ختم و مهر می کرده اند؛ زیرا سابقاً مرسوم بوده است که اشخاص نام خود را روی نگین انگشتر ترسیم می نموده اند، و با آن، نامه ها و اسناد را مهر می زدند و به آن پایان می دادند، به

همین جهت در حالات پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام و دیگر شخصیتها از جمله مسایلی که در رابطه با شرح حال آنها مطرح می شود، نقش خاتم آنهاست.

در بعضی از تواریخ آمده است که یکی از حوادث سال ششم هجری این بود که پیامبر اکرم انگشتر نقش داری را برای خود انتخاب نمود، و علت این امر این بود که به آن حضرت عرض کردند: پادشاهان نامه های بدون مهر را نمی خوانند. (۱)

در کتاب «طبقات» آمده است: هنگامی که پیامبر گرامی اسلام تصمیم گرفت دعوت خود را گسترش دهد و به پادشاهان و سلاطین روی زمین نامه بنویسد، دستور داد انگشتری برایش ساختند که روی آن «محمّد رسول الله» حک شده بود، و نامه های خود را با آن مهر می کرد. (۲)

در کتاب شریف «کافی» نیز حدیثی از امام صادق علیه السلام در رابطه با نقش نگین پیامبر روایت شده که حضرت فرمود:

«کان نقش خاتم النبى محمّد رسول الله». (۳)

«نقش انگشتر پیامبر «محمّد رسول الله» بود».

در همین رابطه، جرجی زیدان در کتاب «تاریخ تمدن اسلام» ذیل کلمه «خاتم» می گوید:

«همین که پیغمبر اسلام در صدد نامه نوشتن به شاهنشاه ایران و امپراطور روم بر آمد به حضرتش یاد آور شدند که اگر نامه بدون مهر باشد ایرانیان آن را نمی پذیرند، پیغمبر مهری از نقره تهیه فرمود که روی آن جمله «محمّد رسول الله» نقش شده بود». (۴)

با این بیان به خوبی روشن می شود که گرچه کلمه «خاتم» به انگشتر زینتی اطلاق می شود؛ ولی ریشه اصلی آن از «ختم» به معنی «پایان» گرفته شده، و در روزگار گذشته به انگشترهایی که با آن نامه ها را مهر می کردند «خاتم» می گفتند.

ص: ۳۷۱

۱- ۶۲۷. سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۷۶ ماده «ختم»

۲- ۶۲۸. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۲۲، ذکر خاتم رسول الله.

۳- ۶۲۹. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۱؛ سنن بیهقی، ج ۱۰، ص ۱۲۸، باب ختم الکتاب.

۴- ۶۳۰. قاموس قرآن، ج ۲، ص ۲۲۶.



علاوه بر این، این ماده در قرآن کریم در موارد متعددی به کار رفته، و در همه جا به معنی پایان دادن و مهر نهادن است، از جمله:

«خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ...» (۱)

«خداوند بر دلها و گوشهای آنان - منافقان - مهر نهاد.»

«الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ...» (۲)

«امروز - روز قیامت - بر دهان هایشان مهر می نهیم.»

و چند مورد دیگر که در همه جا «نختم»، به معنی پایان دادن و مهر نهادن آمده است.

### دلایل خاتمت پیامبر اسلام در روایات

گرچه آیاتی که متذکر شدیم برای اثبات عمومیت دعوت پیامبر و خاتمت آن حضرت کفایت می کند؛ ولی باید توجه داشت که دلایل خاتمت پیامبر منحصر به آیات قرآنی نیست؛ بلکه در این زمینه روایات فراوانی از خود آن حضرت و سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز رسیده است که برای نمونه، برخی از آنها را در اینجا می آوریم:

۱ - در حدیث مشهوری که در بسیاری از منابع اهل سنت از پیامبر اکرم نقل شده، آمده است که آن حضرت فرمود:

«إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ. إِلَّا مَوْضِعَ لَبْنِهِ مِنْ زَاوِيَةٍ، فَجَعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ وَيَعْجَبُونَ لَهُ وَيَقُولُونَ: هَلَّا وُضِعَتْ هَذِهِ اللَّبْنَةُ؟»

قال: فَأَنَا اللَّبْنَةُ، وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ...» (۳)

«مثل من در مقایسه با انبیای پیش از من، همانند مردی است که خانه ای بنا کند و در کمال و زیبایی آن بکوشد و فقط در گوشه ای از آن جای خشتی باقی بگذارد، و مردم گرد آن بگردند و بگویند: بنایی زیباتر از این نیست جز این که

ص: ۳۷۲

۱- ۶۳۱. سوره بقره، آیه ۷.

۲- ۶۳۲. سوره یس، آیه ۶۵.

۳- ۶۳۳. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۰۹۷۳، از ابواب و کتب صحیح بخاری؛ کتاب المناقب، باب ۱۸، ح ۳۵۳۴ و ح ۳۵۳۵.

جای یک خشت آن خالی است.

سپس فرمود: من به جای همان خشت هستم و انبیا با آمدن من به آخر رسیدند».

و در حدیث دیگری در ذیل آن آمده است که پیامبر اکرم فرمود:

«فَأَنَا مَوْضِعُ اللَّيْنِ، جِئْتُ فَخَتَمْتُ الْأَنْبِيَاءَ» (۱).

«من به جای همان خشت آخرینم، آمدم و پیامبران را پایان دادم».

۲ - حدیث معروف «منزلت» که در رابطه با مسأله جانشینی امیر مؤمنان علی علیه السلام به جای پیامبر در مدینه، به هنگام رفتن رسول خدا به جنگ «تبوک» است، و این حدیث در کتب مختلف شیعه و سنی نقل شده و اکثر بزرگان اهل سنت آن را از پیامبر نقل کرده اند، آمده است که پیامبر اکرم به علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (۲).

«تو نسبت به من، به منزله هارون نسبت به حضرت موسی علیه السلام هستی جز این که بعد از من پیامبری نیست».

۳ - در پایان خطبه حجه الوداع که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به عنوان یک وصیت نامه جامع برای مردم ایراد نموده، آمده است که آن حضرت فرمود:

«أَلَا فَلْيُبَلِّغْ شَاهِدُكُمْ غَائِبُكُمْ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا أُمَّهَ بَعْدُكُمْ» (۳).

«این سخن را حاضران به غائبان برسانند که بعد از من پیامبری نیست، و پس از شما - اُمت اسلام - اُمتی نخواهد بود».

۴ - در بسیاری از خطبه های «نهج البلاغه» نیز مسأله خاتمیت پیامبر اسلام صریحاً آمده است از جمله:

در نخستین خطبه «نهج البلاغه» امیر مؤمنان علی علیه السلام پس از بر شمردن برنامه های پیامبران گذشته می فرماید:

ص: ۳۷۳

۱- ۶۳۴. صحیح مسلم، ج ۱۵ - ۱۶، کتاب الفضائل، ص ۵۲.

۲- ۶۳۵. الصواعق المحرقة، ص ۱۷۷؛ ذخائر العقبی، ص ۷۹؛ تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۴۵۳.

۳- ۶۳۶. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۸۱، ح ۸.

«... بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ لِانْجَازِ عِدَّتِهِ وَ إِتْمَامِ نُبُوتِهِ» (۱).

«خداوند سبحان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرستاده خود را برای تحقق بخشیدن به وعده هایش و پایان دادن به سلسله انبیا و پیامبران مبعوث فرمود».

و در خطبه دیگر در توصیف پیامبر اسلام می فرماید:

«أَمِينٌ وَحِيٍّ، وَخَاتَمٌ رُسُلِهِ، وَبَشِيرٌ رَحْمَتِهِ، وَنَذِيرٌ نَقْمَتِهِ» (۲).

«او امین وحی خدا، و خاتم پیامبران، و بشارت دهنده رحمت خدا، و بیم دهنده از عذاب الهی بود».

و در یک خطبه دیگر در مورد بعثت آن حضرت می فرماید:

«أَرْسَلَهُ عَلَيَّ حِينَ فَتَرَهُ مِنَ الرُّسُلِ، وَ تَنَازَعِ مِنَ الْأَلْسُنِ، فَقَفَى بِهِ الرُّسُلَ، وَ خَتَمَ بِهِ الْوَحْيَ» (۳).

«خداوند عالم، پیامبر اسلام را پس از دوران فترت - در زمانی که هیچ پیامبری باقی نمانده بود - به رسالت فرستاد، و این در حالی بود که نزاع و درگیری لفظی میان مذاهب مختلف همچنان ادامه داشت، و خداوند او را بعد از همه پیامبران به پیامبری مبعوث نمود، و وحی آسمانی را به وسیله آن حضرت پایان داد».

۵ - در حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است که فرمود:

«عده ای یهودی نزد پیامبر آمدند و گفتند: ای محمد! تویی که گمان می بری فرستاده خدایی و همانند حضرت موسی علیه السلام بر تو وحی فرستاده می شود؟!»

پیامبر کمی سکوت کرد، سپس فرمود: آری! منم سید فرزندان آدم و به این افتخار نمی کنم، من خاتم پیغمبران، و پیشوای پرهیزکاران، و فرستاده پروردگار جهانیانم» (۴).

۶ - در ضمن حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

ص: ۳۷۴

۱- ۶۳۷. نهج البلاغه فیض، ص ۳۵، خ ۱.

۲- ۶۳۸. همان، ص ۵۵۸، خ ۱۷۲.

۳- ۶۳۹. همان، ص ۴۱۲، خ ۱۳۲.

۴- ۶۴۰. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۴۳.

«... لَقَدْ خَتَمَ اللَّهُ بِكِتَابِكُمُ الْكُتُبَ، وَ خَتَمَ بِنَبِيِّكُمْ الْأَنْبِيَاءَ» (۱).

«خداوند با کتاب آسمانی شما - قرآن - به همه کتابهای آسمانی پایان داد و با پیامبر شما سلسله انبیاء را به پایان رسانید».

۷ - در حدیث دیگری که در همین زمینه از امام صادق علیه السلام روایت شده چنین آمده است که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ خَتَمَ بِنَبِيِّكُمْ النَّبِيِّينَ فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَ خَتَمَ بِكِتَابِكُمُ الْكُتُبَ فَلَا كِتَابَ بَعْدَهُ أَبَدًا» (۲).

«خدای تعالی، با پیامبر شما سلسله انبیا را ختم نمود، پس هرگز بعد از او پیامبری نخواهد آمد، و با کتاب آسمانی شما - قرآن - به تمام کتابهای آسمانی پایان داد، پس هرگز کتابی بعد از آن نازل نخواهد شد».

احادیثی که در این زمینه در منابع اسلامی وارد شده بسیار زیاد و فراوان است، به طوری که در کتاب «معالم النبوه»، ۱۳۵ حدیث از کتابهای علمای اسلام از شخص پیامبر گرامی اسلام و سایر پیشوایان بزرگ اسلام در این باره گرد آوری شده است.

## ۶ - قرآن کریم، خاتم کتب آسمانی است

## ۶ - قرآن کریم، خاتم کتب آسمانی است

تردیدی نیست که قرآن کریم، بزرگترین هدیه الهی برای بشریت و همه انسانهاست که آنها را به سوی سعادت و خوشبختی، نجات و رستگاری جاودان هدایت می کند، و مهمترین دلیل بر حَقانیت اسلام و رسالت جاودانه پیامبر گرامی اسلام است که از میان تمام معجزات و خارق عاداتی که از آن حضرت صادر شده، برترین سند حَقانیت آن بزرگوار است.

به اتفاق تمام فرق اسلامی، «قرآن» یک معجزه بزرگ آسمانی، و کتابی برتر و بالاتر از افکار و اندیشه بشر است که علاوه بر این که محور اتحاد و اتفاق بین همه مسلمانان است می تواند مرجعی برای رفع اختلافات گروهی و فرقه ای بوده و خطوط اصلی دین را به همه حق جویان بنمایاند.

ص: ۳۷۵

۱ - ۶۴۱. کافی، ج ۱، ص ۱۷۷، حدیث ۴.

۲ - ۶۴۲. همان، ص ۲۶۹، حدیث ۳.

قرآن، کتابی است که همواره با بیان اعجاز آمیز خویش، حجت را بر همه جهانیان تمام نموده، جویندگان حق را به مدارج عالی روحانی و عقلی عروج داده، خفاشان، معاندان و ستیزه جویان را به خاک مدلت و بدبختی نشانده، و در همه قرون و اعصار، صورت و معنی واقعی خود را همچنان محفوظ نگهداشته، و هرگز مورد دستبرد، و تغییر و تبدیل قرار نگرفته، و تاکنون کسی نتوانسته است کتابی مانند آن بیاورد، و در آینده هم کسی نخواهد توانست حتی یک آیه مانند آیات آن بیاورد.

قرآن، معتبرترین سند برای اثبات معارف و احکام اسلامی است که خدای قادر و توانا، بقا و جاودانگی آن را برای همیشه ضمانت نموده، و از تحریف و دستبرد مصون داشته است، چنان که در این باره می فرماید:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».

«ما قرآن را فرو فرستادیم، و ما خود نگهدارنده آن هستیم».(۱)

قرآن، کتابی است که برای سعادت بشریت و خوشبختی همه انسانها نازل شده، و تمام نیازمندهای بشر در آن منعکس گردیده، و برای کسانی که در برابر حق سر تسلیم فرود می آورند مایه هدایت، رحمت و بشارت به نعمتهای ابدی و جاودانی است، چنان که خداوند می فرماید:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ».(۲)

«ما این کتاب - قرآن - را بر تو نازل کردیم تا بیان کننده هر چیز بوده، و راهنما و رحمت و مژده ای برای مسلمانان باشد».

و در آیه دیگر می فرماید:

«مَا قَرَأْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ».

«ما در این کتاب، از بیان هیچ چیز فروگذار نکرده ایم».(۳)

و در یک آیه دیگر می فرماید:

ص: ۳۷۶

۱- ۶۴۳. سوره حجر، آیه ۹.

۲- ۶۴۴. سوره نحل، آیه ۸۹.

۳- ۶۴۵. سوره انعام، آیه ۳۸.

«وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (۱).

«هیچ تر و خشکی نیست جز آن که در این کتاب مبین - و قرآن عظیم - بیان شده است».

آری! با آن که قرآن در زمان خاصی نازل شده و با مردم خاصی سخن گفته، و در مکان مشخصی نازل گردیده است، در عین حال، مرز زمان و مکان را در هم شکسته و ما فوق زمان و مکان قرار گرفته، و هیچ گونه وابستگی به زمان و مکان ندارد؛ زیرا این کتاب بزرگ الهی - بر خلاف سایر کتب آسمانی - تنها برای بعضی از ازمه و اعصار نازل نشده است؛ بلکه کتاب ابدی و جاودانی است که تا انقراض بشر، راهنمای ره گم گشته گان و حق جویان خواهد بود.

آری! قرآن کتابی است که حاوی انواع و اقسام شواهد اعجاز است. و الفاظ آن، اعجاز آمیز و معانی آن، اعجاز آمیز تر، و چشمه های علوم و دانش و حکمت از سراسر آیات آن می جوشد. و آن معجزه ای گویا، جهانی، جاودانی و روحانی است که بزرگترین معجزه، و بالاترین گواه صدق پیامبر گرامی اسلام و خاتم تمام کتابهای آسمانی است.

به هر حال، این کتاب بزرگ الهی در آیاتی چند خود را خاتم کتب آسمانی معرفی نموده، و نزول هر کتاب آسمانی دیگر را پس از خود ممنوع و ممتنع دانسته است که برای نمونه به چند آیه اشاره می کنیم:

۱ - در سوره انعام، آیه ۱۱۵ چنین می فرماید:

«وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

«- ای پیامبر! - سخن پروردگارت که راهنمای راستی و عدالت است - با نزول قرآن - پایان یافت، هیچ کس یارای آن را ندارد که کلمات او را دگرگون سازد، و او شنوا و داناست».

۲ - در سوره کهف، آیه ۲۷ چنین می فرماید:

«وَأَنْتَ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا».

«- ای پیامبر! - آنچه از آیات کتاب پروردگارت بر تو وحی شده تلاوت کن».

ص: ۳۷۷

هیچ چیز، کلمات او را دگرگون نمی سازد، و به جز او ملجأ و پناهگاهی نتوانی یافت».

۳- در سوره سجده (فصلت)، آیات ۴۱ و ۴۲ چنین می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ \* لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ».

«کسانی که به این ذکر الهی - قرآن - هنگامی که به سراغ آنها آمد، کافر شدند - در گمراهی آشکارند - و این قرآن به طور قطع کتابی است شکست ناپذیر که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو، و نه از پشت سر به سراغ آن نخواهد آمد، چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش، نازل شده است».

از این آیات به خوبی استفاده می شود که «قرآن کریم» دارای حاکمیت مطلق و غلبه کلی بر تمام کتب آسمانی است، زیرا مطابق آیات یاد شده، نه کسی می تواند حقایق آن را ابطال کند، و نه در آینده منسوخ می گردد، نه آیه و کلمه ای از آن کم شده، و نه چیزی بر آن افزوده می شود، نه خط نسخ و بطلان بر آن کشیده می شود، و نه دست تحریف به سوی آن دراز می گردد.

و به طور خلاصه، «قرآن» کتابی است که هیچ گونه باطلی به سراغ آن نخواهد آمد، چرا که این کتاب آسمانی شکست ناپذیر، از سوی خداوند حکیم و قادر علی الاطلاق نازل شده، و آیاتش محکم و ابدی است، و آنچه ذات اقدس حضرت احدیت فرموده است از روی حکمت و مصلحت است. از این رو، «قرآن» کتاب همیشه - جاوید -، و تا انقراض جهان رهبر و راهنمای آدمیان، و پناهگاه ره گم گشته گان، و خاتم کتب همه پیامبران است که جریان انوار هدایتش همچون جریان تابش خورشید و ماه تا به ابد ادامه خواهد داشت.

### خاتمیت قرآن در روایات

علاوه بر آیاتی که متذکر شدیم در برخی از فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام نیز «خاتمیت قرآن» مطرح شده است که برای نمونه ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقِهِ، وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ

«این را بدانید که پس از تابش انوار هدایت قرآن هیچ کس - به کتاب و قانون دگری - نیاز ندارد، و هرگز احدی پیش از آشنایی با قرآن از آن بی نیاز نیست».

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَ جَعَلْتَهُ مُهَيْمِنًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ. وَ فُوقَانَا فَرَّقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ، وَ قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ، وَ كِتَابًا فَضَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلاً، وَ وَحِيًّا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - تَنْزِيلاً» (۲).

«خداوند! تو مرا بر - خواندن قرآن - کتاب خود یاری نمودی، همان کتابی که آن را نور و روشنایی فرستادی، و بر هر کتابی که فرو فرستاده بودی گواه قرار دادی، و بر هر سخنی که از پیش گفته بودی برتری بخشیدی. و آن را وسیله جدایی حلال از حرام ساختی، و بیان نامه احکام و قوانین دینت قرار دادی، و کتابی که برای بندگانت به شرح و تفصیل آن پرداختی، و وحیی که آن را بر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرو فرستادی».

امام باقر علیه السلام پنجمین پیشوای معصوم شیعه، مسأله «خاتمیت قرآن» را در یک حدیث دیگر مورد تأکید قرار داده و در باره جامعیت قرآن چنین می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَ بَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ» (۳).

«خداوند تبارک و تعالی آنچه را که اُمت تا روز قیامت به آن نیازمند است فروگذار ننموده، و آن را در کتاب خود، - قرآن کریم - فرو فرستاده و برای پیامبرش بیان فرموده است».

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ص: ۳۷۹

۱- ۶۴۷. نهج البلاغه فیض، ص ۵۶۷ و صبحی صالح، ص ۲۵۲، خطبه ۱۷۶.

۲- ۶۴۸. صحیفه سجادیه، دعای ۴۲.

۳- ۶۴۹. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۸۴ ح ۱۶، به نقل از بصائر الدرجات ص ۶.



«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۱).

«خداوند متعال قرآن را مخصوص زمانی خاص غیر از زمانهای دیگر، و مردمانی جز مردمان دیگر، قرار نداده است. به همین جهت است که قرآن تا روز قیامت در هر زمانی، نو و جدید، و در نزد هر قوم و ملت، تازه است».

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«الْقُرْآنُ ... هُوَ حَبِيلُ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ عُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ طَرِيقَةُ الْمُتَلِي الْمُوَدَّى إِلَى الْجَنَّةِ، وَ الْمُنْجَى مِنَ النَّارِ، لَا يَخْلُقُ مِنَ الْأَزْمِنَةِ، وَ لَا يَغْتَبِ عَلَى الْأَلْسِنَةِ، لِأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، بَلْ جُعِلَ دَلِيلُ الْبُرْهَانِ، وَ حُجَّةٌ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ» (۲).

«قرآن ریسمان محکم خدا، و دستگیره مطمئن او و راه نمونه او است، که به بهشت می رساند، و از آتش می رهاوند؛ با گذشت زمان کهنه نمی شود، و بر زبانها ناخوش نمی آید؛ زیرا برای زمان خاصی جز زمان دیگر قرار داده نشده، بلکه دلیل و برهان است، و بر هر انسانی حجت است».

اینها قسمتی از انبوه روایاتی است که گواه خاتمیت قرآن است، و ابدیت این کتاب بزرگ آسمانی را به عنوان آخرین کتاب اثبات می کند، و آن را به طور انحصار تا روز قیامت راهنما و پناهگاه بشریت معرفی می نماید.

آری! قرآن خاتم کتب آسمانی است، کتابی است که پس از او کتاب دیگری نخواهد آمد، کتابی است که پس از گذشت سالها از رحلت رسول گرامی اسلام مانند زمان خود آن حضرت، به دعوت خود ادامه می دهد، و گذشت زمان و پیشرفت علم و عقل هرگز نخواهد توانست آن را کهنه و فرسوده سازد. زیرا این کتاب بزرگ الهی، کتاب هدایت و روشنی است، کتاب نور و رحمت است، کتاب احکام و قوانین فراگیر، و کتاب همیشه برای بشریت است. خدا آن را برای همه انسانها و همه زمانها حجت و برهان قرار داده، و تا انقراض جهان در تمام اعصار و شئون زندگی راهنمای همه انسانها خواهد بود.

ص: ۳۸۰

۱- ۶۵۰. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۴۴.

۲- ۶۵۱. همان، ج ۹۲، ص ۱۴، ح ۶- عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۳۰.

## ۷- دین اسلام، خاتم ادیان است

طبق صریح آیات قرآن کریم و روایات وارده از معصومین علیهم السلام دین مبین اسلام، دینی است ابدی و جاودانی که پروردگار بزرگ عالمیان آن را در میان تمام ادیان آسمانی برگزیده، و عمرش را همدوش عمر عالم انسانی و حیات بشریت قرار داده، و احکام و قوانین آن را محکم و استوار نموده، و آن را خاتم ادیان معرفی نموده است. آیاتی که در این زمینه در قرآن کریم وارد شده فراوان است که ما به ذکر نمونه هایی از آنها اکتفا می کنیم.

۱- در سوره آل عمران، آیه ۱۹ می فرماید:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ».

«دین در پیشگاه خدا فقط اسلام است».

۲- و باز در همین سوره آل عمران، آیه ۸۵ می فرماید:

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ».

«هر کس به جز اسلام آیین دیگری را اختیار کند هرگز از او پذیرفته نمی شود و در آخرت از زیانکاران است».

۳- در سوره مائده، آیه ۳ می فرماید:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا».

«امروز، دین را برای شما تکمیل نمودم، و نعمتم را برای شما تمام کردم، و راضی شدم که برای همیشه اسلام دینتان باشد».

۴- در سوره بینه، آیه ۵ می فرماید:

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ».

«- مشرکین - دستوری ندارند جز این که خدای را با تئیت پاک پرستش کنند، و از شرک به توحید باز گردند، و نماز بخوانند، و زکات بدهند، و اینست آیین ثابت و پایدار و جاودان».

چنان که روشن است این آیات، دین مبین اسلام را دین خالص پروردگار، و پابرجا ترین راه هدایت، و آیین استوار و زوال ناپذیر، اعلام نموده، و گرویدن به غیر از آن

را تا انقراض جهان غیر قابل قبول دانسته، و آن را تنها دین جامع و کامل و مورد رضای خدا و خاتم تمام ادیان الهی، و کمال و بلوغ دیانت و تمام نعمت معرفی فرموده است که احکام و قوانین آسمانی آن، چنان محکم و استوار است که ابدی و جاودانی و تا روز قیامت ثابت و پابرجاست، و هر کس غیر از آن، دین دیگری را اختیار کند نه تنها از او پذیرفته نمی شود، بلکه در برابر آن مجازات هم خواهد گردید.

به هر حال، هر چند که آیات یاد شده برای اثبات «خاتمیت اسلام» کفایت می کند؛ ولی در عین حال، باید توجه داشت که دلیل خاتمیت اسلام منحصر به آنها نیست؛ زیرا هم آیات دیگری در قرآن وجود دارد که به این معنی اشاره می کند، و هم روایات فراوانی از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است که به ابدیت و جاودانگی اسلام تصریح می نماید.

اینک به چند نمونه از روایاتی که در این مورد می آوریم، توجه فرمایید:

۱ - در تفسیر کبیر فخر رازی، و تفسیر «مجمع البیان» و تفسیر قرطبی، و صحیح بخاری، در حدیث معروفی از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که فرمود:

«بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ» (۱).

«قیام و نهضت من و رستاخیز مانند دو انگشت دست با هم برابر است».

این جمله کنایه از این است که عمر شریعت آن حضرت با عمر جهان یکسان است، یعنی دین او ابدی و جاودانی است و بعد از شریعت اسلام، شریعتی نخواهد آمد.

۲ - در حدیث معروف دیگر از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

«حَلَالٌ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامٌ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۲).

«حلال من - برای همیشه - تا روز قیامت حلال است، و حرام من - برای همیشه - تا روز قیامت حرام است».

این تعبیر نیز بیانگر ادامه شریعت اسلام تا پایان جهان می باشد.

۳ - امیر مؤمنان علی علیه السلام در «نهج البلاغه» ضمن خطبه ای به ابدیت اسلام و جاودانگی آن تصریح نموده و می فرماید:

ص: ۳۸۲

---

۱- ۶۵۲. تفسیر فخر رازی ج ۲۹، ص ۲۹؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۹ آیه اول سوره انبیاء؛ تفسیر قرطبی، ذیل آیه ۱۸ از سوره محمد؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۵۵۴، در تفسیر سوره نازعات.

۲- ۶۵۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۷.

«ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينَ اللَّهِ الَّذِي اضْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ، وَاضْطَنَعَهُ عَلَى عَيْنِهِ، وَأَصْفَاهُ خَيْرَ خَلْقِهِ، وَأَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ، أَذَلَّ الْأُذْيَانَ بِعِزَّتِهِ، وَوَضَعَ الْمَلَمَلَ بِرَفْعِهِ، وَأَهَانَ أَعْيِدَانَهُ بِكَرَامَتِهِ، وَخَذَلَ مُحَادِيهِ بِنَضِيرِهِ، وَهَيَّأَ أَرْكَانَ الضَّلَالَةِ بِرُكْنِهِ ... ثُمَّ جَعَلَهُ لَا انْفِصَامَ لِعُرْوَتِهِ، وَلَا فَكَّ لِحَلْقَتِهِ، وَلَا انْهَادَ لِأَسَاسِهِ، وَلَا زَوَالَ لِدَعَائِمِهِ، وَلَا انْقِلَاعَ لِشَجَرَتِهِ، وَلَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِّهِ، وَلَا عَفَاءَ لِشَرَائِعِهِ، وَلَا جَدَّ لِفُرُوعِهِ ...» (۱)

«این اسلام، دین خداست، و آیینی است که پروردگار بزرگ آن را در میان ادیان برای خود برگزیده، و آن را با نظر عنایت خویش به وجود آورده، و برای تبلیغ آن بهترین آفریدگان خود - حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم - را اختیار نموده، و ستون هایش را بر اساس دوستی و محبت خویش بنا نهاده است.

با عزت بخشیدن به اسلام ادیان دیگر را خوار و ذلیل نموده، و با برتری دادن به اسلام دیگر ملتها را پست و حقیر شمرده، و با عظمت دادن به اسلام دشمنان را کوچک و بی اعتبار گردانیده، و با یاری دادن به اسلام مخالفان را زبون ساخته، و با استوار ساختن اسلام پایه های گمراهی را ویران کرده است.

اساس اسلام را آنچنان محکم و استوار نموده که نه دستاویز آن از هم می گسلد، و نه رشته ارتباطش از هم باز می شود، نه اساس آن منهدم می گردد، و نه پایه هایش فرو می ریزد، نه درخت تنومندش از ریشه بیرون می آید و نه مدتش پایان می پذیرد، نه احکام و قوانینش از بین می رود و نه شاخه هایش کنده می شود».

۵ - در حدیث دیگری که در همان کتاب «کافی» از امام صادق علیه السلام نقل شده، چنین آمده است که فرمود:

«حَلَالٌ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَلَالٌ أَيْدِئاً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَحَرَامٌ حَرَامٌ أَيْدِئاً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِي غَيْرُهُ» (۲).

«حلال محمدصلی الله علیه وآله وسلم - برای همیشه - تا روز قیامت حلال است، و حرام او

ص: ۳۸۳

۱- ۶۵۴. نهج البلاغه فیض، ص ۶۳۸، خ ۱۸۹ و صبحی صالح ص ۳۱۳ خ ۱۹۸.

۲- ۶۵۵. کافی، ج ۱، ص ۵۸، ح ۱۹.

- برای همیشه - تا روز قیامت حرام است، غیر آن نخواهد بود و غیر از او نخواهد آمد» (۱).

آنچه تا اینجا مورد بحث و بررسی قرار گرفت، مسأله خاتمیّت اسلام از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی بود که به روشنی گواهی می‌دادند که دین، انحصار به «اسلام» دارد، و پس از آمدن اسلام، دین و شریعتی نخواهد آمد، و هر کسی دین و آیین دیگری برای خود اختیار کند از او پذیرفته نخواهد شد.

با توجه به آن چه گذشت به این نتیجه می‌رسیم که:

۱ - دین، در پیشگاه خدا اسلام است، و اسلام، دین حق، دین خدا، دین توحید، دین همه پیامبران، و دین جامعه جهانی، و دین تمام بشریت است، و پس از اسلام، هیچ دین و آیینی از کسی پذیرفته نمی‌شود.

۲ - رسالت رسول گرامی اسلام جهانی و همگانی است، و پیامبر اکرم برای هدایت و راهنمایی همه جهانیان مبعوث شده است.

۳ - قرآن کریم، قانون اساسی اسلام، و تنها کتابی است که تمام ابعاد زندگی انسان را مطرح نموده، و برای سعادت افراد بشر و همه انسانها آمده است.

۴ - امامت و رهبری نیز که یک بُعد آن، زمامداری، تنظیم و تدبیر امور جامعه است، پیشوایی و رهبری همه مردم است که «امام» به همه اقشار ملت و جامعه تعلق دارد چنان که خداوند در قرآن کریم در مورد امامت حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

«إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (۲).

«من تو را امام - و پیشوای - همه مردم قرار دادم».

از آنچه تا اینجا گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که: «اسلام» با آن تعلیمات، تشریحات، و قوانین جامع و کاملش - که از لحاظ جهان بینی و جهانداری و تأمین احتیاجات فردی، اجتماعی، مادی و معنوی برای سعادت و خوشبختی بشریت آمده، و در تمام مراحل زندگی و در همه زمانها، با تمام ترقی و پیشرفت و تکامل عقل و علم قابل تطبیق است - ناچار باید به یک حکومت متحد جهانی و نظام عادلانه اسلام منتهی گردد

ص: ۳۸۴

۱- ۶۵۶. کافی، ج ۱، ص ۵۸، ح ۱۹.

۲- ۶۵۷. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

که محور تمام امور در آن حکومت و نظام، خدا، احکام خدا، و تعالیم عالیّه اسلام باشد.

بنابر این، جای هیچ گونه شکّ و تردید نیست که تأسیس حکومت واحد جهانی و ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام با وحدت جامعه و جهانی شدن اسلام ارتباط کامل دارد، و برای اتمام نویدهای قرآن کریم، ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک امر حتمی و لازم است، چه آن که بدون تحقّق وعده های قرآن و ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام اسلام ناتمام است، و آن گونه که باید، رسالت جهانی خود را ایفا ننموده است.

ص: ۳۸۵

شامل:

- ۱- عوارض شوم تمدن صنعتی
- ۲- انتقاد دانشمندان غربی از تمدن کنونی
- ۳- اختراع سلاح های مرگبار و هزینه های سنگین
- ۴- جنگ جهانی سوم ، ارمغان تمدن صنعتی
- ۵- ضرورت تشکیل حکومت جهانی
- ۶- اعتراف دانشمندان به لزوم حکومت جهانی
- ۷- خبر سطح کاهن درباره مصلح موعود

ص: ۳۸۶





نگاهی تند و گذرا به تاریخ تمدن کنونی، این حقیقت را به خوبی روشن و مسلّم می سازد که بشر امروز نه تنها با پیشرفت سریع و روز افزون علم و دانش، خود را خوشبخت و کامیاب نمی بیند؛ بلکه بر عکس، با تمام وجود در ماندگی و سرخوردگی و سرگردانی خود را درک می کند، و خود را بی پناه می بیند، و بر زندگی ماشینی و تمدن صنعتی لعنت می فرستد؛ چرا که همه گرفتاریها، نگرانیها، درگیریها و ستم ها را معلول همین تمدن صنعتی و زندگی ماشینی می داند.

راستی مگر نه این است که بسیاری از مشکلات اجتماعی کنونی زائیده همین تمدن صنعتی و زندگی ماشینی است؟ مگر نه این است که پایه های کاخهای پوشالی زور مداران بر اساس توّسل به همین اختراعات استوار گشته، و آنها هر روز کاخ هایی بلندتر، بنا می کنند تا انسان را از خود و خدا بیگانه سازند و ثروت و ذخایر ملّتها را به یغما ببرند؟ مگر نه این است که ریشه همه قتل و غارت ها، تخریب شهرها و روستاها، در به در نمودن انسانها و آواره ساختن هزاران هزار انسان بی پناه از زن و مرد و کودک، پیر و جوان، همه و همه بر اثر پیشرفت سریع همین صنعت و تکنیک و تکنولوژی جدید است که آرامش و آسایش و امتیّت را از همه مردم جهان سلب نموده، و می رود تا آتش جنگ جهانی سوّم را علیه بشر بر افروخته و جهانیان را در کام زوال و نابودی کامل قرار دهد؟

مگر نه این است که در تمدن کنونی، ترس و وحشت، دلهره و اضطراب، تنگی و حیرت در همه جا دامن گسترده، و همگان از مسابقات تسلیحاتی و رقابت خطرناک قدرتهای جهانی انگشت حیرت به دندان گرفته اند که مبادا با جرقه کوچکی آتش جنگ جهانی سوّم روشن شده و بشریّت را در کام خود فرو ببرد؟

امروزه، برای همه حتی سردمداران سیاست و زمامداران بزرگ جهان، روشن

گردیده که موج عظیمی از فساد اخلاق، گسترش جرایم و جنایات، قانون شکنی و تجاوز از مرز مقررات، در سراسر دنیا پدید آمده، و یک نوع دلهره و نگرانی عمومی را به وجود آورده است. امروزه، برای همه مردمان جهان از عالی و دانی روشن شده است که ظلم و فساد و تباهی، تعدی و تجاوز، جنایت و خیانت، نابسامانی و بیدادگری، قتل و کشتار، جنگهای طولانی و خسته کننده، سراسر عالم را فرا گرفته، و جهانیان را، حتی از اصلاحات عادی و معمولی خسته و ناامید ساخته، و از دست مجامع بین المللی نیز کاری ساخته نیست.

امروزه برای همه ثابت شده است که:

«علیرغم تبلیغات فریبنده ای که در زمینه حلّ مسایل و مشکلات جهانی صورت می گیرد، وضع آشفته و پر تشنج کنونی وحشت انگیز و نگران کننده است. با وجود تلاشهای مجامع بین المللی و کنفرانسهای طولانی و خسته کننده، هنوز بسیاری از مسایل بین المللی منظمی، مانند: تأمین صلح پایدار، خلع سلاح عمومی، زندگی مسالمت آمیز، منع گسترش سلاح های اتمی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، امثال اینها حلّ نشده است. صف بندی و رقابت خطرناک قدرتهای بزرگ جهان، مسابقه تسلیحاتی و جنگهای سردرگم، در چهار گوشه جهان ادامه دارد.

بر اثر استعمار و اقتصاد استعماری، روز به روز بر شکاف و فاصله طبقاتی میان ملل ثروتمند و فقیر افزوده می شود. آمار جرایم و جنایات به طور سرسام آوری بالا رفته و دستگاه های انتظامی و پلیسی را با دردسر و مشکل بزرگی رو به رو ساخته است. فقدان اخلاق و معنویت، ضعف و تزلزل مبانی ایمان و عقیده، موجب بروز انواع مفاسد اخلاقی و دشواریهای اجتماعی شده است»<sup>(۱)</sup>.

آری! این است اوضاع جهان کنونی، و این است دستاوردهای تمدن صنعتی، و حقیقت و واقعیت عصر مشعشع طلایی! اینک برای روشن شدن مطلب، پیرامون دست آوردهای تمدن صنعتی و عوارض شوم آن با کمی تفصیل سخن می گوئیم.

ص: ۳۸۹

### ۱ - عوارض شوم تمدن صنعتی

بر احدی پوشیده نیست که تمدن صنعتی در جهان کنونی نه تنها موجبات رفاه و خوشبختی مردم را فراهم نیاورده؛ بلکه با تمام قدرت و مظاهر دلفریب خود به جنگ بشریت شتافته، پایه های تمام فضایل اخلاقی و انسانی را در هم ریخته، خانواده ها را متلاشی ساخته، جهان بشریت را دچار وحشت و اضطراب نموده و می رود تا به وسیله عوارض شومی که با خود به همراه آورده است، طومار جامعه بشری را در هم پیچیده و حوادث جانکاهی برای جهانیان به ارمغان آورد.

اکنون برای این که معلوم گردد که تمدن کنونی باعث انحطاط بشر و سقوط ارزشهای انسانی و اخلاقی گردیده، و انسان را از مقام شامخ انسانیت تنزل داده و قدر و منزلتش را پایین آورده است سه مشکل بزرگ اجتماعی را که از بلاهای اجتماعی قرن ماست به اختصار مورد بررسی قرار می دهیم.

### ۱ - یأس و ناامیدی

یکی از عوارض شوم تمدن صنعتی که دامنگیر جامعه بشری گردیده، کابوس وحشتناک یأس و ناامیدی است. یأس و ناامیدی در دنیای کنونی همانند یک بیماری واگیر و مسری، یا همچون میکروبهای کشنده سل و سرطان، در شئون زندگی همه انسانها راه یافته و مانند یک بلای عمومی و خطرناک کلیه جوامع بشری را تهدید می نماید.

متأسفانه در دنیای امروز، این بلای خانمان سوز که یکی از بلاهای اجتماعی قرن ما محسوب می شود، به صورت خطرناکی سایه سنگین خود را بر پهنه تمام گیتی گسترده و آسایش و آرامش را از همگان سلب نموده، و روزنه امید برای محرومان و دردمندان باقی نگذاشته است.

همین کابوس وحشتناک یأس و ناامیدی است که روز به روز آمار انتحار و خودکشی را بالا برده و هر روز بیش از یک هزار انسان در سطح جهان به زندگی خود خاتمه می دهند، و تعداد کسانی که اقدام به خودکشی می کنند و موفق نمی شوند هشت برابر این عدّه است.

همین کابوس دهشت زای یأس و ناامیدی است که هر روز هزاران نفر از جوانان درس خوانده و تحصیل کرده را در چنگال اعتیادهای خطرناک گرفتار می‌سازد، و منحنی تعداد بیماران روانی را افزایش داده، جامعه بشری را با مشکلات فراوانی مواجه می‌سازد، و این قرن را «قرن بیماریهای روانی» نام نهاده است.

«در حال حاضر بیش از ۳۳ میلیون بیمار روانی در ۱۵۰ هزار تیمارستان و درمانگاه روحی تحت درمان هستند. تنها در ایالات متحده آمریکا، یک میلیون و هشتصد هزار تخت خواب در بیمارستان‌ها و مراکز مخصوص، برای معالجه بیماران روحی اختصاص داده شده است. مردم آمریکا در یک سال، دو و نیم میلیون دلار صرف خرید قرصهای مسکن و خواب آور می‌کنند تا بتوانند قسمتی از تشنجات عصبی خود را تسکین داده، در خواب مختصری فرو روند.

در آلمان ۶۷۰ نوع داروی خواب آور در دسترس مردم می‌باشد، و در فرانسه سالیانه ۳۰۰ میلیون فرانک صرف قرصهای مسکن و خواب آور می‌شود. در ایران خودمان در چهل سال گذشته تعداد بیماران روانی ۷۵ برابر شده، و هر سال چهل هزار نفر بر شماره دیوانگان کشور افزوده می‌شود».<sup>(۱)</sup>

دیل کارنگی در کتاب «آیین زندگی» می‌گوید:

«متأسفانه باید اقرار کرد که در نتیجه وضع اسفبار زندگی امروز، نصف بیشتر تخت خوابهای بیمارستان‌ها را اشخاصی اشغال کرده‌اند که بیماری آنها عصبی و روحی است».<sup>(۲)</sup>

آری! در جهان کنونی بر اثر پیشرفت علوم طبیعی و صنایع ماشینی، زندگی از مسیر صحیح و اصلی خود منحرف گردیده، مشکلات و مصایب فراوانی به بار آمده، سعادت انسانها مورد تهدید جدی قرار گرفته، و افراد زیادی را دچار بیماری افسردگی نموده، و آن چنان آنها را بی‌نشاط و دل‌مرده ساخته که از خود مأیوس شده، وجود خود را لغو و بیهوده تلقی می‌کنند، و زندگی را پوچ و بی‌معنی می‌دانند، و برای آن که از این وضع رنج آور زودتر خلاص شوند اغلب دست به خودکشی می‌زنند.

ص: ۳۹۱

---

۱- ۶۵۹. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲.

۲- ۶۶۰. آیین زندگی، ص ۱۰.

«بیماری افسردگی آن چنان بشر قرن حاضر را در محاصره خود قرار داده و به سرعت در روح انسانها لانه می کند که باید این قرن را، قرن افسردگی نامید. در دنیای کنونی یک صد میلیون بیمار افسرده وجود دارد و هر سال میلیونها [نفر] بر آن افزوده می شود».<sup>(۱)</sup>

«در شهرهای بزرگ که همه چیز غول آسا است، احساس افسردگی، شدت بیشتری دارد، و افراد به سبب نابود شدن الفت ها و همبستگی ها، خود و زندگی خود را پوچ و تهی می بینند. از این رو، خیلی زود مفهوم خستگی از حیات و بیگانگی از همه چیز و همه کس را احساس می کنند.

بالا رفتن میزان جرایم و جنایات و شدت یافتن قساوت ها و سنگدلی هایی که حتی در شأن درندگان و سباع نیست، آن هم در ممالک و اجتماعاتی که نظام اجتماعی خویش را طلیعه ایجاد مدینه فاضله می دانستند، ارمغان سلطه ماشین و اوضاع و احوالی است که اشاره شد».<sup>(۲)</sup>

به هر حال، دنیایی که در آن زندگی می کنیم درد آلود و رنج آور است، و جهان کنونی سراسر درد و رنج و غم و اندوه است، و تنها راه درمان این دردهای بی درمان بازگشت به خدا و معنویت، و پای بند بودن به دین و مذهب است.

«اگر هیچ فایده ای برای ادیان آسمانی نباشد و به هیچ وجه مقرون به واقع نبوده و به کلی - العیاذ باللّه - دروغ باشند، این فایده عظیم را نمی شود از آنها سلب کرد که آنها بهترین عواملی هستند که بشر را از ارتکاب جرایم و جنایات جلوگیری کرده و به خوبیها و ادارش می سازند؛ زیرا دین صحیح آن است که مردم را به جمیع نیکی ها امر، و از تمام بدیها نهی نماید.

... اگر در اجتماعی، ایمان و عقیده حاکم باشد، می توان گفت: نمونه ای از بهشت خواهد بود که در آنجا کسی را با کسی کاری نیست، هر کسی به حقوق خویش قانع است؛ نه دزدی وجود دارد نه تقلب، نه انتحاری هست و نه قتل و تجاوزی.

ص: ۳۹۲

۱- ۶۶۱. اخلاق فلسفی ج ۲ ص ۳۳.

۲- ۶۶۲. گفتار فلسفی، اخلاق، ج ۲، ص ۳۳، به نقل از غربت غرب، ص ۶.

ولی متأسفانه چندی است در اثر عوامل گوناگونی که فعلاً از ذکر آنها خودداری می شود ... ریشه های عقیده و ایمان در مغزهای مردم در حال خشک شدن است، و انحراف عقیده و ایمان و یا عقیده های مسخ شده جای اعتقاد صحیح را گرفته، و یک مشت تعالیم غیر قابل قبول که نتوانسته اند جای خلئی را که از زوال عقیده دینی پیدا شده بود پر کنند، مردم را به سوی انحرافات خطرناک سوق دادند.

شکی نیست تا زمانی که بشر از سرمایه نفیس عقیده و ایمان بی بهره است روزگارش نیز هر روزش از روز پیش بدتر خواهد بود. این همان معنایی است که در قرآن خداوند آورده شده است:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (۱)

«هر کس از فرمان ما سر پیچید و یاد ما از دلش بیرون رود، یک زندگی تیره و تنگی خواهد داشت» (۲)

خوشبختانه امروز چندی است که روانکاوان، روانشناسان و دانشمندان بشر تنها راه درمان دردهای بی درمان را در بازگشت به معنویت جستجو می کنند تا با کمک ادیان، یأس و ناامیدی را از افق زندگی انسانها دور ساخته و فروغ امید و آرزو را به دیدگان نگران این مردمان باز گردانند.

دکتر «کارل» می گوید:

«من به عنوان یک پزشک باید بگویم که در دوران طبابتم به مریض هایی بر خورد کردم که هیچ یک از طرق درمان بر روی آنان مؤثر واقع نشد؛ ولی با توسل به مبانی مذهبی ... نتیجه مثبت گرفتند و از مرض و حزن و اندوهی که بر اثر بیماری در آنان به وجود آمده بود، رهایی یافتند» (۳)

«منتسکیو» در کتاب «روح القوانین» می گوید:

«انسان چون موجود حساسی است دچار هزار هوس می گردد، و یک چنین مخلوقی که گرفتار هوس خود می باشد هر لحظه ممکن است خالق خود را فراموش کند، و حتی

ص: ۳۹۳

۱- ۶۶۳. سوره طه، آیه ۱۲۴.

۲- ۶۶۴. بلاهای اجتماعی قرن ما، ص ۳۹.

۳- ۶۶۵. گفتار فلسفی اخلاق، ج ۲، ص ۱۰۸، به نقل از سیری در جهان دانش، ص ۷۳.

چنین مخلوقی هر لحظه خود را فراموش می کند، و بلکه هر آن ممکن است دگران را هم فراموش نماید. به همین جهت است که خداوند عالم به وسیله قوانین مذهبی او را به طرف خود می خواند تا از یاد خدا و خالق خود غافل نگردد ...» (۱)

«ایگو شافاروتیچ»، استاد ریاضی دانشگاه مسکو ... می گوید:

«آنچه ما نیاز داریم تغییر و تحوّل روحی است، ما باید به سوی خدا و به سوی خود بازگردیم.» (۲)

«دیل کارنگی» می گوید:

«... دین به من، ایمان، امید و شهامت می بخشد و هیجان، اضطراب، ترس و نگرانی را از من دور می سازد و برای زندگی من سیر و هدفی معین می کند ...»

امروزه جدیدترین علم، یعنی روان پزشکی همان چیزهایی را تعلیم می دهد که پیامبران تعلیم می دادند ... یکی از پیشوایان علم مزبور می گوید: کسی که حقیقتاً معتقد به مذهب است هرگز گرفتار امراض عصبی نخواهد شد ...

اگر مذهب حقیقت نداشته باشد، زندگی بی معنی و پوچ است و بازیچه ای بیش نخواهد بود ... ویلیام جیمز - در این باره - می گوید: ایمان، یکی از قوایی است که بشر به مدد آن زندگی می کند، و فقدان کامل آن در حکم سقوط بشر است.» (۳)

«ویکتور هوگو» می گوید:

«به عقیده من، امروز تعلیم مذهب از همه وقت واجب تر است، هر چه انسان ترقی می کند ایمانش باید کامل تر و عقیده اش محکم تر شود. به عقیده من، در دوره ما یک بدبختی پیش آمده است که شاید تنها بدبختی ما باشد، و آن تمایلی است که پیدا شده است که همه چیز انسان را منحصر به این زندگانی دنیا کنند، و چون زندگانی مادی دنیا را هدف آرزوهای خود قرار دادند عاقبتش نیستی و فنا خواهد بود، آن وقت سختیها و شداید، فزونی می یابد و بر رنج و محنت که لازمه حیات است نو میدی هم مزید می گردد، یعنی زندگانی درست جهنّم می شود، و احوال مردم دست خوش تشنّجات و انقلابات

ص: ۳۹۴

۱- ۶۶۶. روح القوانين، ص ۴.

۲- ۶۶۷. اخلاق فلسفی، ج ۲، ص ۹۵ به نقل از «کیهان» شماره ۱۰۵۱۰.

۳- ۶۶۸. آیین زندگی، ص ۱۸۸ - ۱۹۳.

خواهد گردید.

ما خواه قانون گزار باشیم خواه کشیش و خواه نویسنده، موظفیم که کلیه نیروهای اجتماعی را به انواع گوناگون برای تخفیف شداید مردم بکار بریم، سرهای آنها را به سوی آسمان متوجه کنیم، و آنها را به قیامت و به زندگی آینده، امیدوار سازیم که آنجا سرای عدل است و سزای هر کس داده می شود، و به بانگ بلند بگوییم که: هر کس رنج می بیند به هدر نمی رود و مزد خود را می یابد، و مرگ عدم نیست، و فراموش نکنیم و به هر کس بگوییم که اگر فرجام انسان عدم می بود زندگی ارزش نمی داشت.

آنچه زحمت را گوارا و کار را مقدس می کند و انسان را نیرو می بخشد و خردمند و مهربان و بردبار و نیکو کار و دادگر می سازد، و در عین فروتنی مناعت می دهد، و مستعد علم و معرفت می نماید این است که بدانند که چون از این دنیای تیره و تاریک گذشتیم، به جهانی با صفا و روشن می رسیم، و من به آن عالم با صفا کاملاً معتقدم و این فکر همیشه پیش نظر هست و به آن ایمان کامل دارم. و پس از مجادله ها، مطالعات و امتحانات، عقلم به آن یقین می کند و روحم از آن تسلی می یابد. بنابراین، من تعلیم و ترویج و تبلیغ دین را صمیمانه و جازمانه و مشتاقانه هوا خواهم». (۱)

## ۲ - گسترش فساد اخلاقی و ازدیاد بزهکاری

با کمال تأسف باید به این حقیقت تلخ اعتراف کنیم که تمدن صنعتی، هر روز بر حیرت و سرگردانی انسانها افزوده، مردمان را در وادی ضلالت و گمراهی قرار داده، و آنچه توجّه انسانها را به جهان مادی و شئون مادی آن معطوف گردانده که به طور کلی از خدا غافل شده، معنویات را از یاد برده، ایمان را ناچیز شمرده، و مسئولیت خود را در برابر خدا فراموش نموده است. بعضی در این باره به قدری دچار تند روی گردیده و جسورانه سخن می گویند که خدا پرستی را ارتجاع، دین را خرافات، تقوا را کهنه پرستی و اخلاق انسانی را موهومات می شمارند. بر اثر این گناه بزرگ و نابخشودنی، انسانیت سرکوب گردیده، ارزشهای انسانی بر باد رفته، پیوندهای روحی و معنوی یکی پس از

ص: ۳۹۵

---

۱- ۶۶۹. قسمتی از سخنرانی «ویکتور هوگو» در مجلس اعیان فرانسه، به آیین سخنوری فروغی، ج ۲، ص ۳۲۰ - ۳۲۵ مراجعه فرمایید.



دیگری از هم گسسته، بشر به طغیان و سرکشی گراییده، و فساد اخلاق مانند ابر تیره افق زندگی انسانها را پوشانده است.

«مگر زندگی عصر حاضر، سطح فکری و اخلاقی مردم را تنزل نداده است؟ چرا باید هر سال چندین بلیون دلار برای مبارزه با جنایتکاران صرف شود؟ چرا باید در برابر چنین خرج گزافی، باز هم دزدان و راهزنان به بانک ها حمله برند، مأمورین انتظامی را بکشند، و کودکان را بدزدند و مقتول یا گرو کشی نمایند؟ جای آن دارد که با مشاهده سیر فقهقرايي تمدن، از خود بپرسیم: آیا منشأ این انحطاط در خود ما و تشکیلات ما نیست؟»<sup>(۱)</sup>

در جهان متمدن کنونی، با این که در کشورهای پیشرفته، حفظ امتیّت مورد کمال توجه است و برای حفظ نظم و امتیّت شهرهای بزرگ، سازمانهای وسیعی تشکیل داده و مأمورین انتظامی با مدرن ترین وسایل لازم، به شدت مراقب اوضاع و احوال هستند، جرایم و جنایات، پیوسته رو به ازدیاد و فزونی است، و به موجب آمار و ارقام، همه ساله بر تعداد بزهکاری و بزهکاران افزوده می شود.

«از سال ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۷۱ جمعیت آمریکا به نسبت پنج درصد افزایش پیدا کرد و انتظار می رفت جرایم نیز به همین نسبت افزایش یابد، ولی در طول این پنج سال میزان جرم و جنایت به حد ۷۴ درصد بالا رفت.

مقایسه بین سال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به درجه تکان دهنده ای رسید، به این توضیح که: در سال ۱۹۶۰ در هر ۵۸ دقیقه یک جنایت روی می داد، و در سال ۱۹۷۰ به ۳۳ دقیقه رسید. در سال ۱۹۶۰ در هر ۶ دقیقه یک سرقت روی می داد، ولی در سال ۱۹۷۰ در هر ۹۱ ثانیه. تجاوز به عنف و اجبار از هر ۳۴ دقیقه یک فقره به ۱۴ دقیقه رسید»<sup>(۲)</sup>.

با توجه به آمار جرایم و جنایات که همه روزه در تمام نقاط جهان به طور سرسام آوری بالا می رود، و دستگاه های انتظامی و پلیسی و قضایی را در همه کشورها با درد سرها و مشکلات عجیبی مواجه ساخته است، جای شک نیست که اوضاع کنونی جهان بسی درد زا و درد آلود است، و آینده ای که در برابر دیدگان حیرت زده جهانیان ترسیم

ص: ۳۹۶

۱- ۶۷۰. گفتار فلسفی، ج ۲، ص ۲۱، به نقل از انسان ناشناخته، ص ۲۶۵.

۲- ۶۷۱. گفتار فلسفی، ج ۲، ص ۲۵، به نقل از مجله نسل نو، سال ۳، شماره ۷، صفحه ۱۸، نقل از مجله آمریکایی.

می شود، تاریک، ابهام آمیز، و یأس آور است.

«آیا ارقام هر بیست و پنج دقیقه یک جرم بزرگ، و در هر بیست و چهار ساعت، سی قتل نفس، پنجاه عمل منافی عفت با اعمال قهر و غلبه، و هفتصد و سی فقره سرقت بزرگ، و بالغ بر سه هزار سرقت کوچک، در یک کشور به اصطلاح پیشرفته و متمدن آمریکا که شاید از نظر تمدن و فرهنگ، در دنیا بی نظیر است رقم های کوچکی است و حکایت از یک بلای عمومی و خطرناک نمی کند؟!». (۱)

به هر حال، جای هیچ تردید نیست که در دنیای متمدن امروز، بر اثر پیشرفت علوم طبیعی و صنایع ماشینی، تمام اوضاع زندگی مردم دگرگون شده، میدان تاخت و تاز برای ارضای غرایز و شهوات نفسانی هموار گردیده، و زمینه هوا پرستی و مفاسد اخلاقی در سطح بسیار وسیعی فراهم شده، و اکثر مردم بر اثر از دست دادن مبانی ایمان و عقیده، در پرتو این بت عجیب تازه، خود سر و متجزی شده اند و به همین جهت، امراض اخلاقی در کلیه جوامع بشری با سرعت شگفت آوری پیشروی نموده، و فساد اخلاقی و تبهکاری و آدم کشی، و انواع و اقسام جنایت، خیانت، فساد و تباهی حتی در کشورهای متمدن جهان، روز به روز گسترش می یابد، و جرایم و جنایات لحظه به لحظه رو به فزونی می رود.

«ویل دورانت» می گوید:

«در سال ۱۷۴۹، آکادمی (یژون) سئوالی مطرح کرد به این مضمون: (آیا پیشرفت علوم و صنایع، در تصفیه و تزکیه اخلاق مؤثر بوده، یا در تباهی آن؟)، در آن زمان برای کسی که بهترین پاسخ را بنویسد جایزه ای تعیین شده بود که البته پاسخ «روسو» جایزه را ربود؛ زیرا او معتقد بود که پیشرفت علوم و صنایع در اروپا، اخلاقیات را تضعیف کرده و از اهل تقوا کاسته است». (۲)

شایان ذکر است که از تاریخ این پرسش و پاسخ متجاوز از دو قرن می گذرد، و در طول این مدت به موازات پیشرفت های علوم طبیعی و صنایع ماشینی، فساد اخلاقی و جرایم و جنایات نیز به طور سرسام آوری پیشروی نموده است. این حقیقت تلخ، از

ص: ۳۹۷

---

۱- ۶۷۲. روح بشر، ص ۳۲ و به سوی جهان ابدی، ص ۸.

۲- ۶۷۳. گفتار فلسفی، اخلاق، ج ۱، ص ۲۳۰، به نقل از روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۰۸۴، نقل از تاریخ فلسفه.

خلال اخبار و آمار جنایی که در جهان منتشر می شود به خوبی مشهود است، و از مطالعه آنها روشن می شود که بشر امروز در عصر تمدن و فرهنگ تا چه پایه دچار سقوط اخلاقی گردیده و چگونه در منجلاب فساد و تباهی غوطه ور شده است.

نکته قابل توجه آن که، آنچه از روایات اسلامی استفاده می شود این است: آینده جهان از نظر فساد و تباهی به مراتب بدتر از وضع موجود خواهد شد؛ زیرا اولیای گرامی اسلام در احادیث بسیاری خاطر نشان ساخته اند که در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام جرم و جنایت، دروغ و خیانت، تجاوز و تعدی، دزدی و آدم کشی، و خلاصه انواع پلیدیها و زشتکاریها پیوسته افزایش می یابد، و گناه و ناپاکی به قدری زیاد می شود که تمام جهان را فرا می گیرد؛ ولی این تیره روزی و بدبختی برای همیشه پایدار نمی ماند، و سرانجام روزی فرا می رسد که اوضاع جهان تغییر می کند، بیدادگری و ستم پایان می پذیرد، و زمین پر از عدل و داد می شود همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است.

### ۳ - مسابقه تسلیحاتی و رقابت خطرناک قدرتهای جهانی

در عصر کنونی، با پیشرفت سریع علوم طبیعی و استقرار تمدن صنعتی، مشکلات بی شماری در سراسر جهان پدید آمده، و بشر با خطرات بسیار بزرگی مواجه شده است. این تمدن، انسان را بر ضد خودش برانگیخته، و قسمت مهمی از نیروی علم و صنعت را در راه مسابقه تسلیحاتی، قتل و کشتارها، ویرانی و تخریبها و دیگر جرایم و جنایات به جریان انداخته، و کشورهای پیشرفته را وادار نموده است که برای استثمار و استعمار ملتها و کشورهای ضعیف، هر چه بیشتر سلاح های مخرب و مرگبار بسازند، و خود را برای نابود کردن انسانها مجهز نمایند.

در دنیای متمدن امروز، کشورهای پیشرفته صنعتی واجد تمام امکانات مادی هستند و از رفاه در زندگی برخوردارند، با وجود این، آرامش فکر و آسایش خاطر ندارند، و همواره از تعدی و تجاوز به یکدیگر در بیم و هراسند. از این رو، هر روز به سلاح هایی هر چه قوی تر مسلح می شوند تا از تعرض رقبای خود مصون بمانند.

مسابقه تسلیحاتی و ازدیاد روز افزون سلاح های مدرن، روشنگر این حقیقت است که بشر در جهان امروز، به درنده خویی گرایش یافته، انسانیت را از یاد برده و سجایای

انسانی را ترک گفته، و دنیای امروز به صورت انبار باروتی در آمده که هر آن و هر لحظه ممکن است جرقه کوچکی آن را منفجر سازد. همه جا وحشت و اضطراب به چشم می خورد، و همه نگرانند که مبادا جنگ جهانی سوم شروع شود و ریشه بشر را بسوزاند.

هم اکنون در کشورهای پیشرفته جهان، بر اثر بیماری برتری جویی و توسعه طلبی، نسبت به همدیگر بد بین و بد گمانند، و از هجوم و تجاوز به یکدیگر ایمنی ندارند. از این رو عده زیادی از مهندسان متخصص و تکنسین های تحصیل کرده، با حقوق و مزایای ویژه مشغول کارند تا سلاح هایی هر چه مدرن تر بسازند.

مسابقه جنون آمیز تسلیحاتی و اتمی بین قدرتهای بزرگ و کشورهای - به اصطلاح - پیشرفته، انفجار جهان را در برابر ما مجسم می کند. هم اکنون به چشم خود می بینیم که دولتهای بزرگ، برای در هم کوبیدن قدرتهای یکدیگر و نابود ساختن دولتهای کوچکتر، چگونه میلیونها دلار خرج می کنند، و با ادامه این وضع، گویا خود را برای محو حیات و زندگی بشر در روی کره زمین آماده می سازند.

در این زمینه یکی از آگاهان سیاسی جهان چنین می گوید:

«هم اکنون ظرفیت انهدام کننده ای که در اختیار آمریکاست، کافی است تا خصم، یعنی شوروی را بیست و پنج بار نابود کند، و نیروی متقابلی که در دست خصم - شوروی - است به قدری است که می تواند ده مرتبه ما را معدوم نماید، و قدرت دو گانه ما و شوروی کافی است تا هفت بار، نسل بشر را منهدم کند».<sup>(۱)</sup>

«اینشتین»، دانشمند و ریاضی دان معروف، در یکی از سخنرانیهای خود می گوید:

«بشر بر سر دو راهی حیات و ممات، آیا راه صلح و آرامش را انتخاب می کند، یا به راه کهنه قدیمی لجاج و ستیز ادامه می دهد؟».<sup>(۲)</sup>

همین دانشمند در خطابه دیگرش که در کنفرانس خلع سلاح در سال ۱۹۳۲ میلادی ایراد نموده، چنین می گوید:

«پیشرفتهای محیر العقول گذشتگان در دست این نسل، به تیغ تیزی در دست طفلی سه ساله می ماند.

ص: ۳۹۹

---

۱- ۶۷۴. حکومت عدل گستر، ص ۲۱۱، به نقل از استراتژی صلح کندی، ص ۶۶.

۲- ۶۷۵. حکومت عدل گستر، ص ۲۱۱، به نقل از دنیایی که من می بینم، ص ۶۷ و ۷۲.

آیا این وحشتناک نیست که از یک طرف کاخهای دادگستری برای اعدام آدم کشان سر به فلک می‌سایند، و از طرفی دیگر افراد را اینفورم نظامی بپوشانند و دو دستی تفنگ تقدیم کنند که برود آدم بکشد؟! لحظه ای به این تناقض زشت فکر کنید! (۱).

آری! اوضاع فعلی جهان به قدری وحشت انگیز و نگران کننده است که دانشمندان، متفکران، سیاستمداران و صلح جویان جهان را نگران و ناامید و مضطرب ساخته است. اینک برای این که علت این اضطراب و نگرانی معلوم شود، به گزارش مشروحی که در باره بمبهای اتمی ذخیره شده در سطح جهان، از سوی «انستیتوی بین المللی تحقیقات صلح» انتشار یافته است، توجه فرمایید.

۱۵ تن ماده «تی - ان - تی» برای هر نفر:

«استکهلم - یونایتدپرس - انستیتوی بین المللی تحقیقات صلح که مقر آن در استکهلم قرار دارد، اعلام کرد که کل بمبهای اتمی ذخیره شده در سراسر جهان به میزانی رسیده است که اگر آن را به جمعیت دنیا تقسیم کنند، به هر نفر معادل ۱۵ تن ماده منفجره «تی - ان - تی» خواهد رسید، و در کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی و پیمان ورشو، تناژ سرانه نیروی هسته ای جنگی، تقریباً بالغ بر ۶۰ تن - برابر هر نفر - خواهد بود.

گزارشی که حاوی این آمارهای تکان دهنده است، قسمتی از مضمون کتابی به نام «تسلیحات سلاح در عصر هسته ای» است که به مناسبت دهمین سالگرد تأسیس انستیتوی بین المللی تحقیقات صلح انتشار یافته است. انستیتوی مذکور مؤسسه مستقلی است که در سال ۱۹۶۶ برای بزرگداشت صد و پنجاهمین سال پی در پی برقراری صلح در کشور «سوئد» به وسیله پارلمان این کشور تأسیس شده است تا در باره راه های تقویت صلح تحقیق کند.

در گزارش مذکور گفته شده که: بر اساس برآوردهای محافظه کارانه، در حال حاضر، در حدود ۵۰ هزار «مگاتون» بمب اتمی در سراسر جهان انبار شده است، و تنها سلاح های هسته ای تاکتیکی «آمریکا» و «شوروی» - بدون به حساب آوردن سلاح های هسته ای استراتژیکی آنها - تقریباً ۵۰ هزار بمب اتمی از نوعی که بر سر شهر «هیروشیما»

ص: ۴۰۰

پرتاب شد برابری می کند.

جای دیگری از همان گزارش حاکی است که تنها در اروپا در حدود ۱۰ هزار بمب اتمی تاکتیکی انبار شده است که در صورتی که فقط تعداد بسیار اندکی از آنها بر سر این قاره پرتاب شود نشانی از شهر و شهر نشینی در سراسر این قاره باقی نخواهد ماند. و تازه غبار های «راديو اکتیو» که بعد از بمباران اتمی نازل خواهد گردید، برای به بار آوردن تلفات بسیار سنگینی کفایت خواهد کرد»<sup>(۱)</sup>.

آری! انسان امروز، علیرغم پیشرفتهای سریع و روز افزون علوم و صنایع، و علیرغم دانش و بینش وسیع خود که توانسته است از کره خاکی گامی فراتر نهاده، بر فراز کره ماه پیاده شود، و هم اکنون در صدد تسخیر کره مریخ و دیگر کرات آسمانی بر آمده است، هنوز نتوانسته است سعادت و خوشبختی بشر را فراهم کند، و آلام درونیش را تسکین بخشد، و حتی از حل ساده ترین مشکلات سیاسی جامعه بشری عاجز و ناتوان مانده است.

امروزه علیرغم پیشرفت انسان در علوم جدید، جهان در آتش جنگ و تبعیضات نژادی و انحطاط اخلاقی می سوزد، و در سرتاسر جهان، ترس و وحشت، دلهره و اضطراب، نگرانی و ناراحتی، و یأس و ناامیدی از فراورده های تمدن بشری بر مردم جهان حکومت می کند، و هم اکنون کشورهای پیشرفته صنعتی و حکومت های فعلی جهان ایمنی فکر و آسایش خاطر ندارند، و پیوسته در بیم و هراسند و زندگی را با سختی و تلخکامی می گذرانند.

«وضع کنونی جهان خواب را از چشم متفکرین و خیر خواهان عالم ربوده، و با موشکافی عجیبی به آینده می نگرند، چون می بینند بشریت آن چنان زراد خانه (اتمی) خود را مملو از خطرناک ترین وسایل نابودی خود کرده که یک پنجاهم آن - فقط یک پنجاهم - برای نابودی تمام آبادی های کره زمین، کافی است»<sup>(۲)</sup>.

ص: ۴۰۱

۱- ۶۷۷. حکومت عدل گستر، ص ۲۲۴.

۲- ۶۷۸. اسرار عقب ماندگی شرق، ص ۲۲۴.

متأسفانه، پیشرفت علوم طبیعی و گسترش سلطه ماشین در جهان کنونی، نه تنها باعث انحطاط اخلاق و تحقیر انسانیت و پایمال شدن ارزشهای انسانی در جوامع بشری گردیده و مشکلات و مصایب فراوانی را در شئون مختلف زندگی انسانها به بار آورده است، بلکه بر خلاف دوران گذشته، ابزارهای جنگی مدرن تری را در اختیار کشورهای پیشرفته قرار داده، و قدرتهای جهانی را به نیرومندترین وسایل نابود ساختن انسانها مجهز ساخته است که این امر اصل حیات و بقای نسل بشر را در روی کره زمین تهدید می نماید. از این رو، مدّت زمانی است که این تمدن با وضع موجود و عوارض شومی که دارد به شدّت مورد انتقاد دانشمندان غربی قرار گرفته و عدّه زیادی از آنها با اقامه دلیل و برهان به مخالفت با آن برخاسته اند.

بسیاری از دانشمندان غرب عقیده دارند که سلطه ماشین در جوامع غربی و نفوذ عمیق آن در جمیع مظاهر زندگی، شخصیت آدمی را در هم شکسته، ارزش استقلال و اراده را از میان برده، خلاقیت فکر و ابتکار اندیشه را کاهش داده، و مردم را به صورت ابزارهای صنعتی در آورده است.

دکتر «کارل»، در مقدمه کتاب خود می نویسد:

«تمدن ماشینی در راهی که افتاده است شایسته پیروزی نیست؛ زیرا به سوی انحطاط پیش می رود. زیبایی های علوم ماده بی جان، چنان بشر را خیره کرده است که خود را از یاد برده و فراموش نموده است که جسم و جان وی از قوانین مرموزی پیروی می کنند که مانند قوانین ستارگان لایتغیرند، و نمی توان بی آن که خطر و زیانی متوجه شود آنها را پایمال نمود. بنابراین، شناسایی روابطی که آدمی را به جهان و هموعانش پیوند می دهد، و همچنین آشنایی به روابط بین بافتها در دانش ضرورت دارد. در حقیقت، قبل از هر چیز باید انسان را شناخت و به انسان پرداخت، چه با انحطاط او زیبایی های تمدن ما و حتی عظمت جهان ستارگان نیز از میان می رود».<sup>(۱)</sup>

و در همین زمینه «لوتی منفورد» در کتاب «افسانه ماشین» می گوید:

ص: ۴۰۲

«... در شرایط فعلی، جامعه غربی از ماشین پیروی می کند. یعنی در حقیقت راه و روش زندگی به وسیله ماشین تعیین می شود، و اراده انسان توسط ماشین انجام می گیرد. دولتها و سازمانها هرچند در ظاهر از خود اختیاری دارند و صاحب اقتدارند، ولی در معنی از خود اختیاری ندارند و کاملاً تابع ماشین و منطق خاص آن شده اند. در جوامع غربی، اجسام و اشیا، یعنی کالاها و محصولات ماشین بر مردم و گروه های مختلف اجتماعی مسلط شده اند، و این سلطه مخوف و سرد و بی روح، روز به روز فزونی می یابد و بیشتر می شود و بیشتر می رود.»

احساس افراد جامعه این است که با ماشین همجنس شده اند و سرنوشت مشترکی یافته اند، و این نظامات و تشکیلات ماشینی است که همه کارها را انجام می دهد، و افراد دیگر نمی توانند از خود ابتکاری نشان دهند و ماشین، حتی عدالت، آزادی، دموکراسی و رفاه افراد را نیز در اختیار خود گرفته است و به همین دلیل، اشخاص در مقابل این دستگاه عظیم اجتماعی، ماشینی شده، اراده ای ندارند و حتی احساس شخصیت انسانی نمی کنند، به خوبی متوجه شده اند که در تنظیم و اداره امور، وظیفه و سهمی به آنها محوّل نشده و همانند پیچ و مهره هایی در دستگاه جامد و حاکم هستند»<sup>(۱)</sup>.

«لکننت دو نویی» می گوید:

«سرعت پیشرفت تمدن در قسمت مادی توجه مردم را جلب نمود، و دیگر وقتی برای حل مشکلات حقیقی، یعنی مسایل انسانی باقی نماند. شکوه و جلوه اختراعات جدید که پشت سر هم از [سال] ۱۸۸۰ به بعد واقع می شد، مردم را مانند کودکانی که برای نخستین بار به تماشای سیرک بزرگی رفته و خور و خواب را فراموش کرده باشند، مفتون ساخته بود. این نمایش مجلل، مظهر واقعیت شده، و ارزشهای حقیقی که در مقابل این ستاره جدید، تاریک به نظر می آمدند، در درجه دوم قرار گرفتند.»

بسیاری از صاحب نظران به نادرستی این روش آگاه بودند و اعلام خطر می کردند، اما کسی توجه نمی نمود؛ زیرا بت عجیب تازه ای به دنیا آمده و بت پرستی خاصی که ستایش چیزهای نوین است پایبند مردم شده است. جهان هر روز تغییر می یافت و جامه

ص: ۴۰۳



دیروزی خود را به لباس فاخر تری مبدل می نمود، و ابنای بشر آن چنان مقهور قدرت بی حد و حصر علم شده بود که به تذکرات خیر خواهانه مردان دانا، ترتیب اثر نمی دادند»<sup>(۱)</sup>.

به هر حال، جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست که تمدنی که هم اکنون بر جهان حاکم است با سرشت فطری و ساختمان طبیعی انسان هماهنگ نیست؛ زیرا در این تمدن جنبه حیوانی بشر - که نیمی از انسان است - مورد حمایت بیش از حد واقع شده، و جنبه معنوی بشر - که نیم مهم تر انسان است - مورد بی اعتنایی قرار گرفته. و از این رو، این تمدن با همه درخشندگی و فروغی که دارد انسان را خوش بخت نساخته، دردهای جامعه را درمان ننموده، و موجبات سعادت و رستگاری او را فراهم نکرده است.

«بنای معظم و خیره کننده تمدن جدید، چون بدون توجه به سرشت و طبیعت و احتیاجات حقیقی انسان بالا رفته است برای ما متناسب نیست، و چون مولود اکتشافات و اتّفاق علمی و تصوّرات و تئوری ها و تمایلات و تفنّات آدمی است، با آن که به دست ما و برای خود ما ساخته شده، مع هذا در خور ما نمی باشد.

واضح است که علم، هیچ گونه طرحی را تعقیب نکرده، و به طور اتّفاقی با پیدایش نوابغی چند، در راهی که کنجکاوی ایشان تعقیب نموده، رشد و تکامل یافته است و در این مسیر هیچ گاه از آرزوی اصلاح وضع آدمی ملهم نبوده است»<sup>(۲)</sup>.

ناگفته نماند که یکی از مسایلی که موجب بد بینی دانشمندان غرب به تمدن جدید شده و آنان را وادار به انتقاد نموده این است که می گویند: کیفیت استفاده از دانش و تکنیک، در وضع موجود به هیچ وجه عادلانه نیست، و مصلحت ملّتها و انسانها در بهره گیری از علم و صنعت مراعات نمی شود؛ زیرا بعضی از کشورها از نیروی علم و دانش و صنعت و تکنیک سوء استفاده می کنند، و علم و صنعت را در راه پیشبرد مقاصد غیر انسانی خود بکار می گیرند.

«یکی از مسایلی که در چند سال اخیر مورد توجه محققان سازمان یونسکو قرار گرفت، رفتار و نظر جوانان در باره علوم و تکنولوژی بود؛ یعنی سعی در درک این نکته که طرز تلقی نسل جوان نسبت به علوم و تکنولوژی چگونه است؟ و جوانان امروز چه

ص: ۴۰۴

۱- ۶۸۱. گفتار فلسفی، اخلاق، ج ۲، ص ۱۹، به نقل از سرنوشت بشر، ص ۱.

۲- ۶۸۲. گفتار فلسفی، اخلاق، ج ۲، ص ۴، به نقل از انسان ناشناخته، ص ۲۲.

برای آگاهی از این امر، دو سال پیش مجمعی در هلند تحت عنوان «جوانان و علم در جامعه حاضر» تشکیل یافت. شرکت کنندگان در این مجمع، عده‌ای از دانشمندان کشورهای غربی و ژاپن و معدودی دانشمندان کشورهای در حال توسعه بودند. غرض از تشکیل این مجمع، آگاهی از نظرات دانشمندان جوان در باره نقش علوم در جامعه بود. در اینجا قسمتی از نتایج مذاکرات و مطالعات آن مجمع به اطلاع می‌رسد.

نظر دانشمندان جوان کشورهای آمریکا و اروپای غربی مانند فرانسه، آلمان، هلند در باره علوم و تکنولوژی جدید، بیشتر منفی و انتقادی بود. آنها می‌گفتند در مقابل مسایل مهم دنیای کنونی که عبارت است از انفجارهای اتمی، مخاطرات ناشی از آزمایش‌ها، تسلیحات اتمی، انهدام و فساد محیط، تباهی منابع طبیعی، تقلیل مواد معدنی، افزایش جمعیت و فقر و عقب ماندگی اقتصادی، علم نه تنها نتوانسته است راه حل‌های قابل ملاحظه‌ای نشان دهد، بلکه خود موجب و موجد پدید آمدن بسیاری از این مشکلات بوده است.

نظر دانشمندان جوان این بود که ما باید برای علمی که انسانی تر باشد تلاش کنیم؛ علمی که واقعاً در خدمت انسان باشد و هدفهای انسانی را مدّ نظر داشته باشد. باید با فرد پرستی مبارزه کرد تا دانشمندان به مسئولیتهای اجتماعی خویش آگاهی یابند.

خلاصه این که، دانشمندان جوان غربی، اعتقاد خوش بینی مفرطی را که تا این اواخر نسبت به علوم وجود داشت مورد شک و تردید قرار داده‌اند. آنها معتقد بودند علوم جدید، اجزای واقعیت‌های امور را مورد مطالعه قرار نمی‌دهد و به کلّ واقعیات توجه ندارد. و نظر دادند که بینش و روش متعارف علوم جدید، چه در زمینه تعلیم و تحقیق و چه در زمینه کاربرد تحقیقات علمی در صنعت، اصولاً باید تغییر کند و علم باید دارای چشم انداز جهانی گردد و مصالح عموم ملّتها را در نظر آورد. همچنین باید از قدرت استیلا- جویانه گروه معدودی از کشورهای جهان که پیشرفت علوم موجب قدرتشان شده است جلوگیری به عمل آید. در علوم، شیوه‌ها و قواعدی را باید پیش گرفت که عموم مردم جهان بتوانند از آن منتفع گردند و بهره گیرند چرا که در حال حاضر جوامع مختلف

بشری در برابر تکنولوژی، شرایط نابرابر دارند»<sup>(۱)</sup>.

آری! تکنیک و صنعت و ماشین که تا میانه راه تمدن صنعتی در خدمت آدمی و برای رفاه و آسایش آدمی بود، اینک به مرحله ای رسیده است که آدمی را مسخر خود ساخته و به خدمت خود در آورده و به صورت ابزار و آلات مدرن جنگی و نیرومندترین وسایل کشنده و تخریبی، در دست ابر جنایتکاران تاریخ قرار گرفته است. اگر در جنگ جهانی دوم سخن از این بود که چند میلیون بشر کشته شدند، چند هزار نفر دچار نقص عضو شدند، و چه مقدار خرابی و ویرانی در نقاط جنگ زده به بار آمد امروز سخن از محو بشر است، و کارشناسان آگاه در باره جنگ احتمالی آینده از نابودی بشر سخن می گویند و محو حیات را در روی کره زمین پیش بینی می کنند.

«راسل در کتاب خود نوشته است: بمب اتمی و حتی بیشتر از آن بمب ئیدروژنی سبب ایجاد وحشت های تازه ای شده و نتایج علم را در زندگی بشر بیش از پیش در معرض تردید قرار داده است. حتی بعضی از صاحب نظران برجسته، خاطر نشان ساخته اند که خطر محو حیات، این سیاره خاکی را تهدید می کند.

اگر پیش بینی وقوع جنگهایی در آینده صحیح باشد در آن صورت مجبوریم در پنجاه سال آینده یکی از این دو شق را بپذیریم: یا باید اجازه دهیم که بشر به دست خود حیات خویش را نابود کند، یا باید از بعضی از آزادیها - که خیلی هم مورد علاقه ما است - صرف نظر کنیم. شاید ما اکنون در آخرین دوره حیات بشر زندگی می کنیم و اگر چنین باشد در محو و نابودی حیات، مدیون علم هستیم»<sup>(۲)</sup>.

به هر حال، بر هیچ انسان عاقل پوشیده نیست که امروز از نیروی علم و دانش، و وسایل تکنیک و صنعت سوء استفاده می کنند، حقوق ملتها را پایمال، و باعث بدبختی و تیره روزی مردم جهان می شوند.

آیا دنیایی که در هر ساعت آن، میلیاردها «دلار» خرج تسلیحات دفاعی می شود و میلیونها دلار، صرف دستگاه های پلیسی و قضایی می گردد و در عین حال، آمار جرایم و جنایات، آن به آن و لحظه به لحظه در حال افزایش است و جنایتکاران حرفه ای نیز که

ص: ۴۰۶

۱- ۶۸۳. گفتار فلسفی، اخلاق، ج ۲، ص ۳۵ و ۳۶، به نقل از غربت غرب، ص ۵۱.

۲- ۶۸۴. تأثیر علم بر اجتماع، ص ۱۴۶.

خود را قیم مردم جهان می دانند، برای حفظ تسلط و برتری نظامی خود با تهبیه هر چه بیشتر جنگ افزارهای موحش و خطرناک مسابقه تسلیحاتی می گذارند، به خوبی نشان نمی دهد که راهی را که بشر امروز برای رسیدن به مقصد برگزیده است بی راهه است، و اگر وضع همچنان ادامه یابد فرجام بدی در انتظار بشر خواهد بود؟!

به گفته آگاهان:

«هم اکنون طبق یک آمار، در هر دقیقه در دنیا، هزار میلیون دلار، که در هر ساعت معادل شصت هزار میلیون دلار می شود، مخارج تسلیحاتی حکومت‌های جهان است».<sup>(۱)</sup>

### ۳- اختراع سلاح های مرگبار و هزینه های سنگین

مایه بسی تأسف و کمال شرمساری است که دنیای متمدن امروز، به نام حفظ امنیت جهان، مصارف سنگینی را برای ساختن سلاح های پیشرفته تحمل می نماید؛ ولی یک دهم آن پولها را در راه انسان سازی، و پرورش حسّ وظیفه شناسی، و احیای سجایای انسانی - که عامل اصلی حفظ امنیت است - صرف نمی کند.

دکتر آدولف هوده، نویسنده کتاب «بشریت مضطرب» در یکی از روزنامه های آلمانی چنین نوشته:

«چهار هزار میلیارد دلار هزینه مسابقات تسلیحاتی جهان در ده سال آینده است. چرا جهان به خود نمی آید؟ و چرا این پولها را صرف آموزش و پرورش و مبارزه با فقر نمی کند؟ به راستی نمی توان با این پول، فکر جنگ را از ذهن بشر خارج کرد. چرا بشر بیدار نمی شود؟ چرا شب و روز فکر و ذکرش این است که خود را برای جنگ آماده سازد؟! اگر تمدن ما به این ترتیب پیش رود سقوط ارزشهای اخلاقی به بار خواهد آمد.

در جهان کنونی هزینه تسلیحات، خیلی بیش از هزینه آموزش عمومی است. سازمان ملل می گوید: هزینه متوسط یک سرباز در سال، ۷۸۰۰ دلار است و هزینه متوسط آموزش سالانه یک کودک از ۱۰۰ دلار تجاوز نمی کند. این چه جهانی است؟ چرا

ص: ۴۰۷

---

۱- ۶۸۵. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۶۰، به نقل از روزنامه رستاخیز، شماره ۸۹۹، نقل از سالنامه سال ۱۹۷۸، انستیتوی بین المللی پژوهشی که مقر آن استکهلم است.

نشسته ایم و کاری برای نجات بشر انجام نمی دهیم؟» (۱).

در اینجا می پرسیم: آیا هدف از این همه مخارج سنگین و هزینه های هنگفت و سر سام آور چیست؟ آیا دوران انسانیت و زندگی انسانی سپری شده است؟ آیا بشر از پرورش های معنوی و احیای اخلاق انسانی مأیوس گردیده است؟ آیا انسان در دوران تمدن صنعتی تا این پایه دچار انحطاط اخلاقی شده است که فقط آتش و خون و اختراع سلاح های مدرن و مرگبار می تواند جلوی تجاوز و تعدی او را بگیرد؟! آیا مسابقه تسلیحاتی و ازدیاد روز افزون سلاح های کشنده و ویرانگر، روشنگر این واقعیت نیست که - متأسفانه - بشر در دنیای امروز به درنده خویی، تجاوز گری و زور گویی گرایش یافته، و انسانیت را پشت سر انداخته، و می رود تا با چنگال هایی درنده تر، و دندانهایی برنده تر از درندگان، فاجعه ای عظیم و هولناک بیافریند، و با دست خود بشر را محو و نابود کند؟

آیا این دنیایی که در آن هر روز سلاح های جدیدتر با قدرت تخریبی بیشتر ساخته می شود و در دست جنایتکاران و زمامداران خود سر و بی ریشه قرار می گیرد، با آن حس خود خواهی، جاه طلبی و جنون قدرتی که در برخی از این زمامداران بی مسئولیت سراغ داریم، به سوی فاجعه پیش نمی رود؟! آیا می توان گفت: این همه سلاح های پیشرفته و خطرناک که با هزینه های سنگین اختراع کرده اند، که تنها با ارقام نجومی قابل بیان است، بیهوده و بی جهت ساخته اند؟! بنابراین، با توجه به این حقیقت که:

«آگاهان بین المللی می گویند: تنها، حجم بمبهای هسته ای موجود در زرادخانه های دولتهای بزرگ جهان برای نابود ساختن تمام آبادی های کره زمین، «نه یک بار، بلکه هفت بار!» کافی است» (۲).

آیا این امر نشان دهنده این واقعیت نیست که جهان کنونی بیمار است و به سوی فاجعه ای هولناک و مرگبار پیش می رود؟

«شکی نیست که در یک نظر ابتدایی، قراین گواهی می دهد که دنیا به سوی «فاجعه» پیش می رود. فاجعه ای که زائیده ترک عواطف، افزایش فاصله میان جوامع ثروتمند و فقیر، شدت گرفتن اختلافات و برخوردهای دولتهای بزرگ و کوچک، سیر تصاعدی

ص: ۴۰۸

۱- ۶۸۶. گفتار فلسفی، اخلاق، ج ۲، ص ۲۹ و ۳۰، به نقل از کیهان، مورخ ۲۱/۲/۱۳۵۱.

۲- ۶۸۷. مهدی انقلابی بزرگ، ص ۱۷.

جنایات، نابسامانیهای اخلاقی و روحی و فکری و فراورده های نامطلوب و پیش بینی نشده زندگی ماشینی و مانند آن است»<sup>(۱)</sup>.

#### ۴ - جنگ جهانی سوم، ارمغان تمدن صنعتی

از روایات اسلامی و پیشگویی های پیشوایان استفاده می شود که: پیش از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام، فتنه ها، شورش ها و انقلابهای نظامی اتفاق می افتد و طی جنگی جهانی، یک سوم جمعیت روی زمین به هلاکت می رسد، و به دنبال آن بیماری طاعون شایع می شود، و یک سوم دیگرش را نیز نابود می کند.

برای روشن شدن مطلب به چند روایت که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید.

۱ - در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام روایت شده که فرمود:

«لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثًا، وَ يَمُوتَ ثَلَاثًا، وَ يَبْقَى ثَلَاثًا»<sup>(۲)</sup>.

«مهدی علیه السلام قیام نخواهد کرد تا این که یک سوم مردم کشته شوند، و یک سوم بمیرند، و یک سوم باقی بمانند».

۲ - در حدیث دیگری از آن بزرگوار نقل شده که فرمود:

«بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أبيضٌ ... فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَبِالسَّيْفِ، وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ»<sup>(۳)</sup>.

«پیشاپیش ظهور حضرت قائم علیه السلام دو نوع مرگ خواهد بود: مرگ سرخ (کشته شدن) و مرگ سفید (مردن) ... مرگ سرخ به وسیله شمشیر و مرگ سفید با طاعون محقق می شود».

۳ - در حدیثی که ابو بصیر و محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده اند، چنین آمده است:

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثَلَاثًا النَّاسُ. فَقِيلَ لَهُ: فَإِذَا ذَهَبَ ثَلَاثًا النَّاسُ

ص: ۴۰۹

۱- ۶۸۸. مهدی انقلابی بزرگ، ص ۱۷.

۲- ۶۸۹. عقد الدرر، ص ۶۳.

۳- ۶۹۰. غیبت نعمانی ص ۲۷۷، ح ۶۱؛ غیبت شیخ طوسی، ۲۶۷؛ عقد الدرر، ص ۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱، حدیث

فَمَا يَبْقَى فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا تَرَوْنَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِيَ؟» (۱)

«این امر - ظهور - صورت نخواهد گرفت تا این که دو سوّم مردم از میان بروند.

عرضه شد: اگر دو سوّم مردم از میان بروند، چه کسی باقی می ماند؟

فرمود: آیا خوشحال نیستید که شما یک سوّم باقی مانده باشید؟».

۴ - در حدیثی که بزندی از هشتمین پیشوای معصوم شیعه، حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام نقل نموده، چنین آمده است:

«قَدْ أَمَّ هَذَا الْأَمْرَ قَتْلُ بَيْوُحٍ. قُلْتُ: وَمَا الْبَيْوُحُ؟ قَالَ: دَائِمٌ لَا يَنْفُتُ» (۲)

«پیشاپیش این امر - ظهور - کشتار بسیار داغی هست.

عرض کردم: «بیوح» به چه معناست؟

فرمود: کشتار مداومی که سرد نشود و سستی نپذیرد و از شدت و حدّت آن کاسته نشود».

۵ - در ضمن حدیثی که به خط امام حسن عسکری علیه السلام در پشت جلد کتابی یافت شده، و بزرگان شیعه آن را نقل کرده اند، چنین آمده است:

«شَيْعَتُنَا الْفِئَةُ النَّاجِيَةُ وَالْفِرْقَةُ الزَّائِكِيَّةُ، صَارُوا لَنَا رِذَاءً وَصَوْنًا، وَعَلَى الظُّلْمِ الْإِبَاءُ وَعَوْنًا، سَيَفْجُرُ لَهُمُ يَنَابِيعُ الْحَيَوَانِ بَعْدَ لَظْيِ النَّيْرَانِ» (۳)

«شیعیان ما گروه رستگاران و طایفه پاکیزگان هستند. آن ها بازو و پشتیبان ما هستند و در برابر ستمگران یار و یاور ما می باشند. پس از شعله ور شدن آتش [فتنه ها و جنگ ها] چشمه های زندگی حقیقی برایشان روان خواهد شد».

۶ - در حدیثی که حضرت ولی عصر علیه السلام درباره برخی از نشانه های ظهور به یکی از تشرف یافتگان محضر اقدسش فرموده، چنین آمده است:

«عَلَامَةُ ظُهُورِ أَمْرِ كَثْرَةِ الْهَرَجِ وَالْمَرْجِ وَالْفِتَنِ» (۴)

«نشانه ظهور من، کثرت هرج و مرج و فتنه و آشوب است».

ص: ۴۱۰

٢-٦٩٢. بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ١٨٢، ح ٦؛ بشاره الإسلام، ص ١٦٢، باب ٩، في علامات الظهور عن علي بن موسى عليه السلام.

٣-٦٩٣. بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٧٨؛ بشاره الإسلام، ص ١٦٨ و نوائب الدهور، ج ٣، ص ٣٣٦.

٤-٦٩٤. بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٣٢٠؛ بشاره الإسلام، ص ١٦٩.



روایاتی که در باره نشانه های ظهور و فتنه و آشوبهای آخرالزمان از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده، فراوان است و ما به همین مقدار بسنده می کنیم.

در اینجا می خواهیم مطلبی را به موضوع مورد بحث اضافه کنیم و آن این که: ممکن است برخی تصوّر کنند که آنچه درباره حوادث آخرالزمان و جنگ های آن دوران روایت شده، کمی مبالغه آمیز است؛ ولی قطعاً چنین نیست. زیرا حوادث مربوط به آخرالزمان در کتب مقدّسه آسمانی نیز از زبان پیامبران عظیم الشان پیشین بازگو شده، و نشان می دهد که جنگ آینده برای جهان یک امر غیر قابل اجتنابی است که دیر یا زود شعله آن فروزان می شود، و حوادث فراوانی که امروز در سراسر جهان جاری است جز با ظهور آن یکتا منجی جهان، پایان نمی پذیرد.

اینک فرازهایی از کتب مقدّسه تورات و انجیل که در این باره آمده است، نقل می نمایم:

در تورات می خوانیم:

«و خداوند می گوید: در تمامی زمین دو حصّه منقطع شده، خواهند مرد، و حصّه سوّم در آن باقی خواهد ماند. و حصّه سوّم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره قال خواهم گذاشت و مثل مصفّی ساختن طلا ایشان را مصفّی خواهم نمود. و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت نموده، خواهم گفت که، ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که، یهوه خدای ما می باشد.» (۱)

در انجیل می خوانیم:

«و در آفتاب و ماه و ستارگان، علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای اُمّتها روی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش، و دلهای مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود.» (۲)

آری خوانندگان گرامی! از مجموع روایات و پیشگویی های پیشوایان استفاده می شود که: مسأله جنگ و خونریزی و درگیریها و نابسامانی ها و کشمکشهای امروز جهان همچنان ادامه خواهد داشت تا زمانی که به جنگ جهانی سوّم و ظهور یگانه منجی عالم

ص: ۴۱۱

---

۱- ۶۹۵. تورات، کتاب زکریای نبی، باب ۱۳، بندهای ۸ و ۹.

۲- ۶۹۶. انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۵ و ۲۶.

منتهی گردد، و خورشید تابناک امامت از افق مکه معظّمه طلوع نماید، و همه ستمکاران و متجاوزان را طعمه شمشیر سازد، و انتقام خون مظلومان را از ستمگران تاریخ بستاند، و هر حقی را به صاحب حق برساند، و به تمام بدبختی ها، خاتمه دهد. ان شاء الله

## ۵- ضرورت تشکیل حکومت جهانی

با توجه به اوضاع و احوال کنونی جهان، جای شک نیست که دنیا به سوی سقوط، و بشر به سوی زوال و نابودی پیش می رود. با ادامه این وضع، هر لحظه بیم آن می رود که آتش افروزان و جنگ طلبان حرفه ای آتش جنگ جهانی سوم را روشن نموده، و جهان و بشر را به تلی از خاک و خاکستر تبدیل نمایند.

از سوی دیگر، درهای امید برای نجات از وضع کنونی بسته شده است و سازمان هایی که بدین منظور، تأسیس شده اند، کارآیی لازم را ندارند و آلت دست دولت های بزرگ شده اند. پس چه باید کرد؟ با بازیهای خطرناک سیاسی ابر قدرتها در جهان کنونی، سرانجام جامعه بشری چه خواهد شد؟ آیا وضع به همین منوال پیش خواهد رفت و به نابودی بشر خواهد انجامید؟ اگر جنگ جهانی سوم پدید آید چه بلایی بر سر مردم جهان خواهد آمد؟

اینجاست که هر فرد عاقلی که نگران سرنوشت بشر است می گوید: برای رفع نابسامانی ها و جلوگیری از جنگهای خانمانسوز و رهایی یافتن از کشمکشهای موجود جهان، لازم است یک حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، تشکیل شود.

اینجاست که روان کاوان و روانشناسان، تنها راه درمان این دردها را در بازگشت به معنویت جستجو می کنند تا با کمک ادیان و مذاهب، کابوس وحشتناک یأس و ناامیدی را از افق زندگی انسانها به دور انداخته، و فروغ امید و آرزو را به دیدگان نگران مردم جهان بازگردانند. (۱)

آری! مردمان طبق فطرت ذاتی خود، در همه جا و همه وقت، در اثر فشارهایی که ستمگران در حق آنها روا می دارند، از خواب گران بیدار می شوند و تشنه عدالت و

ص: ۴۱۲

آزادی می گردند و در به در، به دنبال نجات دهنده ای که آنها را از وضع موجود نجات دهد و آزادی را برایشان به ارمغان بیاورد، می گردند.

این همان چیزی است که پیامبران، صلح جویان، آزاد اندیشان و خیر خواهان جهان در طول تاریخ بشر پیوسته به دنبال آن بوده اند، و با کمال تأسف تاکنون این امید و آرزو آن گونه که خواست آنان بوده برآورده نشده و محقق نگشته است، و امید است در آینده نه چندان دور، توسط یگانه منجی عالم، وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام تحقق یابد. ان شاء الله.

## ۶- اعتراف دانشمندان به لزوم حکومت جهانی

### ۶- اعتراف دانشمندان به لزوم حکومت جهانی

عقیده به آینده روشن و تشکیل حکومت واحد جهانی، راه خدا و راه معنویت و مطابق با فطرت و طبیعت است. به همین جهت، فلاسفه و اندیشمندان بزرگ جهان - مادی و الهی - در این عقیده با هم شریکند، و در انتظار روزی به سر می برند که حکومت واحد جهانی بر اساس معیارهای الهی و انسانی تأسیس گردد و جهان نوینی پدید آید و بشر در زیر یک پرچم و تحت فرمان یک فرمانده قرار گیرد و از همه دردها و رنجها رهایی یابد.

«اندیشمندان بزرگ برای از بین بردن جنگها و خصومتها و بر طرف ساختن بحرانهای منطقه ای و بالاخره برای جلوگیری از جنگها و کشمکش هایی که سرانجام به جنگ جهانی سوم خواهد انجامید، تنها راهی که پیدا کرده اند این است که: باید فکر پوسیده «نژاد برتر» را از مغزها بیرون ریخت، و «جهان وطنی» را جایگزین تبلیغات ناسیونالیستی قرار داده، مرزهای جغرافیایی را در هم ریخته، شالوده حکومت واحد جهانی را (بر اساس عدالت و آزادی) استوار ساخت»<sup>(۱)</sup>.

اینک عین گفتار و نظریه چند تن از دانشمندان مشهور جهان را یاد آور می شویم.

## ۱- اینشتین

دانشمند و فیزیک دان بزرگ، معتقد است که ملل مختلف جهان از هر رنگ و نژادی

ص: ۴۱۳

که باشند، می توانند و باید زیر یک پرچم واحد بشریت، در صلح و برابری و برادری زندگی کنند. نامبرده در اهمیت و ارزش حکومت واحد جهانی برای زندگی انسانها، تا آنجا پیش رفته است که صریحاً می گوید:

«حکومت‌های متعدد خواه و نا خواه به نابودی بشر منجر خواهد شد، و مردم جهان یکی از دو راه را باید انتخاب کنند: یا باید حکومت جهانی با کنترل بین المللی انرژی تشکیل شود، و یا حکومت‌های ملی جداگانه فعلی، همچنان باقی بماند و منجر به انهدام بشری گردد».<sup>(۱)</sup>

## ۲- برتراند راسل

برتراند راسل، دانشمند و فیلسوف مشهور انگلیسی، از لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی به شدت دفاع کرده و معتقد است که عدم اجرای این طرح، سرانجام به نابودی بشر منجر می شود.

وی ضمن بحث مهمی در این باره می نویسد:

«اکنون از لحاظ فنی مشکل بزرگی در راه یک امپراتوری وسیع جهانی وجود ندارد، و چون هم اکنون خرابی جنگ بیش از قرون گذشته است، یا باید حکومت واحد جهانی را بپذیریم، و یا این که به عهد بربریت برگردیم و به نابودی نژاد انسانی راضی شویم».<sup>(۲)</sup>

همین دانشمند در جای دیگر، ابتدا به عامل اصلی جنگها، و تضاد منافع حکومت‌های متعدد اشاره کرده، و سپس لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی را بار دیگر یاد آور شده، و می نویسد:

«مادام که یک حکومت جهانی در دنیا وجود ندارد، رقابت برای کسب قدرت مابین کشورهای مختلف وجود دارد. و چون ازدیاد جمعیت، خطر گرسنگی را به بار می آورد، قدرت ملی، تنها راه جلوگیری از گرسنگی است... این حقایق را ثابت می کند که دنیای علمی بدون یک حکومت جهانی، ثبات و دوامی نخواهد داشت».<sup>(۳)</sup>

ص: ۴۱۴

---

۱- ۶۹۹. جهان بعد از ظهور، ص ۸۰، به نقل از مفهوم نسبت اینشتین، ص ۳۵.

۲- ۷۰۰. تأثیر علم بر اجتماع، ص ۵۶.

۳- ۷۰۱. تأثیر علم بر اجتماع، ص ۱۹۹.

## ۳ - فولیتر فرانسوی

«هیچ کس برای شهرهای خودش عظمت آرزو نکرد مگر آن که آرزومند بدبختی و نیستی دیگران شد».<sup>(۱)</sup>

## ۴ - پروفیسور آرنولد توین پی

وی که از شخصیت های متفکر انگلیسی است، ضمن نطقی که در کنفرانس صلح «نیویورک» ایراد نموده به ضرورت تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره کرده، و چنین می گوید:

«تنها راه صلح و نجات نسل بشر، تشکیل یک حکومت [واحد] جهانی، و جلوگیری از گسترش سلاح های اتمی است».<sup>(۲)</sup>

## ۵ - ویلیام لوکا اریسون، فیلسوف آمریکایی

«ما به مملکت واحد و قانون واحد و قاضی واحد و حاکم واحد برای بشر، اعتراف می کنیم. تمام شهرهای دنیا، شهر ما و هر یک از جامعه بشر، ابنای شهر ما و ابنای وطن ما هستند. ما زمین شهرهای خود را دوست می داریم به مقداری که شهرهای دیگر را دوست می داریم».<sup>(۳)</sup>

## ۶ - دانته، ادیب شهیر ایتالیایی

«واجب است که تمام زمین و جماعتی که در آن زیست دارند به فرمان یک امیر باشند، که آنچه را مورد حاجت است مالک باشد تا جنگ واقع نشود و صلح و آشتی برقرار شود».<sup>(۴)</sup>

## ۷ - کانت، فیلسوف مشهور آلمانی

«ایجاد نظم جهانی، منوط به وضع یک قانون جهانی است. این همان است که مذاهب آن را خواسته اند، و این همان است که پیامبران از دورانی بس کهن، برای تحقق بخشیدن به آن بپا خاستند و خروش ها برآوردند، و بدین گونه خواستند روشنگر تاریکیها باشند».<sup>(۵)</sup>

آری! امروز موجی گسترده در جهان پدید آمده، و روانشناسان و دانشمندان از راه های نجات بشر، بازگشت انسان به خویشتن و حکومت واحد جهانی سخن می گویند و معتقدند که اوضاع کنونی جهان قابل دوام نیست، و امروز جهان بشریت بر سر دو راهی مرگ و حیات قرار گرفته است.

توجه خاص دانشمندان به «بازگشت به معنویت» و «تشکیل حکومت واحد جهانی» نشان دهنده این واقعیت است که آنها از مشعل داران دانش و علوم مادی و پیش قراولان تمدن کنونی و حکومت های فعلی جهان مأیوس شده، و دیگر آمیدی ندارند که منادیان آزادی و مدعیان دروغین بشر دوستی، محرومان و مستضعفان جهان را از زیر چکمه ابر جنایتکاران تاریخ رهایی بخشند.

این موج خروشان که پس از نومییدی کامل از پیش قراولان علوم مادی و تمدن کنونی و حکومت‌های فعلی جهان، از روی آگاهی و توجه به خطرات تمدن صنعتی پدید آمده، و دانشمندان و اندیشمندان خیر خواه جهان را با اقامه دلیل و برهان، با محرومان و مستضعفان و دردمندان جهان هم آواز و هم صدا ساخته و می رود تا قافله بشری را به سوی معنویات سوق داده، تا آنها برای سعادت و خوشبختی خود از راهنمایی‌ها و رهنمودهای پیشوایان آسمانی بهره جویند، حرکت پر برکتی است که نسل امروز را به سوی راه راست رهنمون می شود و آنها را از گم شدن در تاریکی‌های ضلالت، جهالت و گمراهی‌های رهایی می بخشد و زمینه پذیرش افکار عمومی را برای ظهور یکتا مصلح جهانی نوید می دهد.

نا گفته نماند که هدف ما از نقل نظریات دانشمندان این نیست که بگوییم، آن حکومت واحد جهانی که این آقایان می گویند و لزوم آن را گوشزد می نمایند، درست

ص: ۴۱۶

---

۱- ۷۰۲. امامت و مهدویت، ج ۲، پاورقی ص ۳۳۲.

۲- ۷۰۳. حکومت عدل گستر، ص ۲۲۵، به نقل از مشکلات روز و اطلاعات شماره ۱۱۶۱۷.

۳- ۷۰۴. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۳۲.

۴- ۷۰۵. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۳۲.

۵- ۷۰۶. بیاد حضرت مهدی علیه السلام، ص ۶۲.

همان حکومت واحد جهانی اسلامی است که مسلمانان و بخصوص شیعیان بدان عقیده دارند؛ زیرا آن حکومت متحد جهانی که بیشتر این آقایان بدان اشاره دارند، نه بوجود خواهد آمد، و نه اگر بوجود آید ضامن اجرایی خواهد داشت، و به فرض محال، اگر هم چنین حکومتی روزی در جهان تأسیس شود مانند همین سازمانها و مجامع بین المللی فعلی بی اثر و بی خاصیت خواهد بود.

آنچه ما می خواهیم بگوییم این است که، به طور کلی افکار دانشمندان و اندیشمندان جهان نیز - که از خطرات بمبهای هسته ای و اتمی اطلاع دارند - با نظرات اسلام و تمایلات فطری بشر مطابقت دارد، و آنچه این دانشمندان در باره حکومت واحد جهانی ابراز داشته اند، از یک سو با عقیده مسلمانان و شیعیان مطابق است، و از سوی دیگر، نشان می دهد که چگونه دنیای امروز خود به خود و آهسته آهسته به سوی هدفهای اسلام گام برمی دارد، و خود را برای پذیرش حکومت جهانی اسلام و ظهور آن یگانه مصلح الهی و موعود آسمانی آماده می سازد.

با توجه به نکات یاد شده، به این نتیجه می رسیم که: در شرایطی که اصول حاکم بر اجتماعات و خلق و خوی انسانها مسیری جدا از فطرت و طبیعت انسانی گرفته و راه و رسم حاکم بر روزگار، راه و روش شیطان و هوسهای نفسانی است و پایه ای که شالوده اجتماع اسیر و در بند و مقهور شهوات بر آن استوار است، شالوده ای شرک آلود و مبتنی بر ضد ارزشهای الهی و فطری است، طبیعی است که خروج از این نظام، با یک جهش سریع و انقلاب همه جانبه و دگرگونی اساسی همراه خواهد بود.

آری! در دنیای مادی امروز که خود پرستی، سودجویی و هوسرانی، هدف اکثریت مردم شناخته شده و حق و فضیلت، عدل و انصاف و شرافت و بزرگواری مورد بی اعتنایی قرار گرفته، و اخلاق و معنویت از میان جامعه بشری رخت بر بسته، و پیروزیهای علمی و فنی آنچنان بشر امروز را مجذوب و مسحور جهان طبیعت ساخته است که جهان آفرین را فراموش نموده، معارف الهی را پشت سر انداخته، و خود را از ایده و عقیده رها ساخته، و راه عصیان و طغیان در پیش گرفته، و در راه شیطان گام نهاده است، وجود پیشوایی عادل و رهبری الهی و آسمانی لازم است که با قدرتی بی نظیر و برنامه ای بی بدیل بیاید، و با نیروی لایزال الهی سراسر زمین را از لوث وجود ستمگران پاک سازد،

و جنایتکاران و طغیانگران را از پهنه گیتی بر دارد، جامعه را از فساد و تباهی نجات بخشد، بشر را از چنگال ظلم و ستم برهاند، عدالت را در سرتاسر جهان بگستراند، ارزشهای انسانی را در جامعه حاکم سازد، و این نسل پرخاشگر را - که از اخلاق و معنویت گریزانند - به سوی خدا باز گرداند، ریشه کفر و الحاد را بسوزاند، آرامش و آسایش را در جهان حکم فرما سازد، و نشانی از تاریکی و تیرگی ظلم و جهل باقی نگذارد، و همگان در طاعت و بندگی خدا در آیند، و جز خدا را نپرستند، و جز تقوا و فضیلت و پاکی از کسی دیده نشود، و کسی از کسی نترسد و نهراسد.

به هر حال، بررسی نظام خلقت، قانون تکامل، ضرورت‌های اجتماعی، خواسته‌های فطری و طبیعی، عشق به صلح و عدالت و نویدهای کتابهای آسمانی، همه و همه نشان می دهند که اوضاع کنونی جهان قابل دوام نیست و سرانجام، آینده ای درخشان در پیش است، و در آینده ای نه چندان دور، چهره زشت و نازیباي جهان کنونی دگرگون خواهد شد، و بشریت از چنگال ظلم و ستم خواهد رهید، و فساد و بی دینی و بی عدالتی از ریشه و بن خواهد خشکید، و در سرتاسر جهان پرچم توحید و یکتا پرستی به اهتزاز در خواهد آمد، و دنیا پر از عدل و داد خواهد شد.

این تذکر لازم است که در گذشته، با آیات و روایات و نویدهای کتب مقدّس، روشن شد که مصلح موعود، از نسل پیامبر اسلام و نامش مهدی است.

در اینجا بی مناسبت نیست به این نکته اشاره کنیم که علاوه بر روایات اسلامی، در پیشگویی های برخی از کاهنان و غیب گویان نیز به مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی به وسیله آن یگانه مصلح غیبی، و جهانی شدن اسلام اشاره شده است. اینک به عنوان نمونه، گفتار یکی از مشهورترین غیب گویان تاریخ را برای خوانندگان عزیز نقل می کنیم.

## ۷ - خبر سطح کاهن در باره مصلح موعود

مرحوم علامه مجلسی - رضوان الله تعالی علیه - در کتاب شریف «بحار الانوار» از کتاب «مشارق الانوار» تألیف حافظ رجب بررسی که از علما و محدّثان شیعه است، خبری را در باره ظهور امام زمان علیه السلام از سطح کاهن بدین مضمون نقل نموده است:

ص: ۴۱۸



«ذاجدن پادشاه برای استفسار از موضوعی که در آن تردید داشت به دنبال سطحی کاهن فرستاد. چون سطحی آمد خواست او را امتحان کند، لذا یک دینار در کفش خود پنهان کرد و آن گاه به وی اجازه داد که داخل شود. چون وارد شد شاه گفت: ای سطحی! برای تو چه پنهان کرده ام؟»

سطیحی گفت: به خانه خدا و صخره صمّا و سخت و محکم و شب ظلمانی و صبح نورانی و هر گویا و گنگی، در کفش خود یک دینار پنهان کرده ای!

شاه پرسید: این را از کجا دانستی؟

سطیحی گفت: از یک نفر جن که مانند برادر، همه جا با من همراه است.

شاه گفت: ای سطحی! از آنچه در روزگاران پدید می آید مرا مطلع گردان.

سطیحی گفت: ای پادشاه! هنگامی که نیکان از میان بروند، و اشرار به جاه و مقام برسند، و مقدرات الهی را تکذیب نمایند، و اموال را به سختی حمل کنند، و دیدگان از گنه کاران بترسد، و صله رحم را قطع نمایند، و فرومایگان ظاهر شوند و غذاهایی که در عالم اسلام حرام است حلال شمارند، و اختلاف کلمه پدید آید، و عهد و پیمانها شکسته شود، و احترام به یکدیگر - در میان مردم - کم گردد، ستاره دنباله داری که عرب را پریشان کند، طلوع نماید.

در آن هنگام باران نبارد، و رودها خشک شود، و اوضاع روزگار دگرگون گردد، و نرخها در همه جای جهان بالا رود. سپس طایفه بربر با پرچمهای زرد سوار بر اسب های تاتاری و اصیل روی می آورند تا این که وارد مصر شوند. آن گاه مردی از اولاد صخر<sup>(۱)</sup> خروج می کند و پرچمهای سیاه را به پرچمهای سرخ تبدیل می نماید و محرمات را مباح می گرداند و زنان را در مقام شکنجه به پستانها آویزان می نماید و کوفه را غارت می کند ...

در آن موقع «مهدی» فرزند پیغمبر ظاهر می شود، و این در وقتی است که مظلومی در مدینه و پسر عموی وی در خانه خدا کشته شود، و امر پوشیده آشکار گردد، و با علایم [ظهور] موافق باشد.

ص: ۴۱۹

---

۱- ۷۰۷. صخر: نام ابو سفیان پدر معاویه است، و مقصود از او سفیانی مشهور می باشد.

پس در این وقت، مردی شوم و سیاه دل با یاران ستمگرش می آید، و رومیان دست به کشتار می زنند، و بزرگان را می کشند. در این هنگام آفتاب می گیرد، و لشکرها می آید و صفها آراسته می گردد.

آنگاه پادشاهی از صنعای یمن که مانند پنبه سفید، و نام او «حسین» یا «حسن» است خروج می کند، و با خروج او عمر فتنه ها به پایان می رسد.

در این موقع، آن مرد مبارک و پاکیزه سرشت و راهنمای راه یافته و سید علوی نسب ظاهر می شود، و مردم را از پریشانی نجات می دهد. تیرگیها با نور روی او بر طرف می شود، و حق به وسیله او آشکار می گردد، و اموال را به طور مساوی میان مردم تقسیم می نماید؛ آن گاه شمشیر در غلاف کند و دیگر خون کس نریزد و مردم در کمال نشاط و سرور زندگی کنند.

او از سرچشمه زلال عدالت چشم روزگار را از خس و خاشاک ظلم و ستم پاک کند، و حق را به اهل حق برگرداند، و میهمانی را در میان مردم افزون گرداند، و با عدالت خود، غبار ضلالت و گمراهی را از میان ببرد؛ پس زمین را پر از عدل و داد کند و عالم را پر از برکت نماید.<sup>(۱)</sup>

به امید آن روز، و در انتظار و اشتیاق رسیدن آن روز مبارک که امید همه اُمّتها و ملّتها، یکتا بازمانده حجّت های پروردگار حضرت مهدی علیه السلام ظهور فرموده، حکومت نمونه و ایده آل خود را در سرتاسر جهان مستقر ساخته، و قسط و عدالت بر تمام پهنه گیتی سایه گستر شده، و دیدگان رمد دیده و هجران کشیده ما به جمال دل آرای آن مهر تابان و خورشید فروزان روشن و منور گردد. ان شاء الله.

ص: ۴۲۰

---

۱- ۷۰۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۲؛ مشارق انوار الیقین فی اسرار أميرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۳۰.



## بخش دوازدهم: سیمای راستین ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام

### اشاره

شامل:

۱- برخی از ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام

۲- یاران حضرت مهدی علیه السلام

۳- وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۴- مدت حکومت حقه

ص: ۴۲۲



طبق آیات قرآن کریم که در گذشته آمد، دین مبین اسلام، دین تمام مردم جهان و دین جامعه جهانی است. خداوند وعده فرموده است که سرانجام این آیین پاک را بر همه ادیان غلبه دهد، و نظام جهان را بر پایه ایمان به خدا و احکام اسلام و برنامه های جاوید قرآن، استوار سازد و عدالت را - به معنی واقعی کلمه - در سراسر جهان برقرار و بشر را از نعمت آسایش و آرامش بهره مند سازد.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»

«اوست خداوندی که پیامبرش را با هدایت (قرآن) و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند.»

طبق روایات بی شماری که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است، تأویل این آیات، در هنگام ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام آشکار خواهد شد.

با ملاحظه آیات یاد شده و وعده ای که خداوند در مورد آینده اسلام و جهان، به بشر داده است، گسترش اسلام در سراسر جهان و غلبه آن بر سایر ادیان و زمامداری صلحا و شایستگان و تشکیل حکومت واحد جهانی در آخر الزمان، یک حقیقت قرآنی و یک امر حتمی و تخلف ناپذیر است.

بدون تردید از تاریخ ظهور اسلام تاکنون، این وعده الهی آن گونه که خواست خدا بوده تحقق نیافته است؛ زیرا هم اکنون ادیان باطل، و آیینهای تحریف شده بسیاری در سراسر جهان وجود دارند که بر عده زیادی از مردم روی زمین حکومت می کنند. پس با وجود این، آیا می توان گفت که خدای تبارک و تعالی در مورد وعده ای که داده است - العیاذ باللّه - تخلف خواهد نمود؟ آنچه مسلم و تردید ناپذیر است، این است که خداوند هرگز خلف وعده نمی کند. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«هرگز گمان مبر که خداوند در مورد وعده‌هایی که به پیامبرانش داده است خلاف کند».

پس شکی نیست که روزی فرا خواهد رسید که اسلام بر همه ادیان غلبه کند، و تنها دین حاکم بر تمام جهان گردد.

پر واضح است که برای تحقق این وعده الهی، وجود یک رهبر الهی و آسمانی و روحانی لازم است که با اتکا به قدرت نامحدود خداوندی ظاهر شده، شالوده حکومت واحد جهانی اسلامی را بر اساس عدالت و آزادی استوار سازد، و با یک نبرد بی‌امان و رستاخیز عمومی، بشر را با «توحید کلمه» به سوی «کلمه توحید» سوق داده، سرتاسر کره‌خاکی را به یک کشور و یک اُمت و یک حکومت تبدیل نماید و ریشه شرک، کفر و الحاد را از بنیاد و بن برکند و با پیاده کردن همه احکام اسلام، نشانی از فقر، جهل و ستم در جهان باقی نگذارد.

«... اسلام مبانی جغرافیایی سیاسی موجود جهان را که بر قومیت و هم‌نژادی و هم‌زبانی و نیز بر شرایط اقلیمی و جغرافیایی طبیعی و مانند آن استوار است و به عنوان حدّ و مرز میان کشورها شناخته می‌شود، صحیح نمی‌داند و به رسمیت نیز نمی‌شناسد، و به جای آن تمام جهان و زمین پهناور خدا را، وطن انسان اعلام می‌دارد، و تشکیل حکومت واحد جهانی را در تحقق آرمان واقعی انسانها ضروری می‌داند، و مشکلات پیچیده جهان و تعصبات دینی و قومی و نژادی را با یک نوع «جهان‌وطنی» حل می‌کند. چنان که اسلام، روز نخست در دنیایی که اسیر تعصبات دینی و قومی بود، نَفخه تازه‌ای دمید و نژادهای مختلف ایرانی، رومی، ترکی، حبشی و عربی را دور هم جمع کرد، و از همین جا حکومت جهانی در دنیا پایه‌گذاری گردید.

اگر آن روز، این طرح به طور کامل پیاده نشد، برای این بود که آن روز، افکار جهانیان برای تحمّل حکومت توحید، آمادگی نداشت، ولیکن چنان نیست که این وضع برای همیشه ادامه داشته باشد و لذا طبق قانون تکامل و به موجب آیات و روایات، این

ص: ۴۲۵

آمادگی در آینده در جهان بشریت پیدا خواهد شد. به طور قطع، جهان روزی را در پیش دارد که افکار مردم کاملاً بیدار می شود، و از قوانین خود ساخته و برنامه ها و مرام های گوناگون و زمامداران طاغوتی خویش، مأیوس می گردند، و چاره دردها و مشکلات «لا ینحل» و پیچیده خود را از مکتب انبیا می جویند.

آری! خداوند حکیم «مهدی موعود علیه السلام» را برای یک چنین موقع حساسی ذخیره نموده، و قوانین و برنامه های حیات بخش اسلام را در نزد او ودیعه گذاشته است. بی گمان «مهدی موعود علیه السلام» در زمانی که جهان آماده پذیرش حکومت واحد جهانی اسلامی است ظهور می نماید، و لذا در اندک مدتی حکومت های ضدّ مردمی در جهان، یکی بعد از دیگری سقوط می کند و تمام مردم جهان در شرق و غرب در زیر پرچم توحید جمع می شوند»<sup>(۱)</sup>.

به طور خلاصه، آنچه از وعده های صریح قرآن در مورد آینده اسلام استفاده می شود این است که، سراسر جهان باید به شکل یک ملت، یک جامعه و یک اُمت در آید، و آینده هر چه باشد و هر چه در جهان اتفاق بیفتد - خواه صلح و خواه جنگ - دنیا به سوی این هدف پیش می رود و به طرف یک حکومت متحد جهانی گام می سپارد. حکومتی که اگر عملی شدن آن در چهارده قرن قبل یک محال عادی بود، امروز با پیشرفت سریع بشر در علم و صنعت و تکنولوژی، امکان آن بیشتر و بیشتر شده است، تا جایی که بسیاری از دانشمندان و سیاستمداران واقع بین جهان در باره ضرورت آن به صراحت سخن می گویند، و آن را به عنوان یک طرح مهم و ممکن، پذیرا شده اند و کلیه جوامع بشری نیز بر اثر ظلم و ستم هایی که قدرتمندان در حق آنها روا می دارند، خود را برای چنین روزی آماده و مهیا می کنند.

اکنون این سؤال پیش می آید که حضرت مهدی علیه السلام چه ویژگی هایی دارد که می تواند در مقابل قدرت های نظامی جهان بایستد و بر آنها پیروز شود و حکومتی واحد، برای اداره جهان تشکیل دهد؟ یاران آن حضرت چه خصوصیتی دارند تا او را در تشکیل این حکومت فراگیر، یاری کنند؟

با استمداد از آیات و روایات، به این دو پرسش پاسخ می دهیم.

ص: ۴۲۶



حضرت مهدی علیه السلام با میراث‌های گرانمای پیامبران می آید

از مجموع روایات وارده در موضوع ظهور حضرت مهدی علیه السلام استفاده می شود که، ظهور مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام بر اساس قدرت بی نهایت خداوند صورت می گیرد. از این رو، خدای تبارک و تعالی تمام ابزار و امکانات غلبه و پیروزی را در اختیار آن «ولی الله الأعظم» قرار می دهد که از جمله آنها میراث‌های گرانمای پیامبران عظیم الشأن الهی از قبیل: انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام، پیراهن مخصوص حضرت آدم علیه السلام، عصای حضرت موسی علیه السلام، شمشیر و پیراهن رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و دیگر موارث انبیای بزرگ الهی است.

«سلطنت جهانی حضرت سلیمان علیه السلام و سیطره آن حضرت بر تمام موجودات روی زمین، تنها یک رمز داشت و آن [هم] در همان انگشتر نهفته بود. آن انگشتر با تمام ویژگیهایی که دارد هم اکنون در دست مولای ما و مولای همه جهان حضرت صاحب الزمان علیه السلام می باشد.

عصای حضرت موسی علیه السلام که به «نیل» زده شد و رود نیل به دوازده کوچه تبدیل شد، و آبها روی هم انباشته شد و این کوچه ها را از یکدیگر جدا کرد و سربازان یک میلیون نفری فرعون در آن میان به هلاکت رسیدند، آن عصا اکنون در محضر حضرت بقیه الله علیه السلام می باشد» (۱).

این ابزار و امکانات محیر العقول که ما فوق تصور هر انسانی است در دست هر کس قرار داده نمی شود؛ بلکه منحصراً در اختیار امام معصومی قرار می گیرد که بر هوای نفس خود تسلط داشته، غرایز سرکش را رام نموده، هرگز دچار لغزش و اشتباه نمی شود، و برای اصلاح جهانی ذخیره شده است.

اینک برای روشن شدن مطلب، برخی از روایات را می آوریم:

۱ - حدیث بن یمان در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام نقل می کند که در مورد برخی از فتوحات حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«زیورهای بیت المقدس، تابوت سکینه، مائده بنی اسرائیل، بقایای الواح،

ص: ۴۲۷

عصای موسی و منبر سلیمان را بیرون می آورد؛ همچنین یک قفیز (۱) از «من» که برای بنی اسرائیل فرود آمده بود بیرون می آورد در حالی که از شیر سفیدتر است». (۲)

۲ - در همین زمینه در روایتی دیگر آمده است:

«تابوت سکینه به وسیله او از دریاچه طبریه (در فلسطین) بیرون آورده می شود، و همراه آن حضرت حمل گردیده، در بیت المقدس در برابر او گذاشته می شود. هنگامی که یهودیان آن را ببینند همگی به شرف اسلام مشرف می شوند به جز تعدادی اندک که اسلام نمی آورند». (۳)

البته باید توجه داشت که:

«جواهرات بیت المقدس از بزرگترین و پر ارزش ترین گنجینه های جهان است که در زیر خاکها نهان است و حضرت بقیه الله علیه السلام آن را بیرون می آورد.

اما در مورد تابوت سکینه می توان گفت که، یکی از اسرار الهی است و در باره آن گفته اند که، آن را به هر شهری بفرستند تمام شهر را طعمه حریق می سازد؛ به هر طرف آن را ارسال کنند، آن کشور را از صفحه تاریخ بر می دارد؛ درست همچون بمبهای اتمی و هیدروژنی و نیترونی امروز و قوی تر از آنها، و بدینسان خداوند حجّت خود را با عصای موسی و تابوت سکینه مجهز ساخته که دیگر تسلیحات قرن حاضر در برابر آنها از هر واکنشی ناتوان است». (۴)

۳ - امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن حدیث شریفی می فرماید:

«جهان پر از هرج و مرج می شود؛ افق زندگی تیره و تاریک می گردد؛ در این موقع مهدی ما می آید در حالی که پیراهن آدم در تن او، انگشتر حضرت سلیمان در دست او و عصای حضرت موسی در اختیار اوست». (۵)

۴ - پیشوای پرهیز کاران در ضمن یک خطبه بسیار مفصل و طولانی بعد از ذکر

ص: ۴۲۸

۱- ۷۱۲. قفیز واحد وزن، و معادل ۹۰ رطل عراقی است.

۲- ۷۱۳. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۹؛ عقد الدرر، ص ۱۹۷.

۳- ۷۱۴. الملاحم و الفتن، ص ۱۵۰ باب ۱۵۴.

۴- ۷۱۵. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۲۰.

۵- ۷۱۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۴.

اسامی اصحاب قائم علیه السلام می فرماید:

«... آنگاه به سوی کوفه عزیمت می کند و بر تخت سلیمان پیامبر می نشیند. عصای موسی علیه السلام را در دست می گیرد و روح الامین (جبرئیل) و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام همنشین او هستند. بُرد پیامبر را بر تن دارد، و ذوالفقار را حمایل کرده، و صورتش چون قرص ماه در شب چهارده می درخشد، و از میان دندانهای ثنایایش نوری چون برق، ساطع می شود، و بر سر مبارکش تاجی از نور قرار دارد»<sup>(۱)</sup>.

۵ - امام باقر علیه السلام در حدیثی راجع به عصای حضرت موسی علیه السلام می فرماید:

«عصای موسی نخست در دست آدم بود؛ سپس به دست شعیب پیغمبر رسید و سرانجام به دست موسی بن عمران؛ و هم اکنون در دست ماست. و آن، هم اکنون در دست من سبز است همانند روزی که از درخت بریده شد. با این عصا هر وقت سخن گویم سخن می گوید. این عصا برای قائم ما آماده شده که همچون موسی بن عمران آن را به کار می برد. این عصا اهل باطل را می ترساند و هر چه بیندازند می بلعد، و آنچه - حجت خدا - فرمان دهد اطاعت می کند...»<sup>(۲)</sup>

۶ - پیشوای پنجم شیعیان در حدیث دیگری می فرماید:

«حضرت قائم علیه السلام با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، انگشتر حضرت سلیمان، سنگ موسی و عصای او ظاهر خواهد شد»<sup>(۳)</sup>.

۷ - و در رابطه با نام مبارک مهدی علیه السلام می فرماید:

«به او «مهدی» گفته می شود؛ زیرا به امر پنهان، هدایت شده و بدان آگاه شده است. او تورات و انجیل و سایر کتابهای آسمانی را از غاری در انطاکیه (شهری در جنوب ترکیه) بیرون می آورد، و در میان یهودیان با تورات، و در میان

ص: ۴۲۹

۱- ۷۱۷. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۳۰.

۲- ۷۱۸. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱. اوصاف عصای موسی را در مجمع البحرین، ج ۲، ص ۶ ماده «ارب» بخوانید.

۳- ۷۱۹. غیبت نعمانی، ص ۲۳۸، ح ۲۸.

مسیحیان با انجیل، و در میان زبوریان با زبور، و در میان مسلمانان با قرآن داوری می کند» (۱).

۸- یعقوب سراج می گوید که خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: فرج شیعیان شما چه وقت است؟ فرمود:

«... فرج ما هنگامی است که حضرت صاحب الامر علیه السلام با میراث‌های پیامبر اکرم از مدینه خارج شده، رهسپار مکه معظمه گردد.»

پرسیدم: میراث پیامبر اکرم چیست؟ فرمود:

شمشیر، زره، عمامه، بُرد، تازیانه، پرچم، سپر و زین آن حضرت است. چون وارد مکه شود، شمشیر را از غلافش بیرون می آورد؛ زره، بُرد و عمامه را می پوشد؛ پرچم را برافراشته، تازیانه را به دست می گیرد و از خدای تبارک و تعالی اذن ظهور می طلبد» (۲).

آری! مهدی علیه السلام با میراث‌های گرانبهای پیامبران می آید، و به وسیله آنها با تمام اقوام و ملل مختلف دنیا و مسلمانان اتمام حجت می کند، و راه عذری برای هیچ یک از اهل ادیان باقی نمی گذارد تا این که همگی به اسلام می گروند، و در روی زمین هیچ نقطه ای باقی نمی ماند جز این که در آن، به یکتایی خدا و پیامبری رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم گواهی داده می شود.

### حضرت مهدی علیه السلام با ملائکه یاری می شود

از روایات فراوانی که از پیشوایان معصوم علیه السلام در مورد تعداد اصحاب حضرت مهدی علیه السلام وارد شده، استفاده می شود که تعداد ۳۱۳ نفر فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت می باشند؛ خداوند به وسیله آنها و با تأیید ملائکه و فرشتگان، شرق و غرب جهان را می گشاید، و وعده خود را به اتمام می رساند، و ریشه کفر و شرک و الحاد را می سوزاند، و آیین حق را در روی زمین مستقر می نماید. اینک به قسمتی از روایاتی که در این زمینه وارد شده است، توجه فرمایید:

ص: ۴۳۰

۱- ۷۲۰. غیبت نعمانی، ص ۲۳۷، ح ۲۶.

۲- ۷۲۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱، ح ۶۶؛ کافی ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.

۱- ابن عباس می گوید: روزی که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در باره نبوت خود و امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام و یازده فرزند معصوم آن حضرت سخن می گفت، فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَهُ فَاخْتَارَنِي مِنْهَا فَجَعَلَنِي نَبِيًّا. ثُمَّ اطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَ مِنْهَا عَلِيًّا فَجَعَلَهُ إِمَامًا، ثُمَّ أَمَرَنِي أَنْ أُتَّخِذَهُ أَخًا وَوَصِيًّا وَخَلِيفَةً وَوَزِيرًا، فَعَلَيْتُ مِنِّي، وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ، وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِي وَ أَبُو سِبْطِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ.»

الا- وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ حُجَجًا عَلَى عِبَادِهِ، وَ جَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّةً لِيُقِيمُونَ بِأَمْرِي، وَيَحْفَظُونَ وَصِيَّتِي، النَّاسِ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي، وَ مَهْدِي أُمَّتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ، لِيُظْهَرَ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلِهِ، وَ خَيْرِهِ مُضِيِّهِ، فَيُعْلَنُ أَمْرُ اللَّهِ، وَيُظْهَرُ دِينَ الْحَقِّ، وَيُؤَيَّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ، وَيُنَصَّرُ بِمَلَائِكَتِهِ اللَّهُ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. (۱)

«به راستی که خدای تبارک و تعالی نظری به زمین افکند و مرا انتخاب نمود و پیغمبر قرار داد. بار دیگر نظری به زمین افکند و علی علیه السلام را انتخاب نمود و او را پیشوا و امام قرار داد. آنگاه به من فرمان داد تا او را، برادر، دوست، وصی، جانشین و وزیر خود گردانم. آری! علی از من است و من از علی هستم. او شوهر دختر من، و پدر دو نوه من حسن و حسین است.»

آگاه باشید که خدای تعالی، من و آنها را حجت بر بندگان خود ساخته، و از صلب حسین امامانی قرار داده است که دین مرا بر پا می دارند و وصیت مرا حفظ می کنند. نهمین آنها قائم اهل بیت من و مهدی اُمت من است که در خوی، گفتار و کردار از همه کس به من شبیه تر است. او بعد از غیبت طولانی و سرگردانی مردم، ظاهر می شود؛ امر خدا را آشکار می کند و دین حق را ظاهر می سازد. به یاری خداوند تأیید می گردد، و به وسیله فرشتگان یاری می شود، و زمین را پر از عدل و داد می نماید همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است.»

ص: ۴۳۱

۲ - امام حسن مجتبی علیه السلام در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

«يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٌ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ، يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعِصُمُ أَنْصَارَهُ، وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ، وَ يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا، يَدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا. لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ، وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ ...» (۱)

«در آخر الزمان و سختی روزگار و جهالت مردمان، خداوند مردی را بر می انگیزد که او را با فرشتگان تأیید می کند و یارانش را محافظت می نماید، و او را با آیاتش یاری می دهد و بر سرتاسر زمین مسلط می گرداند، تا همگان در برابر او خواه و ناخواه منقاد شوند. او زمین را از قسط و عدالت و نور و برهان پر می کند ... طول و عرض جهان به تسلط او در می آید. در روی زمین کافری نمی ماند جز این که ایمان می آورد، و شخص ناشایستی نمی ماند جز این که به صلاح و تقوا می گراید.»

۳ - ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت در حدیثی فرمود:

«لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ، لَنْصَرَهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ الْمُسَوِّمِينَ وَ الْمُرْدِفِينَ وَ الْمُنْزِلِينَ وَ الْكُرُوبِيِّينَ. يَكُونُ جَبْرَائِيلُ أَمَامَهُ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَ إِسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ، وَ الرَّعْبُ يَسِيرُ مَسِيرَهُ شَهْرَ أَمَامَهُ وَ حَلْفَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ، وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ حُدَاهُ ... وَ مَعَهُ سَيْفٌ مُخْتَرَطٌ، يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الرُّومَ وَ الدَّيْلِمَ وَ السِّنْدَ وَ الْهِنْدَ وَ كَابِلَ شَاهِ وَ الْخَزَرَ.» (۲)

«هرگاه قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند، خداوند او را با فرشتگان نشاندار و ... مقرب یاری می کند. جبرئیل، پیشاپیش او و میکائیل از طرف راست و اسرافیل از طرف چپ او حرکت می کنند. ابهت و رعب و وحشت به فاصله یک ماه راه از جلو، عقب، چپ و راست او حرکت می کند (یعنی شعاع هیبت آن

ص: ۴۳۲

۱- ۷۲۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۷، ح ۲؛ بشاره الاسلام، ص ۱۹۷.

۲- ۷۲۴. غیبت نعمانی، ص ۲۳۴، ح ۲۲؛ بشاره الاسلام، ص ۱۱۸.

حضرت تا مسافت یک ماه راه را زیر پوشش می گیرد) و فرشتگان مقرب خدا خدمت گزاران او هستند.

همراه او شمشیری برکشیده و برهنه است. خداوند متعال، روم، دیلم، سند، هند، کابل شاه و خزر را برای او فتح می کند».

۴ - عبد الرحمان بن کثیر می گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ (۱)؛ امر خدا فرا رسید، پس شتاب نکنید» فرمود:

«آن امر ماست که خدا فرموده است نباید در آن شتاب شود. خداوند او را به وسیله سه سپاه یاری می کند: فرشتگان، مؤمنان و رعب و وحشت در دل دشمنان.

و ظهور او مانند ظهور رسول اکرم است» (۲).

۵ - ابان بن تغلب می گوید که امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

«سیزده هزار و سیصد و سیزده نفر از فرشتگان بر او نازل می شوند».

من عرض کردم: این همه فرشته بر او نازل می شود؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«آری! آنها عبارتند از:

۱ - همه فرشتگانی که با حضرت نوح در کشتی بودند.

۲ - همه فرشتگانی که به هنگام افتادن حضرت ابراهیم در میان آتش با او بودند.

۳ - همه فرشتگانی که به هنگام شکافتن رود نیل برای بنی اسرائیل با حضرت موسی بودند.

۴ - همه فرشتگانی که به هنگام عروج حضرت عیسی با او بودند.

۵ - چهار هزار فرشته نشان دار که در خدمت رسول اکرم بودند.

۶ - هزار فرشته که پشت سر هم، برای یاری پیامبر اکرم فرود آمدند.

۷ - سیصد و سیزده فرشته که در جنگ بدر حضور داشتند.

۸ - چهار هزار فرشته که در روز عاشورا برای یاری امام حسین علیه السلام فرود آمدند

١-٧٢٥. سورة نحل، آيه ١.

٢-٧٢٦. المحججه فيما نزل في القائم الحجّه، ص ١١٥؛ غيبت نعماني، ص ٢٤٣، باب ١٣، ح ٤٣.



و به آنها اجازه جنگ و پیکار داده نشد ...

همه این فرشته ها هم اکنون در روی زمین هستند و انتظار قیام قائم علیه السلام را می کشند» (۱).

از این روایات به خوبی استفاده می شود که فرشتگان مقرب خدا، خدمتگزار مهدی آل محمد علیه السلام می باشند، و او را در تشکیل حکومت واحد جهانی و خلافت اسلامی و اجرای عدالت و پیاده کردن احکام اسلام و برنامه های قرآنی یاری می دهند.

## ۲- یاران حضرت مهدی علیه السلام

### قرآن و یاران حضرت مهدی علیه السلام

آیات بسیاری از قرآن کریم به یاران حضرت مهدی علیه السلام تفسیر و تأویل شده است که برخی از آنها را در اینجا می آوریم:

۱- «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» (۲).

«پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را می آورد».

از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه روایت شده است که فرمود:

«منظور از خیرات، ولایت اهل بیت علیهم السلام است و منظور از «يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»، ۳۱۳ تن از یاران قائم علیه السلام می باشند ... به خدا سوگند! در یک لحظه همچون قطعات ابر پاییزی گرد آمده، پیرامون شمع وجودش حلقه می زنند. و در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند، و همراه او پیمان نامه ای از رسول اکرم است که آن را - امامان معصوم علیهم السلام - یکی پس از دیگری به ارث برده اند» (۳).

۲- «وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّه مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْسِبُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ

ص: ۴۳۴

---

۱- ۷۲۷. کامل الزیارات، ص ۱۳۰، باب ۴۱، ح ۵.

۲- ۷۲۸. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۳- ۷۲۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸؛ کافی، ج ۸، (روضه) ص ۳۱۳؛ غیبت نعمانی، ص ۲۸۲؛ بشاره الاسلام، باب ۶، ص

مَضْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ» (۱).

«اگر ما عذاب را تا [آمدن] «اُمّت معدوده» از آنها به تأخیر بیندازیم می گویند: چه چیز آن را باز می دارد؟ آگاه باش! هنگامی که آن روز بیاید، عذاب از آنها برگردانده نمی شود، و آنچه را که مسخره می کردند آنها را فرو خواهد گرفت».

از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که آن دو بزرگوار در تفسیر این آیه فرمودند:

«منظور از «اُمّت معدوده» [اُمّت شمرده شده]، همان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند که ۳۱۳ نفر به تعداد اهل «بدر» می باشند و همان گونه که پاره های ابر پاییزی به هم می پیوندند آنان نیز در آن واحد [نزد آن حضرت] گرد می آیند» (۲).

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است که فرمود:

«منظور از «عذاب» خروج حضرت قائم علیه السلام است (که سبب معذب شدن کافران می باشد) و منظور از «اُمّت معدوده» اصحاب اوست که به تعداد اهل بدر هستند» (۳).

بنابر این، معنای آیه چنین خواهد بود: اگر عذاب را از آنها تا آمدن اُمّتی معدود (یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان) به تأخیر بیندازیم، خواهند گفت: چه چیز مانع می شود که ظاهر شود و عذاب خدا را بر ما نازل کند؟!

قرآن کریم در پاسخ آنها می فرماید:

«آگاه باش! هنگامی که عذاب فرود آید از آنها برگردانده نمی شود و کیفی که استهزا و مسخره می کردند به آنها می رسد» (۴).

منظور از عذاب در این آیه مبارکه، عذاب آخرت نیست؛ بلکه دست انتقام الهی

ص: ۴۳۵

۱- ۷۳۰. سوره هود، آیه ۸.

۲- ۷۳۱. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۴۱، باب ۷۱.

۳- ۷۳۲. غیبت نعمانی، ص ۲۴۱.

۴- ۷۳۳. الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۴؛ تفسیر صافی، ج ۴ ص ۱۲؛ تفسیر برهان، ج ۲ ص ۲۰۹.

است که از آستین حق بیرون آمده، از آنها انتقام خواهد گرفت، و پیش از آخرت آنها را به سزای کردارشان خواهد رسانید.

۳ - «مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ» (۱)

«هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خداوند گروهی را می آورد که دوستشان دارد و آنها نیز او را دوست دارند. در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران سر سخت و نیرومند هستند».

سلیمان بن هارون عجلی گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

«حضرت صاحب الامر علیه السلام در پناه خدا محفوظ است. اگر همه مردم از بین بروند، خداوند یاران او را خواهد آورد. آنان کسانی هستند که خدا در باره آنها فرموده است: «اگر اینها بدان کفر ورزند، ما گروهی دیگر را بر آنان گماریم که بدان کافر نباشند» (۲) و آنان هستند کسانی که در باره آنها فرموده است: «خداوند گروهی را می آورد که دوستشان دارد و آنها نیز او را دوست دارند. در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران سر سخت و نیرومند هستند» (۳).

۴ - «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ...» (۴)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند وعده داده است که آنها را در روی زمین جانشین گرداند، همان گونه که پیشینیان را جانشین گردانید».

امام زین العابدین علیه السلام آیه کریمه «... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ...» را تلاوت نمود، آنگاه فرمود:

ص: ۴۳۶

۱- ۷۳۴. سوره مائده، آیه ۵۴.

۲- ۷۳۵. سوره انعام، آیه ۸۹.

۳- ۷۳۶. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۳۷، باب ۷۱.

۴- ۷۳۷. سوره نور، آیه ۵۵.

«به خدا سوگند! آنها دوستان - و شیعیان - ما اهل بیت هستند. خداوند به وسیله مردی از ما که مهدی این اُمت است، وعده ای را که در این آیه به مؤمنان صالح داده، تحقق خواهد بخشید. رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در حق مهدی فرموده است:

اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را طولانی می گرداند تا مردی از عترت من بیاید که هم نام من است؛ او جهان را پر از عدل و داد نماید، آن چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد».(۱)

۵ - «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».(۲)

«همان کسانی که چون در زمین به آنها فرمان روایی دهیم، نماز را بپا می دارند و زکات را می پردازند و به نیکی فرمان می دهند و از زشتی باز می دارند و فرجام کارها از آن خداست».

ابی جارود از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

«این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام و یاران او نازل شده است. خداوند مَنان، شرق و غرب جهان را تحت سیطره آنها در می آورد و دین را به وسیله آنها در جهان آشکار می سازد، و دیگر از ظلم و ستمها و بدعتها نشانی در روی زمین باقی نمی ماند».(۳)

از آیات یاد شده استفاده می شود که یاران حضرت مهدی علیه السلام از قدرت فوق العاده ای برخوردارند که در یک لحظه از مکان های مختلف به مکه می روند و به آن حضرت ملحق می شوند. آنان محبوب خدا هستند و خداوند محبوب آنان. خدا، آنها را در زمین توانایی و فرمان روایی می دهد و به دست آنها، کافران را عذاب می کند. آنان نماز بپا می دارند و زکات می پردازند. به نیکی ها امر می کنند و از بدی ها باز می دارند.

این بحث را با نگاهی گذرا به روایات پی می گیریم.

ص: ۴۳۷

---

۱- ۷۳۸. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۴۵، باب ۷۱؛ المحجّه، ص ۱۵۱ و ۱۵۲؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰.

۲- ۷۳۹. سوره حج، آیه ۴۱.

۳- ۷۴۰. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۴۴، باب ۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷ و ۴۸، ح ۹.

طبق روایات، یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام ۳۱۳ نفر می باشند که همگی از تربیت شدگان مکتب ولایت و از عاشقان دلباخته خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام هستند. هنگام ظهور آن حضرت، به گردش حلقه می زنند و به یاری آن حضرت می پردازند.

اکنون برای آشنایی با خصوصیات این عده، قسمتی از احادیث را بررسی می کنیم:

۱ - از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«گویا اصحاب قائم علیه السلام را می بینم که تمام شرق و غرب عالم را تحت سیطره خود در آورده اند. در تمام دنیا چیزی نیست جز این که از آنها اطاعت می کند؛ حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری نیز تلاش می کنند که رضایت آنان را جلب کنند. چون یکی از آنها بر منطقه ای بگذرد، آن قطعه زمین بر دیگر زمینها مباحات کند و گوید: امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر روی من پای نهاد.» (۱)

۲ - در حدیث دیگری در همین رابطه، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«... قائم علیه السلام ۳۱۳ نفر را به تمام اقطار و اکناف عالم می فرستد [قبل از رفتن] دست مبارکش را بر سینه و بین دو کتف آنها می کشد، پس در هیچ حکمی فرو نمی ماند. دیگر هیچ نقطه ای در روی زمین باقی نمی ماند جز این که به یکتایی خدا و پیامبری رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در آن گواهی داده می شود.

و این است معنای این آیه شریفه که می فرماید:

«وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.» (۲)

«هر که در آسمانها و زمین است، خواه و ناخواه در برابر او تسلیم می شود، و بازگشت آنها به سوی اوست.» (۳)

۳ - ابان بن تغلب می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام در مسجد الحرام بودم، و دست من در دست مبارک آن حضرت بود که فرمود:

ص: ۴۳۸

۱- ۷۴۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۳.

۲- ۷۴۲. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳- ۷۴۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

«ای ابان! به زودی خدای - تبارک و تعالی - ۳۱۳ نفر را در این مسجد گرد می آورد که مردم مکه خیال می کنند که هنوز پدران و نیاکان آنها آفریده نشده اند. در دست آنها شمشیرهایی است که روی هر شمشیر نام، نام پدر، لقب و دیگر خصوصیات صاحبش نوشته شده است. آنگاه منادی آسمانی بانگ بر می آورد که ای اهل عالم! این مهدی است که چون داود و سلیمان داوری می کند و مطالبه بینه نمی نماید» (۱).

۴ - مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«هنگامی که امر ظهور امضا شد، امام علیه السلام خدای را با نام عبرانی اش می خوانند؛ آنگاه ۳۱۳ تن از یارانش چون پاره های ابر پاییزی به دور او گرد می آیند. آنها پرچمداران حضرت مهدی علیه السلام هستند. آمدن آنها به مکه دو گونه است:

۱ - افرادی که شبانه از رختخواب هایشان ناپدید می شوند و صبح در مکه می باشند.

۲ - افرادی که در روز روشن بر ابر سوار می شوند و با نام، نام پدر، حسب و نسب شان شناخته می شوند.

مفضل گوید: من عرض کردم: فدایت شوم! کدام یک از این دو گروه ایمانشان قوی تر است؟

فرمود: آنها که بر ابر سوار می شوند و یک باره ناپدید می گردند. (یعنی بستگانشان آنها را گم می کنند و از آنها مطلع نمی شوند) و خداوند در حقشان فرموده:

«أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» (۲)

«هر کجا که باشید خداوند همگی شما را یک جا گرد می آورد» (۳).

۵ - مسعده می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که ابو بصیر عرض کرد: آیا امیرمؤمنان علی علیه السلام، شهرهای اصحاب قائم علیه السلام را می دانست آن چنان که تعداد آنها را

ص: ۴۳۹

---

۱- ۷۴۴. غیبت نعمانی، ص ۳۱۳ باب ۲۰، ح ۵.

۲- ۷۴۵. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۳- ۷۴۶. غیبت نعمانی، ص ۳۱۳، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸، ح ۱۵۳؛ بشاره الاسلام، ص ۲۰۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: آری! به خدا سوگند! فرد فرد آنها را با نام، نام پدر و محل سکونتشان می دانست.

ابو بصیر گفت: جانم به فدایت، آنچه امیرمؤمنان علی علیه السلام می دانست امام حسن مجتبی علیه السلام نیز می دانست، و آنچه امام حسن علیه السلام می دانست، امام حسین علیه السلام نیز می دانست، و آنچه امام حسین علیه السلام می دانست به شما منتقل شده است؛ جانم به فدایت! مرا از حال آنها با خبر کن.

امام صادق علیه السلام فرمود: روز جمعه بیا نزد من تا تو را آگاه سازم.

ابو بصیر گوید: روز جمعه به محضر امام علیه السلام رسیدم؛ فرمود: رفیقت کجاست تا برای تو بنویسد؟ (ابو بصیر نابینا بود و رفیقی داشت که احادیث را برای او می نوشت)

گفتم: برای او کاری پیش آمد و من نخواستم دیرتر از وقت مقرر بیایم.

آنگاه امام علیه السلام خطاب به یکی از حاضران، فرمود: برای او بنویس:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هذا ما أملاه رسولُ الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - على أمير المؤمنين عليه السلام وَ أودعَهُ إِيَّاهُ مِنْ تَسْمِيهِ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِدَّةُ مَنْ يُوَفِّيهِ مِنَ الْمُفْقُودِينَ عَنْ فُرُشِهِمْ وَ السَّائِرِينَ إِلَى مَكَّةَ فِي لَيْلِهِ، وَ ذَلِكَ عِنْدَ اسْتِمَاعِ الصَّوْتِ فِي السَّنَةِ الَّتِي يَظْهَرُ فِيهَا أَمْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُمْ النَّجَبَاءُ وَ الْفُقَهَاءُ وَ الْحُكَّامُ عَلَى النَّاسِ ...»

«به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. این متن چیزی است که رسول اکرم آن را املا کرد، و امیرالمؤمنین علیه السلام آن را نوشت و آن را در نزد او به ودیعت نهاد. این متن، مشتمل بر نام یاران قائم علیه السلام و تعداد آنها می باشد. همان ها که از رخت خواب های خود ناپدید می شوند و در یک شب به مکه آورده می شوند.

این واقعه در هنگامی خواهد بود که صدای آسمانی شنیده شود، و در همان سال امر خدا ظاهر خواهد شد. آنها نجیبان، فقیهان و فرمانروایان مردم هستند ...»

آنگاه امام صادق علیه السلام خصوصیات جغرافیایی هر یک را بر می شمارد و در پایان

«اینها ۳۱۳ تن می باشند. خداوند همه آنها را در شب جمعه در مکه معظمه گرد می آورد به گونه ای که صبح همه آنها در مسجد الحرام می باشند و حتی یک تن تخلف نمی کند. پس در مکه پراکنده می شوند و به دنبال منزلی می گردند که در آن سکونت کنند.

مردم مکه آنها را نمی شناسند و از ورود قافله ای که برای حج، عمره یا تجارت آمده باشند اطلاع ندارند، و لذا دچار حیرت شده از یکدیگر می پرسند: اینها از کجا آمده اند؟ روزهای قبل چنین افرادی را ندیده بودیم! اینها اهل یک شهر و یک تیره و قبیله نیستند، و زن و فرزند و مرکب نیز همراه ندارند!

در این هنگام، مردی از بنی مخزوم مردم را عقب زده می گوید: من دیشب خوابی دیده ام که بسیار بیمناکم.

او را پیش مردی از ثقیف می برند تا خوابش را باز گوید. او می گوید: دیشب در خواب ابری را دیدم که از اوج آسمان به زیر آمد و روی خانه کعبه قرار گرفت. این ابر پر از ملخ هایی بود که بالهای سبز داشتند و به چپ و راست پرواز می کردند؛ به هر شهری که می رسیدند آن را طعمه حریق می کردند، و به هر قلعه ای می رسیدند آن را ویران می نمودند.

مرد ثقیفی می گوید: امشب لشکری از لشکرهای الهی فرود آمده که شما یارای مقاومت در برابر آن را ندارید.

آنها نیز داستان ورود این جمعیت ناشناس را باز گو می کنند و از نزد او خارج می شوند و تصمیم می گیرند که با آنها نبرد کنند؛ ولی دلهایشان پر از رعب و وحشت می شود و به یکدیگر می گویند: شتاب نکنید! اینها تاکنون کار خلافی انجام نداده اند؛ دست به اسلحه نبرده اند؛ کوچکترین اخلاقی در کارهای شما ایجاد نکرده اند و شاید برخی از بستگان شما در میان آنها باشد. هرگاه کار خلافی از آنها مشاهده کردید، آنگاه دست به کار شوید و آنها را از شهر خود بیرون کنید. اینها چهره هایی نورانی و ملکوتی هستند و وارد حرم امن الهی شده اند، پس تا کار خلافی انجام نداده باشند، باید در امان باشند.



مرد مخرومی که بزرگِ مردم مکه است می گوید: می ترسم که نیرویی بزرگ در پشت سر اینها باشد، تا نیرو نرسیده و اینها در اقلیت هستند اینها را محاصره کنید؛ گمان می کنم که تعبیر خواب آن پیر مرد صحیح باشد و پیروزی شکوهمندی در انتظار اینان باشد.

یکی از آنها می گوید: اینها مسلح نیستند و اگر نیرویی که ممکن است در پشت سر اینها باشد غیر مسلح باشند ضرری نمی توانند به شما برسانند، و اگر سپاه مسلحی به سراغ شما بیاید، آنگاه اینها را می گیرید و چون آب خوردن نابودشان می کنید.

در این مقوله ها سخن می گویند که شب فرا می رسد و خواب بر آنها مسلط می شود و دیگر اجتماع نمی کنند تا این که حضرت قائم علیه السلام قیام کند. پس یاران او با یکدیگر ملاقات می کنند، گویا همگی از یک پدر و مادر به دنیا آمده اند؛ اگر شب از هم جدا شوند، صبح گرد هم می آیند»<sup>(۱)</sup>.

ابو بصیر گفت: آیا مؤمن در روی زمین منحصر به آنها خواهد بود؟

امام صادق علیه السلام فرمود

نه، ولی این ها نجبا، فقها، قضات و حکام شرع هستند که دست پر مهر امام، قلب آنها را نوازش داده است و در هیچ موردی از حل مشکل باز نمی مانند.<sup>(۲)</sup>

### ۳- وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام

### ۳- وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام

یکی از سؤال هایی که از گذشته تا امروز مطرح بوده است و همواره از امامان می پرسیده اند، سؤال از وقت ظهور آن حضرت است. از این رو، در این زمینه روایات زیادی به دست ما رسیده است. از آن جا که این مسأله اهمیت دارد، آن را در اینجا بررسی می کنیم.

وقت ظهور آن حضرت تعیین نشده و علم به وقت ظهور، از آن خداوند است و جز

ص: ۴۴۲

---

۱- ۷۴۷. دلائل الامامه، ص ۵۵۴؛ الملاحم و الفتن، قسمت ملحقات، ص ۳۷۵ - ۳۸۰.

۲- ۷۴۸. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۶۳.

او کسی نمی تواند وقت ظهور را تعیین کند. در این زمینه، روایات بسیار صریح و معتبری از پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - جلال الدین سیوطی در تفسیر «در المنثور» در مورد این آیه شریفه: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً» (۱) از ابو هریره روایت کرده است که گفت:

«بادیه نشینی از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم پرسید: ساعت کی است؟

حضرت در جواب فرمود: «هنگامی که امانت ضایع شود، در انتظار ساعت باش.»

اعرابی گفت: ای رسول خدا! ضایع ساختن امانت چگونه است؟

فرمود: «موقعی که کارها به کسانی که اهلّیت آن را ندارند واگذار گردید، در انتظار ساعت باش.» (۲)

۲ - همچنین «سیوطی» از ابن مردویه، از ابو هریره روایت کرده است که گفت:

مردی نزد رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: یا رسول الله! موقع فرا رسیدن ساعت کی است؟

آن حضرت فرمود: «در این مورد، مسئول از سؤال کننده آگاه تر نیست.»

آن مرد گفت: ای کاش ما را از نشانه های آن باخبر می ساختی!

فرمود: «هنگامی که بازارها و محل داد و ستدها به یکدیگر نزدیک شوند.»

آن مرد گفت: نزدیک شدن بازارها به یکدیگر چیست؟

فرمود: «این که برخی از مردم به برخی دیگر از کمبود در آمد شکایت کنند، و اولاد زنا فراوان گردد، و غیبت کردن گسترش یابد، و صاحبان مال و ثروت مورد تعظیم قرار گیرند، و صدا و آواز مردمان فاسق در مساجد بلند شود و اهل منکر آشکار گردند، و ستمگری بسیار شود [آن وقت است که ساعت فرا رسد]» (۳)

از احادیث شریفه زیادی که در مورد کلمه «ساعت» وارد شده، چنین استفاده می شود که «ساعت» در اصطلاح شرع مقدس، به دو چیز اطلاق می شود: یکی روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام، و دیگری روز قیامت.

ص: ۴۴۳

---

۱ - ۷۴۹. سوره محمدصلی الله علیه وآله وسلم، آیه ۱۸. «آیا کافران جز این انتظار می برند که رستخیز به ناگاه بر آنان فرا رسد؟»

٢- ٧٥٠. تفسير درّ المنثور، ج ٧، ص ٤٦٨، الجزء السادس و العشرون.

٣- ٧٥١. تفسير درّ المنثور، ج ٦، ص ٥٠.

بنابر این، مقصود از «ساعت» یا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است یا زمان ظهور و قیامت. زیرا این دو زمان در بسیاری از نشانه‌ها با هم مشترک اند؛ چه آن که، هم روز ظهور و هم روز قیامت، برای مؤمنان مایه رحمت و شادکامی و برای کافران و منافقان، موجب عذاب و نقت است، و چنان که از احادیث بعدی ظاهر می‌شود، خداوند علم و آگاهی این دو روز را به خود اختصاص داده و هیچ یک از انبیا و اولیای خود را از فرا رسیدن این دو روز، مطلع نساخته است.

۳- در حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است که فرمود:

«از جدّم رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم پرسیدم که امامان بعد از او چند نفرند؟

فرمود: امامان بعد از من، به تعداد نقبای بنی اسرائیل، دوازده نفرند. خداوند علم و فهم مرا به آنها عطا فرموده است. تو ای حسن! یکی از آنها هستی.

عرضه داشتم: یا رسول الله! قیام قائم ما اهل بیت کی خواهد بود؟

فرمود: ای حسن! حکایت قیام «قائم»، مثل روز قیامت است که علمش نزد خداست و ناگهان فرا می‌رسد». (۱)

۴- در کتاب «اصول کافی» و «غیبت» نعمانی، و «بحار الانوار» از فضل بن یسار، روایت کرده اند که گفت:

به حضرت باقرعلیه السلام عرضه داشتم: آیا برای این امر وقتی تعیین شده است؟ فرمود:

«كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ؛ کسانی که وقتی برای ظهور تعیین کنند، دروغ می‌گویند. و این جمله را سه بار تکرار فرمود». (۲)

۵- در «غیبت» شیخ طوسی رحمه الله از فضیل روایت کرده است که گفت:

از امام محمّد باقرعلیه السلام پرسیدم: آیا برای این امر (زمان ظهور) وقتی تعیین شده است؟ فرمود:

«آنهايي که وقتی برای آن تعیین کنند، دروغ می‌گویند. و سه بار این جمله را تکرار نمود». (۳)

ص: ۴۴۴

۱- ۷۵۲. منتخب الأثر، ص ۳۰، ح ۴۱ و کفایه الاثر، ص ۱۶۸.

۲- ۷۵۳. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۵؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۴، ح ۱۳، باب ۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۸، ح ۴۵.

۳- ۷۵۴. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۲؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۳، ح ۱.

۶ - در پایان حدیث مفصلی که در کتاب «اصول کافی» از آن حضرت روایت شده، آمده است که فرمود:

«... از ما پرسید، آنچه ما به شما گفتیم - که مسلماً راست خواهیم گفت - به آن اقرار و اعتراف کنید، که البته می دانم که چنین نخواهید کرد.»

دانش ما بسیار روشن و آشکار است، و اُمّیا فرا رسیدن دولت ما که در آن دین آشکار شود و اختلافی در بین مردم نباشد، برای آن مدّتی است که باید شبها و روزهای زیادی بگذرد تا این که وقت آن فرا رسد و حق آشکار گردد و امر یکی شود» (۱).

۷ - در کتاب «غیبت» شیخ طوسی و «غیبت» نعمانی، و «بحار الانوار»، از عبد الرحمان بن کثیر روایت کرده اند که گفت:

در خدمت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم اسدی وارد شد و عرض کرد: جانم به فدایت! ظهور قائم آل محمد علیه السلام که شما اهل بیت و ما - شیعیان - انتظار آن را می کشیم، کی خواهد بود؟ ... فرمود:

«ای مهزم! آنان که وقتی برای آن تعیین می کنند، دروغ می گویند و آنان که برای ظهورش شتاب می نمایند به هلاکت می رسند، و آنان که تسلیم امر الهی هستند نجات می یابند، و سرانجام همه به سوی ما باز می گردند» (۲).

۸ - در «غیبت» شیخ طوسی از محمد بن مسلم روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«مَنْ وَقَّتْ لَكَ مِنَ النَّاسِ شَيْئًا، فَلَا تَهَابِنِ أَنْ تُكَذِّبَهُ، فَلَسْنَا نُوقَّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا».

«هر کس وقتی برای ظهور تعیین نمود، هیچ باکی نداشته باش که او را تکذیب کنی؛ زیرا ما برای هیچ کس وقت تعیین نمی کنیم» (۳).

۹ - در «غیبت» نعمانی از ابو بصیر روایت کرده است که گفت: من در باره حضرت قائم علیه السلام از امام صادق علیه السلام پرسش نمودم، فرمود:

ص: ۴۴۵

---

۱- ۷۵۵. کافی، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲- ۷۵۶. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳، ح ۷؛ غیبت نعمانی ص ۲۹۴، باب ۱۶، ح ۱۱.

۳- ۷۵۷. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴، ح ۸.

«كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَانُوقْتُ، ثُمَّ قَالَ: أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَخْلِفَ وَقْتُ الْمُوقِّتِينَ» (۱).

«کسانی که وقتی برای ظهور تعیین می کنند، دروغ می گویند. ما اهل بیت، وقتی برای آن تعیین نمی کنیم. سپس فرمود: خداوند اراده فرموده است که با هر وقتی که وقت گزاران تعیین کنند، مخالفت نماید».

۱۰ - مفضل بن عمر گوید:

به پیشگاه امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا برای ظهور مهدی منتظر علیه السلام وقتی تعیین شده که مردم آن را بدانند؟ فرمود:

«نه، خداوند اجازه نداده است که برای آن وقت معینی باشد که شیعیان ما از آن آگاهی داشته باشند».

عرض کردم: ای آقای من! چرا نمی توان از وقت آن مطلع شد؟

فرمود: زیرا وقت ظهور او، همان ساعتی است که خداوند می فرماید: «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً (۲)؛ از تو در مورد ساعت - ظهور - می پرسند که زمان فرا رسیدن آن کی خواهد بود؟ بگو علمش در نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او نمی تواند آن را آشکار سازد، و آن (حتی) در آسمانها و زمین سنگین آمده است و جز به طور ناگهانی به سراغ شما نمی آید».

و نیز آن همان ساعتی است که خداوند فرموده است: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» (۳)؛ «از تو در مورد ساعت قیام می پرسند که طلوع آن در چه وقت است؟».

و نیز فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ» (۴)؛ «علم ساعت - قیامت - در نزد خداوند است».

ص: ۴۴۶

۱- ۷۵۸. غیبت نعمانی، ص ۲۹۴، باب ۱۶، ح ۱۲.

۲- ۷۵۹. سوره اعراف، آیه ۱۸۶.

۳- ۷۶۰. سوره نازعات، آیه ۴۲.

۴- ۷۶۱. سوره لقمان، آیه ۳۴.

و همچنین فرموده است: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا» (۱)؛ «آیا آنها جز این انتظاری دارند که ساعت قیام به طور ناگهانی فرا رسد، در حالی که هم اکنون نشانه های آن آمده است».

... و هم فرموده است: «وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا» (۲)؛ «و تو چه می دانی، شاید ساعت قیام نزدیک باشد».

و باز فرموده است: «يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (۳)؛ «کسانی در مورد آن (ساعت قیام) شتاب می کنند که آن را باور ندارند؛ ولی آنان که آن را باور کرده اند، پیوسته با ترس و هراس مراقب آن هستند، و می دانند آن حق است. آگاه باش! آنان که در مورد ساعت مجادله می کنند در گمراهی عمیقی هستند».

مفضل می گوید: پرسیدم معنای مجادله در مورد ساعت چیست؟ فرمود:

یعنی می گویند: قائم علیه السلام کی متولد شده؟ چه کسی او را دیده؟ حالا کجاست؟ کی ظاهر می شود؟

این پرسشها و مجادله ها شتاب در امر خدا، و شک و تردید در قضای الهی و دخالت در قدرت خداست. اینان کسانی هستند که در دنیا زیانکارند و در آخرت بازگشت بسیار بدی دارند.

مفضل گوید: عرض کردم: آیا برای او نمی توان وقتی تعیین کرد؟ فرمود:

ای مفضل! نه من وقتی برای آن تعیین می کنم و نه هم وقتی برای آن تعیین شده است. هر کس برای ظهور مهدی ماعلیه السلام وقت تعیین کند خود را در علم خدا شریک دانسته و - به ناحق - خود را بر اسرار الهی واقف پنداشته است که این ادعایی بی اساس است» (۴).

ص: ۴۴۷

۱- ۷۶۲. سوره محمد، آیه ۱۸.

۲- ۷۶۳. سوره احزاب، آیه ۶۳.

۳- ۷۶۴. سوره شوری، آیه ۱۸.

۴- ۷۶۵. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱ - ۳.

۱۱ - حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام به علی بن یقظین فرمود:

«... شیعیان به وسیله امید و آرزو زنده اند و به صلاح آیند.»

علی بن یقظین می گوید:

اگر به ما گفته می شد که [برای این امر وقتی تعیین شده و مثلاً] دوست سال یا سیصد سال دیگر واقع می شود، دلها را قساوت می گرفت و توده مردمان از اعتقاد به اسلام بر می گشتند؛ ولی گفته اند: چه بسیار زود است! چقدر نزدیک است! تا دل مردم آرام بگیرد و فرج را نزدیک بدانند» (۱).

۱۲ - در کتاب «ینابیع المودّه» و «فرائد السمطین» و برخی منابع دیگر از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام روایت کرده اند که در ضمن حدیثی به دعبل بن علی خزاعی فرمود:

«... [امام] بعد از حسن - عسکری - پسرش حجّت و قائم منتظر است که در دوران غیبتش انتظار او را می کشند... و اما این که او کی ظاهر می شود، خبر دادن از وقت ظهور است، و پدرم توسط پدران از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به من خبر داده اند که آن حضرت فرمود: «مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» [مَثَلُ آن مثل روز قیامت است که ناگهان به شما می رسد]» (۲).

۱۳ - در توقیعی که حضرت ولی عصر علیه السلام برای اسحاق بن یعقوب نوشته اند، چنین آمده است:

«... اما ظهور و فرج، مربوط به خداوند است و هر کس وقتی برای آن تعیین کند، دروغ گفته است» (۳).

علاوه بر این روایات، در کتابهای مقدّس اهل ادیان و بخصوص در تورات و انجیل نیز وقتی برای ظهور تعیین نشده است که برای اطمینان خاطر خوانندگان به فراز هایی از آن دو کتاب اشاره می کنیم.

ص: ۴۴۸

۱- ۷۶۶. غیبت نعمانی، ص ۲۹۵، ح ۱۴؛ کافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۶.

۲- ۷۶۷. ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۳۰۹، باب ۸۰؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۸؛ منتخب الاثر، ص ۲۲۱.

۳- ۷۶۸. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۵۳۱.



«و در ایام آخر واقع خواهد شد ... جمیع اُمّت‌ها به سوی آن روان خواهند شد ... او اُمّت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد ... اُمّتی بر اُمّتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت».<sup>(۱)</sup>

«اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد ... بلکه جمیع اُمّت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قوم‌ها را برای خویشتن فراهم می‌آورد».<sup>(۲)</sup>

ب) انجیل

«این شخص هم پسر ابراهیم است؛ زیرا که پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد ... که ملکوت خدا می‌باید در همان زمان ظهور کند ... تجارت کنید تا بیایم».<sup>(۳)</sup>

«اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتّی ملائکه آسمان جز پدر من و بس؛ لیکن چنان که ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود ... لَهذا شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید».<sup>(۴)</sup>

«ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد؛ نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید آن وقت کی می‌شود ... پس بیدار باشید؛ زیرا نمی‌دانید که در چه وقت «صاحب خانه» می‌آید؛ در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح ... اما آن چه به شما می‌گویم، به همه می‌گویم: بیدار باشید».<sup>(۵)</sup>

با توجّه به آنچه گذشت معلوم می‌شود که امر ظهور مربوط به خداوند است و تنها اوست که وقت ظهور را می‌داند. بنابراین این، هر کس برای ظهور وقتی تعیین کند، دروغ

ص: ۴۴۹

۱- ۷۶۹. تورات، کتاب اشعیای نبی، باب دوم، بندهای ۲ - ۴.

۲- ۷۷۰. تورات، کتاب حیقوق نبی، باب ۲، بندهای ۳ - ۵.

۳- ۷۷۱. انجیل لوقا، باب ۱۹، بندهای ۸ - ۱۳.

۴- ۷۷۲. انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۳۶، ۳۷، ۴۴.

۵- ۷۷۳. انجیل مرقس، باب ۱۳، بندهای ۳۲، ۳۳ و ۳۵.

گفته است؛ زیرا اراده و مشیت خدا تابع اراده و خواست مردم نیست، و خداوند به خاطر عجله و شتاب مردم شتاب نمی کند. زیرا کسی در کاری شتاب می کند که از دست دادن آن بهراسد، و خداوند از این جهت، ترس و هراسی ندارد و هر گاه مصلحت ایجاب کند خواست خدا انجام می پذیرد.

#### ۴ - مدّت حکومت حقه

سؤال دیگری که گاهی پرسیده می شود، این است که مدّت حکومت آن حضرت چقدر است. در این باره، روایات زیاد و مختلفی در کتب شیعه و سنی نقل شده که به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱ - اُمّ سلمه، زوجه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، از آن حضرت روایت می کند که در ضمن حدیثی فرمود: «فَيَلْبِثُ سَبْعَ سِنِينَ (۱)؛ هفت سال در میان مردم می ماند».

۲ - ابو سعید خدری از رسول اکرم نقل می کند که در پایان حدیثی فرمود:

«يَعِيشُ فِي ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ - أَوْ ثَمَانَ - سِنِينَ» (۲).

«بعد از ظهور، هفت - یا هشت - سال زندگانی می کند».

۳ - حدیفه یمانی در ضمن حدیثی از پیامبر اکرم نقل می کند که فرمود:

«فَيَمُوتُ أَرْبَعِينَ سَنَةً (۳)؛ چهل سال در میان مردم می ماند».

۴ - در کتب اهل سنت از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«هفت سال حکومت می کند که هر سال آن برابر ده سال از سالهای شماس است. آنگاه خداوند هر چه اراده کند انجام می دهد» (۴).

۵ - در ذیل خطبه «البیان» از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است که فرمود:

«مدّت هشتاد سال در میان مردم خواهد بود» (۵).

۶ - در حدیثی از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمود:

ص: ۴۵۰

۱- ۷۷۴. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۸.

۲- ۷۷۵. المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۳۳۵ و البیان، باب ۶.

٣-٧٧٦. عقد الدرر، ص ٣٠٧، باب ١١.

٤-٧٧٧. همان، ص ٣٠٥.

٥-٧٧٨. الزام الناصب، ج ٢، ص ٢٣٢.

«مهدی علیه السلام ۱۹ سال و چند ماه حکومت می کند» (۱).

۷- ابی جارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«حضرت قائم علیه السلام مدّت ۳۰۹ سال حکومت می کند چنان که اصحاب کهف مدّت ۳۰۹ سال در غارشان ماندند. زمین را پر از عدالت می کند آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد. خداوند شرق و غرب جهان را برای او فتح می نماید» (۲).

۸- ابو بصیر در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«هفت سال حکومت می کند که هر سالش معادل ۱۰ سال شماس است. سپس آنچه خدا بخواهد انجام می دهد.

ابو بصیر می گوید که از آن حضرت پرسیدم: سالها چگونه طولانی می شود؟

فرمود: خداوند به فلک دستور می دهد که آرام تر بچرخد و بدین گونه روزها و سالها طولانی می شود.

عرض کردم: آنها - مخالفان - می گویند: اگر فلک تغییر کند از بین می رود.

فرمود: آن گفته ملحدان است و اما مسلمانان راهی برای این حرف ندارند؛ خداوند برای پیامبرش ماه را شکافت، و قبل از آن، برای یوشع بن نون خورشید را برگردانید، و از طولانی شدن روز قیامت نیز خبر داده و فرموده است: هر روز آن همانند هزار سال از سالهای شماس است» (۳).

۹- مرحوم سید بن طاووس رحمه الله از کتاب جعفر بن محمد کوفی نقل می کند که با اسناد خود از حمران نقل کرده که:

«عمر دنیا صد هزار سال است. از این مدّت، بیست هزار سال سهم دیگران و هشتاد هزار سال، سهم آل محمد علیهم السلام می باشد» (۴).

در این زمینه، روایات فراوانی از ائمه علیهم السلام نقل شده که ما به جهت اختصار به نقل

ص: ۴۵۱

---

۱- ۷۷۹. عقد الدرر، ص ۳۰۵.

۲- ۷۸۰. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸۳.

۳- ۷۸۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ ارشاد مفید، ص ۳۶۵.

۴- ۷۸۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۶، ح ۲۲.

روایات یاد شده بسنده کردیم.

از بررسی مجموع روایاتی که در مورد مدّت حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام وارد شده، معلوم می شود که اختلاف فراوانی در مدّت سلطنت آن حضرت وجود دارد؛ زیرا رقم های ۷، ۸، ۹، ۱۴، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۰، ۴۰، ۷۰، ۱۴۰ و ۳۰۹ سال در چندین روایت دیگر نیز وارد شده است. (۱)

البته گرچه بعضی از این روایات بر برخی دیگر قابل حمل است و دو روایت ۷ و ۷۰ و ۱۴ و ۱۴۰ به خوبی قابل جمع هستند؛ زیرا طبق روایت چهارم و هشتم که از امیرمؤمنان علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل نمودیم، هر سال آن زمان معادل با ده سال زمان ماست؛ ولی با این همه، نمی توان گفت که مدّت حکومت حقّه تا این اندازه محدود و ناچیز است. زیرا حکومتی که پیامبران الهی از تشکیل آن سخن گفته اند و به مردم بشارت ها داده اند و امیدها در دلها به وجود آورده اند و آیات زیادی از قرآن بدان اختصاص یافته (۲)، و هزاران حدیث از معصومین علیهم السلام در مورد آن روزگار مسعود وارد شده، و هزاران شیعه دل سوخته منتظر، سالها و قرنها در اشتیاق فرا رسیدن آن دوران پر شکوه عمری را سپری کرده اند، نمی توان گفت که یک حکومت هفت ساله یا هشت ساله است. لذا بهتر است که مطابق برخی از روایات که حکومت حقّه امام زمان علیه السلام را تا قیام قیامت دانسته، آن را حکومت جاویدان بنامیم و تا پایان جهان و برپایی قیامت، مستمر و پا بر جا بدانیم. چنان که در حدیث مفصّلی از پیغمبر اکرم نقل شده است که خدای تبارک و تعالی در شب معراج راجع به وصی آخرین فرمود:

«وَلَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنُودِي، وَلَأَمِدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي، حَتَّى يُعْلَنَ دَعْوَتِي وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي، ثُمَّ لَمَأْدِيَمَنَّ مُلْكُهُ، وَ لَأَدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». (۳)

«به یقین او را با سپاهیانم یاری می کنم و فرشتگانم را به یاری او می فرستم تا دعوت مرا آشکار سازد و همه بندگانم را بر توحید من گرد آورد؛ آن گاه

ص: ۴۵۲

۱- ۷۸۳. ر. ک: المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۳۲۲ باب ۲۱.

۲- ۷۸۴. به کتاب «المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه» مراجعه شود.

۳- ۷۸۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲ - علل الشرایع، ج ۱، ص ۷، ط بیروت.

سلطنتش را جاوید می سازم و روزگار را تا روز رستاخیز در دست دوستانم می گردانم».

آری خواننده گرامی! آنچه از مجموع شواهد و قراین و روایات اهل بیت علیهم السلام به دست می آید این است که، مدّت حکومت حقّه حضرت مهدی علیه السلام همانند غیبت آن بزرگوار در اختیار خداوند است و جز با اراده و مشیّت ذات اقدس احدیّت پایان نمی پذیرد و مدّت آن را جز خدای تبارک و تعالی نمی داند.

از خدای متعال خواهانیم که ما را از شیعیان خالص و منتظران واقعی آن حضرت قرار داده، در ظهور مبارک پیشوا و مولایمان تعجیل فرماید، و بر ما منت گذارد و بقیّه عمر ما را تفضّلاً در روزگار مسعود دولت حقّه و زمان مبارک آن حضرت قرار دهد.

به امید روزی که آن بزرگ رهبر آسمانی، آخرین حجّت خدا، موعود همه اُمّتها و ملّتها ظهور نموده، و جهانیان را در سایه حکومت واحد جهانی از عدالت و آزادی الهی خود سیراب فرماید.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

